

تمديد سرکهاي جديد

چون حکومت متبوعه ما مشغول فراهم آوري تمام وسائل راحت و آرامی و رفاهيت ملت و ترقی و تعالی مملکت بوده و آرزو دارد وطن عزيز از هر جنبه ترقی و پيشرفت نمايد، به واریسی همه امور مخصوصاً به تنظيم و تسطیح خطوط مواصلت به اطراف و نواحی مملکت نهایت توجه و مساعدت نموده تمام سرکهاي سابقه که قابل ترمیمات لازمه بوده ترمیم و علاوه تاجاده های نافع متعددی در تمام نقاط لازمه تمديد و تسطیح کرده است که اینک از تذکار سرکهايیکه ترمیم گردیده از حیث طوالت مضمون صرف نظر نموده و تنها سرکهايی را که تازه تمديد گردیده ذیلاً بمطالعه هموطنان عزيز ميرسانیم :

متر	کیلومتر	
۵۰۰ — ۱		۱ : تمديد سرک از حد چهار راهی عقب فرقه شاهي الى قشله عسکری شیرپور
۵۰۰ — ۱		۲ : « « « سرک دروازه لاوری به بالا حصار و از بالا حصار بطرف شهدای صالحین الى زیارت جبیر و تمیم انصار رضی الله تعالی عنهم
۸۰۰ — ۲		۳ : تمديد سرک از حد مینار یادگار شهادت عبدالوکیل خان نائب سالار مرحوم تاسرک قلعه هاشم خان
— ۴		۴ : تمديد سرک جدید رفقی سناتوریم و اتصال آن به سرک دار الفنون و پخته کاری آن
۸۱۵ — ۴		۵ : « « « از ریش خور الى چهار آسیاب و اتصال آن به سرک لوگر
۱۹۸ — ۱۲		۶ : « « « پل قندهاری محمد اغه تاسرک لوگر
۱۴۸ — ۹		۷ : « « « پادخاب روغنی از طریق ده دوشنبه و بخش آباد و اتصال آن به سرک گردیز
۱۹۸ — ۱۳		۸ : تمديد سرک از پل علم الى قریه خوشی لوگر
۲۴۸۵ — ۱۵		۹ : « « « پورک الى قریه دادوخیل و زرغون شهر و اتصال آن بسرک سرخ آب لوگر
۳۹۶ — ۲۶		۱۰ : تمديد سرک از کلنگار الى کوتل دیوانگی
۵۹۴ — ۳۶		۱۱ : « « « سرک قندهار تا کتواز
۳۳۶ — ۸۲		۱۲ : « « « مرکز کتواز براه محمود خیل الى موش خیل و خود خیل
۴۴۵ — ۲۷		۱۳ : « « « از قریه سرکی خیل جانمرد به سمت کتواز الى بدی
۳۴۶ — ۱۱		۱۴ : « « « حد قلعه نظر خان تا حد شهیدان حصه اول اندر
۸۹۰ — ۶۷		۱۵ : « « « مقر بعلاقه داری ناوه و اتصال آن به کتواز
۶۴۳ — ۳۹		۱۶ : « « « بهسود به سمت جاغوری الى کوتل لومان
۴۴۵ — ۲۷		۱۷ : « « « کوتل لومان الى سنگ ماشه
۵۹۴ — ۳۶		۱۸ : « « « کوتل لومان تا سرک قیسار به حد قره باغ غزنی
۲۴۸ — ۲۳۳		۱۹ : « « « بامیان به دایزنگی و اتصال آن به دولت یار مربوط ولایت هرات

تمدید سرکهای جدید

ولایت قندهار:

متر	کیلومتر	
۸ —		۱ : تمدید سرک از تخته پل الی مانده
۶۰ — ۹۹۰		۲ : » » ارزگان از پل ارغنداب الی حکومتی دهله
۹۱ — ۴۸۵		۳ : » » از حکومتی کلان قلات تا حکومتی هوتکی
۳۳ — ۵۴۴		۴ : » » از قلات الی شنکی
۱۵ — ۲۴۸		۵ : » » از شنکی تا حوت قول جاغوری
		۶ : » » از مرکز پست رود تا ناوه
۶۷ — ۸۹۰		۷ : » » از حکومتی کلان پست رود تا حکومتی گرم سیر
۶۰ — ۹۹۰		۸ : » » از حکومتی کلان پست رود الی مونس قلعه زمین داور

ولایت هرات:

۴۵۷ — ۷۹۵	۱ : تمدید سرک از او به الی علاقه داری دولت یار و اتصال آن به دایزنگی
	۲ : » » بین گلران و هرات

ولایت مزار شریف:

	۱ : تمدید سرکهای عریض و مستقیم در شهر مزار شریف.
	۲ : » » سرک از شهر مزار شریف به دهدادی.
	۳ : » » سرکهای جدید در آقچه.
	۴ : » » سرک در علاقه داری شور تپه.

ولایت قطغن و بدخشان:

متر	کیلومتر	
۱۵۴ — ۵۶۰		۱ : تمدید سرک از سرک دره شکاری از راه غوری به خان آباد
		۲ : » » از خان آباد به تالقان و از آنجا به علاقه داری خواجه غار و از آنجا به حکومتی حضرت امام صاحب :
۱۴۴ — ۹۰۰		۳ : تمدید سرک از خان آباد به گردانی
۵۲ — ۵۲۰		۴ : » » از خان آباد به قندوز و از آنجا الی باش آبدان
۷۰ — ۸۴۰		۵ : » » از خان آباد تا حکومتی اشکمش
۸۰ — ۵۰۰		۶ : » » از خان آباد تا مرکز نهرین
۳۸ — ۶۴۰		۷ : » » از خان آباد الی فرخار
۹۱ — ۴۸۵		۸ : تمدید سرک از فیض آباد الی ارگو و درانه و تشکان و حکومتی کشم تا کلفکان
۵۴ — ۹۹۱		۹ : » » از فیض آباد تا حکومتی جرم
۷۳ — ۱۸۸		۱۰ : » » از فیض آباد الی علاقه داری شهر بزرگ
۲۴ — ۳۹۶		۱۱ : » » از کنبه کشم براه پل بیگم بظرف رستاق
۳۰ — ۴۹۵		۱۲ : » » از روستاق تا علاقه داری چاه آب
۳۶ — ۵۹۴		۱۳ : » » از رستاق تا پل شیمه
۵۴ — ۹۹۱		۱۴ : » » از رستاق تا ینگه قلعه

حکومتی اعلاى مشرقى :

متر ————— كيلومتر

۱۷ — ۰

۶ — ۰

۴ — ۵۰۰

الف : بذريعه مدیریت تعمیر سرك مشرقى :

۱ : تمديد سرك جديد مشرقى از بتخاك الى سموچ هاى ملا عمر

۲ : « « جديد مشرقى از طرف ميان سروبي و كته سنگ

۳ : « « از كمكى خيبر تادكه

ب : بذريعه مأموريت معابر حكومتى اعلاى مشرقى :

۱۰۹ — ۷۸۲

۱ : تمديد سرك از لغمان به سمت اسمار تا چغه سراى

۲ : « « بهر دو طرف شهر جلال آباد از دورائى درونته و كابل

۱۷ — ۵۶۷

الى پل سراچه عليخان

۳ : سرنك پراى در تنگى درونته و ديوار لب دريائى كابل .

حکومتى اعلاى جنوبى :

۷۳ — ۱۸۸

۳۹ — ۶۴۳

۱ : تمديد سرك از گرديز تا غزنى

۲ : « « از گرديز تا ميرزكه

۳ : « « ارسر روضه بطرف ارگون

۱۸ — ۲۹۸

۴ : « « از ارگون الى اورجانه ز بروك

۱۸ — ۲۹۸

۵ : « « از ارگون الى سروبي

۱۵ — ۲۴۸

۶ : « « از سمر روضه الى شرن كتواز

۷ : « « از لك ديوار ز رمت بطرف كتواز

۸ : « « از حدود دم غندى منگل الى كوتل سروتى

۲۷ — ۴۴۵

۹ : « « از مركز خوست الى صبرى

۴۵ — ۷۴۲

۱۰ : « « از مركز خوست تا سيد خيل جدران

۳۳ — ۵۴۴

۱۱ : « « از حد سرحد كرم براه لكهن و هارون خيل و طورابوى سرحد

۲۷ — ۴۴۵

۱۲ : « « از مركز خوست الى تنى خوست

۳۳ — ۵۴۴

۱۳ : « « از مركز خوست تا جاجى ميدان

حکومتى اعلاى فراه و چخانسور :

۱ : تمديد سرك بين اناردره و فراه

۲ : « « از مركز چخانسور به علاقه دارى نهر شاهى و نادعل و از آنجا

به علاقه دارى چهار برك و از مركز بكوا به سمت علاقه دارى گستان و كوهستان .

۳ : تمديد سرك از مركز حكومتى اعلى به علاقه دارى بالا بلوك .

۴ : « « در علاقه دارى هاى لاش جوين و چاى گوته و چاى برك و چشمه توكل .



تعمیر پلها

ولایت کابل :

- ۱ : تعمیر پل دریای چمچه مست که سرک رفقی سناتوریم و دارالفنون را اتصال میدهد
- ۲ : تعمیر پل گلباغ .
- ۳ : تعمیر پل در سرک پل چرخ .
- ۴ : ترمیم پل متصل بندغازی .
- ۵ : ترمیم پل چمچه مست و کتارهای آن .
- ۶ : تعمیر پل تنگی وردک که کار آن جاریست .
- ۷ : تعمیر پل رنگای غوربند

ولایت قندهار :

- ۱ : تعمیر هجده پل به سرک ارزگان که بطرف حکومت دهله تمدید شده .
- ۲ : تعمیر پل ارغنداب .
- ۳ : « » ارغسان (اراکوسیا) .
- ۴ : تعمیر پل دیگر در ارغسان .
- ۵ : تعمیر پل شاه جوی .
- ۶ : « » چهل دوپل در شیله های معا بر ارغسان .
- ۷ : « » دوپل در حکومتی پشت رود .
- ۸ : دوپل بین مقر و قلات در حد شاه جوی .
- ۹ : معبر شیله دب و معبر جدید ترنگ .

ولایت هرات :

- ۱ : تعمیر پل در موضع شیر خاش هرات .
- ۲ : ترمیم پل مالان .
- ۳ : تعمیر پل در خواجه چشت .

ولایت قطغن و بدخشان :

- ۱ : تعمیر پل دریای بنگی .
- ۲ : تعمیر پل در فرخار .
- ۳ : تعمیر پل در قندز .

مدیریت تعمیر سرك مشرقی :

الف : در حصه ولایت کابل .

۱ : تعمیر شش پل و دو معبر از بتخاک الی سمج های ملا عمر .

۲ : تعمیر سه پل در حصه رود چناری (کار آن جاری است) .

ب : در حصه حکومتی اعلاى سمت مشرقی .

۱ : تعمیر پل سرخ آب (کار آن جاری است) .

۲ : تعمیر پل نظر آباد .

۳ : تعمیر پل کبوتر .

۴ : تعمیر پل شبلة نافی .

۵ : سه پل در جلال آباد .

۶ : سه پل در سراچه علیخان جلال آباد .

۷ : پل در حدود دشت چوره گلی .

۸ : ده پل در دکه .



از تعمیرات سال ۱۳۱۲ مشرقی



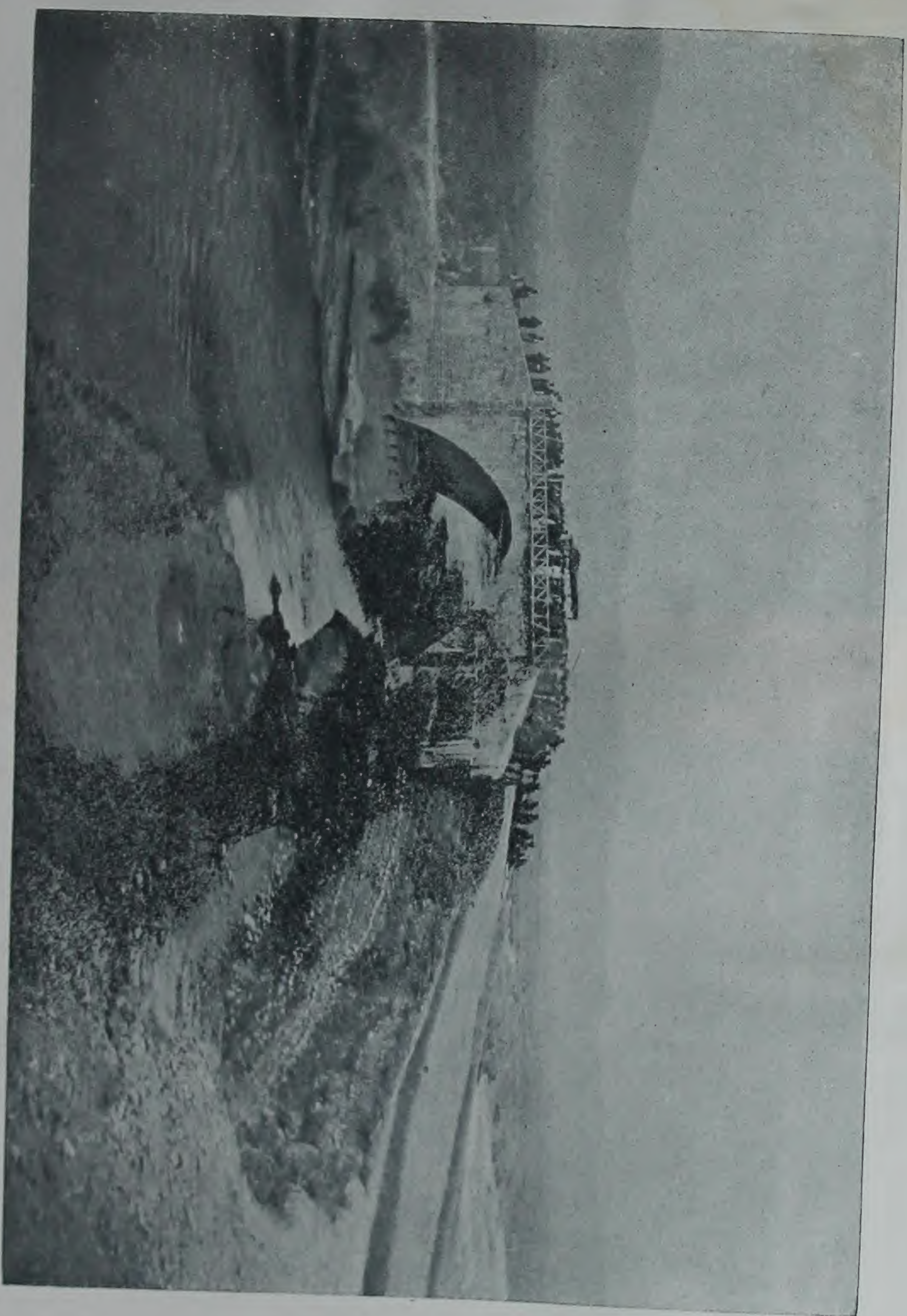
پل چوره گلی سمت مشرقی

Le Pont de TCHORA- GALI sur la Route Kaboul- Indes.



پل واقع نظر آباد کدداخل خط سیرک جدید مشرقی است

Un des nouveaux Ponts sur la nouvelle Route KABOUL- INDES. (Nazar Abad Prov. de l'Est).



پل دریای بنگالی (خان آباد) کہ ترمیم یافتہ
Le pont de la rivière de Bangui restauré en 1312 (Khamatbad).



مسجد و جایگاه مبارک خرقه مطهر حضرت نبوی (صلعم) در قندهار

Bâtiment et Mosquée de KHÉRQA-I-CHÉRIF (Menteau du Prophète) à Kandahar



۱۱ بنا و تعمیر یافته
 منار یادگار شهداء میوند که در دوره نادر شاهی نسبی
 Monumēt Commémōratif des Martyrs de la Guerre de MAY-OUAND
 construit sous le Rēgne de S. M. NADIR CHAH (Kandahar).
 بقدر شناسی از فدائیان وطن و احیای نام ایشان در سال ۱۲۰۲

غور

قلب مملکت با افتخار تاریخی ما، یا مرکز صدور اوامر جهان مطاع شاهان نامدار غوری سرزمین رفیعۀ غورات امروزه بود. این سرزمین عزیز در قرن پنج و شش اسلام با ملحقّات شرقی و شمالی اش که مقصد از تولک، فرسی، شهرک، چنچران، جوند، هزاره جات حالیۀ باشد بنام غرجستان معروف بوده با عمرانات و ترقیات مخصوصی در قلب مملکت افغانستان جاداشت.

در عهد غزنویان که غزنه پایتخت بود، غور جستان بصورت یک ایالتی اداره می شد، ولی در عهد شهنشاه بزرگ سلطان غیاث الدین غوری فیروز کوه که مستط الراس این خانواده و در عهد پدر و عم بزرگوارش اعمار و ترقی پذیرفته بود رسماً پایتخت سلطنت قرار گرفته غزنی صورت ایالت نشینی را اختیار کرد.

تمدن غرجستان مخصوصاً در عهد غوریان به اوج ترقی رسیده مهد بسی فضلا و نام آوران اینخاک بشمار رفته و با ترقیات بلخ همسری می نمود. خرابه زار امروزه، تیوره، شهرک، فیروز کوه و غیره نقاط عظمت گذشته این سرزمین را بخوبی نمایندگی مینماید و جمعیت اینخاک در آن عهد ثلث جمعیت تمام مملکت را از حیث خوبی آب و هوا و ترقیات مدنی تشکیل میداد، ولی متأسفانه در فتنه مغل بعد از خرابی و احراق بلخ اهالی این خطه نامی با مغل وحشی فوق العاده مبارزه و مقاومت کرده آن گروه خون ریز تمام نفوس را قتل عام و همه عمرانات آن را بلافاصله خراب و احراق نمودند. غورات از آن زمانه اسف آوری حال بهمان وضع ویرانی مانده اخیراً قلعه تیوره جدید، پرچمن، پسابند که فعلاً به اسم غور معروف است تا سال ۱۳۱۲ به عنوان یک حکومت درجه اول از طرف ولایت هرات اداره می شد و دیگر ملحقّات قدیمه آن از قبیل: تولک، شهرک، چنچران بحکومتی های مختلفی تقسیم و از وی مجزا شده مستقیماً از مرکز هرات اداره میگردیدند. ولی درین عصر فرخنده که شهرهای تاریخی وطن مورد توجه قرار گرفته خوشبختانه غور درین سینه بحکومت کلان تبدیل یافت که صورت تشکیل جدید غورات و تشکیل حکومت کلان بادغیس که نیز بحکومت کلان تبدیل یافته قرار آتی است.

الف: حکومت کلان غورات:

۱: مرکز نفس غور - ۲: علاقه داری پسابند - ۳: علاقه داری پرچمن - ۴: حکومت تولک - ۵: علاقه داری فرسی - ۶: حکومت شهرک - ۷: علاقه داری فراه رود - ۸: حکومت چنچران.

ب: حکومت کلان بادغیسات.

۱: مرکز حکومتی قلعه مرغاب - ۲: علاقه داری جوند - ۳: حکومت قلعه نو - ۴: علاقه داری قادس - ۵: حکومت کشک - ۶: علاقه داری گلران.

بطوریکه این خطه مهم تاریخی جلب توجه حکومت ترقی خواه خود را نموده و در تشکیلات اداری ترقی کرده است امیدواریم در سایه این حکومت غم خوار و زودی غورات تاریخی احراز موقعیت عالی مدنی خود را نیز بتواند.

نظریات علمای روسیه شوروی

نسبت به صنایع تاریخی افغانستان

از قلم پروفیسور دینکه عضو انجمن
علمی شرق شناسی کل روسیه

صنایع افغانستان هنوز آنقدر کم در تحت تدقیق و مطالعه آمده که برای جوینده، مملکت پراسرار و مخفی را جلوه میدهد. اثرهای مخصوصی در باب صنایع نفیسه تاریخی در افغانستان اشاعه نیافته است و فقط نظریه مختصر نگارشات سیاحین و آنهم که بصورت عمومی رقمطرازی نموده اند اگر دقت شود خیلی بر معنی و در محتویات خود شعب مختلفه را داراست.

نمایندهای صنایع افغانستان بچندین عوالم مدنی ذممدخلی است. اولی به عالم مدنیت بودا و دومی در محیط صنایع اسلام. علاوه بر آن مکشوف گردیده که آثار باختری های قدیم که بامدنیت ایران قدیم ارتباط دارد موجود است. در باب آثار معماری مدنیت های متنوعه هر دوره از تصنیف قابل تقدیر اکادمیک بارتولد (اجمال جغرافیای تاریخی ایران سنه ۱۹۰۳) معلومات گرفته میتوانیم و همچنین بعضی معلومات متمم در (مجله شرق جدید) که در سنه ۱۹۱۷ بطبع رسیده و در خصوص نتایج علمی هیئت اعزامیه (ایکسپدسیون) که از طرف المانها در اوال جنگ عالمگیر وارد افغانستان شده بودند و توضیحات بسیطی میدهد دیده میشود. چون مقصود اساسی ایکسپدسیون مذکور ایفای وظایف حربی و سیاسی بود بناءً علیه در مسائل علمی رول ضمنی بازی کرده و نسبت به صنایع تاریخی و آثار عتیقه بعضی مشاهدات بعمل آورده و عکسهای برداشتند.

از آثار صنایع بودا در افغانستان بت های عظیم الجثه و سموچهای که دارای تزئینات برجسته و منقش و مصوری باشد در بامیان موجود است. (درین باب دوکتور

ولیچسیلاو) در نطق خود که بحضور مجلس کمیسیون افغانی در انجمن علمی شرق شناسی کل روسیه در سنه ۱۹۲۲ ایراد نموده است متذکر می شود ملاحظه کنید و در خصوص عمارت نو بهار که از عمرانات ادوار قبل از اسلام و در بلخ وجود دارد بار تولد توضیح میکند (صحیفه ۹ - ۱۰) که این عمارت در عصر دهم در حالت ویرانه دیده شده است. جغرافیادان ایرانی آنرا عمارت پادشاهان قدیم ایران مینامد ولی بحقیقت قریب تر عقیده بار تولد است مبنی به توضیح جغرافیا دانان عرب که میگویند. نو بهار معبد آن دینی است که شهنشاهان چینی و شاهان کابل معتقد آن بودند، یعنی بودایان شرح ساختمان معبد مذکور را در قرن نهم ابن الفقیه میدهد و از او پیشتر در قرن هفتم از طرف زائر بودائی سوآن تسان نیز تشریح گردیده که در معبد مزبور چندین مقدسات بودائی مدفون و بطرف شمالی زمینه پله ها راه داشت و در وقتیکه سوآن تسان حضور داشت تا صد عدد صومعه بودائی در بلخ موجود بود چقدر حفاریات این موضع پر ثمر خواهد بود و چقدر چیزهای جدیدی در فن صنائع قدیمه ما را خواهد آموخت! حفاریات این موضع قراریکه مجله فرانسوی در سنه ۱۹۲۲ اطلاع میدهد از طرف موسیوفوشه در بلخ آغاز گردیده است و در آنجا اکتشافات جدید را انتظار میکشد و برای مطالعات صنائع یونان، بودا، مساعدت خوبی خواهد نمود که خط مشی اساسی مقاصد علمی خود را تعقیب کند.

سلطنت یونان و باختریان که عظمت و جلال آن نصیب قرن دوم قبل المیلاد است میبایستی آثار عتیقه آن در ناحیه هندوکش و همچنین اراخوسی (ناحیه علیای دریای هلمند یا پایتخت قندهار) مانده باشد. در این مواضع ممکن است که آثار صنائع حقیقی باخترها ظاهر شده و هم در تمثالهای قدیمه صنائع چین تأثیر آن امکان مکشوفیت دارد.

قرن دوم قبل از میلاد در این خصوص هیرت نیز تصدیق ولی شاوان تکذیب میکند.

در قسمت غربی باختریان قدیم از خرابه های شهر باختری قدیم نیمملک (اسم سابق آن یوکرآتیه یا) سیاحین ذکر میکند هکذا احتمال دارد آثار آرتا کوانه قدیم در موضع بالا حصار هرات چنانچه توماشک (۱) حدس میزند پیدا شود. ندرمایر (رئیس و فدامانی) بسمت شرق

(۱) بار تولد «اجمال جغرافیای تاریخی ایران سنه ۱۹۰۳ صحیفه ۴ - ۲۵»

جنوب بلخ قدیم از ابنیه خیلی قدیم که بکلی ویران گردیده اند متذکر میشود و این آثار قدیم که عبارت از مینارهای بزرگی است و از خشت پخته آباد شده بود به عصر روز آسترا (زردشت) تعلق دارد و از باختریها بحیث قدیمترین مرکز تمدن آریانی که بما معلوم است حکایت میکند. حصارهای گلی که تا بیست متر عرض دارد در شمال آن آباد شده باید تعلق باین عصر داشته باشد. این حصاریا دیوار بزرگ در غرب تاقی که مردم بومی آنجا شهر قدیمی آنرا می خوانند ختم میشود.

شکل ساختمان حصار مذکور منکسر و بطول ۸۰۰ متر و عرض ۶۰۰ متر میباشد. و عموم ساختمان ابنیه عبارت از ارتفاع (۱۰ متر) است که در روی میدان چمن زار آباد و با دیوارهای مرتفع از گل و خندقهای عریض محصور میباشد. در قسمت انتهائی سمت جنوبی آن بالا حصارش واقع است.

در عرض راه تاشقرغان و ایبک ابنیه قدیمی موجود و غالباً از دوره زور آسترا خواهد بود. بفاصله چند ساعت راه در دشت بطرف شمال شرقی تاشقرغان قصبه واقع است که بلاشک از اهل باختریان میباشد.

مادامیکه بصنائع اسلامی افغانستان غور شود ما همچنین می بینم که خیلی کم اکتشافات بعمل آمده است. صنائع اسلام در حدود افغانستان اهمیت زیادی که دارد برای فهمیدن صنائع قرون وسطی آریانی میباشد که قسماً در شعبه مدنیت افغانستان موجوده کاملاً آنرا تمثیل میکند. و آن بر کهم در مقاله خویش راجع به معماری اسلام در ایران نیز نسبت به نشریات زاره (یادگارهای معماری ایران) خاطر نشان میکند که برای توسعه صنعت معماری ایرانی در اکثر شعب آن تا هنوز تحقیقاتی بعمل نیامده است، و مشارالیه مینویسد که یادگارهای عربستان، فارس کرمان، خراسان و غیره نظر بیادداشتهای مسافرین و اطلاعات عمومیه براینما پر اسرار معلوم می شود.

اما ضمناً در افغانستان باید بعضی مسائل تاریخ این صنائع معماری صورت حل و فصل را بخود حاصل کند. بعقیده (وان بر کهم) لازم است که دوره ترقی نقاشی های مدارس درهرات جستجو بشود ولی در آنجا آثار تاریخی بسرعت مخروب میگردد و راهنمای صحیح و تالیفاتی در این خصوص موجود نیست. خانیقوف که مدت پنج ماه درهرات توقف نمود درباب

آثار تاریخی آن هیچگونه معلوماتی نمیدهد. در تصنیف سال اوین که در سنه ۱۹۰۷ در زیر عنوان (یادگارهای صنائع مستظرفه اسلام) اشاعه یافته در قسمت اولین آن فقط در باب مینارهای غزنی افغانستان ذکر میکند که آنهم قبلاً از طرف فرگیوسون (تاریخ صنعت و معماری هند و شرق، زبان انگلیسی) نشر شده است. در باب آثار معماری اسلام در افغانستان که چقدر و بچه حالت در حال حاضر میباشد مثلاً بار تولد و ندرمایر در تصنیفات فوق الذکر خویش معلومات میدهند و چنانچه ایت هم در باب سه دانه طاق بزرگ نزدیک دروازه غربی بلخ شرح میدهد که بقرار گفته ساکنین آنجا از آثار مسجد جامع، چهارسوق، مسجد سبز است و نیز خرابه های مدرسه ایت که سبحان قلی خان زمامدار نصف دوم قرن ۱۷ عیسوی آن بلاد عمرات نموده است. هکذا خرابه های دیگر است که از طرف چنگیز خان مخروب گردیده، و احتمال دارد که تخریب آن به دوره تعلق داشته باشد که چنگیز خان شهر بلخ را خراب نمود. در مزار شریف مقبره خلیفه علی (کرم الله وجهه) که در سنه ۱۴۸۱ عیسوی سلطان حسین تیموری آباد کرده بود، موجود است. نظر بمشاهدات هیئت اعزامیه المان که فقط داخل مقبره شکل قدیمی آنرا نشان میدهد اما از طرف خارج مقبره بواسطه الحاقات بی مذاق تماماً تبدل یافته است و همچنین خرابه های قرون ۱۳ - ۱۴ عمارت اسلام گمان میرود که موجود باشد.

حال نظری بطرف هرات می اندازیم. در آنجا فخرالدین کرد بالا حصار در سنه (۱۲۵۸ - ۱۳۰۷ عیسوی) آباد کرده است که حال هم وجود دارد. بار تولد فقط در باب عالیتزین ابنیه داخل شهر که عبارت از مسجد جامع باشد و در سنه ۱۲۰۱ عیسوی از طرف غیاث الدین سلطان کرد عمران و در قرون ۱۳ - ۱۴ باز ترمیم گردیده متذکر میشود. نظریه مشاهدات هیئت اعزامیه المانی گویا مسجد مذکور در ازمنه مختلفه ترمیم و تعمیر گردیده و در حال حاضر هم در اثر توجه امیر بصورت مرغوبی صیانت میشود و در اعصار خیلی مابعد از آن (نسبت بزمان انشاء آن) دیوارهای حیاط جامع مذکور باخشت های منقش مزین و بروی آن بطرز عمارات خراسان از کاشی کار شده است و بطرف شمالی مسجد حجره کوچکی بشکل مربع ساخته شده که دروازه در آمدن آن خیلی منقش و رخ آن بطرف شرق است. عمارت مذکور بشکل و نقش خود، مسجد سرخ خراسان را بیاد میدهد در

اطراف شهر هرات مصلاهی خیلی قشنگ واقع است. مصلاهی هرات از سه عمارت مدرسه مرکب بود و مادام کدایت دیده بود دو طاق با چهار مینار آن که ابنیه گنبد مانندی را تشکیل میداد با مقبره های بعضی اهل نیمور و معبد بزرگی که در مین مسجد جامع هرات محسوب میشد باقی مانده بود بقرار گرفته اسفزاری این عمارت در اواسط قرن یازدهم عمران شده بود.

بارتولد خاطر شان میکنند که نظر بمعلومات هولدریج (عمسایه هند سنه ۱۹۰۱ صحیفه ۱۴۲-۱۴۳) این عمارات در حال حاضر وجود ندارند زیرا امیر افغانستان عبدالرحمن خان در سنه ۱۸۸۵ عیسوی در اثر اصرار مهندسین انگلیسی که در آن زمان محاصره هرات را از طرف روسها انتظار می بردند امر به تخریب آن داد.

تخریب آن معلوم است که کامل بوقوع نپیوست زیرا هیئت اعزامیه المانی معلومات میدهد که در مصلی حاضر ۹ دانه مینار باقی مانده که از آنجمله چهار مینار در ابتدا تعلق بیک عمارت داشته و همچنین در ابنیه کوچک گنبدی، عکس ابنیه مخروبه تاجیکه با معلومات داریم وجود دارد این مثال روشن و ثابت می سازد چقدر لازم است که برای تحقیقات و عکس برداشتن آثار تاریخی افغانستان و بطبع و نشر آن عجله باید کرد. در قرب هرات زیارتگاه شیخ عبدالله انصاری (رح) در قرن یازدهم عمران گردیده موجود است. احاطه وسیع آن شصت متر در چهل متر است که در آن لوح سنگهای کوچک قبرها خیلی زیاد میباشد دیوارهای حیاط قسمی کاشی کاریست بطرف جنوب شهر پیل واقع است (مقصد مؤلف از پیل مشهور مالان است که بالای دریای هیرمند آباد گردیده) در عصر شاه عباس غالباً عمران گردیده است.

از غزنی قدیم که در قرن دهم پایتخت سلطنت وسیعی بود یکی از مراکز علم و هنر بشمار میرفت خرابه هائی (در ۲۵ کیلومتری غزنی موجوده) تا حال باقی مانده است شهر غزنی را در قرن ۱۲-۱۴ چندین مراتبه خراب گردند بقرار گرفته سالوین غزنی در اواسط قرن ۱۲ در مرحله اولین قتل عام خراب شد در وقتیکه علاوالدین حسین به انتشای مقبره سلطان محمود و دو مینار (که یکی آنرا بعده فرگیوسون ترمیم کرد) جمیع آثار تاریخی را منهدم نمود. محمود مسجد خیلی قشنگ از سنگ مرمر و گرانیت آباد کرد که

شرح حصار هرات و بالاحصار آن با فتووها در کتاب هملتن (افغانستان سنه ۱۹۰۵ صحیفه ۱۵۷-۱۵۸-۱۶۱).

در شاهنامه از آن تعریف و توصیف شده است. اگر در غزنی حفريات شود خیلی عجيب خواهد بود که از طرز ساختمان عمرانات آثار جوان معماری اسلام در افغانستان واضح شود. در قندهار آثار معماری اسلام به اعصار خیلی قريب تعلق دارد. بعضی یادگارهای عجيب در کابل هم واقع است. از آنجمله بیشتر قابل توجه مقبره تیمور (آخر قرن ۱۷) که عبارت از عمارت گنبدی به شکل هشت زاویه ایست که از خشت پخته ساخته شده. دوم مسجد عیدگاه است که بطرز هندی آباد گردیده بالای سلسله کوه های غربی استحکامات عصر نادر شاه (۱۷۴۷) موجود است این تفصیلات مختصر از یادگارهای اعصار مختلفه صنائع معماری اسلام در افغانستان که گمان میرود هنوز جامع نیست نشان میدهد که قطعاً از حیث تاریخ صنائع مستظرفه مطالعات و تدقیقات بعمل نیامده لازم است که سنجش معماری یادگارهای تاریخی بعمل بیاید و فوتوهای اعلی از هر يك یادگار با توضیحات لازمه آن برداشته شود بعد از آن هم از حیث طرز معماری و هم از نقطه نظر نقاشی مطالعات و تدقیقات بعمل آید و با معلومات متوصله ماقبل تطبیقات بشود و خصائص طبیعی معماری اسلامی افغانستان و اهمیت آن در تکامل صنعت معماری ایران و همچنین واضح شود که معماری سمت جنوبی و جنوب شرقی افغانستان با صنائع اسلامی هند تا چه پایه ارتباط دارد.

سائر شعب صنائع اسلام در افغانستان و همچنین تقریباً در تحت مطالعه و مذاقه نیامده است بیشتر از همه آغاز صنعت نقاشی و مصوری خورده (میناتور) «افغانستانی» (اگر باین معنی امکان داشته باشد که اظهار عقیده بشود) واضح گردیده است که در آن شاخی از میناتور ایرانی که اول از هرات (که مکتب میناتور هرات نامیده میشد) اقتباس شده است. در عصر تیموری ها هرات یکی از عمده ترین مراکز مدنیت نقاشی آن عصر محسوب می شد و در زمان شاه رخ (۱۴۰۵-۱۴۴۷) بهمت و کوشش شهزاده بایسون گور (۱۴۳۳) که حامی و مدار علم و معرفت بود انجمن علمی (اکادمی) صنعت کتب تاسیس گردید (۱) که برای ترقی میناتور (نقاشی و مصوری کوچک) بطرر ملی آن خیلی اهمیت داشت. این انجمن علمی برای ترقی خطاطی، نقاشی و مجسمه سازی به اساس دستورات جدید نیز استفاده میشد و آخرین دوره درخشان خود را در عصر سلطان حسین بایقاره (۱۴۶۹-۱۵۰۴)

(۱) کتاب کیونیل میناتورى مشرق اسلامى . منطبه برلین سنه ۱۹۲۲ . صفحه ۲۵-۲۶ .

گذشته اند و در سنه ۱۵۰۷ هنگامیکه هرات دستخوش یغما گردید انجمن علمی هم بحیات خویش خاتمه داد، در کارهای مکتب هرات اگرچه تغییرات زیادی بطرز ایرانیت بعمل آمده بود اما باز هم نفوذ صنعت چین مشاهده میشود و در اینکه مناسبات مستقیمه باچین در آنوقت موجود بود تصاویر دست حیات الدین قلیله که در سنه ۱۴۱۹ به پیکن در جمله اعضای سفارتی که بانجا اعزام شده بود رفته و فقط پس از سه سال اقامت مراجعت نمود و کیونیل (در صفحه ۲۶) تصور میکند که آبا او در تابلوی طرز چین جمعیت (خسرو، شیرین موسیقی چیان) را که در روی قماش ابریشمی شاخه بابرنده گک که بلاشک بقلم رسام چینی کشیده شده است رسم کرده؟ در تابلوی مذکور بزبان فارسی عبارت ذیل نوشته شده « در هرات از طرف یکنفر چینی رسم شده » در بین نوشته های قلمی که در هرات نوشته شده کتاب « مواجنامه » قلمی خیلی عالی ۱۴۳۶ را مخصوصاً متذکر میشویم که در کتبخانه ملی پاریس موجود است.

بهراد رسام هم بمکتب هرات تعلق داشت بهزاد یکی از رسامان نادری است که مورخین ایران در خصوص او توضیحات جزئی میدهند که مابهرت نسبت به او از ایشان معلومات داریم بهزاد در حدود سنه ۱۴۴۰ تولد و از صفارت در هرات بدربار سلطان حسین میرزا آغاز بخدمت نمود مورخین استاد او پیر سید احمد تبریزی را می فرماید و حامی مخصوص بهزاد میر علی شیر نوائی شاعر و وزیر بود از سنه ۱۴۶۸ الی ۱۵۰۶ بهزاد بریاست انجمن علمی هرات مؤظف شده و پس از آن در تبریز زندگانی و خدمت میکرد و تا سنه ۱۵۱۴ حیات داشت. با ذکر این اجمال ما می بینیم که بهزاد قسمت زیاد عمر خود را در هرات صرف کرد و در آنجا بین افکار عالی شهر مجلل و منور آن دوره استعداد طبیعی او بمنصه ظهور برآمده و کامل شد.

حقیقه هرات چنین شهری مرقی بود چنانچه در ضمن تعریف و توصیفیکه بابر میرزا، از هرات مینماید نسبت به باغ های خیلی قشنگ و بناهای منقش از گچ و چونه که در زیر درختان و اشجار قوی هیکل آباد بود حکایه میکند و مارتین در کتاب بزرگ خود راجع به نقاشی (۱) استعداد و قابلیت رسام مذکور را در نقش مناظر طبیعی و مصوری ذی روح که او مشغول آن بود تشریحات قابل تقدیری میدهد. ضمیمه کتاب « سفر نامه » که در سنه ۱۴۶۷ از قلم او برآمده است صورت کامل تصنیفات رسام مذکور را در جمیع یادگارهای تاریخی که از

(۱) مارتین رسامی میناتور و نقاشی ایران هند و ترکیه سنه ۱۹۱۲.

خاتمه اش بمنصه ظهور پیوست و تحقیقات آخرین بمانشان میدهد تشخیص و تعیین کرد ا، گر کار مکتب هرات و مخصوصاً از بهزاد در خود هرات و همچنین در سائر شهرهای افغانستان جستجو شود خیلی مفید ثابت خواهد شد و باین ذریعه ممکن خواهد شد که کتب قلمی از منہ مابعد هم پیدا بشود، زیرا حیات ادبی و نقاشی هرات اگر چه ضعیف شد ولی تا اواخر قرن شانزدهم قطع نگر دید و درینخصوص تشریحاتی که میلر و در باب رسم ها دادیم باشیای نفیسه میناتور یک در کتب خانه اسلامی مرکز قازان موجود است (حمزه امیر خسرو دهلوی سنه ۱۵۸۴) که در هرات بزبور قلم آراسته شده است (۱) شهادت میدهد . نسبت به صنعت نقاشی کوچک (میناتور) صنعت خامک و زر دوزی افغانستان اسلامی کمتر تحت مطالعه آمده است . آثار قلیلی که معلوم شده است خیلی دلچسپ است . چنانکه ظاهر است بدوخت قماشهاییکه مخصوصاً در دوره مغلیها که بازر و سیم و رسمها رنگارنگ دوخته میشد شهرت مخصوصی را حائز بود (۲) منبت کاری حصص غربی افغانستان در روی برنج خیلی معروف است . و دیگر معروف هرات ساخت ۱۱۶۲ ، آنرا خوب تمثیل میکند که در باب آن و اسیلوفکی (معلومات راجعه بعلم عتیقه روسیه در صفحه ۳۳ دیگر برنجی هرات سنه ۱۹۱۰ هجری) معلومات میدهد . از اسلحه منقش طرز مخصوص خنجر های دودمه افغانی است که با اسلحه هند اسلامی مشابهت دارد . در کتلاک نمایشگاه صنائع اسلامی موشین سنه ۵۵۹ یک سلسله عکسهای اسلحه منقش و مزین اعصار ۱۳۰۰ تا ۱۵۰۰ عیسوی ساخت هرات چاپ شده است (کتلاک و نومه ۲۴۳ ، ۲۳۷ ، ۲۳۹) ندرمایر متذکر میشود که در کار و انسرایها و خانهای قدیمه افغانستان خاتمکاریهای خیلی قشنگ در چوب و ارسیهای خیلی عالی چوبی دیده میشود . درین هیچ شبهه نیست که صنائع افغانستان چه در ادوار قبل از اسلام و چه بعد از آغاز آن (حتی فقط نظر به بعضی آثار تاریخی خیلی قلیلیکه تحت مطالعه آمده) بذات خود مستقلاً و اختلاطیکه با سائر مدنیته ها نموده خیلی عجیب است در باب آن لازم است که مطالعات و تدقیقات وسیع و تعمق کرده شود . برای اجرای این مقصود اول به اول باید هیئت های علمی مهمی در افغانستان عملیات بکند بعد از آن بصورت مرتب معلومات و اکتشافات مستحصله تاریخی و ادبی تحت مطالعات دقیقه آورده شود .

(۱) مجله موزیم ویستنگ قازان در سنه ۱۹۲۱ نومه ۱ — ۲ میلر در باب یک کتاب قلمی ایرانی و پرفیسور دینکه تذکار است صنائع مشرق . (۲) بار تولد صحیفه ۳۵ .

کور دیپلوماتیک مقیم در بار کابل

سفارت کبرای دولت اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه :

سفیر کبیر : ع ، ج لیوند ستارک .

مستشار : جناب ریکس .

آتشه نظامی : « الکسندر ییند یکتو .

سرکاتب دوم : آقای مارتونی .

سفارت کبرای دولت شاهیه ایران :

سفیر کبیر : ع ، ج میرزا محمد تقی خان اسفندیاری .

مستشار : جناب عبدالحسین خان صدیق اسفندیاری .

آتشه : آقای احمد قدیمی .

دکتور : « دکتور سیف .

سفارت کبرای دولت جمهوری ترکیه :

سفیر کبیر : ع ، ج ممدوح شوکت بیگ .

مستشار : جناب وهی لبیب بیگ .

سرکاتب : « سعدالله فرید بیگ .

دکتور : آقای دکتور فواد بیگ .

سفرائی که در سال ۱۳۱۲ به دربار کابل وارد شده اند



ع، ج دكتور كورت تسيميكى وزير مختار آلمان



ع، ج ممدوح شوكت ييگك سفير كبير تركيه



عاليقدر جلالآب « كوم فرانسكو مريانو » وزير مختار فقيد دولت بهيه ايطاليا مقيم كابل كه جناب معزى اليه در سنة جاريه تازه برسم ايلچى گرى دولت متبوع خود وارد كابل شده و هنوز اعتماد نامه خود را بحضور ملوكانه تقديم نداشته بود كه متاسفانه بروز دوشنبه ۲۱ ثور ساعت ده ونيم شب دفعتاً بمرض سخته پدرود حیات نمود .

ميت معزى اليه از طرف رجال دولت ما و هيئت كور ديپلوماتيك نهايت محترمانه در تپه شيرپور مشايعت و دفن گرديد .

سالنامه كابل بنوبه خود اظهار تاسف از وفات وزير مختار موصوف نموده بازار ماندگان شان عرض تسليميت مينمايد .

Ambassadeur et Ministres nouvellement arrivés à Kaboul.

وزارت مختاری دولت برطانیه :

- وزیر مختار : ع ، ج سرریچار دمیکانیکی .
مستشار : جناب کپتن راین .
آتشه نظامی : « لیوتننت کالوندل آر ، ام ، لوکارت .
دکتور : آقای میجر اج ، اچ ، ایلویوت .
سکرتر : « کپتن ، ای ، دبلیو فیجر .
« مشرقی : « خان بهادر سکندر خان .

وزارت مختاری دولت جمهوری فرانسه :

- وزیر مختار : ع ، ج البر بودار .
سرکاتب : جناب شارل گیر .

وزارت مختاری دولت جمهوری المان :

- وزیر مختار : ع ، ج دکتور کورت تسمیکی .
آتشه : آقای اولهر .

وزارت مختاری دولت شاهي ایتالیا :

- وزیر مختار : ع ، ج کوم فرانسکو مریانو .
پیش نماز : آقای پادر گاسپانی .
ترجمان : « پنا کیو .





ص، آقای احمد علی خان

وقایع مهمه جهان

در سال ۱۳۱۲

بقلم آقای احمد علی خان

طبیعی است که در دوره یکسال در زمینه های مختلف حیاتی ساکنین جهان واقعات متعددی کسب و جود میکند که هر کدام بجای خود حایز اهمیت مخصوصه میباشد اما بدیهی است که تعداد و معیار اهمیت وقایع حادثه هر سال فرقی ندارد و بهمین اساس در سال ۱۳۱۲ نسبت به سال گذشته بسا واقعات مهمی بوجود آمده است که تاثیرات مهمی در اوضاع حیاتی عالم وارد نموده است.

فضای یورپ در پایان سال ۱۳۱۲ کما فی السابق تاریک و ابرهای بی اعتمادی و بحران اقتصادی و سیاسی در آن چرخ میزند. اقدامات سیاسیون مغرب در راه بهبود وضعیت مالی و استقرار اعتبار و امنیت، ناکام برآمده است. کنفرانس معروف خلع سلاح در شدت بحران دست و پا میزند. کنفرانس اقتصادیات جهان در اثر سیاست داخلی امریکا ناکام قطعی برآمد. جاپان از مجمع اتفاق ملل خارج میشود. المان انجمن اقوام و کنفرانس خلع سلاح هر دو را وداع میگوید. ایتالیا بغرض تجدید نظر در معاهدات بمنظور سقوط مجمع اتفاق ملل نقشه معاهده چهار گانه و اخیراً تغییر هویت مجمع ملل را پیشنهاد میکند - هتلر یزم المان را سراسر فرا گرفته به اطریش و سائر ممالك دانیوب سرایت میکند. یهودی ها را از المان تبعید میکند و در اثر مراجعت آنها بفلطسین تصادمات خونینی بین اعراب و یهودی ها بعمل می آید. المان در راه الحاق اطریش بنحاک خود اقدامات میکند. موسیو هر یو صدر اعظم سابق فرانسه و وزیر فضائی آن مملکت به روسیه مسافرت میکند و در نتیجه قرابتی در رویه سیاست آن دو مملکت بعمل می آید در شبهه جزیره بالقان

یکطرف ائتلاف صغیر منتهای فعالیت در عالم سیاست بخرچ میدهد و طرف دیگر سائر ممالک بالقان خصومت های دیرینه را فراموش نموده در راه اتحاد بالقان صرف مساعی میکنند در شرق نزدیک، عراق ملک فیصل پاشا و زعیم ملی خود را از دست میدهد و به اساس نقشه پان عربیزم منازعاتی بین ابن سعود و امام یحیی بوقوع می پیوندد. افغانستان شهریار محبوب و بزرگترین قائد تاریخی خویش را فاقد میشود. در ترکستان چین مملکت جدید اسلامی تشکیل میگردد. در اثر شناختن امریکا روسیه را صحنه سیاست شرق اقصی صورت دیگر میگیرد رقابت جاپان و امریکا در موضوع حاکمیت محیط کبیر و انبساط قوای بحری بمنتهای شدت میرسد در امریکای جنوبی منازعاتی که از دو سال بانیطرف در اثر اختلافات سرحدی بین جمهوریت های آن قطعه بوقوع پیوسته است جریان دارد خلاصه سال ۱۳۱۲ مملو از یکسلسله وقایع بارزی است که ماقرار آتی به شرح مهمترین آن میپردازیم:

کنفرانس خلع سلاح:

در سالنامه سال گذشته تحت عنوان کنفرانس خلع سلاح معلوماتی درج نموده بودیم؛ چون امور کنفرانس اختتام نیافته و بواسطه بعضی پیش آمدها و نظریات دول تاکنون نتیجه مثبت ظاهر نشده گذارشات مابعد کنفرانس خلع سلاح را از بدو سال ۱۳۱۲ تا اخیر سال مزبور ذیلاً در برابر انظار قارئین گرام میگذاریم:

قبل از حلول سال ۱۳۱۲ در کمیسیون عمومی و کمیسیون سیامی کنفرانس مذاکرات در اطراف پلان فرانسه جاری بود، چون فرانسه ها همیشه قراردادهای امنیت را بر خلع سلاح ترجیح میدهند، درین پلان شان هم پروژه تعهدات امنیت زیاد بود. به همه صورت پیشنهادها تحت مذاکره کمیسیون سیامی قرار گرفت و کمیسیون مزبور بعد از مذاکرات زیاد و ترمیمات و تعدیلاتیکه از طرف دول دیگر پیشنهاد شد، مواد پروژه معاهدات ذیل برای تدقیق و ترتیب به کمیته مخصوص که رئیس آن مونیو (پولیس) نماینده یونان و نائب رئیس کمیسیون عمومی و سیامی بوده سپرده شد؛ تا بعد از غور و تدقیق و ایس بکمیسیون عمومی تقدیم دارند:

۱ — عدم توسل بقوت در مخالفت های بین المللی: (پیشنهادی فرانسه و انگلیس) که انگلیس ها میخواستند صورت معاهده آن مخصوص ممالک اروپا بوده خاصه عمومیت را به تمام ممالک دنیا نداشته باشند چون این معاهده با اساس معاهده تحریم جنگ (میتاق پاریس یا میثاق بریان کیلوک) که خاصه عمومیت را بر تمام دنیا داراست ترتیب شده بود، از همان اول پیشنهاد از طرف دولت علیه ایران، افغانستان و ترکیه تحت تنقید واقع شده خاصه عمومیت را بر تمام دنیا خواستگار شدند.

چنانچه وقتیکه مسائل مذکور دوباره در اثنای مذاکرات با اثر پروژه معاهده تحدید و تقلیل سلاح که از طرف مکدونالد رئیس الوزرای انگلستان تقدیم شده، جاری بوده و بعد از تدقیق کمیته مذکور تحت مذاکره آمده، نظر باصرار حکومت افغانی، ایران و ترکیه اکثر هیئت های دول در اثنای تقریر خود صورت عمومیت داشتن (عدم توسل بقوه را در مخالفت های بین المللی) تأیید نمودند، چنانچه هیئت اتازونی و اتحاد جاهیر شوروی هم در آن شامل بودند، و همان روز اکثر روزنامه های اروپا به کامیابی دول ثلاثه شرق (افغانستان، ایران و ترکیه) تقریظی نوشتند.

۲ — تعریف تعرض پیشنهاد هیئت اتحاد جواهر شوروی : تعریف تعرض را هم بعضی از ممالک اروپائی مخصوص اروپا خواستگار بودند ، مگر این مسئله هم نظر باصرار هیئت ثلاثه مشرق و اتحاد جواهر شوروی و اکثر دول دیگر در مذاکرات آتی پروژۀ معاهده تقدیمی انگلستان صورت عمومیت را اختیار کرد . اگر چه فیصله درین باره بداخل کمیسیون عمومی کنفرانس خلع سلاح داده نشد مگر در نتیجه همین مذاکرات قرارداد تعریف تعرض در اثنای کنفرانس اقتصادی در لندن بتاريخ ۳ ماه جولائی در بین ممالک ذیل بامضاء رسید :

اول : بین اتحاد جواهر اشتراکی شوروی و افغانستان ، استونیا ، لتونی ، ایران ، پولیند ، رومانی و ترکیه .

دوم بین ترکیه و دول اتحاد صغیر اروپائی ، (رومانی ، یوگوسلاویا و چکوسلواکیا)

قرارداد تعریف تجاوز را پولیند به ۱۵ ستمبر امضا کرد .

تصویب قرارداد تعریف تجاوز از طرف لاتویا بتاريخ ۱۴ نومبر .

تسلیم دادن تصویب نامه قرارداد تعریف تجاوز از طرف افغانستان بحکومت شوروی - ۲۰ اکتوبر امضای قرارداد تعریف تجاوز بین اتحاد جواهر شورائی و لتوانیا - ۵ جولائی .

حکومت فنلند قرارداد تعریف تعرض را تصویب نموده بتاريخ ۳۱ جنوری ۱۹۳۴ بحکومت شوروی تسلیم داد .

۳ : تشخیص متعرض : پیشنهاد هیئت بلژیک که در مذاکرات آتی در اثنای مباحثات در اطراف پروژۀ تقدیمی انگلستان نظر به تصویب کمیۀ مخصوص صورت اختیاری را اختیار نمود که هر یک از دول درین معاهده داخل شود یا نه شود اختیار دارد . فیصله قطعی درین باب از طرف کمیسیون اجرا شد .

۴ : تعاون با همی (پیشنهاد فرانسه) : صورت معاهده تعاون با همی بعد از اجرای فصل تعرض و تشخیص آن مخصوص ممالک بر اعظم اروپا پیشنهاد شده بود ، که حکومت انگلستان خارج از آن است ، درین مسئله چون بعضی ممالک اروپائی طرفدار شده نمیتوانست ، اگر چه فیصله در آن خصوص بعمل نیامد مگر اکثر هیئت های دول از صورت اختیاری بودن آن در کمیته مخصوص آن بحث رانندند . بتاريخ ۱۹ مارچ ۱۹۳۳ مطابق ۲۵ حوت ۱۳۱۱ در وقتیکه باساس پروژۀ فرانسه نا موافقت های زیاد حاصل شده بود و قریب بود کنفرانس در اثر بعضی مخالفت های دول بزرگ اروپائی انحلال یابد ، رئیس الوزرای حکومت انگلیس پروژۀ معاهده مشهور خود را که تمام دنیا بر روز نامه های خود از آن بحث رانندند ، بکمیسیون عمومی کنفرانس خلع سلاح تقدیم نمود .

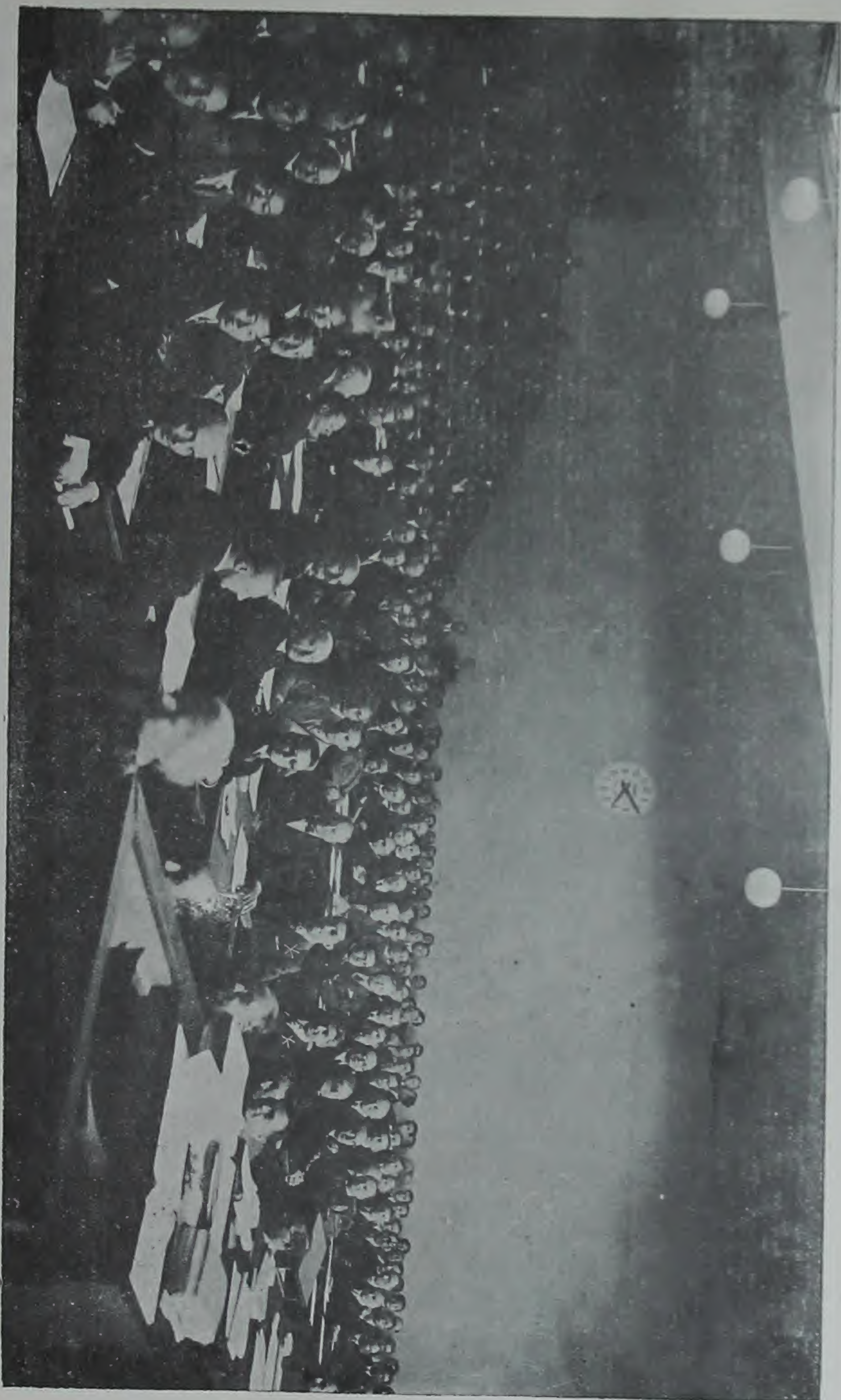
این پروژۀ نسبت به پروژۀ های دیگر مکمل او باساس اکثریت بعضی موافقت های عمومی ترتیب یافته است ؛ باین سبب از طرف جمیع نمایندگان دول که در کنفرانس خلع سلاح اشتراک داشتند بحسن صورت تلقی شد ، و اولاً اساس مذاکرات آینده و بعد از مذاکرات مفصل اساس معاهده آینده تقلیل و تحدید سلاح قرار گرفت . پروژۀ معاهده تقدیمی انگلستان دارای قسمت ها و فصول متعددی باشد ، تمام قسمت ها و فصول آن ماده بماده تحت مذاکره کمیسیون عمومی کنفرانس قرار گرفت ، در قسمت اول آن که عبارت از مواد تعهدات امنیت بود اگر چه فیصله قطعی از کمیسیون عمومی داده نشد ، باز هم صورت تعهدات بتسم پروژۀ که در فوق تحت بحث پلان فرانسه تحریر شده قرار گرفت .

در قسمت دوم که عبارت از خلع سلاح است مباحثات زیادی بروی کار آمد ، در مسئله تعداد عسکر تحت السلاح و دوره خدمت عسکری و لغویت عسکر دائمی برای ممالک بر اعظم اروپا (انگلستان خارج) مخالفت های زیادی بین هیئت المان که خواهان حق مساوی در تسلیحات است و هیئت فرانسه بروی کار آمد ، اگر چه بشرایط مخصوصه بعضی موافقت های جزوی حاصل شد ، مگر فیصله درین خصوص بعمل نیامد .

در اثناییکه مذاکرات تعداد قوای عسکری در کمیسیون عمومی زیر بحث بود ، بکمیته مخصوص (افکنو) درباره قوای عسکری و تشکیلاتیکه باساس عسکری مثلاً پولیس ژاندارمه و غیره موجود باشد ، از تمام دول تحت مذاکره



هیئت کافرانس تقلیل اسلحه در جینوا که نماینده های افغانی هم در آن شاملیت دارند .
(۱) ع ، رج عبدالحسین خان سفیر کبیر افغانستان مقیم مسکو . (۲) ع ، ش محمد عمر خان رئیس ارکان حریه عمومی



از جلسات اخیر کنفرانس معروف تقلیل اسلحه در چینوا ، که نمایندگان افغانی نیز در آن شمولیت دارند: در وسط که نشانی شده به طرف راست: ع ، ج ، علی محمد خان و وزیر مختار افغانی در لندن (رئیس نمایندگی افغانستان) بهلوی شان ع ، ش محمد عمر خان رئیس ارکان حریره محومه نماینده حرب افغان در کنفرانس مندکور

وقائع مهمه جهان

قرار گرفت که کدام قسم این قوه‌ها که دارای کدام خواص باشد بحساب تعداد قوای عسکری گرفته شود. تشکیلات پولیس مملکت ما که از طرف نمایندگی افغانی بکومیتة مذکور داده شده بود به حضور نماینده افغانی تدقیق و انصافاً خارج از تشکیل عسکری و حربی شناخته شد.

در فصل تحدید آلات حرب هم اگر چه فیصله قطعی آن بقرائت دوم پروژہ محول مانده است باز هم تا یک اندازه که موافقت‌ها حاصل شده عبارت از مواد ذیل است :

۱ — قطر توپ‌های سیار سنگین در آئینده از ۱۱۵ ملی متر تجاوز ننمایند و تا زمانیکه توپ‌های (۱۱۵) ملی متره جای تمام توپ‌های سنگین دیگر را بگیرد، استعمال توپ‌های سیار (۱۱۵) ملی متره هم مجاز خواهد بود و بالاتر از اندازه مذکور تماماً لغو قرار داده شود.

۲ — در مسئله تانک‌های موجوده اکثریت طرفدار لغویت تمام تانک‌های باشد و یک جنبه طرفدار آن است که تانک‌ها بلندتر از وزن ۱۶ تن لغو گردد، و هر مملکت از یک تعداد معین زیاده نداشته باشد.

۳ — در مسئله قوای هوایی دو جنبه موجود است اول جنبه که لغویت طیاره رانی عسکری را تماماً خواهند اما بشرطیکه طیاره رانی ملکی زیر اثر بین المللی اجرا یابد و دیگر جنبه که برای هر مملکت یک تعداد طیاره معین را منظور می‌کنند اما بمباردمان هوایی را موقوف داشته طیاره رانی ملکی را بین المللی می‌خواهد.

هیئت افغانی هم در مواد فوق ترمیمات لازمه را نظریه پروژة تقدیمی انگلستان مانند سایدول پیشنهاد نموده طرفدار با اکثریت بوده است و در مسئله بمباردمان هوایی که پروژة مذکور بمباردمان را در مناطق دور دست مملکت برای احتیاجات پولیس اجازه میداد، هیئت افغانی برای مفاد بشریت لغویت بمباردمان هوایی را بصورت قطعی کاملاً وبدون استثناء پیشنهاد کرده و تقویت اکثر هیئت‌های دول را حائز گردیده است.

قسمت‌های دیگر پروژہ‌ها هم که عبارت از قسمت‌های کنترول و غیره میباشد ماده بنامه تحت مطالعه قرار گرفت. بر هر قسمت و ماده ترمیمات تمام دول افزوده شده فقط فیصله قطعی درباره هیچکدام از مواد بعمل نیامده مقرر گردید تا در مطالعه آئینده دوباره بهر ماده مذاکره شده فیصله و رای قطعی درباره آن داده شود.

قرائت اول پروژة معاهده تحدید و تقلیل سلاح وقتی باختتام رسید که تعطیل تابستانی کنفرانس شروع گردید با اثر توصیه مستر هذرسن رئیس کنفرانس چنان قرار داده شد که هیئت‌های ممالک ذی دخل در مسائلیکه موفقیت بین آنها موجود نیست در تماس بوده ذریعه مذاکرات خصوصیه راه جلی را جستجو نمایند، تا در قرائت دوم پروژہ مخالفی موجود نبوده، امور کنفرانس که تمام عالم بشریت انتظار نتیجه آن را دارند، بسرعت کامیاب گردد چنانچه به اثر آن و بقرار خواهش کنفرانس، هندرسن بیای تحت‌های ممالک بزرگ اروپا مسافرت کرده و با رؤسای دول مذاکره و مفاهمه نموده و هم اجتماعات خصوصیه هیئت‌های بعضی ممالک اروپائی و امریکائی در پاریس و گاهی در جینوا تشکیل یافت، در نتیجه قبل از آنکه کنفرانس بکار آغاز کند پروژة کنترول و مدت امتحان که فرانسه و انگلستان و بعد از آن امریکا و ایتالیا بران موافقت حاصل کردند ظهور نموده و دوروزیش از اجتماع کمیسیون عمومی خلع سلاح از طرف (سرجان سایمن) وزیر خارجه برطانیا به پیروی دفتر کنفرانس قرائت و تقدیم شد. و همان روز حکومت المان که همیشه خواهان تساوی حقوق در تسلیحات است و پروژة مذکور را منافی حق و خواهشات خود میدانست. انفکاک هیئت خود را از کنفرانس خلع سلاح و جمعیت اقوام ذریعه تلگرام بر رئیس کنفرانس و منشی عمومی مجلس اقوام اعلان کرد، از آن روز به بعد یعنی بعد از انفکاک المان از کنفرانس خلع سلاح که مهم ترین اعضای آن بشمار میرفت کنفرانس و تمام امور آن به بجران دچار شده تا حال که چندین ماه از آن میگذرد، اجتماع دیگر هیئت‌های دول برای مقصد خلع سلاح در جینوا صورت نگرفت اگر چه در اثنای تعطیل کنفرانس مذاکرات سیاسی بطریق دیپلماتیک در میان دول ذی علاقه برای واپس داخل شدن المان به کنفرانس خلع سلاح جریان دارد مگر نتیجه مثبتی تا حال بظهور نه پوخته است.

نهضت ترکستان چین - اعلان مملکت مستقل اسلامی



خواجہ نیازماجیم رئیس جمهور ترکستان چینی

یکی از وقایع مهم که در اوائل بهار سال ۱۳۱۲ در وسط قاره آسیا کسب وجود نمود مسئله نهضت ترکستان چین و اقدامات ۱۳ ملیون نفوس اسلامی برای استحصال آزادی و تشکیل حکومت مستقل ملی است. تذکر گذارشات این نهضت اگر چه از نقطه نظر واقعات بین المللی هم خالی از اهمیت نیست ولی ما به لحاظ همجواری و همکیشی بمراتب بلندتری بدان اهمیت داده و آنرا در جمله بزرگترین واقعات سال ۱۳۱۲ عالم اسلام و مشرق حساب میکنیم

ترکستان چینی منطقه ایست عموماً دشتی که از سه طرف شمال و غرب و جنوب محصور به رشته کوهستانی « تیان شان » و « التائی » و « پامیر » و « قراقرم » و از طرف شرق جانب صحرای اعظم گوبی باز است.

این منطقه همانطور که در مرکز حایز جلگها و دشتهای وسیعی میباشد در قسمت کوهستانی که اصلاً سرحدات طبیعی غیر قابل عبوری برای آن مملکت تشکیل داده است حایز دره های هولناک و صعب

العبوری است که رودخانه های خروشان « میر آقسو » - « کاشغر » - « یارکند » از آنها عبور نموده رودخانه معروف « قارم » را تشکیل و به دریاچه های لب نور میریزد.

وسعت خاک این مملکت تقریباً ۱۶۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع است. ساکنین آن اکثر ترک - قرغیز - تنک ها و ازبکها و غیره و عده ایشان تقریباً به ۱۳ ملیون بالغ میگردد و مذهب عموم ایشان دیانت مقدس اسلام است زبان اهالی عموماً ترکی و تنگانی ها که در شهرهای شمال بود و باش دارند و عده شات بچند هزار میرسد چینیائی تکلم میکنند. رویهم رفته ساکنین این منطقه درالبسه و صورت ساختمان منازل با ساکنین مناطق پامیر و نورستان افغانستان شباهت تام دارند. مرکز این مملکت تا این اواخر (اورمچی) و بلاد معروف آن (آق سو) (امی) (کاشغر) (ختن) یارکند) و غیره است.

منطقه بین تیان شان - التائی - پامیر، که از نیم قرن باینطرف معمولاً باسم ترکستان چین یا ترکستان شرق یاد می شود در ازمنه قبل الاسلام یعنی زمانیکه در صحنه آسیا دو مملکت بزرگ ترکی یکی باسم ترکان شرق (مرکب از چین و منگولیای امروزه) و دیگری بعنوان ترکان غربی تشکیل شده بود جزء قلمرو ترکان غربی بود. بعد از شیوع اسلام و بعد از خروج چنگیز و تهاجمات مغول اقتدار دول مجاور ضعیف گردیده مدتی مغول ها در آن تاخت و تاز نمودند سپس حکومت ملی به دفعات تاسیس و ریاست آن از قومی به قومی تحویل یافت چنانچه آخرین سلطنت ملی آن سلطنت یعقوب خان است که از ترکستان روس آمده بکمک زعمای ملی حکومت مستقلی در کاشغر تاسیس نمود.

از نیم قرن باینطرف مهاجرین چینیائی از صحراهای بی آب و علف چین به مناطق نسبتاً شاداب این ممالک سرکشیده چون دست شان قوی گردید حکومت چین از ضعف و نقاهت زغمای ملی استفاده نموده آن علاقہ را بتصرف خویش درآورد و اهالی را به زیر سخت ترین پنجه فشار و استبداد حکمرانان خویش گرفت - اقوام این سرزمین چون اصلاً جنگجو و حریت پسند می باشند به دفعات بر علیه چینیائی ها قیام نموده اند چنانچه مهمترین جنبش های ایشان واقعه « او شطوخان » و جنبش (غوجالار) و همراهان اومی باشد.

علل قیام ترکستان چین را طوریکه جراید مبنگارند آنی و فوری نیست بلکه از نیم قرن باینطرف يك سلسله جورها، ستم ها، تجاوزات و مظالم مختلف الشکل حکمرانان چینی موجب رنجش فوق العاده اهالی را فراهم آورده اخیراً رواج بدعت ها و مظالم دیگری موجب انفلاق مواد متراکمه گردید .

جراید ترکی علت قیام ترکستانی ها را کثرت مهاجرت چینی ها به ترکستان دانسته می نویسند بعد از سقوط خاقانهای که چین اصلی را به منچوریا و مغلستان و ترکستان وصل نمودند سیل مهاجرت چینی ها به اراضی سبز و زرخیز منچوری، مغلستان و ترکستان شروع شد و چون حکمرانان این مناطق همه چینی بودند به تدریج اراضی حاصل خیز را از دست ترک ها گرفته و به هموطنان خویش تفویض نمودند و بیچاره ترک ها را به اراضی بائر و سنگلاخ راندند .

ولی موجبات عمده قیام ترکستانی ها اصلاً سوء اداره و مظالم بی پایان چینی ها است که به اداره مملکت خود موفق شده نمیتوانند تاچه رسد به سرپرستی خاک دیگران . حکمرانان چینی درین منطقه حکومت مطلقه مستبدانه را جاری نموده از هر رهگذر بر اهالی جبر و ستم و از هیچگونه تجاوزات بحقوق مسلمه آنها خودداری نه نموده اند . این حکمرانان خود مختار عسکری که مقر ایشان (ارومچی) بود آنی بفکر اداره و رفاه اهالی نبوده . بحیل مختلف اموال اهالی را ضبط و ذخیره پولی برای خویش تهیه میکردند . علاوه بر اینکه اراضی صاحبان املاک را برای هموطنان خویش میگرفتند درین اواخر چنین اعلان نموده بودند که هیچ زمین داری را نمیتواند از اراضی خویش استفاده کند بلکه تمام اراضی متعلق بحکومت است و عایدات آن تماماً بحکومت تعلق میگیرد ساکنان بومی در احراز و اشغال مقامات اداری و رسمی حقی نداشته و حکمرانان برای جلب ثروت تجارت و فروش مقامات اداری را شروع نموده هر رتبه را بمقدار پولی میفروختند و ابداً بفکر راحت اهالی و آبادی ممالک نبودند همین بود که ترکستان عوض اینکه پیشرفت و ترقی کند



لیدر حکومت جدید اسلامی سنکیانگ (ترکستان چینی)؛ نشسته شخص چهارم تیمور شاه و شخص پنجم زنجو سرکرده گان بزرگ میباشند

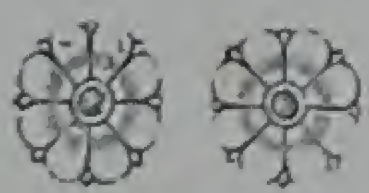
بمرا تب عقب رفته تعلیم و تعلم یککلم نابود . صنعت بکلی سقوط ، مراکز علمی نابود و طلاب و منورین آن بخر به وحشت آنها مقتول گردید . خلاصه پس ازینکه حکومت چین به تورکستان دست یافت پنجال خویش را به حلقوم اهالی مظلوم فرو برده اساس سلطنت و امنیت ، و ظلم و استبداد را قرارداد چنانچه مورخین در طی ۶۰ سال زائدا از ۵۰ قتل عام را معترف هستند .

انچه که درین اواخر بیشتر اهالی را به غلیان آورد دو مسئله عمده بود یکی اینکه چینائی ها علاوه بر مظالم اداری اهانت به دین را شروع نموده مسلمانان را به دین بودائی دعوت می نمودند و دیگر اینکه حکمران چینی به زور میخواست با دختر یکی از نجبای شهر ختن ازدواج کند . این دو مسئله تجاوز به دین و به ناموس اثرات سو شدیدی بدو آدر شهر ختن و بالاخره در سراسر مملکت تولید نمود تا اینکه تمام شهرهای ترکستان شرقی کومل کاشغر - امی - آق سویکی بعد دیگری بر علیه حکومت چین قیام نموده زعمای ملی از قبیل جنیب بیگ لیدر قوم قرغز و خواهجه نیاز محمد لیدر ترک و غیره اقوام و بستگان خویش را به اقدامات ضد حکومت تشویق نمودند . در نتیجه تمام عمارات حکومتی را آتش زده حکمرانان شهرها بعضی مقتول و بعضی فرار نمود و چون قوای عسکری چین درین وقت مصروف محاربات شرقی اقصی بود باینطرف رسیده نتوانسته و بالاخره قوا و سلطه چینی کاملاً مضمحل گردید بتاريخ ۱۲ ثور انقلابیون به شهر قدیم کاشغر شبخون برده بعد از محاربه شدیدی که دران عده زیاد چینی ها مقتول و دارائی آنها تاراج گردید شهر را متصرف شدند . تنها شهر جدید کاشغر در مقابل تعرض مسلمین کمی مقاومت نشان داد زیرا حکومت چین دسته فوجی برای کمک قوای خویش فرستاده بود اما این دسته فوج هم عاجز آمده و بتاريخ ۲۷ ثور انقلابیون شهر جدید کاشغر را نیز متصرف شدند . بعد ازین چینی ها بکلی در سراسر مملکت نفوذ و قوای خویش را از دست داده انقلابیون به تمام ترکستان شرقی دست حاکمیت یافتند ترکستانی ها در نظر دارند حکومت جمهورییت مستقل اسلامی تاسیس و تشکیل نمایند . وسعت خاک این حکومت جدید التاسیس اسلامی تقریباً یک میلیون و شش صد هزار کیلومتر مربع . جمعیت آن تقریباً ۱۳ میلیون و مرکز آن شهر (آقسو) خواهد بود .

از اطلاعات اخیر معلوم میشود که در بین اقوام داخلی مملکت جدید ترکستان چینی نفاق واقع خواهد بود با همدیگر در زد و خورد میباشند و افق سیاست آنجا تاریک و تاحال روشن نشده است .

نهضت آزادی خواهی در تبت :

در طول سال ۱۳۱۲ نهضت آزادی خواهی در تبت هم پیدا شده و نفوذ حکومت چین تقریباً از تمام صفحه جنوب غربی آن مملکت قطع گردید و آلانی لامه پشیوای مذهبی تبت در ماه دلو وفات کرده تعین جانشین او از میان اطفال (بقرار رسم مذهبی) بعمل می آید . تا کنون هرج مرج و بی انتظامی در تبت حکمفرماست .



الانی لامه رئیس روحانی تبت
که سال گذشته فوت شد

سقوط اعتبار مجمع اتفاق ملل - برآمدن جاپان و المان :

طبیعی است که بعد از اختتام جنگ های بزرگ عالم بشریت قهراً بطرف ایدآل صلح و امنیت شتافته همیشه در صدد تشکیل وضعیت جدیدی بوده است که بتواند اسباب امنیت و سعادت بشر را تأمین کند. صفحات تاریخ بخاطر دارد که بارها ساکنین جهان بعد از تلفات سنگین خود ستکار امنیت شده، و موضوع صلح و صلاحیت دنیا را در هر موقع سیاسیون و علما از قبیل (سن اگوستن) (دانت) پاپ گره گوار ۵ و ۷ هر کدام به نحوی تجویز و پیشنهاد نموده و ژورژ پودی براو پادشاه بوه چین تصور میکرد که اختلافات و محاربات بین المللی در اثر انعقاد کنفرانس سیاسی مذهبی تصفیه خواهد شد. بعد از جنگ های ۳۰ ساله و جنگ های مذهبی صلیبی و جنگ های انقلابی اشخاص متنفذ، مخصوصاً طبقه روحانیون از در مصالحت پیش آمده میخواستند شیرازه عالم بشریت را جمع و امنیت بادوامی را در آن استقرار بخشند.

همین طور بعد از اینکه جهان در طی ۴ سال جنگ عمومی چه در میادین جنگ و چه در شهرها مدحش ترین تلفات را متحمل شد، غرش لایق قطع ۴ ساله طوب هر کس و هر ملتی را به داد و فریاد آورده از هر زبانی آوازه صلح و صلاح و استقرار امنیت عمومی و تشکیل مؤسسه هایی که بتواند امنیت آتیه جهان را ضمانت کند استیاع میشد و طوریکه یکی از فلاسفه اروپا میگوید « برای صلح عمومی جنگ عمومی لازم است » حقیقتاً جنگ عمومی مستلزم آن شد که مسئله امنیت عمومی عالم بیش از پیش مورد بحث قرار گیرد در میان افکاری که سیاسیون بعد از جنگ درین موضوع اظهار نموده اند مهمترین آن نظریه : « گلاستون » است که میگوید در روابط ملل حقوق باید قائم مقام قوه گردد.

بالاخره موسیو (ولسن) رئیس جمهور امریکا این افکار و نظریات پریش را مجتمع نموده بتاریخ ۲۷ می ۱۹۱۶ اساس تشکیل مجمع اتفاق ملل را پیشنهاد نمود و پارلمان فرانسه هم بتاریخ ۵ ژون همان سال اساس تشکیل انجمن اقوام را تصویب کرد. بتاریخ ۱۱ آوریل ۱۹۱۹ مرامنامه مجمع اتفاق ملل که عبارت از ۲۶ ماده میباشد و قسمت اولی معاهده صلح و رسای را تشکیل میدهد تنظیم و تصویب و بتاریخ ۱۰ ژانویه ۱۹۲۰ مرعی الاجرا گردید.

عده عمومی دول عضو جامعه ملل (۵۶) است که از آنجمله ۲۹ دول آن عضو اصلی و باقی اعضائی اند که بعد از تصویب مرامنامه رکبیت مجمع اتفاق ملل را حاصل نموده اند.

بعد از تشکیل مجمع اتفاق ملل چند مملکت بتواریخ مختلف از عضویت آن خارج شده اند از آنجمله است :
جمهوریت کوستاریکا در ۲۴ سپتامبر ۱۹۲۴ ، اسپانیادر ماه می ۱۹۲۸ ، برازیل در سپتامبر ۱۹۲۸ .

حالا که از علت بنیان آمدن مجمع اتفاق ملل و صورت تشکیل آن دانسته شدیم بایستی متذکر شویم که اگر چه صورت تاسیس انجمن اقوام را مسترولسن رئیس جمهور عصر جنگ عمومی امریکا پیشنهاد نموده و در اثر اجتهاد دول فاتح میان آمد ولی ناگفته نماند که در میان دول فاتح هم فرانسه و انگلیس به آن علاقه تمام دارند و مخصوصاً فرانسه آنرا بهترین وسیله پیشبرد مرام سیاسی خویش میداند. چون در مجمع اتفاق ملل دست انگلیس و فرانسه بیشتر نفوذ دارد و اکثر مواد مرامنامه آن بمنافع سیاسی این دو مملکت وضع شده است و در جلسات آن همیشه ریاست بدست سیاسوین و نمایندگان این دو مملکت میباشد به منظوری که عبارت از عدالت بین المللی و تأمین صلح جهان و تصفیه مناقشات ملل بصورت منصفانه باشد اجرا آت کرده نتوانست و این عدم کفایت مجمع ملل درین دو سال اخیر در موقع محاربات شرق اقصی و جنگ های ممالک امریکای جنوبی عملاً مشاهده رسیده ثابت شد که آواز مجمع ملل را در هیچ مورد حتی کوچکترین مملکتی هم نمیشنود.

ممالك مغلوب که در راس آنها آلمان را میتوان حساب کرد اگرچه بعد از تصویب مرامنامه انجمن اقوام رکنیت آن موسسه را حاصل نموده اند اما طبعاً از تشکیل چنین انجمن که تمام اقدامات آن بنفاد فاتحین تمام میشود خوش نبوده آنرا « کلوب فاتحین جنگ » نامیدند و هزارها مقالات در باب بی کفایتی و عدم لزوم آن نشر کردند و حتی بدین زبان هم اظهار نظریه نموده اند که انجمن اقوام روح رقابت را در ملل تازه نگاه میدارد.

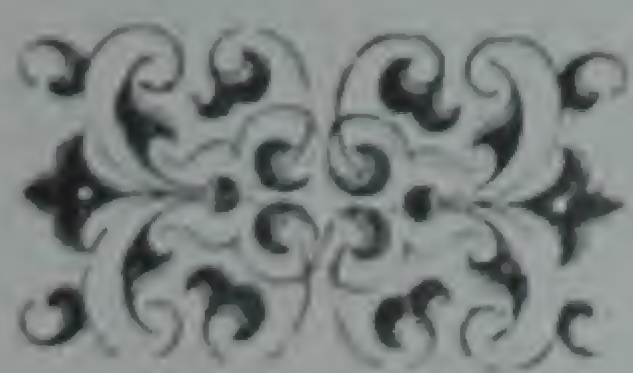
همین است که در سال ۱۳۱۲ دو مملکت بزرگ جاپان و آلمان که بصورت دائمی در جلسات انجمن اقوام شرکت داشتند بنا بر جهاتی که ذیلاً متذکر میشویم یکی بعد دیگری ازین مجمع بین المللی خارج شده اند. قارئین محترم مسبوق اند که پارسال شرق اقصی صحنه آشوب و محاربات چین و جاپان گردید. در نتیجه مملکت جدیدی بنام « منچوکو » در علاقه منچوریا تشکیل گردید. البته دنیا موجبات این جنگ را بخوبی میداند و هویدا است که اصلاً منظور جاپان ازین کشمکش تأمین بازاری برای فروش مال التجاره و تهیه اراضی برای مهاجرین و ساکنین روز افزون خویش میباشد یعنی واضع گفته شود جاپان بنام دفاع حقوق خویش و تأمین امنیت شرق اولاً تجارتگاه ثانیاً مملکت مستقل و بالاخره مستعمره جاپانی در اراضی چین در نظر دارد.

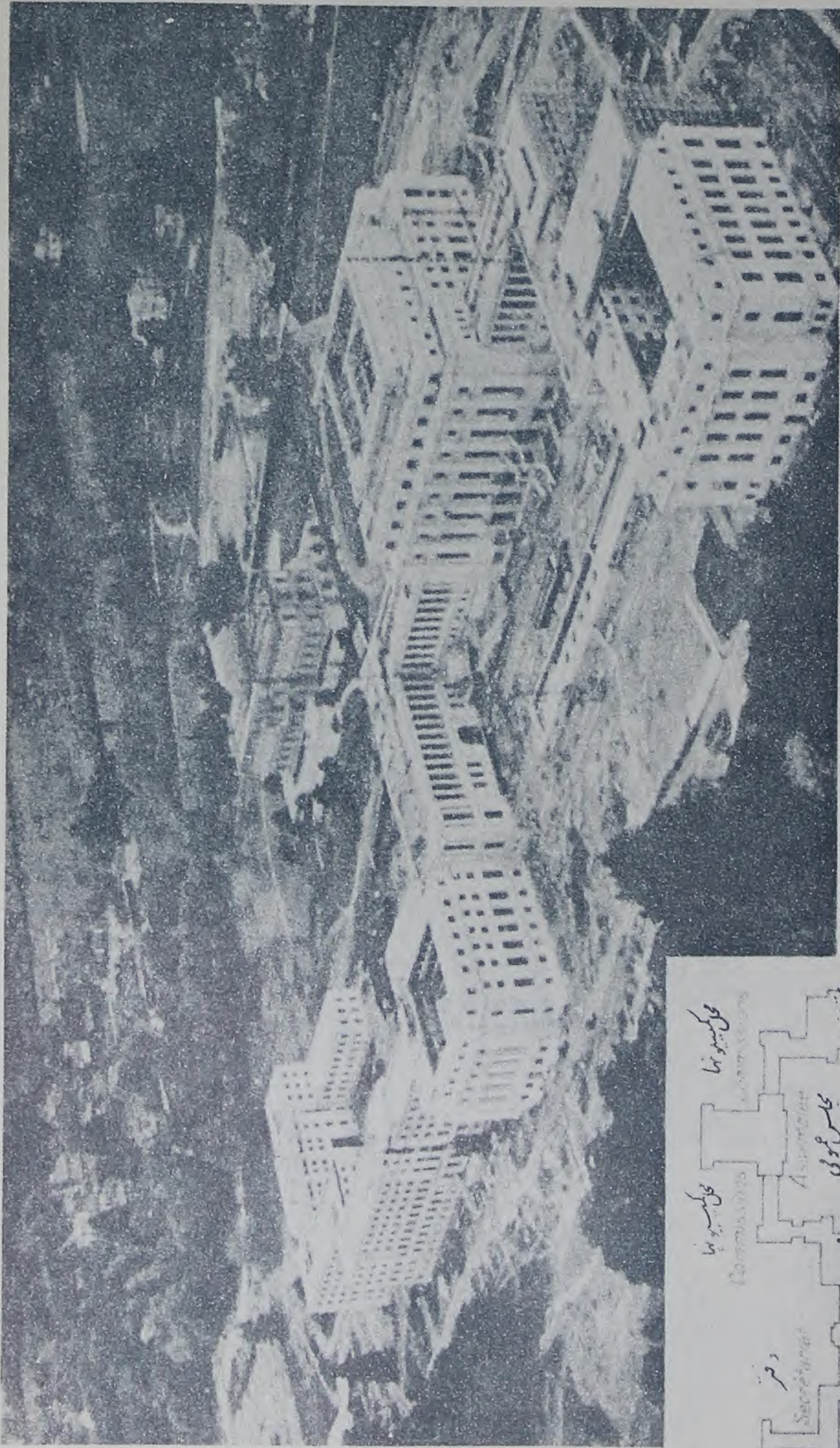
مجمع اتفاق ملل به تاسی منظور موسسین خویش طوریکه بظاهر اهلیت اصلاح چنین مناقشه را ادعا میکند شروع به مداخلت و تحدید نموده بالاخره کمیته مرکب از نماینده گان ۱۹ مملکت برای مطالعه و اصلاح وضعیت شرق اقصی فرستاد. حینکه کمیته پس به اروپا مراجعت و صورت مطالعات خویش را به انجمن ملل رویت داد جلسه فوق العاده بتاریخ ۱۲ فوریه تشکیل و در نتیجه را پورتی تهیه نمودند که مطابق آن جاپان را سراسر مسئول محاربات شرق اقصی قرار داده و تمام ممالك را ذریعه متحد المالی از شناختن رسمی منچوکو جداً منع نمودند.

نسبت مسئولیت ها به جاپان و عدم شناختن مملکت منچوکو حکومت جاپان را مجبور نمود که بزبان وزیر امور خارجه خویش چنین اظهار کند « جاپان ۱۳ سال با روح مسالمت کارانه عضو مجمع اتفاق ملل باقی ماند ولی چون فعلاً در پاره معاهدات بین او و دول معظمه توافق نظر موجود نیست و انجمن اقوام اقدامات صلح جو یانه او را در شرق اقصی بسوء نظریات تعبیر می کند و در مسئله تشکیل منچوکو بین او و مجمع اتفاق ملل اختلافات اساسی موجود است لذا جاپان مطابق ماده اول فقره سوم قرارداد مجمع اتفاق ملل از تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۳۳ (اول حمل ۱۳۱۲) خویش را از ان موسسه منفصل میداند »

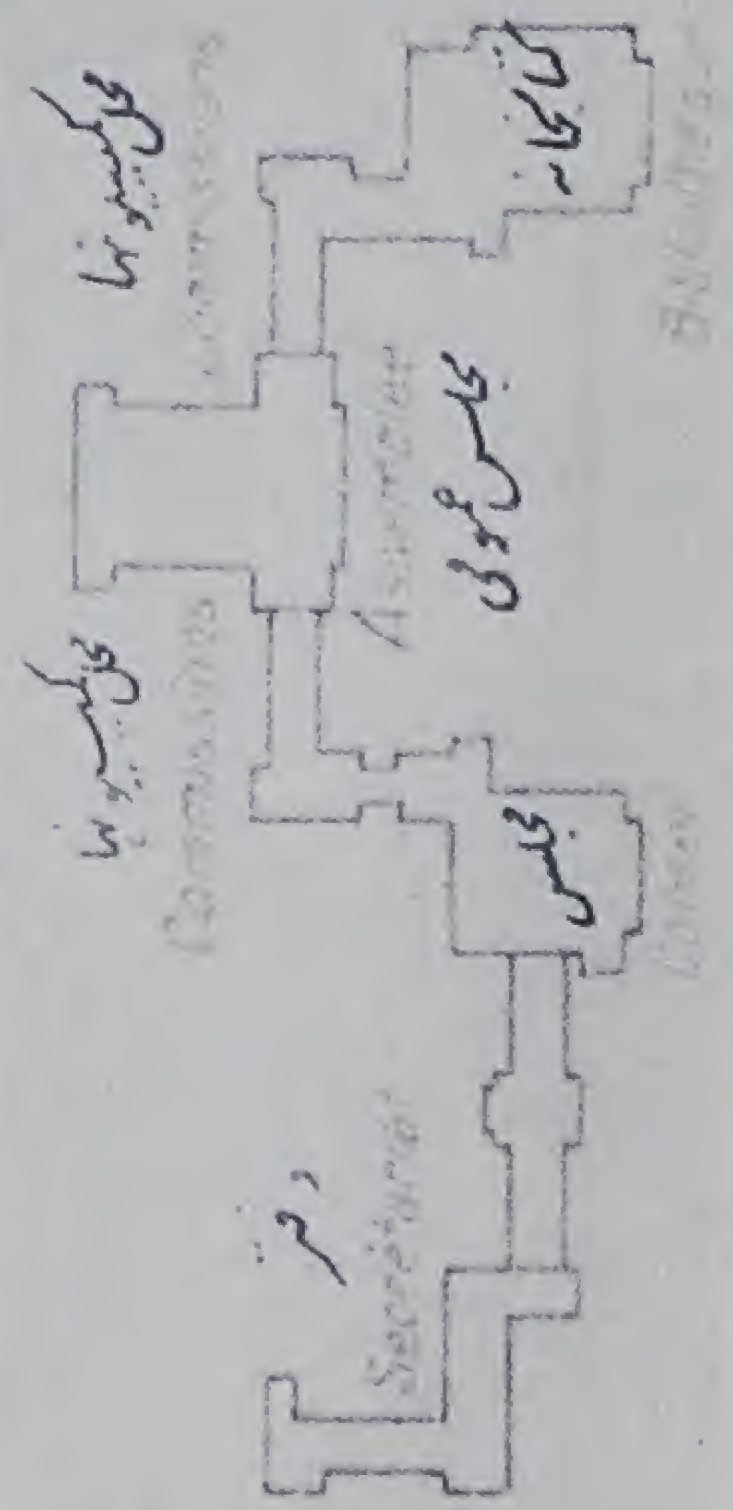
علت برآمدن آلمان از مجمع ملل چندان تفصیلی ندارد و طوریکه مسبقاً بعد از اینکه تمهیدات آلمان مبنی بر مساوات حقوق تسلیحات پذیرفته نشد فن نورات وزیر خارجه آن مملکت نظریه انفصال حکومت خویش را از کنفرانس خلع سلاح و مجمع اتفاق ملل بتاریخ ۲۱ میزان ابلاغ نمود.

در ماه اخیر سال ۱۹۳۳ (۶ دسامبر) انجمن بزرگ فاشیست ایتالیا پیشنهادی مبنی بر تغییر هویت و اصولنامه مجمع اتفاق ملل پیشنهاد نمود اما فرانسه و انگلستان بعد مفاهمه و زرای خارجه خویش از موافقت چنین امر استنکاف ورزیده صریحاً پیشنهادات ایتالیا را رد نمودند. چون مجمع اتفاق ملل امسال دو عضو بزرگ خویش را از دست داد سیاسیون فرانسه در نظر دارند که روسیه را به رکنیت انجمن اقوام شامل نموده باین وسیله تادریجه جای جاپان و آلمان را مملو سازند.





عمارت جدید مجمع ملل که از پولی اعانه متوکلین بزرگ و دول مخصوص مجمع به شرکت بهترین مهندسان عالم در هندوا ساخت شده





(در صورت لزوم می تواند به وسیله یک نفر دیگر که در آن وقت حاضر است و آموخته شود)

ایران :

منازعه شرکت نفت ایران و انگلستان که بآثر الغای امتیاز و ارسی تولید شده بود بشورای انجمن اقوام در جنوا بین مملکتین معاهده موقتی امضا شده و سپس بتاريخ ۱۰ ثور در طهران بین حکومت ایران و شرکت نفت انگلستان معاهده جدید امضا شد و قرار این معاهده نزاع نفت به منفعت طرفین خاتمه یافت .

درین سال بعضی اشخاص از قبیل تیمورتاش وزیر دربار و اسعد وزیر جنگ بجرم مفسدت و خیانت از طرف حکومت ایران گرفتار و محاکمه شدند ایران در سال ۱۳۱۲ اقدامات مؤثری در بهبود اوضاع اقتصادی خود مبذول داشته و تمديد خطوط آهن را طرف توجه مخصوص قرارداد ، اختلافی که بآثر جزیره باسکید و بین مملکتین ایران و انگلستان تولید شده بود به منفعت ایران خاتمه یافت .

قره خان قائم مقام کمیسار ملی امور خارجه اتحاد شوروی در وسط سال به طهران مسافرت رسمی نموده با اولیای امور دولت ایران ملاقات کرد .



اعلیحضرت شاه ایران که اخیراً ترکیه را سفر نموده

درین مسافرت قره خان و بعدازان بعضی مسائل اقتصادی از قبیل اصول فیصله حسابات صادرات و برونج از ایران و واردات قنداز شوروی مابین مملکتین فیصله یافته است و مسائل دیگری مانند موضوع حق ترانزیت از خاک شوروی و غیره هنوز تحت مذاکره میباشد .

اعلیحضرت رضا شاه پادشاه ایران چندین دفعه درین سال بشمال و جنوب مملکت ایران مسافرت کردند .

بتوجهات اعلیحضرت پادشاه ایران درین سال دولت ایران مراحل مهمه اقتصادی را طی کرد در توریید و بکار انداختن فابریکهای نساجی و قند سازی و سمت سازی و غیره توجه کاملی مبذول گردید روی هم رفته مملکت دوست و هم جوار ما ایران درین سال به طی مراحل عمده ترقی و تعالی نائل گردید .

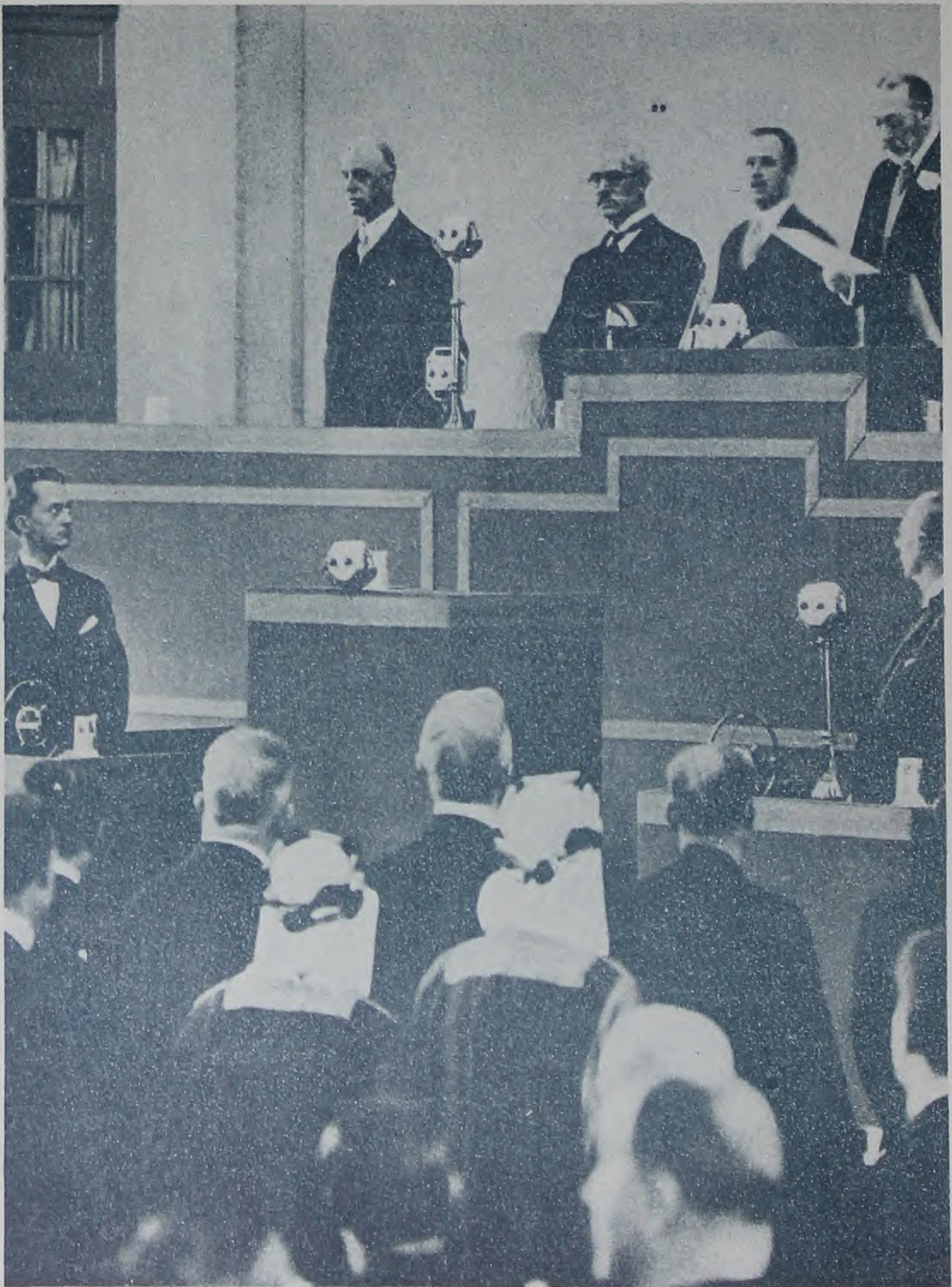


کابینه جدید ایران

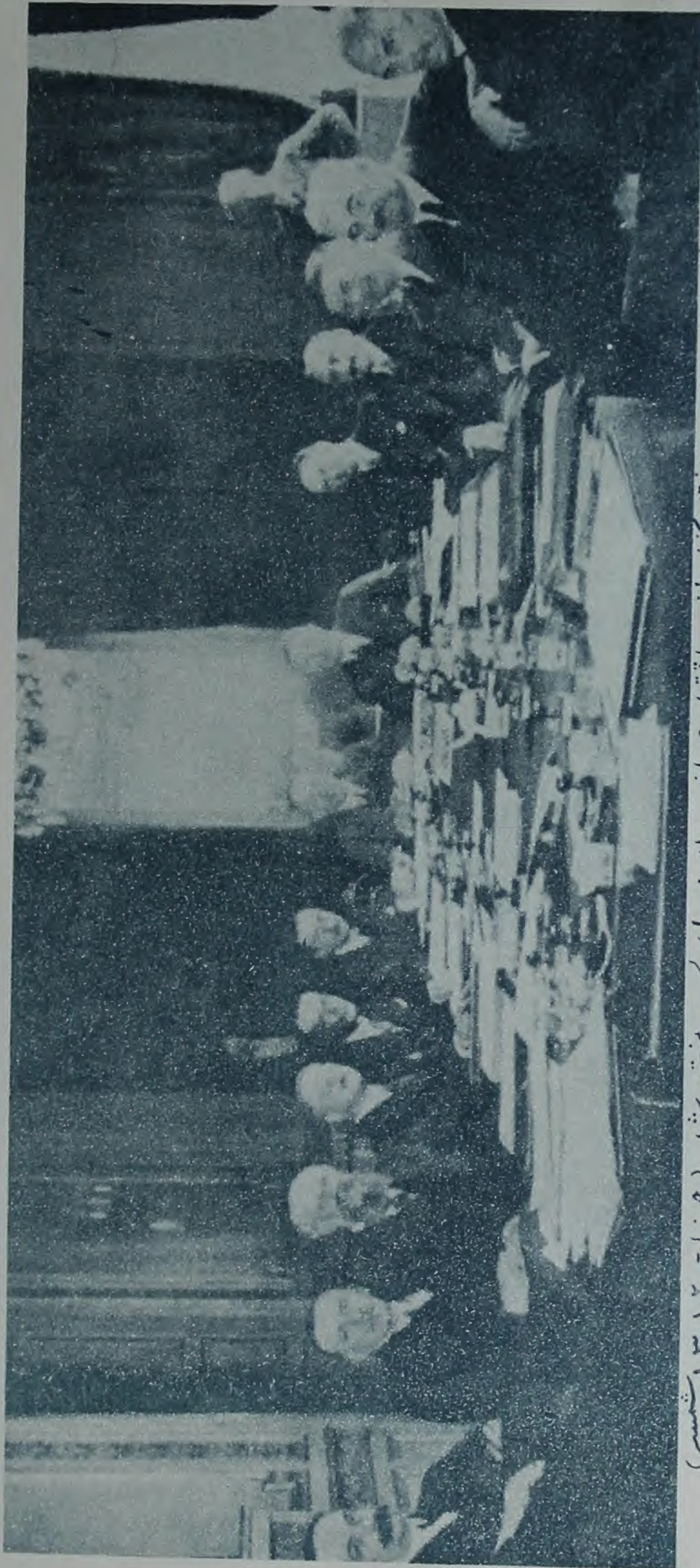
کنفرانس اقتصادی جهان:

برای رفع و چاره سنجی بحران اقتصادی که اکناف دنیا را فرا گرفته بود بسال گذشته انعقاد يك كنفرانس اقتصادی در نظر گرفته شده بود چنانچه در اثر آن شصت و شش ممالك دنیا به شمولیت در كنفرانس مزبور دعوت و افغانستان هم مدعو بوده و شامل شده بود. قبل از انعقاد كنفرانس کمیسیونیکه برای تهیه زمینه كنفرانس معین شده بود مسایل قابل بحث در كنفرانس را تعیین و علاوه بر پیشنهاد کرده بود که ممالك دنیا الی نتیجه كنفرانس یعنی در اوقات جریان محافل كنفرانس يك متارکه گمرکی را اختیار کنند، یعنی در اوقات جریان كنفرانس هیچ يك مملکت از منع ادخالات و یا از اذیت محصولات اقداماتی ننماید، ممالك دنیا در بدو كنفرانس بابعضی عبارات شرطیه به متارکه موصوفه موافقت نمودند، ولی طوریکه کنوت از جراید معلوم میشود، چون كنفرانس اقتصادی به نتیجه نرسیده رسماً ملتوی شده، لهذا ممالك دنیا نوتهای تعقیبیه بدفتر كنفرانس فرستاده و از مسئله متارکه گمرکی صرف نظر نموده اند، بهر صورت كنفرانس اقتصادی بتاریخ ۲۲ جوزای ۱۳۱۲ در عمارت تازه ساخت (موزیم) در لندن منعقد و بنا بر اهمیت فوق العاده که داشت خود شاه انگلستان آنرا افتتاح و نطق افتتاحیه را بالسنه انگلیسی و فرانسه ایراد نمود، بعدها مذاکرات كنفرانس بصورت جلسه عمومی جاری و نماینده گان ممالك افکار حکومت خود را در ضمن نطق خود بیان نمودند چنانچه هیئت افغانستان هم پیشنهادات خود را بموقعش بكنفرانس مزبور تقدیم نموده است، بعد اختتام حفله عمومی و نطق های نمایندگان كنفرانس مذکور به دو کمیسیون اقتصادی منقسم گردید یکی کمیسیون که دران مسائل تجارقی و گمرکات و انحصارات و غیره بحث می شد و دیگری کمیسیون مسکوکاتی که دران مسائل بانکهای مرکزی و اساس سکه و نرخ معین مسکوکات دنیا و غیره تحت مذاکره گرفته شده بود، چون عموماً اساس تجارت و اقتصادیات و جریان بانک ها تعیین اساس سکه و نرخ معین مسکوکات است، لهذا کمیسیون مسکوکاتی به معین نمودن اساس سکه که آیا طلا باشد یا نقره و استقرار نرخ مسکوکات صرف مقدرت نمود و هم مسئله اساس ذخیره بانک های دنیا که فیصد چند کفایت میکند تحت بحث گرفته شد طوریکه معلوم است عموماً اساس ذخیره بانک الی انعقاد كنفرانس اقتصادی فیصد ۳۲ معین بود، ولی هنگام جریان كنفرانس در کمیسیون مسکوکاتی پیشنهاد شد که اساس ذخیره فیصد ۲۵ کفایت خواهد کرد در مسئله اتخاذ اساس سکه چون همه ممالك بريك نهج نبوده، ممالکیکه ذخیره طلا بسیار دارند از قبیل فرانسه روسویس بتعین اساس سکه بر طلا مقرب بودند و بعضی ممالك دارای نقره از قبیل چین و مکزیك و غیره بتاسیس اساس سکه بر نقره اصرار داشتند، همچنان نسبت به استقرار نرخ مسکوکات چون عموماً تنزل پول يك مملکت برای واكسپورت یعنی اخراجات آن مفید ثابت می شود، لهذا بعضی ممالك از باعث عدم توازن تجارت شان نمی خواستند قوانین نرخ مسکوکات مستقر شود، بدیهیست چون مسایل مسکوکاتی اساس همه اقدامات كنفرانس مذکور بود در صورتیکه به مسایل مسکوکاتی و تعیین قیمت اشیا موفقیتی حاصل شده نتوانست، كنفرانس روی بسقوط نهاد چنانچه جلسات عمومی و کمیسیون های كنفرانس موصوف بتاریخ ۱۵ اسد ۱۳۱۲ معطل گردیده صرف دفتر كنفرانس و دارالکتاب آن برای مساعد ساختن زمینه به کار مداومت دارند و نمایندگان دنیا بمالك خود ها عودت نموده اند.





شاه انگلستان کنفرانس اقتصادی جهان را در لندن افتتاح میکند (جوزایه ۱۳۱۲)



کنفرانس ملل طلا که در خلال اوقات انعقاد کنفرانس اقتصادی لندن در پاریس منعقد شد (جوز ۱۲ - ۱۳ شمس)

قرارداد چهارگانه :

مفكوره عقد قرارداد دول كبرى اروپائى مبنى بر تمر كردادن رويه سياست متقابله خویش نسبت به مسايل بين المللى يكى از افكار قديمه ايست كه بعد از ۱۹۱۳ حينكه دول از محاربات بالقان خلاص ميشدند در كنفرانس ها استماع مى شد .

بعد از جنگ عمومى سياسيون غالباً باين امر اشاره نموده ميخواستند بين دول معظمه عضودائى مجمع اتفاق ملل قرارداد وائتلافى بعمل آيد اما بمناسبت عدم موافقت دول صغيره اين نظريه متروك گرديد .

در ماه ژويه ۱۹۳۱ . براى اولين دفعه فكريه متراكمه ده ساله سياسى بين المان و فرانسه بروز نمود - حين مسافرت « برونيك » وداكتر كورتىوس در پاریس فرمول هاى زيادى براى عملى ساختن اين نظريه سنجيده شد اما هيچ کدام نتيجه نداد - سپس حين مسافرت « موسيو لاوال » و « بريان » صدر اعظم و وزير امور خارجه فرانسه به برلين و بعد از ان در كنفرانس لوزان بين « فن پاپن » و « موسيو هريو » دوباره اين مسائل مورد بحث قرار گرفته صدر اعظم المان اشتراك مساعى و فكريه اتحاد دول كبرى اروپائى را پيشنهاد نمود . اگرچه درين وقت بمناسبت اينكه به امتياز مجمع اتفاق ملل رخنه وارد نشود پيشنهاد او مسكوت عنه گذاشته شد معذالك تا اندازه در داخل نظريات او قرارداد « مشوره مشتر كه » بين انگلستان و فرانسه بتاريخ ۱۳ ژويه ۱۹۳۲ عقد گرديد .

آنكه حقيقه طرفدار و رويكار آورنده « قرارداد دول چهارگانه » است موسيوليني ميباشد ، مشاراليه اولين دفعه بمقام « تورن » در نطق ۲۳ اكتوبر ۱۹۳۲ لزوم اشتراك مساعى دول بزرگ اروپائى را پيشنهاد و بتاريخ ۱۸ مارس سال حاضر عملاً پروژه درين زمينه ترتيب و صدر اعظم و وزير امور خارجه برىطانيا را براى مطالعه آن بروما دعوت نمود .

موسيوليني در خلال اين پروژه ميخواست برخلاف ماده ۱۹ قرارداد مجمع اتفاق ملل راهى براى تجديد نظر معاهدات بكشاید ، همين نكته فرانسه و لهستان ، ممالك ائتلاف صغير را وادار نموده كه در ان تعديلاتى بعمل آراند .

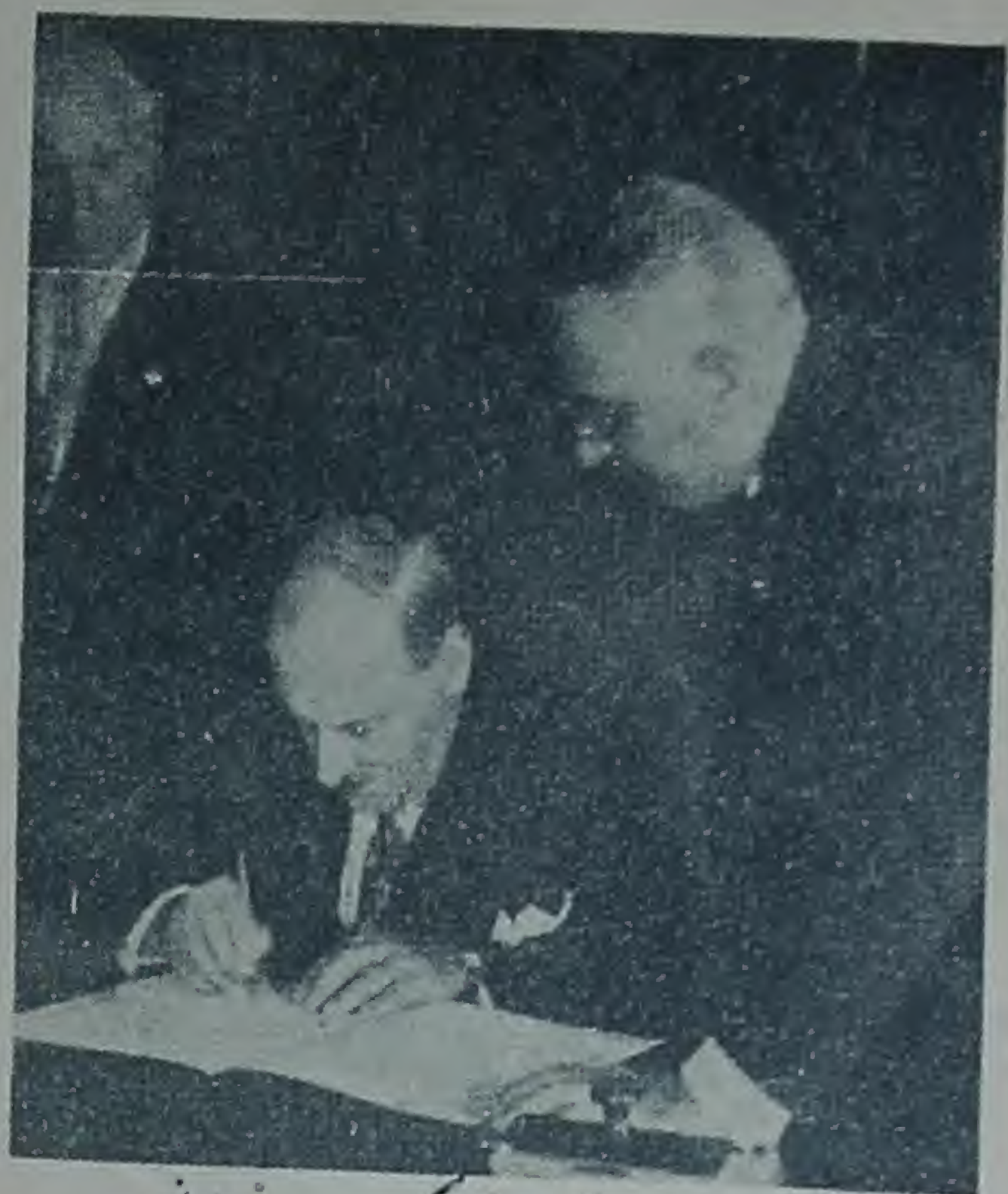


هرفون ناسل سفير كبرى آلمان



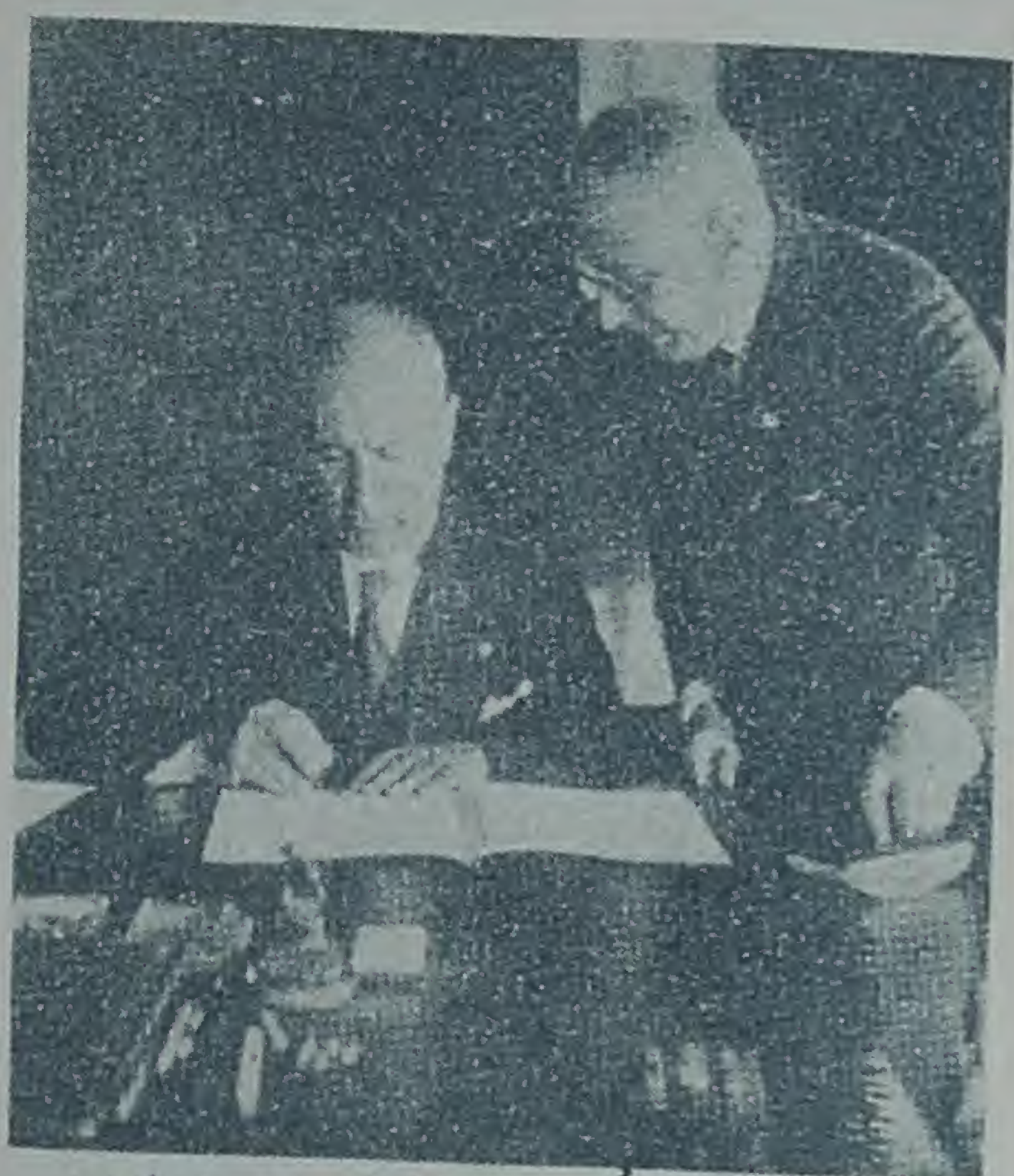
سرروئالد گرانام سفير كبرى برطانيه

همین طور صدر اعظم بریتانیا اگرچه اصلاً و اساساً با موسیولینی موافقت نظر داشت اما برای اینکه کنفرانس خلع سلاح را از مشکلات بیرون و دول صغیره را از هیجان بدرکند قرارداد چهارگانه را بیشتر به اساس اتحاد کولک و عدم صرف قوه نزدیک ساخت. بالاخره فرانسه برای تامین مقام و امتیاز مجمع اتفاق ملل این نکته را اضافه نمود که چون قرارداد بین چهار مملکت عضو دائمی انجمن اقوام انعقاد میشود بایست در حوضه آن مؤسسه و به احترام شئونات و مواد قرارداد آن بعمل آید.



موسیو دو ژوئل سفیر کبیر فرانسه

خلاصه در مدت ۴ ماه که از ۱۸ مارس یعنی تاریخ ترتیب پروژۀ اولیه موسیولینی تا ۸ ژون تاریخ امضای آن میگذرد تعدیلات زیادی در نظریات موسیولینی بعمل آمده و متن آخرین پروژه که با روحیات مجمع اتفاق ملل مطابق و بتاریخ ۱۸ ژون در قصر « وینز » بین موسیولینی و سفرای کبار انگلستان، فرانسه و آلمان به امضا رسیده است قرار آتی است : ماده اول : متعاهدین راجع به تمام مسائل مربوطه خود شان اتحاد عمل را مراعات نموده متعهد میشوند در حوضه مجمع اتفاق ملل در تعمیم و به سیاستی اجتهاد ورزند که بین تمام دول صلح را ضمانت و محافظه نماید.



سینور موسیولینی رئیس الوزرای ایتالیا

ماده دوم : آنچه که مربوط به قرارداد مجمع اتفاق ملل و مخصوصاً مادهای ۱۰، ۱۶، ۱۹، (*) باشد متعاهدین مصمم میشوند که در اطراف آن بین خود سنجش و رسیدگی نمایند و تصمیم قطعی در اطراف آن وظیفه خود مجمع اتفاق ملل است.

ماده سوم : متعاهدین تماماً متعهد میشوند که برای تامین کامیابی کنفرانس خلع سلاح منتهای کوشش بخرج دهند و اگر بعد از ختم کنفرانس مخصوصاً مسئله درین زمینه بین خود آنها عرض وجود کند بمطالعه آن پرداخته قرار انتصاب این قرار داد حل آنرا از مجرای صلاحیت فیصله نمایند.

ماده چهارم : - متعاهدین راجع به تمام مسائل اقتصادی که پهلوی مفاد مشترک که برای اروپا داشته باشد و مخصوصاً برای استقرار وضعیت اقتصادی در دایره هدایات مجمع اتفاق ملل بین خود تبادل نظر خواهند نمود. ناگفته نماند که احترام قرارداد مجمع اتفاق ملل، معاهده « لوکارنو » معاهده تحریم جنگ « بریان کولک » و معاهده عدم صرف قوه که پروژه آن به ۱۱ دسامبر ۱۹۳۲ در ژنو ترتیب و نمایندگان کنفرانس خلع سلاح بتاریخ ۲ مارس ۱۹۳۳ آنرا پذیرفته اند جزو اعظم قرارداد دول چهارگانه و تمهید متن آنرا تشکیل میدهد.

(*) این سه ماده برای احترام استقلال ملل و عدم تجدید نظر معاهدات وضع شده.

وقایع مهمه جهان

قرارداد چهارگانه بعد از همه تعدیلاتی که در مدت ۴ ماه در آن بعمل آمده است مستقلاً چیز جداگانه و جدیدی نیست و چون منظور مرتبین اولیه آن یعنی تجدید نظر معاهدات و اقداماتی که منجر به سقوط امتیاز انجمن اقوام میشد از آن کاست گردید در قطار سایر معاهدات صلح به اسم و رسم دیگر و به تغییر جزئی معاهده دیگری علاوه گردید که بین حصار آهنین معاهده صلح و رسای، قرارداد مجمع اتفاق ملل و سایر معاهدات لوکارنو، کولک که بعد از جنگ در راه تامین صلح عقد شده اند محصور میباشند.

وضعیت آیرلند:

دی ولیرا و مطالبات او از حکومت انگلستان:

معمولاً کلمه آیرلند به جزیره اطلاق میشود که بطرف غرب جزیره انگلستان واقع و از جانب شمال - شرق و جنوب مشرق محدود به کنال شمال و کنال سن ژورژ و باقی اطراف آنرا اوقیانوس اطلس محصور نموده است. آیرلند ابتدا منقسم به ۵ ولایت و رئیس حربی، آنها را اداره می نمود و از قرن ۵ تا ۹ کانون بزرگ علمی و مذهبی تمام اروپای غربی بشمار میرفت. انگلستان در قرن ۱۲ از نفاق و مخالفت های رؤسای بومی استفاده نموده در خاک جزیره آیرلند تجاوزات نمود و هائری دوم پادشاه آن مملکت در ۱۱۷۲ شخصاً در آنجا مسافرت نموده آیرلند را مطیع و مستعمره انگلستان ساخت و در قرن ۱۷ «کرامول» دیکتاتور انگلستان آنرا «دویمین» انگلیس قرارداد. چون آیرلندی ها اصلاً از نژاد «سلتی» و مذهب آنها بطور عمومی کاتولیک می باشد طبعاً بغلت اختلاف نژاد و مذهب یکسلسله مخالفت ها حتی مجادله در طی قرون بعد بین آیرلند و انگلستان بوجود پیوسته است. چون خاک آیرلند استعداد زراعتی دارد عده زیاد ساکنین آن به امریکا مهاجرت نموده اند و بدین اساس از ۱۸۵۰ تا امروز ساکنین آن تقریباً از ۹ میلیون به چهار و نیم میلیون رسیده یعنی نصف شده است. در ۱۸۴۸ آیرلندی ها به اشاره میلیون های مهاجرین خویش به امریکا پروژه آزادی داخلی (هوم رول Home Rule) ها به پارلمان انگلستان پیش نموده و بعد از جر و بحث طولانی و تعدیلات حزب ملی موسوم به (سن - فن - سینه فینس Suine Feines) در اثر کمک های مالی مهاجرین خویش مقیم آئازونی انقلاب نموده تمینات خود را حاصل نمودند. چنانکه انگلستان مصروف جنگ عمومی شد آیرلندی ها از پاره قیوداتی که (هوم رول) بر آنها تحمیل نموده بود کناره جویی نموده بنای شورش را گذاشتند و بروز دوشنبه عید پاک ۱۹۱۶ تصادمات خونینی در (دوبلن) مرکز مملکت برپا و آتش مخالفت دیرینه بین انگلستان و آیرلندی را تازه گردانید. در ۲۴ دسامبر ۱۹۱۷ «لاید جارج» کنفرانسی در دوبلن دایر نموده و پروژه آزادی و سیمتری برای آیرلند ترتیب نمود، بتاريخ ۲۱ ژانویه ۱۹۱۹ پارلمان با کثرت تمام استقلال آیرلند را اعلان نموده و نمایندگان مملکت عوض اینکه به لندن بروند در دوبلن مجتمع شدند. حکومت جدید فوراً باب مخالفت های جدی را با انگلستان گشوده تا اینکه در نتیجه بعد از دو سال بتاريخ ۶ دسامبر ۱۹۲۱ منازک بعمل آمده حکومت انگلستان رسماً آزادی آیرلند را شناخت اما در عوض سیاسیون انگلیس از اختلاف مذهبی ساکنین جزیره استفاده نموده صورت وحدت ایرلند را شکستند قسمی که ولایت (ایولستر Ulster) را که بحاجب شمال جزیره واقع و پنج یک خاک آیرلند را تشکیل میدهد و مذهب آنها پروتستان میباشد کما فی السابق دویمین انگلستان بای گذاشته تنها به آیرلند جنوبی کاتولیک مذهب آزادی دادند. برای اینکه وضعیت امروزه ایرلند و موضوع اقدامات دی ولیرا بخوبی فهمیده شود باید به این مسئله دقت نمود که آیا آزادی که انگلستان در ۱۹۲۱ برای آیرلند جنوب قائل شده است چطور و بچه اساس است و وسعت آن تا کجا است. بدیهی است که این آزادی، آزادی و استقلال مطلقه نیست و قیوداتی که ۱۸ اده معاهده آزادی ۱۹۲۱ به آیرلند تحمیل نموده است قرار ذیل است:

آیرلند مانند کانادا و استرالیا و زیلانده جدید و غیره به پایه مساوی مربوط امپراطوری انگلستان است حکمران عمومی که نماینده امپراطور انگلستان میباشد بمشوره وزرای آیرلند از طرف شاه انگلستان انتخاب میشود - اعضای پارلمان حکومت آزاد آیرلند حینی که انتخاب میشوند سوگند وفاداری به شاه انگلستان میخورند - انگلستان حق مراقبت و محافظه سواحل آیرلند را دارد - آیرلند به تناسب جمعیت قشونی متعددتر از انگلستان نگاه کرده نمیتوانند - آیرلند سه ملیون پوند بعنوان مالیات اراضی سالانه به انگلستان میپردازد ولایت « اویولستر » حصه از آیرلند شمالی کمافی السابق دومینین انگلستان است .



دی ولیر قائم مقامی و رئیس حکومت آیرلند

باین قیودات آیرلند در دایره اتحادیه ملل بریطانیا حکومت آزادی است که اصول دموکراتی در آن تقویت گرفته و به اساس آن « دیل » شورای ملی در اثر آرای عمومی انتخاب میشود - قوای قانونی بدست دو محفل سنا و مبعوثان است انتخاب نمایندگان بصورت مستقیم بعمل می آید و مردوزن که از ۴۱ سال بالا باشند در انتخابات شامل شده میتوانند (عمر متخبین برای محفل سنا ۳۵ سال قید شده است) شخص شاه را نائب السلطنه نمایش میدهد که فقط در اثر رضایت وزرای آیرلند انتخاب میشود . قوه اجرائیه بدست محفل اجرائیه است که مرکب از ۷ عضو ویک رئیس میباشد و این رئیس را پارلمان آیرلند انتخاب می نماید . آیرلند مانند سایر ملل بحقوق مساوی عضو مجمع اتفاق ملل است و سفرا به ممالک خارجی ارسال کرده میتواند .

حالا که از چگونه گی وضعیت قدیم آیرلند و اوضاع آن مملکت در تحت رژیم نیمه مستقل ۱۲ ساله اخیر مطلع شدیم به شرح منظور اساسی خویش می پردازیم که آیا موسیو « دی ولیرا » کیست، رکنیت و پروگرام او عبارت از چیست ؟

موسیو « کالون دی ولیرا » اصلاً منصوب بیک خانواده قدیم اسپانیولی است که بجنوب جبال پیرنه « در علاقه بشك سکونت » اقامت داشته و بعدها به آیرلند سکونت اختیار نموده است . مشارالیه در سال ۱۸۸۱ متولد و بعد از تکمیل تحصیلات خویش در دارالعلوم دوبلن بسن ۲۴ سالگی بحیث پروفیسر هندسه شهرت یافت . بعد از ۱۹۱۰ در اثر ذوقی که بکارنامه های اشخاص معروف یورپ داشت داخل سیاسیات شده آنی از مظاهرات وطن پرستی خودداری نمود و بهمین واسطه باعده از مظاهرین و انقلابیون محبوس گردید ۱۹۱۷ از محبس رها و در ۲۵ اکتوبر سال مذکور نمایندگان شورای ملی او را بحیث رئیس انتخاب نموده و ازین تاریخ باینطرف اولین قائد ملی ایرلند بشمار میرود . دی ولیرا چندین مرتبه محبوس و بعد از هر خلاصی مسافرتی به امریکا نموده است و در هیچ جا چه در سفر و چه در حضر لمحّه از اقدامات استقلال خواهی خودداری ننموده است تا اینکه بشرحی که متذکر شدیم انگلستان بتاریخ ۶ دسامبر ۱۹۲۱ حقوق آزادی آیرلند را شناخت .

فتح حزب جمهوریت پسندان در انتخابات ۱۶ فوریه ۱۹۳۲ آیرلند منتج برین شد که در پارلمان جدید حزب کارگر و جمهوریت پسند همدست شده بتاریخ ۹ مارس سال مزبور به اکثریت ۸۱ رای در مقابل ۶۸ « دی ولیرا » را به ریاست حکومت آزاد آیرلند انتخاب نمودند و ازین تاریخ حاکمیت پارلمانی گردید .

وقائع مهمه جهان :

دی ولیرا در نظر دارد که آخرین رشته رابطه بین آیرلند و انگلستان را گسیخته حکومت جمهوری آزادی روی کار آرد و مواد عمده پروگرامی که از دو سال باینطرف تعقیب میکند و اساس مطالبات او را از حکومت انگلستان تشکیل میدهد یکی الغاء پرداخت سه ملیون پوندی است که سالانه انگلستان بعنوان مالیات اراضی دریافت میدارد. اساس وضع این مالیات این است که حکومت انگلستان از سال ۱۸۷۰ الی ۱۹۰۹ برای دهاقین آیرلند مبالغی برای خریداری اراضی از صاحبان املاک پرداخته بود. حکومت انگلستان این مبالغ را قروض شخصی تصور میکند و آنرا به وضع و دریافت سه ملیون پوند مالیات سالانه میخواهد جبران نماید اما دی ولیرا مبالغی را که انگلستان پرداخته جزو قروض عمومی حساب میکند و چون بعد از اینکه آیرلند از بعضی مطالبات خویش در آیرلند شمالی دست کشید با انگلستان چنین قرار گذاشته شده بود که تمام قروض عمومی بین مملکتین لغو شود، دی ولیرا از روزیکه ریاست حکومت را عهده دار شده است به الغاء پرداخت مالیات مذکور میکوشد.



جراول اول و دی ولیرا نمایندگان ایرلند (در وسط) پس از تاملی از مجلس

مسئله دومی که دی ولیرا الغاء آنرا از حکومت بریتانیا مطالبه میکند ماده چهارم معاهده ۱۹۲۱ است که قرار آن اعضای پارلمان آیرلند بایست نسبت به شاه انگلستان سوگند وفاداری بخورند.

کوششاتی که از طرف دی ولیرا رئیس اجرائیه حکومت آزاد آیرلند برای الغاء این دومسئله بعمل آمده است تا حال نتایج مثبتی نداده و قرار معلوم حکومت انگلستان از تغییر دادن معاهده فوق الذکر جداً احتراز میکند. دی ولیرا از همان اوائل ایام حکومت خویش استقرار جمهوری آزاد آیرلند تعمیل سائر مواد پروگرام خویش را در نظر دارد اما وضعیت داخلی بشرحیکه ذکر میکنیم او را مصروف و منتظر موقع مساعد نموده است.

علاوه بر حزب جمهوری خواهان و حزب اعتدالین «گوسگراو» که بعد از اقتدار یافتن حزب اول الذکر پس پاشد اخیراً جر اید وجود حزب فاشیستی «پیراهن نیلی ها» را به سرکردگی ژنرال (Oduffy) در آیرلند خاطر نشان میکنند. در حقیقت وجود این احزاب چیزی تازه نیست بلکه دو سه سال قبل هم وجود داشت و دی ولیرا بکمال بصارت این موضوع را از اول فهمیده و طوریکه متذکر شدیم چون اکثریت پارلمانی را بکمک احزاب کوچک کارگر و غیره حاصل نموده بود یعنی بزبان دیگر حکومت و حزب او بصورت اطمینان بخش حایز اقتدار نبود به اصلاح وضعیت داخلی پرداخته در اوائل سال جاری پارلمان را منحل و تجدید انتخابات را شروع نمود و در نتیجه قبل از اینکه سائر احزاب صورت رسمی پیدا کنند در مقابل تمام احزاب دیگر اکثریت مطلقه ۱۵۲ کرسی را در مقابل ۷۹ حاصل نمود و بدین منوال تا امروز توانست از تهاجمات و مظاهرات احزاب جلوگیری نموده آزادانه به تعمیل پروگرام آزادی خویش بپردازد.

انگلستان مطالبات آزادی خواهانه آیرلند را به قیودات گمرکی پاسخ داده و ازین راه به اقتصادیات آیرلند صدمات سختی وارد میکند و تا حال برای تغییر دادن قیودات معاهده ۱۹۲۱ صورت مسألت نشان نداده است.

ممکن آیرلند به الغاء سوگند وفاداری و پرداخت مالیات و تشکیل حکومت جمهوری آزاد در آیرلند جنوبی موفق شود اما الحاق آیرلند شمالی پروتستان به آیرلند جنوبی تا حدی امکان پذیر نیست. اینها یکسلسله سوالاتی است که آینده جواب قطعی آنها را خواهد داد.

سلسله منازعات امریکای جنوبی :

امریکای جنوبی از دو سال
باینطرف صحنه یکسلسله
منازعاتی است که فضای
آن قطعه را تیره نموده
و اکثر آن با وجود مداخلت
مجمع اتفاق ملل تا امروز
فیصله نشده است. امریکای
جنوبی تقریباً مرکب از ۲۰
جمهوریت کوچک و بزرگی
است که از حیات آنها
چندان زیاد نمیگذرد و
درین اواخر در اثر
منازعات سرحدی و ظهور



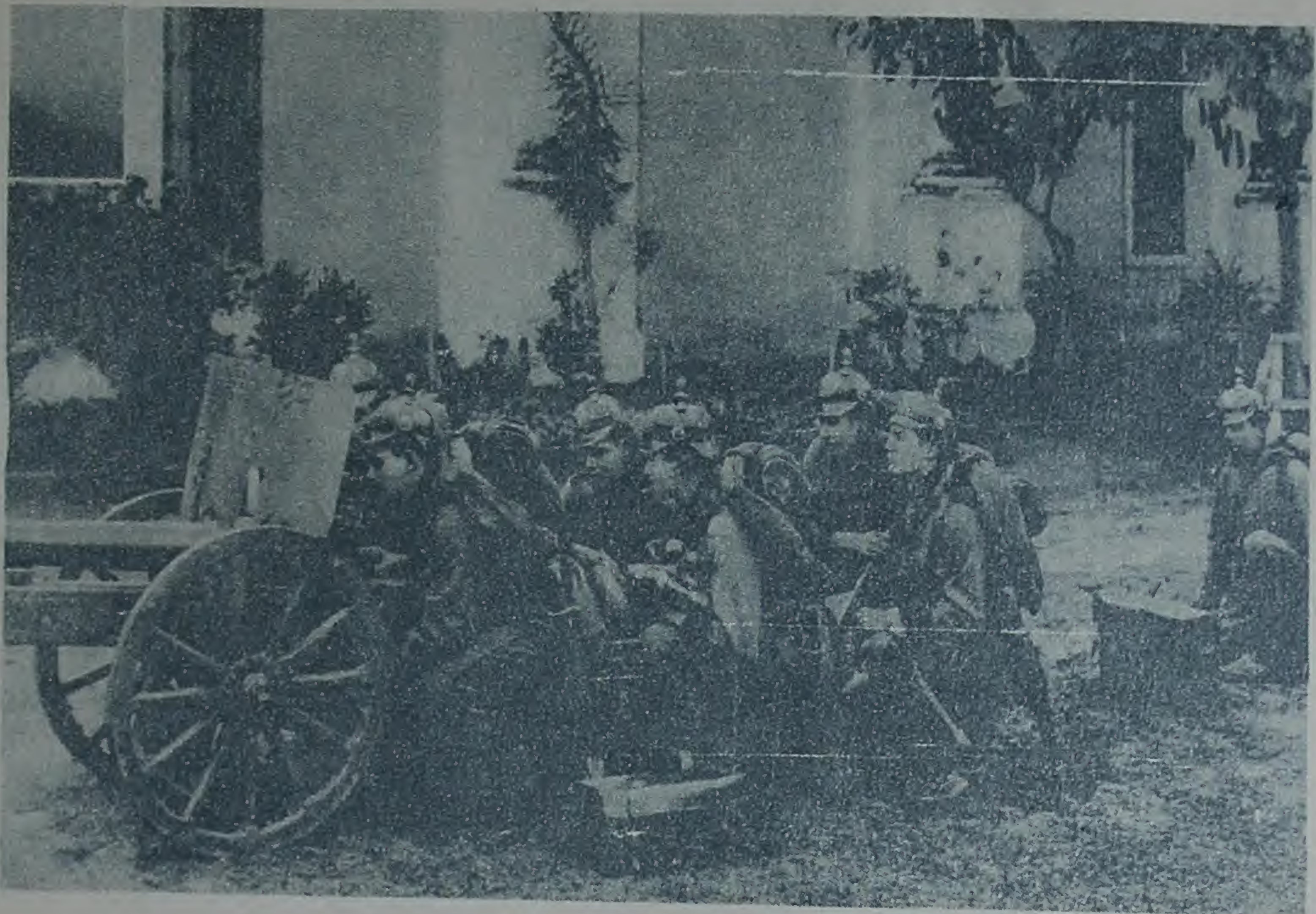
ارکان ریاست فقه العاده قوه اجرائیه کیوبا (در وسط سنین مارتن رئیس جمهور موقت)

احزاب مخالف حکومت های محلی و پروپاگند های مضره یکی بادیگر دست و گریبان شده و بهم در آویخته اند،
ما گذارشات این صحنه را به منتهای اختصار چنین شرح میدهیم :

قبل از همه جمهوریت « بولیوی » و « پاراگی » داخل منازعه شده اند و علت مناقشه ایشان این
است که بولیوی بواسطه وجود همسایه خویش شیلی دست به اوقیانوس کبیر ندارد و برای اینکه دستی به اوقیانوس
اطلس پیدا کند علاقه « شاکو Chaco » را مطالبه میکند . پاراگی در حین دو معاهده متعاقب
۱۸۷۴ و ۱۸۸۲ به آن علاقه حاکمیت داشت آنرا خاک لایتجزای خویش میدانند . بعد از وقوع محاربات
مجمع اتفاق ملل و کمیته ممالک مجاور در اثر پیشنهاد و تقسیم منطقه متنازع فیه طرفین را بصورت موقت
آشتی داده اند .

هنوز محاربه این دو مملکت جریان داشت که دو جمهوریت دیگر « کولومبی » و « پیرو » داخل نبرد
گردیدند . علت تنازع این دو مملکت نتیجه حملاتی است که بتاريخ ۳۱ اگست ۱۹۳۲ در علاقه سرحدی
(لیتسیا Leticia) بوقوع پیوسته است . حکومتین فوق الذکر هر کدام تعرض دسته قشون طرف مقابل را
در علاقه فوق الذکر خاطر نشان نموده مسئولیت را بگردن یکدیگر می اندازند، مجمع
اتفاق ملل حکومت کولومبی را ذیحق دانسته تخلیه ناحیه مذکور را به مملکت مخالف امر داده است .

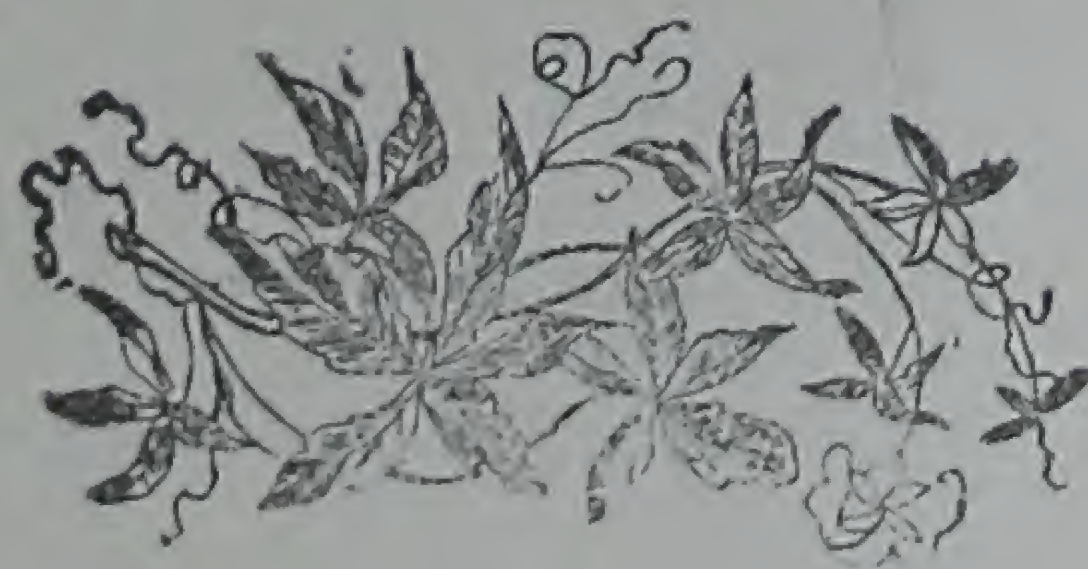
« کیوبا » در دوره سال ۱۳۱۲ دچار انقلاب داخلی مدهشی گردید که آتش آن از طرف حزب
مخالف حکومت افروخته شده بود در نتیجه حزب مخالف فایق آمده و رئیس جمهور (ماشادو Machado)
ذریعه طیاره به جزیره « ماها با » فرار نمود . وزیر حربیه و وزیر خارجه و چند نفر صاحب منصبان دیگر
که طرف دار رئیس جمهور موصوف بودند همه فرار اختیار نمودند منازعات دو حزب و آتش انقلاب مدت



یک دسته از توپخانه تفیل پاراگی که بمقابل بولیویا بجنگ می رود

مدیدی دربندر « بهاوان » و سایر نقاط مملکت اشتعال داشت . اتازونی برای حمایت تبعه خویش چند سفینه جنگی را به بندر « هاوان » فرستاد . رئیس جمهور جدید موسیو (سسپد Cespeds) هنوز کاملاً از ایداء حزب رژیم قدیم مطمئن نشده و طرف سوئی قصد بی نتیجه واقع شده بود .

خلاصه، طوریکه متذکر شدیم در طی سال ۱۳۱۲ فضای امریکای جنوبی سراسر تاریک و در هر مملکتی به علل مختلف محاربات سرحدی، انقلابات داخلی، منازعات احزاب، اضطراب سیاسی کسب وجود نموده است . در ماه می در (پیرو) در اثر سوئی قصد رئیس جمهور بقتل میرسد . در (برازیل) و (ایوراگی) احزاب سیاسی اغتشاشات برپا میکنند ارژان تین، محصور میشود . در « شیلی » رئیس جمهور « الکساندری » از کنگوره اقتدار مطلقه مطالبه میکند در (کوبا) و (اکواتور) آتش انقلاب داخلی مشتعل میشود و اثرات آن در (مکزیك) سرایت میکند . بعضی ازین منازعات هنوز خاموش نشده و برخی پس از تسکین وقتی مجدداً رخامت پیدا نموده قسمی که هنوز فضای امریکای جنوبی تیره و تار است .



وفات اعلیحضرت ملک فیصل شاه عراق:

قارئین محترم از وقوع حادثه ناگوار وفات اعلیحضرت ملک فیصل و منتخب شدن پسرش امیر غازی بشاهی عراق مطلع اند چون فقید مزبور یکی از زعمای ملی کار آگاه عرب و اولین پادشاه عراق مستقل و یکی از قائدین بزرگ نهضت عربیه بشمار میرود و در اثر خدماتیکه در دوره زمامداری خود بملت عراق نموده در شرق مقام بزرگی را احراز نموده است بشرح مختصر سوانح حیات او پرداخته اخیراً بصورت ایجاز ذکر از پسرش شاه حاضره عراق مینمایم:

اعلیحضرت ملک فیصل سومین پسر شریف حسین شریف حجاز بتاریخ ۱۸۸۵ در طایف متولد شده و ایام صبا و ت را تا سن ۷ سالگی در دامان تربیه والدین و در قبیله بنی عبیده بسر برده است. در ۱۸۹۳ حینیکه شریف حسین به استامبول مسافرت می نمود فیصل نیز با او همراه شده و تا ۱۹۰۸ در آنجا به تحصیلات خصوصی مشغول بود و در ۱۹۰۵ با دختر عموی خویش ازدواج نمود.

اعلیحضرت امیر فیصل شاه فقید عراق

چون پدرش بسمت شریف مکه انتخاب گردید با وی به مکه مراجعت نموده و یکسال بعد از طرف اهالی جده بصفت نماینده به پارلمان ترکیه اعزام گردید.

حینیکه قضایای جنگ عمومی در میادین اروپا دوام داشت و اعراب موقع نهضت را غنیمت شمرده سر مخالفت و منازعه را با ترک ها گرفته بودند شریف مکه فیصل را به قیادت قوای مناطق شمال برگزید در نتیجه بعد از چند مقابله با قوای ترک موفقیت حاصل نموده در ۳۰ دسامبر ۱۹۱۱ فاتحانه داخل دمشق شد و با تجلیلات استقبال گردید.



اعلیحضرت امیر غازی شاه جدید عراق

پس از استقرار صلح در ۱۸ نوامبر ۱۹۱۸ از طرف پدر خویش شریف مکه به کنفرانس صلح پاریس اعزام

شده و از طرف فرانسوی ها در پاریس به احترام زیاد استقبال شد. یکسال بعد در اوایل ۱۹۱۹ پس به سوریه مراجعت نمود سپس بقصد سیاحت اروپا عازم لندن شد و تا ۸ ماه مارس ۱۹۲۰ در آنجا اقامت داشت حین مراجعت معظم له از طرف کنگره سوریه به پادشاهی شام انتخاب گردید. چون درین وقت رقابت انگلیس و فرانسه و آمال استعمار جویانه آن دو ممالک در شرق قریب بمنتهای شدت رسیده بود و انگلیس با اعراب وعده هائی نموده بود که بمفاد فرانسه موافقت نمیکرد اقدامات ملک فیصل منافی

نظریات فرانسه بود از طرف حکومت فرانسه ژنرال گورو، یادداشتی مشتمل بر چند ماده به ملک فیصل فرستاد. اگر چه شاه سوریا با بعضی مطالبات حکومت فرانسه صورت موافقت هم نشان داد اما ژنرال موصوف بتاريخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۲۰ بصرف قوه داخل سوریا شده دمشق را فتح و اعلیحضرت فیصل را مجبور بمسافرت لندن نمود و بدین منوال حکومت جدید التاسیس سوریا به قیادت امیر فیصل منقرض گردید.

چون حین اقامت امیر فیصل در لندن وضعیت داخلی عراق که از طرف انجمن اقوام تحت قیمومیت انگلیس قرار داده شده بود مغشوش بود انگلیس ها برای رفع اغتشاشات و هنگامه داخلی امارت عراق را بوی تفویض نمودند؛ ملک فیصل این تکلیف را به دو شرط قبول نمود یکی انگلستان حکومت عراق را برسمیت نیندازد و ثانیاً در موقع متقاضی بوی استقلال عطا کند. انگلستان باین دو پیشنهاد موافقت نموده و فیصل بعراق عزیمت نمود و در بغداد شورای ملی عراق بتاريخ ۲۳ اوت ۱۹۲۱ تاج عراق را بوی تفویض نمود.

اوائل سلطنت ملک فیصل در عراق مصادف به مشکلات گردیده از یکطرف وهابها که حجاز را متصرف و اعلیحضرت علی برادر بزرگ فیصل را خلع نموده بودند شرق اردن (امیر آن عبدالله برادر دیگر ملک فیصل میباشد) و عراق را تهدید می نمودند و از طرف دیگر مسائل سرحدی عراق و ترک و اصرار مملکت اخیر الذکر بانفصال موصل موجبات نگرانی حکومت عراق را تولید نموده بود.

در اکتوبر ۱۹۲۲ حکومت مشروطه در عراق قائم گردید و برطبق معاهده در ۱۹۳۰ انگلستان استقلال آنرا شناخت و دو سال بعد در ماه اکتوبر ۱۹۳۲ عراق عضو مجمع اتفاق ملل شناخته شده و بدین منوال یکی از آمال دیرینه ملیون عراق عملی گردید.

در ۱۵ ژوئن ۱۹۳۳ ملک فیصل بصورت رسمی مسافرتی بانگلستان نموده از طرف شاه انگلستان شخصاً در لندن با احترام زیاد استقبال شد و از آنجا پس از چندی بغرض علاج خویش عازم برن پایتخت سویس گردید. چندی نگذشته بود که تصادم آشوبها با عراق شعله ور گردید و امیر فیصل بتاريخ ۲ اگست ذریعه طیاره برای واری امور بغداد مراجعت نمود چون شورش مذکور فرو نشست بتاريخ ۱۵ دسامبر مجدداً ذریعه طیاره برای ادامه معالجه خویش به برن عازم گردید. اعلیحضرت فیصل چند روز در پایتخت سویس اقامت نموده و بتاريخ ۷ سپتامبر (۱۵ سنبله) دفعه در اثر سکت قلب وفات نمود. بعضی ها ادعا دارند که معظم له را زهر داده اند و برخی برآنند که خود کشتی نموده است اما در اثر تفحصات دکتوری تمام این حدسیات بی اساس ثابت شده است و صورت اصلی واقعه این است که اعلیحضرت فیصل از مدتی بمرض ضعف قلب دچار بود و بهمین علت برای معالجه خویش در سویس عزیمت نموده بود و درین حال بی احتیاطی بزرگی نموده بقسم گردش فراز کوهی بالا شده بود چون قلبش طبعاً ضعیف و مریض بود مقاومت نتوانسته چند ساعت بعد معظم له دفعته وفات نمود.

جسد اعلیحضرت فیصل را تا مقام (Brindisi برندیسی) با احترامات شایانی بطریق زمین آورده سپس (Despatch رسیچ) سفینه بریطانوی جسد فقید عرب را تا قالیفه براه بحر آورد از آنجا ذریعه طیاره بتاريخ ۱۵ سپتامبر وارد بغداد گردید. بعد از آدای نماز و تعمیل مراسم مذهبی و ملی به احترامات شایانی دفن گردید.

وفات اعلیحضرت ملک فیصل برای ملت عراق و هوا خواهان نهضت عرب و عالم شرق فقدان بزرگی است. در اثر وفات معظم له شورای ملی عراق بتاريخ ۱۱ سپتامبر جلسه فوق العاده تشکیل نموده مطابق قانون اساسی ۱۹۲۴ پسرش امیر غازی ولیعهد عراق را به پادشاهی برگزیدند. امیر غازی در مکه معظمه متولد شده و او ان صباوت را در دامن جد خویش شریف حسین بسر برده است در ۱۹۲۲ باید در خویش به عراق آمده و قرار قانون اساسی ۱۹۲۴ که سلطنت را در خانواده ملک فیصل ارثی قرار میدهد ولیعهد برگزیده شده است تعلیمات ابتدائی را بصورت خصوصی نزد معلم انگلیسی در خود مملکت فرا گرفته و باقی دوره تحصیلات خویش را در مکاتب لندن گذرانیده است معظم له حین مسافرت اخیر پدر خویش به اروپا و سویس به مسافرت های داخلی و امور مملکت داری صرف مساعی نموده است. قرار کفایتی که بخیر می دهد امید است عراق مستقل به قیادت او به تمام امال ترقی خوانه خود کامیاب آید.

امریکا رسماً حکومت شوروی را می‌شناسد:

بعد از اینکه در اثر انقلاب ۱۹۱۷ امپراطوری (تزاری) لغو و حکومت جماهیر اشتراکیه شوروی کسب وجود نمود تا مدتی دول معظمه اروپائی بعزت تغییر رژیم حکومت روسیه از شناختن رسمی حکومت جماهیر اشتراکیه شوروی ابا و رزیدند.

در کنفرانس «کن» Canne که تمهید کنفرانس ژنو ۱۹۲۲ میباشد ممالك متحدین اعلان نمودند: که اگر حکومت جماهیر شوروی میخواهد از طرف دول معظمه شناخته شود باید فقرات آتی را مراعات کند: «حمایه اموال شخصی، تادیبه قروض، اجرای کنتراستها، الغای پروپاگند مخرب، عقد معاهدات عدم تعرض با همسایگان».

نظریات حکومت اتازونی درین وقت نسبت بروسیه با نظریات دول اروپائی فرقی نداشت و نوتته که به تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۲۳ (مستراولج) رئیس جمهور آنوقت امریکا بحکومت روسیه فرستاده است چنین است: «حکومت امریکا ابدأ مایل نیست که باروسیه قطع روابط کند اما این را نیز میگوید که با مملکتی که وظایف بین المللی را احترام نکند داخل مناسبات شده نمیتواند اگر روسیه متعهد تادیبه قروض مملکت و رفع خسارات هموطنان ما بشود بشناختن او حاضریم».

حکومت روسیه درین وقت تمام پیشنهادات امریکا را قبول نموده خواستگار شد تا برای حل قروض و سائر مسائل لا یتفق علیها کنفرانسی تشکیل دهند اما حکومت امریکا ازین امر استنکاف ورزیده و مسئله شناختن رسمی روسیه ذریعه امریکا تا امروز باقی ماند.

روی هم رفته موجبات قرابت روسیه و امریکا از ۲ سال باینطرف عرض اندام نموده و آنچه که امریکا را وادار به شناختن روسیه نموده است دو علت عمده است که تمام موجبات کوچک را در بر میگیرد: یکی چاره جوئی آلام بحران اقتصادی و فکریه بهبودی اوضاع مالی امریکا و دیگر انبساط اقتدار و حاکمیت ژاپون در شرق اقصی و محیط کبیر که بتنافع دو مملکت بزرگ عالم روسیه و امریکا تصادم میکند.

طوریکه در تمهید مقاله متذکر شدیم دول معظمه اروپائی ابتدا تا چند سالی از شناختن رسمی روسیه ابا و رزیدند (انگلستان و فرانسه او را در ۱۹۲۴ شناختند) اما چون قطع روابط بایک مملکت بزرگی چون روسیه که دامنه خاکش در آسیا و اروپا امتداد دارد امکان نداشت و روسیه هم تا اندازه به مطالبات ایشان صورت موافقت نشان داد یکی بعد دیگری او را شناختند. پس از تشکیل رژیم «هتلریزم» و مخالفتی که با کمونسستها نشان داد روابط روسیه با همسایگان چه بلکه با بعضی ممالك مثل لهستان و رومانی (بمناسبت مسئله لاینحل یسارابی) که امکان بهبودی نداشت بیش از پیش به اساس مناسبات دوستانه محکم گردیده و یکسلسله معاهدات عدم تعرض نه فقط با همسایگان مستقیم خویش بلکه با فرانسه و اکثر ممالك بالقان عقد نمود. اخیراً بعد از مسافرت موسیو «هریو» صدراعظم سابق فرانسه و موسیو «کوت» وزیر فضائی آن مملکت تغییرات عمیقی در رویه مناسبات سیاسی روسیه و فرانسه بعمل آمد خلاصه روسیه بیش از پیش در قطار دول معظمه اخذ مقام نموده و اعتبارات بین المللی را احراز نمود و تنها چیزیکه برای تکمیل اعتبار و مقام



فرانکلن روزولت رئیس جمهور اتازونی

دنیاى او باقى مانده بود شناختن امريکا بود و بس - اگرچه ممالك متحده امريکا بصورت غير مستقيم داد و ستد تجارتى با روسيه داشت اما تا امروز جزء حريفان او بشمار ميرفت .

بعد اينکه سال گذشته « مستر هور » رئيس جمهور حزب جمهوريت طلبان برطرف و مستر روزولت حزب دموکرات رئيس جمهور انتخاب گرديد. امريکا از نقطه نظر وضعيت مالى خبلى ناتوان و امريکائى ها نسبت به فلاح اقتصادى خویش چشم اميدى به « روزولت » داشتند اما متاسفانه درطى سال جارى بملاحظه رسيد که برعکس اوضاع مالى و اقتصادى امريکا بدتر شده است و کنفرانس اقتصادى « واشينگتن » و بالاخره کنفرانس اقتصادى جهان درلندن هيچکدام به علاج آلام اقتصادى امريکا موفق نشد همين بود که باوجوديکه مسئله قروض ممالك متحده و رفع خسارات شخصى امريکا را روس ها مسکوت عنه گذاشته بودند دفعه مستر روزولت تلگرامى به عنوان کالينين بتاريخ ۱۰ اکتوبر کشيده و رسماً حکومت جماهير اشتراکيه شوروى را شناخت .



ليکونیف کيسرلى امور خارجيه اتحاد شوروى

عامل ديگرى که قرار تذکره درقرايت روسيه و امريکا دخالت دارد پيشرفت هاى نظامى و اقتصادى ژاپون درشرق اقصى و تقويت حاکميت آن مملکت درمحيط کبير است .

اشغال « منچوريا » و « وجيهول » وتشکيل حکومت جديد منچوکو بصورت صريح منظور اسامى محرک واقعاتى را که از دوسال باينطرف بعد از مناقشه مقدن بوقوع پيوسته است تشریح ميبدهد و به اثبات ميرساند که قوائى درشرق اقصى بوجود آمده و اين قوا ميان بى بضاعتى قواى چين ، نقاهت استحکامات عسكرى روسيه ، دورى امريکا به توسعه و انبساط خویش سرگرم است .

مناسبات روسيه و جاپان درين اواخر درشرق اقصى صورت ديگرى بخود گرفته بعد از تشکيل مملکت منچوکو جاپان براى انهدام نطفه نفوذ روس درشرق اقصى بزبان ارباب اموراين مملکت مسئله فروش راه آهن شرق چين را روى کار آورده و بمبلغ ۵۰ مليون ين خريدار شده است. لذا جاپان واضحا درصدد است تادست نفوذ روسيه را بهر قيمتى که تمام شود از شرق اقصى و محيط کبير کوتاه نمايد .

امريکا اگرچه ۶۰۰۰ ميل بحرى از چين دور افتاده و بظاهر مفاد و دلبستگى او باين مملکت بزرگ معلوم نميشود اما در حقيقت نسبت به روسيه امريکا بيشتر به مفاد تجارتى خویش در چين و مجمع الجزائر شرق الهند وقع ميبدهد و بالاخره براى حفاظه مستملکات خویش جزائر فيليبين دلچسپى زيادى به حاکميت محيط کبير دارد .

روسيه و امريکا هر دو به اساس مفاد تجارتى و به منظور پاره مسائل ديگر شديدآ آرزو مند اند که چين هر طورى باشد حيات خارجى داشته باشد . اگرچه روسيه ابتدا پيشرفت هاى نظامى جاپان را در اچين بنظر بى طرفى نگاه ميکرد اما اخير آچون اقدامات کمونيزم در چين ناکام برآمد و راه آهن شرق چين بعرض فروش اقتاد تغير نظريه داده است . اتازونى براى فروش مال التجاره خود چين را بهترين بازار دنيا تصور ميکند و بهيج صورت فروگذار شده نيتو اند که ۴۰۰ مليون مشتري از دستش برود . اتازونى از جهت اقدامات عسكرى جاپان آينده تجارت خویش را در شرق اقصى در خطر مى بيند و رقابت در ازدیاد قواى بحرى بين جاپان

وقائع مهمه جهان

و امریکا بکمال فعالیت رسیده و اتازونی بهیچ صورت چه از نقطه نظر حفظ مستملکات و چه از نقطه نظر تامین بازار تجاری حاکمیت دیگران را بمحیط کبیر متحمل شده نمیتواند حالا از مفاد چند سطر فوق بوضاحت معلوم میشود که زمینه برای مقارنت روسیه و امریکا به تدریج مساعد گردیده و روسیه که از سالها منتظر بود تا از طرف امریکا رسماً شناخته شود بمرام خویش نائل گردید.

چون مستر روزولت در تلگرامیکه بعنوان « کالینین » فرستاده بود خواستگار شده بود تا نماینده برای مذاکرات به امریکا اعزام نمایند حکومت روسیه موسیو لیوتوف کیمسر دولت در وزارت خارجه را برای این امر به امریکا فرستاد در نتیجه بتاريخ ۱۷ نوامبر (۱۵ عقرب) حکومت امریکا رسماً حکومت شوروی را شناخته و روابط سیاسی عادی به ارسال سفرا به مملکت یکی دیگر بین ایشان قائم گردید.

اصلاً شناختن امریکا روسیه را چندان اهمیت بزرگی نداشت اما آنچه که اهمیت این واقعه را دوبالا نمود این است که حرکت امریکا در موقع باریکی بعمل آمد که مناسبات روسیه و جاپان تیره شده بود.

ارباب سیاست مسکو معتقد اند که استقرار روابط دیپلوماسی با واشینگتن وضعیت ایشان را در شرق اقصی بهتر خواهد ساخت زیرا روسیه امکان تهاجم ژاپون را در سائیریا فراموش نمیکند. بعضی مولفین روسیه ادعا دارند که چین بزرگترین فروش گاه مال التجاره امریکا است و نمیتواند این بازار را رایگان به جاپانی ها بگذارد و بهمین اساس در آتیه قریب امریکا و ژاپون در محیط کبیر دست و گریبان خواهند شد و آنوقت دوستی روسیه چیز قیمت داری خواهد بود.

خلاصه روسها ازین امر نهایت اظهار مسرت می کنند و آنرا بزرگترین فتح دیپلوماسی خویش تصور می نمایند.

فعالیت سیاسی ممالك بالقان :

سببه جزیره بالقان که از قرن ۱۴ الی قرن ۱۹ جزء امپراطوری ترک بود بعد از جنگ روس و ترک



امضای قرارداد بالقان در ۱۸۸۵ : شش تن از اعیان برای امضا، قیو لگو، کیمسون، توتیو، شیدیک و نمایان نماینده روسیه و نمایان نماینده یونان و ترکیه

صورت دیگری بخود گرفت و اقوام مختلف یونانی، سربی، سلاو، بلغاری، ترکی، البانی، هر کدام در اثر جان بازی های منورین و ملیون خود در قرن ۱۹ استقلال خویش را حاصل نموده رفتند چنانچه در ۱۸۲۹ یونان مستقل و سربی و رومانی صاحب استقلال داخلی شد، در ۱۸۵۹ رومانی استقلال کامله را حاصل نمود. در ۱۸۷۸ سربی و مونته

نگرو حایز استقلال و بلغاری صاحب استقلال داخلی گردید بالاخره در ۱۸۸۵ رومان به بلغاری ملحق شده و دست سلطه ترک ازین ممالك بکلی کوتاه گردید. در ۱۹۱۲ ممالك مسیحی بالقان به استثنای

رومانی بر علیه ترك ها متحد شدند سپس چون بلغاریا تفوق مطلقه را دعوی میکرد بر علیه او قیام نموده بعد از شکست او در ۱۹۱۳ اراضی آن مملکت را تا حدی بین خود تقسیم نمودند. درین وقت چون آتش جنگ عمومی شعله ور شد ممالك بالکان به دودسته تقسیم گردید. ترکیه و بلغار طرفدار المان و سرب و یونان و رومانی به طرفداری متحدین قیام نمودند چون در نتیجه سه مملکت اخیر الذکر فاتح برآمد بازار ارضی وسیعی را بین خود تقسیم نمودند.

بهین اساس بعد از جنگ عمومی تا این اواخر وضعیت ممالك بالکان بنا بر مخاصمت های دیرینه خلی تیره و تار و اعاده روح مسالمت و اتحاد در آن شبهه جزیره از مشکلات بود. اما درین اواخر و علی الخصوص در سال ۱۳۱۲ فضا روشن شده رفته فرمان روایان و رجال سیاسی هر مملکتی از در مسالمت و صلح پیش آمدند. چنانچه ملاقات ها

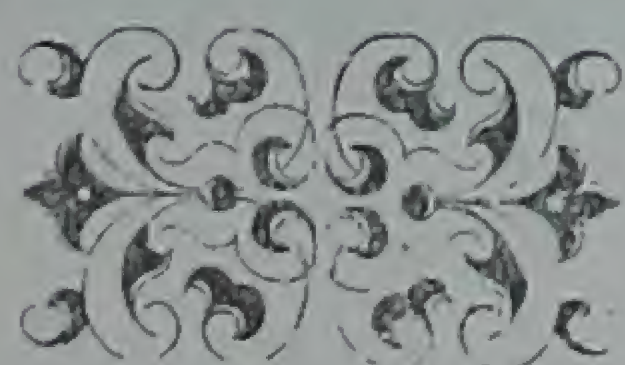


نزدیکی ایتالیا و مجارستان : ملاقات سوچی معاون وزارت خارجه ایتالیا با کمیسر رئیس الوزرای بلغار (در صوفیه)

و مسافرت های رسمی شاهان. عقد معاهدات مودت و عدم تعرض، ملاقات های رجال سیاسی، تشکیل کنفرانس ها برای رفع مشکلات هر کدام قدم های بزرگی است که در راه وحدت آمال و اتحاد بالکان برداشته شده می رود.

ملاقات های رسمی :

- (۱) ملاقات اعلیحضرت الکساندر اول شاه یوگوسلاوی و اعلیحضرت شارل دوم رومانی بتاريخ ۲۳ ژانویه در « سنایا ».
- (۲) مسافرت شاه و ملکه یوگوسلاوی در ترکیه بتاريخ ۳ ستامبر.
- (۳) ملاقات اعلیحضرت شارل دوم رومانی و اعلیحضرت بوریس بتاريخ ۳۰ اکتوبر.
- (۴) ملاقات اعلیحضرت الکساندر اول یوگوسلاوی و اعلیحضرت بوریس.
- (۵) مسافرت رسمی شاه و ملکه بلغاری در رومانی (دسامبر).
- (۶) مسافرت رسمی شاه و ملکه بلغاری در یوگوسلاوی (ماه اکتوبر).



عقد معاہدات :

(۱) معاهده دوستی و بی طرفی که در ۱۹۲۹ بین ترکیه و بلغاری منعقد شده بود در اثر مسافرت صدراعظم و وزیر خارجه ترکیه در صوفیا بتاريخ ۲۸ سنبله برای ۵ سال دیگر ادامه یافت.

(۲) عقد معاهده مودت و عدم تعرض ترك و يونان بتاريخ ۱۴ ستمبر در انقره .

(۳) « « « « « ویوگوسلاوی بتاريخ ۲۷ نوامبر در بلغراد .

قارئین محترم در طی سال ۱۳۱۲ حتماً در موارد مختلف مقاله های مبسوطی در اطراف و وضعیت سیاسی
بalkan و ائتلاف صغیر ملاحظه فرموده اند ، ما درین مختصر همین قدر تذکار میدهم که ائتلاف سه مملکت
رومانی ، یوگوسلاوی و چکوسلوواکی یعنی سه مملکتی که بعد از جنگ بمیان آمده اند در اثر کوشش سیاسی
فرانسه بعمل آمده و امروز در صحنه سیاست بین المللی رول مهمی را بازی می کند .

سایر ممالک بالقان که مدت مدید در موارد مختلف بهم دست و گریبان بودند امروز آهسته آهسته بهم نزدیک شده می روند ، ترکیه که مدت ۵ قرن در تمام این شبهه جزیره تسلط داشت امروز رویه خیلی مسالمت کارانه را پیش گرفته و رول مصالحت دهنده را بازی می کند .

در میان ممالک بالقان آنکه از همه بیشتر چه قبل از جنگ (در ۱۹۱۳) و چه بعد از جنگ صدمه دیده و بیشتر خاک خود را باخته است بلغاریا است نارضائی و عدم مصالحت این مملکت با سائرین ، علی الخصوص بایوگوسلاویا و یونان مشکلترین سدی در راه انجام اتحاد بالقان بشمار میرود معذالک قراریکه متذکر شدیم بعد از يك سلسله مسافرت های رسمی شاهان و رجال سیاسی و بعد از عقد معاهدات دوجانبه بین ترکیه ، یونان یوگوسلاوی ، رومانی بالاخره زمینه مساعدی فراهم شده معاهده اتحاد بالقان بپایه تعبیر اروپا معاهده لوکارنو بالقان بتاریخ ۲۱ دلو در شهر آتن در حالیکه زنگهای کلیساها و ترانه های ملی ملل بالقان نواخته می شد امضا گردید . انتظار میرود بلغاری و البانی نیز در آتی شامل آن شوند .

هتلر و یهود :

مہاجرت یہودیوں بہ فلسطین و تصادم ایشان با اعراب:

یکی از بزرگترین حوادث اجتماعی که بعد از انتصاب هتلر به صدارت آلمان بوقوع پیوسته است مسئله تبعید یهودیها از آلمان و تصادماتی است که در اثر مهاجرت آنها به فلسطین بین ایشان و اعراب بوقوع پیوسته است .

هتلر موسوم به « دشمن یهود » و هتلر یزم ضدیت یهود را جزء اصول اساسی خود قرار داده است چنانچه در کتابی که هتلر خودش تالیف و به « جنگ من » موسوم می باشد موجبات تنفر و ضدیت خود را با یهود سراسر اظهار نموده است . ازین جهت هندن برگ قبل از اینکه مقام صدارت مملکت را به هتلر تفویض کند از مخالفت یهود او را باز میداشت . اما چون یهودیها بواسطه ثروت و دارائی خود در آلمان نفوذ زیاد پیدا نموده حتی در پارلمان آن مملکت گرمی های زیاد احراز نموده بودند . چنانچه در میان ۵۰۸ نفر نمایندگان ریشتاخ ۱۰۸ نفر کمونیست و ۱۲۱ نفر سوسیالیست بود و روی هم رفته دست یهودیها قوی شده بود و علاوه برین چون از لحاظ



فوان مند خورک شمس جمعه دوم منظر شمس الوزرای مسلمان
یکه نماز حریب ناری

تمول و ثروت خود به آلمانی ها صورت تکبر و نفوذ نشان میدادند و علمای ایشان پروپاگند و انتشارات مضره بر علیه حکومت آلمان می نمودند هتلر که از طفلی بآنها مخالفت داشت از ترس اینکه مبادا انقلابی در مملکت تولید شود علانیه به مخالفت یهودیها برآمد و حینکه به اقتدار رسید عزم نمود تا عناصر آلمانی آنها را از بین بردارد. اگر چه این اقدام او تا اندازه شدید است اما در اطراف حسن و قبح آن آراء مختلف است.



یک منظره از رود و خوردنای اعراب و یهود در بیت المقدس

اما از نقطه نظر وطن دوستی، علی الخصوص در صورتی که حقیقه یهودی ها اقتدار فوق العاده در شئونات اداری و سیاسی مملکت یافته و ذریعه سرمایه آلمان را تسخیر نموده باشند و پروپاگند های بر علیه آن مملکت نموده باشند مقبول است. خلاصه بعد از اینکه هتلر و حزب او مقتدر میشوند دست یهودی ها را چه از پارلمان چه از بانک ها و چه از ادارات دولتی و تمام مؤسسات به انواع مظاهرات کوتاه نموده آنها را از آلمان تبعید نمودند.

درین وقت اگر چه فرانسه صورت استقبال کارانه به یهودی ها نشان داده کمیته برای جلب مهاجرین آنها و اعزام ایشان به شام تشکیل میدهد اما یهودی ها به فلسطین سرزمینیکه سه هزار سال قبل اجداد آنها در آن اقامت داشت مراجعت میکنند و از اینجا سلسله مصادمات ایشان با اعراب شروع میشود.

یهود کهن ترین خانواده بشری از هزاران سال باینطرف سرگردان بنقاط مختلف عالم دور زده از خود وطن و کانون ملی ندارند. مهاجرت یهود به فلسطین امر تازه نیست تاریخ چنین مهاجرت شانرا بکرات نشان میدهد. در ۸۵۸ ق م سیروس شاه ایران چون مناطق شام و فلسطین را فتح میکند فرمانی صادر و به یهودیان اجازه میدهد تا به فلسطین مراجعت نموده به آبادی معابد خویش مشغول شوند. این واقعه کهن تاریخی که در ۸۵۸ ق م ذریعه فرمان داریوش بوقوع پیوسته فردای جنگ عمومی در ۱۹۱۸ در اثر اعلان (بالفور) انگلیس دوباره عیناً تکرار می شود و به تمام یهودیان عالم اطلاع داده می شود که برای آنها کانون ملی در فلسطین زیر نفوذ مجمع ملل و تحت الحما یگی انگلیس تشکیل شده است. و با وجودیکه از ترس احتمال بحران و از لحاظ اینکه اراضی اعراب از دست شان نرود تعداد مهاجرین را محدود نموده بودند

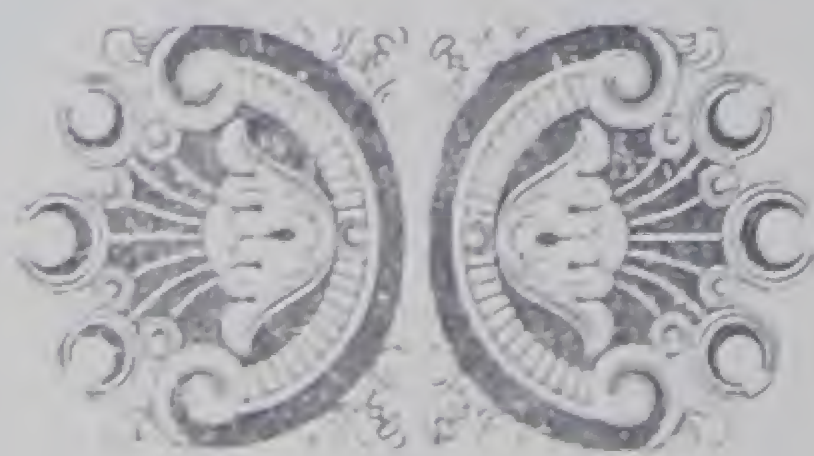
باز هم (۲۵۰۰۰۰) نفر در فلسطین منقسم گردید . در شهر بیت المقدس ۱۰۰۰۰۰ جمعیت دارد (۵۵۰۰۰) یهود و در بندر قایفه که حایز (۶۰۰۰۰) جمعیت می باشد ۳۵۰۰۰۰ یهود جاگزین گردید . خلاصه بعد از جنگ عمومی و بعد از اینکه فلسطین تحت الحمايه انگلستان قرار گرفت در اثر دعوت یهود یها اقلیت های آنها در فلسطین تقویت گرفته و تعداد آنها در تمام شهر ها و نقاط مملکت بمراتب بلند گردید .

مسئله اعراب :

طوری که متذکر شدیم بعد از تشتت و پراگندگی که از هزاران سال در یهود تولید گردیده مدتی است که ایشان رجوع بفلسطین نموده اند و مفتی بزرگ فلسطین سید محمد امین هتتر را دشمن اعراب تصور نموده میگوید در اثر مظالم او یهود به فلسطین مراجعت کرده و از کثرت آنها ترس آن می رود که مملکت یهودی بمیان آمده اعراب آسیا از اعراب افریقه جدا گردند . ازین هم بیم دارند که مبادا مثل شام شمالی و جنوبی فلسطین هم بدو حصه منقسم نشود . یهودی ها فیصله مجمع اتفاق ملل و دعوت انگلیس و فرانسه را حجت آورده مراجعت اقوام خویش را به فلسطین و خریداری اراضی را از اعراب حایز تصور میکنند . بدین جهات از روزیکه یهودی ها از المان به فلسطین مراجعت نموده اند تصادمات خونینی بین ایشان و اعراب بوقوع پیوسته است که مختصر آنرا ذیلاً متذکر می شویم :

اعراب از تاریخ ۲ نوامبر ۱۹۱۷ که بطور رسمی حمایت یهودیان در فلسطین اعلان شده صورت مخالفت نشان داده اند در ۱۹۲۱ حینیکه فلسطین تحت الحمايه انگلیس شناخته شد منازعه خون آلودی بین یهودیان و اعراب در حيفا بوقوع پیوست چهار سال قبل واقعه بهمین شدت در بیت المقدس و تمام مملکت رخ داد . از آنوقت بعد اقلیت اولاده اسرئیل تقویت گرفت چنانچه در احصائیه ۱۸ نوامبر ۱۹۳۱ در میان ساکنین فلسطین که مجموعه آن بیشتر از یک میلیون می باشد (۷۶۰۰۰۰ مسلمان) (۱۷۵۰۰۰ یهود) و (۹۰۰۰۰ غیر این دو فرقه می باشد) .

افکار مسلمین را پیشنهاداتی که اخیراً در « پراگ » مورد بحث قرار داده شده بود بشور آورد زیرا قرار پلان داکتر « ارتراین » تمام یهودیهای فراری المان بایست به فلسطین متمکن شوند . ابتدا چنین امید می رفت که از ۵۰ هزار تا یک لک نفر یهود را در امریکا و تقریباً همین قدر دیگر را بسائر ممالک جا خواهند داد ولی اکثر اینها بفلسطین مراجعت نمودند بدین اساس بتاریخ ۴ عقرب و چند روز بعد در حيفا ، قایفا ، ناپلوز به بیت المقدس مظاهرات و تصادمات مدهش بین مسلمین و یهود بعمل آمد . طوری که اخیراً از مجرای جرائد مشاهده می رسد حکومت شوروی حاضر شده است که منجائی به یهودیان فراری آلمان داده در منتها الیه شرق سایبریا متصن به منچوریا جمهوریت یهودی باسم « بی رونی جان » تشکیل نماید قرار اظهارات موسیو « سمی دوویچ » نایب رئیس اجرائیه شوروی مساحه سطیه این مملکت اگر تشکیل شود ۴ میلیون هکتار یعنی تقریباً سه برابر فلسطین حاضر خواهد بود و از تاریخی باین مملکت استقلال داخلی داده خواهد شد که عده یهودیان مهاجر به (۳۰۰۰۰) برسد .





علحضرت جابه حميد الدين امام يحيى شاه مين



علحضرت پير سعود شاه عربى سعودي
بنده و جبار



سيف الاسلام وليعهد و فرمانده اشون مين



پير فيصل شاهزاده و پسر افواج عربى سعودي

شبه جزیره عرب :

کشمکش بین ابن سعود و امام یحیی :

شبه جزیره عرب که مدت مدیدی جزو امپراتوری ترک بود در اثر قضایای جنگ عمومی پارچه پارچه شده و در آن یکعده ممالک آزاد - نیمه مستقل و تحت الحمايه خارجي تشکیل شده است . دو مملکت قسمت شمالی که به بحر مدی ترانه متصل است عبارت است از شام و فلسطین که هنوز تحت الحمايه فرانسه و انگلیس میباشند .

در سال ۱۹۲۳ از قسمت شرقی خاک فلسطین ۸۶ هزار کیلومتر مربع مجزی و مملکت شرقی اردن امروزی را تشکیل داده است که امیر عبدالله تحت اثر انگلیس در آن سلطنت میکند . بین این مملکت و خاک ایران ، عراق امروزی متین ترین حکومت عربی است که در ۱۹۳۲ استقلال خویش را حاصل و بعضویت انجمن اقوام پذیرفته شده است . در قسمت مرکزی جزیره که حجاز و نجد را در بر می گیرد امروز مملکت واحدی وجود دارد که من حیث وسعت خاک و سیعترین مملکت جزیره العرب را تشکیل میدهد این مملکت در اثر یک سلسله جنگ های حجاز و نجد که بالاخره بمقاد شاه نجد خاتمه گرفته است بمیان آمده و امروز عبد العزیز ابن سعود آنرا اداره می نماید .

در انتها الیه جنوب غربی جزیره العرب کنار بحر احمر یمن مرکب از حاشیه ساحلی است که یک میلیون جمعیت دارد و آنرا امام یحیی خانواده زیدی اداره می نماید . این مملکت بعد از ۱۹۱۳ استقلال خویش را از ترکها حاصل نموده است در حاشیه جنوبی و جنوب شرقی جزیره عدن ، حضر موت ، عمان نقاطی است که تحت نگرانی انگلستان میباشند .

چون اصلاً در نقشه تاسیس و تشکیل این ممالک ، متفرق است نفوذ ممالک معظمه مدخلیت تام داشت و هر کدام آن اصلاً در اثر غلبه مرام سیاسی یک مملکتی بوجود آمده است و اصلاً ساکنین جزیره هم اغلباً قبایل متفرق بادیه نشین میباشند در اثر مخالفت های قومی و یا تضاد نفوذ غیر از روز تشکیل آنها منازعات و اختلافات سرحدی بسیار بین عراق ، و نجد ، نجد و یمن ، یمن و حجاز بوقوع پیوسته است .

کشمکش اخیر ماه (جدی) ابن سعود ملک حجاز و نجد و امام یحیی والی یمن از همین مناقشه های سرحدی است و نقاط متنازع فیه بین آنها قرار آتی است :

(۱) نجران ؛ در شرق یمن واقع و ساکنین آن اسماعیلی یعنی نسبتی با طریقه شیعه دارند و چون امام یحیی همکیش آنها می باشد حق حکمرانی نجران را ادعا می کند اما اهالی برغم اینکه قسماً سنی و حنبلی هستند میلان زیاد باین سعود دارند . علاقه نجران از عرصه چند سال تحت الحمايه ابن سعود است چنانچه امام یحیی نیز این تحت الحمايه را قبول نموده است ولی در عین حال مذاکرات را در موضوع فیصله قطعی منطقه مذکور با ابن سعود شروع نموده و قبل از اینکه مذاکرات به نتیجه واصل شود قوای یمنی با شغال آن مبادرت داده است .

(۲) عسیر : علاقه عسیر بجانب شمال یمن واقع و از ۱۸۷۱ تا ۱۹۱۴ مربوط ولایت یمن بود . در ۱۹۱۴ تحت نفوذ بریطانیا آمده و قرار معاهده مکه ۲۱ اکتوبر ۱۹۲۶ تحت حمایه حکومت نجد و حجاز قرار گرفت . حال امام یحیی آن علاقه را خاک یمن ادعا نموده عشایر را بر علیه حکومت سعودی می انگیزاند از ترغیب اهالی برای تخلف از حکومت سعودی خود داری نمی کند .

(۳) مسئله ادریس : ادریس در ۱۹۱۱ بتشویق ایطالوی ها بر علیه عثمانی ها قیام نموده و در خاتمه محاربه مشهور « جیزان » اعلان استقلال نمود . این مملکت جدید التاسیس در سواحل بحر خزر

از « حدیده » الی « برکه » امتداد داشت. چون ادریس ملاحظه نمود که مملکت کوچک او در میان دول نسبتاً بزرگ حجاز، نجد و یمن امرار حیات نمی تواند بعد از وفات خویش در ۱۹۲۳ پسرش علی را ولیعهد و عبدالعزیز پادشاه نجد را وصی خود اختیار نمود. چون بندرهای ساحل این مملکت منافذ طبیعی یمن را تشکیل میدهد امام یحیی بدان چشم دوخته و این وصایت را بنظر تنفر نگریست. حین محاربات نجد و حجاز امام یحیی مقام حدیده و شهرهای مهم ساحل را اشغال نمود. بعد از ختم محاربه شاه نجد که در عین زمان مالک حجاز هم شد بنا بحقوق وصایت باقی خاک ادریس را اشغال نموده حسن برادر ادریس را در آنجا امیر تعیین نمود. در ۱۹۳۲ حسن عسبان ورزیده و به امام یحیی پنا برد بناءً علیه طرفین مذاکره پرداخته پیشنهاد نمود که اراضی مقبوضه طرفین تمام تخلیه شده و بمملکت ادریس که فی السابق استقلال داده شود ولی امام یحیی در اثر این عذر که طحانه از سواحل طبیعی یمن است پیشنهاد او را رد نمود.

این بود مبدأ اصلی اختلافات که طبعاً جزئیات دیگری نیز دور آنها جمع و عواقب کشمکش طرفین را تیرم نمود. قرار یکه، جرائد اخیراً می نویسند موافقت نظر تا حدی بین طرفین پیدا شده و امید است از وقوع محاربه بین این دو مملکت اسلامی جلوگیری شود.

صورت نزاع مزبور که بقرار تشریحات فوق بشکل مذاکره و مفاهمه در بین حکومتهای جاری بود در ۱۳ ثور ۱۳۱۳ به مجادله حقیقی عساکر طرفین منجر شد در نتیجه پس از زنده و خورد مختصرافواج سعودی بخاک یمن پیشرفت کرده سپاه یمن را شکست دادند و بزودی مقام (حدیده) را متصرف شدند (ثور) و پیش قدمی و تعرض خود را بجانب صنعاء « مهر کر یمن » ادامه دادند چنانچه در عین زمان خبر قتل و قوت شاه یمن نیز در جرائد نشر شده و بلافاصله مذاکرات صلح در بین حکومتهای جاری گشت و بالاخره بتاريخ ۲۴ ثور متارکه اعلان گردید اکنون بر مذاکرات صلحیه جریان دارد.

اتحاد جماهیر اشتراکی روسیه :

در ۱۳۱۲ اتحاد جماهیر شوروی در سیاست بین المللی سهم بزرگی گرفت مطبوعات روسیه با نشر نطق های لیدران سیاسی کامیابی های جدید جماهیر شوروی را گوشزد کردند معاهدات عدم تعرض با ممالک مختلفه و مجاور سویت از فنلند تا افغانستان (باستثنای بعضی ممالک) از کامیابی های بزرگ روسیه بحساب میرود قرارداد تعریف تجاوز نیز بین روسیه و بعضی ممالک (و از آنجمله افغانستان) عقد گردید بین روسیه، فرانسه، چکسلواکیه و بعضی ممالک دیگر تصدیق معاهده میادله شد درین سال اتازونی و هسپانیه روسیه سویت را بر سمیت شناختند روابط دوستانه بین سویت و تورکیه مستحکم و مناسبات آن با ایران رنگ اصلاح گرفت، اوضاع جاپان و تغییرات شرق اقصى باعث اضطراب لیدرهای سیاسی سویت گردید. قشون سرخ در سرحدات شرق اقصى تقویت یافت مسکو عواقب وخیم تصادم جاپان و سویت و نتیجه تغییرات منچوریا و آمال جاپان را در توسیع دائره امپراطوریت آن در آسیا مورد غور و مطالعه عمیق قرار داده در ماه ثور حکومت سویت در مورد فروش حقوق خط آهن شرق چین رضایت داد مگر مذاکرات توکیو راجع بموضوع فروش خط آهن به نتیجه خوب رسید اوضاع داخلی روسیه تا اندازه





ملاقات موسولینی و لیتوینوف در روما

اصلاح یافت بهار سال به
خشکی گذشت . در سال
۱۳۱۳ بعضی اشخاص بجرم
تخریب پلان های سویت
محاكمه و ۳۵ نفر روسی
باهتمام شرکت درین امر
اعدام شدند . مهندسين
انگلیسی و روسی که
مستخدمین شرکت « مپترو
پولیتک و بکرز » بودند
بالزام تخریب پلان محاکمه
شدند جریان این محاکمه
مولد هیجان در خارج

گردید . در قسمت علوم و معارف از همه مهمتر پرواز بالونچی های سویت است که بارتفاع ۱۲ میل پرواز
کرده ریکارد پروفسر پیکارد را فسخ کردند درین سال پس از آنکه اتازونی روسیه شوروی را برسمیت
شناخت باب روابط اقتصادی و سیاسی بین مملکتین مستقیماً مفتوح گردید در اواخر سال یابلی روسیه
در مقابل جاپان عوض شده و زعمای امور روسیه در طی نطق های شدید اللهجی که در مواقع مختلفه ایراد
نمودند آمادگی قوای روسیه را راجع بمقابله پیش آمدهای خارجی گوشزد کردند از طرف دیگر پس
از نزدیکی و قیام روابط سیاسی بین روسیه اوضاع ظاهراً در جاپان رو بخوشی گذاشته و سفیر جدید جاپان
در اتازونی در موقع ورود به خاک آن مملکت در محضر نمایندگان مطبوعات صریحاً اظهار نمود که جاپان
بهیچ وجه با اتازونی و با روسیه شوروی نبرد نخواهد کرد چه جنگ با اتازونی و یا روسیه مستلزم حرب باچندین
مملکت دیگر بوده معذالك اگر جاپان باچنین پیش آمدهای مبادرت بحرب کند مثل این است که بدست
خویش خود کشی نموده و حالانکه جاپان هرگز باستقبال چنین اوضاع حاضر نخواهد بود .

باتمام این اوضاع افق سیاست در شرق اقصی در طول سال گرد و غبار آلود بوده و همیشه افکار
سیاسیون را بخود مشغول داشته است . در قسمت ساختمانهای مهم صنعتی و اکتشافات علمی درین سال نیز
موفقیتهای بزرگی نصیب دولت شوروی شده خاتمه یافتن کانال بین بحرا دریاتیک و بحر سفید که ۲۲۷
کیلومتر عرض و طول دارد و در سال ۱۹۳۱ شروع شده بود ، و صعود کامیابانه بالون شوروی به ارتفاع
۱۹ هزار متر ، از مهمترین آن میباشد .



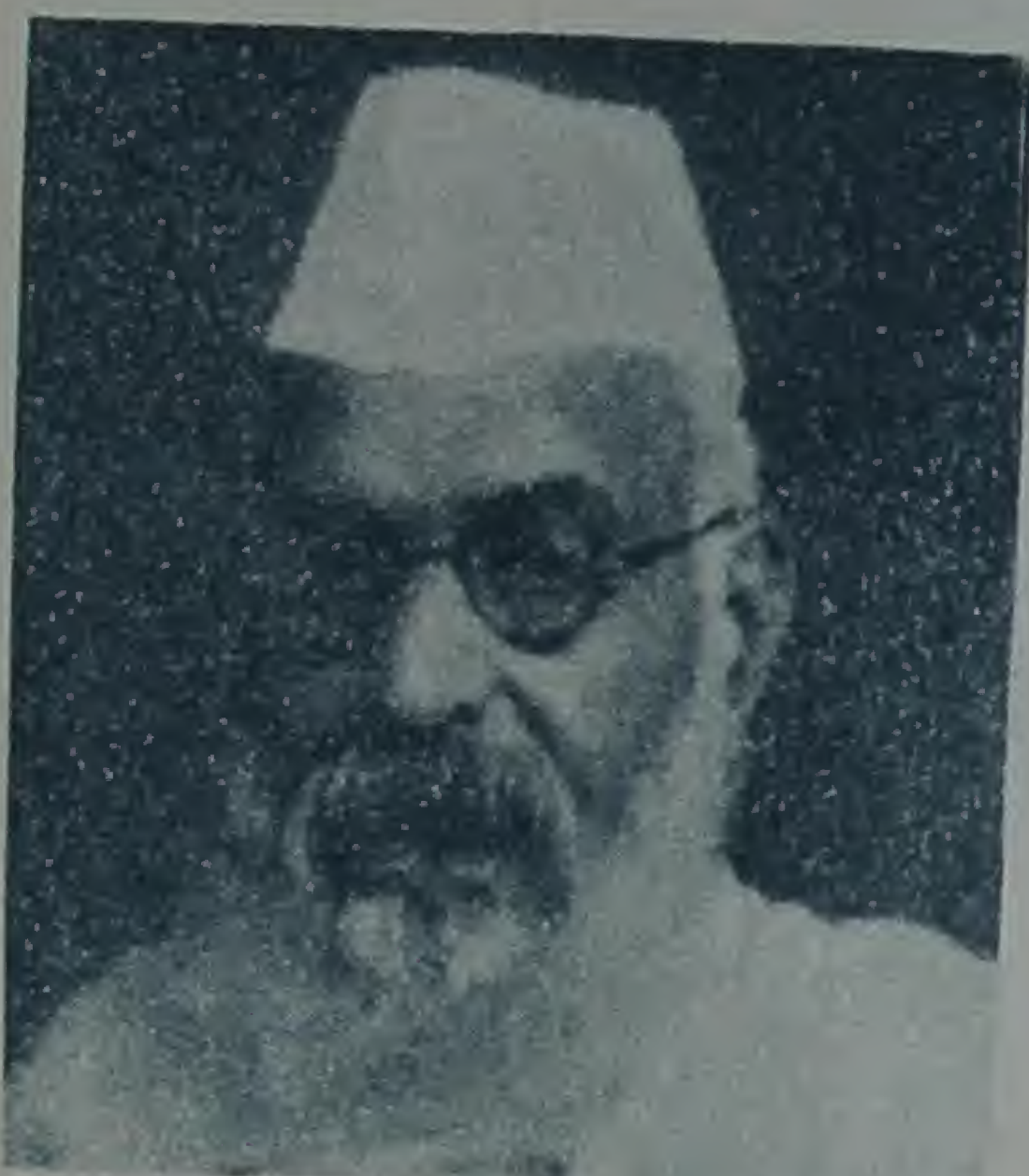
هندوستان :

قرطاس ایض که حاوی تصویبات انگلستان را جمع به تشکیلات اساسی جدید هند بود نشر شد کمیته متحده منتخبه که ارکان آن از هر دو اطاق پارلمان انگلیس انتخاب شده بودند، بر مندرجات قرطاس ایض بحث کردند از مندوبین هند و سپس از نمایندگان برمایاد داشت ها و مشاورتها آوردند، درین اثنا اوضاع سیاسی هند رو باصلاح آورد خلاف ورزی قوانین ضعیف شد عده

محبوسین تحریک
خلاف ورزی
قوانین تقلیل یافت
تعلیم مسترگاندهی
درخلاف قوانین
بطور انفرادی
پیش رفت بتاریخ



لارډ کورژن وایسرای هندوستان



پتیل اولین رئیس مجلس مقننه هندوستان
که سال گذشته در اروپا فوت شد

۱۱ ثور گاندهی در مجلس پیونه به غرض رفع تضییق از طبقه ناملموس اعلام داشت که (۲۱) روز روزه می گیرد بواسطه هیجان پیروان، گاندهی بعد از یک هفته از مرور این واقعه گاندهی از محبس رها شد. مستر گاندهی بعد از رهایی دوباره تصمیم خلاف ورزی قوانین را در پیش گرفت مگر دوباره بزودی حبس شد، چو ت تسهیلات کامله در مجلس برای اصلاح احوال طبقه ناملموس نیافت بنا برین بر علیه رویه حکومت

پروتست نموده دوباره روزه گرفت بتاریخ ۳۲ اسد بنا بر علل صحیحی از محبس تخلص یافته در اواخر سال برای مطالعه اوضاع ولایت متحده آگره و اووده و مدراس برآمد و ضمناً برای رفع خرافات ناملموسیت تبلیغ می نمود. درین سال بعضی اختلافات در حزب کانگرس واقع شد چنانچه دیمو کراتیک سوراج پارتی مولود همین اختلاف بود اختلال و دهشت انگیزی بنگال توجه اولیای دولت را معطوف داشت مستر برگ مجستریت ایالتی در مد ناپور مقتول گردید.

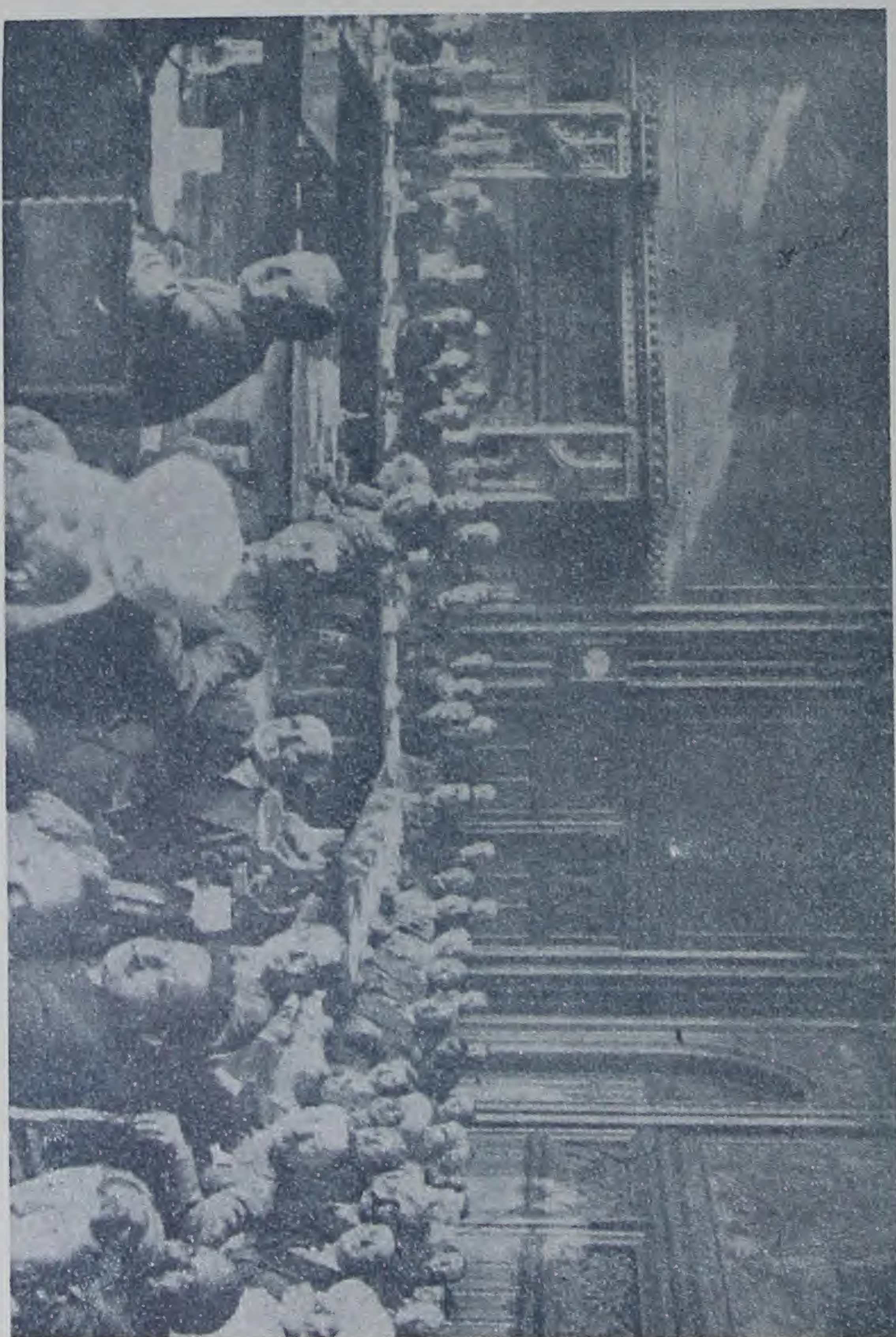
گورنر ایالت اعلام داشت که تامو قعیکه دهشت انگیزی خاتمه نیابد رویه تشدد آمیز حکومت عوض نخواهد شد درین سال مجلس قوانین مسوده قانون تاسیس « فیدرل ریزربانک » را منظور کرد حکومت هند از ارزان فروشی جاپان در بازارهای هند بستوه آمد و یاد داشتی در انقای معاهده



شاه بیال مہاراجہ شمشیر جنگ کہ تازہ بہ بہادری
سفر با انگلستان موقت شد

وقایع مهمه دنیا

تجارتی هند و جاپان اعطا کرد حکومت جاپان وفد سیاسی در خصوص مذاکره معاهده جدید تجارتی بهند اعزام داشت در ماه قوس حکومت هند مسوده قانون جدید را که وضع تزئید محصول را بر اموال ارزان جاپان تصویب میکرد تهیه نمود ارباب صنعت نساجی لنکا شائر در سال ۱۳۱۲ وفدی بهند اعزام و با فابریکه داران بمبئی در خصوص عقد معاهده تجارتی تعاطی افکار کرد. در اواخر برج جدی زلزله مدهشی در ایالات بهار و اوریسه و نیپال هند واقع و منجر بخسارات فوق العاده مالی و جانی اهالی هند گردید برای تهیه وسایل راحت مصیبت رسیده گان ترتیبات مهمه معاونت و کمک گرفته شد.



سوئیس کا انفرانس نیرود در لندن



یک منظره از خرابی های زلزله در ولایت بهارمند که از خانه نمناکوی منگی که کاملاً تباہ شده است .

سوریا و فلسطین :



میر جنرال آرتور و شاپ کیسرای
انگلستان فلسطین

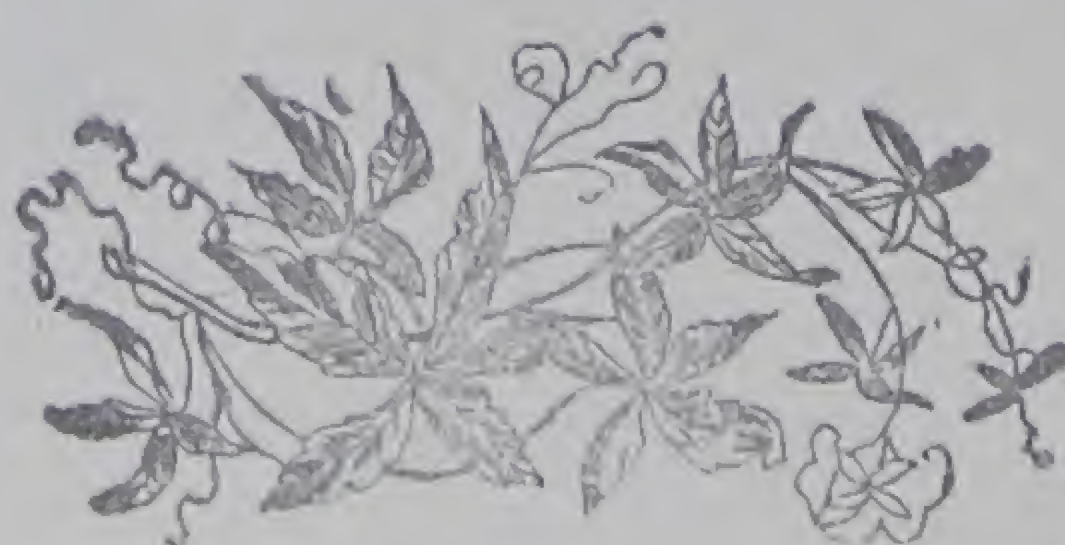
در سوریا و لبنان فرانسوی در طول سال امنیت بود ،
پارلمان سوریا چون بر علیه معاهده فرانسه و سوریا شدیداً
مخالفت کرد بنا برات اجلاس بطور غیر معین ملتوی گردید ،
در فلسطین بسبب ورود یهودیها اوضاع اعراب دیگرگون گردید
مسلمانان بر علیه مهاجرت یهود در فلسطین پروتست نموده مبادرت بمظاهرة
کرادند ارباب حکومت مانع آن گردیدند چون مسلمانان قبلاً اعلان
تظاهرة کرده بودند از تکلیف حکومت انکار کرده در ۴ عقرب
بسیست هزار نفر اجتماع نموده شروع بمظاهرة کردند ، قوای
دولتی ممانعت کرده بالاخره کار بزد و خورد کشید قریب
دو صد نفر مسلمان مجروح و شانزده نفر شهید شدند ، این
واقعه در تمام شهرهای فلسطین اثر کرد و در همه جا مسلمین شروع

بمظاهرة کردند . عده از زعمای مسلمین دست گیر شدند
چون مسلمین فلسطین خلع سلاح شدند ، بنا برات تضییق یهود
و رویه جانب داری حکومت راحت و طمانیت آنها را
دست خوش اضطرار و پریشانی ساخته است .

بر حسب شماره جدید اهالی فلسطین يك مليون است که هشت
صد و پنجاه هزار آن مسلمان صاحب خانه و کسب و ملک اند و اهل
آنجا حساب می شوند مهاجرت و مدعیات یهود در آنجا بکلی
خلاف عدالت و انصاف است بندرگاه جدید « حیفا » در فلسطین
در سال ۱۳۱۲ افتتاح گردید .



کونت دو مارتل کیسرای فرانسه در سوریا



جاپان :

مملکت جاپان درین سال فعالیت سیاسی مهمی را سر دست



جنرال اراکی وزیر حربیه سابق جاپان و عامل بزرگ فتح پنچوریا

گرفته و هم دچار
مصائب اقتصادی
و سیاسی زیادی
بود ، یارتی
افراطی به سر
کرده گی جنرال
اراکی وزیر
حرب زمینه
جنگ را با
روسیه و امریکا
آماده می ساخت



سایتو رئیس الوزرای جاپان

و موقتیت فتوحات جیهول و غیره نقاط چین ، انکار جوانان جاپانی را خیلی شدت بخشیده بود
ولی در اخیر سال به اثر استقرار روابط دیپلوماسی بین
روسیه و اتازونی و نیز از باعث مشکلات مالی ، یارتی جنرال
اراکی اقتدار خود را حفظ نتوانسته نام برده استعفاداد و سیاست
صلح جو یانه تر در جاپان روی کار آمد .

اعلان امپراطوری نائب السلطنه مانچوکو :

پرنس یوئی امپراطور مخلوع چین و نائب السلطنه دولت
مانچوکو در ماه دلو با تشریفات زیاد در حضور رجال ملی و جاپانی
و منگولبائی اعلان امپراطوری نمود و باب جدیدی را در امور
سیاسی شرق اقصى باز کرد .



جنرال آیشی وزیر حربیه جدید جاپان



چین :



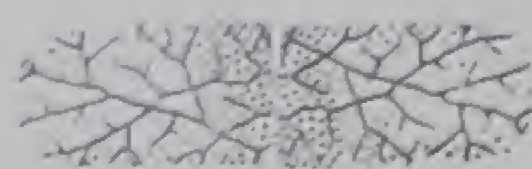
مانری پوئی امپراطور سابق چین نائب السلطنه مملکت
مانچوگو که در اوایل سال ۱۳۱۲- امپراطور مانچوگو اعلان

در ۱۳۱۲ سلسله محاربات چین و جاپان در حدود علاقه واقعه
بین دیوار اعظم و ولایت جیهول ادامه یافت و بالاخره جاپان
این علاقه (جیهول) را به مانچوگو شامل ساخت و اوقات حرب
درین علاقه واقعا در خور مطالعه است . چین اضافه از (۳۰۰)
هزار قشون مسلح را در علاقه جیهول متمرکز داده بود حکومت
جاپان در ۲۳ فروری اعلام داشت که این افواج را از علاقه
جیهول اخراج نماید ، چون مطالبه جاپان از طرف دولت
نانکین رد گردید قشون متحده جاپان و مانچوگو حمله آورگر دیده
و به سهولت افواج چین را مضمحل و جیهول را متصرف شدند

در ماه عقرب چند نفر از مخالفین حکومت نانکین در فو لکین
اعلان مطلق العنانی نموده و مملکت چین را بخانه جنگی جدیدی تهدید
کردند ولی بزودی سرکوبی شدند حصص مهم ولایت زبچوان
بدست کمونسث ها افتاد در سنکیانگ « ترکستان چین » مسلمانان
نهضت کرده حکام چین را طرد و حکومت مستقلی تشکیل دادند
حکومت چین در اروپا و امریکا مساعی زیادی برای
حصول امداد بعمل آورد ولی تاکنون به نتیجه درستی
نرسیده ، روی هم رفته ، وضعیت عمومی چین دچار اختناق
شدیدی میباشند .



چیانگ کای شک جنرال معروف چین



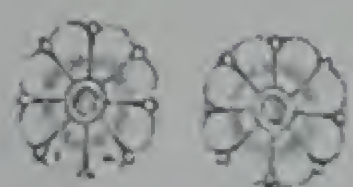
جمهوریت ترکیه :

در ۶ عقرب سالکرة دهمین سال جمهوریت ترکیه با نهایت اجلال و گرم جوشی در ترکیه پذیرائی گردید و عده از اعظم رجال نظامی و سیاسی ممالک خارجه درین جشن شمولیت ورزیده بودند ترکیه موفقیت مهم سیاسی را درین سال حاصل کرد و مناسبات دول بالقان که با اثر تاریخی باستانی ترکیه به آند دولت خوب نبود در پی توافقکار غازی مصطفی کمال اصلاح شد در ۲۲ سنبله حکومت ترکیه و یونان بر معاهده عدم تجاوز بر سرحدات امضا و حفظ مندرجات معاهده را تضامن کردند .

یک منظره از جشن سال دهم جمهوریت ترکیه و نطق افتخار غازی مصطفی کمال
(رسم گذشت عسکری گردنای یادگار فتح)



عقد این معاهده در بلغاریه بطور عجیبی انعکاس کرده اولیای امور آن دولت تصور کردند که این معاهده بلغاریه را از طریق به بحیره انجینین باز میدارد در همین سال معاهدات دوستانه و عدم تعرض بین ترکیه و مملکتین رومانیه و یوگوسلاویه صورت گرفت مسافرتهاى آقای توفیق رشیدی بیک وزیر امور خارجه ترکیه بروسیه و ایران و سایر ممالک اثرات خوشکوارى در تحکیم مناسبات ممالک همجوار ترکیه افکند مسئله حدود بین ایران و ترکیه حل و فصل گردید ، اوضاع اقتصادی ترکیه حال بهبودی بخود گرفته صادرات خشکبار آن در امریکا و اروپا و زیادت گذشت فابریکهای مختلفه و متعددی در مملکت تاسیس شد کثرت عرضه اجناس و گوگرد ترکیه در شامات قابل تعریف است در ۱۱ قوس عمارت عدالت معروف اسلامبول آتش گرفت .



انگلستان :



انسانی این سیاستمدار انگلیس موقع مسافرتیکه برای مذاکره
ایمپو تحفیف اسلحه در پایتخت های اروپایی نموده است
(شخص اول از طرف راست - در وسط باژن فن نورات
وزیر خارجه آلمان)

در سال ۱۳۱۲ وضع تجارتی انگلستان صورت اطمینان بخشی بخود گرفته علائم و آثاری در بهبود و ترقی تجارت مشهود گردید ، با عقد معاهدات تجارتی ممالک مختلفه زمینه توسعه معاملات تجارتی انتظار میرود و وسیع گردد در سال (۱۳۱۲) رقابت و مسابقت تجارتی جاپان با انگلستان اثر ناموافق انداخته موجب اضطراب و نگرانی شد معینا وضع تجارت داخلی انگلستان اطمینان بخش و صنایع آهن ، فولاد ، آلات برق منسوجات و پشم خیلی ترقی یافت بیکاران انگلستان قدری کم شد و منازعات اجرت کمتر گردید .

بسال (۱۳۱۲) در انگلستان خشک سالی بیش آمد بعضی مقامات آتش گرفت ، دو طیاره انگلیسی برای اولین مرتبه قلعه ایورست را عبور کرد .



بلندترین قله ایورست همالیه که ۸۸۸۲ متر ارتفاع دارد و در بهار سال گذشته بواسطه طیاره های انگلیسی عبور و عکس برداری شده است

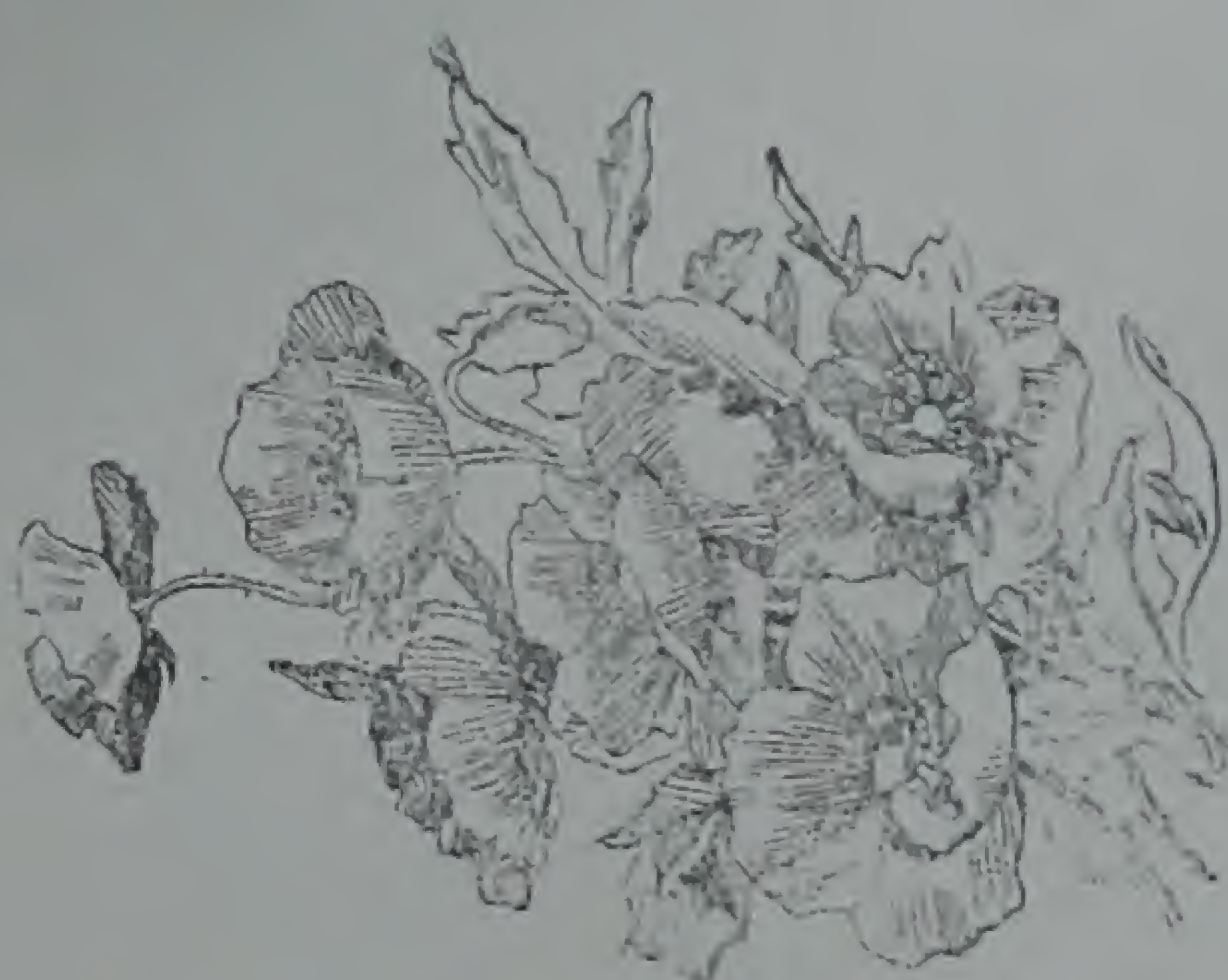
فرانسه :

در ۱۳۱۲ برای فرانسه سال خوشی نبود درین سال کابینه های متعددی تشکیل و سقوط نمود و بواسطه آن بحران های سیاسی و مالی بود . حکومت فرانسه در ۱۳ میرطان بر علیه قبایل اعراب بر بری در جنوب کوه اطلس (در شمال افریقا) عسکر کشیده بحرب شروع کردند در نتیجه قبایل طاعت فرانسه را قبول کردند .



در ایام کرسمس حادثه ناگواری در فرانسه واقع شد چه قطار آهن « لاکنی » (۱۵ میل دور تر از پاریس) بایک قطار دیگر تصادم نموده (۲۰۰) نفر هلاک و عده زیاد مجروح شدند .

در اوایل سال ۱۹۳۴ بسبب اختلافات حزبی کابینه های متعدد و متواتر سقوط نموده ، وضعیت کسب و خامت کرد چنانچه در زرد و خورد های پاریس ۱۸ نفر مقتول و متجاوزان ۲۲۰۰ نفر مجروح گردیدند کشف غبن بزرگی در بلدیة شهر بایون که عامل آن ستاوسکی روسی الاصل و مبلغ عبارت از ۳۰۰ میلیون فرانک بود وضعیت را سخت تر ساخته پس از انتحار مشارالیه موسیود و مرگ رئیس جمهور سابق را به تشکیل کابینه دعوت نموده و نامبرده کابینه را از تمام پارتی ها (به استثنای کمونیست ها) در ماه دلو تشکیل داد اما اوضاع داخلی تاکنون اصلاح نشده است .



اتازونی:

در ۱۳۱۲ تیرگی و بحران مالی و اقتصادی در همه اکناف اتازونی مشهود بود و انظار تمام مردم بطرف مستر زولت که تازه از طرف ملت بریاست انتخاب شده بود متوجه گردید و وضع بانک داری ناگهان وخیم شده دهشت غریبی مراکز اقتصادی را فرا گرفت.

اتازونی در تجدید اصلاحات داخلی و اعاده فلاح و بهبود اوضاع تجارت و احوال زارعین از تجارب بزرگ کار گرفت در (۱۳۱۲) مستر زولت با روسیه سویت معاهده منعقد داشته اتحاد جماهیر شوروی را برسمیت اعتراف نمود، تغییر یالسی خارجی اتازونی و اعتراف رسمیت شوروی و قیام روابط دیپلوماسی با آن مملکت صفحه جدیدی بروی سیاست عالم کشید رقابت اتازونی با جاپان و کنفرانس بحری سنگها پور، روی هم رفته مطالبی است که در صحنه سیاست عالم افکار سیاسیون و زمامداران را بخود مشغول داشته است.

در اتازونی روزولت در قسمت حصول قروض خارجی اتازونی که بالای ممالک اروپائی است کوشش نمود با وجود آمدن مکدونالد رئیس الوزرای انگلیس و موسیو هر یو نماینده فرانسه هیچ فیصله را بدست آورده نتوانست.

بلجیم:

در ۲۹ دلو شاه

بلجیم که بقله کوه

(روچر دو مارش)

صعود میکرد از

کوه سقوط کرده

هلاک شد و لیو بولد

دیوک آف برلین

پسر شاه متوفی

به پادشاهی

بلجیم برداشته

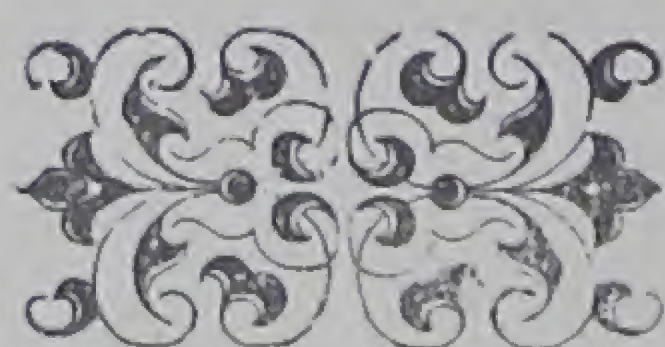
شد.



اعلیحضرت البرت اول شاه فقید بلجیم



اعلیحضرت لئوپولد سوم شاه جدید بلجیم



آستریا:

در طول سال، پروباگند نازی در آستریا شدت یافته،
میان حکومتین آستریا و المان کشیدگی زیاد تولید کرده چنانچه در اخیر
سال مزبور مملکت اول الذکر شکایت نامه به مجمع ملل تقدیم
نموده علاوه برین تمایل زیادی بسوی رژیم فاشیستی و ایتالیای
نشان داد. و بالاخره در اوائل امسال رسماً فاشیستی
اعلان گردید.



رومانیه :

موسیو دیو کا رئیس الوزرای رومانیہ در ماه جدی
(۲۹ دسمبر ۱۹۳۳) از دست سه نفر سیاہی (کونستانتینسکی ،
کارانیکار - ویلی ماس) بمقام سینا یا بقتل رسیدہ بعضی اغتشاشات
داخلی روی کار آمد .



ملاقات دیپلوماترها

در سال ۱۳۱۲ ر جان سیاسی دول . در ممالك و مراکز حکومت ذی علاقه باندازه سیاحت و ملاقات اجرا نموده اند که خارج تصور است ، در نقشه طول سیاحت و آنمملکت که پیشتر صحنه دیپلوماسی را اختیار کرده بخوبی ارائه گردیده است ، سیاحت و ملاقات دیپلوماترهای اروپا بیشتر در پاریس ، لندن ، جینوا ، و دیگر چند مرکز اروپا بعمل آمده است نظریا حصائیه ، ملاقات های متذکره قرار ذیل است .

ملاقات بین پادشاهان	:	۱۸	دفعه
» » صدر اعظم ها	:	۳۷	»
» » وزرای خارجه	:	۹۱	»
» » وزرای مالیه	:	۱۷	»
» » دیگر رجال مهم	:	۴۴	»
جمله ملاقاتها	:	۲۰۷	»

در اثنای تمام ملاقاتها ئیکه در فوق تشریح یافته باندازه ۱۰۰ ر ۲۳۳ کیلومتر قطع مسافه شده .

خطوطیکه در نقشه بصورت نقطه نشان داده شده خط حرکت پادشاهان میباشد .



سیاحینی که در سال ۱۳۱۲

بافغانستان آمده اند

نمره اسم	تابعیت	ورود	خروج
۱ موسیو چهرما کین	چکوسلاویا	۱۳ حوت ۱۳۱۱	۱۳ حمل ۱۳۱۲
۲ « ایفولودهای	ایتالیه	۲۳ حوت ۱۳۱۱	۲۲ حمل ۱۳۱۲
۳ عزتمند امین عالی بیک	ترك	۱۳ حمل	تاحال خارج نگردیده
۴ مستر کیمیر	المان	۲۵ »	۳۰ ثور
۵ « ارنست بور شرس	»	۳۰ »	۱۹ ثور
۶ « مستر	»	۱۲ ثور	۱۷ »
۷ « والتر مانیکه	جرمنی	۲۳ »	۳۰ »
۸ موسیو الوارزی	ایتالوی	۲۶ »	
۹ مستر ستیا دیو شوری	هندی	۱۵ جوزا	۲۹ جوزا
۱۰ « جی میک	امریکاء	۱۸ »	۲۶ »
۱۱ « ایس دی شنکر و نکاتا	هندی	۲۰ »	۲۹ »
۱۲ « شنکیچی نومورا	جایان	۱۱ سرطان	۲۹ سرطان
۱۳ سردار پرتاب سنگه	هندی	۱۲ »	۲۳ »
۱۴ موسیو ایف گریژر	فرانسه	۱۹ »	۲۰ »
۱۵ « دمینکو چرائی	ایتالوی	۳۱ »	۱۹ اسد
۱۶ مستر بی ایم قترس و یک نفر خانم و دو نفر ملازم بتعه هندی	امریکا	۱۸ اسد	۱۲ »
۱۷ عزتمند ولی الدین فرحان	ترك	۷ »	
۱۸ مستر شنکیچی ابی	جایان	۲۴ »	۳۲ »
۱۹ « جان والمزلی	برطانیه	۲۶ »	۳۱ اسد
۲۰ « عبدالله جان	»	۲۶ »	۳ سنبله
۲۱ « فضل الرحمن	»	» »	»
۲۲ « سردار محمد	»	۳۲ »	۸ »
۲۳ « یزلی	»	۳ سنبله	۱۶ »
۲۴ « اورینر و یک نفر ملازم	امریکا	۳ »	۱۶ »
۲۵ مستر پی - ایچ - بنر	امریکا	۷ حمل ۱۳۱۲	۱۰ حمل ۱۳۱۲
۲۶ مستر جان پی اسپرول	»	۷ »	۱۰ »
۲۷ عزتمند محمد ادیب عبدالعزیز	فرانسه شام	۱۲ »	۲۴ »
۲۸ خانصاحب حاجی صورت خان و یک نفر باز محمد خان ملازم میعتی او برطانیه	»	۲۱ »	۲۸ »

نمره	اسم	تابعیت	ورود	خروج
۲۹	مستر ٹیف سوزو عیدی مستخدم حربی	جاپان	۱۸	۲۴
۳۰	مستر رابرٹ فلتن	امریکا	۲۵	۲۸
۳۱	موسیو البرت هانری	فرانسه	۳۱	۶ ثور
۳۲	سردار کاهن سنگهه بجمه ملازم	برطانیه	۵ ثور	۱۶
۳۳	عزتمند یونس بحری	عراق	۲۶	
۳۴	مستر جنتان کینت	امریکا	۲۶	۳۱ جوزا
۳۵	عزتمند محمد تقی الدین الهلالی	مراکش	۳۱ جوزا	۳ سرطان
۳۶	موسیو ونسان نامک چلنکر	ترک	۳۱	۵
۳۷	مستر هرمن سترمر و خانم اوویک نفر ملازم	جرمنی	۲۱ سرطان	
۳۸	موسیو سد لاکچ رودلف	چکوسلواکیه	۲۲	
۳۹	جناب سردار عبدالرؤف خان ویک نفر ملازم	برطانیه	۱۴ اسد	۱۸ اسد
۴۰	عزتمند دکتور مصطفی علی بیگ	ترک	۱۳	۲۲ سنبله
۴۱	محمود ندیم	ترک	۱۳	۲۲
۴۲	مستر جیفری چرات	برطانیه	۱۲	۱۹ اسد
۴۳	مستر البرت کینا			
۴۴	مستر توماس گائس توکر		۱۵ اسد	۳۰ اسد
۴۵	مستر حشمت الله خان		۱۶	۳۱
۴۶	کنیش داس هندو			
۴۷	پرتهمی چند هندو		۱۹	۲۵
۴۸	بشیر احمد هاشمی			
۴۹	لال چند		۱۹	۲۹
۵۰	بهندرانات بجمه یک نفر ملازم		۲۰	اول سنبله
۵۱	جناب مولوی فیروزالدین خان و عبد الواحد خان سرشان			
	ودونفر ملازم	برطانیه		
۵۲	مستر محمد حنیف		۲۱ اسد	۲۸ اسد
۵۳	مستر سیورام			
۵۴	مستر هری چند			
۵۵	آقای کیطان علی دوست خان	کوئٹہ بلوچستان	۲۱	
۵۶	آقای سید محمدشاه خان و دونفر ملازم			
۵۷	مستر رام چند تیکا کر	برطانیه	۲۲	۳۰ اسد
۵۸	مستر رام پرکاش		۲۴	۲۹
۵۹	آقای سید مصطفی طباطبائی	ایران	۲۴	۶ سنبله
۶۰	کرنیل امیر احمد خان	برطانیه	۱۸ اسد	۷ سنبله
۶۱	مستر خورشید جی ایم جی			۲۹ اسد
۶۲	دوسابائی حرمت جی			۲۹
۶۳	بی ماستر هارڈیش		۱۹ اسد	۳۰
۶۴	ایچ سوراب جی مارکر		۲۱	۲۹

نمره	اسم	تابعیت	دخول	خروج
۶۵	مردار راجا سرگور بخش سنگه با ۲۹ نفر معیتی	»	۲۳	۷ سنبله
۶۶	پالکروزی	جرمنی	۴	»
۶۷	میخائیل کیس	»	۱۶	۱۸ میزان
۶۸	کی کوما تسو و ملازم مذکور	جاپانی	۱۵	» ۱۱
۶۹	موسیو چرائی	ایتالیا	۱۵	» ۱۱
۷۰	فرسه جمعه خانم او	فرانسه	۱۹ سنبله	» ۴
۷۱	پریستن	برطانیه	۲۰	»
۷۲	مستر یکا ولی	ایتالیه	۲۳	»
۷۳	بریک آف	المانی	۲۰ میزان	» ۲۶
۷۴	گلبرت دوسل	امریکائی	۲۹	»
۷۵	مسترفان بساوتس	المانی	۱۴ سنبله	۱۱ میزان
۷۶	والر تینست کینس	امریکائی	۲۱	» ۴
۷۷	مستر عمر حیات ملک	برطانیه	۲۸	»
۷۸	مستر ضیاء الدین	»	۲۸	» ۴
۷۹	مستر عبدالحق و یک نفر ملازم	»	»	»
۸۰	مستر رستم هندی	برطانیه	»	»
۸۱	شاشراف	»	۴ میزان	۱۴ میزان
۸۲	کیخسرو	»	»	»
۸۳	هرنراین کیور	»	۵	» ۱۱
۸۴	موسیو اریدر نائید	هنگری	۱۸	» ۴ عقرب
۸۵	جناب علی محی الدین الحسینی	فلسطین	۲۲	»
۸۶	محمد امین الحسین	»	»	»
۸۷	جناب دااکتر سر محمد اقبال	»	»	»
۸۸	مستر هادی حسن	»	»	»
۸۹	غلام رسول	»	»	»
۹۰	جناب سرراس مسعود حمید	»	»	»
۹۱	مستر عبدالحمید ترجان قونسلگری دهلی	»	»	»
۹۲	جناب سید سلیمان ندوی	»	»	»
۹۳	موسیو مبشل دو مازویج	بولند	۵ قوس	۹ قوس
۹۴	موسیو مکس ماسوت	فرانسه	۱۰	» ۳ جدی
۹۵	آقای غلام حسن خان	ترکستان شرقی	۳ جدی	» ۶ حوت
۹۶	قربان الله خان و دو نفر ملازم	»	»	»
۹۷	مستر تهرس و خانم او	امریکا	۲۸ دلو	»
۹۸	جارج تیگرت و ملازم او	»	»	»
۹۹	مستر مهجر شمو نا کا	جاپان	۱۳ حوت	»
۱۰۰	کوسترنک	جرمنی	۱۹	» ۲۲ حوت

نمبره	اسم	تابعیت	ورود	خروج
۱۰۱	امین آف یهودی	ایران	۳۰ »	
۱۰۲	عزیمند خالد رجب بیک و خانم او	ترك	۱۲ عقرب	۲۵ عقرب
۱۰۳	» احمد رمزی و خانم او	»		
۱۰۴	» داکتر رفعت	»		
۱۰۵	مستر یوشی جی اومی ها را	جاپان	۱۲ قوس	
۱۰۶	» کیزوتنا کا	فرانسه	۲۲ »	
۱۰۷	موسیو انتو نووکس	المانی	۱۷ جدی	
۱۰۸	» ایس موریس و خانم او		۲۵ »	۱۱ دلو
۱۰۹	» تناکا	جاپانی	۲۵ »	۲۸ »
۱۱۰	» یامانوچی			
۱۱۱	» یاما ماتو	برطانیه	۲۱ دلو	۲۹ »
۱۱۲	» وادیا ایف	جاپانی	۲۹ »	
۱۱۳	» کی کاگا و ابعه ملازم	ترکستان شرقی	۲۵ حوت	
۱۱۴	» آقای عبدالقادر خان	هند	۲۷ »	
۱۱۵	مستر عبدالعزیز			



مستخدمين خارجي در افغانستان



غزتمند، امين عالي بيگ عضو دائره
تعليم و تربيه وزارت معارف



غزتمند، خالد رجب بيگ متخصص موزيك



غزتمند، ظفر حسن بيگ سر معلم
توپچی مکتب حریه



غزتمند، داکتر ايون مدير عالي مکتب نجات



غزتمند، موسیو بواني مدير مکتب عالي استقلال



غزتمند، حسن رشاد بيگ رئيس فاکولته طبي



غزتمند، موسیو کور تام معلم مکتب عالي استقلال



غزتمند، موسیو گاریک معلم مکتب عالي استقلال



غزتمند، موسیو فراسی معلم مکتب عالي استقلال

Les Employés Étrangers en Afghanistan.



عزتمند، هر فدرس معلم مکتب عالی نجات



عزتمند، موسیوهنف معلم مکتب عالی استقلال



عزتمند، موسیو بودوان معلم مکتب عالی استقلال



عزتمند، داکتر پروکل معلم مکتب عالی نجات



عزتمند، هر کراوتر معلم مکتب عالی نجات



عزتمند، هر نویاستر معلم مکتب عالی نجات



عزتمند، هر کلونیک معلم مکتب عالی نجات



عزتمند، هر بورگهارد معلم مکتب عالی نجات



عزتمند، هر کراکرفون شوارتسن فلد
معلم مکتب عالی نجات

Les Employés Étrangers en Afghanistan.



عزتمندزیدان بدران مصري حضور یاست
تعلیم و تربیه وزارت معارف



عزتمند اوتو موزر الهانی متخصص مطبعه



عزتمند دكتور ماسیولی ایطالوی مشاور
وزارت مالیه



عزتمند مستر تسمیه الهانی مهندس
معار وزارت فوائد عامه



عزتمند مستر کبر الهانی انجینیر
فابریکه پشمینه باقی قندهار



عزتمند ایس - ایم - دین معلم رسائی
مکتب صنایع نفیسه

Les Employés Étrangers en Afghanistan.



عزت مند مسٹر سائیلوف روسی مهندس
ریاست بلدیہ



عزت مند محمد حسین خان مهندس نهر
جدید خان آباد



عزت مند اورنگ زیب خان مهندس
وزارت فوائد عامہ



عزت مند سلطان محمود خان بیطار ریاست
تربیہ، حیوانات



عزت مند رحمت اللہ خان متخصص زراعت



میں ، میا فاروق شاہ خان معاون ریاست
تربیہ، حیوانات

Les Employés Etrangers en Afghanistan.

سرمایه های بزرگ در برابر بحران عالمگیر



آقای سید قاسم خان «رشتیا»

بقلم جناب سید قاسم خان «رشتیا»
عضو انجمن ادبی



جیمی دایت ممتول معروف انگلستان

از بحران اقتصادی، که درین چند سال اخیر به همه عالم طاری شده، و قتیکه سخن گفته میشود، وضعیت اختناق معاملات، افلاس بانکها و زیاد شدن بیکاران، مد نظر انسان مجسم میگردد. اما مسئله دیگری که اختلاف کوچکی با قضیه فوق دارد، بیشتر اذهان کنجکا و را مشغول ساخته میتواند: سرمایه های معروف در میان این تشنجات دنیای مریض بیچه حال در آمده است؟ آنانکه متمولترین اشخاص عالم بشمار می رفتند بمقابل طوفان عمومی چه قسم مقاومت ورزیده می توانند؟ آیا ملیون

های شان در هوای متقلب تبخیر شده یا اینکه کم و بیش به حفظ آن موفق آمده اند؟

تفتیش این مسئله آنقدریکه گمان میشود آسان نیست. زیرا ممتازان خوش بخت همان طوریکه در موقع نفع آرام و نزاکت شعار بودند، در وقت نقص و خساره مندی نیز خود را بسهولت از دست نمیدهند. بنابراین هنوز هم مطمئن ترین منابعیکه در دست است احصائیه های مالیات میباشد. اما اظهارات مامورین بطور اجباری اصل حقیقت را منعکس ننمایند، در اکثر ممالک دفتر مالیات نسبت به اصل سرمایه به عوائد سالانه آن بیشتر



کیئرولفس مارتی ممتول انگلیس

توجه میکند. مع هذا ملاحظه این احصائیه های رسمی يك اندازه معلومات مفید را ارائه کرده می تواند.

مليون چيست؟

زبان عادی برای تعیین يك شخص بسیار متمول كلمه (مليون) و برای کسی که تمول افسانوی داشته باشد كلمه (میلیاردر) را استعمال مینماید. باید دانست که این دو كلمه بذات خود چیز بزرگی را خاطر نشان نمینمایند زیرا يك اندازه یاپیمانه معینی را نمایندگی نمیکنند.

آیا فرانسوی را که يك مليون فرانك یعنی سالانه پنجاه هزار فرانك عاید دارد، مليونر میتوان گفت؟ به این حساب چقدر مليونر هائی وجود خواهد داشت بدون آنکه خود شان موقعیت خود را بدانند.



اتو کاهن متمول امریکا

مليونر آلمان که همراه يك مليون مارک خود ۶ برابر مليونر فرانسوی متمول است، اهمیتش بیشتر ولی بمقابل مليونر امریکائی بایک مليون دالر و مخصوصاً

در برابر مليونر انگلیسی که يك مليون پوند دارد، چیزی نیست.

بعضی اشخاص دیگر، لقب مليونر را به کسانی میدهند که عوائد سالانه شان بيك مليون برسد. بحساب فرانك و مارک لقب مزبور اعجاب ندارد. به حساب دالر مليونر ها از بيك حلقه كوچك ممتاز تجاوز نمینمایند و خاصتاً به پوند، اگر حساب شود ۵ فیصد مدنظر گرفته شود سرمایه مليونر باید ۲۰ مليون پوند یا ۱۷۰۰ مليون فرانك باشد. بهر حال تعریف اهمیت ندارد بلکه اعداد را ملاحظه باید کرد.

احصائیه ها چه میگویند؟

از روی عقیده عمومی، امریکا خاک کلاسیك مليونر ها است و در حقیقت در آنجا است که انسان با بعضی از قارون های معتبر و روشناس مقابل می شود، اما شاید متمول انگلیسی محکم تر و زیاد تر باشد، زیرا در ۱۹۲۴ در انگلستان ۶۰۱ نفر چنان اشخاصی

حساب شده بود که سالانه ۵۰۰۰۰ پوند عائد داشته گمان می شد سرمایه هر کدام به يك مليون پوند برسد .



پیرین مارگن متمول معروف آتازونی

بحران اقتصادی این تعداد را تقلیل داده ، اما هنوز هم در سال ۱۹۳۲ میلادی ۵۴۰ میلیون وجود داشت . تعداد اشخاصیکه سالانه ۱۰۰،۰۰۰ پوند عایدات یعنی دو میلیون پوند سرمایه دارند نیز از ۱۴۴ به ۱۷۵ نفر ترقی کرده ازین ، معلوم می شود که متمول انگلیسی بواسطه واقعات عمومی چندان فشار ندیده است . برخلاف میلیونر های امریکائی بشدت متأثر شده اند .

در ۱۹۲۹ که سال ریکارد رفاهیت شناخته شده ، در آتازونی ۴۳،۰۰۰ نفر میلیونر



راکفیلر امریکائی و (پسرش) که متمول ترین افراد عالم شناخته می شود

دالر که عائد سالانه شان ۵۰،۰۰۰ دالر است وجود داشت . اما در ۱۹۳۲ عده اشخاص مزبور از ۱۹،۰۰۰ تجاوز نمی نمود . این بخت برگشتگی در میان « سوپر میلیونرها » یعنی آنهاییکه عواید سالانه شان بالاتر از يك مليون دالر است محسوس تر میباشد زیرا سوپر میلیونر های آتازونی بسال ۱۹۲۹ میلادی ۵۱۳ نفر حساب شده ولی در سال بعد فقط ۱۴۹ نفر باقی مانده بود . در ۱۹۳۱ به شهر نیویارک که قریب نصف « مولتی ملیونر های » (۱) امریکائی در آن سکنی دارد تنها مولتی ملیونر ۹۰ ساله موسوم به « جان - د - راکفیلر » باقیمانده بود که عایداتش از يك مليون تجاوز

می کرد (بطور صحیح ۱،۱۰۰،۰۰۰ دالر) : پسر مشارالیه « جان - د - ج - راکفیلر » که در ۱۹۲۴ یعنی قبل از نصفه اخیر دوره رفاهیت به حساب ۶،۲۷۸،۰۰۰ دالر عایدات ، مالیات می پرداخت در ۱۹۳۱ بدفتر مالیات بیش از نیم میلیون عاید ، قلمداد نمود . باید دانست که قانون مالیاتی آتازونی در مورد سرمایه های بسیار بزرگ آزادی

(۱) کسانی که چندین میلیون سرمایه دارند .

مخصوصی دارد به اینقسم که هر کس در معاملات خود بیش از اندازه عواید سالیانه خود متحمل نقص گردید، از تادیه مالیات معاف میشود.

بهین جهة است که مقتدرترین صرافان عالم « جان پیرین مورگن » در سنوات ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۲، توانست که يك پول مالیات نپردازد و اسمش در فهرست ملیونرها داخل نباشد. این داخل نبودن اسم او در فهرست، افلاشش را نشان نمی دهد.



افوار گروگر دلی شاه کوگر دچندی قبل تخفیه

در آلمان نیز سرمایه های بزرگ خیلی تقلیل یافته است، زیرا متمولین آنجا بیشتر از بحران اقتصادی، در اثر انفلاسیون (۱) اخیر خیلی صدمه خورده بودند. چنانچه در ۱۹۱۳ به تعداد اشخاصیکه بیش از يك ملیون مارک سرمایه داشتند به ۱۵،۵۰۰ نفر می رسید اما ده سال بعد عدّه آنها فقط ۴،۰۰۰ نفر حساب می شد. سرمایه های بالاتر از ۱۰ ملیون مارک را قبل از جنگ عمومی ۲۲۹ حساب کرده بودند، ولی پس از جنگ عمومی تنها ۳۳ از آن باقی مانده بود. بسال ۱۹۲۶ هنوز هم ۴۹ نفری وجود داشت که عایدات سالانه خود را بیش از يك ملیون مارک ادعا می نمودند. لاکن در حال حاضر این طبقه تقریباً بکلی از احصائیه ها مفقود گردیده است. آخرین احصائیه مالی آلمان که بابت سال ۱۹۲۸ انتشار یافته عدّه ملیونهای مارک را ۲۹۹۴ نفر ظاهر می سازد که از آن جمله فقط ۱۸۰ آن بیش از ۵ ملیون سرمایه دارند. یقین است که از آن تاریخ به بعد تقلیل مهمی در عدّه مزبور رخ داده خواهد بود.

بعضی قربانی های معروف

وقتی از خساراتیکه بر « مولتی ملیونرها » وارد شده سخن بمیان می آید، لازم است مابین کسانی که سرمایه شان کاملاً غرق شده و اشخاصیکه فقط از يك کم قیمت شدن عمومی متأثر شده اند، تشخیصی بعمل آید. با وجود این، قربانی های « افلاس های بزرگ » درین سال های اخیر خیلی کم است. مهمترین قربانی های افلاس، « ایوار گروگر » شاه گوگرد



ساموئل انیسول سرمایه دار بزرگ امریکا که بعد از جنگ

(۱) رواج فوق العاده نوت که پول را بکلی از قیمت می اندازد و در سال های بعد از جنگ در آلمان بقسم خطرناکی واقع شده و اقتصادیات آن مملکت را بکلی بر باد ساخت.

است که عایدات سالانه اش در ۱۹۲۸ به ۲ میلیون کورون (سکه سویدن) میرسید و ۴ سال بعد موقع انتحار خود ۹۳ میلیون دالر قرض شخصی و ۷۵ میلیون دالر قروض متفرقه را باقی گذشت.



بنی تمول معروف فرانسه

نظیر این واقعه، حال بر بادی برادران «انسول» امریکائی (از اهل شیکاگو) است که تجارتخانه عمده شان در سال ۱۹۳۳ ورشکست و معادل ۲۵ میلیون دالر خساره را متحمل گردید، علاوه برین در جمله افلاس های بزرگ بعد از جنگ ورشکست مؤسسات «سوسوکی» شرق اقضا را نیز حساب میتوان کرد که در سال ۱۹۲۷ قروض آنها به ۲۰۰ میلیون دالر مبالغ شده بحالت واژگونی درآمد،

تمول «الفرد لوولستن» صنعت گر معروف بلجیم نیز در زمان «گرمی بازار» بزرگ ابریشم مصنوعی تقریباً مساوی به اندازه فوق الذکر بود و هر کس بیاد دارد که نامبرده چگونه در وقت احساس ورشکست از طیاره خود را به بحر شمال انداخت.

خسارات صنعتی اتا زونی

اگر چه سرمایه های بزرگ خصوصی در حالت استواری و مقنات معرض خطر بourse واقع نمیشوند، واضح است تبدلات بورس به بالای آنها شدید نفوذ نموده می تواند زیرا که در معاملات عموماً بکاغذ نوت تبدیل میگرددند. پس وقتی که نوت تنزل مینماید يك قسمت تنزل موثر در سرمایه های مزبور وارد میشود که بی اهمیت تلقی کردن آن غیر ممکن است. کوچک ترین دارندگان اوراق (اسهام) در هر لحظه می توانند همراه بانك مفاهمه نموده مبلغ صحیح سرمایه خود را درك کنند اما سهم داران بزرگ این کار را اجراء کرده نمی توانند چه در موقع تنزل سنجش حسابات برای آنها خسارات مهمی را نتیجه میدهد. معیناً سهم داران عمده در معاملات مجبورند سرمایه خود را با فرضیات سهمی بورس حساب کنند. لهذا باید در موقع بحران خسارتی را که بر صنعت گران بزرگ وارد شده با مدنظر گرفتن همین نکات اندازه نمود.

بزرگ ترین سرمایه های معلومی که امروز باقی مانده، مثل سابق در دست خاندان را کفیلر میباشد، حتی قدرت را کفیلرها درین اوقات اخیر ترقی مزید یافته است به این معنی که

الیدریج، داماد، جان - د - را کفیلر پیر - مدیر عمده (چیزبنگ) گردیده است که رقابت آن جماعت مورگن را خیلی خساره مند ساخته است. را کفیلر که در منابع تیل خاک با «هنری ویترونک» صنعت گر معروف انگلیس و هولندی رقابت دارد، همیشه موسسات خود را با نهایت حزم و احتیاط اداره کرده است. از طرف دیگر اسهام را کفیلر درین اوقات اخیر در بورسه نسبت بدیگر اسهام صنعت امریکائی موقعیت ممتازی دارد. بهر حال اسهام جماعت (ستیند رد آیل) که قسمت عمده سرمایه را کفیلر را تشکیل میدهد باند از یک پنجم تنزل یافته است، در زمان سعادت و پیش رفت اقتصادیات که سال ۱۹۲۹ میباشد سرمایه خاندان را کفیلر به استثنای ۵۵۷ میلیون دالر که جهت امور عملی و خیریه وقف شده به یک میلیارد دالر تخمین می شد ولی در پست ترین نقطه بحران یعنی در اوایل سال ۱۹۳۲ بمول آن خاندان از (۲۰۰) الی ۲۵۰ میلیون دالر تجاوز زنی نمود. اما از آن وقت به بعد قراریکه مظنه بورسه نشان میدهد، گویا ثروت مزبور دوباره مضاعف شده است.



هاری فورد صاحب کارخانه موتور سازی
امریکا



جیمز متول معروف سیرود وزیر خزانہ سابق
آنازونی

دومین متول آنازونی
« هنری فورد »
و پسرش « ایدزل
فورد » میباشد که

سرمایه شان بسال ۱۹۲۸ یک میلیارد و دو صد میلیون دالر اندازه شده بود، فورد همیشه افتخار خویش را درین دیده است که از مسابقه بانک برکنار و اسهامش از عملیات وال ستریت (بازار صرافی نیویارک) دور باشد. بهمین سبب از روی سنجش های بورسه سرمایه او تخمین شده نمی تواند اما محدود شدن حاصلات کارخانجات موتور سازی فورد و تنزل دیگر تجارتخانه های بزرگ اتوموبیل، انسان را بفکر می اندازد که فورد نیز از

بحران اقتصادی صدمه زیادی را متحمل شده و اکنون سرمایه اش در حقیقت بیش از يك دهم زمان سابق نمیشد.

حالت سومین متول امریکائی یعنی برادران «میلن» را نیز بهمین منوال قیاس می توان نمود. «اندریو-و-میلن» سفیر و وزیر سابق خزانه امریکا، و برادرش «ریچارد-ب-میلن» که تازه فوت کرده است- موسسین صنعت المونیوم امریکا و مهمترین شرکای (المونیوم کمپنی آف امریکا) بشمار می روند.

علاوه برین برادران مذکور در صنعت برقی (وستنگ هوز) و صنایع تیل خاک (گلف آیل) در بانکها و کمپنی های بحریسمائی و غیره منافع مهمی را دارا هستند. در ۱۹۲۹ ثروت ایشان ۲۰۰ میلیون دالر حساب شده بود. از آن پس سهام (المونیوم کمپنی) ۲۵ فیصد تنزل نمود و به ۲۵ فیصد قیمت اصلی خود رسیده بود.

امادرین اوقات دوبار استحکام پیدا کرده است. حاضر آ ثروت برادران میلن باید در حدود ۱۰۰ میلیون دالر باشد.

متمولین معروف صنایع معدنی امریکای جنوبی نیز بچنین قسمت های بدی گرفتار آمده اند. از آنجمله معتبرترین آنها «شاه مس» موسوم به «گیو جنهیم» و «شاه قلعی» «پاستینو» (بولیویائی) میباشند. ولی خسارت بلند تریکه وارد شده در «صنایع جوان» است. صنایع جوان عبارت اند از ابریشم مصنوعی، گراموفون، رادیو، هواپازی و غیره در وقت رفاهیت و سعادت اقتصادی بعضی اسماء کسب شهرت نموده بود مثل «داویدسارنوف» مؤسس «رادیو کارپوریشن».

این اشخاص دوباره بزمین خورده، اکنون در جمله مولتی میلیونرهای امریکائی محسوب نمی شوند.

در آلمان و اروپای مرکزی

خساراتیکه در ثروت های عمده آلمان وارد آمده اگر با اندازه امریکا نباشد در وخامت از آن کمتر نخواهد بود. در سالهای اخیر قبل از بحران، متمولترین اشخاص آلمان شخص تازه واردی موسوم به «فریدریش فلیک» صنعت گر معدنیات بود که ابتداء در سلیشیای

علیا جا گرفته و بعد در مؤسسه بزرگتر صنایع سنگین ریوهر (ویرینیگت ستاهلورک) موقعیت ممتازی احراز نمود. ثروت مشارالیه وقتی که باوج کمال خود رسیده بود (۵۰۰) میلیون مارک تخمین می شد. از آن وقت به بعد تنزل کرده اما فلیک با تدبیر ماهرانه نفوذ خود را بالای یک مؤسسه دیگر آلمان غربی موسوم به (ارینیش بر و نکوهل) توسیع داده به اینوسیله توانست که سرمایه خود را مجدداً استواری به بخشد. بر خلاف فلیک که بزحمت شخصی خود کسب تمول نموده بود، «فریتز تهپسن» معادن ذغال و ذوب کاری را که ۲۰۰ میلیون قیمت می شد از خانه واده خود به ارث برده، اما قیمت مزبور از آن وقت به بعد خیلی تنزل نموده است. در جمله سرمایه داران بزرگ آنکه کمتر صدمه دیده «اوتو وولف» می باشد که قبل از بحران با (۱۰۰) میلیون مارک خود درجه سوم را در بین متمولین مملکت احراز کرده بود. حالانکه «گروپ» معروف که پیش از جنگ عمومی در بین تمامی سرمایه داران آلمانی درجه اول را داشت، از باعث انحلال فابریکهای اسلحه سازی خود، اسمش از قطار متمولین بسیار بزرگ محو گردید.



اوتو وولف متمول آلمانی

در اروپای مرکزی مملکتی که در آن متمول ترین صنعت گران وجود دارد آلمان نه بلکه چکوسلواکیه است: این شخص (تیشیک) «شاه ذغال» است که رگهای وسیع ذغال سنگ را مالک می باشد. شاخ خاندان تیشیک که در شهر پراگ (پایتخت) جای دارد، و منافع بانکی بزرگی را دارا بوده ثروت شان بدو ملیون کورون چکوسلواکیه می رسد، از بحران جز صدمه خفیفی را متحمل نشده است.

در انگلستان و فرانسه

علاوه برین در جمله سرمایه دارهائیکه بمقابل بحران خوب مقاومت نموده اند، چند نفر فرانسوی و انگلیسی را نیز تذکار می نمایند. بر خلاف امریکا و آلمان، انگلستان و فرانسه تنها ممالکی هستند که دران ها سرمایه های شخصی در صنایع مخصوصه تودیع شده است. در انگلستان «ایرل آف ویگ» (از خاندان آجوفروش های گینس)



تهپسن سرمایه دار آلمانی



از پدرش دو میلیون پوند سترلینگ ارث برده. در فرانسه « ژیله »
صنعتگر ابریشم کاری و « هنسی » رئیس فابریکهای کونیاک
همراه تاجر گندم فروش « لوی لومی در یفیوز » در قطار مولاتی
میلیونرها، درجه اول را حائز شد.

تا همین چند سال پیش در خارج گمان میکردند که فرانسوا کوتی
مالك کارخانه جات عطر سازی، متمولترین صنعت گران فرانسه



میباشد. اما در حقیقت سرمایه های مشارالیه بواسطه بحران خیلی
تقلیل یافته و نیز تلفات پولیکه از درك های مختلفه مخصوصاً بسبب
دعوی تباه کننده يك طلاق برایش رخ داد، به اعتبار ثروت
نامبرده صدمه شدیدی وارد نموده است. در بین صنایع آهن کاری
خاندان « وندل » شهری بسزا دارد ولی « شیندر » اسلحه ساز
علاقه کرونیرو که اسمش به تمام عالم معروف است اکنون در قطار
میلیونرها بزرگ تعلق نمی گیرد.

ثروت های محفوظ

اما بغیر از ثروت های صنعتی، يك نوع سرمایه های دیگری هم وجود دارد که بواسطه
نوعیت خود از عوارض و حادثات محفوظ تر معلوم می شوند.

این ثروتها را می توان « محفوظ » یا « راکد » تسمیه نمود. زیرا اسهام عوائد مشخص
واقساط معین و اجاره های مطمئن داشته، بصورت املاک غیر منقوله و غیره نمایش می یابد.
در مواقع انقلابات اقتصادی و پولی بهترین وسیله حفظ سرمایه این است
که مالکین دارائی خود را بقسم طلا یا نوت های بانکی که به اعتبار طلا باشد، بیاندوزند.

وبسا سرمایه داران بهمین وسیله متشبث گردیده اند. به دلائل زیادی که نام بردن
آنها اسباب طولانی شدن مقال می شود، این طریقه اندوختن پول، در مورد سرمایه های
بسیار بزرگ، لا اقل در ممالك اروپائی استعمال شده نمی تواند. ولی در مشرق زمین مخصوصاً

در هندوستان که مهم‌ترین سرمایه‌ها بواسطه طلا و سنگهای قیمتی تشکیل شده، طریقه مزبور به بسیار خوبی عمل می‌شود. در حقیقت این گنج‌ها نیز بکلی از تبدلات اقتصادی خلاص نیستند؛ چه قیمت‌های درست‌ترین و قشنگ‌ترین برلیان‌ها تغییرات بازار پنبه هندی را تعقیب میکنند و اقلاً بهترین خریداران الماس‌ها و دیگر احجار قیمتی، زمین‌داران بزرگ هند می‌باشند و قتیکه حاصل پنبه کسر می‌کنند اسم هندوستان از فهرست بازار جواهرات گران بها مفقود میگردد و بنا بر آن قیمت آنها کم می‌شود و بمجردیکه وضعیت پنبه اصلاح می‌یابد - چنانکه درین چند ماه اخیر مشاهده شده - متمولین هندی سر از نو الماس و جواهر خریداری کرده نرخ آنها دوباره بلند می‌گردد.

نوابهای هند

از حالا ایقان حاصل شده که سرمایه‌های هندی نسبت بسرمایه‌های غربی بجران را خوبتر تحمل کرده است با وجود این آبا سرمایه‌های مزبور که اکثر اوقات به اعداد عجیب و غریبی نمایش داده می‌شود چه اهمیت دارند؟ تعیین اندازه صحیح آنها مشکل است زیرا که وسائل تفتیش وجود ندارد. بزرگ‌ترین سرمایه‌های هندوستان را عموماً به نظام حیدرآباد نسبت میدهند که از قرار معلوم خزینة او به تنهایی بیش از ۱۰۰ میلیون پوند سترلنگ ارزش دارد و از جواهرات



آساف‌الدوله نظام‌الملک نظام‌الدوله
نایب‌السلطنه نظام‌الحیدرآباد

مرکب است. غوائد سالانه نظام که مخصوصاً از درك مالیات‌های ارضی و امور فلاحی خودش تشکیل می‌یابد قبل از بجران به چهار میلیون سترلنگ بالغ میگردد. «گای کووار» راجه بروده که در تمول نسبت به اول‌الذکر درجه پست‌تری دارد ۳۰ میلیون پوند را مالک خواهد بود. اما آغا خان که در مجامع غربی شهرتش بیش است در عالم سرمایه‌داری فعالیت زیادی دارد و همین وضعیت او را از تبدلات بین‌المللی زیاد تر متأثر می‌سازد.



آغا خان نواب هندی پیشوا
فرقه آغا خانی

اگر مالکین بزرگ طلا و الماس، هندیها می‌باشند با المقابل معادن طلا و الماس که بهترین

آنها در افریقای جنوبی واقع است به خاندان های انگلیسی متمول تعلق دارد در آن جمله برادران « جوئل » برادرزاده « بارا توی » معروف « شاه الماس » بدرجه اول حساب می شود که اقلأ ۱۵ میلیون سترلینگ را مالک اند .



سال جوئل انگلیس معروف ترین سرمایه داران افریقای جنوبی

ملاکین بزرگ در اروپا

در اروپا سرمایه های بزرگ « محفوظ » که از عملیات مالی معاملات مسعود اقتصادی یا منافع جنگ بوجود می آید ، در املاک غیر منقول و متصرفات ارضی ضمانت متقابل می یابد . یکی از بهترین نمونه های آن بواسطه شعبه فرانسوی « روتشیلد » تهیه شده که برخلاف روتشیلد لندن وویانا دارائی خود را بصورت محافظه کاری کامل



سربازیل زاهاروف متمول مشهور یونانی

اداره می کنند . همچنین « سربازیل زاهاروف » یونانی که سهم دار عمده « کارخانه



دیوک آف ویست منیستر سرمایه دار بزرگ انگلستان

اسلحه سازی انگلیس موسوم به « ویکرس » وشریک بزرگ کازینوی مونت کارلو بشمار می رفت ، امروز هم عوائد خوبی دارد و باوجود صدماتی که برایش رسیده هنوز هم از جمله ثروتمندترین مردمان اروپای قدیم محسوب میشود .

در انگلستان محسوس ترین ضربتی که به تمول لاردهای زمین دار وارد آمده ، از باعث بلند شدن مالیاتها بود معینا « دیوک آف ویست منیستر » اخیراً از روی مالیات های عایداتی ، سرمایه خود

را ۴۰ میلیون پوند اعلان نموده است. در چکوسلواکیه و دول بالتیک (استونی، لیتوانیه، لیتونی و فنلاند) زمین داران بزرگ تقریباً بکلی ازین رفته ولی در هانگری، وپولیند ملاکین وضعیت خود را محکم کرده اند. اراضی خاندان مجارستانی «ایستر هنری» بمثل املاک سنیوری (خالی) «کونت پوتوکی» لهستانی یا شهزادگان «راوزیویل» و در سلیشیای علیا (آلمان) اراضی «پرنس پلیس» در وسعت بمثل ولایات حقیقی میباشند، بجران فلاحی اروپای مرکزی و جنوبی آنها



لایحه برای فروش اراضی و املاک در آلمان

را متأثر ساخته اما اندازه خسارات ایشان نسبت به ثروت های بزرگ صنعتی کمتر است.

ثروت های شاهي

به همین نظریه لازم است ثروت های خصوصی شاهان یا شاهان سابق را نیز ذکر بکنیم سرمایه های مزبور به مناسبت وسعت دول مربوطه آنها نیست. مثلاً اگر پادشاه ایتالیا یقیناً متمول ترین سلاطین باشد دارای خصوصی شهزاده (لیچتنبستین) با وجود کوچکی ولایتش از جمله ثروت های مهم بشمار می رود. «ویلیم» دوم قیصر سابق آلمان در موقع ازدست دادن تاج و تخت، خوشبختانه ملیون های متعددی را از تمول خود حفظ کرد. تا یکروز پیشتر از جنگ عمومی دارای سلطنتی پر و شیا به تنهایی ۷۵۳ ملیون مارک تخمین می شد. به اثر دعوی چندین ساله این مسئله که دارای دولتی مزبور بکدام کس تعلق میگیرد، و اصطلاح «املاک سلطنتی» چه قسم تعبیر شده می تواند، ویلیم دوم به این کامیابی موفق آمد که يك حصه کلی اراضی مزبور به عنوان مصالحه و قرارداد تجارتي برایش حفظ بشود. قیمت این املاک جنساً واجب الاداء بوده به ۱۵ ملیون مارک بالغ میگردد. ثروت خصوصی او در سال های اخیر سلطنتش از ۲۰۰ ملیون مارک تجاوز میکرد. قسمت عمده دارائی مشارالیه به مشکل داخل معامله میشود به قسمیکه عوائد به اصل سرمایه هیچ نسبت ندارد. معیناً قیصر سابق بر حسب ظاهر متمول ترین آلمانی ها بشمار می رود.

معاملات تجاری و صرافی

دوره‌های پر آشوب - مثل همین اوقاتیکه حاضر اطمینان می‌کنیم - از یک جنبه دیگر برای معاملات خیلی مساعد می‌باشد. این دوره هائ و نه‌های فوریه را بوجود می‌آورد که اکثراً بهمان زردی که تعمیر یافته بنیان شان ویران می‌شود. تاریخ عصر جدید مثال‌های زیادی را از این «ترقیها» و «انحطاطها» در بر دارد. ده سال قبل وقتی «شاه انقلاب سیون (۱)» الهامی موسوم به «هیو گوستینز» وفات کرد سرمایه متروکه او بر ۲۰۰ میلیون مارک طلا که در آن زمان مبلغ فوق العاده بشمار می‌رفت بالغ شده بود. یک سال بعد سرگشته گی اسفناکی بر ورثه او طاری گردید زیرا پسرانش به اصول انقلاب سیون که پدرشان بسیار دوست داشت، وفادار باقی مانده بودند. همین قسم یک پیش‌آمدی برای انقلاب سیونیست‌های (طرفداران انقلاب سیون) اطریش «کاستیگونی بوزل» نیز رخ داده. معامله دار برلینی موسوم به «جاکوب میکائیل» نسبت به اشخاص اول الذکر بیشتر مقاومت نمود اما در ۱۹۳۲ شرکت او سقوط کرده، خودش هم که شخصاً بیش از صد میلیون مارک را دارا بود، مجز بقایای ثروت خود را نجات داده نتوانست.

به کرات اتفاق افتاده که معامله داران تجاری، وقایع خطرناک اختناق اقتصادی خود را در حضور محاکم عدلیه به ختم رسانیده اند. مثلاً ارسال و مرسول تقلبی در انگلستان، عملیات صرافی «اوستریک» در فرانسه و اقدامات پرخطر «گیوالینو» در ایتالیا، همه بشکل اقتضاح آمیزی در محاکم قضائی عرضه شده است. و نیز منافع خطیریکه بکلی قانونی و صحیح بوده محکوم بر عدم وزوال گردیده، از آنجمله ورشکستگی بانک «دار مستید تراوند ناسیونال بانک» که ثروت خصوصی مدیر خود، «جاکوب گولدسمیت» را که پس از جنگ متهول‌ترین صراف آلمان بشمار میرفت، فرو برد؛ در اطریش مدیران بانک‌های «زیگرت» و «ایهر نفسیت» نیز به مثل «جاکوب گولدسمیت» دچار فلاکت گردیدند، و ارکان شعبه «روتشیلد» و یانانیز باوجود قرض پنج میلیون پوند که از طرف اقارب اندنی شان برای آنها داده شد، نجات یافته نتوانستند. اما از همه سنگین‌تر خساراتی است که بر اثر ورشکستی «وال ستریت» در خزان ۱۹۲۹ و جنبش تزلزل ما بعد آن، بر معامله داران امریکائی وارد آمد.

(۱) انقلاب سیون؛ رواج فوق العاده نوت که بمقابل آن اعتبار طلا یا نقره موجود نباشد.

« طرفداران تنزل » و « طرفداران ترقی »

لازم است تذکر داد که در امریکا، در سالهای بحران هر قسم معامله تنزل دهنده را يك عمل نهایت مخالف اخلاق می دانند و اشخاصیکه به اینطرز اجرا آت می کنند حسودانه عملیات خود را پنهان نگه دارند. بعضی دعاوی پرو لوله و تفتیشات پارلمانی کم و بیش ظاهر کرده است که صرافان و صنعت گران بسیار معروف، بواسطه معاملات تنزیل دهنده، جهت جریان دادن تجدید سرمایه خود ها کوشش دارند، یکی از امثال بسیار برجسته این طریقه اقدامات « وارر برودرز » ارباب صنائع سینما می باشد که همراه یکنیم ملیون دالر برخلاف اسهام شرکت خود عملیات نموده اند.

این وضعیت نه تنها در نیویارک بلکه در اغلب نقاط مهمه اروپا جریان و ترقی دارد. مخصوصاً شهر امستردام (هولیند) يك مرکز بزرگ معاملات بورس هائی (مربوط به ترقی و تنزل پول) بین المللی شده است. در جمله اشخاصیکه درین طریقه بهتر موفقیت حاصل نموده اند دو نفر ذیل شهرت زیاد دارند: یکی « رودیوس گونیکس » صراف امستردام که ابتدا در صنائع سنگین « رینانوویستفالی ین » المان کار میکرد، و دیگر « فرتیز منیهمر » صراف، که او هم از اهل المان بوده در وقت مناسب توانسته بود موقعیت بلند خود را از سر بگیرد و اکنون از متمول ترین تجار اروپائی بشمار می رود. یقین است جنبش سریع ترقی پول وال ستریت « بازار صرافی نیویارک » از تابستان ۱۹۳۲ به بعد و مخصوصاً از اوایل سال ۱۹۳۳ به اینطرف در تشکیل سرمایه های بزرگ جدید کمک زیاد رسانیده خواهد بود. سقوط دالر و تجدید فعالیت بورس ه قیمت ها، که نتیجه آن بود، موقع مساعدی برای گرفتن منافع بورس هائی تهیه کرده است و نیز يك معامله باهوشمندی زیاد در مورد نقره و معادن آن اجرا شده است به این امید که فلز مزبور در آینده نزدیکی در اعتبار پول باطلا بطور رقابت کار خواهد داد.

از همه این معاملات که در آن ها ملیونهاى خطیر دالر بصرف رسیده چه نتیجه میتوان گرفت؟ این مسئله تا هنوز پیش بینی شده نمی تواند اما تمامی تجارب گذشته به انسان میفهماند که از جمله کلیه اشخاصیکه بواسطه معاملات بورس هائی اتفاقاً دفعتاً متمول شده اند فقط عده مختصری توانسته اند که آن تمول را برای خود حفظ نمایند.

تاریخ های دانستنی

تدوین جناب فاضل قاری عبدالله

قبل از طوفان :

- (۱) ترتیب ایام هفته و تعیین روز هفتم برای استراحت بامر الهی .
- (۲) صنعت خیاطی و پوشیدن لباس .
- (۳) زراعت : نخستین شخصیکه بدان قیام ورزیده قاییل است پسر آدم علیه السلام .
- (۴) رعایه مواشی و نخستین شخصیکه برعایه مواشی پرداخت (هاییل) پسر آدم است .
- (۵) قربانی کردن (براه خدا) نخست هاییل و قاییل قربانی کرده اند .
- (۶) قتل عمد : نخست مرتکب این عمل شنیع قاییل مذکور است .
- (۷) بنای شهرها : حنوک پسر قاییل نخستین شخصی است که شهر ساخته .
- (۸) چادر نشینی : نخست شخصی در چادر نشینی (یابال) است از اولاده حنوک .
- (۹) عود و مزمار برای یوبال برادر یابال مذکور ایجاد یافته .
- (۱۰) ایجاد آلات مس و آهن برای توبال قاین نام بوده از اولاده حنوک .
- (۱۱) نجاری و کشتی سازی : نخستین کشتی نوح علیه السلام است که برای نجات از طوفان ساخت .

حدوث طوفان در :

(۲۳۴۸) ق،م

- | | |
|----------|---|
| » » ۲۳۴۱ | افشردن و نبیند ساختن انگور . |
| » » ۲۳۰۴ | ایجاد گا و آهن و داس . |
| » » ۲۲۳۴ | ایجاد خشت پخته برای برج بابل . |
| | غرس زیتون و غیره و ایجاد آرد و در همین اوقات در بین آتش پرستان و سائرین . |
| » » ۲۲۰۴ | ستاره پرستی ظهور نمود . |
| » » ۲۱۵۴ | صنعت نان پختن و پشم ریشتن و بافتن . |
| » » ۲۱۵۴ | ظهور بیلوس معلم فلکی مشار الیه دقیق ترین قسمتی را در علم فلک برای کلدانیها تألیف نمود . |
| » » ۲۱۰۴ | خیاطی و نقش و نگار رخت و رنگ سرخ . |
| » » ۲۰۵۹ | مبداء ظهور بت پرستی در گروه صابی . |
| » » ۲۰۲۴ | گنج کاوی معادن . |
| » » ۲۰۱۹ | صناعت مس |

- گداز اشیای معادنی . ۲۰۰۴ ق م
- رنگدادن اشیای معدنی . ۱۹۵۴ » »
- دعوت حضرت ابراهیم خلیل صلوات الله علی نبینا وعلیه السلام در سرزمین کنعان . ۱۹۲۱ » »
- ایجاد شمیر و حربه . ۱۹۰۴ » »
- شاید بزرگترین هرم در جزیره مصر همدین سالها بوده در عهد ملک رشوفو .
- برادرش نوشفواز شاهان سلسله چهارم و برخی بنای اهرام مصر را (۱۱۹۴) قبل از میلاد پنداشته اند .
- ایجاد تیر و کمان — ۱۸۸۴ ق م
- ایجاد فلاخن و سپر — ۱۸۵۴ » »
- آغاز سواری اسب — ۱۸۲۴ » »
- ساختن آئینه های معدنی — ۱۸۰۴ » »
- صنعت حجاری — ۱۷۷۴ » »
- مسله فرعون را که عبارتست از ستون دراز مربع سرتیز در عهد توتیس سوم از فراغه مصر از جایش با سکندریه نقل دادند . و بروایت بعضی مسله های مصر را در سنه ۱۲۳۴ ق م تعمیر کرده اند .
- ظهور فن خواندن و نوشتن — ۱۷۲۲ ق م
- آغاز بازار بین المللی — ۱۷۰۴ » »
- سیر کشتی در اثر ستاره — ۱۶۵۴ » »
- ترتیب مصریها سال شمسی را به (۳۶۵) روز — ۱۶۰۴ » »
- وجود دارچینی — ۱۵۸۴ » »
- رگ زدن یا خون کشیدن از عروق — ۱۵۶۴ » »
- رفتن صنعت چینی در اروپا — ۱۵۱۸ » »
- استعمال دوا ی قی آور — ۱۵۰۴ » »
- استعمال ضاها در مصریها — ۱۴۹۴ » »
- حمام مروجه که تا حال شایع است — ۱۴۷۴ » »
- ساختن مصریها بحیره میریس را — ۱۴۲۴ » »
- گویند رسم خریطه ها در مصر هم درین قرن بوده در عهد بیروتیس سومین پادشاه از سلسله نهم بعضی اختراع .
- رسم خریطه را در (۵۶۴) ق م می گویند .
- کشف معدن آهن و قتیکه کوه ایدا واقع در جزیره گریته یا کنندیه در مجمع الجزایر بحر سفید آتش فشانی نمود .
- و درین زمان مصریها رنگهای مختلفه و نقش را در تصویر بکار بردند . ۱۴۰۰ ق م
- استعمال حصار و زره . ۱۳۸۴ » »
- وجوداره و برمه . ۱۳۷۹ » »
- ایجاد رنده و پرکار . ۱۳۰۴ » »
- اختراع (مزوله) آله یا مقیاس سایه زوال . ۱۲۸۴ » »
- اختراع دولاب خرف و در تاریخ فلاسفه اختراع آن را با نخرسیس فیلسوف اسقوئی نسبت کرده اند . ۱۲۵۴ » »

- صناعت استخوان فیل - ۱۱۸۴ ق م
- ترتیب لشکر منظم در مصریها - » » ۱۰۰۴
- ظهور هومر شاعر یونانی - » » ۹۰۰
- ترتیب قوانین لیکور که، در اسارت از بلاد یونان - » » ۸۸۴
- وجود مقناطیس - » » ۸۰۴
- آغاز تاریخ اولمپیا در یونانیها - » » ۷۷۶
- دخول کتابت در بلاد یونان - » » ۷۵۴
- آغاز تاریخ گلدانی - » » ۷۴۷
- مشق جنگ در سفائن - » » ۷۳۸
- عمل لنگر برای کشتی - » » ۷۲۴
- استعمال ریاضیات - » » ۷۱۴
- آغاز استعمال کتابت بحروف ابجد در مصر و ترك کتابت قدیم هیر و غلیفی در عصر
آبساماتکوس سر سلسله دولت بیست و ششم - » » ۶۶۰
- دوره نمودن فنیقیها بحرا در گرداگرد افریقا و برخی در (۶۳۶) گفته - » » ۶۵۴
- ارسطا تالیس اولین فیلسوف یونان و او نخست شخصی است که بدرس علوم طبیعی اشتغال
ورزیده و خاصیت کهربائی را بواسطه ختكاك كشف نموده - » » ۶۴۰
- تقویم خسوف ماه - » » ۶۲۴
- بودا رئیس آئین بودائی نیز درین سته تولد یافت .
اختراع شطرنج و نرد - » » ۶۰۸
- مولد فیثا غورث فیلسوف یونانی موجد قسمت فلاسفه ایتالوی و او را نخستین معلم طبیعی
شمرده اند کتابی بنام (موافقهای طبیعی) تالیف نمود و دران آرای نیکوئی را در سماع
و تناقل یعنی قوه متنوعه جذب و رنگهای ضوء را بیان کرده - » » ۵۶۴
- آغاز تلسط و حکمرانی بواسطه سورش شاه آریائی و درینوقت منفخ (آله دمگری)
در بلاد یونان استعمال یافته - » » ۵۵۴
- مؤلفه فیلسوف واضع شرایع ادبیه چین که او را کون فوتش یا کون فوشو نیز گویند - » » ۵۴۹
- غرس نهال تارك و زیتون در جنوب فرانسه - » » ۵۳۴
- ایجادپنسل - » » ۴۹۴
- ظهور زردشت از بلخ سردسته آتش پرستان - » » ۴۸۷
- ظهور هرتوس یا هردوت نخستین مورخ در بلاد یونان - » » ۴۸۰
- آغاز استعمال بلور آتشی که اشعه افتاب را در یک نقطه فراهم آورده در جسم مقابل
به بعد مخصوص آتش میزند - » » ۴۶۴
- مولد بقراط. طب را نخست بقراط تدوین نمود پیش از و این علم در بین بنی اقلیموس راز پوشیده
و میراث بوده که خلف از سلف میگرفت و دراصل از واضعین اصول طب مانند شیرون کتوری و اسکولاب
که هر دو در دسته معبودان باطل یونان جادوکارند گرفته بودند - ازینجهت بقراط را در طب مخترع میدانند

زیرا این فیلسوف اصول طب را نظریه احوال بیماران و تجربه اساس نهاد و شفاخانه اختراع نمود —

۴۶۰ - ق - م

مولد دیموقریطس فیلسوف یونانی از فرقه الیاتیکی وی از جوهر فرد سخن رانده و پیش از واکسینو فانس معلم او این شاگرد فرقه الیاتیکی و امبید و قلنس شاگرد فیثاغورس نیز از جوهر فرد سخن زده و زیادتى در علم طبیعى نموده اند . خاصه دیموقریطس که از قوانین سقوط اجسام در هوا خلوص بحث رانده و از هوا، ضوء و آتش صحبت کرده —

» » ۴۵۸

» » ۴۵۰

شیون شناخت ینبه بواسطه اخبار هرودت از وجود ینبه در بلاد هند —
اکتشاف دوره ماه در هر (۱۹) سال این قاعده به قاعده قمر ماتون آتنوی (آتنه مرکز یونان) مشهور است —

» » ۴۳۲

مولد افلاطون فیلسوف یونانی مؤسس اکادمی قدیم مشارالیه در پیشرفت حقیقی علوم خدمتی بسزا نمود .
طریق هندسی را اختراع و علوم را بآن توضیح داد . تیمیه شاگرد او گفته که کهر بائیت ماده ایست لطیف یا نسبه یاشی است روحی که از کهر با برآمده بعض اجسام را جذب می کند —
عمل کشتیهای پنج مجدافی یا پنج دیر که —

» » ۴۲۸

» » ۴۴۲

» » ۴۰۰

مولد منیسوس مشارالیه دارای تصنیفاتى است در فلسفه عقلی در نزد چینیه —
کشف قلمی را نیز درین قرن می گویند

مولد ارسطاليس فیلسوف یونانی مؤسس جمیعت مشائین از فرقه اشراقین، ارسطاليس در اکثر مسائل فلسفی، فنیکی و طبیعى توغل ورزیده، ثقل هوا را معین ساخت . قسمت نظری را در تولد اصوات حاصل و بواسطه نموج هوا ایجاد کرد . عناصر را بآب، هوا، خاک، آتش قسمت و منحصر ساخت و علم حیوانات از و آغاز نمود —

» » ۳۸۴

در عهد او اریخیناس نام شخصی آله بکره (آله رفع و وضع ائقال) و برمه را اختراع نمود و از اینجهت او را مؤسس اول در علم میخانیکى میدانند .

» » ۳۵۴

» » ۳۳۴

استعمال عرابه های مسلح در فرانس —

استعمال دولاب آرت —

قیام دولت بطلمیوسی لاغوسی در مصر و تاسیس مدرسه که اولین پادشاه این سلسله علما را از اطراف بلاد در آن جمع نموده و از بهر آنها راتبه مقرر فرموده نخست کتابخانه بنام مادر و بعد کتابخانه دیگر بنام دختر تاسیس کرد در کتابخانه اول تا چهل هزار جلد کتاب فراهم آورد این پادشاه در فلکیات مهارت داشت ازینجهت حرکت ماه را ظاهر ساخت و کتابی در جغرافیا تالیف نمود در حدود سنه ۲۸۰ —

» » ۲۸۰

اکتزیبوس نام شخصی درین مدرسه تلبه یا آله تیر اندازی را بواسطه قوه نرمی هوای متکاثف ایجاد کرد و هیرون نام شخص دیگری آله جرثقیل را ایجاد نمود و در تمدد هوا بسبب حرارت سخن رانده . آله مشهور بنافوره هیرون نیز از ایجادات اوست نافوره هیرون آله فشار هواست . و نیز درین مدرسه هیر و فیلسوس و فیلبوس طبیب آغاز بتشریح بدن انسان نمودند تورات شریف

در عهد بطلمیوس فیلا دلف که در (۲۸۳) ق م بشاهی رسید درین مدرسه ترجمه شد .

ماینتو کاهن مصری تاریخ مصر را بزبان یونانی بامر همین پادشاه نوشت . مأخذ این تاریخ

» » ۳۲۳

دفاتر رسمی و اوراق و آثار و رسوم قدیمه موجوده مصر بود —

قیام تمثال مشهور در جزیره رودس و آن را کاربزا و شاروس نام شخصی که شاگرد بوسیپ مشهور

است بدو از ده سال ساخت و پس از چند قرن بواسطه زلزله افتاد و بعضی مس آنرا از یهود خریده
بر (۹۰۰) شتر حمل و نقل دادند -

۲۸۸ ق م

» » ۲۸۲ بنای مناره فاروس در اسکندریه در عهد تسلط بطليموس فيلادلف که در سابق ذکر یافت -
علم ترکیب آلات -

» » ۲۵۰

» » ۲۳۲ استعمال تلمبه های بزرگ برای اطفای آتش -

» » ۲۱۴

استعمال مقیاس ساعتها -

» » ۱۷۴

ایجاد تنور های عام برای نان پختن -

» » ۱۶۶ آغاز تسلط رومانیها بر بلاد یونان و این تسلط واسطه دخول تمدن در بلاد روم شد -

» » ۱۵۸

بردن ساعت های آبی را بر روم -

» » ۷۴

رسم و تصویر بقاع زمین -

» » ۵۴

دخول صابون در بلاد فرانس -

» » ۵۰ اصلاح و تعدیل یولیوس قیصر رومانی حساب سال شمسی را به (۳۶۵) روز (۶) ساعت - ۵۰

» » ۴۴

کشف نوشادر -

» » ۱۴

ترکیب تریاق -

۴ ب م

ميلاد مسیح (ع) و بواسطه آن صورت دنیا بشکل تازه تغییر پذیرفت -

» » ۵

آغاز تاریخ میلادی که تا کنون مستعمل است و درین قرن شاگردان مسیح (ع) کتبی

را که اساس دین مسیحی می پندارند و بعقیده شان عبارت است از اناجل چهارگانه و کتاب اعمال رسل
و رساله های بولس و یعقوب و پطرس و یوحنا و یهودا را نوشته اند. در اخیر این قرن یوحنا
در جزیره بطمس منفی شد و در اینجا سفر روایا را نوشت .

» » ۱۵۰

ظهور جالینوس طبیب و اتساع دائره طب -

» » ۲۵۰

غمرس نهال تانک در بلاد آلمان -

» » ۳۰۰

ایجاد آسیاب در بلاد استریا و شاید اختراع قطب نما در چین هم درین اوقات بوده -

» » ۳۱۸

اولین محامع دینی که در عالم نصرانیت مسکون گشته -

» » ۳۸۵

استعمال رین اسپ - و درین سنوات قوا این تاود و موبوس دوم قیصر قسطنطنیه بنا بر بعض و جوه
در نزد روم اور تدکس همیشه اعتباری داشته وضع یافته .

اتونیوس اصول رهبانیت را در بین نصارا در مصر وضع نمود و ازین جهت

» » ۴۰۰

مشارالیه را پدر راهبها می گویند -

وضع ناقوس در کنیسه ها و نخست شخصی که در کنیسه ناقوس گذاشت باولینوس بود اسقف

» » ۴۵۰

تولاز شهرهای ایتالیا -

» » ۵۰۰

دخول کرم ابریشم در اروپا و آزاد و نفر راهب از بلاد چین در عصا های خود پنهان کرده

آورده اند و برخی آوردن کرم ابریشم را در سنه ۵۲۲ پنداشته .

درین قرن فن نوشتن و خواندن در بلاد روس داخل گشته .

ایجاد آسیای مراکب در روما . در بعضی از کتب اختراع آسیای آبی را به بلیساویوس نام

۵۵۵ ب م

شخصی رومانی نسبت نموده یعنی مشار الیه اختراع کرده

۵۲۹ *

تاسیس مکاتب یومی برای تعلیم -

آغاز استعمال تاریخ میلادی و نخستین شخصی که آغاز استعمال آن کرد دیونیسوس اسقونی بود

بعدها مردم از ویروی کردند و تا آن وقت نصاری تاریخ رومانی را استعمال میکردند که آغاز آن ۷۵۳ *

تنقیح نظام و قوانین ملکی بامر یوستیناوس قیصر قسطنطنیه و اخیر این قوانین اساس

۵۳۱ *

امور مدنیت در اروپا گردید -

۵۵۰ *

استعمال آئینه برای دریاچه و روزن -

۵۹۳ *

چاپ حروفی در چین -

۶۰۰ *

وجود قلم -

ابتدای تاریخ هجری و تمدن عرب و قیما مسلمانان باموردین جمع قرآن کریم اولاً در عهد خلیفه اول

رضی الله عنه بوده آغاز جمع حدیث در عهد خلیفه دوم رضی الله عنه بوده برای استناد احکام - ۶۲۲ *

۶۲۵ *

استخراج شکر بوره از نیشکر -

۶۴۳ *

آغاز تدوین قوانین که جرمنها فاتح ایتالیا در کتب جمع نمودند -

۶۶۱ *

وضع پوسته در قلمرو اسلامی در عهد معاویه رضی الله اولین خلیفه از بنی امیه -

آتش که یونانیها در مدافع لشکر اسلام از محامره قسطنطنیه استعمال میکردند و کالینیکوس نام سوری

مخترع آن بوده و در وسط آب می افروخت ، و گویندهاالی چین بسیار بیشتر آنرا استعمال میکردند ۶۷۳ *

۷۰۵ *

بنای شفاخانه ها در اسلام در عهد ولید ابن عبدالملک مشار الیه در همین سال بر کرسی خلافت جلوس کرده

۷۱۱ *

ساخت کاغذ از پنبه ، کاغذ در چین اختراع یافته

۷۴۰ *

ساخت سجاده شاید در اروپا باشد

ترجمه منطق و بعضی کتب در هیئت و مناظر ات بر زبان عرب و وضع قهقه حنی و مالک در عهد ابو جعفر منصور

۷۵۴ *

دومین خلیفه عباسی بوده

۷۶۰ *

صنعت ملمع کاری از نقره مصنوعی

توجه عرب بعلوم قدیمه و اشتغال آنها بتهدیب لغت و ترتیب قواعد عربیت ، در بنوقت ابو عبیده

لغت را تدوین نمود ، خلیل عروض ، هرا و مازنی صرف و قطرب مثلث را در لغت وضع نمودند و اینها

۷۸۶ *

همه در عهد هارون رشید بنجم خلیفه عباسی بوده که در همین سنه بخلافت رسید

۸۰۰ *

نموی فلاحی و شیار گشت در المان

ساعت را در فرانس هم درین سنه برده اند و براهارون رشید برای کرلوس پادشاه فرانس ساعتی فرستاد

که بی نهایت اعلی و خوب بود و این ساعت دو اژده صورت بشکل سواره و ظرفی از مس باهمه

از کره ها تعبیه داشت کره ها از بی هم در ظرف مذکور افتاده صدا از آنها می خاست هر صورت

دری داشت که چون آواز کره ها تمام می شد او بسته می گشت رجال فرانس از مشاهده آن متعجب

گشته پنداشتند که جادو خواهد بود یا جن آنرا بحرکت می‌آرد، هرگاه شاه فرانسه با آنها موافقت می نمود ساعت را خراب میکردند تا علت حرکتش را دریابند.

درین قرن بیدای معلم، رئیس دیویرموت بانکلتره ظهور کرد و محترم لقب یافت، مشارالیه اسباب جزر و مد را بحسب و تخمین دریافت نمود. بعد ها معلم اسحاق نیوتون اسباب جزر و مد را بدلیل ثابت ساخت و وضع فقه امام شافعی رح

۸۱۳ ب، م

در همین سنه مامون الرشید بخلافت رسیده به ترجمه کتب فلسفی و علمی پرداخت مؤلفین از تالیفات فیثاغورس و افلاطون و ارسطاليس و بقراط و جالنیوس و اقلیدس و بطليموس و غیره ذخیره بزبان عربی فراهم آوردند.

جای تردید نیست که این خلیفه به بسیاری از علوم میل و رغبت داشته خاصه در فلکیات، رصد خانه برای نظر در احوال نجوم و حساب سیر آنها بنا کرد. میل دائرة فلك البروج را بر دائرة استواوی تحریر نموده از روی امتحان ۲۳ درجه و ۳۵ دقیقه برآمد.

ابو عبدالله محمد و هر دو برادرانش یعنی احمد و حسن را که همسره پسران موسای ابن شاکر خوارزمی اند برای معرفت مساحت قطر کره زمین برگاشت و موافق بقول قدما (۸۰۰۰) میل برآمد.

ابو عبدالله را مخترع جبر و مقابله نیز میگویند و بعضی دیوفانتوس یونانی را (در قرن پنجم یا ششم میلادی) واضع این فن میدانند. شاید ابو عبدالله اولین شخصی است در اسلام که سراغ ازین فن یافته بهر تقدیر عرب در علوم فلسفی و طبیعی و فلکی و طبیی بمنتتهای عروج رسید بلکه علم جیولوژی را در قرن ده و مابعد عرب، وضع کرد و از عرب اروپا گرفت تا بکمال امروز رسید.

و وضع فقه امام حنبل رح —

۸۵۰

درین سنه عبدالله ابن معتمر عباسی علم بدیع را وضع نمود.

درین سنوات عرب نهال ترجمه را از هند بعراق و بعد هابصره و عراق برده اند و ستره را از اروپا بمشرق آورده. ستره بنا بقول بعضی ازچین به پرتقال نقل یافته ولی چون عرب آنرا از پرتقال باز بمشرق آوردند نام پرتقال بران گذاشتند.

۹۱۰

استیلای عبدالرحمن اخر مقلب بناصر بر بلاد اندلس - مشارالیه قرطبه را کرسی خلافت ساخت و آنرا مانند بغداد مرکز علوم نمود کارخانه های بزرگ در قلمرو خود تاسیس کرد تا علوم و معارف در مسلمانهای آن حدود انتشار کامل یافته از آن چنان برخوردارند که دیگران را نصیب نشد زیرا فن زراعت را بمنتتها درجه رسانده زراعت خرما، خربوب، پنبه توت و نیشکر را رواج دادند (بعضی

گویند نیشکر را نصاری فرنگ از طرابلس شام بحزیره سیسیلیا برده اند از آن بیعد در ممالك جنوبی اسپین هم رواج یافت)

درین اوقات مردم بومی آن بلاد بصنعت بالا کردن آب بواسطه ارت نیز پی بردند ۹۱۲

صنعت کاغذ سازی ازینبه در (قرن یازدهم م) شائع گشت و از آنجا بارو یا نقل شد اهالی اندلس بتجارت و بحریهائی و غیره دست یافتند. ترجمه ابن رشد کتاب ارسطاليس را سبب ترقی مدارس

اندلس در جبر و مقابله و حساب گردید بحدیکه عرب مردم اصلی اسپین را در نهال شانی تیر اندازی

و مضمون بندی اشعار قابل ساختند خلاصه ذخیره اندوزی اسبانویها از موائد علوم در مدت اقامت عرب

دران سرزمین یکنانه سبب نشر معارف در زمین تاریک اروپا گردید - هنوز دو هزار جلد کتب عربی از

عهد خلفا در کتابخانه اسپین میگویند موجود است

ابدال خط کوفی بخط بغدادی - مخترع آن ابن مقله وزیر مقتدر بالله عباسی است - ظهور

امام ابوالحسن اشعری امام اهل سنت و جماعت نیز درین سالها بوده.

کشف معدن نفت و ترمینینا

۹۳۰

۹۶۹

- ۹۸۰ تولد شیخ الرئیس ابوعلی سینای بلخی -
- ۹۹۰ اولین ساعت رفاصک دار - مخترع آن یاب سیئرس دوم است و در هنگامی که راهب بود مشار الیه
- ۹۹۶ رقوم هندسه را نیز بارویا برده -
- ۱۰۰۴ تسلط حاکم بامر الله در مصر و ظهور دیانت در زیه -
- ۱۰۱۶ بنای دارالحکمت در مصر که حاکم بامر الله تعمیر نمود و در عهد سلطان صلاح الدین ایوبی و بران گشت -
- ۱۰۷۰ آغاز وضع قوانین و ظهور تمدن و عمران در روس -
- ۱۰۸۰ وضع قوانین سواره ها -
- ایجاد آسیاهای بادی -
- ۱۱۳۷ پیشرفت احوال جمعیت سیاسی در اروپا بسبب اطلاع آن ها در ابطال بکنای از کتابهای قانون بوستینانوس -
- آغاز انتباه اروپا و میل آنها به علوم و فنون و ظهور اصلاح در دو اوین امپراطور و تاسیس مکتب در فرانسه از آغاز جنوس لوی هفتم - درین اوقات بیشکرا فرنگیها از طرابلس شام بایطالی برده اند -
- ۱۱۴۶ تاسیس اکادمی (مجلس علمی) در فیرنیا مرکز بلاد توسکانا از ابطال مؤسس آن بود نالدو دیک اعظم است -
- ۱۱۵۰ مولد امام رازی از مشاهیر فلاسفه اسلام -
- ۱۱۹۸ نقل رسم رقم هندسی بعربی -
- ۱۲۲۰ ایجاد شیشه های عدسی برای دوربینها -
- ۱۲۴۰ نمک سود کردن گوشت و ماهی -
- ۱۲۵۲ نل برای آب کشی -
- ۱۲۵۴ تاسیس شفاخانه کورها در پاریس -
- ۱۲۶۴ اشتراک وکلای رعایا در مشوره های عمومی در ممالک انگلیس بعضا سائر دول از او تقلید نموده اند -
- ۱۲۹۰ ایجاد دوربین های دراز - و درین سه از چربو شمع ساخته نامش شمع کافوری گذاشتند -
- ۱۲۹۵ عمل ساعت های دقیقه دار در اروپا -
- ۱۲۹۹ بردن آسیای بادی را اروپا -
- ۱۳۰۰ ساختن آئینه های بلوری در بلاد بند قبه از ممالک ایتالیا -
- ۱۳۱۵ آغاز الفای مقاله های دینی و امتحاناتی که برای محض دعاوی در اروپا مقرر بود -
- ۱۳۲۸ تاسیس مکتب برای انواع بازیها در شهر طولوز و از آن فائده بسیاری اروپا رسید -
- ۱۳۵۵ اختراع باروت در اروپا مخترع آن شوارس نام راهبی بود از آنکه بعضی گویند باروت در سه ۱۳۵۵ م استعمال یافته - اگرچه در چین چندین قرن پیشتر باروت معروف بود -
- استعمال اسلحه تازی در فرانس اما انگلیس پیش از او استعمال میکرد چه تا این وقت رجال فرانسه استعمال اسلحه که از مسافه دور آدم را بکشد ننگ و نخل شجاعت میدانستند -
- ۱۳۶۶ عمل کاغذ از تنه باره ها -

تاریخهای دانستی

- ۱۳۵۰ - ب م ایجاد توپ و گله در اروپا - و در چین از سنه ۶۱۷ ق م استعمال می شده -
- استخراج عرق که نوعیست از مشروبات - درین اوقات استرلاب و قطب نما در اروپا ساخته شده - گویند اینیریکوس - شاه پرتگال در ساخت آنها مداخله داشته -
- ۱۳۸۰ » » اختراع ورق کنجفه در فرانس بجهت تفریح پاشاه که دیوانه گشته بود - بعضی گویند که در سنه ۱۲۸۵ کنجفه از آسیا باروپا رفته و در سنه ۱۲۹۹ در ایتالیا شیوع یافته -
- ۱۳۹۲ » » کارخانه تریاق و عقاقیر طبی در شهر لیسبا -
- ۱۴۰۰ » » عمل کلاه انگریزی (برانیت) در فرانس مخترع آن شخصی بوده از سویسره -
- ۱۴۱۰ » » تصویر با رنگهای روغنی
- ۱۴۱۶ » » خرف سازی شبیه بچینی در اروپا -
- ۱۴۳۰ » » شفاخانه طاعون در بند قیه -
- ۱۴۳۲ » » استعمال پوسته در اروپا -
- اختراع صنعت طبع - کونمبرك اختراع آن نمود و نخست انجیل را بزبان لاتینی طبع کرد و چند نسخه آنرا برای فروش همراه شریك خود بیاریس برد و يك جلد را بقیمت (۲۰) لیره فروختند و بیش از آن بصد لیره فروش شده بود . چون همه نسخه ها را در صفحه و سطر يك رنگ یافتند بر علاوه که یگان سطر با رنگ قرمز هم نوشته شده بود مردم پنداشتند که بقوه سحر و جادو نوشته شده و سطر های قرمز هم بخون شیطاین نگارش یافته - هر گاه مشارالیهها حقیقت حال را نمیکفتند و هیئت شورای پاریس آنها را رها نمیکرد نزدیک بود گیر بیایند -
- ۱۴۳۶ » » آغاز کمیدیهها در بلاد ایتالیا -
- ۱۴۴۱ » » اساس مکتب واتیکان در روما و این از اولین مکاتب معتبره ایتالیاست -
- ۱۴۴۷ » » کندن صورت بر قالب که عبارتست از نقش برمس و چوب از اختراعات تومازو فلیجیر زرگر است
- ۱۴۵۲ مشارالیه از بلاد فلورنسا بوده - بعضی ظهور این اختراع را (در سنه ۱۴۶۰) گفته -
- ۱۴۵۳ » » مها جرب بقیه اهل معارف با کتب خود ها از قسطنطنیه باروپا بسبب استیلای دولت ترك بر قسطنطنیه و بواسطه آنها علم فلکیات و علم طبیعی از او هام باطل تقد و سره گردید - مجمع علمی در شهر بیزان تجدید یافت . بولس توسکا نلی (میل) یعنی آله تعین این دو انقلاب را بلند ساخت این میل بزرگترین آله فلکی دنیااست -
- درین سنه لورنزو دو ، ساعتی بدیع برای یاب ساخت که علاوه بر تعین اوقات حرکات آفتاب و سیاره ها و کسوف و بروج و سائر تقلبات فلکی را نشان میداد .
- اختراع هیدوگرافی که عبارتست از فن تخطیط بحور ، بحیره ها ، نهرها و سائر آبها طوریکه رسم و شکل کنار بجرها و خلیجها ، ثغورها جزیره ها ، راسها ، قناتها ، بوغازها ، مجراها و غیره را نشان میدهد مخترع آن هنری نام شخصی از ملاحها بوده -
- ۱۴۶۳ » » ایجاد کارخانه بافت پارچه ابریشمی در لیون از علاقه فرانس -
- ۱۴۶۶ » » اکتشاف کهربائیت و واسطه آن بحث طبیب انگلیسی گردید که کلیدر نام داشت و از شهر گول چستر بود -
- ۱۴۸۶ » » اکتشاف راس امید و آنرا بارتالمود یاس کشف نمود
- ۱۴۸۶ » » اکتشاف امریکا و آنرا کریستوف کولبس جینوائی کشف کرد -
- ۱۴۹۲ » »

درین اوقات سر رشته پوسته وقانون درمما لك روس اجرا یافته

اکتشاف راه هند شرقی از جهت راس امید -

تاسیس مکتب ملکی و دارالعلوم و مطبعه در فرانسه

ساخت چقمق تفنگچه -

رواج فن ضبع در بلاد روس -

ساخت سوزن دوخت در انگلتره -

استعمال تنباکو و عمل سگار -

ساخت کار در مروج و بیشتر از سنگ یا صدف کار دمی ساختند -

ایجاد تفنگ چند تیره یا دو میله -

اکتشاف سنگ مقناطیس ارضی و آنرا روبرت نورمان نام شخصی کشف نمود -

ایجاد آله تقسیم میزانها -

اکتشاف علاقه سیریا

اصلاح حساب سنه شمسی به (۳۶۵) روز و (۵) ساعت و (۴۹) ثانیه و آن را پاپ گریگوریوس

سیزدهم اصلاح نمود فرق حساب سنه شمسی در بین اروپا و ایشیا ازین رهگذر پیدا شده - ۱۵۸۳

آغاز طبع جرائد و نشر آن در بلاد انگلیس و بعضی در (۱۶۳۰) میداند - ۱۵۸۸

ایجاد چرخه تار تابی هندی و این اولین کارخانه بافت پنبه در انگلتره بوده بعدها در قرن هفدهم در

فرانسه نیز رواج یافت - درین اوقات آینه در اروپا اصلاح گردیده ورق قلعی در پشت آن زدند - ۱۵۹۰

ساخت تلسکوپ و آن دور بینی است که بری دیدن اجسام بسیار دور وضع شده - مخترع

آنت کریگوری المانی یا یوحنا لیبرسهی بوده - ۱۵۹۳

درین اوقات گلیلی ایتالوی دوران کره ارض را بیان نمود و پیش ازین کبریك نام شخصی از بلاد

پروسیا در سنه ۱۴۷۳ از دوران زمین بحث کرده بود بلکه فیثاغور و یکی از شاگردان او دوهزار

سال پیش همین سخن می گفتند درین اوقات گلیلی مذکور بندولی را اختراع نمود و مویکینس معلم آنرا

از بهر وقت مقیاس مقرر کرد و ساعتی ساخت دارای رفتار منتظم تا ساعت بانك مدت باین خوبی رسید -

نیز گلیلی مذکور درین اوقات بوزن ثقل هوا قائل گردید و شاگردش در سنه ۱۶۳۰ با ثبات

رساند که این ثقل معادل است با ثقل ستونی از آب بارتفاع (۳۲) قدم و ستونی از قلعی بارتفاع

(۲۸) قیراط و میزان البرودتی اختراع نمود که مدتی آنرا ابنوبه تر ویشیلی می گفتند

و اخیراً پاسکال فرانسوی در سنه ۱۶۴۳ آنرا تکمیل نمود و همدرین قرن مؤلفات ادبی یوحنا

در بلاد ایتالی ظهور کرد و او نخستین شخصی است که بیطلاات اثرات علم نجوم قائل گشت

و در نتیجه از اعتبار منجمین کاست و تا آنوقت بدر بار شاهان اروپا قدر و منزلتی داشتند -

۱۶۱۰ - اکتشاف توابع مشتری -

۱۶۱۷ - اختراع ماشین ضرب سکه -

ایجاد مگر سکوب (دوربین بزرگ نما) و آنرا زخیر ماجانسن هولاندی یا دریل نام

شخصی ایجاد نمود - ۱۶۲۴

۱۶۲۸ - معرفت حرکت دوران خون و آنرا ولیم ها روی فیلسوف انگلیسی دریافت -

تاریخهای دانستی

ایجاد ترمومتر بصورت موجوده (مقیاس الحرارة) و آنرا دریل هو لاندی که سابق از و ذکر شد ایجاد نمود —

۱۶۳۸ ب م

ولادت اسحاق نیوتن فیلسوف انگلیس مشارالیه معلوماتی از خود بروز داده و در جمیع اعمال متعلقه به علوم طبیعی و فلکیه تأملی بخرج رسانده. یکروز سبی از درخت بر زمین افتاد از آن بقوه جاذبه (یعنی بقانون ضابط انتظام تمام عالم) پی برد قوه دافعه را که ضداوست برای حصول تعادل نیز استنباط کرد. اگر چه ریگارت نیم قرن پیش ازین از مسائل دقیق سخن رانده بود. اما این فیلسوف بایانی روشن تر شرح داد و علما دنباله او را درین باب گرفتند —

۱۶۴۲

زراعت برنج در امریکا —

۱۶۴۷

اولین آله کهربائیت را ادسون و کریکه هو لاندی که او را او تو دیکریک نیز گویند ساخته و بواسطه آن دوفای فرانسوی عالم طبعی آنرا بر دو نوع قسمت کرد یکی زجاجی و دیگری روتنجی. و چون الکتریک در بعضی اجسام بسیار و در بعضی اندک می باشد نوع اول را مثبت و دوم را منفی نامیدند. درین اوقات کرد نیال ریشیلو وزیر لوی سیزدهم شاه فرانس در پاریس از برای ارباب علم انجمنی تاسیس کرد و رصدی بنا نمود که تا کنون معروف است و نیز باغی از برای نباتات ساخت. ریمیر دتمارکی از سرعت رفتار ضوء درین اوقات بحث راند.

ماریو پ فرانسوی هم درین سنه فرق سرعت سقوط اجسام را کشف نمود که یعنی بر حسب مقاومت هوا و حجم جسم میباشد —

۱۶۵۰

ایجاد آله مفرغه الهوا و آنرا او تو دیکریک مذکور در (مکدبرک) از بلاد پروشیا ایجاد کرد و آنرا تلمبه هوا نیز گویند —

۱۶۵۳

علوم طبیعه نیز درین وقت پیشرفت نمود هیئت دانشمندان فیرنسا معلم سماع و خواص ضوء و حرارت و غیره مشغول شدند —

۱۶۵۵

عمل شیشه که حدوث باران ازان معلوم می شود —

۱۶۷۴

اکتشاف اکسیژن و مکتشف آن داکتر پرستلی انگلیسی است —

و درین اوقات شارل نام معلمی میکا سکوب را اختراع نمود و از برای نظاره و حصول صور اجسام که دارای امتداد اندک باشد بکار میرود —

۱۶۷۴

اختراع شیشه جاذب ضوء —

۱۶۷۵

آغاز ترقی ملت روس بواسطه ترویج علوم و فنون و صنائع مهم در ممالك آنها از هنگام جلوس پترکیر درین اوقات حرکات ستاره های دمدار کشف شده —

۱۶۸۲

ایجاد شیشه های آتشی —

۱۶۸۷

عمل پوش مراکب —

۱۶۹۰

درین اوقات ساوری انگلیسی مقناطیس صنعی را اختراع نمود آله های بخار نیز ایجاد یافت و نخست داکتر بابین فرانسوی آغاز بعمل آن نمود. آله مفرغه الهوا نیز بیشتر تکمیل گشت چنانکه بعد هادر ترکیب و اصلاح آن فقط تغیر اندکی پیش آمده.

» »

درین سنه کلوانی معلم کهربائیت حیوانی را کشف نمود و بنام او منسوب گشت چنانکه آنرا (کلوانیه) میگویند مشارالیه از بولونیای ایتالیا ست کهربائیت حیوانی بلمس حاصل می شود. بعدها فولته معلم آنرا تو ضیح و ستون کهربائی را وضع نمود و کرویکس ها نکس بعمل حوضهای کهربائی آن را بکار برد.

» »

آبله کوبی چیچک به چیچک —

۱۷۱۳

درین اوقات سر رشته یوسته وقانون درمما لك روس اجرا یافته

۱۴۹۸ ب م

» » ۱۵۱۵

» » ۱۵۲۰

» » ۱۵۳۴

» » ۱۵۴۵

» » ۱۵۶۰

» » ۱۵۶۳

» » ۱۵۷۰

» » ۱۵۷۶

» » ۱۵۷۹

» » ۱۵۸۱

اکتشاف راه هند شرقی از جهت راس امید -

تاسیس مکتب ملکی و دارالعلوم و مطبعه در فرانسه

ساخت چقمق تفنگچه -

رواج فن طبع در بلاد روس -

ساخت سوزن دوخت در انگلتره -

استعمال تنباکو و عمل سگار -

ساخت کارد مروج و بیشتر از سنگ یا صدف کارد می ساختند -

ایجاد تفنگ چند تیره یاد و میله -

اکتشاف سنگ مقناطیس ارضی و آنرا روبرت نورمان نام شخصی کشف نمود -

ایجاد آله تقسیم میزانها -

اکتشاف علاقه سیریا

اصلاح حساب سنه شمسی به (۳۶۵) روز و (۵) ساعت و (۴۹) ثابینه و آن را پاپ گریگوریوس

سیزدهم اصلاح نمود فرق حساب سنه شمسی در بین اروپا و ایشیا ازین رهگذر پیدا شده - ۱۵۸۳ » »

آغاز طبع جرائد و نشر آن در بلاد انگلیس و بعضی در (۱۶۳۰) میدادند - ۱۵۸۸ » »

ایجاد چرخه تارتابی هندی و این اولین کارخانه بافت پنبه در انگلتره بوده بعدها در قرن هفدهم در

فرانسه نیز رواج یافت - درین اوقات آینه در اروپا اصلاح گردیده ورق قلعی در پشت آن زدند - ۱۵۹۰ » »

ساخت تلسکوپ و آن دور بینی است که بری دیدن اجسام بسیار دور وضع شده - مخترع

آف کریگوری المانی یا یوحنای لیبرسمی بوده - ۱۵۹۳ » »

درین اوقات گیلی ایتالوی دوران کره ارض را بیان نمود پیش ازین کبریك نام شخصی از بلاد

پروسیا در سنه ۱۴۷۳ از دوران زمین بحث کرده بود بلکه فیثاغورویکی ار شاگردان او دوهزار

سال پیش همین سخن می گفتند درین اوقات گیلی مذکور بندولی را اختراع نمود و مویکینس معلم آنرا

از بهر وقت مقیاس مقرر کرد دو ساعتی ساخت دارای رفتار منتظم تا ساعت بانك مدت باین خوبی رسید -

نیز گیلی مذکور درین اوقات بوزن ثقل هوا قائل گردید و شاگردش در سنه ۱۶۳۰ باثبات

رساند که این ثقل معادل است با ثقل ستونی از آب بارتفاع (۳۲) قدم و ستونی از قلعی بارتفاع

(۲۸) قیراط و میزان البرودتی اختراع نمود که مدتی آنرا ابنوبه تر ویشیلی می گفتند

واخیراً پاسکال فرانسوی در سنه ۱۶۴۳ آنرا تکمیل نمود و همدرین قرن مؤلفات ادبی یوحنا

در بلاد ایتالی ظهور کرد و او نخستین شخصی است که بیطلان اثرات علم نجوم قائل گشت

و در نتیجه از اعتبار منجمین کاست و تا آنوقت بدربار شاهان اروپا قدر و منزلتی داشتند -

اکتشاف توابع مشتری - ۱۶۱۰ » »

اختراع ماشین ضرب سکه - ۱۶۱۷ » »

ایجاد مگر سکوب (دوربین بزرگ نما) و آنرا زخیر ماجانسن هولاندی یا دریل نام

شخصی ایجاد نمود - ۱۶۲۴ » »

معرفت حرکت دوران خون و آنرا ولیم ها روی فیلسوف انگلیسی دریافت - ۱۶۲۸ » »

ایجاد ترمومتر بصورت موجوده (مقیاس الحرارة) و آنرا در میل هوای لاندی که سابق از او ذکر شد ایجاد نمود —

۱۶۳۸ ب م

ولادت اسحاق نیوتن فیلسوف انگلیس مشارالیه معلوماتی از خود بروز داده و در جمیع اعمال متعلقه به علوم طبیعی و فلکیه تأملی بخرج رسانده. یکروز سیبی از درخت بر زمین افتاد از آن بقوه جاذبه (یعنی بقانون ضابط انتظام تمام عالم) پی برد قوه دافعه را که ضداوست برای حصول تعادل نیز استنباط کرد. اگر چه ریگارت نیم قرن پیش ازین از مسائل دقیق سخن رانده بود. اما این فیلسوف بایانی روشن تر شرح داد و علما دنباله او را درین باب گرفتند —

۱۶۴۲

۱۶۴۷

زراعت برنج در امریکا —

اولین آله کهربائیت را ادسون و کریکه هو لاندی که او را او تو دیکریک نیز گویند ساخته و بواسطه آن دوفای فرانسوی عالم طبیعی آنرا بر دو نوع قسمت کرد یکی زجاجی و دیگری روتنجی. و چون الکتریک در بعضی اجسام بسیار و در بعضی اندک می باشد نوع اول را مثبت و دوم را منفی نامیدند. درین اوقات کرد نیال ریشیلو وزیر لوی سیزدهم شاه فرانس در پاریس از برای ارباب علم انجمنی تاسیس کرد و رصدی بنا نمود که تا کنون معروف است و نیز باغی از برای نباتات ساخت. ریمیر دتمارکی از سرعت رفتار ضوء درین اوقات بحث راند.

ماریو پ فرانسوی هم درین سنه فرق سرعت سقوط اجسام را کشف نمود که یعنی بر حسب مقاومت هوا و حجم جسم میباشد —

۱۶۵۰

ایجاد آله مفرغه الهوا و آنرا او تو دیکریک مذکور در (مکدبرک) از بلاد پروشیا ایجاد کرد و آنرا تلمبه هوا نیز گویند —

۱۶۵۳

علوم طبیعه نیز درین وقت پیشرفت نمود هیئت دانشمندان فیرنسا معلم سماع و خواص ضوء و حرارت و غیره مشغول شدند —

۱۶۵۵

عمل شیشه که حدوث باران ازان معلوم می شود —

۱۶۷۴

اکتشاف اکسیژن و مکتشف آن داکتر پرستلی انگلیسی است —

و درین اوقات شارل نام معلمی میکا سکوب را اختراع نمود و از برای نظاره و حصول صور اجسام که دارای امتداد اندک باشد بکار میرود —

۱۶۷۴

اختراع شیشه جاذب ضوء —

۱۶۷۵

آغاز ترقی ملت روس بواسطه ترویج علوم و فنون و صنائع مهم در ممالک آنها از هنگام جلوس پترکیر درین اوقات حرکات ستارهای دمدار کشف شده —

۱۶۸۲

ایجاد شیشه های آتشی —

۱۶۸۷

عمل پوش مراکب —

۱۶۹۰

درین اوقات ساوری انگلیسی مقناطیس صنعتی را اختراع نمود آله های بخار نیز ایجاد یافت و نخست داکتر بابین فرانسوی آغاز بعمل آن نمود. آله مفرغه الهوا نیز بیشتر تکمیل گشت چنانکه بعد هادر ترکیب و اصلاح آن فقط تغیر اندکی پیش آمده.

» »

درین سنه کلوانی معلم کهربائیت حیوانی را کشف نمود و بنام او منسوب گشت چنانکه آنرا (کلوانیه) میگویند مشارالیه از بولونیای ایتالیا ست کهربائیت حیوانی بلمس حاصل می شود. بعدها قولته معلم آنرا تو ضیح و ستون کهربائی را وضع نمود و کروی یکس ها نکس بعمل حوضهای کهربائی آن را بکار برد.

» »

آبله کوبی چیچک به چیچک —

۱۷۱۳

- اختراع نوت نقدی در فرانسه — ۱۷۱۵ ب م
- دوربین — ۱۷۲۳ » »
- اختراع ماگوی پران بافت و مخترع آن (کی) نام انگلیسی است ۱۷۳۸ » »
- وضع شیشه های اکر دیتک (عدسیه بی رنگ) بر میکروسکوب و موجد آن سلیک معلم بوده ۱۷۴۰ » »
- درین اوقات لیبر کهن معلم برلینی مکر سکوب شمسی را اختراع نمود و نامش مکر سکوب شمسی ماند زیرا استناره جسمی که رؤیتش مراد است درین مکر سکوب بواسطه ضیای ذاتی آفتاب می شود نه بواسطه ضیای ظلی درین سنه کارخانه های ریخته گری آهن در انکلتزه بوجود آمد » »
- اختراع شیشه لید و مخترع آن مو شینبر دک و کو نیوس اند این شیشه در قریه لید اختراع و بنام آن منسوب گردید — ۱۷۴۷ » »
- تقسیم کردن متخصصین جغرافیا ؛ زمین را باراضی اولیه و ثانیه و ثالثیه و غیره — ۱۷۵۰ » »
- اختراع آله بر قگیر و مخترعش فرانکلن امریکائی است — ۱۷۵۲ یا ۱۷۵۳ » »
- اختراع ماشین خیاطی در بلاد انگلیس — ۱۷۵۵ » »
- تاسیس مکتب کوروکر و گنگک در پاریس - بعدها در سائر ممالک اروپا ترویج یافت ۱۷۶۰ » »
- درین مکاتب کوروکر را خواندن و نوشتن و ریاضی یاد میدهند — ۱۸۶۴ » »
- اختراع ماشین رشتن و مخترع آنها رگر بوزنام انگلیسی است ۱۷۶۵ » »
- اختراع انجن بخاری روات انگلیسی مخترع آن بوده
- اکتشاف آیدروژن و آنرا کاویدلس داکتر انگلیسی کشف نمود. بعدها ماگیر معلم ترکیب آب را از اکسیژن و آیدروژن دریافت و ازین دو عنصر آب بوجود آورد. » »
- ازان بعبه بوزییه فرانسوی دانشمند معروف ظهور کرد و در تحلیل و ترکیب ثانوی آب معارف صحیحی بیادگار گذاشت و آن معارف سبب تولد کیمیا ی غازیه گردید — ۱۷۶۶ » »
- آغاز کشتنندی پنبه در بلاد امریک - ۱۷۶۹ » »
- بنای شفاخانه ایتام در مسکو — ۱۷۷۰ » »
- معرفت نایتروژن مکتشف آن داکتر روسفورد است — ۱۷۷۲ » »
- ظهور فن تنویم مسمر نام داکتر المانی بکشف آن پرداخت - و همدرین سنه بشنل نام امریکائی تاریخ نوی تحت البحری را اختراع نمود ۱۷۷۶ » »
- اکتشاف اورانوس و آنرا هرشل انگلیسی کشف نمود بعدها دیگر سیارات جدید هم کشف گردید هرشل در تلسکوب نیز اصلاحاتی نموده — ۱۷۸۱ » »
- اختراع بالون — ۱۷۸۳ » »
- اختراع ماشین بخار برای نساجی کارت رایت نام انگلیس آنرا اختراع نمود ۱۷۸۵ » »
- ایجاد ماشین میخ سازی موجدش پرکنیز امریکائی است و درین سنه فج امریکائی کشتی بخاری ایجاد کرد. و فولتن نام شخصی دیگر از امریکا در ۱۷۹۳ کشتی بخاری دیگری بمیدان کشید. ۱۷۸۷ » »
- ایجاد مطبع میکانیکی که خود بخود طبع میکند و موجد آن نیکولسون انگلیسی است. ۱۷۹۰ و همدرین سنه مردوک انگلیسی غاز را برای تنویرات استعمال کرد. ایجاد ماشین پنبه که پنبه را از پنبه دانه جدا » »

۱۷۹۳ ب م

میکند موجد آن وینتی امریکائی است

اختراع بطاریه برقی (بتری برقی) که درگداز و تلگراف کهربائی استعمال می شود، مخترع آن

» » ۱۸۰۰

ولتای اطلالی است در ۱۸۹۴ و برخی گویند اختراعش را در

» » ۱۷۹۷

اختراع ماشین شانه کردن پشم و پنبه ویت مور امریکائی موجد است —

اختراع مطبوعه سنگی لوئیس سنفلدر برای الانی آنرا اختراع کرده و درین قرن سو سو ر که

در علم کائنات جو اولین شخصی ست آلات مقیاس رطوبت را اختراع و در خصوص شبنم، باران و برف

» » ۱۷۹۹

اظهار افکار صحیحی نموده و در سنه (۱۸۰۰ ب م) مرد —

» » ۱۸۰۰

آبله کوبی چیچک از گاو مخترع آن وارد گزر نام انگلیسی است —

ایجاد ماشین میکانیکی بافت که بدون معاونت دست خود بخود بافت قماش می کند مخترع آن

» » ۱۸۰۱

جاکر نام فرانسوی است —

درین سنه بیاضی نام شخصی سیاره دیگری را کشف نمود و نام آنرا (سریس) گذاشت . درین

قرن کولونب نام شخص دیگری که مشغول تجارب مقناطیسی بود و اظهار نمود که معادن

دیگری هم قابل آنست که مقناطیس شود و وجود عنصر متحد و خفی حرارت را معین ساخت که

استال نام شخصی یکقرن پیش ازان بحث کرده و آنرا عنصر زبانه نام نهاد . بعدها مشیل نام

شخص سومی تشعشع آنرا بر خط مستقیم و انعکاسش از سطح آئینه معدنی و انحصارش در یک نقطه

و قتیکه آئینه مقعر باشد . ثبوت کرد . درین قرن ناپلیوت بوناپارت مجموع قوانین کوتیشی را

وضع و اغلب دول اروپا آنرا دستور العمل ساختند خصوصاً در امور تجارتی اکتشاف سیاره سوم

(پلاس) که اولبرس نام شخصی کشف آن نمود و دو سال بعد عالم فلکی دیگری که هارونک نام داشت

سیاره چهارمی را کشف کرد و نامش دسته گذاشت ازان بیعد عده ستارگان مکتشفه از (۱۲۰)

» » ۱۸۰۲

تجاوز نمود و در قدیم یکی از آنها هم معروف نبوده —

» » ۱۸۰۴

ساخت حوضهای کهربائی و چنانکه در سابق ذکر یافت کرویکس ها نکس بساختن آن پرداخته —

» » ۱۸۰۷

ظهور نخستین جهاز بحری که از نیویارک تا فیلادلفیا در بلاد امریکا سفر کرد —

» » ۱۸۱۴

استعمال شکنجه های بخاری —

اختراع سینتوگراف (مخفف نویسی) را مری نام هولاندی نموده . درین سنه چراغ گاز در لندن

» » ۱۸۱۶

پیدا شد —

و نیز در همین سنه ۱۸۱۶ لای نیک فرانسوی ستاتلسکوب آله معاینه امراض را اختراع نمود .

اختراع ایلکترو دینامیک که فرعی است از علم طبیعی و حوادث صادره از تفاعل کهربائی و مقناطیسی

» » ۱۸۲۰

از آن معلوم می شود . مخترع آن ارستیدت معلم طبیعی است که از قصبه کرینهاکن بوده از بلاد اسوج —

» » ۱۸۲۱

ظهور کهربائیت بواسطه حرارت و آنرا سیبیک معلم کشف نمود —

» » ۱۸۲۲

خواندن شمیولیون فرانسوی خط هیر و غلیفی را که خط قدیم مصر است —

فهرست اجسامی که از جو سقوط یافته از قبیل سنگ و آهن و غبار و غیره . اریو فرانسوی متخصص

طبیعی ترتیب این فهرست را از سنه (۱۴۷۸) قبل المیلاد تا (۱۸۲۴) بعد المیلاد گرفت و عده آن

را زیاده بر (۲۵۰) شمر دولی در صحت آن بعضی انکار نموده بدلیل آنکه در ظرف (۳۰)

» » ۱۸۲۴

سال بعد از (۱۸۲۴) بیش از (۵۰) نوبت سقوط روی داده —

» » ۱۸۲۸

اختراع مقناطیس برقی و هنری نام امریکائی آنرا اختراع نموده —

- اختراع راه آهن و آنرا جارج و روبرت سټيفانسون انگلتره اختراع نمود و اولین سفر آن از لیورپول تا مانچستر بوده —
- ۱۸۲۹ ب م
- اختراع ماشین خیاطی و مخترعش نمونبای فرانسوی است . و درین سنه فلتر (آله تقطیر مائعات) را سمن انگلیسی اختراع نمود . —
- ۱۸۳۰ » »
- اختراع کوکرد فاسفور منداول امروزه را شاربای فرانسوی اختراع نموده —
- ۱۸۳۱ » »
- و همدرین سنه سوواتر نام فرانسوی اختراع پروانه را در جهاز بحری نمود . وی ینک نام شخص سوی از امریکا ماشین کپل یرائی را برای کوریه نمودن گیاه ایجاد کرد .
- ۱۸۳۳ » »
- اختراع ماشین درو و مخترع آن شنبلی هسی نام امریکائی است —
- ۱۸۳۵ » »
- اختراع تفنگچه چرخدار کولت امریکائی مخترع آن است —
- اختراع ماشین از مور امریکائی است و درین سنه تلگراف سیمدار برق را (ویتستون)
- ۱۸۳۶ » »
- انگلیسی اختراع نمود .
- ویش از آن مورس نام امریکائی در ۱۸۳۲ تلگراف سیمدار برق را باصول دیگری اختراع نموده بود .
- اختراع سیتربوسکوب (دوربین دو چشمه) برای تفرج و مخترع آن و استون انگلیسی است — ۱۸۳۸ » »
- اختراع ساعتی برق و آنرا ستاینهل نام شخصی از مونیخ مرکز باویریا اختراع نمود و بعد از یکسال و استون اصلاحش کرد . و درین سنه (رابر) پنجه را کودیر نام امریکائی —
- ۱۸۳۹ » »
- و فن عکاسی را کورنلیس فرانسوی اختراع نمود —
- و همدرین اوقات یوسف یسغوریانای فرانسوی فوتوگراف را اختراع نمود و از سنه ۱۸۱۳ ابتدا کرده بعدها با اشتراک دیوگر باریسی در سنه ۱۸۳۹ انجام نمود و درین سنه فوکس سالبوت انگلیسی صورت کشی را بر ورق اختراع کرد و در سنه ۱۸۴۵ مشهور شد و نیز انتظامات شیره و اصلاحات ملکی و عسکری و تاسیس مدارس رشدی در ممالک ترک وضع گردید .
- عمل آله ذنب برای واپورها و آنرا اریکسون مهندس اسوجی در هنگام اقامت در ممالک متحده امریکا اختراع نمود ویش ازودوکی نام فرانسوی (سنه ۱۷۲۷) فکری درین باب کرده بود — ۱۸۴۴ » »
- تلگراف بری درین سنه امتداد یافته .
- اختراع سمیت - جانسن انگلیسی مخترع آنست — ۱۸۴۵ » »
- و درین سنه تابر را بری برای عراده تلمین امریکائی اختراع نموده .
- اختراع ترباین و مخترع آن فرانس امریکائی است — ۱۸۴۹ » »
- امتداد تلگراف بحری — ۱۸۵۰ » »
- (لو موکوتیف برق) را وائل امریکائی اختراع نمود — ۱۸۵۱ » »
- اختراع کائروس کوب آله که توازن جهازهای طیاره و غیره را نگه میدارد .
- مخترع آن فوکانت فرانسوی است . — ۱۸۵۲ » »
- اختراع دوبلکس تلگرافی که در یک آن ازد و طرف مخابره میکند مخترع آن کنتی آسترلیائی است — ۱۸۵۳ » »
- ترکیب فولاد از چودن و آنرا بسمر انگلیسی ترکیب نمود . همدرین سنه رنگهای مصنوعی

- اختراع گوید — ۱۸۵۶ ب م
- اکتشاف پترول — ۱۸۵۸ » »
- اختراع داینامو مخترع آن مایچی نوتی ایتالوی است — ۱۸۶۰ » »
- اختراع توپ ماشیندار مخترع آن کیت لینک امریکائی است. و درین سنه کوره برق اختراع گردید. و نیز تصویر متحرک را که نوعی از سینما است سلس امریکائی اختراع نمود — ۱۸۶۱ » »
- اختراع ماشین تایپ و مخترع آن سولرز امریکائی است. و درین سنه داینامیت را نوبل نام سویدی اختراع نمود — ۱۸۶۷ » »
- آغاز سفر در خلیجی که دولت ترك حفر نمود و باهتام دولیس فرانسوی انجام یافت. این خلیج بحر ایض را با بحر احمر اتصال داده و بواسطه آن آسیا از افریقا جدا گردیده — ۱۸۶۹ » »
- اختراع سلولائید. مخترع آن هایت امریکائی است — ۱۸۷۰ » »
- ایجاد تلگراف خود نویس و موجد آن تامسن انگلیسی است. و درین سنه ادیسن دانشمند امریکائی تلگراف (گوردرو پلکس) را که بایک سیم در یک وقت چهار نفر با هم مخا بره میکنند. ایجاد نمود — ۱۸۷۴ » »
- ایجاد تلفون (بیل) امریکائی موجد آنست — ۱۸۷۶ » »
- ایجاد فونوگراف و موجد آن ادیسن امریکائی است. و درین سنه پیوند کردن فلز را بواسطه برق تاسن امریکائی بروی کار آورد. و انجن احتراق داخلی را اتوی المانی اختراع کرد — ۱۸۷۷ » »
- گروپ برق اختراع ادیسن مذکور است. ۱۸۷۸ اختراع قوس برق مخترع آن برتس امریکائی است و درین سنه موتر پترول را شیلان امریکائی اختراع کرد — ۱۸۷۹ » »
- ماشین قیماغ را دولوال سویدی اختراع نموده — ۱۸۸۰ » »
- ایجاد ابریشم مصنوعی (سند) مخترع آن شوان انگلیسی است — ۱۸۸۳ » »
- ایجاد ترمان بخاری. مخترع آن مارشز انگلیسی است و درین سنه دباغت چرم را شولیز امریکائی اختراع نمود — ۱۸۸۴ » »
- اختراع باروت بی دود. مخترع دی ایل فرانسوی است — ۱۸۸۶ » »
- اختراع ماشین حروف چینی و مخترع آن لینس تن امریکائی است — ۱۸۸۷ » »
- اختراع ماشین حساب. مخترع بروز امریکائی. و درین سنه فلم عکس را گدوايست ون نام امریکائی ایجاد کرد — ۱۸۸۸ » »
- ایجاد سینما و موجد آن ادیسن امریکائی است — ۱۸۹۳ » »
- ایجاد تلگراف بی سیم. موجد آن پریس انگلیسی است. و یکسال بعد مارکونی نام ایطالوی نیز با ایجاد آن باصول دیگر موفق شد. و نیز در سنه ۱۸۹۵ کسریز (اشعه رونتجن) رونتکن المانی کشف — ۱۸۹۵ » »
- نموداختراع انجن دیزل، مخترع آن دیزل المانی است — ۱۹۰۰ » »
- اختراع رادیو. مخترع ستبل فیل امریکائی است. و درین سنه کورت المانی در نقل عکس بواسطه تلگراف سیمدار موفق گردید — ۱۹۰۲ » »
- ایجاد طیاره. برادران ریت امریکائی اختراع آن نموده اند — ۱۹۰۳ » »
- اختراع چراغ (گروپ) رادیو و مخترع آن دی فارست امریکائی است — ۱۹۰۷ » »
- اخذ نایتروجن از هوا — ۱۹۱۳ » »
- ایجاد طیاره هلبوکاپ تر. موجد آن بری ن انگلیسی است — ۱۹۱۶ » »
- اختراع طیاره آتوگرو (خود گرد) مخترع سیروای امریکائی است — ۱۹۲۰ » »
- اختراع تیلن ویزیون. مخترع آن بی ارد امریکائی است — ۱۹۲۶ » »

مبدأ ظهور کاغذ

اگر در اواسط قرن پانزده حینیکه (گیوتامبرگ) Gutemberg المانی (تیپوگرافی) یعنی سیستم چھاپ حروف متحرک را ایجاد کرده بود غیر از کاغذ های خانبالغ یوستی، کاغذ های پارچه وجود نداشت تا حروف متحرک روی صفحات آنها گردش کنند، گاهی چھاپخانه و امور مربوطه آن انبساط و توسعه حاصل کرده نمیتوانست ایجاد حروف متحرک چھاپ موارد استعمال پیدا کرده رواج و عمومیت کلی بخود گرفت. پس چون رول کاغذ در مدنیت مغرب خواص عمده پیدا کرد لازم دیدیم اوراق تاریخ عمومی مدنیت را ورق گردانی نموده تجسس کنیم درچه عصری کاغذ وارد اروپا شده، چطور استعمال آن در اکناف یورپ رواج یافته و اولین موارد استعمال آن چه ها بوده.

اسم کاغذ که بزبان فرانسه (پاپیه) Papier میباشد از کلمه لاتینی (پاپی روس) Papyrus استخراج شده، لیکن اصلاً به موادی اطلاق می شد که غیر از مغز نبات (پاپی روس) که مصریان از آن کاغذ درست میکردند مواد دیگری بود. اصول ساختمان آن عبارت ازین بود که ابتدا از مواد مذکور ورقه ها درست کرده افقاً روی هم میگذاشتند، بعد يك يك سطوح مذکور را مرطوب کرده بالنکرفشار داده هموار می نمودند و بالاخره در آفتاب خشک میکردند.

در قرون وسطی بعضی اوقات همین اسم (پاپی روس) را به (پاپیه) یعنی کاغذ های پارچه اطلاق میکردند، بعضی مولفین در آثار خرد (پاپی رو) (Papiro) و (پاپی را) (Papira) نیز ذکر کرده اند. حتی در يك جائی (شار تابومی سینا) (Charta Bombicina) که آنرا نه (کاغذ ابریشم) بلکه کاغذ که از شهر بامبیکس (Bambyse) قریب الپ آمده باشد میتوان ترجمه کرد و هم اسم برده شده (شارتا کوتی نیا) (Charta Cuttunéa) که کاغذ پارچه ای میتوان نامید هم وجود داشت. کاغذ آخر الذکر که در اغلب مضامین ازان اسم برده شده غیر مواد (پاپی روس) که عبارت از الیاف نباتات بوده و بعد از مدتی خم و شکست پیدا میکرد یکنوع خمیره بود که آنرا بطریق ذیل تهیه میکردند: ابتدا پارچه های

تکه تکه کهنه را جمع کرده در آب تر میگرداند بعد توسط چکش های چوبی یا دندانهای چکش نمای چرخشی که بشکل پرّه آسیاب بود و اصلاً آنرا آسیاب هم می نامیدند و بکمک آب حرکت میکرد پارچه های بوسیده را لت مینمودند. در نتیجه تحلیل اجزای پارچه خمیره بدست میآمد که کاغذ های پارچه معموله قرون وسطی را از آن درست میکردند. پارچه های که در ساختمان این نوع کاغذ ها بکار رفته اند اصلاً خوب معلوم نیست و حالا تمیز داده نمی شود که کدام کاغذ پارچه و کدام پنبه ای میباشد، لیکن از روی تجزیه میکروسکوپی یکی از اوراق قدیمه اینقدر معلوم میشود که از پارچه کتان و شاهدانه ساخته شده اند.

در میان اقوام قبل از همه چینائی ها بکار افتاده اند تا این نوع کاغذ را درست کنند و از روی روایاتی که عموماً طرف قبول افتاده معلوم می شود اول کسی که اصول فوق را اختراع کرده است (تسای لون) (Tsai-Loun) چینائی بوده که در قرن اول بعد از مسیح به ایجاد آن نائل شده است و بعد از ساکنین (لی یانگ) (Lei-Yang) ایالت «هونگ - چه او» (Hung Tchéou) ولایت هونان (Hounan) بشمال «کانتن» (Cantan) بوده است. - این کاغذ مدت چند قری از چین خارج نشده بود تا اینکه در جنگ شاهزاده گان ساسانی بر چین غلبه یافته کاغذ را برای اولین دفعه در ۷۵۱ مسیحی به ایران آوردند بعد يك فريك مهم کاغذ سازی در سمرقند تاسیس گردید و این صنعت جدید بقرار شهادت «طالبی» نویسنده قرن یازده شهرت خوبی پیدا کرده. بود از سمرقند کاغذ به سرعت تمام در تمام عالم اسلام انتشار یافت زیرا بقرار اظهارات رشیدالدین در ۷۹۴ یعنی تقریباً نیم قرن بعد بازار کاغذ فروشی در بغداد تشکیل شده بود چنانچه بعضی نمونه های این کاغذ ها که عبارت از نوشتجات قلمی عربی و يك ورق حل مسائل ریاضی است (فعلاً در موزیم ملی پاریس موجود است) که در سنه ۹۷۰ بعد از مسیح در شیراز نوشته شده است. در بریتش موزیم انگلستان نیز همعصر این قبیل اسناد تاریخی وجود دارد.

در طی قرن نهم و دهم با وجودیکه (پاپی روس) یعنی قرار تعبیر عبداللطیف عربی در اکثر بغداد که در کتاب مسافرت تحریری قرن ۱۲ خویش آنرا (کاغذ گیاه مصری) ترجمه کرده است در مصر موجود بود اعراب دمشق کاغذ پارچه ای را وارد قاهره و اسکندریه نمودند. کاغذ (پارچه های کهنه) که بر طبق اصول چینائی ها ساخته می شد توسط اعراب در «تری پولی» (Tripoli) و شام و بعد در اسپانیا و جاتی و (Jativa) منتشر گردید.

طرز ساختمان کاغذ وارد (کوردو) (۱) (Cordou) مرکز خلافت اسلام در اسپانیا گردیده از آنجا به اروپای مسیحی منشعب گشت یهودیان اسپانیا برای اولین دفعه در قرن ۱۲ اسباب کاغذ سازی مغرب زمین را ایجاد کردند کشیش آنوقت (کلنی) (Cluny) که موسوم به «پیغ موغیس» (Pierre Maurice) بود و معمولاً او را «پیغ» متبرک می‌گفتند (۱۱۵۷ - ۱۰۹۴) در طی زیارتی از اسپانیا بعضی حصص مضامین معاهده (Talmud) (تلمود) را بر اوراق پارچه ثبت یافت زیرا در کتب موسوم به (معاهدات برعلیه یهودیان) مرقوم است که مواد اوراق (تلمود) * پارچه های کهنه و یا کدام شی پست تر دیگری * میباشد. لیکن کشیش مذکور عقیده خود را نسبت به مواد مذکور تغیر داده بود و آنهم یسانها معلوم شد که از نقطه نظر پروپاگند های مذهبی بوده است.

بعد از اخراج مورها (اعراب) از اسپانیا شاهان «اراگون» (۲) (Aragon) اسباب کاغذ سازی یهودیان را وسیله خوبی برای جلب عایدات در مملکت خویش یافته بعضی فرامینی که مخصوصاً در آن قطار فرمان ۸ فوریه ۱۲۷۳ جیم اول (Jaime. I) را میتوان حساب کرد نسبت بمالیات بندی آسیاب های آنها صادر کردند. چنانچه در اسناد قدیمه تاج «اراگون» در «برسلون» دقیقاً نوعیت این مالیاتهای شاهی مذکور است.

این فابریک های کاغذ سازی یهودیان در «اکراتی و» Xatua یا (ژاتی و) (۳) قریب «والانس» در قرن ۱۲ شهرت بسزا داشته و از طرف مسافرین با تمجید و ستایش زیاد یاد میشد چنانچه ادریسی در کتاب تعریفات اسپانیا اشاره بآنها نموده است بعدها در اثر زجر و تصدیعی که به یهودیان میرسانیدند فابریکهای فوق به شهرهای دیگر نیز انتقال یافت چنانچه یهودیان ابتدا بطرف شمال اسپانیا مهاجرت نموده ابتدا صنعت خود را در شهر «ژغن» Jérone و از آنجا بخاک فرانسه انتقال داده در شهر ناربن Nerbune (۴) و «پرنان» Perpignan (۵) و Montpellier (من پولیه) (۶) برقرار نمودند. در اواخر قرن ۱۳ آسیابهای کاغذ سازی در بین قسمت ها و حتی قسمت های شمالی و در (شامپانی) نیز تاسیس

(۱) شهری است در اسپانیا که مرکز خلافت خاندان بنی امیه بود و در آن آثار عمرانات و مساجد بزرگ اسلام معمور بوده.

(۲) حصه شمال شرقی اسپانیا میباشد که بسه ولایت تقسیم شده بود و پایتخت آن (دساراگس) بوده است و مدت مدیدی در قرون وسطی مملکت مستقلی بود. (۳) شهری است در ایالت (والانس) اسپانیا. (۴ - ۵ - ۶) شهرهای جنوبی فرانسه که قریب سرحدات اسپانیا واقع اند.

گردید. بعد از اینکه یهودیان دسته های زیاد کاغذ را به فرانسه و آلمان و ایتالیا وارد کردند اسبابهای دیگری در (تروایز) Teoyes (۱) و «نورامبرگ» Nuremberg (۲) و مخصوصاً در «فابریانو» Fabriano (۳) که در آنجا به بعضی مراتب اکمال هم نائل گشت تاسیس گردید. طوریکه کاغذ خانباغ پوستی در قرن ۸ مقام پاپی روس را گرفته بود کاغذ پارچه نتوانست به آن سرعت جا نشین کاغذ پوستی گردد زیرا کاغذ اخیرالذکر ویای این نوع اوراق چرمی که انرا پرگامنا Pergamena نیز میگفتند و در شهر «پرگام» بایوست بز و گوسفند که بمالش سنگ صیقل میکردند ساخته شده بود بواسطه دوام و صفت کلفتی خود مورد دقت عموم شده بود.

امپراطور آلمان فریدریک دوم (Frederic II) پادشاه سیسیل (۱۲۵۰ - ۱۱۸۴) استعمال کاغذ پارچه را بجهت عدم دوا مش قدغن نمود لکن آلفونس پادشاه بصیر «کاستیل» (۱۲۵۴ - ۱۲۸۴) در استعمال هر دو نوع کاغذ احکامی صادر کرد که کاغذ پوستی مخصوص امور مهمه کاغذهای پارچه ای برای سائر چیزها استعمال شود با وجودیکه کاغذ پارچه ای ضدیت های سلاطین را نسبت به تعمیم خود متحسس شد معذالک در اثر صفاتی که در وجود او مضمحل است سدا ید و آورده را بر طرف کرده جانشین کاغذ پوستی گردید - در میان قدیم ترین اسناد اروپائی که روی صفحات کاغذ پارچه نوشته شده میتوان نوشتجات قلمی لاتین را که از دیر «سیلوس» اسپانیا قریب «بورگس» بدست آمده متذکر شد. یکی از آن اسناد عبارت از کتاب Glassairelatiu میباشد که زیاده از دوصد صفحه دارد بعضی صفحات آن در اوراق پوستی پیچیده شده اند در اثر تجزیه واضح نمودند که کاغذ کتاب مذکور از الیاف کتان خیلی تحلیل شده ساخته شده و اوراق آن با صمغ سرش گردیده است در هر دو طرف صفحات آن بازبان «ویزیگوتی» Wisigothique تحریر شده و از روی آن می شود تاریخش را به قرن ۱۲ موکول ساخت.

غیر از کتاب مذکور اسناد دیگری نیز از یاد کارهای آن عصر موجود است چنانچه در میان اسناد قدیمه «باسلون» معاهده آلفونس شاه بصیر «کاستیل» روی کاغذ پارچه ای موسوم به

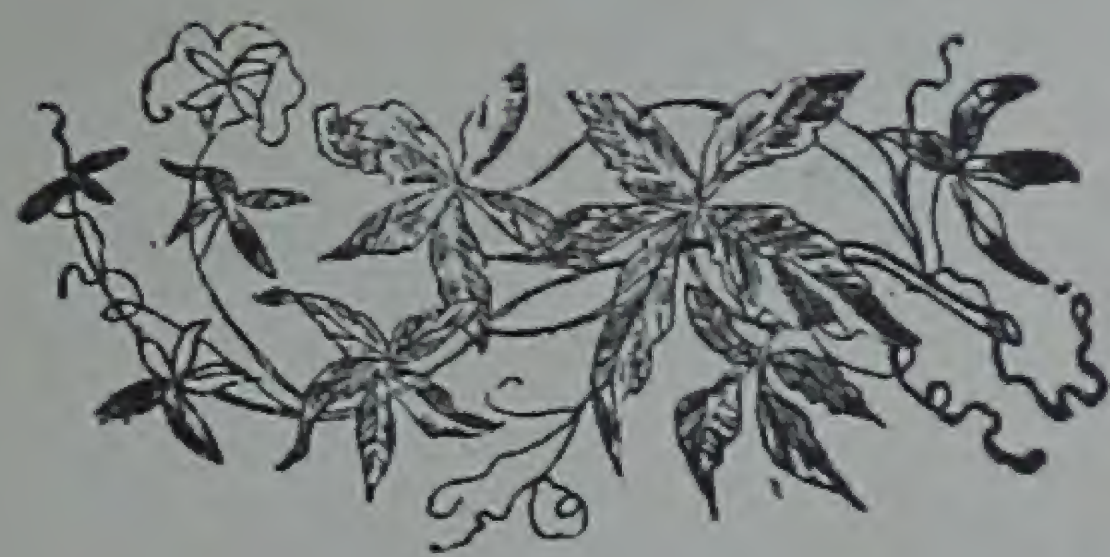
(۱) شهر شمال شرق فرانسه.

(۲) شهر آلمان (۳) شهر ایتالیا.

شارتا کمیونی Chartacamm unis موجود است و علاوه بر آن در کتابخانه « اسکوریال » ترجمه کتاب ارسطو از زبان لاتینی نیز وجود دارد .

درین عصر هنوز هم کاغذ نسبتاً قیمت بلندی داشت تا اینکه مود عمومی البسه نخی لباسهای پشمی را ازین برده برای صنعت کاغذ سازی زمینه ترقی را وسیع ساخت بلی پارچه های کهنه البسه جات برای ساختمان کاغذ کمک زیادی کرد و در نتیجه قیمت کاغذ پارچه ای نسبت بکاغذ پوستی تنزل نمود .

در آن فرصتی که راهبین صفحات کاغذ پوستی را ناخن زده تراش میکردند و کاپی نوشته جات قلمی نویسندگان قدیم را شسته برای احتیاج خود صفحات سفید آماده میکردند اگر کاغذ پارچه ای بنوبه خود ظهور نمیکرد و صفحات سفیدش را برای مضامین محتاجان و شائعات مختلفه تقدیم نمیکرد شاهکارهای ادبی قدما همه ازین میرفت . پس رول کاغذ چه از نقطه نظر تاریخ تجارتی و تخنیکی و چه از روی انبساط مدنیت فوق العاده قابل ملاحظه است .



اختراعات

گلوله سوراخ کننده زره پوش

سرا برتها وفلید صاحب موسسه اسلحه سازی در شهر شفیلد (انگلستان) را جم به اختراع مری فوق العاده عجیبی که موترهای زره پوش را سوراخ می کند توضیحاتی داده چنین گفت :
يك مری که قطر آن ۳۷ و نیم سانتی بود به يك تخته فولادی كه مخصوصاً بغرض حفاظت تانك ثقیل و جهازات زره پوش جنگی ساخته شده بود و در ستبری ۳۷ و نیم سانتی بود فیر شد گلوله مذکور بدون اینکه بشکند صفحه فولادی را سوراخ و تکه را از آن جدا ساخت که وزن آن ۳۲۰ کیلو گرام بود .
سرعت سیر آن بقدری بود که پس از عبور از صفحه فولادی ۹۰ میل دور تر افتاد و باندازه کم آسیب بگلوله رسیده بود که ممکن بود مجدداً آن را استعمال نمود .

اختراع آله عکاسی جدید

یکی از طیاره های امریکا در این اواخر توانست که از ارتفاع (۲۱) هزار قدم ذریعه دستگاه عکاسی شهر هائی را که در امتداد ۲۵۰ میل باشد از هر طرف عکس بردارد چنانچه سن فرانسیسکو ، و مونت شان را که مسافت بین آنها (۲۵۰) میل است عکس برداری نموده قوه این دستگاه عکاسی اشعه نوری است که ماوراء سرخ است و آن دقیق ترین دستگاه عکاسی است که علم توانسته اخیراً آن را اختراع نماید و از وی اینگونه کارهای حیرت آور را استفاده کند .

برای مبارزه با یخهای شمالی

چیشریکف مهندس شوروی اختراعی کرده که برای تسلط طرق بحری شمالی اهمیت زیادی دارد . اختراع مزبور عبارت از دست گاهی است که با سرعت زیادی آب می پراند لوله آب که با سرعت ۶۰ الی ۹۰ متر در ثانیه سیر میکند هر آنچه که بر سر راه باشد حتی جسم های سنگی را هم خورد میکند استعمال این دستگاه در کشتی های یخ شکن تسهیلات زیادی برای پیشرفت کار یخ شکن ها فراهم می آورد .

مخلوط فلز جدید

یکی از علمای شیمیای مخلوط جدیدی تهیه نموده که از فلزات مخصوصه است و صد يك آن مس میباشد این مخلوط دارای خاصیت مخصوصی است که ابداً زنگ نمی زند ، و مانند آینه صاف و صیقلی میگردد ، و ممکن است آن را بواسطه حرارت کمی نرم نموده و موقعیکه سرد شد مانند فولاد محکم میگردد .

رادیوی تحت البحری

دو مهندس فرانسوی دستگاه بی سیمی اختراع نموده اند که بواسطه آن ممکن است با تحت البحری ها در اعماق دریا مکالمه کنند این اختراع تحت تجربیات زیادی درآمده و موفقیت کامل از آن دیده شده و بنا برین ممکن است بین تحت البحری ها که در دریا مشغول شنا هستند با سایر کشتی های روی دریا و غیره هم صحبت گردد.

جاروب میکانیکی

در خیابانهای پاریس جاروبهای میکانیکی موسوم به عرادهای دستی با چهار چرخه اطفال که بدست می برند بکار انداخته اند که در بین دستگاه چرخشی اسطوانه ایست که بقوت تمام از طرف خود گردیده و خیابانها را به کمال خوبی نظیف مینماید.

آدم مصنوعی

تنها احتیاج، محرك ایجاد نیست بلکه يك قوه ابداع و ابتکار در انسان موجود است که او را به ایجاد انگشت های از فولاد موفق نموده است که پارچه لطیفی را چنان محکم بیافد که انگشت بشر قادر به چوبه عملی نباشد و همین قوه ابداع است که اکنون جای گزین تمام اعضای و عضلات فعاله بشری گردیده و به استعانت و قوه الکتریکی تمام کارهای که انسان انجام میدهد، بهتر و دقیق تر انجام دهد این آدم مصنوعی با شکل مختلفه ساخته شده بعضی از آنها صورت شخص باهیکل کامل میباشد که بنام (روبو) نامیده شده و بجای (مترسک) که مادر مزارع و فالیز های خود نصب میکنند آنها او را در باغها و مزارع و تاکستانها و نارنجستانهای خود برای ترساندن وحوش و غیره نصب مینمایند و بسیاری از کارهای انسان را «روبو» یا «مترسک» میکانیکی (همین طور باید آنرا نامید) انجام میدهد. در فلورید شخصی است که دارای چشمهای الکتریکی میباشد و انواع فوا که فرضاً سنگتره رسیده را از نارس، و زرد آن را از سبز چنان بخوبی تشخیص داده و بموقع خود دانه دانه بدقت می چیند که اشخاص دیگر با چشمهای عادی قادر به انجام آن عمل نیستند، در بعضی از کارخانه های بزرگ شخصی است که همیشه در آتشخانه ذغال سنگ کارخانه چشم دوخته که همیشه میزان فروزش آتش را بیک حال نگاه دارد، این آدم مصنوعی هیچ وقت ازین کار خسته نشده آتش را بیک میزان معین مراقبت کرده نگاه میدارد و از رنگ لهب فروزان آتش قوه وضعف آنرا تشخیص داده بطوریکه متخصص ترین آتش اندازان، قادر به انجام آن نیستند:

آدم مصنوعی دیگری بشکل دختر ساخته شده (۲۴) ساعت بدون انقطاع با ماشین تحریر کار میکند و احتیاجی بخوردن غذا و استراحت ندارد یکی از کمپانی های تلگراف امریکا این دختر مصنوعی را به ریاست و نظارت (۱۱۰) نفر مستخدمه در کمپانی مزبور گماشته که مراقبت نمایند تا احدی از آنها در انجام وظائف خود تعلل نورزند و این وظیفه را بهتر از رئیس اداره انجام میدهد. از همین قسم آدمهای مصنوعی یا انسان میکانیکی برای پاسبانی هم ساخته اند که تمام شب بیدار و همینکه احساس مینماید دزدی نزدیک شده زنگ اخبار را بصدا درمی آورد یکنوع دیگر آن است که مامور اطفای حریق و آب پاشی است که غالباً در سقف تجارتخانه های بزرگ منصوب و همینقدر که حس میکند در یک گوشه حریق حادث گردیده فوراً آن آدم مصنوعی بهمان نقطه مخصوصی که حریق حادث شده شروع به آب پاشی میکند و همین آدم میکانیکی از باز شدن دهان لوله آب اماکنی را که حریق بآنها سرایت

نکرده است جلوگیری نموده و هم او مامور تلمبه ها بوده موقیقه آب کم است آنها را باز و وقتیکه زیاد است می بندد و در ترکیب و ایجاد این اشخاص میکانیکی طریق تفنن نیز پیموده اند تا جائیکه شخص از شرح و تفصیل آن دچار شگفت و اعجاب میشود، مثلاً جواب تلفون را داده و آنچه به او میگویند به ارباب خود یا تلفون اطلاع میدهد، مهمترین امتیازی که انسان آبی یا آدم مصنوعی (میکانیکی) موثر در زندگی و حیات اجتماعی دارد تحمل او در کار کردن است که چه بدون خستگی اتصالاً قادر است کار کند مثلاً یک نفر کارگر در آتشخانه کارخانه نمی تواند دائماً چشم به آتش دوخته مراقبت نماید زیرا بالاخر حرارت او را اذیت میکند ولی انسان میکانیکی برعکس، این عمل را علی الدوام انجام میدهد علاوه از آن کارگر مزبور هرگاه چشمش در اثر این کار خراب شد صاحب کارخانه مجبور است او را متقاعد و مستمری برای او تعیین کند ولی در استخدام انسان میکانیکی این فکر آتی وجود نخواهد داشت در یکی از کارخانه های نیوجرسی امریکا اعلان الکتریکی بزرگی با مخارج هنگفتی ایجاد گردید موسسه مزبور همیشه از مستخدمی که مامور روشن و خاموش کردن اعلان مزبور بود شکایت داشت زیرا بدقت بموقع خود شاسی های الکتریک را فشار نداده اکنون باین کار گماشتن يك آدم میکانیکی چنان بدقت این عمل انجام می شود که هیچ انسان دقیقی قادر بانجام آن نیست و این دقت عمل او هم بواسطه این است که بمحض افتادن سایه بچشم او متأثر گردیده عمل خود را مرتب انجام میدهد، همچنانکه در موسسات بانکی نیز این عمل انجام شده زیرا بمحض اینکه دزد وارد موسسه گردید و سایه او چشم انسان میکانیکی را در آنجا متأثر کرد فوراً زنگ اخبار بصدا در می آید.

ماشین حساب و باطل نمودن تکت پسته

لارد ملچت در حالیکه نمایش اشیای مجرب تجارت در وائیت سیتی لندن افتتاح نمود در خطبه افتتاحیه خود متعلق سوال خوش بینان اوضاع تجارت آتی را که میگویند عالم امروزه در امور تجارت مجرب تر شده میرود تصریحات داده اظهار نمود: کسانی که طرفدار عقیده مذکور میباشند یقیناً درین نمایش اشیای متعددی را مؤید عقیده خود خواهند یافت چه بعضی لوازم در نمایش جدید از آن قبیل اشیای فراهم گردیده کاریکه قبلاً در چند روز انجام می شد حالا ذریعه آن در يك ساعت ختم شده می تواند بر علاوه آن آنها خواهند دید که بعضی اشیای نایاب نمایش آن کارها را بدون غلطی با نهایت آسانی تکمیل کرده میتواند که تا این وقت محتاج دقت دماغهای عالی عالم انسان بوده، مامورین پسته که شب و روز نقری زیادی را برای باطل ساختن تکت ها و مهر و لاک کردن لفافه ها استخدام و درانت کار آنهاک میورزند، خواهند دید که دماغ انسانی برای آنها چنان آله جدیدی را اختراع نموده که در هر ساعت تقریباً (۱۲) الی (۱۵) هزار تکت را بمعاونت یک نفر باطل ساخته میتواند، این ماشین جدید خیلی قابل تقدیر است چه پول زیادی را استفاده خواهد نمود، چندی قبل دو عدد این ماشین بطور تجربه بکار انداخته شده بود میلیون ها پاکت و مراسلات را در ظرف ۱۵ روز کشیده و تکت آنها را باطل نموده است يك ماشین جدید محاسبه نیز در نمایش مذکور نشان داده شده که بدون غلطی اعداد را شمار مینماید، درین اواخر يك ماشین جدیدی اختراع گردیده که از تایپ معمولی بزرگتر نبوده برای محاسبات دکاندارها خیلی مفید ثابت شده، نمایش مذکور قفل جدیدی را برای دفاتر تهیه نموده که بدون معاونت انسان ظاهر خواهد کرد که بعد از ختم شدن وقت دفتر کدام شخص نزد او آمده بود و تا چقدر وقت آنجا ماند، تایپ

جدیدی نیز اختراع گردیده که بدون معاونت انسان می تواند سواد سه هزار مکتوب را در ظرف یکساعت بردارد علینذا چنان ماشین جدیدی بدست آمده که در هر ساعت ۲۵ هزار ادرس را بر مکاتیب و پاکتها تحریر مینماید.

عکس خود را خود برداشتن

مستر ولیم نار بری، طریقه را ایجاد نموده که مطابق آن هر کس میتواند عکس خود را خودش بردارد. این ایجاد آتقدر سودمند ثابت شده که یکنفر کار را که در لواحق مسکن موجد کار میکرد و موجد اشتباه داشت که مرغهایش را دزدی می کند گرفتار ساخته توانسته است.

بناءً علیه ایجاد مذکور برای دزد های عصر حاضر نیز خطر بزرگی را تولید مینماید چه می تواند عکس آنها را بدون آنکه خبر شوند بردارد قرار ضرب المثل معروف « ضرورت ما در ایجاد است » مستر ولیم نار بری با وجود اشتباه به هیچ طریقه سرب کار را در حین دزدیش گرفته نمی توانست بناءً علیه تا چندی بعد از دقت زیادی به این فکر رسید که طریقه را ایجاد نماید که مطابق آن هرگاه دزدی برای دزدی کردن مرغ های او در مرغانچه بیاید بدون آنکه بداند عکسش برداشته شود چنانچه کیمرای خصوصی را در مرغانچه به این طریق گذاشت که هر کس در مرغانچه داخل شود شتر آن باز گردد بعد از آن آله دیگری را ایجاد نمود که هر وقت سارق روی خود را از دروازه متقابل کیمرای اشکار بسازد کلیک (تک زدن برای گرفتن عکس) را خود بخود به انداختن ممکن ساخته بتواند چنانچه به این ترتیب سرب کار وقتیکه وارد مرغانچه گردید عکسش برداشته شد موجد، عکس را گرفته در محکمه محلی دعوی دایر کرد و عکس را بطور شاهد پیش کرد که در آن مرغ در دست مجرم بود بوقت محکمه قاضی استفسار کرد که عکس مجرم را کدام شخص برداشته است مدعی جواب داد که خود مجرم چنانچه تمام احضار آیین جواب متعیر شدند.

توپ جدید طیاره

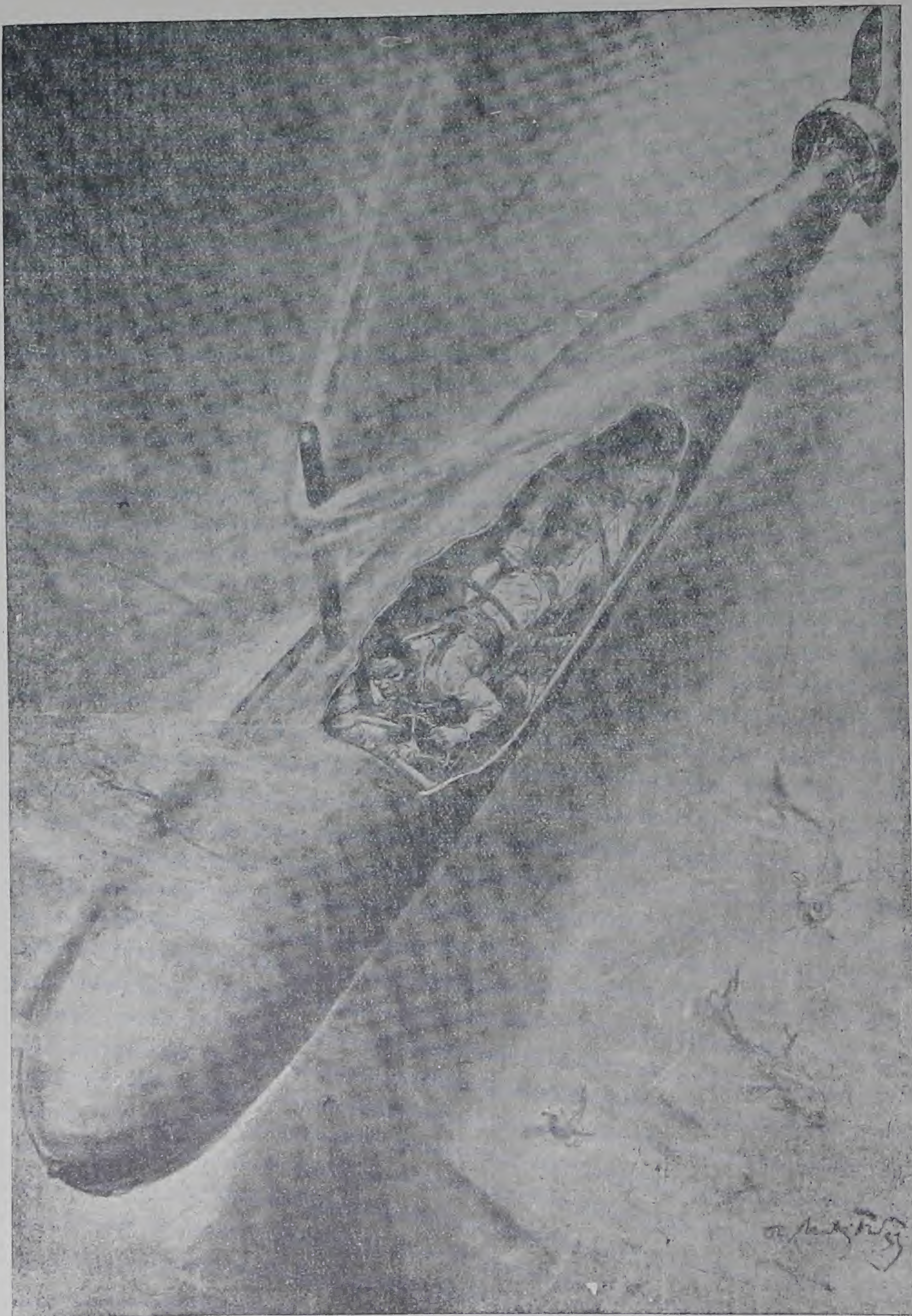
پاریس ه عقب :- قرار اطلاع یکی از جرائد هفته وار پاریس در کارخانه موران سولنریک رقم توپ جدیدی جهت گذاشتن در طیاره ها ساخته شده که تجربه های ابتدائی آن بعمل آمده نتیجه قناعت بخشی داده است وزارت فضائی فرانسه قبلاً نیز ساختن یکنوع توپ جدید را برای طیاره ها به پارلمان فرانسه اطلاع داده بود.

رابر ترکیبی

مؤسسه کیمیاوی لینن گراد راپور موفقیت خود را در باره حصول رابر ترکیبی از انسی بلین به حکومت سویت تقدیم نموده است، شعبه تحقیقات امور کیمیاوی لینن گراد نمونه های متعدده این رابر ترکیبی مؤسسه کیمیاوی لینن گراد را تحت امتحان دقیق خود گذاشته به اثبات رسانید که رابر مؤسسه مذکوره از مواد مختلفه خام ترکیب یافته در بسا امور از رابر اصلی اعلی تر است، شعبه تحقیقات امور کیمیاوی ادعای نماید که مصرف حصول رابر ترکیبی کمتر از رابر اصلی بدست می آید در مستقبل قریبی مؤسسه مذکوره را این اقدام، قابل این امر خواهد ساخت که ذخائر عظیم الشان رابر ترکیبی را حاصل دارد.

تاریپدوی زنده

از خبریکه ماتهازه از توکیو گرفته ایم فابریکات دولتی جاپان بساختن تاریپدوئی قیام نموده اند که از تاریپدوهای



تاریپدوی زنده

عمومی دنیافرق کلی دارد. و تارییدی مذکور از بقرار است که شخص در بین آن جای گرفته می تواند ذریعه سکان بهر طرف میل نماید، درینصورت در صدصدا صالت به جهاز دشمن ممکن است، یعنی چون زمام اداره و حرکت تارییدی و بدست شخص درایور آن است می تواند با اراده و خط حرکت معین خود جهاز دشمن را تعقیب کند.

اگرچه شخصیکه در بین تارییدی و جای دارد حیات خود را فدا مینماید مگر مرگ او البته به ناپود کردن چندین نفر دیگر از طرف دشمن و جهاز دشمن مبادله میگردد که به این وسیله خدمت بزرگی بممکت خود کرده خواهد بود.

در اوایل همین سال وزارت حربیه جایان برای همه کاری دا و طلب خدمت اعلات نمود و چهار صد نفر را خوش برضا دعوت کرد تاجهته تجربه حیات، خود را فدای این خدمت نمایند ولی بالمقابل دعوت دولت یعنی به عوض چهار صد نفر بیج هزار نفر فخری خود شان را بوزارت حربی معرفی نمودند.

توپ جدید

روح سلحشوری انتشار زیادی در جایان مخصوصاً پس از فتوحاتیکه در شرق اقصی نصیب عساکر جایان گردید. پیدا کرده است انظار جایانی ها متوجه شئون نظامی خود گردیده و اصلاح آن مورد کمال توجه قرار گرفته است از طرف دولت جایان اداره تشکیلات خاصی برای مطالعه انواع و اقسام غاز ها و تهیه آن تاسیس گردیده است که متخصصین عالی رتبه شمی در آن عضویت دارند اخیراً یکی از صنعتگران بزرگ جایان اختراع جدیدی نموده و تقدیم وزیر جنگ جایان کرده و اختراع مزبور مورد شگفتی و اعجاب محافل سیاسی و فنی واقع گردیده است این اختراع عبارت از توپ کوچکی است که از حیث وزن (۴۵) کیلوگرام سنگینی آن است و در هر دقیقه ۶۰۰۰ گلوله بدون اینکه صدائی از ان شنیده شود فیر می کند و چیز که در اختراع مزبور مهم است آنکه با نقطه کاری می کند و هیچگونه صدائی ندارد و بدیهی است که استعمال آن در حمله های شبانه مفید و برای پیش قراولی سیاه منتهی درجه مورد استفاده است.

پودر جدید روشنایی انداز

برلین یکی از انجنیرهای المان به اختراع چینیک سفوف نیلی رنگی کامیاب شده که اگر یکمقدار از آن در یک آله مخصوص سوختانده شود ظلمت شب را به روشنی که عیناً مانند روز باشد مبدل می سازد انجنیر مذکور عقیده دارد که ازین پودر میتوان در محارباتی که بهنگام شب واقع شود کار گرفت.

صندوق آهنی جدید

یکی از مهندسين امریکا صندوق آهنی جدیدی را اختراع نموده که وقتی دزد بخواند آنرا باز کند یا بشکند یا از موضعش نقل بدهد غازی از آن بیرون می آید که چشم را کور کرده و حالت شبیه به بیهوشی برای دزد دست میدهد جدیداً چند نفر دزد در صدد بر آمده خواسته اند یکی از بانکهای شکا کوز دست بزنند بمحض اینکه مشغول باز کردن یکی از صنادیق شده غاز مزبور باعث کور شدن چشمهای ایشان گردیده و پولیس رسیده آنها را دستگیر نموده است.

وسیله گرم کردن اطاق

شرکت (وستنهاوس) که بزرگترین کمپانی برقی دنیاست اخیراً طریقه خاصی را برای گرم نمودن منازل و اطاق هابدون دستگاه مخصوص اختراع نموده و این طریقه سری از اسرار صنعت و اختراع است آنچه تصویری رود عمل گرم نمودن را بوسیله روغن مخصوص که بدیوارهای اطاق میالند و مولد حرارت است انجام میدهد و تقلیل و تزئید حرارت حسب اراده شخص است.

گلوله آدم افکن

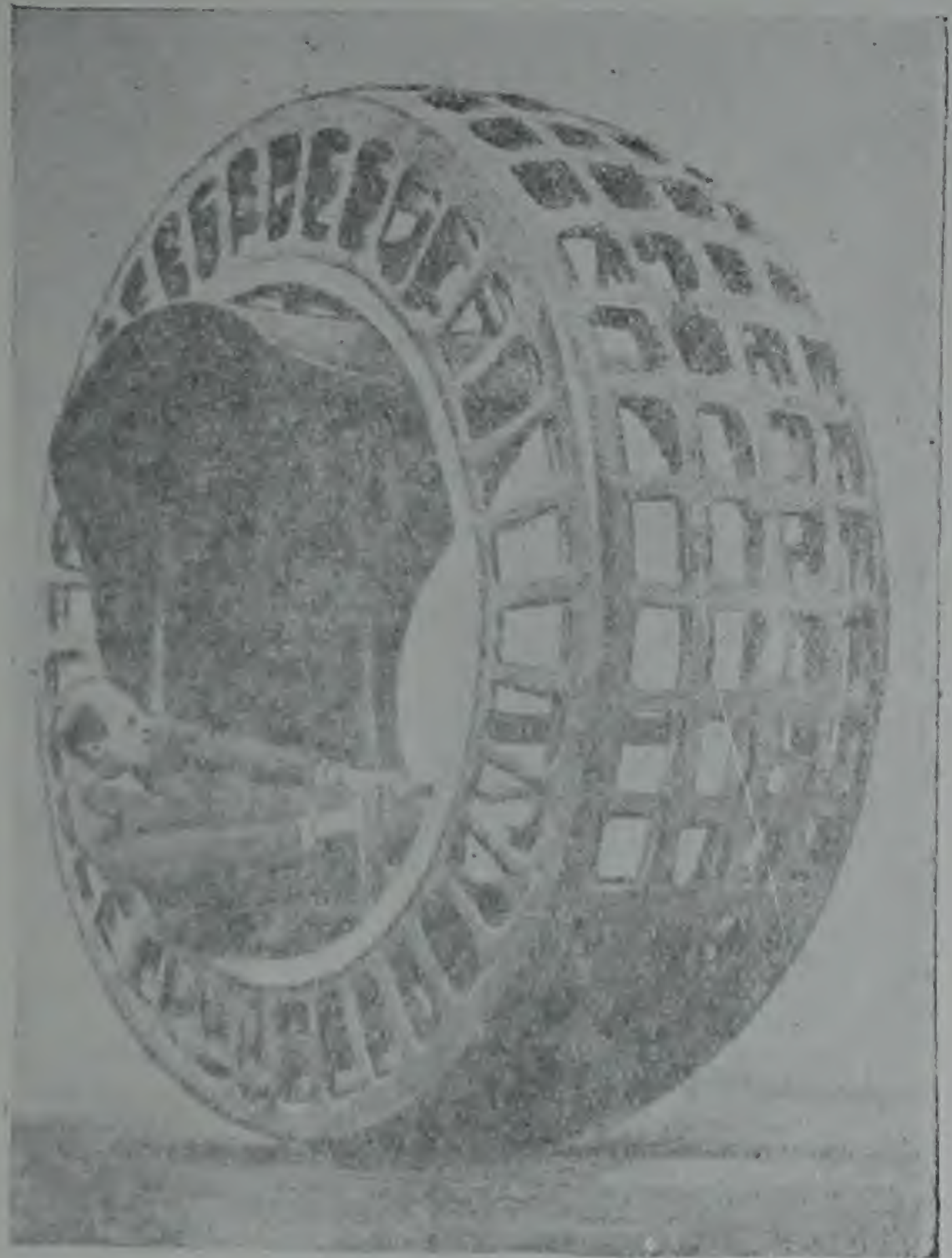
روزنامه (سندی ویفری) از برلین اطلاع گرفته که یکنفر انجیر المانی موسوم به (اوتوفیشر) چنان یک گلوله جدیدی را اختراع کرده است که برای آسان از یک نقطه به نقطه دوری پرتاب شده و سلامت در آنجا میزند. این گلوله یا (فوزه) آدم افکن ۶ متر بلندی دارد و در امتحان اول که در جزیره اوگن صورت گرفت (بروتوفیشر) برادر انجیر مزبور بوسیله آن ۲۰ کیلومتر دور افکنده شده. صحیح و سلامت بر زمین فرود آمده. نامه برده در موقع پائین آمدن گلوله پاراشوتی را که در آن تعبیه شده باز نمود و به این قسم بدون صدمه بر زمین نشست. مدت طیران گلوله (۱۰) دقیقه و ۲۶ ثانیه دوام کرده بود هر دو برادر مزبور بواسطه این اختراع شان که در صورت تکمیل یکروز بهترین وسیله برای رسیدن انسان ها به سیارات خواهد شد از طرف (انجمن اختراعات) المان جوایز بزرگ و نشانهای معتبر حاصل نمودند.

چشم برقی برای کورها

متخصصین علم معالجه انگلستان چنان چشم برقی را برای کورها ایجاد نموده اند که اکثریه از شفاخانه های معالجه چشم آنرا در طرز معالجه خود شامل کرده تا حال یک تعداد زیاد کورها را بینا ساخته اند، یکی از متخصصین علم معالجه چندی قبل بیان نمود که کامیابی چشم برقی ۷۲ فیصد میباشد چنانچه بسیاری از کورها را باین وسیله صحت یاب ساخته است، از سالهای درازی متخصصین معالجه چشم در پی معلومات طرز علاجی بودند که مطابق آن وقتیکه شبکیه (ریتینا) چشم منفصل گردد دوباره بحال اولیه اش آورده شود، شبکیه چشم مانند فلم کیمرا میباشد چنانچه ممکن است در بعضی کوائف از چشم بیفتد، معالجین چشم برای اعاده اوضاع سابق شبکیه چشم دائماً مریض را بر روی می خسانند و تا هفته های زیاد بهمین طریق نگاه میداشتنند تا شبکیه بحالت اولیه خود آمده بتواند، بعضی جراحان پشت چشم را نیز بطریق گوناگون داغ میکردند تا شبکیه آن را دوباره بحالت اصل بیاورند. جراحان عصر جدید طریق معالجه قدیمی را گذاشته برق را در معالجه خود شامل کرده اند؛ درین طرز علاج جریان زبردست برقی استعمال میگردد چنانچه قطب (الیکترود) خصوصی را استعمال نموده نهیج پیدا می کند که باعث اعاده شبکیه میگردد در نتیجه شبکیه دوباره بحالت اول عودت می یابد اگرچه این طرز علاج تا حال از عهده امتحانات خیلی وسیع برآمده نتوانسته ولی باین هم تا اندازه که استعمال شده کامیاب ثابت گردید.

موتريك چرخه

در انگلستان بنام « دی ناسفر » موتريك چرخه اختراع کرده اند که يك الى ۲ نفر در آن نشسته و سفر کرده می توانند ، را کین مزبور در وسط خود موتري که به شکل يك عرابه يیرونی موتري و خلی بزرگ است جابگیرند . ماشین موتري بانشین گاه اشخاص در وسط عرابه جادارد و هر دو در گردش عرابه بزرگ يك حال باقی بوده و روی گوت های کوچکی بالای عرابه بزرگ می لغزد ، هرگاه جای نشین و ماشین بالا برده شود بذریعه وزن آنها مرکز ثقل تغییر می یابد و در اثر همین تغییر موتري که بقرار فوق از يك عرابه مرکب است متحرك میگردد .



ماشین این موتري فقط دو نیم اسپ قوت دارد . در زمان تجربه ، این موتري بایک ماشین کوچک سرعت خوبی نشان داده تا ۴۸ کیلو متر فی ساعت قطع کرده توانست . اداره این اتوموبیل به اساس بایسکل است که بذریعه وزن جسد را کب اداره میگردد به این قسم که اگر راننده بطرف راست میل کند موتري بطرف چپ دور مینماید و برخلاف .

اکنون عده زیادی از علما مشغول مطالعه میباشند . برای اداره آن لنگر های مخصوص به مثل لنگر های مخصوص شبیه به لنگر طیاره و غیره تهیه می نمایند . اگر چه قراریکه در تصویر آن دیده می شود این موتري از شبکه فلزی تشکیل یافته و مد نظر را کب را شبکه مزبور باید بگیرد ولی باید دانست که از روی اصول فیزیک چون جالی نما به سرعت حرکت کند نظر را نمی گیرد و شفاف میشود .

آله معلوم کردن ساختمان قشر زمین

دو نفر عالم فرانسوی موسوم به هولویک و لوزی پس از تجربه های زیاد چنان آله را اختراع کرده اند که بواسطه آن می توان ساختمان قشر زمین را بدون تحقیقات مخصوصه معلوم نمود . این آله عبارت است از يك بار و متر (میزان فشار هوا) و يك ذره بین و چند اسباب مخصوص دیگر . اختراع این آله در عالم طبیعیات اهمیت فوق العاده دارد زیرا تاکنون معلوم است که ساختمان اراضی بسیار اشکال داشت .

غاز جداید

موسسین و موسسین دوریه منتظمین مؤسسه ادویه فرانسه بعد از تجارب طویلله اعلان کرده اند که آنها چنان غاز مهلکی را دریافت نموده اند که هیچ ماسکه موجوده در راه دفاع آن مزاحم شده نمی تواند و علاوه می نماید که طرز ساخت غاز مذکور آن قدر سهل است که تمام ضروریات دفاع ملی فرانسه در ظرف ۸ روز تهیه شده می تواند آنها از اظهار اسرار غاز بحدی خودداری دارند که حتی بحکومت فرانسه هم ترکیب و اجرای آن را تا آن وقت اظهار نمی کنند که دشمن بر حدود فرانسه حمله نماید .

مقیاس جاذبه

مخترعی از امریکا آله دقیقی برای قیاس جاذبه قمر اختراع کرده که دقت آن در نهایت ظهور است چه در بین جاذبیه واقع بر سطح زمین و بر ارتفاع چند قدم بخوبی فرق مینماید. میگویند این آله برای بحث از معادن زیر زمین بکار می آید زیرا اثر معادن برین آله آشکار است که تاثیر میکند.

مقناطیس الکتریکی

برای بلند کردن گلوله های تورپیدو از بین بحر

در انگلستان مقناطیس الکتریکی برای کشیدن گلوله های تورپیدو از بین بحر ترتیب شده و این آله جدید بقوای بحری آن دولت اضافه گردیده است، بقسمیکه درین اواخر در مشقهای حربی بحری هم آنرا استعمال میکنند، این آله يك مقناطیس الکتریکی است و ۱۵۰۰ کیلو گرام وزن دارد، معلومات صحیح درین باره پوره نشدنیافته مگر اینقدر معلوم شده که این آله برای کشیدن پارچه های فلزی و گلوله تورپیدو از قعر بحر و از چنان عمق ها کامیاب گردیده است که تا بحال اشخاصیکه در قعر دریا با ادوات سیر مینمایند به آن کامیاب نگردیده اند.

طیاره که در آب غرق نمیکردد

شرکت طیاره سازی معروف انگلستان موسوم به (آرمسترونک - سیدلی) بساختن طیاراتی شروع نموده که بوسیله آلات مخصوصه قطعاً در آب غرق نمیشود، موثر این طیاره به هوا صرد میباشد و ذریعه عماده در خشکه و بواسطه سلیرهای مخصوص در آب نشسته میتواند، بدنه و بالهای آن دارای چنان بالونهای است که بوقت ضرورت بوسیله بمب هائیکه در خود طیاره نصب است با هوای زیر فشار آمده، پر میگردد و اینقسم طیاره ساعتها در روی آب مانده غرق نمیشود، طیاره جدید مذکور مخصوص کشف و بمباردمان است.

اتوژیر جدید

شرکت اتوژیر سازی انگلیسی موسوم به (سیر و کمپنی) ساختن پنج عدد اتوژیر سفری را از طرف وزارت حریه برطانیه فرمایش گرفته است. (اتوژیر، طیاره را میگویند که از يك نقطه عموداً بلند می شود) این طیارات در جنس بزرگترین این رقم طیارات خواهد بود که تا کنون در انگلستان ساخته شده. ماشین این طیارها (۵۰۰) اسب قوت دارد. سرعت انتهائی ۲۵۶ کیلومتر و سرعت وسطی ۲۰۰ کیلومتر فی ساعت است، سرعت آن در وقت نشستن فقط ۳۲ کیلومتر در ساعت میباشد. برای پرواز این نوع اتوژیر میدانیکه ۶۵ متر طول داشته باشد کفایت میکند.

ماشینکه سیخ های آهنی را کج کرده مثلث و مدور میسازد

جوانی از اهل مصر موسوم به احمد عثمان اسماعیل که فعلاً مامور دستگاه «جبل الزیتون» میباشد اخیراً باختراع يك ماشین که سیخ های آهنی را کج کرده حلقه مثلث و مدور میسازد موفق گردیده است استماع این اختراع جم غصیر مهندسین را بشك انداخته مخترع را احضار نموده با او مذاکره و مباحثه کرده اند ولی مخترع با دلایل واضحه آنها را قانع نمود بفکر مهندسین مزبور این اختراع در استعمال خطوط آهن قابل اهمیت است.

اختراع ماشین رخت شوئی

اکادمی سائنس بلدیۀ مسکو به اختراع چنان يك ماشین برقی رخت شوئی موفق گردیده که بذریعۀ آن عم صابون کم بمصرف میرسد و هم لباس را پاره نمیکند اکادمی مذکور صد عدد ماشین های مذکور را به اهالی مسکو تقدیم نموده تا از آن استفاده و تجربه بنمایند .

راکت جدید

(یوگنسی نام) مهندس که مخترع راکت جدید از مخاطرات جهاز های بحریه بوده و ادعا می نماید که این راکت بذریعۀ ملاحان آن جهازیکه در شرف غرق شدن باشد فیر گردیده و به اینوسیله جهازات دیگر را از موضع خود اطلاع میدهد در زمان نایش معلوم شد که ، مقصد کلی این راکت حفاظت جان راکبین آن جهازیست که دچار مخاطره گردیده باشد در آن وقت این راکت چنان روشنی را بوقت فیر خود تولید میکند که از فاصلۀ ۳۰ میل بنظر می رسد این راکت که در آب انداخته شود نیز خود بخود روشن گردیده خیز بلندی مینماید ، راکت مذکور در آخرین خط سیر خود نیز چنان روشنی تولید می کند که پارسوت به آن وابسته است قرار معلوم این روشنی آخرین از (۱۰۰ الی ۱۲۰) ثانیه دیده میشود . در نمایشی که یکی از این راکت ها انداخته شد بعد از ۹۸ ثانیه منفلق گردیده و را ساء در فضا بلند شد ولی بسببی که سحاب فضای آسمان را احاطه نموده بود اثر روشنی آن بسیار زیاد محسوس نگردیده محققین اندازه مینمایند که سایر خرابی های موسمی بر کار روانی راکت اثر بدی انداخته نمی تواند .

کبریت جدید

یکی از امریکائی ها کبریت جدیدی اختراع کرده که تمام نمیشود به این معنی که يك چوب آنرا ممکن است هزاران دفعه بدون اینکه تمام شود روشن کرد ، این چوب کبریت یکچوب فلزی است که با مواد کیمیائی به عمل آمده عیناً به شکل چوب کبریت است و بعد از استعمال آن خاموش می کنند و در قطی میگذارند تا هر چند دفعه دیگر که میخواهند مورد استعمال قرار بگیرد .

ترازوی جدید

درین اواخر جدیداً ترازو ساخته شده ، بعلاۀ آنکه وزن صحیح پارسل ها را نشان میدهد بول محصول آنرا نیز ظاهر می سازد اندازه میگردد که این شکل وقت اولیای امور بسته را در اجراء آن اداره پارسل تقریباً منصفه می سازد این ترازوی جدیدیکه بذریعۀ برق عملیات مینماید قطع نظر از يك الۀ خوردی که وزن صحیح را نشان میدهد دارای يك « لوکل لیور » و « ۸ زون لیور » میباشد و ثنیکه پارسل بر اسکیل مانده می شود وزن صحیح آن بدست می آید بعد به « زون لیور » فشار داده می شود فی الفور بول نکت بسته آنرا ظاهر می سازد و به اینطریق استفاده از وقت ممکن گردیده است چه هر دو امور متعلقه پارسل را بیکوقت واضح میگرداند .

ماشین تفریق کردن تخم

در امریکه ماشینی ساخته اند که تخم گنده را از تخم ثابت تفریق میکند ، و این ماشین بدون معاونت انسان ذریعۀ برق کار میکند .

آله عکاسی جدید

در انگلستان کمره عکاسی ایجاد نموده اند که بصورت کاریکاتور عکس می بردارد .

عينك جديد

دكتور (ليور ولد هاین) طبيب مريض خانه کيل در آلمان عينك جدیدی اختراع کرده است که بجای آنکه بر روی چشم بگذارند مستقیماً داخل چشم قرار داده میشود یعنی داخل پل کان چشم و روی حدقه و بمثانه دندان مصنوعی برای دهان میباشد.

این عينك ها بقدری خوب صیقلی و صاف شده که پس از آنکه روی حدقه چشم داخل پلکان قرار گرفت چشم را خسته نکرده و موجب تهیج غشای داخلی چشم نمیشود و شخصی که آنرا استعمال میکند در وهله اول اندکی ناراحت است ولی طولی نمیکشد که عينك در جای خود مستقر و تکلیفی از آن احساس نمیشود.

چوب مصنوعی

در مکتب آیوه امریکه از تنقل جوارى و پوست جو چوبی ساخته اند که خیلی محکم است حتی میخ هم بسختی در آن داخل شده می تواند، خوبی این چوب اینست که بهر شکل و بهر اندازه که مطلوب باشد ریخته میشود.

آله فلم سینما

در جرمنی آلاتی تازه ای ساخته شده که فلم سینما را در ده ثانیه شسته و خشک و مکمل مینماید، حالانکه قبل از وجود این آله اینکار ساعت ها وقت بکار داشت.

بعوض گروب فلزی

کیانی مشهور مارکونی گروب الکتریک شیشه را دیو، گروب ساخته است که از فلز است.

انتقال تصاویر

آله ای که بوسیله داکتر ولادیمیرک روزیکن اختراع شده و آنرا (ایکونسکوب) یعنی تصویر بین مینامند تأثیرات مهمی در بر طرف کردن مشکلات تلویزیون بخشیده است امروز باتریهای تلویزیون دوش بدوش را دیو زینت بخش سالون های مجلل گردیده و در اعداد آثار تجمل باشکوه به شمار می آید و امروز کار علم و اختراع بجائی رسیده در عوض آن که صورت را از فواصل بعیده به نقاطی نقل کنند عکس منظره مجلس را با تمام آرایش زینتی که دارد از محلی به محل دیگر نقل می کنند و شما می توانید همان گونه که در منزل خود با کمال راحت آرمیده ابد منظره و قایمی که در هزار مایلی شما بوقوع می پیوندد تماشا کنید. آنچه را که علما در آرزوی آن بودند قبلاً به تحقیق حاصل کرده یعنی تصاویر را از نقاط بعید میتوان درست با امواج صوت بجای دیگر انتقال داد و از جنبه علمی قضیه دارای هیچ گونه اشکالی نیست فقط مطابق قول داکتر روزیکن باید بعد از این راجع به مشکلات اقتصادی و تجاری آن بحث کرد یعنی سعی نمود تا این اختراع مفید درد سترس عموم قرار بگیرد چون بوسیله آله که داکتر مزبور اختراع کرده دیگر هیچگونه اشکال عملی در زمینه تلویزیون موجود نمیشود. بطوری این اسباب جدید کار را آسان کرده تنها يك نگاه بآن می تواند شما را به اهمیت آن واقف گرداند و قتیکه به اندازه کافی نور این آله سیر میکند درست مثل يك دستگاه عکاسی میتواند تصاویر را از نقاط دور دست به نقطه منظور انتقال بدهد به علاوه بواسطه حساسیت زیادی که آله مزبور نسبت بنور دارد تلویزیون تنها عکس اطاق عمل را منتقل نمی کند بلکه عکس قسمت خارجی را هم در هوا نشان میدهد بالاخره آله مزبور را میتوان به منزله چشم تلویزیون دانست بی اینکه دارای جنبه مکانیکی آن باشد چون این اسباب دارای ماشین ها و چرخ های گوناگون و نیز صفحات گردنده، نیست و عملاً هیچگونه مانعی در راه وصول به مقصود را ایجاد نمیکند و مثل يك چشم مصنوعی عمل مهم انتقال را بانجام می رساند. ولی با همه مزایائی که برای این آله ذکر کردیم باید بدانیم فضیلت تقدم برای کسی است که تلویزیون را اختراع کرده زیرا آن اختراع مهم بوسیله داکتر روزیکن را برای پیدا کردن این آله هدایت نموده است و اگر

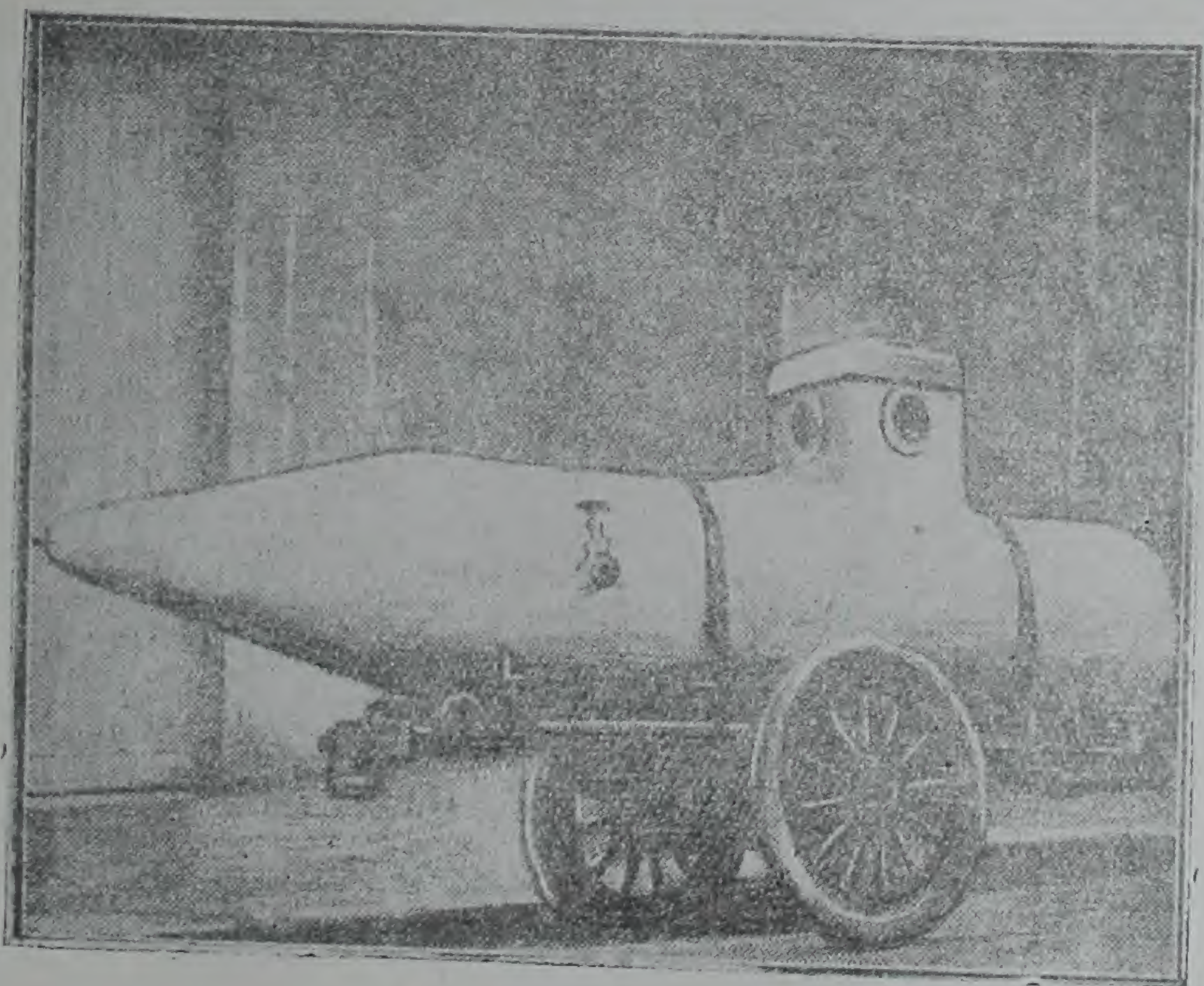
بخواهیم ارزش این آله را بفهمیم بایستی تلویزیون را از نظر اهمیت دور نداریم. یکی از مسائل مهم در تلویزیون اینست که تصویر را در صفحه ناقل بگذارند تا به فوریت به آن مسافت بعیدی که در نظر دارند برسد اختراعاتی که اخیراً در قسمت عکس الکتریکی و متنوعات آن به عمل آمده و دستگاههای که بروی زمینه آن ساخته اند این عمل را آسان گردانیده است این دستگاههای مخصوص دارای چنان قدرتی است که می تواند نور را بزودی به امواج الکتریکی تبدیل کند تا آنکه بتوان آن امواج را بوسیله سیم یا رادیو به نقطه معهود انتقال داد و وقتی این دستگاهها را مواد استفاده قرار میدهم هر قسمت از تصویر به نسبت روشنی و تاریکی هوا با امواج قوی یا ضعیف الکتریکی تبدیل میابد و فوریت این امواج به نقطه که باید آنرا دریافت کند میرسد و آنجا بواسطه وجود اسباب انتقال امواج الکتریکی به امواج نوری مبدل میشود و تصویر کاملاً در آنجا مرئی و مشهود میگردد ساده ترین طریقی برای آنکه چنین عملی را به زودی انجام دهیم اینست: صفحه که محل برای عکس الکتریکی بتواند واقع شود برداریم و آن را وسیله برای انتقال تصاویر قرار بدیم و فوریت این عمل انجام خواهد گرفت با همین وسیله دو نفر فرانسوی چندین سال قبل یعنی به سال ۱۹۰۶ موفق شدند عکس نقشه های ساده را بمعاونت ۶۴ صفحه عکس الکتریکی انتقال بدهند. برای آنکه بخواهیم عکس روشن و شفافی بگیریم بایستی شخصاً نقاط تاریک و روشنی ۷۰۰۰۰ نقاط مختلف تصویر اصلی را عکس بگیریم ولی طبعاً اینقدر امواج را نمی توان فوریت انتقال داد چون اقل در حدود ۱۴۰۰۰۰ سیم لازم دارد که فیما بین فرستنده و دریافت دارنده موجود باشد و ازین جهت که ناگزیریم تصویر را کوچک کنیم و آنرا هم به قطعات کوچک تقسیم نمائیم تا عمل انتقال آسان گردد به این ترتیب با داشتن یک سیم و یک دستگاه رادیو به مقصود خواهیم رسید فعلاً تمام تجارب کنونی مربوط به تلویزیون بروی این اصل متبنی شده است چون با هر وسیله که بکار برند خواه صفحات گردنده یا عدد سیهای سوراخ دار باشد در هر صورت قسمت مختلف مجلس که باید عکس آن انتقال داده شود باید بواسطه اختلاف نقاط تاریک و روشن امواج الکتریکی تولید شود و این امواج مجدداً در هوا برود و تبدیل با امواج نور گردد در نقطه که امواج را دریافت میدارند همان امواج روشنائی نقاط را تحت مراقبت قرار خواهد داد و به همین وسیله سرعت هر چه تمام تر عمل انتقال انجام می پذیرد.

حفاظت جهازات تحت البحری

ژوآن انجیر فرانسوی در تحت البحری ها چنان آله اختراع کرده که در مواقع شکستی و غرق شدن

جهازات مزبور بکمک آن
فی الفور خود بخود روی
آب آمده را کبین ذریعه
زورق و غیره خود را نجات
داده میتوانند و نیز توسط
بی سیم از مراکز مربوطه
استمداد مینمایند.

این آله که در تجارب
کامیاب شده است برای
استعمال تحت البحری ها
مخصوصاً در وقت جنگ خیلی
مفید ثابت میشود.



پراشوت بزرگ

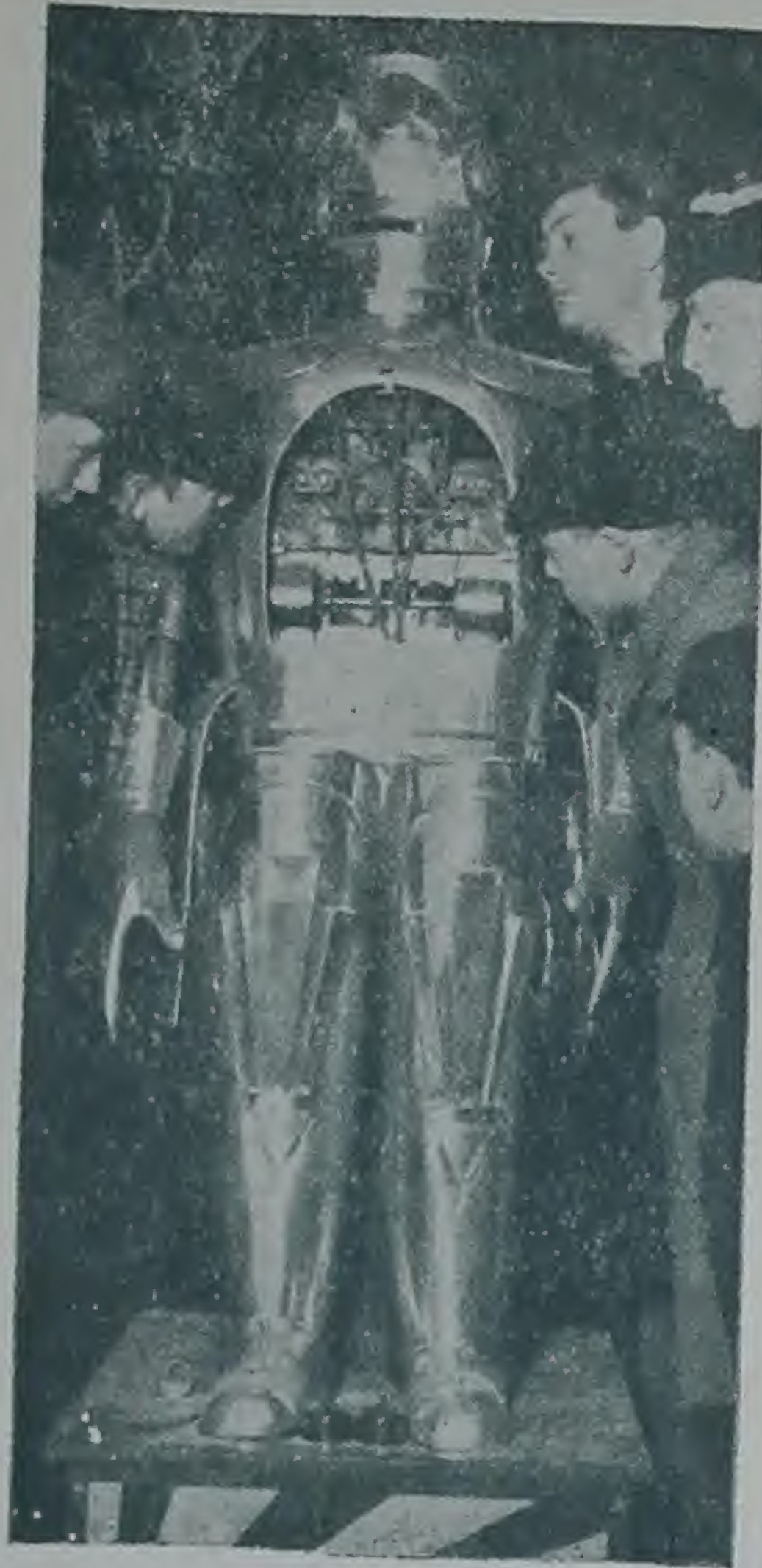
در آمریکا پراشوت (چتری نجات) بزرگی اختراع گردیده است که ۲۴ متر قطر دارد و این پراشوت برای مقصد فرود آوردن محل نشیمن کامل مسافرین که در طیاره می باشد بکار می رود. و در امتحان این پراشوت، با وزن (۱۲۰۰) کیلو گرام سرب از خانه طیاره بر زمین انداخته شده و سالم و به آهستگی بر زمین فرود آمده است. برای کشیدن پراشوت بزرگ يك پراشوت كوچك اتوماتيك وصل گردیده است این پراشوت كوچك به آهستگی و بذریعۀ ماشین بواسطۀ امر پیلوت باز میگردد و نشیمنگای پیلوت و مسافرین را مکمل از جای بلند نموده در حالیکه طیاره خود بخود بر زمین می افتد، به آهستگی، سلامت یابین می آورد.



این پراشوت برای دو وازده نفر مسافر جای دارد، و از ابریشم ساخته شده و چنگک های آن پیش پیلوت وصل می باشد و این چنگک ها خانه مسافرین را از دیگر اعضای طیاره رها می سازد، این پراشوت بزرگ در مدت سه ثانیه با وزن ۱۲۰۰ کیلو گرام باز میگردد و سرعت ۵۰۳ متر فی ثانیه بر زمین فرود می آید، بواسطۀ این اختراع قیمت دارا احتمال خطر پیلوت و مسافرین تقریباً بکلی قطع می شود و شاید در اندك زمان در طیارات سفری عموماً خانه های نشیمن مسافرین از دیگر اعضای طیاره جدا ساخته شود. این پراشوت نه تنها برای نجات مسافرین استعمال خواهد شد بلکه در زمان حرب خیلی وظائف عمده را اجرا خواهد کرد.

سپاهی مصنوعی

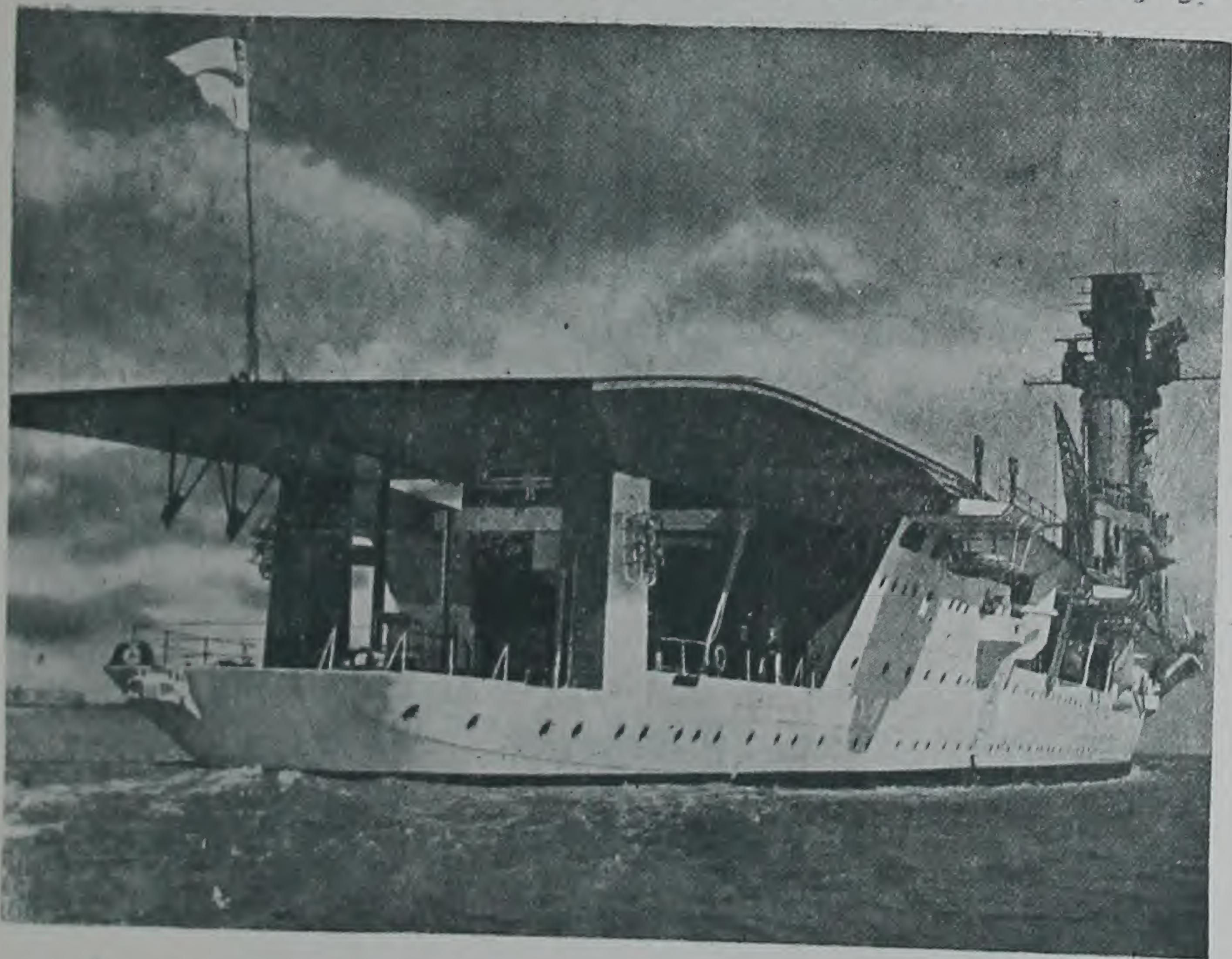
در شهر تیو یارک در یکی از نمایشها آدم مصنوعی یا (سپاهی مصنوعی) نمایش داده شد: این آدم مصنوعی در جنگ آینده تغییرات زیاد را تولید خواهد کرد، این آدم مصنوعی خیلی بزرگ و از فولاد ساخته شده و در پیش روی آن موتوری که چهل اسب قوت دارد نصب بوده و اداره آدم مصنوعی بذیعۀ رادیومی شود این آدم بزرگ مصنوعی راه رفته و تفنگ فیر کرده می تواند، حتی میتواند بم های دستی و شمشیر را استعمال کند.



مقناطیس جدید

یکی از مهندسين کهر با نوعی از آهن را با اختراع تهیه نموده که می تواند مواد معدنی را تماماً جذب نماید و دیگر فائده اش اینست که بعضی از مواد معدنی را از خاک جدا میکند و ممکن است مخترع بتواند آنرا

تکمیل نموده و در معادن طلا و فقره برای جدا نمودن خاک از فلز مذکور استعمال نماید.



بزرگترین کشتی طیاره بردار عالم که تازه در انگلستان ساخته شده و هر مینام دارد و بام آن میدان طیاره وسیعی میباشد

جائزۀ نوبل

الفريد برن هاردينوبل Alfred Bernhard Nobel کيميا دان و مهندس معروف سويدن بتاريخ ۲۱ اکتوبر سنه ۱۸۳۳ در شهر ستاکهلم متولد گردید اولاً در سويدن و بعد در سينت پترس برگ روسيه تحصيلات عالی خویش را به پايان رسانيده و بوطن خویش عودت نمود در ترکيب و تحليل کيمياوی مواد انفلاقيه تتبعات عمیقی نموده در سنه ۱۸۶۲ دینامت و در سنه ۱۸۷۶ سریش سرنگ پرانی و در سنه ۱۸۸۹ باروت بی دود را اختراع نمود از جهت شیوع و تعمیم اختراعات خود مالک پول سرشاری گردید تا آنکه در ۱۰ دسمبر سنه ۱۸۹۶ در سان رمو وفات نمود و قرار وصیت او و تصویب حکومت سويدن قسمت بزرگی از دارائی او برای جوائز نوبل وقف گردید تا برای کسانی که در شعب طبیعیات، کیمیا، طب، ادبیات، امنیت، اختراع مفید و اثری عام المنفعه بی مانندی از خود پیادگار گذارند بطور صلّه و جائزّه داده شود چنانچه در وصیت نامه خویش می نویسد: عوائد و منافع من بقرار آتی قسمت شود:

یک حصه برای شخصی که مهمترين اختراع و اکتشافی در عالم طبیعیات کرده باشد، یک حصه برای کسی که خوبترين کشف و اصلاحی در علم کیمیا نموده باشد حصه سوم برای شخصی که در علم وظائف الاعضا یا طب معلومات جدیدی را کسب کرده باشد، حصه دیگر برای شخصی داده شود که برجسته ترین اثری مشتمل بر نظریه عالی و بلند در حوزه ادبیات از خود پیادگار بگذارد و حصه دیگر بر شخصی داده شود که در راه تأیید اخوت ملل و الغا یا تخفیف عساکر و تاسیس و ازدیاد مجامع امنیه خوبترين خدمتی کرده باشد، جوائز طبیعیات و کیمیا را اکادمی فنون سويدن واقع ستاکهلم و جائزۀ طب را مؤسسه طبیه کارولین ستاکهلم و جائزۀ ادبیات را اکادمی ستاکهلم و جائزۀ صلح و آرامش راهیئت پنج نفری منتخبه شورای ملی سويدن مشخص و اجرا خواهند نمود: من خواهش خودم را تا کی اظهار می نمایم که در تشخیص و استحقاق جائزّه، قومیت را هیچ گونه رعایه ننمایند. جائزۀ مذکور نخستین بار در دهم دسمبر سنه ۱۹۰۱ که سال پنجم وفات نوبل بود اجرا گردید.

شورای ملی سویدن را جمع با عطای جوایز قوا عدی مقرر کرده و از قوا عد مذکور مواد ذیل است : اگر در عرض سال شخصی مستحق جائزه پیدا نشد وجه جائزه تا سال دیگر امانت گذاشته شود و چون درین سال هم مستحق پیدا نشد در انوقت پول جائزه در بنای مؤسسه خیریه بیاد گارنوبل بمصرف برسد هر گاه در یکسال دو نفر مستحق يك جائزه گردند. پول جائزه در بین هر دو بصورت مساوی تقسیم شود و از سنه ۱۹۰۴ علاوه بر افراد مجالس را نیز مستحق جائزه قرار داده اند.

اسامی اشخاصیکه در ظرف ۲۵ سال گذشته جوایز نوبل را حاصل کرده اند قرار آتی است :

طبیعات

سنه	اسم گیرنده جائزه	اسم مملکت
۱۹۰۹ - ۱	مارکونی	ایتالیا
۲ - ۱۹۱۰	براون	جرمنی
۱۹۱۰ - ۱	وان در والس	هالیند
۱۹۱۱ - ۱	واین	جرمنی
۱۹۱۲ - ۱	گوستاف دالین	سویدن
۱۹۱۳ - ۱	کامرلینگ اونیس	هالیند
۱۹۱۴ - ۱	فون لایو	جرمنی
۱۹۱۵ - ۱	بریک	بریطانیا
۲ - ۱۹۱۵	و، ل، بریک	»
۱۹۱۶ - ۱	داده نشد	»
۱۹۱۷ - ۱	بارک لا	برطانیا
۱۹۱۸ - ۱	پلانک	جرمنی
۱۹۱۹ - ۱	ستارک	»
۱۹۲۰ - ۱	گیولیوم	سویت زرلیند
۱۹۲۱ - ۱	آین ستاین	جرمنی (یهود)
۱۹۲۲ - ۱	نایلز بوهر	دنمارک

جائزۀ نوبل

طبیعیات

سنه	اسم گیرندهٔ جایزه	اسم مملکت
۱۹۲۳	ملیکن	امریکا
۱۹۲۴	سیگ باهن	سویدن
۱۹۲۵	(۱) فرانک	جرمنی
	(۲) هرتز	»
۱۹۲۶	پیرن	فرانس
۱۹۲۷	(۱) کامپتن	امریکا
	(۲) ولسن	برطانیا
۱۹۲۸	رچروسن	»
۱۹۲۹	دوک دو بروگی	فرانس
۱۹۳۰	رامن	هند
۱۹۳۱	داده نشد	
۱۹۳۲	هایسن برگ	جرمنی
۱۹۳۳	(۱) ویراک	برطانیا
	(۲) ارون شیرو دنگر	جرمنی
کیمیا		
۱۹۰۹	اوست والد	جرمنی
۱۹۱۰	والاش	»
۱۹۱۱	مادام کوری (خانم)	فرانس
۱۹۱۲	(۱) گریک نارد	»
	(۲) ساباتیا	»
۱۹۱۳	ورنر	سویت زرلیند
۱۹۱۴	رچردز	امریکا
۱۹۱۵	ولستارتر	جرمنی
۱۹۱۶	داده نشد	
۱۹۱۷	« «	

کیمیا

اسم مملکت

سنه اسم گیرنده جایزه

جرمنی	Prof. E. Haber.	۱۹۱۸ هابر
»	Walther Nernst.	۱۹۱۹ داده نشد
برطانیه	Fred. K. Soddy.	۱۹۲۰ نرنست
»	F. W. Aston.	۱۹۲۱ سادی
آستریا	Fritz Pregl.	۱۹۲۲ ایستن
»	Richard Zsigmondy.	۱۹۲۳ پریگل
جرمنی	T. Svedberg.	۱۹۲۴ داده نشد
سویدن	Heinrich Wieland.	۱۹۲۵ زیگ موندی
جرمنی	Adolf Windaus.	۱۹۲۶ سوید برگ
»	A. Harden.	۱۹۳۷ وای لاند
برطانیه	H. von Euler Chelpin.	۱۹۲۸ ونداس
سویدن	Hans Fischer.	۱۹۲۹ (۱) هاردن
جرمنی	Carl Bosch.	(۲) فون ایولر چلپین
»	Friedr. Bergius.	۱۹۳۰ فیشر
»	Irving Langmuir.	۱۹۳۱ (۱) باش
امریکا		(۲) برجیس
		۱۹۳۲ لانگ میور
		۱۹۳۳ داده نشد

طب

سویت زرلیند	T. H. Kocher.	۱۹۰۹ کوشر
جرمنی	A. Kossel.	۹۹۱۰ کوسل
سویدن	A. Gullstrand.	۱۹۱۱ گلستران
امریکا	A. Carrel.	۱۹۱۲ کارل
فرانس	C. Richet.	۱۹۱۳ ریشی

جایزه نوبل

طب

سنه	اسم گیرنده جایزه	اسم مملکت
۱۹۱۴	بارانی	آستریا
۱۹۱۵	داده نشده	
۱۹۱۶	» »	
۱۹۱۷	» »	
۱۹۱۸	» »	
۱۹۱۹	بوردی	بلجیم
۱۹۲۰	کروغ	دانمارک
۱۹۲۱	داده نشد	
۱۹۲۲	(۱) هل	برطانیه
	(۲) میرهوف	جرمنی
۱۹۲۳	(۱) منتک	کانادا
	(۲) میک لیود	»
۱۹۲۴	آین توون	هالیند
۱۹۲۵	ددا نشد	
۱۹۲۶	فیبیگر	دانمارک
۱۹۲۷	جارگ	آستریا
۱۹۲۸	نیکول	فرانس
۱۹۲۹	(۱) هاپکنس	برطانیه
	(۲) آیک مان	هالیند
۱۹۳۰	لاند ستاینر	امریکا
۱۹۳۱	واربرگ	جرمنی
۱۹۳۲	(۱) شرنگ تن	برطانیه
	(۲) آدریان	»
۱۹۳۳	مورگن	»

ادبیات

اسم مملکت	اسم گیرنده جائزه	سنه
سویدن	Selma Lagerlof.	۱۹۰۹ لاگرلوف
جرمنی	P. Heyse.	۱۹۱۰ هایز
بلجیم	M. Maeterlinck.	۱۹۱۱ مایترلنک
جرمنی	G. Hauptmann.	۱۹۱۲ هاپتمان
هند	Rabindranath Tagore.	۱۹۱۳ رابندرانات تیگور
		۱۹۱۴ داده نشد
فرانس	Romain Roland.	۱۹۱۵ رومین رولاند
سویدن	Verner von Heidenstam.	۱۹۱۶ فون هایدن ستام
دنمارک	K. Gjellerup.	۱۹۱۷ (۱) گجلی رپ
*	H. Pontoppidan.	(۲) یون توپیدان
		۱۹۱۸ داده نشده
سویت زرلیند	Carl Spitteler.	۱۹۱۹ کارل سپتلر
ناروی	Knut Hamsun.	۱۹۲۰ هام سون
فرانس	Anatole France.	۱۹۲۱ اناتول فرانس
هیپانیا	J. Benavente.	۱۹۲۲ بی ناوینتی
آیرلیند	W. B. Yeats.	۱۹۲۳ ییتس
یولیند	Wladislau Reymont.	۱۹۲۴ ریمانت
برطانیه	G. Bernard Shaw.	۱۹۲۵ برنارد شا
	Signora G. Deledda.	۱۹۲۶ دیلیدا (خانم)
فرانس	Henri Bergson.	۱۹۲۷ برگسن
ناروی	Mrs. S. Undset.	۱۹۲۸ اوندست (خانم)
جرمنی	Thomas Mann.	۱۹۲۹ مان
امریکه	Sinclair Lewis.	۱۹۳۰ لیوس

جایزه نوبل

ادبیات

سنه	اسم گیرنده جایزه	اسم مملکت
۱۹۳۱	کارل فلد	سویدن
۱۹۳۲	کالز وردی	برطانیه
۱۹۳۳	بونین	روسیه

امنیت

۱۹۰۹	(۱) بیرنات	بلجیم
	(۲) بارون دواستورنیلی	فرانس
۱۹۱۰	دایره بین المللی امن	سویت زرلیند
۱۹۱۱	(۱) آسر	هالیند
	(۲) فراید	آستریا
۱۹۱۲	ایلی هورت	امریکا
۱۹۱۳	لافونتن	بلجیم
۱۹۱۴	داده نشده	
۱۹۱۵	» »	
۱۹۱۶	» »	
۱۹۱۷	صلیب احمر جمعیت بین المللی جینوا	سویت زرلیند
۱۹۱۸	داده نشده	
۱۹۱۹	ودرو ولسن	امریکا
۱۹۲۰	بورگوائیس	فرانس
۱۹۲۱	(۱) برانیتنک	سویدن
	(۲) لازگ	ناروی
۱۹۲۲	نالن	»
۱۹۲۳	داده نشد	
۱۹۲۴	» »	
۱۹۲۵	(۱) داس	امریکا

امنیت

اسم مملکت	اسم گیرنده جایزه	سنه
برطانیه	A. Chamberlain.	۱۹۲۵ (۲) چمبرلین
فرانس	Astride Briand.	۱۹۲۶ (۱) بریان
جرمنی	G. Stressmann.	(۲) ستریسمان
»	Ludwig Quidde.	۱۹۲۷ (۱) کوید
فرانس	Ferd. Boisson.	(۲) بوی سان
		۱۹۲۸ داده نشده
امریکا	F. B. Kellogg.	۱۹۲۹ کیلاگ
سویدن	N. Suderblum.	۱۹۳۰ سودر بلوم
امریکا	Dr. N. M. Butter.	۱۹۳۱ (۱) بتلر
»	Mrs. John Adams.	(۲) اید من (خانم)
		۱۹۳۲ داده نشده
		» ۱۹۳۳



نگارش آقای محمد صدیق خان
رادیو میخانیک قوای هوای کابل

رادیو تیلی میخانیک



آقای محمد صدیق خان

چون اختراعات غیرالعقول هر روز در دنیا پا به عرصه وجود میگذارد و علما درین راه برای عالم بشریت زحمات فوق العاده را متحمل شده و مخصوصاً ملل خویش را مستفید می گردانند .

رادیو تیلی میخانیک نیز یکی از آله های دلچسپ فن تخنیک است که علمای برای تکمیل آن سعی می ورزند تا بدرجه اتتهائی آن را تکمیل نموده و فوایدی را که در نظر دارند از آن اخذ نمایند .

لهذا کتابیکه راجع باین آله تحریر شده بنده آن را ترجمه نموده و امید وادم در دوره ترقی پرور اعلیحضرت جوان بخت موفق بطبع آن شده و خدمتی برای آترئید معلومات ارباب تخنیک و فن نموده باشم .

حاضرأ از معلومات تخنیکی این آله صرف نظر نموده و مختصر معلوماتی را در اطراف آن بمطالعه هموطنان عزیزم می گذارم .

رادیو تیلی میخانیک :

یکی از دلچپ ترین و مقبول ترین آله های میخانیکی دنیا آله رادیو تیلی میخانیک است که نسبت بآن در ذیل تشریحات داده می شود :

رادیو تیلی میخانیک عبارت از آن آله میخانیکی است که بذریعه آن می توان در مسافه ها طیاره ها را بدون پیلوت و موترها را بدون دریور و کشتی های بحری و تحت البحری را بدون ملاح و توپها و گلوله های (مینی) نمبر (۱) را بدون وسیله اداره نموده شهرها و کارخانه ها را بدون تمدید این تنویر کرد . این اختراع (رادیو تیلی میخانیک) یکی از شعبات رادیو تلگراف و تلفون بوده و اساس آن به سه ماشین منحصر است :

- ۱ : ماشین مرسله که در استاسیون نصب میباشد و اوامر لازمه بذریعه آن فرستاده میشود .
- ۲ : ماشین آخذ امواج الکتریکی که در کشتی یا طیاره و یا موتر و یا غیره نصب است اوامر فرستاده شده را اخذ می دارد .
- ۳ : ماشین مخصوص که امواج الکتریکی اذیت کننده و دیگر ماشین ها را دفع میدارد ، همراه ماشین آخذ نصب می باشد .

چون امواج الکتریکی بذریعه مرسله فرستاده میشود با وجودیکه تمام قوه اش در راه صرف شده و یک حصه کم آن در آخذ اخذ میگردد ولی آنهم برای حرکت دادن حراقه تلفون کفایت میکند اگر این مشکلات حل گردد و قوه که از ماشین مرسله فرستاده میشود کامل به آخذه میرسد برسد درینصورت تمام مشکلات رادیو تیلی میخانیک و غیره حل خواهد شد لهذا برای حل این مسئله متخصص امریکائی فلیاس توماس انجینیر « ویستونگ الکتریک کمپانی » کوشش کرده است و تا یکدرجه کامیاب هم شده است .

خدمات و فوائد رادیو تیلی میخانیک بدرجه عالی است که نمی توان درین ورق پاره ها تشریحات آنرا گنجانید علی الخصوص خدمات عسکری آن دارای اهمیت فوق العاده بوده در جنگهای آینده خیلی کارهای نمایانی از استعمال آن بعمل خواهد آمد. اما تا حال بدرجه انتهائی بیائیه تکامل نرسیده و محسوس میگردد که مشکلات و موانع برای تکمیل آن در پیش است معینا میتوان گفت که ماهرین و مخترعین این فن عنقریب به تکمیل آن موفق و کامیاب گردیده و ممکن است در حیات عالم بشریت خدمات مهمی را انجام داده و در اکثر شعبات حیاتیه انسان تطبیق داده شود، هوید است که اگر تیلی میخانیک بیایه تکامل برسد بدون گفتگو در امور فزینی مسائل حربی، بحری، بری و هوائی تغییرات کامل پیدا خواهد شد.

معلومات تاریخی

اولاً در سنه ۱۸۹۳ میلادی در انگلستان متخصص معروف از قبیل (ایر نیست) (چارلس دیوانس) یک آله تیلی میخانیک را ساخت که این آله می توانست بسهولت در طیاره استعمال گردد ولی چون طیاره بصورت موجوده در آنوقت وجود نداشت پس ممکن بود آله مذکور را برای متحرک ساختن (مقانزمه) توپ و هر نوع آله میخانیکی بکار برند.

چندی بعد پروفیسر آلمان (هیر گزال) یک آله مشابه بآله فوق الذکر ساخت که نسبت به آن بانیجه تر بود چنانچه بتوسط این آله رادیو، بالون مخصوص فشار هوا اداره شده می توانست.

در عین اجرای این عمل ادیسن مشهور نیز همین قسم تجربه را تحت تدقیق قرار داده و بذریعه امواج برق را دیو مودل طیاره (یعنی طیاره کوچک) را متحرک و اداره نمود.

از شروع سنه ۱۹۰۳ انجینیر اسپانیولی توالس کیوژید عملیات مزبور را تحت تدقیق قرار داده در سنه ۱۹۰۶ کامیاب گردید که بذریعه امواج را دیویک کشتی بی ملاح کوچک را اداره نماید. بعد ازین موفقیت و عملیات شاندار و با اهمیت دنباله تجارب این شعبه بیشتر در موقع آغاز ترقیات قوای هوائی گرفته شده تطبیقات جدید شروع گردید و تیلی میخانیک را جهت اداره طیاره بکار انداختند.

از سنه ۱۹۰۸ به بعد درین شعبه عملیات و تجارب زیاد بکار برده شد ولی یکی ازین عملیات و تجارب بیک نتیجه مثبت واصل نگردید زیرا در آن زمان را دیو و طیاره محد ترقی موجوده نرسیده بود.

در سنه ۱۹۰۹ پروفیسر آلمانی (وی هرت) جدیانه داخل عملیات گردیده و اظهار نمود که بذریعه هیچ آله تیلی میخانیک طیاره را در مسافه ها اداره نمی توان کرد تا یک آله میخانیکی در بین طیاره نصب نشود تا که موازنه آن بذریعه این آله اداره گردد زیرا هوید است که طیاره در زمان پرواز بوضعیت مخالفت هوا مقابله کرده و از موازنه خارج می شود و اگر پیلوت بذریعه جلو و غیره طیاره را اداره نکند البته مانند سنگ از هوا بزمین خواهد افتاد پس درینصورت لازم است قبل از نصب کردن آله تیلی میخانیک در طیاره یک آله دیگر وضع و نصب گردد، تا بذریعه آن همان اثرات که طیاره را بی موازنه میسازد دفع کند، و این آله باید کار شخص زنده را در طیاره انجام دهد.

همچنان از ابتدای سنه مذکور در امریکا راجع باختراع طیاره اتوماتیک سعی بلیغی بکار برده شده و (مارک آن تون) انجینیر معروف، طیاره کوچکی را در هوا متحرک ساخته و اداره کرد و موفق شد که طیاره مذکور را چند دفعه بالای بحر پرواز بدهد و از همان جائیکه در هوا بلند شده بود در همان جافروند آورد و بنشانند.

راديو تېلي ميخانيك

بعد در سنه ۱۹۱۰ (هاموند) متخصص اين فن در اطراف آله راديو تېلي ميخانيك تجارتي بعمل آورده و پس از آن در سنه ۱۹۱۲ روبرت نام داخل عمليات گرديد.

حکومت امريکا به تکميل و کاميابي راديو تېلي ميخانيك خيلي دلچسبي نشان داده و آنرا براي خدمات عسکري خيلي با اهميت ميدانستند و براي متخصصين اين فن خيلي معاونت ها نموده است.

يگانه مملکتی که از آلات ميخانيکی تا يك اندازه نتيجه حاصل نمود آلمان است زیرا در اول محاربه بين المللی بصورت بسيار مخفيانه (زمنس) انجنيير آلمانی براي تکميل تار پيدوی هوائی، (فوگر) براي تکميل طياره اتوماتيك کار ميکردند اگرچه نتایجی که آنها از اين عمليات بدست آورده بودند ناقص بوده و نمی توانستند که بصورت ماهرانه آن را در ساحه عمليات درآرند با وجود آنهم از زحمات اين دو متخصص تا يكدرجه نتيجه گرفتند چنانچه بتاريخ ۲ مارچ ۱۹۱۷ درجوش محاربه بين المللی در بندر نيوپورت و حصص آن که عساکر متحدين ضد آلمان موضع گرفته بودند ملاحظه گرديد که يك کشتی حربي آلمان بسمت شان سرراست می آيد و بذريعه اين کشتی حربي انفلاق فوق العاده، توليد گرديده (احاطه ۱۲) متری را از هم پاشيد و بعد از آن معلوم گرديد که هيچ کسی در کشتی مذکور موجود نبوده و حرکت و عمليات انفلاق در آن کشتی خود بخود انجام ميگرفت، اين مسئله يك تاثير فوق العاده در بين متحدين ضد آلمان بخشيده و آنها را سراسيمه ساخت زیرا براي آنها خيلي عجيب بود که کشتی بدون انسان چالان و اداره شده و خود بخود باستقامت صحيح رفتار نموده و مواد انفلاق خود را در ساحل بجائیکه براي متحدين زياد خساره وارد ميکرد پرتاب نموده توانسته است. بعد از چندی اين مسئله را حل و دانستند که کشتی مذکور بذريعه راديو اداره گرديده الحاصل و طياره که در بالای آن به هوا بود وسيله اداره آن بود. درينوقت آلمانها وقت را غنيمت شمرد و اولین دفعه از همه بيشتر راديو را براي اداره کشتی ها و غيره در مسافه ها استعمال کرده و موقع اولين را اخذ کردند.

آلمانها در ۲ ستمبر ۱۹۱۷ کشتی دوم را که بذريعه راديو اداره می شد باز در بندر نيوپورت براي پرتاب نمودن مواد انفلاقی ارسال نمودند ولی از طرف فرانسوی ها تخریب شد.

ازين تاريخ بعد فن تېلي ميخانيك در بين عموم متحدين ضد آلمان براي خدمات عسکري موجب جلب توجه گرديده و سعی کردند تا نتيجه قطعی حاصل نمايند براي اجرای اين پلان در شروع سال ۱۹۱۸ وزارت حربه فرانسه در تحت اداره کيئات (بوشير) يك کمیسیون متخصصين را تشکيل داد تا اين مسئله را حل نمايد.

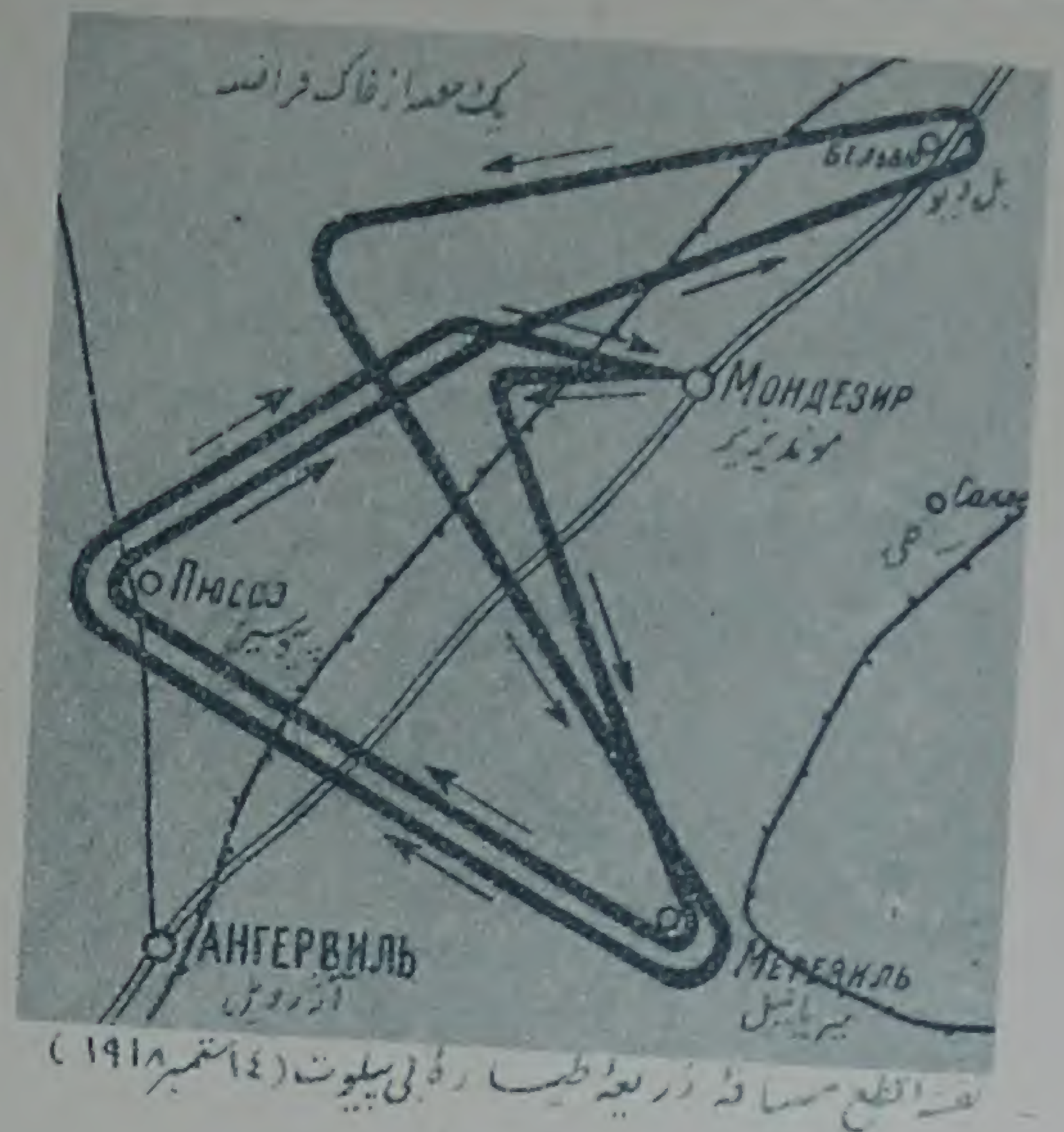
در آخر سنه ۱۹۱۸ اين کمیسیون نتيجه شانداري حاصل نمود چنانچه در ۱۴ ستمبر در ميدان طياره شيشی شکل نمبر ۱ پرواز آزادانه بطياره که دارای سکان ميخانيکی بود بذريعه راديو اداره و اجرا شد و اين طياره

مدت پنجاه و يك دقيقه بسمت های مختلف بقدر صد كيلومتر مسافه را قطع کرد، پرواز دوم در هجده ماه مذکور بعد



اولین طياره فرانسوی که بواسطه راديو اداره شده است

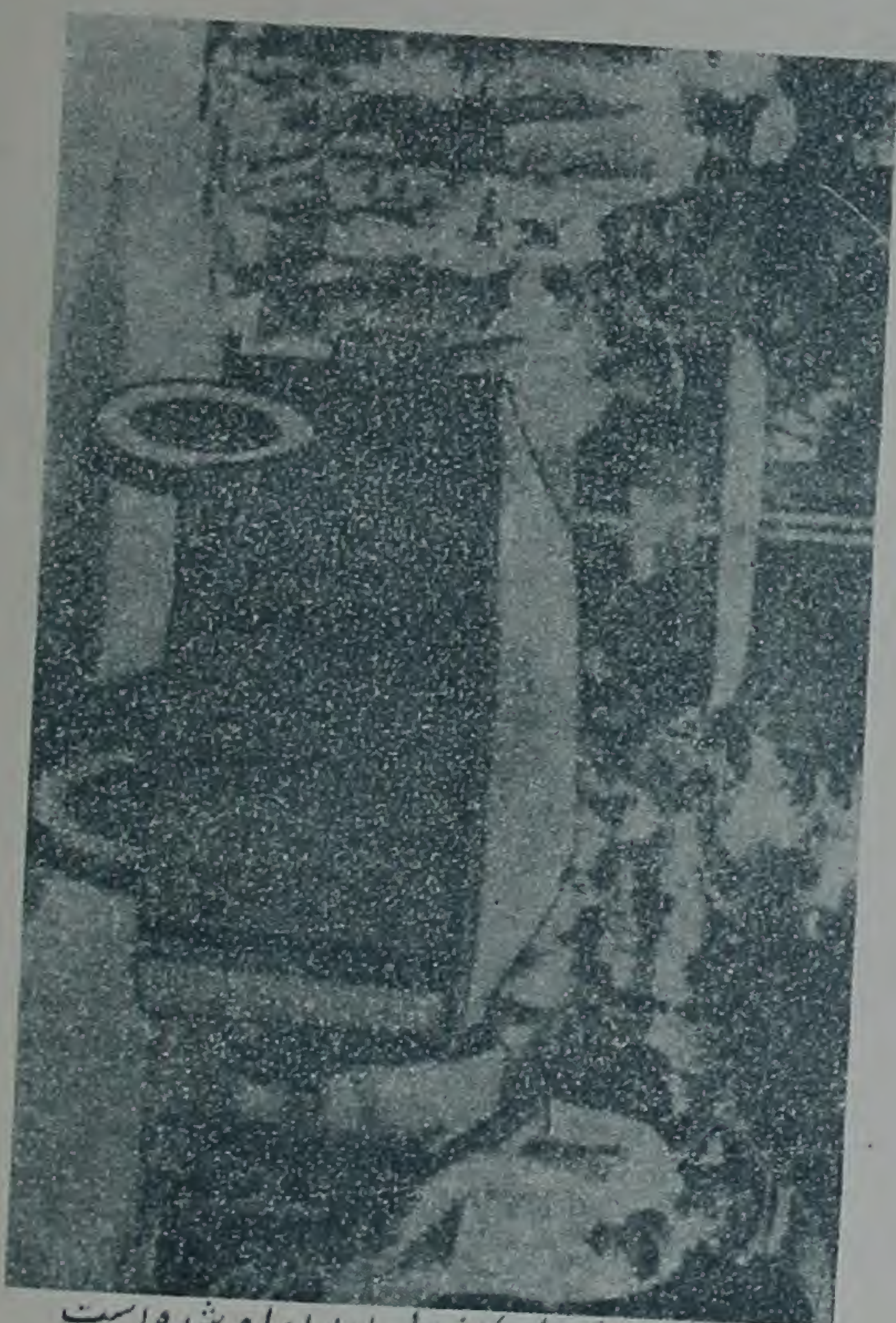
از کمی اصلاحات سکان و حصه های متحرك موازنه طیاره صورت گرفت شکل نمبر ۲ این تجربه در حکومت اتازونی تأثیر فوق العاده نموده و وزارت حریه حکومت مذکور يك سلسله اقدامات نمود و بایک اندازه نتیجه از پرواز طیاره های که بذریعه رادیو اداره میشد حاصل و بدست آورد خلاصه پس ازین تاریخ این فن جدید قدم در مرحله ترقی گذاشت و از سنه ۱۹۲۱ نظریه زحمات انجنیر های ماهر از قبیل پرشپروت و شوژ و غیره این فن به نتیجه اصلی رسیده و طیاره بی پیلوت بذریعه رادیو نه تنها از زمین بلکه از هوا بتوسط طیاره دیگری که در هوا پرواز میکرد اداره می یافت . در اثر این نتایج برجسته که از تجارب متعدده بدست آمد ترقیات این فن در دیگر اقوام نیز اثر کرده و هر يك از ملل در حل و دریافت آن به سعی شروع نمودند



و میخواستند که اولتر از همه در مسائل بحری برای اداره گلوله های مینی (گلوله های متحرك که از يك کشتی بر دیگر کشتی انداخته میشود) بذریعه طیاره در هوا از رادیو تبلی میخانیک کار گرفته و گلوله را از ساحل بذریعه رادیو تلگراف استعمال نمایند در عین زمان موفقیت به این مسئله برای عالم عسکری خیلی با اهمیت بوده و مجبور بود که نتیجه قطعی حاصل نمایند .

نتیجه که بعد از تجربیات و کوشش های یادی که در راه تکمیل رادیو تبلی میخانیک از طرف ماهرین دول نموده شد نتیجه که بدست آمد این بود که در امریکا کشتی زره پوش (ایوا) بذریعه امواج برقی در مسافه های بعیده در حالیکه در کشتی مذکور یکنفر هم موجود نبود بطور دل خواه اداره کرده شد .

بعد ازین شوژگان صاحب منصب اتازونی اصول جدیدی وضع کرد اصول مذکور این بود که موتر ها را بذریعه رادیو تلگراف در مسافه های بعیده اداره میکرد . نامبرده در اکثر تجارب خود مشهور گردید ، آله او مانند سائر آلات رادیو سیم هوایی نداشت بلکه تنها یک ظرفی بود که از هوای فشار داده شده پر بود اساس آله مذکور بر سه آله آخذه ، قوت دهنده ، و رفع کننده مبنی بود و این سه آله تمام خواهشات او را انجام داده و هر امر لازم را بذریعه ریلی (۱) نقل میداد ، علاوه برین مشارالیه آله مذکور را در



اولین موتریکه در ایون امریکا بذریعه رادیو اداره شده است

۱- ریلی آله مخصوصی است که در تخنیک مخابره استعمال میشود .

موتري که داراي هارن وزنگ بود نصب کرده و بدون درايور چالان و اداره می نمود و حتی هارن وزنگ را استعمال میکرد اين اتو مويل خيلي بسهولت حرکت میکرد ، ايستاده می شد و در مسافه يك كيلومتر نتيجه شايانی داده بود .

بالاخره امريکائيان را جمع به راديو تېلي ميخانيك تجارب عديده نموده و فرانسوی ها نیز عمليات زيادی کرده و بلکه يك عدد متخصصين را در تحت اداره ژنرال فريه مقرر نموده تا درين راه تحقيقات نمايند و اين هيئت تا يکدرجه به عمليات خویش موفق گرديده و توانستند که طياره و کشتی ها را از مسافه ها اداره نمايند .

اهميت خدمات راديو تېلي ميخانيك در قشون

در قرن گذشته تخنيك حربی به آهستگی ترقی نمود دول محارب نظر به اساس اسلحه حربی يکی بر ديگری غالبيت نداشت زیرا تمام دول داراي يک نوع اسلحه بوده تنها در تنظيمات و ترتيبات و سوقيات متفاوت بودند

و کاميابی آنها منوط به تنظيمات آنها بود اما در قرن موجوده وضعیت قشونی تخنيکی خيلي با عجله تغير یافته و بسرعت ترقی نموده است در جنگهای آينده علوم تخنيکی رول مهمی را بازی خواهد کرد و آلات موفقيت دول يکی بر ديگر اسباب اعدام بشر ، تانک ، طياره گاز های زهر دار خواهد بود و اگر آله را ديوتېلي ميخانيك مکمل گرديده و نواقص آن رفع شود در انجام خدمات و وظائف عسکری تأثيرات فوق العاده خواهد بخشيد و طرز محاربه را بکلی تغير خواهد داد .

استعمال ، و منقلب کردن بم ها در جهات حرب بذريعه راديو تېلي ميخانيك اجرا خواهد شد و در مواقع محاربه که جهات غبار آلود و پردود میباشد و نمی توانند توپچی ها گلوله را به هدف برسانند راديو تېلي ميخانيك می تواند بسهولت گلوله های توپها را اداره کرده و به هدف برسانند . علاوه بران راديو تېلي ميخانيك در حرب بگاز ها هم معاونت کرده می تواند و می توان بذريعه راديو ، بالونهای گاز را در محاذ دشمن منقلب ساخت نمبر ۶ - و نتيجه درستی حاصل نمود راديو تېلي ميخانيك در محاربه تانکها و موترهای زره پوش ها نیز مقام مخصوصی دارد و آله های متحرك فیر کننده بدون درايور خيلي بسهولت می تواند در منطقه دشمن ولو موانع زياد داشته باشد اجراآت خوبی بدارد و اين نوع اجراآت ذريعه تېلي ميخانيك از طرف متخصصين عسکری امريکائی تجربه و استعمال گرديده .

خدماتیکه از تېلي ميخانيك در قوای هوائی شعبات عسکری گرفته میشود با اهمیت و پر قيمت است تېلي ميخانيك و هوا بازی در کره ارض وسيله حاکميت بشر میباشد هوا بازی و راديو تېلي ميخانيك را نمی توان با ديگر اختراعات مقايسه نمود زیرا اين فن بود که بشر را به اينقدر موفقيت رسانيده توانست طياره اتوماتيکی بوجود آورده و بدون پيلوت بذريعه راديو آن را اداره نمايد

اين ترقی هوا بازی ما را وادار می سازد تا ذکر کنیم در آينده راديو تېلي ميخانيك چه نوع کار های



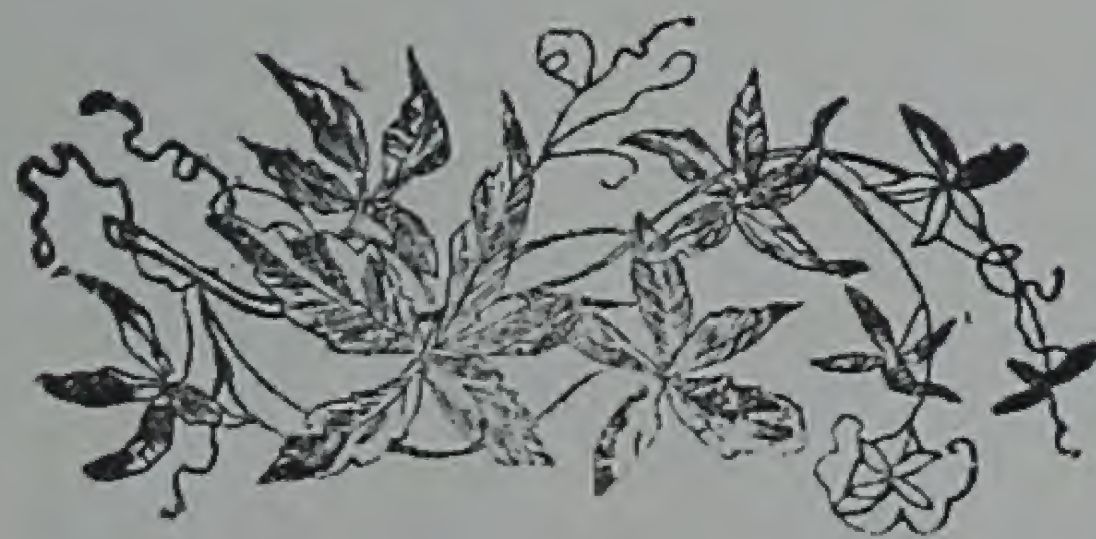
در کارخانه های کيس افشان در بيرم آله تېلي ميخانيک

فوق العاده را انجام خواهد داد یکی از انجنیر های نامدار فرانسه م پرشیرون در سنه ۱۹۲۳ طیاره اوتوماتیک آینده را که خیلی عجیب بود (حاضر ساخته و استعمال کرده است) رسم نموده و گفته بود که این طیاره از عجائبی نیست که خیالی و سرسری تصور گردیده و بر عملی شدن آن تعجب و انکار شود بلکه برای عملی گردیدن آن اسناد و دلائل قناعت بخشی موجود است و نیز انجنیر مذکور یک طریقه دیگر را پیشنهاد کرده و عقیده داشت که در آینده قریب می توان از زمین ریل های هوائی را بذریعه رادیو تیلی میخانیک اداره کرد، و این ریل ها حامل پسته و سامان تجارتی بوده و مسافرین در ارتفاعات ۱۲ تا ۱۳ کیلومتر که در آنجا هوا از سطح زمین ۴ تا ۵ دفعه خفیف تر است پرواز خواهند کرد و به اینصورت سرعت رفتار را می توان فی ساعت از (۴۰۰ تا ۵۰۰) کیلومتر ترقی داد .

هر گاه باین گونه طیاره ها و ریل ها به این اندازه ارتفاعات مسافرین پرواز داده شود در آن حال حتمی و لازمی است که اطاقهای نشیمن مسافرین مملو از هوای ثقیل و بدرجه کفایت ساکنین آن باشد تا تکلیف مسافرین رفع شود و هکذا بواسطه آله های که در طیاره نصب خواهد شد می توان طیاره را بدون نشستن در هوا گردش داده و بیش از حد معین پرواز داد .

علاوه از آن درین طیارات جادادن مواد سوزنده مثل چوب و غیره هم زیاد بکار نبوده و بلکه مسافرین را می توان در مسافه های دور از یک طیاره بدیگر طیاره حمل و نقل داد و این نوع تجارب کنون اجرا و عملی شده و یک نتیجه درخشانی از آن حاصل گردیده است .

درین اواخر یکی از ژنرال های انگلیس موسوم به فولی روم پیش نهاد نموده است که باید در موتور های زره پوش قوماندانان قلم تیلی میخانیک وجود داشته باشد تا ذریعه طیاره کشفیاتیکه بعمل می آید و او امریکه داده می شود ذریعه این قلم تحریر و نقشه منطقه حرب را رسم نماید . کذا در مناطق حرب زمانیکه او امر تحریری برای مالدونان لازم باشد بواسیله قلم مذکور می توان هدایات را بسهولت اعلان نمود . ممکن است این نظریه نیز پایه اکمال را طی نماید ، و شاید ازین قبیل اختراعات حربی که تعلق به رادیو تیلی میخانیک دارد بسی تکمیل یافته و از انظار بواسطه اهمیت و حربی بودن آن مخفی مانده باشد .



همالك عالم

ملاحظات	مرکز	مساحتہ مربع کیلومتر نفوس	طرز حکومت	قطعه بر	حکومت
مسلمان	کابل	۱۲۰۰۰۰۰۰	۷۹۶۵۲۱	شاهی	افغانستان آسیا
الف :					
اکثر اہالی مسلمان	باکو	۲۵۷۵۴۰۰	۸۵۹۶۳	جمہوریت شورائیہ	آذربائیجان
بلوم فون تین		۶۲۸۸۲۷	۱۲۸۵۸۰	امپراطوری برطانیہ	آرنج فریستیت
یکی از ولایات ہند است	شیلانک	۸۶۲۲۲۵۱	۱۳۷۳۰۳	»	آسام آسیا
	کین بیرہ	۶۶۲۳۷۵۷	۷۰۳۸۵۰	»	آسٹریلیا اوقیانوسیا
یکی از حصص استرالیہ	پورت دارون	۴۶۵۴	۱۳۵۶۱۲۰	»	آسٹریلیای شمالی
» » » »	ایدلید	۵۸۰۸۴۹	۹۸۴۳۴۱	»	» جنوبی
» » » »	یرت	۴۳۸۱۱۳	۲۵۲۷۵۳۰	»	» غربی
	ویانہ	۶۷۳۲۶۲۵	۸۳۸۵۷	جمہوریت	آسٹریا اروپا
یکی از حصص ہند	آگرہ	۳۵۶۱۳۷۸۴	۲۱۲۷۲۷	امپراطوری برطانیہ	آگرہ آسیا
» » » »	الہ آباد	۴۸۴۰۸۷۶۳	۲۷۵۲۹۲	»	آگرہ واودھ
یکی از اتحاد جماہیر اشتراکیہ شوروی	دیساؤ	۳۵۱۴۷۱	۲۳۱۴	جمہوریت	آنہالت اروپا
	دہلن	۲۹۷۲۸۰۲	۶۸۸۹۵	دولت آزاد داخل	آئرلینڈ
				امپراطوری برطانیہ	(آئر شفری ستیت)
	بلغاست	۱۴۱۷۴۱۷	۳۱۵۶۴	شاهی برطانیہ	آئرلند شمالی
	رایکٹیاویک	۱۰۸۶۴۶	۱۰۲۸۱۹	شاهی مربوط بہ دنہارک	آیسلانڈ (جزیرہ)
ربع اہالی مسلمان است	بنگرویل	۱۸۶۶۳۱۶	۳۲۳۹۲۵	مستملکہ فرانسیہ	آیوری کوسٹ افریقہ
» »	عدیس ابابا	۱۲۰۰۰۰۰۰	۱۱۲۰۴۰۰	شاہنشاهی	ابی سینیا (حبشہ)
	پرتوریہ	۸۰۷۲۸۰۰	۱۲۲۳۳۲۸	امپراطوری برطانیہ	اتحاد افریقائی جنوبی
				جمہوری شورائی	اتحاد جماہیر اروپا آسیا
					اشتراکیہ شورائیہ
				»	» » » » روسیہ
مسلمان	ابوعریش	۷۵۰۰۰۰	۳۵۹۰۰	تحت حمایت عرب سعودی	اثیر آسیا

سالنامه « کابل »

مملکت	قطعه بر	طرز حکومت	مساحت مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
اجیر میرواره	آسیا	امپراطوری برطانیه	۷۰۲۱	۵۶۰۲۹۲	اجیر	از ولایات هند برطانیوی
ارجن تائن	امریکه جنوبی	جمهوریت	۲۸۰۲۴۳۶	۱۱۸۴۶۶۵۰	بونیس آیرس	
ارمنستان	آسیا	جمهوریت شوراییه	۲۹۶۶۰	۱۰۱۳۸۰۰	ایروان	
اری تریا	افریقہ	ایتالیا	۱۱۹۰۰۰	۶۲۱۷۷۶	آسمارا	اهالی آن مسلمان می باشند
استونیا	اروپا	جمهوری	۴۵۲۲۲	۱۱۷۵۳۸	تالین (ریوال)	
افریقہ جنوبی	افریقہ	تحت اقداب برطانیه	۸۳۵۹۵۴	۲۵۸۹۰۵	وندهویک	
افریقہ غربی	»	مستملکه فرانس	۴۶۵۹۷۰۷	۱۴۵۷۵۹۷۳	داکار	ربع اهالی مسلمان است
فرانسوی	»	مستملکه فرانس	۲۲۵۵۸۷۰	۳۱۹۲۲۸۲	برازاویل	
استوآنی	»	شاهی	۲۷۵۳۸	۱۰۰۳۰۶۸	دورازو	یگانه سلطنت اسلامی در اروپا است
البرتا	امریکه شمالی	امپراطوریت برطانیه	۶۶۱۱۶۱	۷۳۱۶۰۵	ایدمانتون	در کانادا واقع است
الجزایر	افریقہ	مستملکات فرانسه	۲۱۹۶۲۹۱	۶۵۵۳۴۵۱	الجزائر	اسم عربی آن مغرب الوسط میباشد
امارات ابوسابی	آسیا	مشایخ تحت حمایه برطانیه	۱۵۶۰۰	۸۰۰۰۰	ابوسابی	مسلمان
انام	»	امپراطوری تحت الحمایه فرانسه	۱۴۷۶۰۰	۵۱۲۲۰۰۰	هانوی	واقع هند چین
ان تی گوا	جزائر غرب-الهند امریکه	امپراطوری برطانیه	۴۵۲	۵۲۳۱	اندورا	رجوع شود به جزایر لیورد تحت حمایت مشترکه فرانسه و اسپانیه
اندورا	اروپا	جمهوریت	۴۵۲	۵۲۳۱	اندورا	
انگلستان	»	شاهی	۱۳۱۷۶۱	۳۷۳۵۴۹۱۷	لندن	
انگولا (افریقہ غربی پرتگالی)	افریقہ	مستعمرة پرتگال	۱۲۵۵۷۷۵	۴۱۸۱۷۳۰	لوآن دا	
اوبانگی شاری	»	مستملکه فرانس	۴۹۳۰۰۰	۱۰۹۰۰۸۴	بانگوئی	نصف اهالی آنجا مسلمان میباشد
اوده	آسیا	امپراطوری برطانیه	۶۲۵۶۵	۱۲۶۹۴۹۷۹	لکهنؤ	
اورکنی (جزایر)	اروپا	امپراطوری برطانیه	۹۷۵	۲۴۰۱۰۹	کریک وال	
ازبکستان	آسیا	اتحاد جماهیر شوراییه	۱۷۶۱۰۰	۴۷۵۳۸۰۰	تاشکند	
اوکراین	»	جمهوری شوراییه	۴۵۲۲۰۰	۳۱۶۰۸۲۰۰۴	خارکوف	در اتحاد جماهیر اشتراکیه شوراییه شامل است

ممالك عالم

مملکت	قطعه بر	طرز حکومت	مساحه مربع كيلومتر	نفوس	مركز	ملاحظات
اولدن برگ	اروپا	اتحاد جرمنی	۶۴۲۴	۵۴۵۷۴۹	اولدن برگ	
اوتریو-	امریکه	امپراطوری	۱۰۶۸۵۴۴	۳۴۳۱۶۸۳	تورونتو	
ایتھو دویا	شمالی	برطانیه				رجوع شوده ابی سینیا
ایران	آسیا	شهنشاهی	۱۶۴۳۵۵۸	۱۰۰۰۰۰۰۰	طهران	اکثراهای آن مسلمانست
ایتالیا	اروپا	شاهی	۳۱۰۱۴۰	۴۱۸۰۶۰۰۰	روما	
ایتالیا	«افریقا»	»	۲۴۲۱۶۷۰	۴۳۰۰۰۰۵۲۱	»	
بامستکاتش						
ایکو ادور	امریکه جنوبی	جمهوری	۴۵۱۱۸۰	۲۵۰۰۰۰۰	کوئی تو	
ب :						
باربا دوس	غرب الهند	امپراطوری	۴۳۰	۱۷۳۶۷۴	بریج تاون	
(جزیره)	امریکه	برطانیه				
باسوتولیند	افریقه	»	۳۰۳۴۳	۶۵۰۰۰۰	ماسیرو	
باشقر	اروپا	اتحاد جماهیر	۱۵۱۸۲۰	۲۹۷۵۴۰۰	اوفه	
		اشتریکه شورائیه				
برار	آسیا	امپراطوری	۴۶۰۱۵	۳۴۴۳۷۶۵	امراوتی	یکی از ولایات حیدر آباد دکن که تحت اداره انگلیس است
برازیل	امریکای جنوبی	جمهوری	۸۵۱۱۱۸۹	۴۱۰۷۹۰۰۰	رایو دی	
برالقطر	آسیا	شیخ تحت الحمايه	۲۲۱۰۰	۲۶۰۰۰	جینرو الیبداء	مسلمان
برطانیه	اروپا	امپراطوری	۳۸۳۴۲۴۵۰	۴۹۲۰۸۱۰۰۰	لندن	امپراطوری برطانیه
برما	آسیا	امپراطوری	۶۰۵۲۷۷	۱۴۶۶۵۶۱۸	رنگون	از ملحقات هند
برموداس	امریکه	»	۴۹	۲۷۷۸۹	هیملتن	
(جزیره)	شمالی					
بروده	آسیا	مهارا جائی تحت الحمايه	۲۱۰۴۸	۲۴۳۳۰۰۷	بروده درهند	
برونزویک	اروپا	اتحاد جماهیر جرمنی	۳۶۷۲	۵۰۱۶۷۵	برونزویک	
برونی	آسیا	سلطان تحت الحمايه	۶۵۰۰	۳۰۱۶۲	برونی	در جزایر شرقی الهند مسلمان
برین	اروپا	اتحاد جماهیر جرمنی	۲۵۷	۳۳۸۸۴۶	برین	یکی از ایالات جرمنی
بلجیم	»	شاهی	۳۰۴۴۴	۸۱۲۹۸۲۴	برسلز	
بلغاریا	»	»	۱۰۳۱۴۶	۶۰۶۷۰۰۰	صوفیا	
بلوچستان	آسیا	امپراطوری	۱۴۰۴۴۵	۴۶۳۵۰۸	کوئته	یکی از ولایات هند
برطانوی	برطانیه					برطانوی-مسلمان

سالنامه کابل

مملکت یا قلمرو	قطعه بر	طرز حکومت	مساحت مربع کیلومتر	نفوس	امرا	ملاحظات
بلوچستان (قلات) آسیا	خاقی تحت الحمايه برطانيه	۲۰۸۲۵۳	۴۰۵۱۰۹	قلات	مسلمان	
بمبئی و سند	امپراطوري برطانيه	۳۲۰۱۶۵	۲۲۲۰۹۱۶۸	بمبئی	از ولايات هند	
بنگلادش		۱۹۹۰۱۵	۵۰۱۲۲۵۵۰	کلکته	یکی از ولايات هند	
بوريات و منگول	اتحاد جماهير اشتراکيه شورانيه	۳۷۶۳۷۷	۵۷۴۴۰۱	درخني اودسک		
بورنيو شمالي برطانيه	امپراطوري برطانيه	۸۰۵۶۱	۲۷۰۲۲۳	سنداگان	از جزاير شرق الهند مسلمان	
بورنيو هالندی	مستملکه هالند	۵۵۰۰۰۰	۲۱۹۴۵۳۳	نيجر ماسين	« مسلمان »	
بوسنيا و هرزک. اروپا (هرزی کووینيا)	شاهی یوگوسلاويه	۵۱۲۵۸	۱۸۸۹۹۲۹	ساراجي و	از ولايات یوگو سلاويه	
بولیوی امریکای جنوبی جمهوری		۱۳۳۲۸۰۸	۲۹۷۴۰۰۰	لاپاز		
بوهیمیا اروپا	جمهوری چکوسلواکیه	۵۲۱۲۵	۶۶۷۰۵۸۲	پراگ		
بویریا	اتحاد جماهير جرمني	۷۵۹۹۶	۷۳۷۹۵۹۴	میونخ		
بهار آسیا	امپراطوري برطانيه	۲۱۵۳۷۸	۳۷۵۹۰۳۵۶	پتنه	از ولايات هند	
بوریه						
بوتان	مهاراجه تحت الحمايه برطانيه	۴۶۰۰۰	۲۵۰۰۰۰	یونا که	به شمال هند وقوع دارد	
بجوانا لیند	تحت حمايه برطانيه	۷۱۲۰۰۰	۱۵۴۹۸۳	سپرووی		
بیدن اروپا	اتحاد جماهير جرمني	۱۵۰۷۰	۲۳۱۲۴۶۲	کارلسروه		
پاپوا (جزائر) اوقیانوسیه	امپراطوري برطانيه	۲۳۴۷۷۰	۲۷۶۱۲۵	پورت مورسبی		
پاراگویی امریکه جنوبی	جمهوری	۲۸۸۰۱۹	۱۰۶۵۰۰۰	ایسینشن	گرانچا کوکه بین بولیویا و پاراگویی متنازع فیه است مساحت آن ۳۶۶۶۶۲ مربع کیلومتر	
پاناما امریکه وسطی	جمهوری	۷۴۵۲۲	۴۶۷۴۵۹	پاناما		
پرتگال اروپا		۹۸۱۱۹	۶۶۹۸۳۴۵	لزن		
مستملکات آسیا		۲۱۹۲۹۰۰	۱۴۷۹۰۰۰۰	لزن		
فرانسی و سنت افریقه	مستملکه پرتگال	۹۴۴	۶۳۸۴۹	ساوی تومی	جزائر	
پروسیا اروپا	اتحاد جرمني	۲۹۲۶۹۵	۳۸۱۷۵۹۸۹	برلین		
پنجاب آسیا	امپراطوري برطانيه	۲۵۸۵۹۱	۲۳۵۸۰۸۵۱	لاهور	یکی از ولايات هند	
بولیند اروپا	جمهوری	۳۸۸۳۹۰	۳۲۱۳۲۹۳۶	وارسا		
پیرو امریکه جنوبی		۱۳۷۸۳۶۰	۶۲۳۷۰۰۰	لیما		

مملکت	قطعه بزر	طرز حکومت	مساحت مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
ت :						
تاتارستان	اروپا	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه	۶۷۰۶۰	۲۷۰۵۵۰۰	قازان	
تاجکستان	آسیا	» » » »	۱۴۵۸۶۷	۱۱۸۷۵۰۰	ستالینگراد (دوشنبه)	
تانکاینکا	افریقه	امپراطوری برطانیه	۹۴۱۵۵۲	۵۰۶۴۸۱۹	دارالسلام	
تانو تووا	آسیا	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه	۱۶۵۰۰۰	۶۲۰۰۰	خیم بلدار	
تاهیتی و غیره اوقیانوسیه (جزایر)		مستملکه فرانسه	۴۰۰۰	۳۹۹۲۰	پایتیه	اوقیانوسیه ای فرانسوی
تبت	آسیا	تحت حمایت چین	۱۱۵۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰	لاهاسه	
ترانسوال	افریقه	امپراطوری برطانیه	۲۸۶۰۵۳	۲۰۸۷۶۳۶	پریٹوریه	یکی از حصص اتحاد جنوب افریقہ
ترکستان چینی آسیا		اعلان استقلال نموده	۱۴۲۵۰۰۰	۲۷۰۰۰۰۰	اورومچی	
ترکمنستان	»	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه	۴۴۳۶۴۹	۱۱۵۶۳۰۰	عشق آباد	
ترکیه	اروپا آسیا	جمهوری	۷۶۲۷۳۶	۱۳۶۶۰۲۷۵	انقره (انگوره)	
ترینیداد و توباگو	امریکه	امپراطوری برطانیه	۵۱۱۷	۴۱۲۷۸۳	پوت اوسپین	
تسمانیا	اوقیانوسیه	» »	۶۷۸۹۴	۲۲۷۴۷۳	هوبارت	
تمور (مجمع الجزائر) آسیا		مستملکه پرتگال	۱۸۹۸۹	۱۱۴۶۶۶۰	دلی	قسمتی مستملکه پرتگال و قسمتی مستملکه هالیند
توگولیند برطانوی افریقہ		تحت انتداب برطانیه	۳۳۷۷۲	۲۹۳۷۱۷	هو	مربوط ساحل طلائی
» فرانسوی »		» » فرانسه	۵۶۱۶۹	۷۵۰۰۰۶۵	لوم	
تونس	»	بیگ تحت الحمايه فرانسه	۱۲۵۱۳۰	۲۴۱۰۶۹۲	تونس	
تونکن	آسیا	تحت حمایت فرانسه	۱۱۵۷۰۰	۸۰۹۷۴۲۹	هانوئی	
تونگا (جزایر) اوقیانوسیه		تحت حمایت برطانیه	۱۰۰۱	۲۹۴۳۹	نو کوآلوا	جزایر فرندی هم می گویند
تورنگیا	اروپا	جزء اتحاد جمهوری جرمنی	۱۱۷۶۶	۱۶۰۹۳۰۰	ویمار	
ج :						
جاپان	آسیا	امپراطوری	۳۸۲۰۷۱	۶۴۴۵۰۰۰۵	توکیو	
» با مستعمرات »		»	۶۸۱۴۹۰	۹۱۷۹۲۶۳۹	»	
جبل الطارق	اروپا	امپراطوری برطانیه	۵	۲۱۳۷۲	جبل الطارق	
جبل دروز	آسیا	تحت انتداب فرانسه	۶۰۰۰	۶۰۰۰۰	سویدا	
جرمنی	اروپا	جمهوری اتحادی	۲۹۵۵۶۶	۶۵۳۰۰۰۰۰	برلین	
جورجیا (گرجستان)	»	» شورائیه	۷۰۰۹۴	۲۹۲۴۶۰۰	تفلیس	
جووهو	آسیا	سلطان تحت حمایت برطانیه	۲۲۱۴۸	۲۸۲۲۳۴	جوهور بهرو	یک ریاست ملایا

سالنامه « کابل »

مملکت	قطعه بر	طرز حکومت	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
ج :						
چکوسلواکیا	اروپا	جمهوری	۱۴۰ ر ۳۹۴	۱۴۷۲۶ ر ۱۵۸	پراگ	
چلی	امریکای جنوبی *		۷۴۱ ر ۷۶۷	۴ ر ۲۸۷ ر ۶۶۵	سنت یاکو	
جوزن	آسیا	امپراطوری جاپان	۲۲۰ ر ۰۰۰	۲۰ ر ۲۶۲ ر ۹۵۸	سبول	به کوریانیز معروفست
جرواشا	*	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائی	۱۷ ر ۹۲۰	۹۰۹ ر ۱۰۰	جوق سرای	
چین	*	جمهوری	۱۲ ر ۴۵۲ ر ۶۰۰	۴۷۴ ر ۷۸۷ ر ۳۸۳	نانکین	
چین خاص	*	*	۵ ر ۸۳۹ ر ۵۰۰	۴۴۴ ر ۴۷۸ ر ۳۸۶	نانکین	فعلاً از امپراطوری چین همینقدر باقیمانده
چینل آی لیندز (جزایر)	اروپا	امپراطوری برطانیه	۲۲۲	۹۳ ر ۰۶۱	سنت هیلیر	در رودبار انگلستان واقع است
ح :						
حجاز	آسیا	شاهی	۴۴ ر ۳۰۰	۹۰۰ ر ۰۰۰	مکه معظمه	یک جزء دولت عربیه سعودیه است
حضر موت	*	سلاطین عرب	۱۵۱ ر ۵۰۰	۱۲۰ ر ۰۰۰	ماکلا	
حیدرآباد	*	نظام تحت حمایت برطانیه	۲۱۴ ر ۱۷۹	۱۴ ر ۳۹۵ ر ۴۹۳	حیدرآباد	بزرگترین ریاستهای هند است
د :						
دغستان	اروپا	جمهوری شورائی	۵۷ ر ۳۲۰	۹۰۱ ر ۵۰۰	نخج قلعه	اکنون در تقسیمات اروپا آمده اکثر اهالی آن مسلمانست
داقار	افریقه	مستملکه فرانس	۱۵۷	۵۳ ر ۹۸۲	داقار	
دانزیک	اروپا	شهر مستقل	۱ ر ۹۵۱	۴۰۷ ر ۵۱۷	دانزیک	
دلاشیا	*	یوگوسلاویا	۱۲ ر ۷۴۵	۶۲۱ ر ۴۲۹	راگوسا	از ایالات یوگوسلاویا
دتمارک	*	شاهی	۴۲ ر ۹۳۴	۳ ر ۵۵۰ ر ۶۵۱	کوپن هاگن	
دومینیکا	امریکا	جمهوری	۴۸ ر ۷۱۱	۱ ر ۲۰۰ ر ۰۰۰	سانتو دومینگو	از جزائر غرب الهند
دهلی	آسیا	امپراطوری برطانیه	۱۵۳۶	۶۳۶ ر ۲۴۶	دهلی	از ولایات هند برطانوی
دهومی	افریقا	مستعمره فرانسه	۱۲۲ ر ۱۰۰	۱ ر ۱۱۴ ر ۰۰۰	پورتونووو	ربع اهالی آن مسلمان میباشند
ر :						
راجیوتانه	آسیا	تحت حمایت امپراطوری برطانیه	۳۳۴ ر ۶۴۸	۱۳ ر ۳۰۸ ر ۷۸۱		مجموعه ریاستهای هندی

ممالك عالم

مملکت	قطعه بر	طرز حکومت	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
راس تری توری	قطب جنوبی	مستملکه برطانیه	۲۰۰۰ ر ۲۰۰۰			
روآنده اوروندی	افریقه	تحت انتداب بلجیم	۵۴۸۰۰	۳۴۵۰ ر ۹۳۷	اوسوم بورا	
رودیشیای جنوبی	افریقه	امپراطوری برطانیه	۳۸۹ ر ۳۷۴	۱۰۹ ر ۰۱۲	سالس بری	
رودیشیای شمالی	افریقه	امپراطوری برطانیه	۷۴۵ ر ۷۶۰	۱۳۸۵ ر ۳۹۶	لونگستن	
روس سفید	اروپا	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائییه	۱۲۵ ر ۹۵۰	۵۲۹۰ ر ۳۰۰	منسک	
رومانیه	اروپا	شاهی	۲۹۴ ر ۹۶۷	۱۸۰ ر ۲۳۷	بخارست	
ریاستهای متحده ملایا آسیا	رؤسای محلی تحت حمایه برطانیه	۷۱ ر ۶۰۸		۷۱۳ ر ۰۹۶	کوالالامپور اهالی آن مسلمان میباشند	
ریاستهای ملایا آسیا	تحت حمایه برطانیه	۵۸ ر ۱۸۴		۱۰۰ ر ۵۲۸	مندوب برطانوی در جوهور سکونت دارد اهالی آن مسلمان میباشند	
ری یونیون	افریقه	مستملکه فرانسه	۲۵۱۲	۱۹۷ ر ۹۳۳	سن پیر	
زنجر بار (زنزیبار)	افریقه	سلطان تحت حمایه برطانیه	۲۶۴۲	۲۳۵ ر ۴۲۸	زنجر بار	
س :						
سار	اروپا	تحت اداره جمعیت اقوام	۱۸۸۸	۸۰۵ ر ۷۲۴	سار بروک	در سنه ۱۹۳۵ از اهالی رای گرفته خواهد شد که بحال موجوده راضی هستند یا بتابعیت آلمان یا فرانسه
ساراوک	آسیا	راجه تحت حمایه برطانیه	۱۰۸ ر ۸۰۰	۶۰۰ ر ۰۰۰	کوچنگ	راجه مملکت یکسفر انگلیس است
ساردینیا (جزیره)	اروپا	شاهی ایتالیه	۲۴۰ ر ۹۰	۹۷۳ ر ۱۲۵	کالیاری	
ساسکاتچوان	امریکه شمالی	امپراطوری برطانیه	۶۵۱ ر ۸۷۶	۹۲۱ ر ۷۸۵	رجینا	یکی از ولایات کانادا
سالویدور	امریکه وسطی	جمهوری	۳۴۱ ر ۱۲۶	۱۴۵۹ ر ۵۷۸	سان سالویدور	
ساموآی غربی	اقیانوسیه	تحت انتداب برطانیه	۲۹۳۴	۴۶ ر ۱۵۰	آپیا	
سان مارینو	اروپا	جمهوری	۶۱	۱۳۹ ر ۴۸	سان مارینو	
سایرانیکا	افریقه	مستعمره ایتالیه	۷۳۸ ر ۰۰۰	۱۶۴ ر ۶۰۷	بنغازی	اهالی آن مسلمان است
سیتز برجن (جزائر)	اروپا	ناروی	۶۳۰ ر ۹۵	۱۵۶۳	لانگ هیرباین	
ستريت ستاهنتس	آسیا	امپراطوری برطانیه	۳ ر ۹۶۵	۱۱۴۶ ر ۹۸۴	سنگاپور اکثر	» » »
سخالین جنوبی	آسیا	مستملکه جاپان	۳۶ ر ۰۹۰	۲۹۵ ر ۱۹۶	تویوها را	
(کارافوتو)						
سسیلی (صقلیه)	اروپا	شاهی ایتالیه	۲۵ ر ۷۳۸	۴ ر ۲۶۸	پلر مو	

سالنامه « کابل »

مملکت	قطعه بر	طرز حکومت	مساحت مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
سکاتلیند	اروپا	شاهی برطانیه	۷۷۱۷۱	۴۵۵۴۲۸۴۲ ر	ایدن برا	
سکم	آسیا	مهاراجه تحت حمایت برطانیه	۶۰۴۷ ر	۸۱۷۲۲ ر	تم لونگ	یکی از ریاستهای هند است
سکسی	اروپا	اتحاد جرمنی	۱۴۹۸۶	۱۳۸۹۹۶ ر	در سدن	
سلواکیه	»	چکسلواکیه	۷۰۹۷۵	۳۰۰۰ ر	براتسلاوه	
سلوینیا	»	یوگسلاویه	۱۶۲۰۸	۱۵۵۰ ر	زاگرب	
سائرا	آسیا	مستملکه هولیند	۴۲۳۰۳۵	۵۷۰۲۳۸ ر	بنکولن	از جزایر شرق الهند
سنت هیلینا (جزیره)	افریقه	امپراطوری برطانیه	۱۲۲	۳۹۴۷ ر	جیمز تائون	محبس و محل فوت ناپولیون
سن گیانگ (ترکستان چینی)	آسیا		۱۴۲۷۰۰۰	۲۵۰۰ ر	ارومچی	در مملکت انقلاب است
سوازی لیند	افریقه	امپراطوری برطانیه	۱۷۳۵۹	۱۱۷۸۷۷	مبابانی	
سوتزلیند	اروپا	جمهوری اتحادی	۴۱۲۹۵	۴۰۶۶ ر	برن	
سودان	افریقه	مستملکه فرانسه	۱۴۵۳۷۷۵	۲۸۵۵۶۵۸ ر	کائس	تمام اهالی آن مسلمان است
فرانسوی						»
سودن مصری	افریقه	مستملکه مشترکه مصر و برطانیه	۲۶۰۹۸۰۰	۵۸۴۸ ر	خرطوم	»
برطانوی						»
مومال ایطالوی	افریقه	مستملکه ایطالیه	۵۰۰ ر	۱۰۸۱۵ ر	موگادیشو	»
» برطانوی	افریقه	امپراطوری برطانیه	۱۷۶۰۰۰	۳۴۴۷۰۰ ر	بربره	»
» فرانسوی	»	مستملکه فرانسه	۲۳۰۰۰	۸۷۷۷۸ ر	جبتی	عموم سکنه آن مسلمان است
سورینام	امریکه جنوبی	» هولیند	۱۲۹۱۰۰	۱۵۵۸۸۸ ر	پاراماریبو	نام دیگر آن گیانای هولندی است
سوریه	آسیا	تحت انتداب فرانس	۱۲۷۰۰۰	۱۶۲۰۰۰ ر	دمشق	اکثر اهالی مسلمان است
سویدن	اروپا	شاهی	۴۴۸۹۸۰	۶۱۹۰۳۶۴ ر	ستاگهالم	
سیام	آسیا	شاهی	۵۱۸۱۶۲	۱۲۳۵۵۰۰ ر	بنگکاک یک خمس	»
سیرالیون	افریقه	امپراطوری برطانیه	۷۲۳۲۴	۱۶۷۲۰۵۷ ر	فری تاؤن نصف	»
سیلون (میرانندیپ) لنکا	آسیا	امپراطوری برطانیه	۶۵۶۰۸	۵۸۷۱ ر	کولومبو	جزیره است به جنوب هند
می لی بیز (جزایر)	آسیا	هولیند	۱۲۰۰۰	۴۲۲۶۵۸۶ ر	مکاسر	از جزایر شرق الهند اکثر اهالی مسلمان است
سینی گال	افریقه	مستملکه فرانسه	۲۰۱۳۷۵	۱۵۸۴۲۷۳ ر	سن لوئی	نصف اهالی مسلمان است
شاد	افریقه	مستعمره فرانسه	۱۲۴۸۰۰۰	۱۰۵۳۰۰۶ ر	فورت لامی	تمام اهالی آن مسلمان است

ممالك عالم

مملکت	قطعه بر	طرز حکومت	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
شرق اردن	آسیا	امارت تحت انتداب برطانیه	۱۶۲۲۰	۲۶۰۰۰۰	امان	اکثر اهالی آن مسلمانست
شرق الهند	آسیا	امارات تحت حایه هولند برطانیه فرانسه جاپان امریکه	۱۳۴۰۰	۶۰۷۳۱۰۲۵		از جزایر شرق الهند تقریباً کل اهالی آن مسلمان است
شمبرگ لیپ	اروپا	اتحاد جرمنی	۳۴۰	۴۶۶۶۰	بوکی بورگ	یکی از ایالات جرمنی
شیتلیند (جزائر)	»	شاهی برطانیه	۱۴۲۶	۲۵۵۲۰	لرویگ	
شیخ سعید	آسیا	تحت حایه برطانیه	۱۶	۱۰۰۰	ساحل عرب	
ص :						
صحرای غربی	افریقه	مستملکه اسپانیا	۲۸۵۲۰۰	۳۲۰۰۰	ویلاکسنیروس	
هسپانوی						
صربیا	اروپا	شاهی یوگوسلاویا	۴۸۳۵۰	۲۹۱۱۷۰۱	بلگراد	
صوبه سرحد	آسیا	امپراطوری برطانیه	۳۴۷۵۴	۲۴۲۵۰۷۶	پشاور	یکی از ولایات هند
صوبه متوسط	»	»	۲۱۲۶۵۴	۱۲۰۲۸۸۶۳	ناگپور	از ولایات هند
ط :						
طرابلس غرب	افریقه	مستعمره ایتالیه	۸۷۵۳۷۲	۵۷۲۷۰۰	طرابلس	تمام اهالی مسلمان می باشد
طنجه	»	شهرین المللی	۳۷۳	۷۰۰۰۰	طنجه (تنجیر)	اهالی آنجا مسلمان میباشد
ع :						
عدن	آسیا	امپراطوری برطانیه	۱۹۴۰۰۰	۵۵۰۰۰	عدن	اهالی آن مسلمان میباشد
عراق	»	شاهی	۳۷۰۹۷۷	۲۸۴۹۳۰۰	بغداد	اکثر اهالی مسلمان میباشد
عرب سعودیه	آسیا	شاهی	۲۶۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	مکه معظمه	»
عمان	»	تحت اثر برطانیه	۱۵۱۶۷۵	۵۰۰۰۰۰	مسقط	گوا در در ساحل بلوچستان از مستملکات عمان و اهالی آن مسلمان است
ف :						
فاک لیند	امریکاء جنوبی	امپراطوری برطانیه	۳۰۰۰۰۰۰	۳۱۰۱	ستینلی	
فرانس	اروپا	جمهوری	۵۵۱۰۰۰	۴۱۸۳۴۹۲۳	پاریس	
فرانس	تمام قطعات	»	۱۲۳۵۷۸۲۰	۱۰۴۴۷۶۸۰۰	»	
بامستملکات آن	عالم					
فلسطین	آسیا	تحت انتداب برطانیه	۲۶۳۰۰	۳۵۰۰۱۵۴	یروشلم	بیشتر از دو ثلث اهالی آن مسلمانست
فنلیند	اروپا	جمهوری	۳۸۸۲۱۷	۳۶۶۷۰۶۷	هلسنگی	هلسنگفورس

سالنامه « کابل »

مملکت	قطعه بر	طرز حکومت	مساحت مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
فورموسا (تائیوان) آسیا	مستملکه جاپان	۳۵۹۷۴	۴۵۹۴۱۶۱	تای هوگو جزیر		
فیرو (جزایر) اروپا	» دنمارک	۱۴۰۰	۲۱۳۵۲	تارنزمان		
ق :						
قبرس	آسیا	امپراطوری برطانیه	۹۲۸۲	۳۴۷۹۵۹	نکوسیا	از جزایر مدیترانه
قرغزستان	»	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه	۱۹۶۷۴۰	۱۱۵۹۹۰۰	فروسی	
قره قلیاق	»	»	۱۱۹۵۷۱	۳۴۶۰۰۰	نوگوس	
قزاقستان	»	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه	۲۸۱۴۶۰۰	۷۲۶۰۵۰۰	المتا	دوثلک آن مسلمان است
ک :						
کانادا	امریکای شمالی	امپراطوری برطانیه	۹۵۵۶۸۱۷	۱۰۳۷۶۷۸۶	اتاوا	دو مینیون
کانگوی بلجیمی	افریقه	مستعمرة بلجیم	۲۳۸۵۱۰۰	۹۵۸۴۹۳۶	لی پولدویل	
» فرانسوی	»	» فرانسه	۲۴۰۰۰۰	۶۹۸۷۵۳	برازاویل	
کریت (قرطش) اروپا	یونان		۸۲۸۶	۳۸۶۲۴۷	کاندیا	جزیره
کریما (قریم) »	»	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه	۲۵۸۸۱	۷۹۳۷۰۰	سم فروپول	نصف اهالی مسلمان است
کشمیر	آسیا	مهاراجه تحت الحمايه برطانیه	۲۱۸۲۱۹	۳۶۹۹۰۶۵	سری نگر	درهند
کبودیا	آسیا	شاهنشاهی تحت الحمايه فرانسه	۱۸۱۰۰۰	۲۸۰۶۰۰۰	فوم پن	هند چینی
کوان تونگ	»	تحت اجاره جاپان	۳۴۶۲	۹۵۵۷۴۱	دایرن	از ملک چین
کوان چووان	»	تحت اجاره فرانسه	۸۵۰	۲۵۰۰۰۰	فوت بیارت	
کوچن چینا (چین کوچک)	آسیا	شاهی تحت الحمايه فرانسه	۶۸۶۵۰	۴۴۶۷۳۵۲	سیگون	از هند چین است
کورا کائرو امریکه		هولیند	۱۱۳۰	۷۶۲۹۹	ولیم ستاد	از جزایر غرب الهند
کورسیکا (جزیره) اروپا	فرانس		۸۷۳۰	۲۸۹۸۹۰	اجاک سیو	
کورشیلاوو وینیا	»	یوگو سلاویا	۴۳۸۷۴	۲۷۳۹۵۹۳	زاگریب (اگرام)	از ولایات یوگوسلاویا
کورک	آسیا	امپراطوری برطانیه	۴۰۹۷	۱۶۳۰۸۹	مرکاره	از ولایات هند برطانوی
کوریا (چوزن) »	»	امپراطوری جاپان	۲۲۰۷۴۱	۲۱۰۵۸۳۰۵	سیویل (کائیجو)	جزء جاپان خاص قرار داده شده

ممالك عالم

مملکت	قطعه بر	طرز حکومت	مساحت مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
کوستاریکا	امریکای مرکزی	جمهوری	۵۸۰۰۰	۵۲۹۶۹۰	سان جوزی	
کولمبیای برطانوی	امریکه شمالی	امپراطوری برطانیه	۹۲۱۶۲۶	۶۹۴۲۶۳	ویکتوریا	از ولایات کانادا
»	جنوبی	جمهوری	۱۰۱۵۰۲۲۰	۸۲۲۳۰۰۰	بوگوتا	
کویت	آسیا	شیخ تحت حمایت برطانیه	۵۰۰۰	۵۱۰۰۰	کویت	در ساحل شرقی جزیره العرب
کوینز لیند	آسترلیا	امپراطوری برطانیه	۱۷۳۶۵۲۴	۹۶۵۹۳۴	برسبین	یکی از ولایات آسترلیا
کیمرون برطانوی	افریقه	تحت حمایت برطانیه	۸۸۲۹۷	۷۷۴۵۸۵	بوئی یا	سابقاً از مستعمرات جرمنی بود
کیمرون (فرانسوی)	افریقا	تحت انتداب فرانسه	۴۱۸۲۱۵	۱۹۰۰۰۰۰	یوانده	سابقاً از مستعمرات جرمنی بود
کینیا	»	امپراطوری برطانیه	۵۸۲۳۷۴	۳۰۴۹۹۱۱	نیروبی	قسمتی مستعمره و قسمتی تحت حمایت برطانیه است
کیوبا	امریکا	جمهوری	۱۱۴۵۲۴	۳۷۶۸۱۹۲	یادانا	از جزائر غرب الهند
کیوبک	امریکای شمالی	امپراطوری برطانیه	۱۵۳۹۵۲۲	۲۸۷۴۲۵۵	کیوبک	یکی از ولایات کبانیه
کابون	افریقه	مستملکه فرانسه	۲۷۴۸۷۰	۳۸۸۸۹۹	لیبروین	
گرینلند (جزیره)	امریکه شمالی	مستعمره دنمارک	۲۱۷۵۶۰۰	۱۴۳۵۵	سد پرودن	
گوا	آسیا	مستملکه پرتگال	۳۸۲۹	۵۷۰۴۲۶	نیوگوا	به ساحل هند واقع است
گواتیمالا	امریکه وسطی	جمهوری	۱۰۹۷۲۴	۲۰۰۴۹۰۰	گواتیمالا	
گوادلوپ (جزایر)	امریکه	مستعمره فرانسه	۱۷۸۰	۲۶۷۴۰۷	باستر	از جزائر غرب الهند
گولد کوست	افریقه	امپراطوری برطانیه	۲۰۳۶۰۰	۳۱۶۳۵۶۸	آکرا	
گیانای برطانوی	امریکای جنوبی	امپراطوری برطانیه	۲۳۱۷۴۴	۳۱۲۴۹۸	جارج تاون	
» فرانسوی	»	مستملکه فرانسه	۸۸۲۴۰	۳۲۵۹۶	کائن	
» هالیندی	امریکه جنوبی	مستملکه هالیند	سوری نام	۱۵۵۸۸۸	پاراماریبو	

سالنامه « کابل »

مملکت	قطعه بر	طرز حکومت	مساحت مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
گیمبیا	افریقه	امپراطوری برطانیه	۱۰۷۰۶ ر	۱۹۹۵۲۰	باتهرست	
گیورن می (جزیره)	اروپا	مستملکه برطانیه	۶۵	۳۹۴۰۶	سان پیر	
گینی پرتگالی	افریقه	پرتگال	۳۶۱۲۵	۳۶۴۹۲۹	بولامه	
فرانسوی	افریقه	مستملکه فرانسه	۲۵۰۸۷۵ ر	۲۲۳۴۶۹۲	کونا کری	ربع اهالی مسلمان است
« هسپانوی »	« »	« هسپانیه »	۲۶۶۵۹	۲۰۰۰۰ ر	سالتا ایزابل	
لاتویا	اروپا	جمهوری	۶۵۷۹۰ ر	۱۹۰۰۰ ر	ریگا	
لاؤس	آسیا	شاهی تحت حمایت فرانسه	۲۳۱۴۰۰ ر	۹۹۴۰۰۰	اوئنت شان	
لای بیری	افریقه	جمهوری	۹۵۴۰۰ ر	۱۵۰۰۰ ر	موتروویه	
لبرادور (جزیره)	امریکه شمالی	امپراطوری برطانیه	۳۰۶۸۰۰ ر	۴۵۰۰ ر	یبتل هاربر	
لبنان	آسیا	تحت انتداب فرانسه	۱۰۵۰۰ ر	۸۰۵۰۰۰	بیروت	
لیپ	اروپا	اتحاد جمهوری جرمنی	۱۲۱۵ ر	۱۶۳۵۷۷	دت مولد	
لتاکیه	آسیا	تحت انتداب فرانسه	۶۵۰۰ ر	۲۸۳۰۰۰	لتاکیه	
لتوانیا	اروپا	جمهوری	۵۳۲۴۲ ر	۲۳۴۰۰۳۸ ر	کاوناس (کونو)	
لکسمبرک	« »	سرداری اعظم	۲۵۸۵ ر	۳۰۰۷۴۸ ر	لکسمبرک	
لیختن ستاین	اروپا	سرداری	۱۵۷	۱۰۲۱۳ ر	وادوز	
ایورد (جزائر)	امریکه	امپراطوی برطانیه	۱۸۶۲ ر	۱۲۶۴۰۰	انتیگوا	از جزائر غرب الهند
مارتی نیک	امریکه شمالی	مستملکه فرانسه	۹۸۷	۲۳۴۶۹۵	فوردوفرانس	از جزائر غرب الهند
ماری تاین	افریقه	« »	۸۳۴۸۵۰	۳۲۳۴۹۸	سن لوئی	
ماریشس (جزائر)	« »	برطانیه	۱۸۶۵ ر	۴۰۵۵۴۹	پورت « »	
مالتا (جزائر)	اروپا	مستعمره	۳۱۶	۲۴۴۰۰۲	ویلیتا	
مالدیو (جزائر)	آسیا	سلطان تحت حمایت برطانیه	۲۹۸	۷۰۴۱۳ ر	مالی کنگ	
مانچوکو	« »	امپراطوریت تحت حمایت جاپان	۱۹۳۷۰۰ ر	۳۴۰۸۴۹۸۰ ر	هسین	
مانیتوبا	امریکه شمالی	امپراطوری برطانیه	۶۵۲۲۱۸	۷۰۰۱۳۹	ونی پک	یکی از ولایات کانادا
ماورای قفقاز	آسیا	جمهوری شورایی	۱۸۵۷۱۷	۶۵۱۶۸۰۰	تفلس	
مدراس	« »	مستملکه برطانیه	۳۶۸۴۳۸	۴۶۷۴۸۶۴۴	مدراس	یکی از ولایات هند
مدغاسکر	افریقه	« فرانسه »	۶۲۷۳۲۷	۳۷۰۱۷۷۰	تاناناریو	جزیره نصف اهالی مسلمان است
مدیرا (جزائر)	« »	پرتگال	۷۳۹	۲۱۰۲۲۶	فون چال	
مراکش فرانسوی	« »	امپراطوری تحت حمایت فرانسه	۴۲۰۰۰۰ ر	۲۷۱۰۶۳۰ ر	رباط	

ممالك عالم

مملکت	قطعه بر طرز حکومت	مساحت مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
مراکش هسپانوی	افریقہ شریف تحت حمایت ہسپانیہ	۲۸۰۰۰	۷۷۴۰۰۰	طباطوان	
مصر	» شاہی	۹۹۴۳۰۰	۱۴۱۶۸۷۵۶	قاہرہ	
مکاؤ	آسیا مستملکہ پرتگال	۱۰	۱۵۷۸۰۵	ما کاو	بندر گام چینی
مکسیکو	امریکہ شمالی جمہوری	۱۹۶۹۱۵۴	۱۶۵۲۴۶۲۹	مکسیکو	
مکلنبرگ ستیراتیر	اروپا از اتحاد جمہوری جرمنی	۲۹۳۰	۱۱۲۰۵۲	ستیراتیز جدید	
» ٹویرن	» » » »	۱۳۱۲۷	۶۷۴۴۰۱	ٹویرن	
ملا کا (جزائر) آسیا	مستملکہ ہالینڈ	۷۵۵۴۷۵	۴۲۷۲۱۱	تربت	
منگولیا	» جمہوری ملی مغلی	۱۵۲۵۷۰۰	۱۸۰۰۰۰۰	ارگا (اولان	
(مغولستان)	تحت مراقبت چین			بو تور شو تو)	
موراویا	اروپا یکی از ولایات چکوسلواکیہ	۲۲۳۱۱	۲۶۶۲۸۸۴	برنو	
موریتانیا	افریقہ مستملکہ فرانس	۸۹۰۰۰۰	۲۸۹۱۸۴	موراگو	
موزنبیق افریقہ	» مستعمرہ پرتگال	۷۷۱۱۳۳	۳۹۹۵۸۳۱	لورن کومارکس	
شرقی پرتگالی					
مونا کو	اروپا سرداری	یک ونیم	۲۴۹۲۷	مونا کو	
میسور	آسیا مہاراجہ تحت الحایہ برطانیہ	۷۶۳۳۷	۶۵۵۷۸۷۱	میسور	
میکولان	امریکہ شمالی مستملکہ فرانس	۲۱۵	۴۹	سن پیر	
میمل	اروپا جزء لینوانیا	۲۴۱۷	۱۴۶۹۱۴	میمل	
مین (مان)	» شاہی برطانیہ	۵۷۲	۶۰۲۳۸	دگلز	
(جزیرہ)					
ناتال	افریقہ امپراطوری برطانیہ	۹۱۳۸۲	۱۴۲۹۳۹۸	پیترمارتس برگ	یکی از ولایات اتحاد افریقہ جنوبی
ناروی	اروپا شاہی	۲۲۲۶۷۱	۲۸۱۷۱۹۴	اوسلو	سابقاً اوسلورا
نایجیر	افریقہ مستملکہ فرانسه	۱۱۷۹۵۰۰	۱۵۴۲۷۱۴	زندر	گریسچیا نامی گفتند اکثر اہالی مسلمان است
نایجیریا	» امپراطوری برطانیہ	۹۶۵۱۸۷	۱۹۹۲۸۱۷۱	لاگواس	
نجد	آسیا شاہی	۱۰۷۲۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰	ریاض	جزء دولت عربیہ سعودیہ
نجران	آسیا داعی تحت حمایت عرب سعودیہ	۳۵۹۰۰	۷۵۰۰۰۰	ابو عریش	
نکاراگوا	امریکہ جمہوری	۱۱۸۴۵۳	۷۵۰۰۰۰	ماناگوا	
وسطی					
نووا اسکوشیا	امریکہ شمالی امپراطوری برطانیہ	۵۵۴۹۶	۵۱۲۸۴۶	ہلی فکس	
نیاسالینڈ	افریقہ تحت الحایہ برطانیہ	۱۰۳۴۸۲	۱۶۰۳۴۵۴	زومبا	

سالنامه « کابل »

ملاحظات	مرکز	نقوس	مساحت مربع کیلومتر	طرز حکومت	قطعه بر	مملکت
بشال هند	کتمندو	۵۶۳۹۰۹۲ ر	۱۴۰۰۰۰	شاهی	آسیا	نیپال
	امستردام	۸۰۶۱۵۷۱ ر	بها لند مراجعه شود		اروپا	نیدرلاندز (هالند)
یکی از ولایات کانادا	فریدریکتن	۴۰۸۲۱۹	۷۲۴۷۸	امپراطوری برطانیه		نیوبروتروک امریکه شمالی
	ولینگتن	۱۵۴۱۲۷۶ ر	۲۶۹۳۹۶			نیوزیلند (جزایر)
یکی از ولایات آسترالیا	سدنی	۲۶۰۰۴۲۸ ر	۸۰۱۳۹۶			نیوساوتیویلز
جزیره	سینت جان	۲۸۱۶۲۴	۱۱۰۶۷۷	مستعمرة برطانیه		نیوفونلاند
	نومیا	۶۲۹۱۹	۱۸۴۹۹	مستملکه فرانس		نیوکلیدونیا
	راباپول	۳۹۶۹۵۸	۲۴۰۸۶۰	تحت انتداب برطانیه		نیوخی برطانی
	ویلا	۵۱۰۰۰	۱۳۲۲۴	تحت الحمايه فرانس برطانیه		نیوهریدیز جزائر
	واتیکان	۷۱۱		شاهی روحانی نیم		واتیکان اروپا
		۲۳۰۰		تحت انتداب برطانیه		والفس (خلیج) افریقه
یکی از حصص آسترلیا	ستوگرت	۲۵۷۹۴۵۳	۱۹۵۰۸	جمهوری اتحاد جرمنی		ورتم برگ
	ملبورن	۱۸۱۸۰۸۰ ر	۲۷۲۶۱۰	امپراطوری برطانیه		وکتوریه اوقیانوس
یکی از ولایات اتحاد افریقه جنوبی است	کیپ تاؤن	۲۷۸۲۷۱۹	۷۱۷۳۱۳			ولایت راس آمیدا فریقا
	کاراکاس	۳۲۱۶۰۰۰	۹۱۲۰۵۰	امریکه جنوبی جمهوری		وینزیولا
یکی از حصص پروشیا	انجلز	۶۲۲۶۵۵	۲۷۲۴۶	اروپا اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه		وولگا
یکی از حصص یونانیتم کنگدم اکثر این مملکت از سطح بحر پست است	ایسن	۴۸۲۶۸۸۵	۲۰۲۴۱	جمهوری اتحاد جرمنی		ویستالیا
	کاردف	۲۵۹۳۰۱۴	۱۹۳۴۳	سرداری		ویلز
	امستردام	۸۰۶۱۵۷۱ ر	۳۴۲۰۰	شاهی	اروپا	هالند (نیدرلاندز)
		۶۹۰۲۲۶۰۰	۲۰۶۴۶۰			«بامستملکات اروپا آسیا امریکه»
	تیگو سیگال یا	۸۵۹۷۶۱	۱۵۴۳۰۸	امریکه وسطی جمهوری		هاندوراس
	بیلائیز	۵۱۳۴۷	۲۱۵۳۵	امپراطوری برطانیه		هاندوراس برطانی

ممالك عالم

مملکت	قطعه بر	طرز حکومت	مساحت مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
هانکا نک	آسیا	امپراطوری برطانیه	۱۲۰۱۲ ر	۸۴۹۷۵۱	ویکتوریه	در ساحل چین
هانگری (مجارستان)	اروپا	شاهی	۹۳۰۷۲	۸۶۸۸۳۴۹	بوداپست	
هائیتی	امریکه	جمهوری	۲۷۴۴۴	۲۵۵۰۰۰۰	پورتو پرنس	حکومت بدست حبشیان است
هس	اروپا	اتحاد جمهوری	۷۶۹۲	۱۳۴۷۲۹۵	دارمستات	
هسپانیه	»	جمهوری	۵۰۳۰۷۵	۲۳۸۱۷۱۷۹	مادرید	
همبرگ	»	شهر آزاد داخل اتحاد جمهوری	۴۱۵	۱۱۵۲۴۸۹	همبرگ	
هند	آسیا	امپراطوری برطانیه	۶۷۵۶۱۶ ر	۳۵۲۹۸۶۸۸۰	دهلی	خمس اهالی مسلمان است
» برطانوی	»	مستملکه برطانیه	۲۸۳۳۵۱۰	۲۷۰۵۶۱۳۵۳	دهلی	
» پرتگالی	»	یرنگال	۳۸۰۷	۵۷۹۹۶۹	نیوگوا	
» چینی	»	تحت حایه فرانسه	۷۴۱۲۵۰	۲۱۵۹۹۵۸۲	سیگون	
فرانسوی	»	تحت حایه برطانیه	۱۰۶۲۱۰۶ ر	۸۰۸۳۸۵۲۷		بچندین ریاست های علیجده منقسم است
» ریاستی	»	مستملکه فرانسه	۵۱۳	۲۹۰۴۶۰	پاندیچری	
» فرانسوی	»	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائی	۲۹۰۰۰۰۰	۳۱۲۵۰۰	یاگوتسک	
یاقوتیه	»	امام	۶۲۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	صنعا	
یمن	»	جمهوری	۱۸۶۹۲۶	۱۹۴۱۳۹۸	مانتی ویدیو	
یوروگوی	امریکه جنوبی	»	۳۸۵۰۸	۳۸۶۵۹۶	میریدا	یکی از حصص مکسیکو
یوکاتان	امریکه شمالی	»	۵۳۶۳۰۵	۳۸۴۷۹۰	داسن	
یوکون	»	تحت حایه برطانیه	۲۴۳۹۷۳	۳۵۵۳۵۳۴	انتیپی	
یوگندا	افریقه	شاهی	۲۴۸۶۶۵	۱۳۹۳۰۹۱۸	بلغراد	
یوگوسلاویه	اروپا	جمهوری	۱۳۰۱۹۹	۶۴۸۰۰۰۰	ایتنه (آتنه)	
یونان	»	شاهی	۲۴۱۸۰۰	۴۴۷۹۰۴۸۵	لندن	
یونانیستدکنگدم	»					



جزائر

مملکت	قطعه برو بحر طرز حکومت	مساحت مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
آزور	بحر اتلانتیک مستلکات پرتگال	۲۵۶۵	۲۵۳۵۹۶	یوتتاویل گارارا	قریب ساحل افریقہ شمالی
آسٹریلیا	اوقیانوسیه امپراطوری برطانیہ	۷۶۳۵۹۶۸	۶۳۷۶۸۹۶	کان بیرا	
اسینشن	افریقہ مستملکہ برطانیہ	۸۸	۲۲۰	جورج تائون	
الدری	ارویا	۸	۲۷۰۰	سنت این	
ان تی کوا	جزائر غرب امپراطوری برطانیہ الهند امریکہ			سینت جوهن رجوع شود به جزائر لیورد	
اندمان و نکوبار آسیا		۸۱۴۰	۲۹۴۶۳	پورت بلیئر	مربوط ہند برطانوی
اورکنی	ارویا امپراطوری برطانیہ	۹۷۵	۲۴۰۱۰۹	کر کوال	
باربہ دوس	غرب الهند امپراطوری برطانیہ امریکہ	۴۳۰	۱۷۳۶۷۴	برج تائون	
بالبارک	ارویا مستملکہ ہسپانیہ	۵۰۱۴	۳۷۵۱۰۱	پاما	
بحرین	آسیا شیخ تحت انتداب برطانیہ	۵۵۲	۱۲۰۰۰۰	ماناما	در بحر عمان
برطانیہ	ارویا شاہی	۲۲۸۲۷۵	۴۴۷۹۰۰۴۸۵	لندن	
برموداس	امریکہ شمالی امپراطوری برطانیہ	۴۹	۲۷۷۸۹	ہیملتن	
بسارک	اوقیانوسیه امپراطوری برطانیہ	۴۰۴۰۶	۱۸۸۰۰۰	را بال	
پورٹو برطانوی آسیا (پورٹیوی شمالی)	امپراطوری برطانیہ	۸۰۵۶۱	۲۷۰۲۲۳	سندا کان	از جزائر شرق الهند
بہاما	جزائر غرب الهند امریکہ	۱۱۴۰۶	۶۲۰۰۰	ناسو	
پایوا	اوقیانوسیه امپراطوری برطانیہ	۲۳۴۷۷۰	۲۷۶۱۵۲	پورت مورس بنا	
پیرم	آسیا مستملکہ برطانیہ	۱۳	۱۷۰۰	پیرم	مربوط بہ عدن
پرنسی و سنت توماس	مستملکہ پرتگال	۹۴۴	۶۳۸۴۹	ساؤ تومی	
پرنس ادورد	امریکہ شمالی امپراطوریت برطانیہ	۵۶۶۵۶	۸۸۰۳۸	شارلت تائون	
ترستان داکنہا	بحر اتلانٹیک مستملکہ برطانیہ	۱۳۵	۲۰۹	اون برک	

ممالك عالم

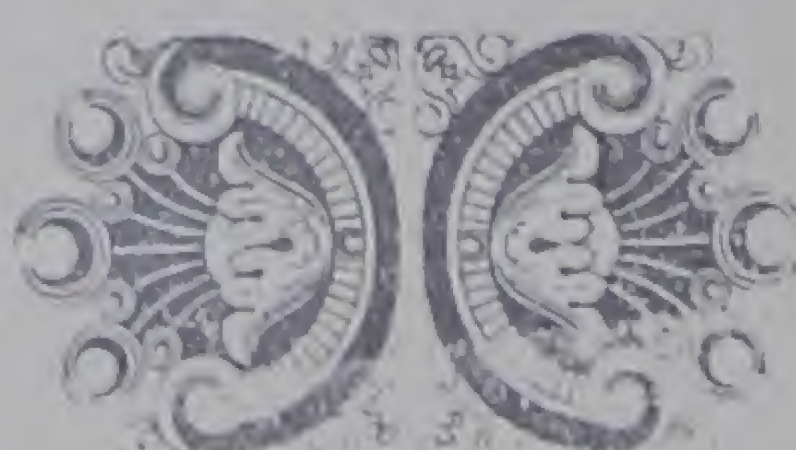
مملکت	قطعه بروج طرز حکومت	مساحه مربع كيلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
ترك	امريكه شمالی مستملكه برطانيه	۴۲۹	۴۸۸۶ر	گراند ترك	از جزاير غرب الهند
تاهيتی	اوقيانوس » فرانسه	۴۰۰۰ر	۳۹۹۲۰	پايته	اوقيانوسياي فرانسوي
ترينيداد و توباگو	امپراطوري برطانيه	۵۱۱۷ر	۴۱۲۷۸۳	پورت آسپين	
تسائيا	اوقيانوسيه » » »	۶۷۸۹۴ر	۲۲۷۴۷۳	هوبارت	
تمور	آسيا مستملكه پرتگال	۱۸۹۸۹ر	۱۱۴۶۶۶۰ر	دلی	قسمت مستملكه پرتگال و قسمتي مستملكه هولندي
تونگا	اوقيانوسيه تحت حمايه برطانيه	۱۰۱۱ر	۲۹۴۳۹	نوكو آ لوف	جزاير فرنگي هم ميگویند
جاپان	آسيا امپراطوري	۳۸۲۰۷۱	۶۴۴۵۰۰۰۵ر	توكيو	
جرمی	اروپا مستملكه برطانيه	۱۱۷	۵۰۴۵۵	سنت هيليرز	
جيمكا	امريكه امپراطوري برطانيه	۲۳۷۵۰	۱۷۲۷۰۰۱ر	لنگستن	
چينل آي ليندز	اروپا » » »	۲۲۲	۹۳۰۶۱	سنت هيليرز	در رود بارانگلستان واقع است
دومه نيكا	امريكا جمهوري	۴۸۷۱۱	۱۲۰۰۰۰۰ر	سان تودومينكو	از جزاير غرب الهند
ري يونين	افريقه مستملكه فرانسه	۲۵۱۲ر	۱۹۷۹۳۳	سن پير	
زنجبار	سلطان تحت حمايه برطانيه	۲۶۴۲ر	۲۳۵۴۲۸	زنجبار	
ساردينيا	اروپا شاهي ايطاليا	۲۴۰۹۰	۹۷۳۱۲۵	گالكلياري	
سالومون	اوقيانوسيه طوايف الملوك تحت حمايه برطانيه	۳۷۸۵۸ر	۹۴۰۶۶	مرکز معين ندارد	
ساموآ غربي	تحت انتداب برطانيه	۲۹۳۴ر	۴۶۱۵۰	آيا	
سان پير	امريكه شمالی مستملكه فرانسه	۱۴۱	۴۰۳۰	سان پير	
سايبيريای جديد آسيا	اتحاد جاهير »	۲۹۰۰۰ر			اتراكيه شوراه
سای مان	امريكه شمالی مستملكه برطانيه	۲۷۳	۵۹۸۷ر	مربوط بجزيره جيمكا	
سيتز برجن	اروپا ناروي	۶۳۰۹۵	۱۵۶۳ر	لانك هيرباتن	
سخالين جنوبي آسيا	مستملكه جاپان	۳۶۰۹۰	۲۹۵۱۹۶ر	توريوهارو	
(كارافوتو)					
سلسلی	اروپا شاهي ايطاليائي	۲۵۷۳۸ر	۴۲۶۸۱۱۶ر	يلرمو	
سقو طره	افريقه مستملكه سلطان قش تحت حمايه برطانيه	۳۵۷۶ر	۱۲۰۰۰	تاماريدا	
سماترا	آسيا مستملكه هاليند	۴۲۳۰۳۵	۸۲۳۸۵۷۰ر	بنكوان	
سنت هيلينا	افريقه امپراطوري برطانيه	۱۲۲	۳۹۴۷	جيمز تائون	محبس و محل قوت نا يوليون
سوسائيتی	اوقيانوسيه مستملكه فرانسه	۳۹۴۰	۳۹۹۲۰	پايته	
سيشيليز	افريقه » برطانيه	۴۰۴	۲۸۲۱۷	وكتوريا	
سيلون	آسيا امپراطوري برطانيه	۶۵۶۰۸ر	۳۰۶۸۷۱ر	كولومبو	جزيره ايست بجنوب هند
(ميرانديب) لنكا					

سالنامه « کابل »

مملکت	قطعه بروبحر	طرز حکومت	مساحت مربع کیلومتر	نقوس	مرکز	ملاحظات
می لی ییز	آسیا	مستملکه هولیند	۱۲۰۰۰	۴۲۲۶۵۸۶	مکاسر	از جزائر شرق الهند
شیتلیند	اروپا	شاهی برطانیه	۱۴۲۶	۲۵۵۲۰	لرویك	
غرب بحر الكاهل بحر الكاهل	تحت حمايه برطانیه	۳۰۸۰۵	۱۵۳۲۳۱	اوشن آیلند		
قاک لیند	امریکه جنوبی	امپراطوری برطانیه	۳۰۰۰۰۰	۳۱۰۱	ستینلی	
فرانز جوزف اروپا	مستملکه اتحاد جاهیر	۲۱۰۰۰	۲۰			در منطقه منجمده شمالی واقع بوده غیر آباد است
فور موسا (تائی وان)	آسیا	» جاپان	۳۵۹۷۴	۴۵۹۴۱۶۱	تای هوکو	
فیرو	اروپا	» دنمارك	۱۴۰۰	۳۱۳۵۲	تارنزمان	
قیجی	اوقیانوسیه	امپراطوریت برطانیه	۱۸۳۴۴	۱۸۵۵۷۳	سووا	
قبرس	آسیا	» » »	۹۲۸۲	۳۴۷۹۵۹	نکوسیا	از جزایر مدیترانه
قطب جنوبی	امپراطوریت برطانیه					در منطقه جنوبی واقع بوده غیر مسکون است
کریک	اروپا	یونان	۸۲۸۶	۳۴۵۱۴۹	کاندیا	جزیره
کریلیا	آسیا	اتحاد جاهیر اشتراکیه شورائی	۱۴۶۹۱۵	۲۹۰۸۰۰	تیروزا و وودسک	
لورا کائو	امریکه	هولیند	۱۱۳۰	۷۶۲۹۹	ولیم ستاد	از جزائر غرب الهند
کورسیکا	اروپا	فرانس	۸۷۳۰	۲۸۹۸۹۰	اجاک سیو	
کوکوس	آسیا	مستملکه برطانیه	۲ و نیم	۱۱۴۲	کیلنگ	در جزائر شرق الهند
کیپ ورد	افریقه	پرتگال	۳۸۴۵	۱۵۳۷۳۸	پیرایا	
کوریا موری	آسیا	مستملکه برطانیه	۷۵	۱۰۰	کوریا موری	
کومور	افریقه	» فرانسه	۲۱۶۷	۱۲۶۲۰۸	روزی	در بحر هند
کینیری	بحر اتلانتیک	هسپانیا	۷۲۷۳	۵۶۴۸۷۳	سان تا کروز دوتی تیرف	
کیوبا	امریکه	جمهوری	۱۱۴۵۲۴	۳۷۶۷۱۹۲	پادانا	از جزائر غرب الهند
لابوآن	آسیا	مستملکه برطانیه	۷۳	۷۵۰۶	وکتوریه	جزائر شرق الهند
لکادیو	»	»	۱۹۲۷	۱۶۰۴۶	محل	مربوطه مدراس
لیورد	امریکه	امپراطوری برطانیه	۱۸۶۲	۱۲۶۴۰۰	انتیگوا	از جزائر غرب الهند
مارتی نیک	امریکه شمالی	مستملکه فرانسه	۹۸۷	۲۳۴۶۹۵	فورد و فرانس	» » »
ماریشس	افریقه	» برطانیه	۱۸۶۵	۴۰۵۵۴۹	پورت لوئی	
مالتا	اروپا	مستعمرة برطانیه	۳۱۶	۲۴۴۰۰۲	ویلیتا	
مالدیو	آسیا	امپراطوری تحت حمايه برطانیه	۲۹۸	۷۰۴۱۳	مالی	

ممالك عالم

مملکت	قطعه بر	طرز حکومت	مساحت مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
مدغاسکر	افریقہ	مستملکہ فرانسه	۶۲۷۳۲۷	۳۷۰۱۷۷۰	تانا نارو	جزیره، نصف اهالی آن مسلمان است
مدیرا	»	پرتگال	۷۳۹	۲۱۰۲۲۶	فون چال	
ملاکا	آسیا	هولند	۷۵۵۴۷۵	۴۲۷۲۱۱	ترنیت	
میکولان	امریکہ شمالی	فرانسه	۲۱۵	۴۹	سن پیر	
مین مان	اروپا	شاهی برطانیہ	۵۷۲	۶۰۲۳۸	دگلز	
نان گوچو		تحت انتداب جاپان	۲۱۴۹	۶۹۶۲۶	کورول	
ناورو	اوقیانوسیه	تحت انتداب برطانیہ	۲۱	۲۳۱۶		
نوازیبلا	اروپا	مستملکہ شورائی	۹۲۰۰۰۰	۱۰۰		
نورفورک			۳۶	۹۹۲	کنگستن	
نووا سگوٹیس	امریکہ شمالی	امپراطوری برطانیہ	۵۵۴۹۶	۵۱۲۸۴۶	ہلی-فکس	
نیکوبار	آسیا	»	۸۰۱۴۰	۲۹۴۶۳	پورت بلیر	از ولایات ہند
واندمان						
نیکولای ٹانی	اروپا	مستملکہ شوروی	۶۰۰	۴		
نیوزیلیند	اوقیانوسیه	امپراطوری برطانیہ	۲۶۹۳۹۶	۱۵۴۱۲۷۶	ویلنگتن	
نیو فونلیند	امریکہ شمالی	مستعمرة برطانیہ	۱۱۰۶۷۷	۲۸۱۲۶۴	سند جان	
نیولکیندونیا	اوقیانوسیه	مستملکہ فرانسه	۱۸۴۹۹	۶۲۹۱۹	نومیا	
نیوگنی برطانوی	»	تحت انتداب برطانیہ	۲۴۰۸۶۰	۳۹۶۹۵۸	راباپول	
نیوہبریدی	اوقیانوسیه	تحت الحایہ فرانسه و برطانیہ	۱۳۲۲۴	۵۱۰۰	ویلا	
ورانگل	آسیا	مستملکہ شورائی	۴۶۹۰	۶۰		
وندورد	امریکہ	امپراطوری برطانیہ	۱۳۳۵	۱۸۸۴۳۹	سنت جارجز	
هانگانگ	آسیا	امپراطوری برطانیہ	۱۰۱۲	۸۴۹۷۵۱	ویکتوریہ	در ساحل چین
ہاہیتی	امریکہ	جمهوری	۲۷۴۴۴	۲۵۵۰۰۰۰	پورتو پرنس	حکومت بدست حبشیان است

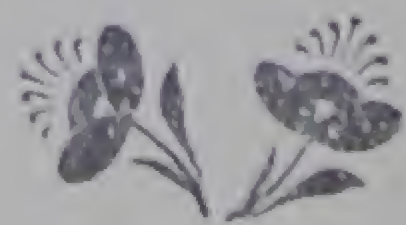


ولایات ممالک جماہیر متحدہ امریکا

مملکت	قطعه بر	طرز حکومت	مساحت مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
آرکانساس	امریکہ	جمهوری	۱۳۸۱۳۲	۱۸۵۴۴۸۲	لٹل راک	یکی از جماہیر متحدہ امریکہ
آریزونا	»	»	۲۹۵۱۳۴	۴۳۵۵۷۳	فونکس	» » » »
آیووا	»	»	۱۴۵۴۱۵	۲۴۷۰۹۳۹	دی موینز	» » » »
اداہو	»	»	۲۱۷۲۶۱	۴۴۵۰۳۲	بویز	» » » »
الاباما	»	»	۱۰۵۱۴۵	۲۶۴۶۲۴۸	مونت گومری	» » » »
الاسکا	»	»	۱۶۱۸۷۱۴	۵۹۲۷۸	جونو	از ایالات
الی نوٹس	»	»	۱۴۶۷۵۶	۷۶۳۰۶۵۴	اسپرنگ فیلد	یکی از
انڈیانا	»	»	۹۴۰۵۳	۳۲۳۸۵۰۳	انڈیانا پولس	» » » »
اوتہ	»	»	۲۲۰۱۱۵	۵۰۷۸۴۷	سالت لیک سٹی	» » » »
ادری کون	»	»	۲۵۰۴۴۰	۹۵۲۷۸۶	سیلم	» » » »
اوکلاہوما	»	»	۱۸۱۴۴۰	۲۳۹۶۰۴۰	اوکلاہوما	» » » »
اویاہو	»	»	۱۰۶۲۸۹	۶۶۴۶۶۹۷	کولمبس	» » » »
ینسل و انیا	»	»	۱۱۶۸۷۲	۹۶۳۱۳۵۰	ہیرس برگ	» » » »
یورتوریکو	»	»	۸۸۹۶	۱۵۴۳۹۱۳	سان یوان	مستملکہ
تکساس	»	»	۶۸۸۶۴۳	۵۸۲۴۷۱۵	آستین	یکی از
تنیسی	»	»	۱۳۴۶۶۹	۲۶۱۶۵۵۶	نیش ول	» » » »
جزایر بیرنگ	»	»	۳۷۸۴۰	۱۱۶	اونالاچکا	مستملکہ
جورجیا	»	»	۱۵۳۴۹۰	۲۹۰۸۵۰۶	اتلانتا	یکی از
دیلاویر	»	»	۶۱۳۸	۲۳۸۳۸۰	دوور	» » » »
رود آیلند	»	»	۳۲۳۲	۶۷۸۴۹۷	پراویدنس	» » » »
ساموآ	»	اوقیانوسیه	۱۹۷	۱۰۲۵۴	پاگو پاگو	مستملکہ
ساؤت دا کوتا امریکہ	»	»	۲۰۱۰۱۵	۶۹۲۸۴۹	بسمارک	یکی از
(دا کوتای شمالی)	»	»	۸۰۲۵۸	۱۷۳۸۷۶۵	کولمبیا	» » » »
ساؤت کارولینا	»	»	۱۵۱۹۳۹	۱۴۶۸۲۱۱	تاملاہاسی	» » » »
(کارولینای جنوبی)	»	»	۲۹۶۲۸۵	۱۲۲۰۴۱۰۰	مانیلا	مستملکہ
فلوریدا	»	»	۴۰۹۹۷۳	۵۶۷۷۲۵۱	سکرانتو	یکی از
فلپین (جزایر) آسیا	»	»	۱۴۲۲	۳۰۷۴۵	بالبوا	مستملکہ
کالیفورنیا	»	»	۲۱۲۷۸۰	۱۸۸۰۹۹۹	توییکا	یکی از
کانال پاناما	»	»	۱۲۸۵۹	۱۶۰۶۹۰۳	ہارت فورد	» » » »
کانساس	»	»	۱۰۸۸۳۳	۲۶۱۴۵۸۹	فرانکفورت	» » » »
کانیک تیکت	»	»	۱۸۱	۴۸۶۸۶۹	واشنگتن	مستقیماً تحت ادارہ رئیس
کنتکی	»	»				جمهور امریکہ میباشد.
کولمبیا	»	»				

ممالك العالم

مملکت	قطعه بر	طرز حکومت	مساحت مربع کیلومتر	نقوس	مرکز	ملاحظات
کولوریدو	»	»	۲۶۹۲۱۴	۱۰۳۵۷۹۱ ر	دن ور	یکی از جاهای متحده امریکه
گوآم (جزیره)	»	»	۵۳۴	۲۰۸۵۵ ر	آگاتا	مستملکه
لیوزیانا	»	»	۱۲۵۶۲۵	۲۱۰۱۵۹۳ ر	یتن	یکی از
ماساچوستس	»	»	۲۱۴۰۸	۴۲۴۹۶۱۴ ر	بوسطن	»
مسوری	»	»	۱۷۹۷۹۰	۳۶۲۹۳۶۲ ر	جیفرسن	»
مشی گن	»	»	۱۵۰۱۶۲	۴۸۴۳۳۲۵ ر	لنسنگ	»
مونتانا	»	»	۳۸۰۷۰۶	۵۳۷۶۰۶	هلینا	»
میری لیند	»	»	۳۱۹۲۶	۱۶۳۱۵۲۶ ر	انابولس	»
میسس سی	»	»	۱۲۱۳۷۵	۲۰۰۹۸۲۱ ر	جیکسن	»
مین	»	»	۸۵۵۷۰	۷۹۷۴۲۳ ر	آگستا	»
مینی سوتا	»	»	۲۱۹۳۱۷	۲۵۶۳۹۵۳ ر	سنت پال	»
نارت داکوتا	»	»	۱۸۳۴۶۰	۶۸۰۸۴۵ ر	پیر	»
(داکوتای شمالی)	»	»	»	»	»	»
نارت کارولینا	»	»	۱۳۵۷۸۷	۳۱۷۰۲۷۶ ر	رلی	»
(کارولینای شمالی)	»	»	»	»	»	»
نبراسکه	»	»	۲۰۰۷۶۹	۱۳۷۷۹۶۳ ر	لنکن	»
نیوادا	»	»	۲۸۶۶۷۵	۹۱۰۵۸ ر	کارسن سیتی	»
نیوجرسی	»	»	۲۱۳۹۹	۴۰۴۱۳۶۴ ر	ترن تن	»
نیومکسیکو	»	»	۳۱۷۶۰۹	۴۲۳۳۱۷ ر	سانتافه	»
نیوهمپ شایر	»	»	۲۴۱۹۲	۴۶۵۲۹۳ ر	کانکالد	»
نیویارک	»	»	۱۲۷۴۳۳	۱۱۲۵۸۸۰۶۶ ر	ایل بی	»
واشنگتن	»	»	۱۷۹۰۳۲	۱۵۶۳۳۹۶ ر	اولمپیا	»
وایمنگ	»	»	۲۵۳۵۸۷	۲۲۵۵۶۵ ر	چی ان	»
ورجن (جزایر)	»	»	۳۴۴	۲۲۰۱۲ ر	سند تامس	مستملکه
ورجینیا	»	»	۱۱۰۳۹۹	۲۴۲۱۸۵۱ ر	چپاند	یکی از
ورمانت	»	»	۲۴۷۷۰	۳۵۹۶۱۱ ر	مونته پیلیا	»
وسکانسن	»	»	۱۴۵۳۰۵	۲۹۳۹۰۰۶ ر	میدیسن	»
ویست ورجینیا	»	»	۶۲۵۹۸	۱۷۲۹۲۰۵ ر	چارلستون	»
(ورجینای غربی)	»	»	»	»	»	»
هوایی (جزایر)	»	»	۱۶۵۹۳	۳۸۰۵۰۷ ر	هونولولو	»

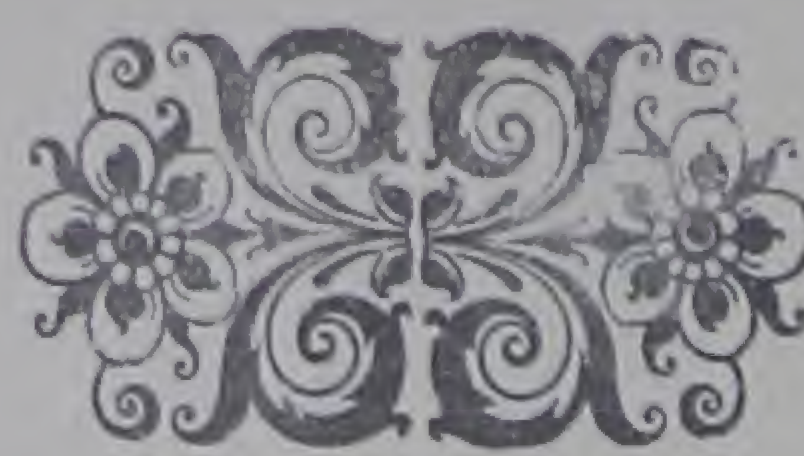


نفوس شهرهای بزرگ عالم

اسم شهر	مملکت	نفوس
لندن	برطانیه	۷ر۷۴۲ر۲۱۲
نیویارک	جماهير متحده امریکه	۶ر۹۳۰ر۴۴۶
توکیو	جاپان	۵ر۳۱۱ر۰۰۰
برلین	جرمنی	۴ر۲۸۸ر۳۱۴
پاریس	فرانس	۳ر۷۷۳ر۰۰۰
شیکاگو	امریکه	۳ر۳۷۶ر۴۳۸
ماسکو	اتحاد جماهير اشتراکیه شورائیه	۲ر۷۸۱ر۳۰۰
اوساکا	جاپان	۲ر۴۵۳ر۵۷۳
لنین گراد	اتحاد جماهير اشتراکیه شورائیه	۲ر۲۲۸ر۳۰۰
بونیس آیرس	ارحنتاین	۲ر۲۱۴ر۷۰۰
فیلا دلفیا	امریکه	۱ر۹۵۰ر۹۶۱
ویانا	آستریا	۱ر۸۶۸ر۳۲۸
دی ترایت	جماهير متحده امریکه	۱ر۵۶۸ر۶۶۲
شنگهای	چین	۱ر۵۳۹ر۰۰۰
هانکاو	»	۱ر۵۰۰ر۰۰۰
کلکته	هند	۱ر۴۸۵ر۵۸۲
پیکن	چین	۱ر۲۹۷ر۷۱۹
سدنی	آستریا	۱ر۲۶۲ر۴۴۰
لاس انجلس	امریکه	۱ر۲۳۸ر۰۴۸
وارشاو (وارسا)	پولیند	۱ر۱۷۸ر۲۱۱

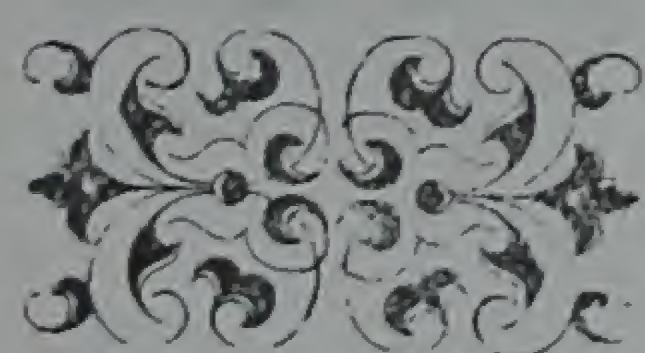
نفوس شهر های بزرگ عالم

اسم شهر	مملکت	نفوس
بمبائی (بمبئی)	هند	۱۳۸۳ ر ۱۶۱ ر
رایودی جنیرو	برازیل	۸۷۳ ر ۱۵۷ ر
گلاسکو	اسکاتلند	۴۱۷ ر ۸۸ ر
همبرگ	جرمنی	۹۲ ر ۷۹ ر
هانکانگ	چین	۶۹۰ ر ۷۵ ر
قاهره	مصر	۵۶۷ ر ۶۴ ر
ملبورن	آسترلیا	۳۰۰ ر ۲۸ ر
روما	ایطالیا	۸۳ ر ۰۸ ر
بوداپست	مجارستان (هنگری)	۱۴۰ ر ۰۶ ر
برمنگهم	برطانیه	۱۳ ر ۰۲ ر
هانچاو	چین	۰۰۰ ر ۰۰۰ ر
استانبول	ترکیه	۰۰۰ ر ۰۰۰ ر



بندر گاهای بزرگ بحری عالم

اسم بندرگاه	مملکت	ظرفیت جہازات واردہ
نیویارک	امریکہ	۲۶٫۶۴۷٫۰۰۰ تن
لندن	برطانیہ	۲۰٫۱۴۳٫۰۰۰ »
همبرگ	جرمنی	۱۸٫۲۵۳٫۰۰۰ »
انت ورپ	بلجیم	۱۶٫۹۱۵٫۰۰۰ »
راتردام	هالند (نیدرلاندز)	۱۴٫۹۳۸٫۰۰۰ »
مارسیلز	فرانسه	۱۳٫۵۸۳٫۰۰۰ »
لیورپول	برطانیہ	۱۳٫۰۳۵٫۰۰۰ »
کوبی	جاپان	۱۱٫۹۸۷٫۰۰۰ »
جینوا	ایتالیا	۹٫۶۷۶٫۰۰۰ »
سوتهمتن	برطانیہ	۹٫۲۰۷٫۰۰۰ »
بریمن	جرمنی	۷٫۳۹۹٫۰۰۰ »



کتابخانه های بزرگ دنیا

اسم کتابخانه	مملکت	تعداد کتب	تفصیلات
کانگریس (شورای ملی) امریکا واشنگتن	امریکا	کتب مطبوعه ۴'۶۳۳'۴۷۸	کتابخانه کانگریس (شورای ملی) امریکا که در واشنگتن واقع است از حیث شکوه و عظمت عمارت بزرگترین کتابخانه عالم است و تنها زمینی که داخل عمارت مذکور است ۷ ونیم جریب بوده و مبلغ ۷۰ میلیون افغانی در آبادی این بنا بمصرف رسیده است.
ملی پاریس	فرانس	کتب مطبوعه ۴'۰۰۰'۰۰۰	
		کتب چینی ۲۰'۰۰۰	
		کتب قلمی ۱۲۵'۰۰۰	
		مسکوکات و نشرها ۲۰۵'۰۰۰	
		تصاویر ۳'۰۰۰'۰۰۰	
		مجموعه کل ۷'۳۵۰'۹۰۰	
لینن گراد	روسیه	کتب ۴'۸۳۲'۹۴۸	
		رسائل ۳۳۱'۱۰۰	
		مجموعه ۵'۱۶۴'۰۴۸	
یونیورسیتی نیویارک	امریکا	کتب ۴'۸۶۱'۰۵۷	
یونیورسیتی ماساچوستس	»	کتب ۴'۸۳۲'۶۸۱	

اسم کتابخانه	مملکت	تعداد کتب	تفصیلات
کتابخانه لینن	روسیه	کتب ۳،۹۰۰،۰۰۰	
کتابخانه عمومی	امریکا	کتب ۳،۶۰۸،۴۲۹	کتابخانه عمومی نیویارک که تنها مصارف عمارت آن بمبلغ ۹۰ میلیون افغانی رسیده است ، علاوه بر کتابخانه مرکزی ۶۰ کتابخانه دیگر به نقاط مختلفه نیویارک داشته و از انجمله یک کتابخانه آن وقف نابینایان میباشد که آنها به لمس دست کتب را مطالعه مینمایند .
برتش موزیم لندن	انگلستان	کتب مطبوعه ۳،۲۰۰،۰۰۰	
		» قلمی ۵۳،۶۵۰	
		اسناد خطی ۸۵،۰۰۰	
		مواهر ۱۸،۰۰۰	
		پاپیروس ۲،۸۵۰	
		کتب مطبوعه شرقی ۱۲۰،۰۰۰	
		» قلمی شرقی ۱۶،۴۰۰	
		مجموعه کل ۳،۴۹۵،۹۰۰	
کتابخانه دولتی پروشیا	جرمنی	کتب مطبوعه ۲،۲۸۷،۸۲۱	
برلن		» قلمی ۵۹،۱۴۷	
		مراسلات خطی ۴۱۶،۴۱۵	

کتابخانه های بزرگ عالم

اسم کتابخانه	مملکت	تعداد کتب	تفصیلات
		نقشه جات	۳۷۱'۸۲۱
		تصاویر	۲۱۰'۰۰۰
		مجموعه	۳'۳۴۵'۲۰۴
یونیورسیتی الیناویس جماهیر متحده آمریکا		کتب	۳۰۰'۰۰۰ ر ۳۰۰'۰۰۰
• یونیورسیتی پنسل و انیا		کتب	۲۸۱'۸۲۴ ر ۲۸۱'۸۲۴
» اوهایو		»	۲۷۲'۰۰۰ ر ۲۷۲'۰۰۰
» کانیکتیکت		»	۲۳۲'۱۴۷ ر ۲۳۲'۱۴۷
» کالیفورنیا		»	۲۳۰'۴۰۰ ر ۲۳۰'۴۰۰
کتابخانه ملی ویانا آستریا		» مطبوعه	۱۰۰'۰۰۰ ر ۱۰۰'۰۰۰
		رسائل	۱۰۰'۰۰۰
		کتب قلمی	۳۵۰'۰۰۰
		کتب مطبوعه قدیم	۹۰'۰۰۰
		مراسلات خطی	۶۰'۰۰۰
		نقشه	۱۱۰'۰۰۰
		تصاویر	۲۰۰'۰۰۰
		پاپیروس	۹۶'۰۰۰
		مجموعه	۱۷۰'۶۰۰ ر ۱۷۰'۶۰۰
کتابخانه دولتی بویریا جرمنی مونیخ		کتب مطبوعه	۱۶۷'۰۰۰ ر ۱۶۷'۰۰۰
		کتب خطی	۵۰'۰۰۰
		مجموعه	۱۷۲'۰۰۰ ر ۱۷۲'۰۰۰
یونیورسیتی کیمبرج انگلستان		کتب مطبوعه	۱۲۵'۰۰۰ ر ۱۲۵'۰۰۰
		کتب قلمی	۱۰'۰۰۰

اسم کتابخانه	مملکت	تعداد کتب	تفصیلات
		نقشه	۱۷۵۰۰۰
		مجموعه	۱۴۳۵۰۰۰
یونیورسیتی ستراسبورگ	جرمنی	کتب مطبوعه	۱۳۰۰۰۰۰
		سائر اشیا	۱۰۰۰۰۰۰
		مجموعه	۱۴۰۰۰۰۰
کتابخانه ملی میدرید	هسپانیا	کتب مطبوعه	۲۱۰۰۰۰۰
		» « قدیم	۲۴۱۲
		» « قلمی	۳۰۱۷۲
		اسناد خطی	۲۰۴۷۰
		تصاویر قلمی	۳۰۰۰۰۰
		تصاویر مطبوعه	۱۰۱۲۰۰۰
		مجموعه	۳۹۴۷۷۴
یونیورسیتی میسوری	جماہیر متحدہ امریکا	کتب	۳۴۴۷۹۵
یونیورسیتی آکسفورد	انگلستان	کتب مطبوعه	۲۵۰۰۰۰۰
		کتب قلمی	۴۰۰۰۰۰۰
		مجموعه	۲۹۰۰۰۰۰
» میشیگن	جماہیر متحدہ امریکا	کتب	۲۷۶۷۰۹
» امستردام	ہالینڈ	کتب مطبوعه	۸۰۰۰۰۰۰
		رسائل	۴۰۰۰۰۰۰
		کتب و مکاتیب قلمی	۶۰۰۰۰۰۰
		مطبوعات قدیم	۲۰۰
		مجموعه	۲۶۰۲۰۰۰
» تکزاس	جماہیر متحدہ امریکا	کتب	۲۲۰۷۸۶

کتابخانه های بزرگ عالم

اسم کتابخانه	مملکت	تعداد کتب	تفصیلات
کتابخانه حربی پاریس	فرانسه	۱۰۷۰۰۰۰	کتب مطبوعه
		۱۱۷۰۰	» قلمی
		۱۲۰۰۰۰	تصاویر مطبوعه
		۲۰۰۰۰	کتب مطبوعه قدیم
		۱۲۰۴۲۰۰	مجموعه
یونیورسیتی و نکالنسن	جماهير متحده امريکا	۱۸۸۰۲۰۲	کتب
کتابخانه شاهي	بلجيم	۸۰۰۰۰۰	کتب مطبوعه
(بروسلز)		۳۱۲۰۰	» قلمی
		۳۴۶۰۰	نقشه
		۲۶۷۷۰۰	تصاویر مطبوعه
		۵۴۰۰۰	مسکوکات و نشانها
		۱۸۷۵۰۰	مجموعه
یونیورسیتی مینسوته	جماهير متحده امريکا	۱۷۰۰۴۸	کتب
کتابخانه مملکتی	جرمني	۲۷۷۳۲۲	کتب مطبوعه
ستوت گرت		۲۷۳۶۴۳	رسائل
		۲۸۶۲	کتب قلمی
		۴۶۶۹	» مطبوعه قدیم
		۱۰۶۵۸۲۶	مجموعه
یونیورسیتی آیووا	جماهير متحده امريکا	۱۰۵۸۲۵۷	کتب
» ویانا	استريا	۱۰۵۰۰۰۰	»
» میونخ	جرمني	۹۰۰۰۰۰	» مطبوعه

اسم کتابخانه	مملکت	تعداد کتب	تفصیلات
		کتب خطی ۳۵۰۰	
		تصاویر قلمی ۴۵۰۰	
		مجموعه ۹۰۷۵۰۰	
کتابخانه شاهي کوبن هاگن	دنمارك	کتب مطبوعه ۸۵۰۰۰۰	
		« قلمی ۳۰۰۰۰	
		« مطبوعه قدیم ۴۰۰۰۰	
		مجموعه ۸۸۴۰۰۰	
کتابخانه ملی اسکاتلیند	اسکاتلیند	کتب مطبوعه ۸۱۵۰۰۰	
		« قلمی ۳۲۰۰۰	
		مجموعه ۸۱۸۲۰۰	



احصائیه قوه برق آبشار های دنیا

قوة آبشارها		مملکت
بکار انداخته شده (قوة اسپ)		بکار انداخته نشده (قوة اسپ)
آسیا :		
۵۰۰ر۰۰۰	۲ر۰۰۰	افغانستان
۲۰۰ر۰۰۰	.	ایران
۵۰۰ر۰۰۰	۵۰۰	ترکیه
۶ر۰۰۰ر۰۰۰	۳ر۵۰۰ر۰۰۰	جپان
۲۰ر۰۰۰ر۰۰۰	۱ر۶۵۰	چین
۴ر۰۰۰ر۰۰۰	۲۵ر۰۰۰	عرب
غیر معلوم	۱۶ر۰۰۰	سیام
۵۰۰ر۰۰۰	۹۰ر۰۰۰	کوریا (چوسن)
۸ر۰۰۰ر۰۰۰	۹۱ر۰۰۰	ممالک آسیائی اتحاد جاهیر شورائیه اشتراکیه
۲۷ر۰۰۰ر۰۰۰	۳۰۰ر۰۰۰	هند
۴ر۰۰۰ر۰۰۰	.	هند چین فرانسوی
۷۰ر۷۰۰ر۰۰۰	۴ر۰۲۶ر۱۵۰	مجموع

افریقا :

۴ر۰۰۰ر۰۰۰	.	ابی سینیا (حبشه)
۱ر۶۰۰ر۰۰۰	۷ر۰۰۰	اتحاد افریقہ جنوبی
۱۵۰ر۰۰۰	.	افریقہ جنوب غربی برطانوی
۴ر۷۰۰ر۰۰۰	۳ر۲۰۰	افریقہ شرقی »
۳ر۷۰۰ر۰۰۰	.	افریقہ شرقی پرتگیز
۱ر۲۰۰ر۰۰۰	.	افریقہ وسطی برطانوی
۲۰۰ر۰۰۰	۱۳۰	الجزایر
۴ر۰۰۰ر۰۰۰	۴ر۰۰۰	انگولا
ناقابل اعتنا	.	ایریتریا
۲۰ر۰۰۰	.	بیچوانالند
۲ر۷۰۰ر۰۰۰	۸۰۰	تانگانیکا

مملکت		قوة آبشارها
بکارانداخته شده (قوة اسپ)		بکارانداخته نشده (قوة اسپ)
تونس	.	۳۰۰۰۰۰
دهومی و آوری کوست (ساحل عاج)	.	۱۴۵۰۰۰۰
رایودو اووو	.	ناقابل اعتنا
رودیشیا	۲۵۰۰	۲۵۰۰۰۰۰
سودان فرانسوی	.	۱۰۰۰۰۰۰
سومال ایتالی	.	ناقابل اعتنا
سومال برطانوی	.	»
سیرالیون	.	۱۷۰۰۰۰۰
سینگال	.	۲۵۰۰۰۰۰
طرابلس	.	ناقابل اعتنا
طنجه	.	۵۰۰۰۰۰
کانگوی بلژیکی	۱۵۲۵۰	۹۰۰۰۰۰۰۰
کانگوی فرانسوی	.	۳۵۰۰۰۰۰۰
کیمرون	.	۱۳۰۰۰۰۰۰۰
گمبیا	.	ناقابل اعتنا
گنی پرتگال	.	»
گنی فرانسوی	.	۲۰۰۰۰۰۰۰۰
گولد کوست (ساحل طلا)	.	۱۴۵۰۰۰۰۰
لا بییریا	.	۴۰۰۰۰۰۰۰۰
مداغاسکر (جزیره)	۱۰۰	۵۰۰۰۰۰۰۰۰
مراکش	.	۲۵۰۰۰۰۰۰۰
مصر	.	۶۰۰۰۰۰۰۰۰
نایجیریای برطانوی	.	۹۰۰۰۰۰۰۰۰
مجموع	۳۲۹۸۰	۱۸۹۵۵۰۰۰۰۰

امریکه جنوبی :

ارجنتاین	۳۵۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰۰۰۰
ایکوادور	۶۴۰۰	۱۰۰۰۰۰۰۰۰
برازیل	۶۴۰۰۰۰	۱۵۱۰۰۰۰۰۰۰
بولیویا	۱۳۵۰۰	۲۵۰۰۰۰۰۰۰
پاراگوی	۲۰۰	۲۰۰۰۰۰۰۰۰
پرو	۵۵۰۰۰۰	۴۵۰۰۰۰۰۰۰
چلی	۱۱۴۰۰۰	۲۵۰۰۰۰۰۰۰

احصایه قوه برق آبهارهای دنیا

قوه آبهارها		مملکت
بکارانداخته شده (قوه اسپ) بکارانداخته نشده (قوه اسپ)		
۴۰۰۰۰۰۰۰	۲۳۵۰۰۰۰	کولیا
۲۵۰۰۰۰۰۰	.	کیانای برطانوی
۵۰۰۰۰۰۰	.	کیانای فرانسوی
۸۰۰۰۰۰۰	.	کیانای هالندی
۳۰۰۰۰۰۰۰	۱۳۰۰۰	ونزویلا
۳۰۰۰۰۰۰	.	یوروگوی
۴۳۷۰۰۰۰۰۰	مجموع ۹۰۲۱۰۰	

امریکه شمالی:

۱۰۰۰۰۰۰۰	۳۶۱۰۰	الاسکا
۵۰۰۰۰۰۰	۲۰۵۰۰	یاناما
۱۵۰۰۰۰۰	۳۳۵۰۰	جزایر غرب الهند
۲۰۰۰۰۰۰	۱۵۱۰۰	سالوادور
۱۸۰۰۰۰۰۰	۶۱۲۵۰۰۰	کانادا
۱۰۰۰۰۰۰۰	۳۱۴۰۰	کوستاریکا
۱۵۰۰۰۰۰۰	۲۳۳۰۰۰	کواتی مالا
۶۰۰۰۰۰۰۰	۴۹۴۰۰۰	مکسیکو
۳۸۰۰۰۰۰۰۰	۱۴۸۸۵۰۰۰	ممالک متحده امریکه
۸۰۰۰۰۰۰	۴۰۰	نکاراگوا
۴۰۰۰۰۰۰	۱۶۰۰۰۰	تیوفاوند لیند
۱۰۰۰۰۰۰۰	۲۴۰۰	هاندوراس
۶۸۵۵۰۰۰۰۰	مجموع ۲۱۸۲۵۴۰۰	

اوقیانوسیه:

۶۰۰۰۰۰۰	۲۰۰۰	آسترآلیا
۷۵۰۰۰۰۰۰	.	یورنیو و نیوگینی
۷۰۰۰۰۰۰	۷۵۰۰۰	تسایه
۸۰۰۰۰۰۰	۶۰۰۰۰	جاوا
۱۰۰۰۰۰۰۰	۵۰۰	جزایر سلی بیژ
۱۰۰۰۰۰۰	۳۲۲۰۰	جزایر هوانی
۲۰۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰	سماترا

قوة آ بشارها		مملکت
بکارانداخته شده (قوة اسپ)	بکارانداخته نشده (قوة اسپ)	
۱۵۰۰۰۰۰۰	۲۱۵۰۰	فیلیپین توزیلند
۲۵۰۰۰۰۰۰	۱۵۷۰۰۰	
۱۶۷۰۰۰۰۰۰	مجموع ۳۶۸۲۰۰	

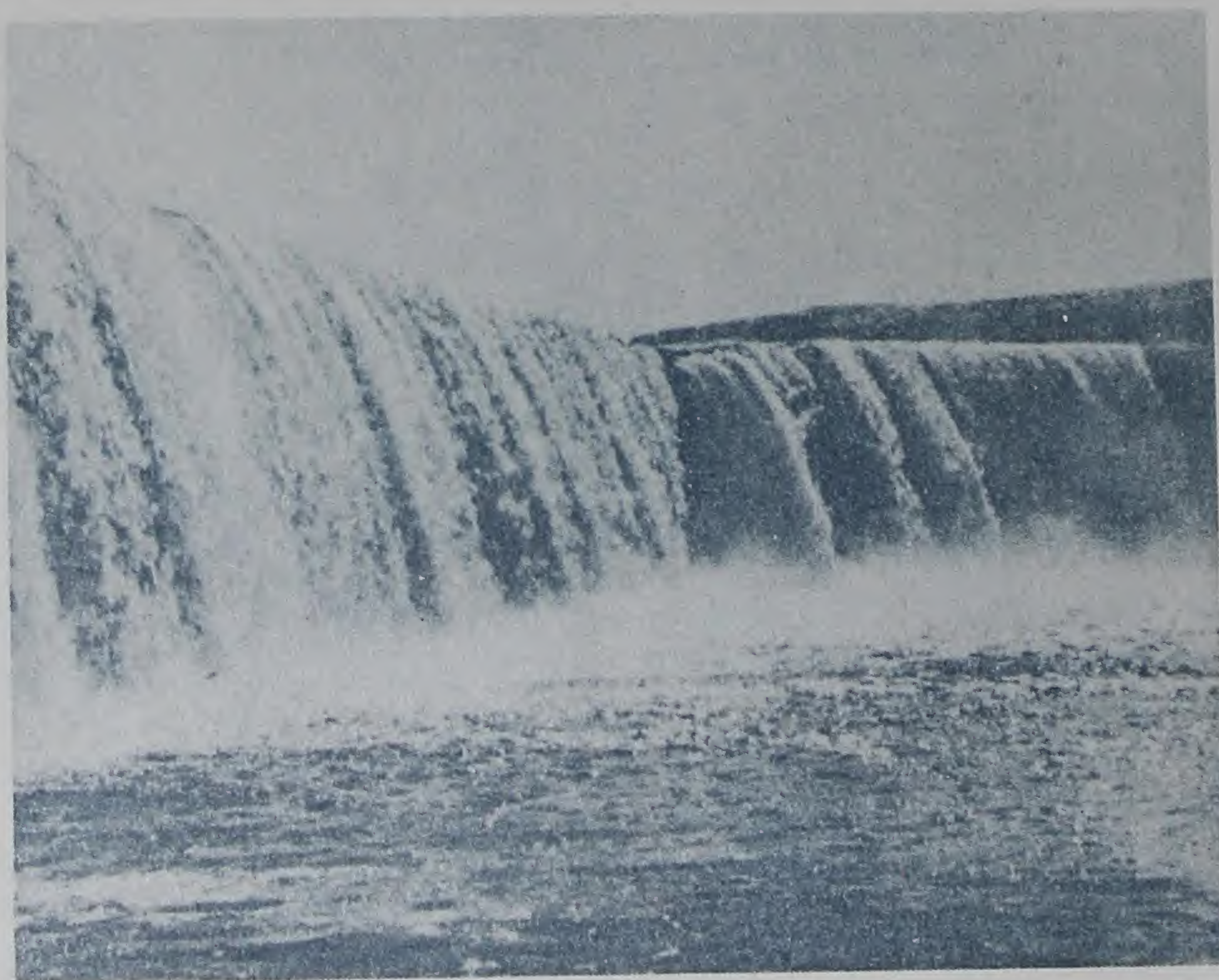
اروپا :

۱۶۶۰۰۰۰۰	۷۰۰۰۰۰	آستریا
۵۰۰۰۰۰۰	۴۰۰۰	آیسلاند
۸۴۲۵۰۰۰۰	۳۵۵۰۰۰	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه حصه اروپائی
۱۲۵۰۰۰۰	۱۸۸۰۰	استونیا
۵۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	البانیا
۳۸۰۰۰۰۰۰	۴۸۴۰۰۰۰	ایطالیا
۸۵۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰	برطانیا
نا قابل اعتنا	۷۰۰۰	بلجیم
۱۲۰۰۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰	بلغاریا
۳۰۰۰۰۰۰	۴۸۰۰۰۰	پرتگال
۱۴۰۰۰۰۰۰	۹۰۰۰۰۰	پولیند
نا قابل اعتنا		ترکیه اروپائی
۲۰۰۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰	جرمنی
۱۰۰۰۰۰۰۰	۱۵۵۰۰۰۰	چیکوسلاواکیا
۲۰۰۰۰۰	۱۱۰۰۰۰	دنمارک
۱۶۰۰۰۰۰۰	۱۰۹۰۰۰۰	رومانیا
۲۵۰۰۰۰۰۰	۲۳۰۰۰۰۰۰	سوئزرلیند
۵۰۰۰۰۰۰۰	۱۶۷۵۰۰۰۰	سویدن
۵۴۰۰۰۰۰۰	۲۳۰۰۰۰۰۰	فرانس
۱۸۰۰۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰۰	فنلاند
۱۰۰۰۰۰۰۰	۵۰۰۰۰	لاتویا و لتونی
۱۷۵۰۰۰۰	۳۰۰۰۰	مجارستان
۹۵۰۰۰۰۰۰	۱۹۰۰۰۰۰۰	ناروی
۱۷۰۰۰۰	۷۲۵	نیدرلاندز
۴۳۰۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰۰	هسپانیا
۳۰۰۰۰۰۰۰۰	۲۱۲۰۰۰۰	یوگوسلاویا
۲۵۰۰۰۰۰	۸۰۰۰۰	یونان
۵۵۱۲۲۰۰۰۰	مجموع ۱۸۴۴۲۵۲۵	

احصائیه قوه برق آبشارهای عالم

خلص احصائیه

قوة آبشارها	قطعه بر
بکار انداخته شده (قوة اسپ) بکار انداخته نشده (قوة اسپ)	
۷۰۷۰۰۰۰۰	۴۰۲۶۱۵۰ آسیا
۱۸۹۵۵۰۰۰۰	۳۲۹۸۰ افریقا
۴۳۷۰۰۰۰۰	۹۰۲۱۰۰ امریکای جنوبی
۶۸۵۵۰۰۰۰۰	۲۱۸۲۵۰۴۰۰ » شمالی
۵۵۱۲۲۰۰۰۰	۱۸۴۴۲۵۲۵۰ اروپا
۱۶۷۰۰۰۰۰۰	۳۶۸۲۰۰ اوقیانوسیا
۴۴۴۳۲۲۰۰۰	۴۵۰۵۹۷۳۵۵ مجموع کل



یکی از آبشارهای بزرگ مملکت استونیا که کارخانه برقی شهر ریول را بکار می اندازد .



تاریخچه مختصر آسیا

بر مبنای دیگر مشاهیر قدیم سالنامه خواستیم حاصلی از تاریخچه مختصر آسیا به دست آوریم ولی برای اینکه قسمت زیادی را در اوراق مساعده اشغال نماند آنها قسمت مختصر آسیا را اجمالاً درج گردید. امید وارید در سلسله های مابین تاریخچه مختصر دیگر قطعات معلوم را در برابر انظار قاریان محترم سلسله کاتب بگذاریم.

آسیای وسطی

در مقاله اول تاریخی زیر عنوان «تراد افغانیان» گفته شد که آسیای وسطی ترکستان حالیه، میدان جیحون و سیحون و بلخ الی وادی هارم مهد آریه های قدیم بود و هشت هزار سال قبل از میلاد جمله آریه ها در آن یکجا بود و باش داشتند. در حدود ۲۵۰۰ ق م آریه های هندی و ایرانی از گهواره خود یعنی باختر جدا شده به هندوستان و ایران رفته سلطنت های جداگانه را بنا کردند. علاوه آریه ها اسپ را اهلی ساخته در نواح هند و کوه در عرابه های جنگلی استعمال نمودند و اسپ سواری را در عراق و غرب رواج دادند دین زردشتی نیز از همین سرزمین بروز نموده است.

آریه هایی که به ایران رفتند و سلطنت مادی و بعد هخامنشی ها را تأسیس نمودند - در عهد هخامنشی ها ترکستان زمین الی سیحون تحت سلطنت آنها بود - (۵۳۹ - ۳۳۳ ق م).

در ۳۲۷ ق م سکندر مقدونی در افغانستان داخل شده بخارا و نواح آنرا اشغال نمود اما در ترکستان شرقی چاندو نشینان آریائی آزاد بودند - بعد از مرگ سکندر حصه شرقی سلطنت او را سیلوکس نکاتور گرفت و در عهد سیلوکس هابلخ تحت قبادت دیودوتس آزاد گشته و دیودوتس بخارا و نواح آنرا نیز اشغال نمود.

غرب و شرق منگولیا را اشغال نموده یوئیچی ها را از آنجا راندند
 هونها (هیونگنو): (۱۷۷ - ۱۶۵ ق م) - يك حصه یوئیچی ها بطرف جنوب و حصه دیگر آن ساکاها را در ترکستان شرقی شکست داده بطرف تیان شیان راندند - پس در آغاز قرن میلادی منغل ها یا آریه ها امتزاج و اختلاط شروع نمودند - درین زمان چندین

شهرهای مستقل در ترکستان بوده از انجمله ختن مهمترین آنها بشمار میرفت. بعد از آن يك قسمت آریه‌ها در واکان و نواح آن آمده آباد شدند. در اثنای سال ۱۲۰ و ۱۰۱ ق، م چینی‌ها سلطه خود را تا کاشغر توسیع دادند. دین بودائی‌ها در قرن دوم قبل‌المیلاد در دیار ترکستان رسید.

درین اوقات یوئیچی‌های علاقه بلخ و مزار افغانستان تدریجاً اقتدار و غلبه حاصل نموده و بالاخره تحت سلطنت کانشکای کبیر در قرن دوم میلادی شاه چین را شکست داده کاشغر ختن و یارکند و غیره را گرفتند بخارا نیز در تحت سلطنت او بوده.

در تهذیب و تمدن این دیار تاثیر زیادی از چینی‌ها باقی بود. تمدن باختری یونانی نیز نفوذ داشت از آغاز قرن سوم الی هفتم میلادی بودائیت اوج و کمال را نایل شده از انجمله تنها در ختن ۱۰۰ خانقاه و ۵۰۰۰ راهب زیست می‌نمودند، وادیات هندی رواج داشت.

از شمال دیوار چین حرکت نموده در ۴۲۰ میلادی هیفتالیت‌ها (ایفتالیت‌های باهونهای سفید): در ساحه جیحون و سیحون رسیده تا به ۱۳۰ سال سوهان جان ایران بودند، حتی ترکها در صحنه ترکستان نمودار شده در ۵۵۷ میلادی بامداد نوشیروان قوه ایفتالیت‌ها را محو کردند ایفتالیت‌ها در اهالی نواحی منحل شدند. بدوران غلبه مرکز آنها بامیان و بلخ بود.

در قرن هفتم میلادی شاه تبت مرو و ننگ. تبستان بامداد ترکان غربی بر قسمت غربی وادی استیلایافت ترکان از ۱۵۴۶ الی ۷۰۵ میلادی در تمام ترکستان غلبه داشته اولاً متحد بوده و باز در دو حصه تقسیم شدند. از ۵۵۰ الی ۶۵۰ آزاد و مستقل بودند و خلاف ایران همراه دولت روم اتحاد نموده بودند. چینی‌ها آهسته آهسته فیما بین آنها منازعات انداخته زنگاریا، تاشقند، فرغانه، بخارا، خلم و غیره را اشغال نمودند.

بعد از آن اسلام ظهور نموده و در عهد خلافت ولید اول (بنی امیه) قتیبه سلطنت عربها: بن مسلم (در ۷۰۵ - ۷۱۴ میلادی) فتوحات حیرت انگیز را نموده، بیکنند بخارا، سمرقند، خوارزم، فرغانه، تاشقند الی کاشغر را تصرف نمود کاشغر در آن آوان سرحد سلطنت بزرگ چین بود اسلام درین ادوار متدرجاً در ترکستان نفوذ و تاثیر بزرگی نمود. خصوصاً در عهد عمر بن عبدالعزیز عده زیاد از اهالی خراسان و ترکستان داخل اسلام شدند.

ستوك بغرا خان يك حکمران کاشغرو ختن در اواخر قرن دهم بدین اسلام مشرف گشت مرو و نواح آن و خراسان مرکز اشخاص اهل تشیع بوده که بالاخره بطرفداری بنی هاشم خلافت بنی امیه را برانداختند اما در حقیقت این تحریکی بود بر علیه عرب‌ها که اقتدار و سلطه آنها را بر اندازند. — درین زمان نصر ابن سیار از طرف مروان دوم حاکم مرو بود بعد از تاسیس خلافت بنی عباسیه اشخاصی برخواستند که طرفداری بنی فاطمه را شعار خود گرفتند. در عهد مهدی عباسی در سنه ۶۱۱ هجری بغاوت ابن مقنع نقابدار در ترکستان صورت مخوف و خطرناکی را گرفته بود حتی ابن مقنع در قلعه سنام محصور شده خود را برزهر قاتل هلاک ساخت.

بدوران خلافت بنی عباسیه خاندان طاهر در مرو سلطنت طاهری را تاسیس کردند طاهرها: تا که یعقوب لیث صفاری آنها را در سنه ۸۷۳ میلادی برانداخت بعد نصر اول از اولاد سامان سلاله سامانی را تاسیس نموده بخارا را پای تخت خود قرار داد. این خاندان سامانی بخارا، در ۹۹۹ میلادی خاتمه یافت و غزنویها در ترکستان و خراسان تسلط و اقتدار پیدا کردند.

در دوره سلطنت سامانی در سرحد شمالی آن قبیله اوئی غوریك سلطنت ترکی را بنا نهاده و از کاشغر تا بحیره ارال تسلط یافت. اولین شاه آنها بو قو خان بود که شهر بلاساغون را نزدیک کاشغر تعمیر نمود. و

بغیر از آن که به دین اسلام مشرف شده بود از همین سلاله میباشد - ایلک خان کاشغری بخارا را تصرف نموده میخواست بلخ را نیز متصرف گردد مگر سلطان محمود غزنوی آن را شکست فاحش داد - ایلک خان در ترکستان و محمود غزنوی در افغانستان و هند در نشر و تبلیغ اسلام سعی بلیغ نمودند .

سلطنت کاشغری در حدود ۱۰۵۰ سلاله دیگر اوئی غور منتقل شد که موسس آن یعنی ابراهیم را ایل ارسلان سلجوقی در جنگ بکشت .

این خانواده های اوئی غور را با نام قره خانی یا قره خطائی موسوم میکنیم در حدود ۱۱۲۳ قره خانیها : میلادی قره خطائی ها خروج نموده کاشغریا رقتند ، ختن و ترکستان را فتح کردند - نام موسس قره خطائی هائی لی ، لیو ، ناشی بود و نام خود را گورگات نهاد و در همین سنوات سلطان سنجر سلجوقی در مرو بایتخت خود را قرار داده و از خوارزم تا آکس سلطنت می کرد و قره خطائی ها به ایمای حاکم خوارزم بطرف مملکت سلطان سنجر حمله آورده و سلطان (۱۰۰۰۰۰) عسکر را گرفته و آکس را عبور کرده در وادی دیرغم با آنها نبرد آزماییده هزیمت خورد -

بعد از وفات سلطان سنجر سلجوقی در سنه ۱۱۵۷ میلادی سلطنت سلاجقه در ترکستان محو گردیده و خراسان به خوارزم شاه ایل ارسلان تعلق گرفت - قره خطائی ها در سنه ۱۱۷۱ میلادی به حدود خوارزم حمله آورده بالای خوارزمی ها فتح حاصل کرده از سلطان خوارزم باج سالیانه ستانیده و پس بوطن خود عودت نمودند - علاؤالدین محمد پسر تکیش بر تخت نشسته باج داد و را موقوف نموده به زمین قره خطائی ها حمله آورد مگر شکست فاحش خورد اما در سال دوم دوباره حمله برده تا فاراب را فتح کرده عودت نمود . در اثنای که محاربات مابین خوارزم شاهی ها و گورگات ها جاری بود از شرق یک بلای عظیم به صورت چنگیز خان بوجود آمد .

باید ملاحظه نمود که درین دوره اسلام بخارا ، سمرقند و شهرهای دیگر ترکستان مراکز بزرگ علوم دینی و مدنی اسلام بود -

درین مختصر نمیتوان تاریخ چنگیز خان را مفصلاً بیان نمود اما درین مورد همین قدر گفته سلاله چنگیز خان : میتوانیم که چنگیز خان از قوم مغل باشند شمال صحرای کوبی در سنه ۱۱۶۲ میلادی پیدا شده و پس از رسیدن بسن رشد به همراه شهنشاه چین تسین نام اتحاد نموده قبیله باغی بوئیر نورها را به شجاعت و شهامت شکست داد ، چندی بعد خان قیریت ها یعنی طغرل را شکست داد و آن قبیله را مطیع خود ساخت ، در ۱۲۰۶ میلادی مجلس امرای قوم را منعقد نموده لقب چنگیز خان یعنی « پادشاه بسیار قوی » را اختیار نمود نام حقیقی او تموجین بود .

تائی یانگ خان پادشاه قبیله مسیحی نهمان ها خلاف چنگیز خان لشکر کشی کرده و شکست خورد ده قتل رسید و پسرش کچلوک فرار نمود و بدربار گورخان قره خطائی در سنه ۱۲۰۸ میلادی رسیده مورد توازش شاه مذکور شد ، چنانچه گورخان دختر خود را باو داد - مگر کچلوک لشکر قوم خود را فرام آورده بامداد محمد شاه خوارزم و عثمان شهزاده سمرقند خلاف خسر خود تعرض نموده بلاساغون را اشغال نموده قره خطائی را مقهور ساخت چون خودش عیسائی نسطوری بود مسلمانهای آن دیار را بدربار بکشت ، چندی بعد با تبلیغ زوجه خود دختر گورخان بودائیت را اختیار نمود - بعد از سقوط قره خطائی ها سلطنت محمد شاه تا مرکز ترکستان وسعت یافت و سمرقند پایتخت او قرار داده شد ، و کچلوک خان بر کاشغریا ختن و یارکند حکمران بود .

در اثنای این سنوات چنگیز خان در فتح چین مشغول بوده اما فتح مکمل آن بدست اولاده او بو قوچ یوست - بهر حال چنگیز خان (۲۰۰۰۰) عسکر به محاربه کچلوک خان سوق داد ، کچلوک خان تعرض قوچ مذکور را شنیده فرار نمود لیکن قوچ چنگیز او را دستگیر نموده بکشت ، و علاقه ترکستان شرق

تحت تسلط چنگیز خان درآمد پس از آن اولاً در بین چنگیز خان و سلطان محمد شاه خوارزم تعلقات دوستانه بوده مگر آخرالذکر بعضی تاجران رعیتی چنگیز خان را کشته باعث تحریک چنگیز خان و تخریب ترکستان، خراسان ایران، و غیره گردید چه همینکه سلطان محمد خوارزم شاه مرتکب قتل تاجران می شود چنگیز خان بغرض انتقام فوراً لشکر کشی نموده بخارا، سمرقند، تاشکند و شهر خوارزم را اشغال نموده خوارزم را از صفحه دنیا محو نمود، و سلطان محمد شاه نزدیک استرآباد بمرد و پسر شجاع و دلاور او یعنی جلال الدین فوج خوارزم شاهی را جمع نموده در ابتدا بعضی فتوحات خوبی برخلاف چنگیز خان نموده اما بالاخره از باعث بی اتفاقی امرای خود مغلوب و در سنه ۱۲۳۱ میلادی از دست یگنفر کرد بقتل رسید.

چنگیز خان من حیث فتوحات و وسعت سلطنت بزرگترین فاتح و شهنشاه دنیا بشمار می آید اما قتل عام و انسان کشی های او یک لکه بد نامی است که بر دامن فتوحات مغولهای چنگیزی باقی ماند چنگیز در سن ۶۴ سالگی مرد و سلطنت او از بحیره زرد الی پولیند امتداد داشت

بعد از وفاتش سلطنت وسیع او فیما بین پسرانش تقسیم شده و جیحون بایک قسمت کاشغر، بدخشان، بلخ و غزنین تحت تسلط پسر دوم او چغتائی درآمد. و خاندان چغتائی تا ۱۴۶۱ سال (یعنی تا ۱۲۷۰ میلادی) طول کشید حتی تیمور این دودمان چغتائی را برانداخت پای تخت چغتائی آلایلیغ نزدیک کلمجه امروزی در وادی ایلی بوده. این شاه بر رعیت خود رحمدل و منصف بود. بدوران سلطنت این دودمان علمای دین اسلام فواید و اقتدار فوق العاده را پیدا کرده در دینیات خدمات قابل قدر نمودند. در سنه ۱۳۲۱ خانی چغتائی بدو حصه تقسیم شده یکی خانهای ماوراء النهر و دیگر از جته یعنی از مغلستان که در حدود آن زنگاریا و قسمت بزرگ ترکستان شرقی و غربی داخل بود.

آخرین خان چغتائی کازان خان نهایت ظالم و بی رحم بوده چنانچه رؤسای آن دیار تحت قیادت امیر قرغان آنرا شکست داده کشتند و در عوض بایان قلی را پادشاه خود قبول کردند بعد از قتل قرغان در قندز سرش عبدالله صدراعظم پادشاه چغتائی گشته پایه تخت را به سمرقند نقل داد چون عبدالله مذکور بایان قلی را قتل نموده بود لهذا بایان سلدوز و حاجی برلاس انتقاماً بر او خروج نموده عبدالله را شکست دادند.

در آئینای این هرج و مرج تغلق تیمور خان رئیس جته بامداد دیگر رؤسا از کاشغر برآمده به سمرقند حمله آورد، حاجی برلاس گریخت و مملکت در دست تیمور خان افتاد.

تیمور لنگ که درین وقت ۲۷ ساله بوده ملازم حاجی دودمان تیموری: برلاس بود، نزد تغلق تیمور خان آمده در اثر صداقت و مذاکره مؤثر خود سمرقند را پس گرفت و رؤسای کاشغر فیما بین خود مجادله نموده پس به کاشغر رفتند.

در سال آینده سه ۱۳۶۱ میلادی (۷۶۲ هجری قمری) خان جته مغل باز به سمرقند حمله آورده پسر خود الیاس خواجه اوغلان را حکمران سمرقند مقرر نمود تیمور لنگ اولاً مشیر او بوده بالاخره از سمرقند گریخت و بعد از زحمات و مشقت های زیاد لشکر مکفی را فراهم آورد و سمرقند را از الیاس خواجه اوغلان تصرف نمود در اوایل سنه ۱۳۷۰ میلادی بر کل علاقه های چغتائی های مغربی تصرف نموده و بنیاد خاندان تیموری را نهاد.

تیمور بعد از چنگیز خان دومین فاتح بزرگ دنیا میباشد، ایران و قفقاز و روس جنوبی، دمشق، افغانستان و هندوستان را فتح کرد سلطان بایزید اول را شکست داده اسیر نمود، پایه تخت او سمرقند بود و قتیکه بغرض فتح چین لشکر کشی نمود در راه وفات کرد.

بعد از وفاتش پیر محمد نواسه او در سمرقند پادشاه شد، اما خلیل سلطان پسر تیمور از قندهار لشکر کشی کرده سمرقند را بگرفت و پیر محمد را ولیعهد خود مقرر نمود شاه رخ پسر دیگر تیمور حکمران هرات دعوی وراثت نمود اما قوت مقابله را ندیده به هرات، سیستان، خراسان و مازندران و غیره قناعت کرد.

سلطان خلیل اگر چه خصایل پسندیده داشت مگر خیلی مطیع زوجه خود شاد ملک بود، بنابراین امرای او خلاف او بغاوت نموده زیر قیادت خدایداد او را اسیر و سمرقند را اشغال کردند شاه رخ ازین واقع خبر شده فوراً لشکر کشی نموده سمرقند را اشغال نموده پسر خود الغ بیگ را به سمرقند حکمران مقرر نمود الغ بیگ یک پادشاه فاضل و عالم، هیئت دان و ریاضی دان بود، بعد از وفات پدر خود شهنشاه سمرقند گردید — دوره سلطنت سی هشت ساله او را میتوانیم دوره طلایی ترکستان بگوئیم، در سمرقند علما و فضلا و ماهرین سائنس بدور الغ بیگ جمع شده بودند.

عبد اللطیف پسرش که او را از دست علاء الدین دوهرات از مرگ نجات داده بود الغ بیگ را کشته به سمرقند پادشاه شد، اما دیری نگذشت که ابوسعید بن میرانشاه پسر سوم تیمور تخت سمرقند را گرفته کل مدعیان تاج و تخت را مغلوب نموده صاحب ماوراءالنهر، ایران شمالی و افغانستان گردید. مگر در سنه ۱۴۶۷ در معاملات آذربایجان مداخلت بیجا نموده شکست فاحش خورده از دست شهزاده یادگار میرزا بقتل رسید.

بعد از آن مابین اخلاف تیموری خانه جنگی ها واقع شده بالاخره محمد خان شیبانی از نسل جوجی پسر اول چنگیز خان سمرقند را اشغال نمود و شهنشاه بابر بعد از محاربات زیاد در ترکستان، از راه افغانستان گذشته در هندوستان امیر اطوری بزرگ مغلیه را تا سیس نمود، پس سلاله تیموری بعد از سلطنت و خانه جنگی ها تا ۱۴۰ سال سلطنت کرده از ترکستان زمین محو شدند میتوانیم بگوئیم که عهد شاهان تیموری بانورترین و بهترین ادوار مسلمانان اندلس همسری میکند، ادبیات اسلام بدرجه کمال رسید، تصانیف اکثراً در عربی و بعضی در فارسی بوجود آمد، اما میر علی شیر نوائی وزیر شهر هرات به ادبیات چغتایی از همه بیشتر خدمت نمود.

بعد از مرگ چنگیز خان دشت قیچاق که عبارت است از نواح غدیر ارال، و شمال بحیره خزر و هر دو کنار دریای والگا به تقسیم جوجی بزرگترین پسر چنگیز خان رسید، شیبانی ها: پسر پنجمین جوجی بوده نام ازبکها را در قرن پنجم معروف ساخت، اما مؤسس حقیقی اقتدار ازبکها ابوالخیر از نسل شیبانی در ۱۴۱۳ میلادی پیدا شده بود، ابوالخیر خوارزم و یک قسمت ترکستان را فتح نمود بعد از مرگ او پسرش محمد شیبانی ملقب به شاه بیگ سمرقند و ماوراءالنهر را اشغال نموده تاسیس دودمان شیبانی را نهاد.

خان شیبانی در سنه ۱۵۰۰ میلادی مطابق ۹۰۶ هجری ماوراءالنهر را فتح کرد اما ظهیرالدین بابر پادشاه نمودار شده سمرقند، سغد، میان قول، قرشی و غیره را اشغال نمود و تنها بخارا را بدست ازبکها ماند لیکن در سال دوم شیبانی خان باز حمله آورده بابر را هزیمت داده و بابر بطرف کابل گریخت و شیبانی خان فتوحات خود را توسیع داده رفت حتی در سنه ۱۵۱۰ شاه اسمعیل صفوی کل ایران را فتح نموده به خراسان تعرض نموده شیبانی خان را نزدیک مرو شکست داده بکشت و تمام ماوراءالنهر داخل شده فوج برآمد. بابر از قتل شیبانی خان و قوف یافته از کابل حرکت کرده به ماوراءالنهر داخل شده فوج ایرانی ها ئیکه از بکها را که زیر قیادت همزه سلطان بودند شکست فاحش داد. سنه ۱۵۱۱ در همین اثنا فوج ایرانی ها ئیکه شاه اسمعیل فرستاده بود به کمک بابر رسیده و بابر به سمرقند داخل شده کل ماوراءالنهر را اشغال کرد، لیکن باوجود معاونت فوج ایرانی بابر باز شکست خورد و بطرف کابل رخ نمود. و سلاله شیبانی تا ۹۹ سال در ماوراءالنهر سلطنت کردند.



منار كوتاب في سمرقند

اخلاف جوجی خان بعد از مرگ تیمور در والگای سفلی سلطنت خود را قائم کردند ،
دودمان استراخان : در او اخر قرن شانزدهم میلادی یار محمد خان از شهزاده گان روس شکست خورده به ماوراء
النهر پناه آورد ، شاه عبدالله که بزرگ ترین شاهان شیانی میباشد خواهر خود را به پسرش جانی
خان ازدواج نمود . بعد از کشته شدن عبدالؤمن آخرین پادشاه شیانی امرای ترکستان تاج و تخت را به جانی
خان تقدیم نمودند اما او چون بسیار پیر بود به پسر خود دین محمد تفویض نمود و دین محمد در جنگ با ایرانیها
کشته شد و باقی خان برادرش زمام سلطنت در دست گرفت ، درین عهد شاه عباس صفوی حمله آورده مگر در
نواح بلخ شکست فاحش خورده به مشکل جان خود را سلامت برده توانست . چندی بعد امام قلی خان زمام
سلطنت بدست گرفته به عدل و انصاف و دیانت حکومت کرده و آسیای وسطی بار دوم متنور و متمدن و با امن شد
بعد از خلع اختیاری و رفتن او بطرف مدینه منوره مابین خاندان استراخان خانه جنگی ها واقع شده و خانهای
خیوا هم درین محاربات شرکت ورزیدند .

در عهد سلطنت سبحان قلی خان سفرای اورنگ زیب شهنشای هندوستان و احمد دوم سلطان ترکی بدربار
اورسیده روابط دوستانه را قائم کردند (۱۶۷۰) میلادی مطابق ۱۱۱۲ هجری .
در سنه ۱۷۳۶ میلادی نادر شاه افشار خراج نموده پسر خود رضا قلی خان را بفرض فتح بلخ
دوره نادر شاه : و اندخوی و غیره فرستاد لیکن رحیم بی قوماندان عسکری بخارا و ایلبرس حکمران شیردل
خیوا با هم متحد شده رضا قلی خان را شکست فاحش دادند . مگر نادر شاه بعد از فتح
و تاراج و قتل عام دهلی فیما بین امرای بخارا تخم نفاق و شقاق کاشته بخارا و بعد خیوا را اشغال نمود .
محمد رحیم بی وزیر بخارا از کشته شدن نادر شاه در سنه ۱۷۴۷ میلادی وقوف یافته
منگت ها : و ابوالفیض شاه آخری سلاله استراخانی را کشته بخارا را غصب نموده قبیله منگت
از بکها را بر سر اقتدار آورد . بعد از وفاتش معصوم عمزاد محمد رحیم بخارا را اشغال
نمود و چندی بعد با بهرام علی خان مؤسس خاندان قاجاری آویخته او را در مرو کشته مرور انصرف نموده بر کل خراسان
اقتدار حاصل کرد ، این پادشاه بسیار ظالم و بیرحم بود . پسرش حیدر طغری با کاکاهای خود جنگ و جدال
نموده در سنه ۱۸۲۶ بمرد .

بعد از وفات حیدر بیچه سومین او امیر نصرالله بعد از خانه جنگی مختصر در بخارا داخل شد . در عهد او
شهر سبز فتح شد و خان قوقند بواسطه عهد نامه کهنه با دام خوجند را تفویض و امیر بخارا را سلطان خود
تسلیم نمود . لیکن چندی بعد خان قوقند با برادر خود اتفاق نموده علاقه را پس گرفت و امیر بخارا بار دیگر بطرف
قوقند لشکر کشی نموده و به هوس توسیع سلطنت پرداخت .

درین آوان عسکر روسی تحت قیادت جرنیل پیرووسکی در نواح ترکستان رسیده بودند می بایست که
امیر بخارا کل اهالی ترکستان را جمع و مستعد نموده خلاف دشمن مشترک حرکت کند مگر نامبرده با خیوا آویخت
دولت برطانیه پیشرفت روسی ها را دیده بدربار امیر نصرالله سفیر ها فرستاد لیکن امیر نصرالله آنها را بقتل رسانید
و سفیر روسی بی نیل مرام از دربار بخارا برگشت .
بعد از مرگ او سید مظفرالدین بر تخت نشست ، سید مظفرالدین وقتیکه در سنه ۱۸۶۵ در فتح قوقند
مصروف بود ، جرنیل روسی چیرنیف نام تاشقند را اشغال کرد و مظفرالدین خلاف او اعلان جهاد نموده
بالاخره از دولت مسلح تر و منظم تر روسی مغلوب گردید .

بعد ازین روزمره نفوذ دولت مشارالیه در تورکستانات پیشرفت کرده و شهرها باستثنای حکومت نیم مستقل
خیوا و بخارا و بعضی خان نشین ها یکی بعد دیگری بدست دولت روسیه تزاری مفتوح گردید تا اینکه در سال
۱۹۱۷ انقلاب کبیر روسیه شروع شده بخارا و خیوا نیز فاقد استقلال داخلی خود گردیده در سال ۱۹۲۳
تشکیلات علاقه جات مذکور بنام تورکمنستان ، تاجکستان ، ازبکستان ، مجدداً ترتیب یافته و عموماً از طرف
کمیته جاهیر شورویه ماسکو اداره می شود .

ایران

ایران مملکت مستقلی است که مساحت آن ۱۶۴۳۵۵۸ مربع کیلومتر و نفوس آن ۱۰۰۰۰۰۰ نفر میباشد. در زمانه های بسیار قدیم، آریه ها از حوالی پامیر یا نواحی شمال افغانستان منتشر شدند. بعضی از آنها دره رود سند را مسکن خود قرار دادند و برخی دیگر در منطقه آریائی خود افغانستان و ایران موجوده اقامت گزیدند. و همین اقوام اخیر الذکر را ایرانی های نامند. مهم ترین قبائل ایرانی (مدها) و (فارس ها) و (باختریانها) میباشند. در سنه ۵۵۹ قبل از میلاد امپراطوری مدیا بواسطه کوروش منقلب و اقتدار بدست فارسها افتاد. کوروش بعد از حصول اتحاد کلدانها و مصریها حاکمیت اضطراب آور شاه لیدی را در (۵۵۴) قبل از میلاد مضمحل و آسیای صغیر را فتح کرد. بعد بطرف کلدانها متوجه شده، بابل را در (۵۳۸) قبل از میلاد) متصرف شد و به این قسم حاکم مطلق تمام آسیای غربی گردید. و در زمان داریوش اول (۵۲۱ - ۴۸۵) قبل از میلاد) امپراطوری ایران به اوج کمال خود رسید زیرا از یکطرف اداره حکومت نظم و نسقی پیدا کرد و از طرف دیگر سرحدات آن وسعت زیادی یافته علاوه بر مصر (که در زمان کانیز ضمیمه آن گردید) پنجاب، حوضه سند و یک قسمت سیتی را شامل بود. اما حرص بی اندازه شاهان ایران بمقابل جسارت یونانیها که رهنمای آن ژنی معروف حربی اسکندر مقدونی بود امپراطوری ایران را در زمان داریوش منقلب ساخت. پس از مرگ اسکندر (۳۲۳) سال ایران بزیر اقتدار دومان سیلوکسی افتاد و بعد از آن بدست پارت هارفت (۲۴۶) قبل از میلاد.

در سنه ۲۲۶! عهد مسیح (ع) (ارتاکرز کزس) پسر ساسان بمقابل پارتها قیام نموده در ایران سلسله ساسانی را که تا سنه ۶۲۵ موقع استیلای عرب دوام داشت. تاسیس کرد، حاکمیت این سلسله اخیر الذکر که تا (۱۲۲۰) پایدار بود بر اثر مخالفت هائی که در عربستان بوجود آمد رسمی گردید، به این قسم حکام آزادی یافته شهزاده گان ترک و ایرانی و سرداران خراسانی دولت های علیحده تشکیل دادند به قسمیکه بر قابت خلفا، سلسله های متعدد از قبیل طاهریه و صفاریه و آل بویه و سامانیان بلخ و بالاخره غزنویه غزنه کابل که یک مدت طولانی بر تمام ایران حکومت نمودند، روی کار آمد. سلسله های مزبور بواسطه سلاجقه منقرض شد و بعد در (۱۱۴۹) خوارزمی ها جانشین سلاجقه گردیدند. در قرن (۱۳) دولت ایران بمقابل عساکر چنگیز خان مقاومت نتوانسته به تصرف مغل هادر آمد و مغلها تا (۱۴۰۵) در آنجا بر سر اقتدار باقی بودند. دو سال بعد ترکمانها خاندان گو سفند سیاه (قره قیو تلو) (۱۴۰۷) و (۱۴۶۸) را که بعد ها بواسطه خاندان ترکمنی دیگری موسوم به گو سفند سفید (آن قیو تلو) (۱۴۶۸ - ۱۴۹۷) منقرض شد تشکیل دادند و در عهد سلسله موخر الذکر بود که جنگ های مذهبی بین ایرانیها و ترکمنی ها بوقوع پیوست.

اغتشاشات داخلی در زمان حکومت خاندان صفویه از اهل سادات اردبیل (۱۴۹۹ - ۱۷۳۲) دوام یافته بالاخره یک نفر شخصیت مبرز و دلیر موسوم به نادر شاه افشار سلطنت صفوی ها را خاتمه داده لشکرکشی های زیادی بهند، افغانستان نموده دولت مقتدری بپا کرد ولی پس از او، در (۱۷۷۹) خاندان قاجار ترک بر سر اقتدار آمده در قرن (۱۹) اراضی وسیعی را به روسیه سپرد و آخرین شاه قاجار (احمد شاه) پس از انقلابات طولانی در سال (۱۹۲۵) بطور قطعی خلع شده بتاریخ ۱۴ دسمبر (۱۹۲۵). اعلیحضرت (رضاشاه پهلوی) سیه ساله سابق و رئیس الوزرا از اولاد خود ایرانی به سلطنت انتخاب شد، قانون اساسی به اصول مشروطیت سلطنتی که بتاریخ ۳۰ دسمبر (۱۹۳۰) وضع و آخرین دفعه در ۱۲ دسمبر ۱۹۲۵ تعدیل یافته است.

رضاشاه پهلوی بتاریخ ۱۶ مارس ۱۸۷۸ بمقام رشت تولد و به ۱۷ دسمبر ۱۹۲۵ خاندان شاهی: به شاهی انتخاب شده است.



تهران : قصر بهارستان (شورای ملی)

اولاد :

اسم	لقب	تاریخ تولد	موضع تولد
۱ محمد رضا پهلوی	شاهیور ولیعهد	۲۶ اکتوبر ۱۹۱۹	تهران
۲ علی رضا »	شاهیور	اول مارس ۱۹۲۲	»
۳ غلام رضا پهلوی	»	۱۳ اپریل ۱۹۲۳	تهران
۴ عبدالرضا »	»	۱۹ اگست ۱۹۲۴	»
۵ احمد رضا »	»	۱۷ ستمبر ۱۹۲۵	»
۶ محمد رضا »	»	۳ اکتوبر ۱۹۲۶	»
۷ حمید رضا »	»	۴ جولائی ۱۹۳۲	»
۸ شمس الملوك شاه دخت	»	۱۸ اکتوبر ۱۹۱۷	»
۹ اشرف الملوك »	»	۱۶ اکتوبر ۱۹۱۹	»
۱۰ فاطمه خانم »	»	۳۰ اکتوبر ۱۹۲۸	»

برما

برما جزو امپراطوری برطانیه است ، مساحت آن عبارت از ۲۷۷هـ ۶۰ مربع کیلومتر و نفوس ۶۱۸هـ ۱۴۶۶۶۶۶۶

نفر میباشد . گمان میرود که بومیان قدیمی برما نژاد سیاه پوست بوده که بقایای آنها در جزایر اندمان که در زمانه قدیم یکی از قطعات برما بوده تا حال میباشد . باشندگان امروزی برما اخلاف قبایل فعلی هستند که وقتاً



يك منظره از شهر ماندلی (برما)

فوقاً از چین غربی و تبت مهاجرت کرده بکنارهای ایرادوی و شالوین حرکت کرده به اراکان توطن گزیده اند، نهائی ها یا شاشانها در ایالت های شان و سیام رسیده در برما استیلا نمودند.

دین براهمنی به برما اثر کرده و جانشین دین قدیم گردید بعدها دین بودائی شیوع و نفوذ پیدا کرده دین برهمنی را برانداخت مذهب برمائینها تا حال همان بودائیت میباشد.

قبل از غلبه پادشاه (اناور هتا) ذکر جمله روسای قدیم افسانه بشمار میآید اما تاریخ از اناور هتا ذکر میکند و مشارالیه در سنه ۱۰۵۴ میلادی دودمان پاکات را تاسیس نمود، نامبرده وده نفر جانشین او اولین حکمرانان حقیقی تمام مملکت برما میباشند از جمله آنها بعضی شاهان دردین خود بسیار محکم و راسخ بودند (انندا) بهترین معابد بودائی را شاه کیان زتا تعمیر نموده بود - چون شاه آخرین این خاندان سفرای قبلی خان را کشته بود لهذا عسکر قبلی خان انتقاماً حمله آورده این دودمان را برانداخت در سنه ۱۲۸۷ سلالة شان بر سر اقتدار آمده لیکن درین دوره ۲۵۰ ساله طوایف الملوك در برما حکمفرما بوده روسای خورد خورد برای حصول برتری با هم قتل و قتال داشتند بالاخره در سنه ۱۵۳۱ خاندان تونگواستیلا نموده سلطنت برمائی را مجدداً منظم ساختند تا بین شویهتی (۱۵۳۱ - ۱۵۸۰) بامداد جرنیل مشهور خود هر و م مرتبان اراکان و ییگورا اشغال نموده پای تخت قدیم سیام یعنی ایود هما را نیز فتح کرد لیکن فتوحات او و لپسرش و سایل برما را خراب نمود بالاخره سیامی ها به برما حمله آوردند و اراکانی ها هجوم آورده ییگورا در دادند در اثنای این خرابی ها نواسه شاه مذکور اناوک تیلون غلبه نموده سلطنت را دوباره زنده ساخته ییگو را پایه تخت خود مقرر نمود اخلاف اناوک تیلون آوا را مرکز حکومت قرار دادند لیکن سلطنت آنها بسیار ضعیف بوده و شاهان چین از ینگ و مانچو برمای علیا حملات آوردند و این خاندان در سنه ۱۷۴۰ خاتمه یافت شویهوی النگیایه عسکر شاهی تونگو را هزیمت داده در عرصه هشت سال کل مملکت برما را تحت تسلط و حکمرانی خود آورده سلطنت او از سنه ۱۷۵۲ الی ۱۷۶۰ میلادی دوام نمود.

سالنامه « کابل »

پرتگالی ها اولین قوم اروپائی است که به خاک برما فرود آمده تجارتخانه را بپا کرده و بازرگان برمائی ازدواج نمودند ارمنی ها و اولاد پرتگالی ها در فوج برمائی ملازمت میکردند انگلیس ها و دچها نیز در برما تجارتخانه های جزوی قایم کردند مگر انگلیس ها در سنه ۱۷۰۹ در سیرام یک فابریکه را بنا نمود و تلنگ ها آنرا در سنه ۱۷۴۳ در داده بر زمین هموار کردند و انگلیس ها در نگرلین فابریکه دیگری را تعمیر نمودند حتی در سنه ۱۷۵۹ شاه النگیاه حمله آورده کل نفری قلعه را بقتل رسانید و قتیکه دویلی (حاکم فرانسوی در هند جنوبی) دو جهاز برای محافظت سیرام روانه نمود النگیاه حمله منصبداران فرانسوی را بکشت.

پسر دوم النگیاه (۱۷۶۳ - ۱۷۷۶) به منی پور حمله برده هزارها نفر را به اسارت برد و به سیام حمله برده پای تخت ایودها را اشتغال نمود فوراً بعد از این واقعه چینی ها به برما هجوم آوردند و برمائی ها بعد از چهار سال چینی ها را اخراج نمودند.

بودا و پایه (۱۷۸۲ - ۱۸۱۹) پسر النگیاه تخت را گرفته اما راپوره را پای تخت خود قرار داد و اراکان را در سلطنت خود ملحق نموده (۲۰۰۰۰) اراکانی را به اسارت به آوا پای تخت خود برد سلطنت بودا پایه از جمله سلطنت برمائی سابقه وسیع تربوده بعد از مرگ او پسرش پاک پیدائ (۱۵۱۹ - ۱۸۳۷) بر تخت نشست چون بالای اراکانی ها ظلم و وحشت زیاد از طرف حکومت اجراء میشد آنها به تعداد زیاد به جیبتا کانگ (آسام) پناه آوردند و حکومت برما به آسام و منی پور بار دیگر حمله آورد و سنه ۱۸۲۴ فوج برمی مرحد مشرق هند را عبور کرده حکومت انگلیسی مندون شاه برما را شکست داد از روی معاهده ینداپو علاقه آراکان، تانیرم، آسام و منی پور را بانگلیسها تسلیم و ده ملیون روپیه را باقساط بطور تاوان جنگ ادا نمود و نیز یک سفیر انگلیسی بدربار آوا مقرر شد، در سنه ۱۸۵۲ جنگ دوم برما بوقوع پیوسته و انگلیسها علاقه بیگو را در حدود مملکت خود الحاق کردند و معاهده دوم منعقد شد، مندون شاه برما، بروما، پاریس، ولند و هیئت ها روان کرده با اطلی و فرانس معاهدات نمود، شاه مذکور در سنه ۱۸۷۶ بمرد.

آخرین شاه برما تهیبا بود او بر شرکت انگلیس (۲۳۰۰۰۰) روپیه بالزام اینکه آنها باغیان برما را تحریک و تحریص می نمایند عاید نمود باین سبب انگلیس ها خلاف او اعلان جنگ داده و شاه برما را شکست و برما را در حدود سلطنت برطانیه در سنه ۱۸۸۵ داخل نمود، شاه برما بهر ای عیال و اطفال خود به هندوستان تبعید و یادشاهیت برما محو و نابود گردید.

برما که اصلاً جزء جزیره نمای هند چینی است تا حال یک ایالت هندوستان شمرده میشود اما کنون این تجویز در نظر است که از هند مجزا گشته طرز حکومت آن بصورت یک مستملکه جداگانه برطانوی تبدیل گردد.

برونی

برونی مملکتی است بر ساحل شمالی بورنیو که باقیانده سلطنت عظیم الشان تاریخی برونی میباشد، مساحت کنون آن ۶۵۰۰ کیلومتر مربع و نفوس آن ۱۶۲۰۰۰ نفر است، و از سنه ۱۸۸۸ م این مملکت در تحت حمایت برطانیا قرار یافته.

چنانچه در تاریخ بورنیو مذکور گردیده بانی سلطنت اسلامی درین سرزمین سلطان (محمد) نام است که در اواسط قرن ۱۵ مشرف بدین حنیف اسلام گردیده بود، قبل از ان برونی اسماً تحت حمایت جاوا بود، و سالیانه یک سربان عرق سیاری بطور علامت تحت حمایتی به جاوا ارسال می شد.

جهازات ماگلان جهان نورد که در سال ۱۵۲۱ م بدهانه دریای برونی انگر انداز گردیده و این شهر را

ملاحظه نموده اند در باب شان و شوکت دربار سلطان بویه و عظمت عمارات شهر اطلاعات زاید اوصفی درج کرده اند .
سلطان بویه مرد شجاع و جنگجوئی بود که بر تمام سواحل بوریو ، جاوا و ملاکا هجومات فاتحانه نموده
برای وسعت حکمرانی خود سعی و همت ورزیده است . سلطان مشارالیه در بین اهالی مملکت محبوبیت خاصی یافته
تا حال اهالی بمرقدش احترام نموده و از روح مشارالیه استعانت میجویند .

در قرون ۱۶ ، ۱۷ ، ۱۸ ، ۱۹ م در اثر جنگهای متوالی نیکه پرتگالی ها ، هسپانویها ، انگلیسها و بت
پرستانیکه در حصه مرکزی سکونت داشتند بوقوع پیوست ، قوای برونی روبه تحلیل رفته و بالاخره در وسط قرن
۱۹ حصص بزرگ این مملکت مجزی و مملکت را جای سارا واک و شرکت برطانوی بوریوی شمالی تعلق گرفت
در سال ۱۸۸۸ م باقیمانده این مملکت بکلی تحت الحمايه برطانیا قرار داده شد ، در سنه ۱۹۰۶ سلطان محمد
جبال العالم اختیارات اداری مملکت را بامور انگلیسی تسلیم نمود .

مرکز حکومت برونی شهر دارالسلام ، و سلطان کنونی احمد تاج الدین اخوذاخیر و الدین است .

بلوچستان

بلوچستان حاضر اداری ۴۴۵ ر ۱۴۰ کیلومتر مساحه و ۵۰۸ ر ۴۶۳ نفر نفوس است این مملکت از مربوطات
خاک های جغرافیائی قدیم افغانستان و برور دهور دست خوش استیلاها و حوادث مختلفه گردیده اجمالاً
راجع بآن قرار آتی می نگاریم :

اولین سند تاریخی در خصوص بلوچستان تاریخ هرودوتس یونانی است بقرار روایت او این اراضی
باسم قبیله میکینها Mykians شهرت داشت و در قرن ۶ ق م دارا شاه فارس بآن مسلط گشت اسم مکدان
ایالت ساحلی بلوچستان شاید از اسم همین قبیله ماخوذ باشد آورده اند که سیروس ایرانی در حین سفر خود
از بین این ملک نقصانات شدید را متحمل گردیده و عده کثیر عسکرش تلف شده اما تا ورود اسکندر در هند
حالات داخلی این مملکت کمتر معلوم بوده اسکندر بوقت مراجعت خود از هند عسکر خود را در سه حصه
تقسیم نمود دسته در سرکردگی خودش از راه بلوچستان و مکدان بطرف ایران حرکت کرد دسته دیگر
در تحت فرمان نئارکس Nearchus متصل ساحل بطرف بابل در کشتی ها سفر نموده دسته سوم که مشتمل
بر بعضی مریشها و یک دسته فیل بوده در زیر اثر کری تیرس Craterus از راه کوئته و بلوچستان شمالی داخل
ایران گردید . بدینگونه هر سه دسته فوق حالات صحیح این مملکت را تحریر نمودند که الحال از قدیم ترین
ماخذ تاریخی این مملکت شمرده می شود در دوره ساسانیها بلوچستان بالعموم جزو مستملکات ایران بود
و در عهد خلافت حضرت عمر فاروق رض عسکر اسلام به سرکردگی عبدالله ایالت مکدان را فتح نمود اما
عربها ازین مقام تا چند سال دیگر پیش نرفتند ، حضرت عثمان رض برای کشف معلومات داخلی هند شخصی
را از همین راه به هند فرستاد ، در خلافت حضرت معاویه رض تخمیناً در سنه ۶۶۴ مسلمانان تاسرحدات سنده
پیش قدمی نمودند .

محمد بن قاسم در سنه ۷۰۷ برای تسخیر سنده از جانب حجاج بن یوسف فرستاده شد محمد بن قاسم
اولاً شهر ارمایل را بدست آورد از آنجا بدلیل حمله برد از آن وقت تا قرن (۱۰) بلوچستان جزو
امپراطوری عرب بوده بعد از صنف داخلی خلفای عباسی بلوچستان نیز مثل سائر ممالك دیگر
از دست شان بیرون برآمد . از سنوات ۴۵۰ تا ۶۰۰ هجری سلاطین غزنوی و غوریان افغانستان
دوباره باسترداد بلوچستان قیام کرده و در تحت اداره شاهان وطنی خود بسر میبرد ، در سالهای
۱۵۹۵ - الی - ۱۶۳۸ بلوچستان از متفرقات امپراطوری مغول هند به شمار میرفت بلوچی ها که نسل آریه اند

قسمتی در عهد مهاجرت عمومی آریه ها از شمالی افغانستان درین خاک آمده آباد گردیدند و قسمتی هم در قرن ۱۱- ۱۲ از ایران بواسطه سلاجقه اخراج گردیده درین ناحیه متوطن شدند، آنها بزودی مکدان غربی را فتح نموده و بلندی های قلات را متصرف شده نتوانستند و یک عده شان از بلوچستان عبور کرده در وادی سنده آباد گردیدند.

پراهوی ها Brahuis که از نژاد در یویدت اند در قلات قلات زنده گمی میکنند در قرن ۱۷ در سرکردگی کمبار Kambar یکی از سرداران قبیله مذکور مقتدر گشته را جای هندو را برطرف و حکومت اسلامی را در اینجا تاسیس کردند بعد از او عبدالله بر سر اقتدار آمد و مشارالیه وادی زرخیز کج گنداوار Kaehgandavar را فتح نمود در همین وقت بود که نادرشاه افشار بر قندهار تسلط یافت و عبدالله نیز باو بیعت فرستاد کمی بعد عبدالله در جنگ نوابان سنده بواسطه ناصر خان مقتول گشت که یکی از شاهان بزرگ بلوچستان به شمار می رود بعد از قتل نادر شاه افشار احمد شاه ابدالی شهنشاه بزرگ افغانستان دوباره بلوچستان را استرداد نموده بخاک وطن ملحق و ناصر خان حاکم سابقه آنجا را به حکومت بلوچستان کمافی السابق برقرار نمود ولی ناصر خان در ۱۷۵۸ شورش برپا نمود، بلوچها بعد از زد و خورد مختصر مغلوب گردیده میثاق نامه به پای تخت تقدیم و وعده داد که، اعلیحضرت احمد شاه و اولاد شانرا همیشه در محاربات با عساکر خود کمک نماید و هیچ گاه از مرکز مملکت و احکام شاه افغان سرکشی نداشته باشد، در سنه ۱۷۹۵ ناصر خان در گذشت در ابتدای قرن ۱۸ سیاح معروف انگلیسی پوتنر Potinger نام در بلوچستان سیاحت نمود و از آن به بعد انگلیس ها در معاملات داخلی بلوچستان توجه خصوصی معطوف نمودند در جنگ اول افغان و انگلیس دسته قشون انگلیس بر قلات حمله آور گردیده و محراب خان با (۴۰۰ نفر) در آن جنگ کشته شد ناصر خان پسرش را انگلیس بجای او تعیین کرده و در سنه (۱۸۴۱) بلوچستان را تخلیه نمودند در سنه ۱۸۵۴ جنرال جیکب gacab انگلیس موفق بامضای معاهده باخان قلات گردید و بلوچستان در تحت حمایه انگلیس درآمد.

ناصر خان در سنه ۱۸۵۶ فوتید و در عهد امارت خداداد خان جانشینش شورشهای متعددی بظهور پیوست در سنه ۱۸۷۵ انگلیس کبطان سندی من Sandeman را برای اطفای آتش بغاوت فرستاد ازین تاریخ به بعد نفوذ انگلیس در اینجا پیشرفت و ترقی انتهای نمود و در سنه ۱۸۷۹ کوتیه و اضلاع متصل آن بتصرف انگلیس درآمد.

بورنیو

بورنیو یکی از جزائر مجمع الجزائر شرق الهند است که بجنوب شرق آسیا مابین بحیره چین و بحیره جاوا و آبناهی مکاسر واقع گردیده، مساحت آن قریباً ۷۲۵۰۰۰ کیلو متر مربع و نفوس آن ۳۰۰۰۰۰۰ می باشد این جزیره کوهستانی دارای معادن مهم قیمت دار و جنگلات وسیع است.

اهالی این جزیره از نژاد های چینی و ملایائی و نیگریتو (سیاهان پست قد) و اختلاط این اقوام با یکدیگر و عرق سفید میباشد، اهالی ساحل نشین بورنیو اکثراً مسلمان و اهالی که در مرکز زنده گان دارند بت و روح پرست اند در حصه جنوب شرقی بورنیو آثار قدیمه معابد براهمنی موجود است، ازین آثار چنان مکشوف میگردد که در قرن ۶ مسیحی تمدن هندی درین مملکت نفوذ یافته است، اما چگونگی آن از نظر تاریخ پوشیده مانده و چیزی بنظر نمی آید.

کتب تواریخ چینائی بیان میکند که در قرن هفتم مسیحی یکی از شاهان قطعات شمال شرقی بورنیو تحایف و هدایا بامیرا طور (فغفور) چین فرستاد و در قرن ۱۵ مسیحی در یک حصه جزیره مذکور چینی ها توطن



یکی از مناظر سراواک «بورنیو»

گزیدند از آن زمان تا حال مهاجرت چینی ها در بورنیو دوام داشته کنون باندازه ۲۵۰۰۰۰ نفر تباد چینی در آنجا سکونت اختیار نموده اند .

در تاریخ جاوا مذکور است که شمال جزیره بورنیو را انگکا و جیا امپراطور ماجاپاهت (جاوا) فتح نموده بود و در کتاب سلسله شاهات برونی که در کتاب خانه شاهي برونی ضبط است چنین معلوم می شود که در قرن ۱۵ الک برتا تا نام حکمران بورنیوی شمالی که تحت حمایت امپراطوران ماجاپاهت بود جزیره نمای ملا یا بغرض سیاحت رفته مشرف بدین اسلام گردید و از سلطان جوهور اسم محمد و لقب سلطان و نقاره نوابی یافت ، سپس از جوهور به مملکت خود عودت نموده و خود مختار شد ، بعد زان به مدد الشریف سلطان برکت که اصلاً از طائف حجار بود و با خاندان شاه مذکور وصلت نموده بود دیانت اسلام را دران سرزمین تبلیغ نمود و در مابین دو جزیره کایا و رنگ و چومین سد سنگی بنا نمود که تا حال باقیانده و سلسله همین سلطان محمد است که تا کنون در برونی سلطنت و حکمرانی دارند .

در اواخر قرن پانزده مسلمانان جاوا و جزائر گرد و نواح که بغرب و جنوب بورنیو واقع اند نیز در آن جارفته تاسیس سلطنت نموده اند .

واسطه اطلاع یافتن یورت از وجود این جزیره این شد که در سنه ۱۵۱۱ البوک رک پرتگالی سه جهاز به مولا کا فرستاد ، را کبین این جهازات اتفاقاً به بند رامبو یانه رسیدند بعد از آن با سلاطین بورنیو ، پرتگالی ها باب مراودات تجارتی را کشودند و در سنه ۱۵۷۳ م هسپانویها نیز سعی ورزیدند که مفاد تجارتی در بورنیو حاصل نمایند اما نا کام گردیدند در سنه ۱۵۸۰ م هسپانویها به جنگ آغاز نمودند و سلسله این محاربات از سنه ۱۵۷۳ تا سنه ۱۶۴۵ م دوام یافت اگر چه سلطان برونی نگذاشتند هسپانویها در مملکت شان تسلط یابند اما بواسطه دوام این جنگ از قوای شان کاسته گردید .

قبل ازین در سنه ۱۶۰۴ هالندیها و در سنه ۱۶۰۹ انگلیسها بساحل بورنیو رسیدند و تجارتخانه هائیکه بصورت قلعه جنگی و دارای اسلحه ناریه بود در آنجا بنانهادند در سنه ۱۷۳۳ سلطان بنتم (جاوا) حقوق تجارتی و مقبوضات خود را که در بورنیو داشت به هالندیها بخشید و در همان زمان سلطان سولو که ادعای سلطنت حصص شمالی جزیره را داشت حقوق خود را بانگلیسها گذاشت و آنها بر بعضی حصص مملکت قابض گردیدند اما رؤسای محلی در سنه ۱۷۷۴ قلعه برطانوی را مسمار نمودند و در سنه ۱۸۰۹ هالندیها را مجبور کردند که تمام قلعه جات خود را تخلیه نمایند بعد از آن اروپائیها را در بحر نیز تعاقب نموده و جهازات تجارتی آنها را تباہ می نمودند .

در سنه ۱۸۱۱ چون جاوا موقتاً به برطانیه تعلق گرفته بود سلطان بنجر ماسین از برطانیه معاونت خواسته و تحت الحایه گی او را قبول نمود و در سنه ۱۸۱۶ چون جاوا دوباره قرار معاهده ، از طرف انگلیس ها بهالندیها واگذار گردید بنجر ماسین نیز تعلق بهالیند گرفت و ایشان نصف مملکت را برای خود گرفتند و نصف دیگر برای سلطان باقیانده .

بعد از آن بمرور ایام آهسته آهسته هالندی ها تمام حصص جنوبی بورنیو را متصرف شدند بالاخره در سنه ۱۸۹۱ حصه تحت اثر برطانوی و حصه تحت اثر هالیندی تعیین یافت و در آن باب معاهده بین دولتین عقد و امضا گردید .

در حصص شمالی اگر چه اثر برطانوی در اواخر قرن ۱۸ بکلی زائل گردیده بود اما در سنه ۱۸۳۹ شخص انگلیسی جیمس بروک نام بایک جهاز مسلح به سارا واک رفت و مقابل مرکز حکومت (کوچنگ) لنگر انداخته و در حالیکه اهالی بر علیه سلطان طغیان نموده بودند از جهاز بالای شان گلوله باری آغاز نمود

این مسئله به نفع سلطان تمام و اهالی به سلطان اطاعت ورزیده از طغیان ایستادند، چون سلطان برونی بعد ها دریافت که مردان انگلیسی شخص رسمی نیست نسبت به ممنوعیت که از او داشت بجای کمی خطه وسیع ساراواک او را برگذاشت. در سنه ۱۸۴۵ قوه بحری برطانوی قوه بحری اهالی بورنیو را در جنگ خلیج (مرادو) محو نمود و دو سال بعد ازین واقعه لنگر گاه جزیره (لابوان) را از سلطان برونی گرفت در سنه ۱۸۷۲ در ساندکان یکی از شرکتهای انگلیسی تجارتخانه باز نمود و در سنه ۱۸۷۸ سلطان (سولو) تمام ادعائیرا که نسبت به حقوق خود به شمال بورنیو داشت باین شرکت تجارتی انگلیس فروخت و در سنه ۱۸۸۲ شرکت مذکور با اجازه حکومت برطانیه باوجود اعتراضات حکومت هالیند و هسپانیا و مخالفتهای شدید اهالی حصه مذکور را متصرف شدند. این شرکت به همین حصه اکتفا نکرده سال بسال حصص گرد و نواح را نیز بیول یا بزور متصرف گردیده بروسعت خود افزود و جنگهای خونینی نیز برای انجام این مقصود درینمدت جاری بود بالاخره بعد از وفات محمد صالح قائد ملی در سنه ۱۹۰۰ قوه اهالی مضمحل گردیده و بعد از چند سال بکلی سقوط اختیار کرد.

از طرف دیگر در سنه ۱۸۸۸ سر چارلس جانس از طرف سلطان برونی بعد از وفات عمویش جانشین و را جای ساراواک گردیده بود و حکومت خود را تحت حمایت برطانیه اعلان کرد و در همان سال برطانیه سلطنت برونی را در تحت حمایت خویش در آورد.

بورنیوی شمالی (برطانوی)

بورنیوی شمالی مملکتی است مستعمره برطانوی که در شمال جزیره بورنیو واقع و تحت اداره شرکت برطانوی است، مساحت آن عبارت از ۸۰۵۶۱ کیلومتر مربع و نفوس آن ۲۲۳۰۲۷۰ نفر است که جمله مسلمان می باشند عایدات سالیانه این مملکت به ۴۰۰۰۰۰۰ یوند بالغ می گردد. تاریخ این مملکت با تاریخ مملکت بورنیو توأم و در آنجا ذکر شده است مرکز آن سنداگان است.

بورنیوی (هالندی)

بورنیوی هالندی مملکتی است در جنوب و غرب بورنیو که مساحت آن عبارت از ۵۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع و نفوس آن ۳۳۵۴۶۵۱۹۲ نفر است مرکز آن بنجرماسین است، راجع بتاریخ این مملکت بتاریخ بورنیو رجوع شود.

بهوتان

بهوتان مملکت مستقلی است که مابین تبت و هند و صفحات شمالی همایه واقع میباشد.

مساحت آن مساوی ۴۶۰۰۰ کیلومتر مربع بوده و اهالی آن عبارت از ۲۵۰۰۰۰ نفوس است که تبتی الاصل و به (بهوتیا) موسوم اند.

تاریخ قدیم این مملکت در پرده های تاریک از نظرها نهان مانده. در اواخر قرن نهم افواج تبتی به مملکت بهوتان هجوم آورده شاهان محلی هندی و اهالی هندی الاصل را از آنجا خارج و مملکت را متصرف گردیدند.

تشکیل سابقه بهوتان چنین بود: مملکت بهوتان علاوه بر جایداد روحانیوت به ۹ ولایت منقسم بوده

و هر ولایت را يك رئيس اداره می نمود حکومت مرکزی مشترکاً از طرف یکفر شاه روحانی (دهرم راجا) و یکفر شاه اداری (دیب راجا) بواسطه مجلس وزرای دایمی خاندانی که وزارت ارتش ایشان تعلق میگرفت انتظام و اداره می شد.

یهوتانیان يك حصه آسام را اشغال و در سنه ۱۷۷۲ بکوج بهار هجوم و راجای آنجا را محبوساً با خود بردند. اهالی کوج بهار از انگلیس ها طلب امداد نموده و به معاونت انگلیس ها را جای خود را از چنگال یهوتانیان نجات و رهائی بخشیدند.

بعد از آن در سنه ۱۷۷۴ م به میانجی گری ناشی لایحه تحت نزاع انگلیس و یهوتان قضا و مساعدت بعمل آمد در سنه ۱۷۷۴ و سنه ۱۷۸۳ سفرای انگلیس باین مملکت بر سر نشوین تجارت اعزام شد اما هیچ نتیجه حاصل نگردید.

در سنه ۱۸۲۶ انگلیسنان آسام را منصرف و م سرحد یهوتان گردیدند. در سنه ۱۸۸۱ خلافت دوار که از مستملکه یهوتان بود بحکومت برطانوی آسام ضم شده و بعوض آن سالانه یکپنجاه هزار روپیه بحکومت یهوتان تادیه شود.

بواسطه اینکه واقعات سرحدی تکرار می شد و اختلاف واقع می گردید از طرف برطانیه سفیری به حکومت یهوتان در سنه ۱۸۶۳ جهت تصفیه امور اعزام گردید. یهوتانیان باینده انگلیس را حسن و زورالایش راجع براضی متنازع بیه معاهده را به مقام خود امضا نمودند چوت سفیر مشارالیه خود را نجات بخشیده عودت نمود و ایسرای عدم موافقت و قبولیت معاهده مذکور را رسماً اعلات نمود و در سنه ۱۸۶۵ م یهوتان تجاوز نمودند در ابتدا اهالی یهوتان قلعه دیوات گری را فتح نمودند اما بالاخره هزیمت یافته تمام خلافت (دوار) را از دست دادند. و در مقابل راضی شدند بکف از پول بعوض آن بگیرند.

در سنه ۱۸۸۵ رئیس ولایت نوککه سا. بررؤسای ولایت دیگر خالاب آمده و چون (دهرم راجا) فوت شد (دیب راجا) بعوضش دهرم راجا گردیده از امور ملکی دست کشید. در سنه ۱۹۰۷ رئیس نوککه سا. به اتفاق آرای رؤسای روحانی و اداری و وزراء و اهالی مهاراجای یهوتان انتخاب شد.

در سنه ۱۹۱۰ یهوتانیان مرادوات خارجه خود را بانگلیسها سپردند و در عوض یکصد هزار روپیه سالانه بحکومت برطانیه بیهوتان میدادند.

در همین سال بحکومت چین اعلان قبولیت خود را بیهوتان نمود اما بطول و مستند بقاعده از طرف انگلیس ها رد شد.

مهاراجا نوککه در سنه ۱۹۰۷ انتخاب شده بود (او که بن وانگه چوک) در سنه ۱۹۲۷ فوت و عوض او پسرش مهاراجا (چک بی وانگه چوک) برقرار شده است.

تبت

تبت از مستعمرات چینی است. مساحت آن عبارت از ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ مربع کیلومتر و اهالی آن ۲۰۰۰۰۰۰ نفوس میباشد باید دانست که تاریخ تبت بسیار قدیم است اگرچه قسمت بزرگ آن بحس افسانه میباشد مؤرخین چینی در قرن یازده (ق م) ذکر جادریشنات ایالت (کو کونور) را میکنند (نور) در زمان علی قلی در (سیکونند) و تحریرات تاریخی تبتی از قرن پنجم و دوم (ق م) الی سال (۹۱۴) میلادی يك فهرست شاهان نشان داده شده.



بک منظره شهر لاشان

میگویند که در عهد شاه (لها - توتوری - نیان تسین) تعلیمات اولین بودا از راه نیپال به تبت رسیده - شاه چهارم این سلاله (نام - ری - سونگ - تسین) بود که در سنه ۶۳۰ میلادی بمرد - در عهد این پادشاه تبتی ها حساب و علم طب را از چین یاد گرفتند و درین ادوار آنها امنیت و آرامی زیاد را صاحب شدند . پسر یا شکوه او یعنی (سونگ تسین - گام - پو) در سن سیزده سالگی به تخت نشسته تا سالهای دراز سلطنت کرد در عهد او بودائیت شیوع زیاد یافت و این پادشاه الف بارا در تبت رواج داد که اساس آن بر ابجد هندی که در کشمیر مستعمل بود میباشد و الحاصل این پادشاه فتوحات خود را در شمال تا قبایل گیانگ در مغرب تا لداخ و در جنوب تا خلیج بنگال توسیع داد - اما در سنه ۷۰۳ میلادی برهمن ها خلاف اجانب بر انگیزته آزاد شدند .

پسرش بعد از وفات پدر خود تا غدیر کو کو فتوحات خود را رسانیده و در سنه ۶۶۳ بر چین هجوم برد اما چینی ها خلاف او پیشرفت فاتحانه نموده تا به لها سه رسیدند . (تسوک - تسین) نواسه (مانگ - سونگ - مانگ تسین) در اشاعت بودائی کوشید و دختر خات چین را در حباله نکاح خود آورد - از بطن او (قی سونگ وی تسین) تولد شد و این پادشاهی از بزرگترین و با شکوه ترین شاهان تبت میباشد که فتوحات تبت را زیاد و در تبلیغ و اشاعه بودائیت مساعی بلیغه را بکار برد - پسرش جانشین او گشته در مملکت خود قانون مساوات را نافذ نمود .

در عهد (رال - یا - چین) احکام بودائیت مکمل و بصحت تحریر شده و در عهد او بهر ای چین محاربه شدیدی واقع گردیده در سنه ۸۲۱ میلادی بین شان مصالحت گردید تا به (رال یا چین) سلسله شاهان را (شاهان متدین) می نامیدند زیرا که در راه بودائیت خدمات شاننداری نمودند .

آخرین شاه مذکور را برادرش لنگدرمه نام گشت والی سه سال سلطنت کرد بعد از قتل او سلطنت تبت مابین دو پسرش تقسیم گشت و بودائیت روبرو به زوال گذاشت اما در سنه ۱۰۱۳ میلادی بعضی مبلغین بودائی از هند وارد شده بودائیت را دوباره زنده نمودند .

در قرنهای دوازدهم و سیزدهم قوه پیشوایان دینی بودائی بسیار ترقی کرد حتی قبای خان یک اسقف بودائی را نزد خود طلبیده (وقتیکه بر شرق تبت قبضه کرده بود) بعد از دوازده سال او را اختیارات شاهی داده به تبت روان کرد - ازین زمانه یعنی ۱۲۷۰ الی ۱۳۴۰ میلادی ۲۱ اسقف یکی بعد دیگری حکمران تبت بودند . بعد از زوال حکومت اسقفی (پاک مودو) خروج نموده سلاله را تاسیس کرد که دوازده نفر تا ۱۶۳۵ حکمرانی نمودند .

در قرن چهاردهم ، پانزدهم ، شانزدهم در دین بودا انقلاب روی داده ، راهب های کلاه زرد بروی کار آمدند (بیشتر راهب های کلاه سرخ بودند) مابین این دو فرقه مذهبی یعنی راهب های کلاه سرخ و زرد مناقشه و مناظره ها به وقوع پیوست ، اسقف کلاه زرد موسوم به (سور نام - گیا - تسو) مذهب خود را تا به منگولیا تبلیغ نموده و یک رئیس منگولیا او را به (دلانی لا ما) ملقب ساخت - پسر لقب دلانی لا ما باینطور بوجود آمده و تا امروز مروج است .

دلانی لا مای پنجم بدر بار شهنشاه چین به بیکن رفته بطوریک پادشاه مستقل پندیرائی کرده شد - از سرکه این دلانی لا مای پنجم کبیر (بالعموم این دلانی لا ما به همین لقب موسوم میباشد) مابین تبتی ها اتفاق و شقاق رونما گردیده و چین بنا بر نفوذ لا مادر مانچوریا و منگولیا و تبت در مملکت تبت تسلط پیدا کرد - و در اوایل قرن هجدهم حکومت چین یک نماینده خود را ملقب به (امبان) در لا سا قایم نمود .

بعد از آن دو (امبان) تعیین شد یکی برای امور خارجه و دیگری برای شعبه حرب این امبنا در انتظامات تبت

مداخلت نموده و در سنه ۱۷۵۰ حکمران تبتی را کشتند تبتی ها به انتقام بر خواسته کل چینی های مقیم تبت را بقتل رسانیدند شهنشاه چین (چیان لنک) عساکر فرستاده سلطه چین را مکرراً قایم و قوه امبانیها را مستحکم نمود.

در سنه ۱۷۸۸ گورکه ها (که در نیپال عروج و تفوق حاصل کرده بودند) به تبت حمله برده يك حصه آنرا فتح نمودند مگر چینی ها ازین واقعه خبر شده فوراً لشکری را ترتیب داده در سنه ۱۷۹۲ گورکه ها را شکست کامل داده و تابه پای تخت نیپال یعنی کپتمندورسیده صلح را منعقد کردند و چون خیال کردند که درین تعرض غالباً دست انگلیس است لهذا تبت را برای اجانب کاملاً مسدود و ممنوع قرار دادند، در سنه ۱۸۴۱ (۵۰۰۰) دو گره از راه کشمیر به جنوب تبت حمله بردند اما تبتی ها آنها را کاملاً مستاصل نمودند در سنه ۱۸۵۵ گورکه ها حمله دیگری نموده کامیاب شدند از تبت ده هزار روپیه سالانه و حق تجارت آزاد را حاصل کرده سفیر خود را به لپاسه مقرر نمودند.

از قرن سیزدهم اروپائیها وقتاً فوقتاً به تبت ارفته معلومات مفیده را حاصل کرده اند حکومت انگلیسیه هندوستان از سنه ۱۸۷۲ کوششها نمود که بهمرای حکومت مرکزی تبت روابط قائم کند مگر تبتی ها همیشه از نفوذ و رسوخ انگلیس ترسیده از قیام روابط استنکاف نمودند. اما در سنه ۱۹۰۳ حکومت انگلیس از پیشرفت روسیه بیدار شده يك هیئت را به همراه کنگدك مسلح بطرف تبت روان کردند و تبتی ها از راه جنگ پیش آمدند و انگلیس تبتی ها را شکست داد زیرا که تبتی ها غیر منظم و اسلحه خوبی نداشتند دلائلی لا ما از لپاسه بطرف منگولیا گریخت در سنه ۱۹۰۶ انگلیس به همراه چین شرایط صلح را چنین طی نمود که علاقه تبت به هیچ دولت اجنبی تعلق نخواهد داشت و تبت (۱۶۶۰۰۰) یوند بطور تاوان جنگ خواهد داد.

در سنه ۱۹۰۷ انگلیس و روس معاهده نموده سلطه چین را در تبت تسلیم کردند و ما بین خود عهد بستند که در معاملات و انتظامات داخلی تبت مداخلت نخواهند کرد.

چین از حمله سنه ۱۹۰۴ انگلیس خوف نموده برای پیش بندی حمله دیگری يك عسکر تهیه کرده و فوج چین در سنه ۱۹۱۰ به لپاسه رسید لا ما و اتباع او بطرف هندوستان گریختند و چینی ها در تبت قوه و سلطه خود را استحکام دادند. در سنه ۱۹۱۱ انقلاب چین پیا شد و تبتی ها عسکر چینی را از تبت رانده قسمت بزرگ مملکت را مجدداً گرفتند دلائلی لا ما و اتباع او واپس به (لا سا) عودت نمودند. در سنه ۱۹۱۷ چینی ها باز حمله کردند مگر شکست خوردند سپس تبتی ها همراهی انگلیس دوست و با چین دشمن گردیدند.

در سنه ۱۹۱۴ محاربه عمومی پیا شده و تبتی ها یکبار دیگر بطور کمک به برطانیه دادند در سنه ۱۹۲۰ نماینده انگلیس در شهر ممنوع لپاسه زیرا که تبتی ها و لا ماها ادخال خارجیه را در حدود تبت ممنوع قرار داده بودند لهذا شهر لپاسه خصوصاً بنام شهر ممنوع هم موسوم میشود) بطور سفیر رفت و در سنه ۱۹۲۲ قرار درخواست حکومت تبت شهر ممنوع لپاسه بواسطه تلگراف با هندستان الحاق یافت تبتی ها خیلی خوش مزاج، شجاع، دلاور بوده و بسیار شوق بموسیقی، رقص و سرود دارند.

ترکیه

ترکیه در حال حاضر دارای ۲۷۵ ر ۶۶۰ ر ۱۳۱ نفوس و مساحت آن عبارت است از ۷۳۶ ر ۷۶۲ مربع کیلومتر. قرن سیزدهم زمان انقلابات بزرگی بوده است، امپراطوریت روم روبره تنزل نهاده و سلطنت پروس شروع به ترقی نمود، ترویج علوم و تاسیس مکاتب دائره خیالات و معلومات اروپائی را وسعت بخشید. در انگلستان وحدت ملی از اختلاف نارمن ها و ساکسون ها به تکمیل رسید. چارتر کبیر امضایافت و اولین پارلمان ملی تشکیل شد (۱۲۱۵ در زمان جون John) در شرق جنگ های صلیبی بنقصان مسیحیون خاتمه پذیرفت. در اقصای شرق چنگیز با عساکر وحشی خود چین و آسیای وسطی را غارت کرده اولاده او در عرصه پنجاه سال بزرگترین سلطنتی را تشکیل داد که از بحیره چین تا پولیند شرقاً و غرباً و از دشت قیچاق تا خلیج فارس شمالاً و جنوباً



شهر جدید انقره در میان خرابه های قدیم

وسعت داشت در همین وقت ترکان عثمانی نیز به تحریکات خود مشغول گشته بالاخره موفق به تاسیس حکومتی گشته که تا امروز دامنه آن امتداد دارد. اما اینهم مسایل تاریخی است که باید دانست این ترکان غیور از کجا و چگونه موفق به تاسیس این سلطنت و فتوحات بزرگ گردیدند.

در میدانهای سنگ آریا و گویا بعضی اقوام خانه بدوش از ایام قدیم زندگانی میکردند و اکثر به دسته جات خورد خورد تقسیم و بجانب جنوب و غرب حمله آور میگرددیدند. مشهورترین این قبایل ایغور بوده که بنام یوچی سلطنت باختر از شاهان یونانی افغانستان را غارت نموده امپراطوری بزرگی را که مرکز آن شهر بلخ امروزه بود در آسیای وسطی تشکیل دادند.

عده از این قبایل در کنار رود ولگا، اورال و کسپین متوطن گردیدند. در قرن ششم این ترکها اقتدار زیادی یافتند و چون سلطنت عرب رو بتنزل نهاد خلفای عباسی بآنها محتاج گردیده از دوی بزرگی از آنها تشکیل دادند. ازین بعد ترکها متواتر بر علیه خلفاء شوریده حکومت های مستقلی را در بعضی از نقاط ایشیا مانند نیشاپور و فارس و غیره تاسیس نمودند و بالاخره حکومت اسلامی را در اناطولیة نقل دادند.

حکومت های سلاجقه ایران و خراسان بواسطه خوارزم شاهیان منقرض گشت و به این شاهان از بعضی قبائل ترکی بحیره خزر کمک میرسید همین قبائل را مؤرخین اروپاء جد ترکان حالیه میدانند و قتیکه حملات چنگیزی روی کار آمد ترکها نیز مجبوراً بجانب غرب حرکت نمودند و در آسیای صغیر و مصر حکومت های مستقلی را تشکیل دادند. اجداد عثمانی ها نیز با کله گوسفند خود بجانب آسیای صغیر آمده با اجازه سلاطین سلجوق روم در اناطول متوطن گردیدند بعد ها سلطان سلاجقه روم (علاءالدین) بر آنها بدگمان شد و این دسته ترکان در ۱۲۲۷ عیسوی بسر کرده گی سلیمان شاه از اناطول خارج گردیدند درینوقت عده شان بیش از چهار هزار نبود و در عبور از رود فرات سردار شان غرق شد. ترکان این حادثه را بدشگونی گرفته عده که هنوز از رود نگذشته بودند بسر کرده گی لطفعلی پسر سردار مذکور بجانب اناطول باز گشتند و در آنجا از علاءالدین اقطاعی درخواست کردند چون عده شان کاسته بود علاءالدین آنها را در قرا جاداغ متصل انقره امروزه زمین بخشید و چون حکومت سلاجقه را همواره کمک می نمودند سلطان در حق شان بیش از پیش مراعات می نمود. الطغرل در ۱۲۸۸ بمصر ۹۰ سالگی درگذشت و پسرش عثمان اول جانشین او مقرر گشت با وجودیکه سلطان درینوقت دچار مشکلات بوده و ایالات او یکی بعد دیگری از سر کر مجزا و اعلان استقلال می نمودند درین همه مشکلات عثمان با کمال جوا نوردی به ولینعم خود کمک می نمود و چند بار عسکر یونانی ها را شکست داد. در ۱۳۰۰ علاءالدین درگذشت و امپراطوری سلاجقه تجزیه یافت، عثمان نیز از موقع استفاده کرده اعلان استقلال نمود ازین جهت مؤرخین عثمانی او را پادشاه نخستین خود می شمارند. پسرش اورخان غازی که یکی از فاتحین بزرگ عثمانی است تا برو سه فتح نمود و از ۱۳۲۶ تا ۱۳۵۴ حکومت کرده است.

در آخر قرن چهاردهم بایزید یلدرم داخل اروپا شده کمی بعد قسطنطنیه را محاصره نمود در ۱۳۹۵ مسیحیون اتحاد بزرگی بر علیه او تشکیل داده عسکر متحده از رود دنیوب عبور نموده بمقام تکوپولس (بلغار امروزه) با عثمانیها مقابله کردند اما تاب حمله یلدرم را نیاورده شکست فاحش خوردند و یکی از برادران شاه فرانسه نیز بقتل رسید و قتیکه عسکر غیور ترک مشغول فتوحات بودند بلای ناگهانی بر ایالت شرقی آن نازل گردید یعنی در همین موقع تیمور کورگانی مانند برق از سمرقند برخاسته در ظرف اندکی از بغداد تا ماسکو فتح نمود و در ۱۴۰۱ جارجیه را بدست آورده داخل ترکیه گردید و شهر سیواس Siwas را تسخیر و غارت نمود و از آنجا به جانب شام و بغداد و بعداً بطرف شمال حرکت کرد و در انگوره بالشکر ترکان در آویخت. عثمانی ها بسبب خیانت بعضی از مامورین شکست خوردند و بایزید با سرداران بزرگ اسیر گشته و بعد از هشت ماه اسارت درگذشته و دولت عثمانی را بحالت ابتر و پریشانی گذاشت.

در ۱۴۹۳ محمد اول بسلطنت رسیده شورشهای داخلی را تا اندازه فرو نشانده و خرابیهای تیمور را اصلاح کرد و سفیری بدربار وینس فرستاد و بار اول دسته جهازات عثمانی را مرتب نمود.

در قرن پانزدهم محمد ثانی که در تاریخ بمحمد فاتح مشهور است شورشهای داخلی را رفع و عسکر را ترتیب نمود و در مدت پنجاه و سه روز قسطنطنیه را فتح و بآن داخل گردید ۱۴۵۳ و بعد از کمی بجانب شمال رفته حصه جنوبی سرویه را هم فتح نمود و در ۱۴۵۶ ایالات بوسنه هرزی گونیا، والاچا، البانیا، و مالتی نیگر و ضمیمه دولت عثمانی گردید. اهالی وینس نیز بعضی مقامات ساحلی را بحق عثمانی ها گذاشتند، کمی بعد ۱۴۷۸ کریستیا نیز فتح گردید. در قرن شانزدهم اقتدار ترکها (در عهد سلیمان باشکوه) بانهای ترقی رسید بلگراد و جزیره رودس فتح گردید عسکر عثمانیها از رود دنیوب گذشته بمقام مهاکس لوئ دوم سلطان هنگری را شکست داده شهر بوداپست را بدست آوردند ۱۵۲۸ و چون از آنجا برگشتند فردیناند برادر شارلکن (چارلس پنجم داخل جرمنی شده اما درینوقت تعرض ایرانیا (در زمان شاه طهماسب) در آذربایجان بگوش سلطان رسیده و او را مجبور ساخت که ترک فتوحات گفته بجانب شرق آید. درینوقت تبریز را فتح نموده و تمام ارمنیها را بدست آورد.

خیرالدین پاشا امیر البحر ترکی درینوقت کشتی های وینس را تهاجم نمود، الجزائر و بسیاری جایهای افریقه شمالی را بدست آورد، در ۱۵۴۸ ارض روم، جارجیا فتح گردید و ایران معاهده صلح را امضاء نمود ۱۵۵۵، حدود سلطنت عثمانی درینوقت از بغداد تا مراکش شرقاً و غرباً و از سرحدات جرمنی تا خلیج فارس و عربستان شمالاً و جنوباً وسعت یافت و بحرا سود کاملاً بحر عثمانی گشت.

در قرن هفدهم که دسته از شاهانی بحکومت رسیده بنای عیاشی گذاشتند در امور مملکت و عسکر ترکها روز بروز ضعف راه یافته مملکت در خطرات افتاد و نیچریها شورشهای متواتر کردند مسیحیون از خانه جنگی ها استفاده کلی نمودند معاهده مشهور سلواتروک Silwatrok سیلاب فتوحات عثمانی را در اروپا خاتمه داد.

در قرن هجدهم شاه سویدن (چارلس ۱۲) بمقام پولتاوا Pultawa از پطر کبیر شکست خورده به شاه عثمانی پناه آورد و روسیه او را در اراضی ترکیه تعاقب نمود. عساکر اسلامی متصل رود پتر پطر کبیر را با عسکرش محاصره نمودند و قریب بود که همه تسلیم شوند اما سر عسکر ترکیه (بالتجی محمد یاد شا) خیانت نموده در خواست ملکه کاترین را قبول و معاهده صلح را با شرایط بسیار بزم امضاء نمود ۲۱ جولائی ۱۷۱۱، کمی بعد استریا حمله آورده بلگیری را متصرف گردیدند و روسها بار دیگر بر ممالک عثمانی تعرض نمودند و در ۱۷۲۷ ترکها بمقابل شاه اشرف افغان شکست خورده سلطنت او را در ایران بر سمیت شناختند معاهده اتحاد بین دو اتین عقد و سفرای طرفین مقرر شدند در قرن نهم مسائل شرقیه بروی کار آمد و همینکه در ۱۸۱۴ کانفرانس وی یانامنعقد شد و دول اروپائی از ناپلیون نجات یافتند دولت عثمانی محل متنازع دولت های اروپائی گشت، استریا از هیئت کانفرانس بقای دولت عثمانی و شمول او را به موافقت اروپائی خواهش داشت اما روسیه ایاء نموده عثمانی را از دایره حقوق بین الملل خارج گذاشته میخواست که آن را در بین خود تجزیه نماید و سیاه سیون اروپائی هر حادثه را بدقت ملاحظه می نمودند و مقصد هر دولت (بدون روسیه) این بود که هر ملتی که در املاک سلطنت عثمانی چشم بدوزد فوراً ازو جلوگیری نموده بحد خودش باز دارند ازینجهت در ۱۸۱۵ مشغله شباروز سیاه سیون اروپا مسئله شرق بود و مراد از مسئله شرق سلطنت عثمانی بود که باقی ماند؛ یا تجزیه گردد؛ و اگر تجزیه گردد چگونه؟ و اگر بر حال ماند از ملل کوچک مسیحی که تابع سلطان هستند چگونه طرفداری و حمایت کنند. ظهور مسئله شرق بار اول از ۱۸۲۵ - ۱۸۲۹ آغاز شد در وقتیکه یونانی ها بغاوت کرده ممالک مسیحی را بامداد خود دعوت نمودند تیرانش وزیر استریا سعی نمود که دول اروپائی گوش بآوازه آنها ندهند اگر چه قتل عام ساگاز و بدار او یختن روحانیون بزرگ مسیحی در قسطنطنیه به تیرنش موثر نیفتاد ولی ملل اروپائی را افسرده خاطر ساخته چاهه چاهه

برای اعانه و مدد هم کیشان خود بجانب یونان رفتند و پول زیادی به یونان فرستادند نیکولس زار روسیه، پاشا انگلستان اتفاق کرد تا از سلطان استقلال یونانی را طلب نماید این بخاطر سه سال طول کشید ولی اثری نه بخشید. سلطان از محمد علی پاشا و الی مصر معاونت خواست و مشارالیه يك دسته جهازات ترکی مصری را بمعاونت فرستاد انگلستان، روسیه و فرانسه متحداً جهازات خود را بآب های یونان فرستاده جهازات مصری را تباه نمودند و کمی بعد روسیه از دنیوب عبور نموده بجانب قسطنطنیه پیشقدمی نمود سلطان مجبوراً معاهده ۱۸۲۹ ادریانوپل را امضاء و استقلال یونانی ها را اعتراف کرد و حرکت جهازات را در دنیوب و در دانیال آزادی داد علاوه تا خساره جنگ را نیز قبول نموده و کمی بعد فرانسه الجزیره را گرفت.

مسئله دوم شرق: از حمله محمد علی والی مصر بر سوریه و تسخیر آن بوقوع آمد زیرا شکست عثمانی باعث بغاوت و شورش اناطول گشته سلطان مجبوراً از زار روسی امداد خواست زار فوراً قشون خود را بقسطنطنیه فرستاد این مداخلت روسیه باعث پریشانی انگلیس و فرانسه گشته سلطان را مصلحت دادند که سوریه را به محمد علی واگذارند. سوم مسئله شرق: از ۱۸۳۹ شروع و در ۱۸۶۱ خاتمه پذیرفت.

افواج ترکیه در تحت سرکردگی خسرو پاشا از دریای دجله بر میکشت در بین راه با عساکر شامی محمد علی برخوردند. محمد علی بیدار بود لشکر ترك را عقب نشاند و ازین کامیابی چنان جسور گشت که فتح اناطول در دماغش جاء گرفت و اعلان نمود که بشخص سلطان سوء قصدی ندارد محض می خواهد مامورینکه در وظیفه خود کوتاهی کرده اند بسزا رساند انگلیس و در روسیه این عزم بزرگ او را خلاف سیاست خود دیدند زیرا انگلیس میترسید اگر محمد علی قوی گردد بسهولت راه هند را مسدود خواهد نمود و همچنین روسیه خیال داشت ترکها را اصلاح و تقویت نموده مقابل خود يك سد بزرگی تشکیل دهد ازین رو هر دو محمد علی پادشاه را مجبور نمودند که سوریه را تخلیه نماید و محمد علی مجبور گردیده که مطالبات این دو دولت قوی را به پذیرد. بعد ازین انگلیس مناسب دانست که ترك ها را از تحت حمایه روسیه نجات دهد و معاهده بنام آنها در ۱۸۴۱ بادل بزرگ اروپا امضاء نمود تا هیچ کدام جهازات جنگی خود را در آبناهای دانیال و باسفورس شناور نسازد در نزد سلطان عهده برار شد که ممالکش را از تجزیه مصئون دارد باین واسطه سلطنت عثمانی در زمره حقوق دول اروپا داخل شد.

چهارمین مسئله شرق از ۱۸۵۲ شروع و در ۱۸۵۶ خاتمه پذیرفت. روسیه از جاه طلبی خود دست نکشیده دولت عثمانی را آدم مرخص نامیده میخواست آنرا تجزیه نماید چنانچه در ۱۸۴۴ که زار بطرف انگلستان سفر کرد فکر خود را در مسئله شرق چنین اظهار نمود (در خصوص دولت عثمانی بین من و وزیران من دو فکر موجود است یکی دولت عثمانی را بحالت نزاع و دیگری مرده میداند اما بهر حال هیچ چیز مانع حرکت فوری نمیگردد) و در ۱۸۵۲ زار روسیه بسفیر انگلیس نوشت: وقت آنست که این جسد مرده (دفن شود) و عزم نمود که قسطنطنیه را متصرف گردد این مسئله باعث ظهور چهارمین مسئله شرق گردید انگلیس خواست که روسیه را ازین عزم باز دارد ازینجهت بادل اروپائی مشوره نمود و امپراطور استریا بتائید انگلستان محضر پروتست بروسیه داد اما ناپلیون سوم فرانسه و مملکت ساردینا و انگلیس هر سه متحد گشته جهازات و عساکر خود را بمعاونت عثمانیها فرستاده خواستند که بحریه روسیه را در بحرا سود تباه کنند. برای تصفیه این جنگ کاترانس پاریس در ۱۸۵۶ انعقاد یافت و در آن تضمین گذاشتند که در بحر سیاه، ورود دنیوب جهازات جنگی روسیه شناوری نکنند و سلطان در عوض حقوق مساوات به نصارا داده جزیه آنان را بخشید.

پنجمین مسئله شرق بواسطه مداخلت روسی بظهور آمد، روسیه نصاری سلاوی، سرویه و مانتی نگر و را طرفداری نموده ترك ها شورشیان را شکست داده عده زیادی از آنها را کشت، در چنین وقت نازک سلطان عبدالحمید بسلطنت رسید و اصول مشروطه در مملکت جاری و مجلس پارلمان آن بطرز اروپا تشکیل یافت ولی اروپائیان خصوصاً روسیه قانون اسامی را اعتبار نداده در خواست کردند که ممالکی را

که در آن قتل عام شده استقلال اداره داده شود دولت عثمانی این مطالبات ناجاز را رد نمود بنا برین دلول اروپائی وزیرای . خود را از پایتخت عثمانی کشیدند زار خود داری کرده در ۱۸۷۸ باقشون سیلاب مانند خود بر ممالک عثمانی حمله آورگر دید عساکر ترکیه بمقام پلونا (بلغار) بسر کردگی عثمان پاشا فداکاری واستقامت زیادی کردند، اما بعد از خونریزی و محاربات بسیاری قشون دشمن به ادریا نویل رسیده معاهده دلخواهی را که با اسم سانس ستینفو مشهور است امضاء نمودند دولت عثمانی استقلال رومانی، سرویا، و مانتی نگر و را برسمیت شناخت، بلغاریه و حکومت رومیلی تشکیل یافت اما دول اروپائی این قرار داد را بیشتر بمقاد روسیه دیده زار را مجبور نمودند که در مجلس برلین شمولیت ورزد . کانفرانس برلین نیز استقلال رومانی و سرویا و مانتی نگر و را قبول نمودند ولی از وسعت اراضی که بمانتی نگر و داده بودند کاسته شد، همچنین از علاقه های آسیائی که روسیه برای خود گرفته بود کاستند و باتون را شهر آزاد گذاشته بلغار را استقلال داخلی دادند، آستریا و یونان نیز اراضی وسیعی را مالک گشتند و انگلستان جزیره قبرس را بدست آورد مختصر به سلطان عثمانی از مقبوضات اروپائی محض البانیه، سالونیکا، بلاد مقدونیه و اطراف پایتخت - باقی ماند .

سلطان چون ازین جنگها فراغت یافت مستشارهای مالی و عسکری را از جرمنی برای اصلاحات داخلی جلب نمود اما در ۱۸۸۱ شورشهای داخلی بار دیگر مانع ترقی گشت انگلیس ها نیز از موقع استفاده نموده بجانب مصر تعرض کردند و بالاخره فرانسه را فریب داده مصر را تنها بدست آوردند . درینوقت نفوذ جرمنی در ترکیه بیش از پیش ترقی کرد چنانچه اجازه امتیازات راه آهن به کمپنی های جرمنی داده شد .

قرن بیست

جنگ عمومی و ترکیه:

جنگ عمومی در ۲۸ جون بواسطه قتل ارج دیوک فرانسه فریدینان آغاز شد و در ۲۹ نوامبر ۱۹۱۴ عثمانی نیز بطرفداری اطیش و المان داخل جنگ گردید و محاربات تا آسیای غربی و حدود ایران وسعت یافت . اتحادیون در ۱۹۱۵ در باز نمودن - آبنای در دانیال و با سفورس برای کمک و سامان به روسیه در تری بولی و سواحل در دانیال قشون فرستادند اما بمقابل ترکیه عاجز آمده به تخلیه آن مجبور گردیدند . در پنجم اکتوبر ۱۹۱۵ بلغارستان نیز بکمک جرمنی و آستریا داخل جنگ گردید . میکن سن سردار بزرگ بروس بکمک بلغاری ها سرویه را بکلی فتح نموده راه برلین و اسلامبول را باز نمود سپس از آنجا بطرف رومانیه رفته کاملاً تسخیر کرد . انگلیس و فرانسه بجلوگیری آنها در سالونیکه پیاده شدند . روس ها در آسیا قسمت ارمنستان ترکی و قلعه ارض روم را تسخیر نمودند ولی در جنوب آن عثمانی ها جنرال مشهور انگلیس تاونشن Taunshend را بمقام کوت العماره بمعیت ۱۳ هزار نفر مجبور به تسلیم ساختند ۱۹۱۶ . در سال ۱۹۱۷ انگلیس بفتح بغداد و بیت المقدس موفق گردید و در نتیجه بین النهرین و فلسطین را عثمانی ها تخلیه کردند . در ۲۹ ستمبر ۱۹۱۸ بلغاریها تقاضای صلح جداگانه نمودند عثمانی ها بواسطه که شام از دست رفته بود همین طریق را اختیار کردند و بالاخره در جرمنی نیز انقلاب برپا گردیده در ۸ نوامبر ۱۹۱۸ حکومت جمهوری اعلان گردید و ویلهلم دوم بمعیت ولیعهد به هالیند پناه برد و در ۱۱ نوامبر المان متارکه جنگ را قبول نمود اتحادیون بعد ازین با پنج دولت معاهده علیحده بستند و عثمانی ها تمام مقبوضات سابقه خود را از دست داده شام را، فرانسه، فلسطین و میسی بوتیا و عربستان را انگلیس در تحت حمایه خود گرفت تریس و سمرنا را یونان تصرف نمود اسلامبول شهر آزاد قرار یافت ولی غیرت و شجاعت عثمانی ها این معاهده پیشرفانه را قبول ننموده برای استقلال خود دست و پا زدند و انگور را مرکز تحریکات خود قرار داده شروع بکار نمودند و در ظرف اندکی به سرداری مصطفی کمال غازی یونانیها را در هر جا شکست داده از سمرنا و آسیای صغیر و تریس و اسلامبول بیرون رانده و تریس و اسلامبول را بار دیگر

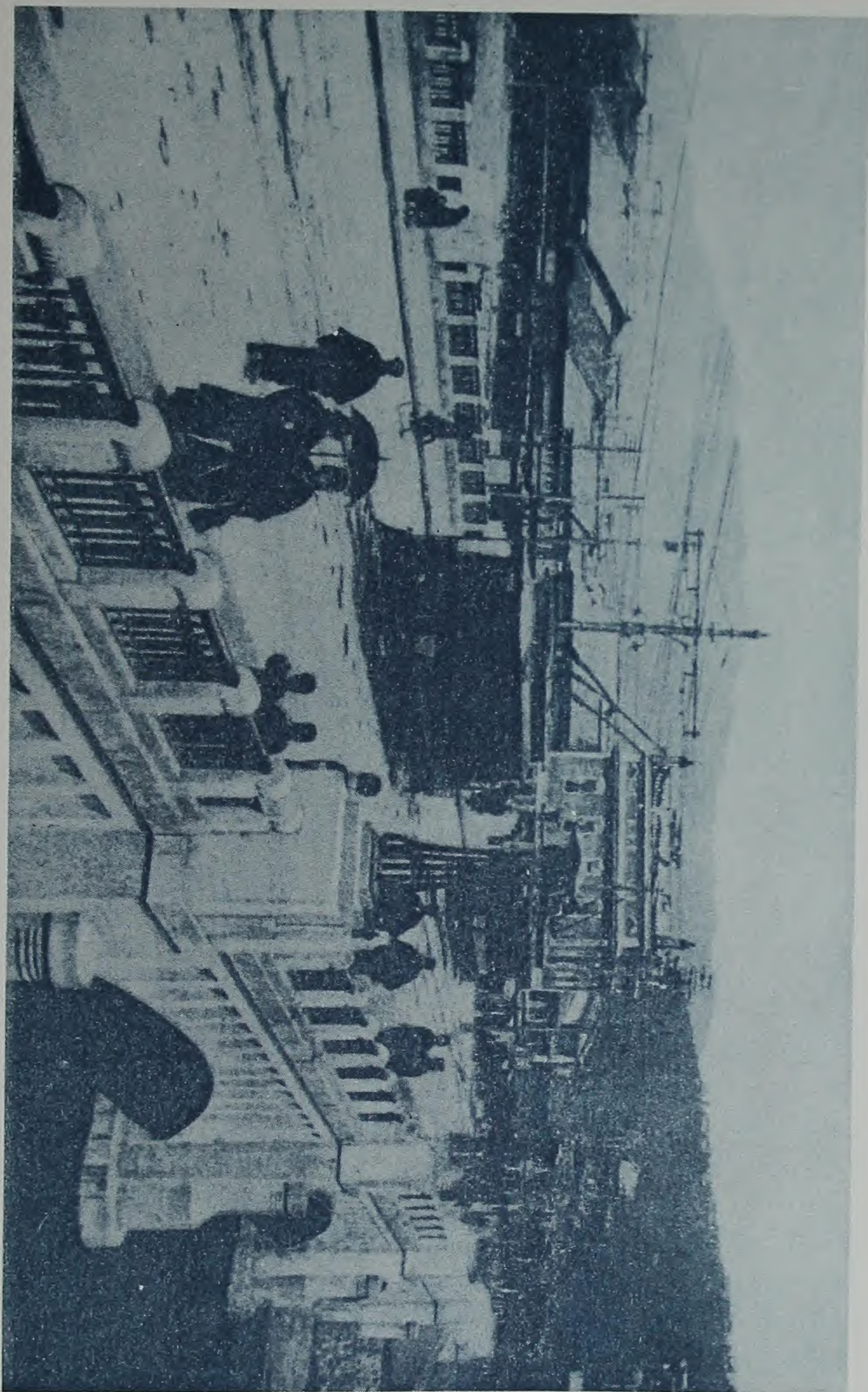
ضمیمه مملکت خود نموده استقلال عثمانی ها را که در خطر عظیم افتاده بود تحفظ نمود. مصطفی کمال بعد از بدست آوردن این مقامات و قیام امنیت داخلی اعلان جمهوری کرد و خودش رئیس جمهور منتخب شد و درین مدت کم دولت ترکیه را چنان ترقی داده که مؤرخین اروپائی که چندی پیشتر آن را مرد مریض یا جسد مرده می نامیدند الحال مجبورند که در توصیف آن مقالات بدهند، و بزرگی و فعالیت مصطفی کمال را اعتراف نمایند.

جاپان

جاپان مثل برطانیه کبیر مملکت بحری است و مشتمل بجزائر متعدد است که رقبه آن ۳۸۲۰۷۱ مربع کیلومتر و نفوس آن ۶۴۵۰۰۰۰ نفر است - جاپانی ها مملکت خود را نیون Nippon یعنی مطلع شمس می نامند، اهالی آن که بالغ بر (۶۴) ملیون است کاملاً از تراد زرد میباشند.

قبل از قرن نهم میلادی واقعات جاپان مبنی بر روایات و افسانه ها بوده است که ما آنرا وقایع تاریخی گفته نمی توانیم - قدیم ترین امپراطور جاپان از روی فهرست روایات کوچکی - جیمو Jimu نام دارد که تخمیناً (۶۶۰) ق، م زندگانی کرده است و اکثر مؤرخین برین اتفاق دارند که جمیع امپراطورات جاپان تا امروز از نسل همین شخص بوده اند و خانه واده موجوده امپراطوری از مدت تقریباً دوونیم هزار سال بر سر اقتدار است.

در اوائل، جاپانی ها نیز مثل چینی ها از مردمان خارجه متنفر بودند اما در نیمه قرن (۱۶) نفوذ ممالك خارجه درین مملکت شروع به ترقی نمود - در سال (۱۵۴۳) یک سیاح پرتگالی موسوم به پنتو Pinto بار اول در خاک جاپان قدم گذاشت اهالی جاپان به او سلوک نیک کردند - چنانچه چندی بعد عده زیادی از مبلغین مسیحیون داخل جاپان شدند و یکی ازین نووار دان فرانسس ~~کزیویر~~ Francis Xavier نام داشت که از فرقه جیزویت Jesuits بوده - این شخص به مدت کم در مقصد خود کامیابی زیادی حاصل کرد و عده کثیر جاپانی ها دین مسیح را قبول نمودند ولی دیری نگذشت که سوء رفتار این مبلغین جاپانی ها را از خود متنفر ساخت و رفته رفته این نفرت شان بدرجه رسید که در (۱۸۳۰) جاپانی ها اعلان نمودند که اگر شخص اجنبی داخل جاپان شود فوراً باید بقتل برسد، و نیز هیچ يك از اهالی جاپان از خاک وطن خود قدم بیرون نگذارند. اما این سیاست بی غرضی انتهای ایشان را بار اول ضربتی شدیدی از جانب اضلاع متحده امریکه رسید. حکومت امریکه در (۱۸۵۳) یکدسته جهازات را بسر کردگی کمودور پیری بجاپان فرستاد تا در باب تجارت و حفاظت ملاحان امریکائی که در سواحل جاپان مشغول صید ماهی میباشند با حکومت جاپان مذاکره نماید - کمودور پیری بجاپان رسیده نزد شوگون وزیر اعظم جاپان عرضداشت خود را پیش نمود شوگون معاهده تجارتی را با و امضاء نمود - اهالی جاپان این را خلاف سیاست خود تصور کرده بر علیه شوگون اقدامات نمود، در نتیجه اقتدار شوگون را ضربتی شدیدی رسید و برعکس آن امپراطور مقتدر گشت، اما در نتیجه شورش های داخلی یکی از تبعه انگلیسی رچر دسن نام Richard Son به قتل رسید، حکومت انگلیس فوراً جهازات خود را فرستاده کاگوشیما را بمبارد نمودند، جاپانی ها درین جنگه خود را عاجز یافتند و از قوه دول اجانب واقف گردیده سیاست خود را فوراً تغیر دادند، و درین کوشش افتادند که بهر طریقکه ممکن باشد خود را مثل دشمن آراسته نمایند - در سال (۱۸۶۷) امپراطور متسوهیتو Mutsuhito بسر اقتدار آمد درین وقت عمرش بیش از (۱۵) سال نبود، در عهد این امپراطور که تا (۱۹۱۲) طول کشید جاپان از هر حیث ترقیات نمود، در بدو سلطنت شوگون نیز بر طرف گردید و تمام اختیارات بشخص امپراطور تعلق گرفت پای تخت نیز از مقام کیو تو بشهر بودو نقل داده شد و نام آن را توکیو گذاشتند (۱۸۶۸).



هك منظره از شهر كپوتو

خلع شوگن و اقتدار میکادو دوره جدیدی را در جاپان نمایان ساخت که مؤرخین جاپانی آنرا دوره میجی یعنی روشن نامیده اند - ترقی جاپان از همین سال شروع می شود .

اداره مملکت را به مودل اروپائی تشکیل دادند ، و مملکت برای قبول مدنیت صحیح و ترقیات عصری مفتوح گردید و چون جاپانیها ذکی و زحمت کش و استعداد خوبی دارند بزودی علوم و فنون و تمدن غربی را در ملك خود مروج ساختند مخصوصاً عسکر و بحریه خود را بقسمی تشکیل دادند که با مهمترین دول اروپا و امریکا همسری کرده بتواند در نتیجه همین ترقیات بوده که در سال (۱۸۹۴) مملکت چین را بآن بزرگی و عظمت آن مغلوب نمود ، و بموجب معاهده شیمونسکی Shimonski که در ۱۷ اپریل (۱۸۹۵) امضایافت پورت آرتر ، جزیره نمائی لیتونگ و جزیره فارموسا بتمعه جزائر پیکادورا بجاپانیها سپردند و نیز مملکت چین (۲۰۰) میلیون تیل را که معادل (۱۷۵) میلیون پوند میشود تاوان جنگ بجاپانیها دادند .

کمی بعد یعنی در سال (۱۹۰۴) جنگ بین روس و جاپان در گرفت اما بعد از محاربات زیادی روسها به امضای معاهده پورتس ماوت مجبور گردیدند این جنگ که نامدت (۲۰) ماه طول کشید کاملاً بفائده جاپانیها بود و روسی ها در بحر و بر شکست های متواتری را متحمل گشتند در (۱۹۱۴) در جنگ عمومی جاپانیها بر علیه جرمنی اعلان حرب داده جمیع مقبوضات آنرا که در چین و بحر الکاهل و در شمال خط استوا بوده فتح نمودند .

مملکت جاپان کم وسعت و دارای نفوس زیاد است و مانند دول معظم دیگر دارای جاپان امروزه : مستعمره نمیشد ، از این حیث چشم را بمقبوضات چین دوخته است چنانچه اولاً کوریا را بدست آورده ، و بعد از آن متوجه منچوریا گردیدند تا بالاخره آنرا نیز فتح نموده ضمیمه مملکت خود گردانیدند .

واقعات مانچوکو و استقلال آتملکت درین سالهای موجوده همه بنیروی جاپان و نمونه از عظمت و ترقیات کشور مذکور محسوب می شود .

صنعت و حرفت امروزه جاپان بدرجه ترقی کرده که در رقابت تجارقی از اکثر دول معظم دنیا پیش رفته و اکثر بازارهای تجارقی را بدست آورده اند .

حکمران موجوده جاپان هیرو هیتو Hirohito است که به ۴۵ دسمبر ۱۹۲۶ بسلطنت رسیده .

جاوا

جزیره جاوا که یکی از مجمع الجزایر شرق الهند است به جنوب مشرق آسیا واقع است . اهالی هند و چین و عرب از زمانه های قدیم باین دیار رفت و آمد داشته از طرق و شوارع تجارقی آن کاملاً باخبر بودند اما اهالی اروپا تا قبل از مسافرت مارکوپولو (در قرن ۱۳ مسیحی) از وجود این جزیره بکلی بی اطلاع بوده اند .

باشندگان این جزیره از نژاد ملایا و دین آنها دین حنیف اسلام و مذهب شان حنیق و شافعی است .

در قرن اول عیسوی ساکنین دیار هند باین جزیره وارد شده رفته رفته دین خود را در آنجا رواج دادند و بعد تا مدت یک هزار سال تاریخ این جزیره مبهم و تاریک مانده ولی از آثار محزوبه و معابد و عمارات آن وقت معلوم می شود که کیش بودائی و سلطنت سیلند را که مرکز آن در سماترا بود ، درین سرزمین قائم بوده است از تواریخ اسلامی مکشوف میشود که در قرن ۱۲ عیسوی کیش ساکنین آنجا شیوائی بوده و چهار سلطنت مستقل جداگانه که حکمران يك از هندوان محلی بود در آنجا

وجود داشته است. تجار اسلامی نیز درین جزیره رفت و آمد تبلیغ داشته و اشاعه دین اسلام را می نمودند. در سنه ۱۳۷۸ این چهار سلطنت جداگانه تحت سلطنت يك پادشاه با هم متحد و يك جاشده امپراطوری ماچاپاه را تشکیل دادند و تادمیت صد سال این امپراطوری بامنتهای شکوه و جلال خود دوام نمود. بعد ازین مسلمانان جاوا قوت یافته امپراطوری ماچاپاه را برطرف و طوائف الملوكی را دوباره بر وی کار آوردند، در سنه ۱۵۷۸ حاکم ماتارام تمام جزیره را در قبضه خود آورده و يك امپراطوری اسلامی را تشکیل دادند.

در سنه ۱۵۹۵ تجار هالندی به جاوا رفته و بالاخره در سنه ۱۶۱۰ اجازه تعمیر يك تجارت خانه مستحکم را در انجا گرفته و تجارتخانه مذکور را در قلعه بتاویا بنا نهادند و رفته رفته هالندیها در انجا نفوذ پیدا کردند، تا اینکه در سنه ۱۶۷۷ سلطنت کوچک (چاکرتا) را متصرف شدند و بعد از آن آهسته آهسته حصص مختلف جزیره جاوا را قبض نمودند. بالاخره چون در سنه ۱۷۵۵ دولت مانارام بدو حصه سورا کرتا و جوکجا کرتا منقسم گردید شاهان هر دو حصه سیادت هالندیها را تسلیم نمودند.

در سنه ۱۸۰۸ سلطنت بنم مستقل گردیده و تمام جزیره تحت حکومت هالند درآمد در عهد ناپو لیون اعظم جاوا از قبضه هالند برآمده بدست فرانسه آمد بعد از آن حکومت برطانوی هند بر جاوا حمله آور گردیده و در سنه ۱۸۱۱ آنرا متصرف شدند، بعد از مرور پنج سال این جزیره در تحت اثر شرایط صلح دوباره به هالندیها عودت کرد و فی در سنه ۱۸۲۵ اهالی جاوا تحت قیادت « دییانگارا » برای حصول استقلال در ظرف پنج سال جدوجهد بلیغی نمودند ولی کامیاب نگردیده بلکه ده سال تمام به مصیبت و فلاکت سپری نمودند چنانچه هالندیها از پنج ملیون نفوس آن دیار بیشتر از ده ملیارد افغانی بزور و ستم اخذ نمودند در نتیجه اهالی جاوا چندین مرتبه بر علیه حکومت مستعمراتی هالند اعتصاب نموده تادرسنه ۱۸۵۴ قوانین جدید تصویب شد که از روی آن، صلح و آرامش مملکت قایم گشته و اهالی هم در امور حکومت تايك حدی دخالت یافتند. بعد از آن قانون اساسی چندین مرتبه در سنه ۱۸۷۲، ۱۹۰۳، ۱۹۱۶، ۱۹۱۸، ۱۹۲۲ و بالاخره در سنه ۱۹۲۵ اصلاح و تعدیل یافت.

جبل دروز

جبل دروز جمهوری است در وسط سوریا که بعد از جنگ عمومی از سلطنت عثمانی مجزی و از طرف مجلس اقوام تحت انتداب فرانسه داده شد.

مساحه آن عبارت از ۶۰۰۰ کیلومتر مربع و نفوس آن مساوی ۶۰۰۰۰ نفر است که اکثراً فرقه دروزی می باشند.

تاریخ قدیم جبل دروز ضمناً در تاریخ سوریا ذکر گردیده است، دروزیها پیروان حمزه ابن علی ابن احمد وزیر حاکمی بامر الله فاطمی که خلیفه ششمین این سلاله بود می باشند و عقیده دارند که حاکم بامر الله مظهر الهی و از نظر مردم پنهان گردیده است و قریب قیامت دوباره ظهور مینماید. چونکه داعی آنها اسمعیل الدرزی بود بنا بران قوم بنام دروزی و مملکت بنام جبل دروز نامزد گردیده است این قوم خود را از نژاد ترکمن و کرد میدانند.

در کتب عربیه مذکور است که در قرن ۱۲ مرکز دروز خلوت البیاض بود و تحت قیادت امرای خود حیات بسر می آوردند، در ابتدای قرن ۱۴ ملک الاشرف که از ممالیک مصر بود دروز را فتح نموده است.

چون سلطان سلیم عثمانی در سنه ۱۵۱۶ م به سوریا هجوم آورد امرای دروژی با او متفق گردیده بر علیه ممالیک داخل جنگ گردیدند و بعد از فتح مصر سلطان سلیم سلطنت دروز را تحت اداره خویش در آورده و امیر معان را به مکافات معاونت او به امیری دروز برگماشت. اولاده امیر معان خطه حکمرانی خود را وسعت بخشیده اکثر نقاط سوریای جنوبی را تصرف نمودند.

در سنه ۱۶۱۴ بر علیه سلطنت عثمانی علم بغاوت بر افراشتند ولی پاشای دمشق ایشان را هزیمت داد و امیر دروز به ایتالیا پناه گزین گردیده بعد از مرور پنج سال به مملکت خود عودت نمود و تا سنه ۱۶۳۳ بطور حکمران مستقل دوباره سلطنت نمود بالاخره بمقابله عساکر عثمانی شکست خورده و بدست ایشان اسیر و اعدام گردید.

بعد ازین واقعه خانه جنگی ها در آنجا دوام پیدا کرده مملکت صورت طوائف الملوکی اختیار نمود در اخیر امرای خانواده شهاب حیثیت ریاست کل را مالک گردیدند و تا سنه ۱۸۶۴ دایماً بر علیه حکومت عثمانی بغاوت از طرف دروزیها دوام داشته و در مقابل عساکر عثمانی شکست نصیب ایشان می گردید در سنه مذکور لبنان تا اندازه استقلال داخلی موفق گردید اما در حدود سویده شورشها خاتمه پذیر نشده صورت دایمی بخود اختیار نمود و قبیله اطرش قوت پیدا کرد.

در ایام حرب عمومی تا اواخر سنه ۱۹۱۸ با حکومت عثمانی از در مخالفت پیش نیامدند بعد از آن بامیر فیصل بن شریف حسین متفق گردیدند و چون سلطنت شریفی دمشق را فرانسویها در سنه ۱۹۲۰ بر انداختند با فرانسوی ها داخل مذاکره گردیده در سنه ۱۹۲۱ حکومت جداگانه جبل دروز را تحت انتداب حکومت فرانسه تشکیل داده و سلیم پاشا العطرش را ریاست انتخاب و مقرر نمودند.

در سنه ۱۹۲۵ فرانسوی ها از موافقه که در سنه ۱۹۲۱ با دروز نموده بودند ایا آورد و دروزیها به مخالفت قیام نموده با مسلمین اهل سنت اتفاق و دسته های قشونی فرانسوی را شکست دادند اما در سنه ۱۹۲۷ در مقابل فرانسه شکست یافتند.

در سنه ۱۹۳۰م فرانسوی ها تشکیلات جدیدی در دروز نموده و از طرف فرانسه حاکم در آنجا تعیین نمودند. مرکز دروز السویدا نام دارد.

جزائر شرق الهند

جزائر شرق الهند که بزرگترین مجمع الجزائر عالم است بجنوب مشرق آسیا و شمال مغرب استرالیا و بین بحر الکاهل و بحر هند بدو طرف خط استوا واقع گردیده است تعداد جزائر کوچک و بزرگ اینجا بر هزار بالغ میگردد.

جزیره نیوگنی، بورنیو، سمانرا، جاوا و مجمع الجزائر ملاکا، مجمع الجزائر فلپائن و جزائر تیمور و غیره از جزائر بزرگ جزائر شرق الهند بشمار می آیند.

جزیره نیوگنی جزء اوقیانوسیه به شمار می رود بنا بران تاریخ آن در تاریخ اوقیانوسیا ذکر خواهد شد فلپائن که تحت الحمايه امریکاست و بورنیو، سمانرا، جاوا تاریخ هر یک جداگانه نگاشته آمد. به لحاظ آنکه تاریخ این جزائر بعد از رسیدن اروپائی ها با هم ارتباط دارد در اینجا نیز ضمناً ذکر می گردد.

از مطالعات طبقات الارضی معلوم میگردد که درازمنه قدیم جزائر مذکور از یکطرف به قطعه آسیا از جانب دیگر به قطعه استرالیا وصل است.

قدیم ترین اهالی بومی از نژاد سیاهان پست قد (نیگرتو) بودند بعد ازان اقوام عرق سفید و متعاقب آن منگولیائیها در آنجا متوطن شده و ازین اختلاط نسل ملائی بعمل آمد . درازمنه تاریخی هندی و چینی و عرب نیز درین سرزمین وارد شده و با اهالی بومی از دواج و تا حدی آمیخته گردیده اند و اکثر اهالی جزائر شرق الهند مسلمان میباشند .

زبان ملائی عموماً باوجودیکه هر خصه جداگانه زبان دارند فهمیده می شود و رسم الخط آنها عربی است از اروپائیها اول پرتگالیها در سنه ۱۵۰۹ وارد این جزائر گردیدند در سنه ۱۵۱۱ البوکرک قائم پرتگالی شهر ملاکا را که در جزیره تنای ملایا واقع است تصرف نموده بود جهازات خود را بجزائر ملاکا فرستاده این جهازات در راه بجزائر جاوا و مدورا و سوم باوا و غیره تصادف نمودند ، سه سال بعد جهازات دیگر پرتگالی بجزیره ترنیت رسیده و آنرا مرکز تجارتی و حربی این جزائر قرار داد .

در سنه ۱۵۱۹ هسپانوی ها تحت ریاست فردیناند میگنن جهازات خود را برای اکتشافات جدید و استملاک به راه جنوب امریکه اعزام نمود و آنها در سنه ۱۵۲۰ به فلپائن و بورنیو و بالاخره بمولا کار رسیدند یکی ازین جهازات از راه جنوب افریقه به هسپانیه عودت نمود و این گردش گردش اول دور دنیا محسوب می شود .

در سنه ۱۵۲۵ و سنه ۱۵۲۸ هسپانوی ها برای فتری خود در جزائر مذکور قوت و کمک فرستادند ولی در سنه ۱۵۲۹ در معاوضه (۲۵۰۰۰۰) طلا هسپانوی ها دایره نفوس خود را در شرق جزائر مولا کا محدود ساخته و بغیر از جزائر فلپائن باقی جزائر شرق الهند را برای پرتگالی ها واگذار گردیدند ، چون در آن زمان سلاطین اسلامی جوهور و جاوا و آچین و بین تانگ و برونی قوی بودند پرتگالیها بجز تجارت نتوانستند موفق باستیلای آنجا ها گردند بلکه مخاصمت این سلاطین قوه پرتگالیها را مضمحل نمود .

در سنه ۱۵۷۹ و بعد ازان تجار برطانوی باین جزائر برای جلب منافع تجارت مریح سیاه ، دارچینی ، هیل ، میخک (چهار مصالح) وارد شدند در سنه ۱۵۹۶ جهازات مسلح تجار هالندی برای رفع انحصار تجارت پرتگالیها راجع به چهار مصالح اراده نموده و وارد این دیار شدند مدتی نگذشته بود که پرتگالیها شکست یافته نفوذ خود را یواش یواش از دست دادند و در سنه ۱۶۰۲ شرکت شرق الهند هالندی تاسیس یافت و در همان سال هالندی ها با سلطان آچین روابط دوستانه برقرار نمودند و در سنه ۱۶۰۶ با سلطان جوهور عقد اتحاد بسته و در سنه ۱۶۰۸ پرتگالیها را به ۱۲ سال متار که مجبور گردانیدند ، در سنه ۱۶۰۹ از طرف هالند اولین والی درین دیار تعیین یافت ، در سنه ۱۶۱۱ شهر جا کا ترا واقع جاوا را مرکز خود قرار دادند در سنه ۱۶۱۹ نام آنرا به (بتاویا) تبدیل گردانیدند چنانچه تا حال بتاویا مرکز است و در همین سنه انگلیسها معاهده نمودند که هر دو شرکت با هم متفق بوده و برای اخراج پرتگالیها کار نمایند ، برای این مقصود هالندی ها بارها داخل مجادله با پرتگالیها گردیده و جهازات حلیف دران مواقع بکمک ایشان رسید .

در سنه ۱۶۳۷ که میعاد معاهده مذکور با ختام رسید هالندی ها بقوه خود متکی شده شدت تمام با پرتگالیها در آویختند و بنادر ایشان را که در هندو سیلون و ملایا داشتند تصرف کرده و به نفوذ آنها خاتمه دادند .

در سنه ۱۶۷۲ بین هالند و انگلیس جنگ بوقوع پیوست اما در سنه ۱۶۷۴ معاهده بین دولتین امضاء یافت و انگلیسها از جزائر شرق الهند صرف نظر نمودند .

در سنه ۱۶۷۴ تا سنه ۱۷۴۹ اقتدار هالندیها در جزائر شرق الهند بدرجه منتهای بود و با اهالی بومی شدت رفتار نموده و ایشان را مانند عبد استعمال می نمودند ، اهالی ازین رویه بستوه آمده بارها برای

نجات خود قیام نمودند اما چون قوای بری و بحری هالندیها قوی بود ایشان موفق شده نتوانستند و از پیش بیش مظالم بالای شان اجرا کرده مردها را قتل می نمودند و زنان را برای تمتع گرفته مایملک ایشانرا نیز ضبط می کردند .

شرکت هالندی از منافع غیر صحیح که بذرائع تشدد حاصل میکرد به سهم داران شرکت پول زیاد میدادند بعد از سنه ۱۷۴۹ هالندی ها در جزائر شرق الهند از باعث سوء اداره و تشدد بیجا و نقص تجارتی و تقلبات مامورین رو به انحطاط گذاشت ، و افواج بقدر کفایت نتوانستند نگهدارند و بنادریکه اموال تجارتی از آنجا ها صادر می گردید نیز به سبب عدم محافظین قاچاقیان بکثرت اموال را می گذشتانند و باین واسطه در انحصار تجارتی ضرر کلی متوجه شرکت گردید ، از دیگر طرف دزدان بحری و بری نیز جسارت یافته محل امنیت گردیدند . در آخر شرکت مجبور گردیده رجوع بحکومت نمود و حکومت هالند در سال ۱۷۹۸ شرکت را برطرف کرد و در سنه ۱۸۰۳ حکومت هالند اصلاحات جزائر شرق الهند را تجویز نمودند ، اما بواسطه جنگ ناپولیون و مفتوح شدن بدست او جزائر شرق الهند به فرانسه تعلق گرفته و از طرف دولت مشارالیه مامور فرانسوی در آنجا اغرام و اصلاحات را بروی کار آورد .

در سنه ۱۸۱۰ انگلیسها که با فرانس مشغول زد و خورد بودند جهازات جنگی خود را از هند بجزائر شرق الهند فرستاده جاوا و بعضی جزائر دیگر را متصرف شدند در سنه ۱۸۱۴ بموجب معاهده (وینا) جزائر مفتوحه دوباره به هالند داده شد هالندیها از سنه ۱۸۳۰ با اصلاحات شروع نموده و از دیگر جانب باروسای جزائر یکی بعد دیگر داخل جنگ شده حصص باقیانده را نیز بتصرف خود در آوردند .

در سنه ۱۸۷۳ هالندیها جنگ سی ساله را با چین شروع نمودند و در نتیجه سماترا را تصرف شده بعد در سنه ۱۸۷۴ لمبوك را نیز گرفتند . در سنه ۱۹۰۸ با پرتگال جزیره تیمور را تقسیم نمودند .

اکنون از جمله جزائر شرق الهند جزائر فلپائن با امریکه و حصه مشرق جزیره تیمور به پرتگال و حصه شمالی بورنیو به برطانیه و باقی تمام جزائر به هالند تعلق دارد .

چین

مملکت چین که یکی از بزرگترین ممالك عالم میباشد در قسمت شرق ایشیا واقع شده ساحه آن باستثنای روس ایشیائی از براعظم اروپا متجاوز است و ساکنین آن قطعه ربع نفوس دنیا را تشکیل میدهد درازمنه قدیم این مملکت رقبه بزرگی را حاوی بود ولی بر و رایام بواسطه اختلافات و کشمکش های داخلی و خارجی بعضی ایالات آن از ان مجزاشد و عظمت آن کاسته گردید ، اقوام و طوائفیکه درین سرزمین آبادند بطور یقین گفته نمیتوانیم که مسکن اصلی آن ها کجا و از کدام نسلند - لیکن نظربه شکل و صورت و تدقیقات علمی که بعمل آمده منسوب به نژاد زرد می شوند . بهر صورت یکی از قدیم ترین ملل دنیا بوده در تهذیب و تمدن جداگانه خود از سایر ممالك عالم مخصوصاً اروپائیهما سبقت کاملی جسته بودند .

اختراعات و ایجادات که بیادگار گذاشته اند عبارت از کاغذ و باروت سازی ، پارچه های نفی و ابریشمی نقاشی ، معماری ، حجاری ، قطب نما و غیره میباشد که بر قدامت تهذیب آن ها دلالت میکند - اول پادشاه تاریخیکه در مملکت مذکور بوده فوهی است و زمان زندگی او را در سنه ۳۴۶۸ قبل المیلاد ضبط نموده اند و بعضی مورخین چینی او را از درجه انسانی بلند تر تصور کرده اند - لکن مورخ مشهور چینی سی ماتسین Seima Tsien هو انگلیسی را در ۲۶۹۸ ق م امپراطور مشهور تاریخی دانسته و ابتدای تاریخ چین را از او میگیرد ، این شخص حدود



دیوار چین در دره ننگو

مملکت را توسعه بخشید زیرا که قبل از وی حدود مملکت محدود باراضی رود زرد بود و باراول با اقوام وحشی ها که در شمال حکومت داشتند مبارزه نموده آن را مضمحل ساخت .

هوانگ تی را معیار اول مملکت چین نیز میدانند و میگویند بعضی خانه ها و شهر ها را ساخته معبدی را تعمیر نمود و تقویم چینی را بروی کار آورد و تجارت را ترقی داد و عیال اوسی لنگ یارچه باقی را اختراع نموده بعد کمی تهاجمات مهن ها و انقلابات داخلی تاریخ این مملکت را تیره ساخته و اهالی آنرا بطرف سیه روزی و تیره بختی می کشاند چه مهن ها که بطرف شمال این قطعه بزرگ زندگی میکردند یک قوم شجیع و جنگجوی بوده و هر طرف را مورد تاخت و تاز خویش قرار میدادند خصوصاً سکنه جنوبی که مردمان حلیم و برده باری بودند حملات شدید آن ها را همواره متحمل می شدند ولی مجبوراً برای مدافعه از تهاجمات آنها در صدد افتادند که یک سد بزرگی را بمقابل ایشان بنا نمایند لهذا دیوار عظیمی را که دارای دو هزار میل طول است تعمیر نمودند و امروز یکی از عجائب عجائبات هفت گانه عالم بشمار میرود .

اختلاف طوائف و شورشهای داخلی خاندانهای زیادی را در چین بوجود آورد لکن هر کدام بنوبه خود بعد از عرصه منقرض گردیدند و از آنجمله بعضی که شهرتی داشتند بنام مینگاریم :

خاندان هسیا (Hsia) ۲۲۰۵-۱۷۶۶ ق م . خاندان شنک (Shung) خاندان چو (Chau) خاندان تسین (Tsin) ۲۴۹-۲۱۰ ق م خاندان هان (Han) خاندان وی (Wei) خاندان سوی (Suy) خاندان تانگ (Tang) نسبتاً از بین آنها شهرتی که حاصل نموده همان خاندان هان است ۳۲ امپراطور داشتند زیرا که یکی از شاهان آن موسوم به هوئی تی (Huiti) از ۱۹۴ تا ۱۷۹ ق م است این شاه علوم و ادبیات را ترقی داد و کبی را که در ایام شورشها از دست رفته بود دوباره جمع نموده بعد از مدت مدیدی امنیت را سر تا سر در مملکت قائم کرد . تهاجمات هن ها را رد نموده خیال تسخیر اهند را در دماغ داشت حتی چند نفر را مخصوص برای کشف راهها فرستاد و تاحدی معلومات حاصل نمود ولی بکام خویش نرسیده پدر و د حیات گفت بعد از آن ووتی (Wuti) ۱۶۵-۸۶ ق م زمام حکومت را بدست گرفته هن ها را که همیشه باعث خرابی مملکت و امنیت حکومت آنها بوده ضرب شدیدی رسانید - ترکستان شرقی را فتح کرده با ایران و روم تجارت را شروع نموده اصول تیولیت را از بین برداشته مملکت را در سیزده نائب الحکومگی تقسیم کرد پس از مرگ ووتی لیو سیو Wuti Liu Siu که یکی از شهزادگان خاندان هان بود امپراطور منتخب گردیده لقب کوانگ ووتی را اختیار کرد این شخص را بانی خاندان هان شرقی میدانند . خاندان هان خصوصاً هان شرقی را اول خاندان ملی چین نامیده اند و یکی از خاندان های بزرگ و قوی آن قطعه می باشد ملت چین این خاندان را بنظر عزت میدیدند و الحال چینی ها مخصوصاً چینی های شمالی تا امروزه روز خود را از اولاد این خاندان می شمارند و بران فخر میکنند .

درینوقت چین از هرگونه ترقیات حاصل نموده تجارت آن در تمام مملکت بسط یافت و مردمان مذهب بروی کار بودند مناصب آعلی را بقرار لیاقت باشخاص میسپردند اتحاد کاملی سر تا سر چین را فرا گرفت وحدت ملی به تکمیل رسید .

بعد از سقوط خاندان هان (در ۲۲۰ میلادی) در چین نفاق و شقاق و خانه جنگی و بدامنی تا ۳۵۰ سال دوام نموده چین جنوبی با چین شمالی محاربات داشت حتی خاندان سوئی (۵۸۹ - ۶۱۸ میلادی) کل چین را متحد ساخت - در عهد سلطنت دودمان تانگ (۶۱۸ - ۹۰۷ میلادی) سلطنت چین وسعت زیاد را صاحب شده ترکستان، کوریا، هند شمال غربی و تب در حدود آن درآمد - ایرانیها در عهد همین شهنشاهان تانگ خلاف مسلمانهای عرب امداد و معاونت خواسته بودند -

از ۹۰۷ - الی ۹۶۰ میلادی پنج خاندان دیگر حکمرانی کردند - و سلاله سوئنگ از ۹۶۰ الی ۱۲۸۰ دوام نمود ، درین عصر مصوری و معارف چین ترقی زیاد نموده بود .

قدیمترین مذهب چینی ها تا حدیکه تاریخ معلومات میدهد پرستش خدای واحد بود اما بطریق بسیار ساده و از باعث کم عقلی و نادانی خود چیزهای عجیب و غریب را بآن مخلوط می ساختند و رفته رفته این مذهب تبدیل به پرستش قوای طبیعیه گردیده علاوه از پرستش آفتاب و مهتاب و ستارگان تماماً و هم پرستی لکن بعد از چندی که کون فو شش فیاسوف چینی پیدا شد مذهب او را قبول نمودند و بعد در ۶۵ میلادی مذهب بدها از هند داخل چین شد و الحال یک عده کثیر چینی ها پیرو این مذهب میباشند بر علاوه از مذاهب فوق یک عده قابل ذکر چینی ها مسلمان میباشند در اواخر قرن دوازدهم و ابتدای قرن سیزده میلادی از نژاد مغول اشخاص در چین بوجود آمد که شرق و غرب را متزلزل ساخته سیلاب فتوحات آنها سر تا سر مشرق زمین را فرا گرفت و هریک از آنها در ایام ترک تازی و کشور کشائی خویش مدینت های صد ساله را خراب نموده بلاد قشنگ را طعمه آتش نمودند و اکثر سلاطین و امرا را از پا در انداختند و علاوه آن صدها هزار نفوس بیچاره را مقتول و علوم و فنون برباد و ثروت عمومی تاراج گردید . یکی ازین اشخاص سردار طائفه مغول چنگیز خان بود که در ابتدای قرن سیزدهم گوشه شمال غربی چین را مبدات تاخت و تاز ساخته در عرصه کمی فتوحات وسیعه نمود و شاه چین هر قدر جلو گیری کرد ممکن نشد و قریب بود که خودش ناکام شود فوراً معاهده صلح را امضاء نموده سالانه یک رقم گزاف را بطور خراج قبول کرد نمود . چنگیز خان در یکی از جنگهای خویش بمقام چین خاص (۱۲۱۳) در ایالت شان تنگ (۹۰۰۰۰) نفر را بقتل رسانید شخص دیگر از بن خاندان قوبلائی خان است که در ۱۲۵۹ سلطنت رسیده مملکت مغول را ترقیات زیادی داده وسعت آنرا بدرجه آنها رسانید چنانچه از بحر منجمد شمالی تا ابنای ملاکا شمالاً جنوباً و باستانی هند و عرب و حصه غربی آسیا تاجدار کل شرق گردید مدت بیست سال با سنگ ها زد و خورد نموده خاندان آنها را که ۳۲۰ سال دوام نموده بود بخرامه رسانید و در ۱۲۸۰ قوبلائی خان اعلان امپراطوری نموده لقب شت سورا اختیار کرد و خاندان او موسوم به یوین Yuen گشت این شخص شهر بیکن را بنا کرد پای تخت را آنجا نقل داد این شوکت و عظمت مغول ها تا عرصه تخمیناً پنجاه سال دوام نمود سپس بار دیگر انقلابات داخلی و بی اتفاقی ها در مملکت چین بروز نموده خاندان مغول منقرض میگردد، بعد از سقوط سلاله مغلی خاندان مینگ که خالصاً چینی بودند شهنشاهان چین شدند . در عهد این دودمان تا به جاوا و سیلون لشکر کشی شد، انام در حدود سلطنت چینی داخل گردید ، جهاز رانان چینی تا به خلیج فارس رسیده بودند . خاندان مینگ از ۱۳۶۸ - ۱۶۴۴ میلادی دوام نمود .

مانچو ها از شمال مشرق چین حمله آورده بیکن را اشغال کردند در سنه ۱۶۴۴ تا ۱۵۰ سال حکمرانان لایق سلطنت کردند اما بعد از آن دوره جهالت و لاعلمی شروع شده حکومت صدمات شدیدی را متحمل میشود .

درین دوره اشخاص مدبر و عالم در چین یافت نمیشد و یا اگر پیدا می شد بمقابل ملیون ها نفوس بی علم کاری کرده نمیتوانستند علاوه بر آن بعضی دسته های مردم از کثرت پریشانی مجبوراً دایمی برای صید روزی باز نموده هزار ها نفوس ساده و بیچاره را محض برای دستیاب نمودن لوازمات حیات خویش مبتلای او هام پرستی و اعتقادات سخیفه نموده از جادهای تهذیب و تمدن بجاده کفالت و نادانی سوق میدادند بر علاوه آن کثرت استعمال افیون کاملاً آنها را ضعیف النفس ساخته و سبب آن مداخلت انگلیسها بوده زیرا که از موقع استفاده نموده یک مقدار زیاد تریاک را برای فروش داخل مملکت آنها می نمودند هر قدر حکومت عاجز چین انکار میکرد تشدد انگلیسها بمقابل زیاد شده میرفت در نتیجه دو جنگ در بین آنها بمسئله تریاک بوقوع پیوست که کاملاً بفتح انگلیسها انجامید محاربه ۱۸۹۴ با جاپان و از دست دادن کوریا و شورش باکسر ۱۹۰۵ - ۱۹۰۱ و حقوق حاصل نمودن اروپائیان در بنادر تجارتی دلالت بر ضعف آنها میکند .

بواسطه این غفلت و نادانی حکمداران و تجاوزات اجانب در هر گوشه ملک دسته های خفیه تشکیل گردیده و برای حکومت جمهوری اقدام نمودند زیرا که وطن پرستان ترسیدند که اجانب امروز و فردا چین

را غصب نمود اهالی را محکوم و مغلوب خواهند ساخت اما بد بختانه ازین جد و جهد وطن پرستان برای چین فائده نرسید. در ۱۹۱۲ میلادی سلطنت به جمهوری تبدیل شد. و اولین رئیس جمهور چین «یو آن شی کائی» منتخب گردید.

دراثنای جنگ عمومی اتحادیون یعنی برطانیه، فرانس، جاپان و غیره چین را مجبور کردند که بر علیه جرمنی اعلان حرب نماید. یک حزب برخلاف اعلان حرب و دیگری موافقت نمود در نتیجه مخالفت رای خانه جنگیها پیا شد. بعد از اختتام حرب عمومی در چین وطن پرستان و کمونست ها و اعتدال پسند ها و غیره حزبهها بوجود آمده شدیداً چین مبتلای خانه جنگی و بد امنی گردید بالاخره در سنه ۱۹۲۸ وطن پرستان از نانکن خروج نموده کل چین را تصرف نمودند. لیکن مقبوضات چین یعنی منگولیا، مانچوریا، ترکستان چینی و تبت عملاً از حدود چین خارج گردید، جاپان در سنه ۱۹۳۳ با چین جنگ و مانچوریا را مجزا نموده در آن «یوئی» (آخرین شهنشاه مانچوری چین) را شهنشاه مانچوریا مقرر نموده اند.

چترال

ریاست چترال به انجام شرق هندوکش به سرحد شرقی افغانستان بین اسما و بدخشان و کشمیر و سوات و باجور واقع بوده مساحت آن ۱۰۰۰۰ مربع کیلومتر و نفوس آن ۸۰۰۰۰ نفر است که عموماً مسلمان میباشند، اهالی بومی قدیم آن بنام (خو) یاد می شوند و زبان ایشان (خوار) است، اکثر اهالی موجوده از همان نژاد (خو) میباشند، ولی قوم دیگری (روناس) نام از صفحات شمالی هندوکش در این جا آمده متوطن و حاکم گردیده اند.

دو هزار سال قبل چترال یکی از مراکز مهم دین بودائی بود، چینی ها نیز بر چترال استیلا یافته و تا اواسط قرن ۱۸ مسیحی در آنجا اقتدار داشتند اما حکومت محلی بمیرهای چترال تعلق داشت. در ابتدای قرن ۱۸ «بابا ایوب» نام که یکی از سلاله تیموری بود از شمال پنجاب وارد این دیار شد بعد از آنکه نسل میرهای اصلی چترال منقطع گردید، «مخترم شاه» که از اولاده «ایوب» بود مملکت را از تسلط و استیلای چین نجات بخشیده زمام امور را مالک و خود را مهتر اعلان نمود، امروز مهتری چترال بخانواده مشارالیه نسل بعد نسل باقی مانده است.

در سنه ۱۸۷۶ مسیحی «مهتر امان الملک» تحت الحمايگی مهاراجای کشمیر را قبول نمود، بعد از وفات او در سنه ۱۸۹۲ م - ۳ سال در خانواده مذکور تفاق دوام داشت «عمر اخان» خان جندول ازین تفاق استفاده برده بسیاری حصص چترال را تصاحب نمود. بالاخره «شجاع الملک» بمعاونت افواج انگلیسی در سال ۱۸۹۵ میلادی بر حکومت قابض گردیده تاکنون به مهتری چترال برقرار است. مرکز چترال نیز چترال نام دارد.

حجاز

سرزمین مقدسیست برای اسلام که در شمال آن ماورای اردن، در مشرق آن نجد و در جنوب آن علاقه عسیر و تهامه و در غرب آن بحیره قلزم واقع است مساحت آن ۲۶۰۰۰۰۰ مربع کیلومتر و نفوس آن بالغ بر ۱۰۰۰۰۰۰ نفر می باشد. باشندگان حجاز، عرب اما در شهر مکه معظمه و مدینه منوره و جده مسلمانهای خارج از قطعات مختلفه دنیا نیز آمده توطن گردیده اند.

حضرت ابراهیم علیه السلام در سنه ۱۹۲۱ ق، م در شهر «اور» نزدیک (بابل) تبلیغ توحید باری تعالی را



پیت الله شریف منظره دور نمای شهر مکتبه مطهره و حرم مبارک

آغاز فرموده اند - بعد بحکم خدای تعالی حرم محترم خود یعنی حضرت هاجرہ علیہا السلام و طفیل صغیر خود یعنی حضرت اسمعیل علیہ السلام را بہ وادی مکہ معظمہ آوردند بعدہ ، حضرت ابراہیم علیہ السلام و پسر شان بحکم خدای تعالی بنای خانہ کعبہ را گذاشتند - بعدا ولاد اسمعیل زیادہ شدہ قلبیلہ قریش مکہ بوجود آمد اولاد اسمعیل علیہ السلام را عرب عاربہ میگویند .

«قصی» از اولاد حضرت اسمعیل علیہ السلام شہر مکہ معظمہ را توسیع داد ، اہالی مکہ معظمہ بہ تجارت مصروفیت داشتند چنانچہ در تابستان بطرف شامات و در زمستان بطرف یمن اموال تجارتی خود را می بردند چون کعبہ را حضرت ابراہیم و حضرت اسمعیل علیہما السلام بنا نہادہ بودند لہذا آنجا برای کل اہالی عرب مقام مقدس و متبرک بود و عربہا از ہر نقطہ عربستان برای طواف می آمدند نزدیک مکہ معظمہ مسابقہ بازار عکاظ سال بسال قائم میشد و عربہا در آن پہلوانی شمشیر ، زنی ، اسب دوانی ادبیات و یلاغت را میگذاشتند ابتدا خانہ کعبہ از الایش بت پرستی پاک و منزہ بودہ و خدای واحد لاشریک در آن پرستش میشد بعد ہا افکار شرک و بت پرستی در کلبہہا جا گرفتہ و بیت اللہ را صنمخانہ ساختند چنانکہ در حین بعثت حضرت پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم شمارہ بتان کہ در خانہ کعبہ بود بہ ۳۶۰ میرسید .

در ایام طفولیت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم (ابرہہ) یکی از رؤسای پادشاہ حبشہ بہ مکہ معظمہ حملہ آورد تا آنرا مسارت نماید اما تمام لشکرو فیل ہای او بارادہ حضرت باری محو و نابود گردید محمد رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم در سنہ ۶۹ میلادی یا چہل سال پیش از سنہ ہجری در مکہ معظمہ تولد شدند این زمانی بود کہ عرب در ظلمت و جہالت و رسومات قبیحہ گرفتار بود پیغمبر ماس مشعل نور ہدایت را افروختہ نہ فقط عرب بلکہ تمام دنیا را از نور وحدانیت و اخلاق حسنہ منور و روشن ساخت .

حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم را پیش از علان نبوت بہ لقب « امین » یاد می کردند رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم امین ، عفیف ، صادق ، راست گو و نہایت شفیق و کریم و صاحب خلق عظیم بودہ در عالم بشریت اخلاق صحیح انسانی را تعمیم می دادند . این پیغمبر اقدس و رحمت اللامین چنان درس وحدانیت خدای تعالی و روح ایثار و قربانی را بہ اصحاب (رض) خود دمیدہ بود کہ آنہا تا ۳۰ سال جور و جفای فوق العادہ مخالفین را در مکہ معظمہ برداشت کردند حتی رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم آنہا را اجازہ ہجرت از مکہ معظمہ دادند و در آخر خود خاتم النبیین بہمراہ صدیق راسخ خود یعنی حضرت ابوبکر رض بطرف مدینہ منورہ ہجرت فرمودند و در مدینہ اولاً طرح مواخات را فیما بین انصار و مهاجرین مانند و انصار (رض) از خلق عظیم ہی آخر الزمان ص متاثر گردیدہ از ہجرت گونہ ایثار و لطف بہ برادران مهاجر خود خود داری نکردند . مشرکین مکہ قرار نہ نشہ و خواستند کہ نور خداوندی را گل کنند چنانچہ بہ مدینہ منورہ حملہ آوردند لیکن در سنہ ہجری « در غزوہ بدر » ہزیمت فوق العادہ یافتند در سال دوم در احد « محاربہ بہ وقوع پیوست اگر چہ مسلمانہا شکست خوردند لیکن لشکر ابو سفیان از خوف مسلمانہا پیشرفت نکردہ پس بہ مکہ عودت کردند بعد ازین غزوات و نبرہ ہا یو وقوع پیوست بالاخرہ در سنہ ۸ ہجری مکہ معظمہ فتح شد لیکن مرکز نبوت بدستور سابق مدینہ منورہ ماند و تقریباً کل عرب مفتوح و داخل دائرہ اسلام گردید .

بعد از رحلت حضرت (رسول اکرم) صلی اللہ علیہ وسلم در بعضی نقاط عرب ما سوای مدینہ منورہ و مکہ معظمہ اغتشاش بواسطہ خروج مسیلہ کذاب پیدا شدہ لیکن استقلال مزاج و ثابت قدمی حضرت ابوبکر صدیق (رض) و محاربات خالد (رض) ہمہ را رفع نمود ، پس در عہد خلافت را شدہ چهار یار کبار (رض) مدینہ منورہ مرکز خلافت اسلامیہ بود . و در عہد عمر فاروق رض شامات را خالد بن ولید (رض) و ایران را سعد بن وقاص (رض) و مصر را (عمر) و بنی العاص (رض) فتح کرد .

بعد از شہادت حضرت عثمان (رض) خلافت اسلامیہ بدو مرکز قرار گرفت کہ حضرت علی کرم اللہ وجہہ در مدینہ منورہ بامر خلافت می پرداختند و حضرت معاویہ دمشق را محل ادارہ خود قرار دادہ بودند .

بعد از استعفای حضرت امام حسن رض سرزمین حجاز مرکزیت خویش را باخته یکی از ایالت قلمرو خلافت بنی امیه گردید، در سنه ۶۸۰ ع حضرت معاویه رض رحلت نمودند و یزید اول متمکن تحت خلافت گردیده بنی حضرت امام حسین رض و اکثر اهالی حجاز از خلافت یزید انکار نموده بتقابل او قیام نمودند، بعد از شهادت حضرت امام حسین رض عبدالله بن زبیر رض در سنه ۸۶۱ ع ر مکه معظمه اعلان خلافت نمودند دو سال بعد ازین واقعه افواج بنی امیه بر مدینه منوره استیلا نموده شهر مدینه را تماماً مورد یغما و تظاول افواج خود قرار دادند، بنابر این مسئله اهالی حجاز از سلطنت بنی امیه به تنگ آمده به خلافت عبدالله بن زبیر تمایل خود را نشان دادند و حصص جنوبی حجاز و جزیره العرب از خطه خلافت بنی امیه منفک شده ضمیمه قلمرو خلافت عبدالله بن زبیر که مکه مکرمه مرکز آن بود گردیده ولی در سنه ۶۹۲ ع عبدالله بن زبیر وفات کرده بنی خطه متصرفه او دوباره بخلافت بنی امیه تعلق گرفت در سنه ۷۵۰ ع سلطنت بنی امیه منقرض شد و امور خلافت به خاندان عباسیه تعلق گرفته مرکز خلافت از دمشق به بغداد انتقال نمود.

در سنه ۱۲۵۸ م دستگاه خلافت بغداد بدست هلاکوخان چیده شده و حجاز در حدود خلافت فاضلی مصر درآمد. ترکان عثمانی در سنه ۱۵۱۷ مصر را فتح کردند و حجاز تحت تسلط خلافت سلطان ترکی قرار گرفت ترکها حکام عربی را بنام شریف حجاز مقرر کردند در آغاز قرن نوزدهم میلادی نجدیها حرمین الشرقیین را اشغال نمودند سلطان ترکی والی مصر یعنی محمد علی را برای فرونشاندن نجدیها مقرر کرد چنانچه در سنه ۱۸۱۷ ابراهیم پاشا قائد مصر آنها را شکست داده پای تخت آنها را گرفت — والی مصر تا سنه ۱۸۴۵ به حجاز حکمرانی می کرد بعد از آن سلطان والی خود را راساً از استنبول فرستاد.

چون عرب طوریکه باید و شاید تحت نفوذ و رسوخ ترکان نبوده لذا در سنه ۱۹۰۰ سلطان عبدالحمیدخان فیصله نمود که تاحجاز خط آهن تمدید شود چنانچه در سنه ۱۹۰۸ خط آهن تا مدینه رسید و عرب ها بدستی تحت اداره خلافت ترکیه درآمد. در همین سال حسین بن علی امیر مکه مقرر شد.

در ایام جنگ عمومی چهارات انگلیس بر جده گلوله باری نموده و آنرا اشغال کردند و حسین بن علی بر علیه ترکها اقدام نموده مکه معظمه و طائف را از ترکها گرفت اما فخری پاشا تا سنه ۱۹۱۹ مدینه را مدافعه نموده و وقتیکه از استنبول برای او حکم تسلیمی رسید به شریف حسین تسلیم نمود — شریف حسین در سنه ۱۹۱۶ خود را شاه حجاز اعلان کرد و سرش امیر فیصل در مجلس صلح (ورسای) در سنه ۱۹۱۹ از طرف شریف حسین نماینده گی می کرد.

در اوایل سنه ۱۹۱۹ روابط شریف حسین با ابن سعود شاه نجد خراب شد و لشکر ابن سعود فوج شریف حسین را در ترابه شکست داده خیبر و سمیه را اشغال کردند.

شاه حسین در سنه ۱۹۲۴ خود را خلیفه خواند تا عالم اسلام باو معاونت نماید بنابر آن عبدالعزیز ابن سعود بر علیه حجاز اعلان جنگ داده فوراً طائف را اشغال نمود. شاه حسین خود را از خلافت خلع نموده و خلافت را به یسر خود علی واکذار نمود علی مکه معظمه را تخلیه نموده بطرف جده فرار کرده به جمع آوری فوج کوشش کرد ابن سعود در ماه دسمبر سنه ۱۹۲۴ مکه معظمه را اشغال کرده بطرف جده پیشرفت نموده آنرا محاصره نمود لیکن در فتح آن کامیاب نشد اما فوج مذکور همه بنا در را گرفت و علی جده را تخلیه نمود بدین وسیله کل حجاز تحت تسلط ابن سعود آمد عبدالعزیز ابن سعود در ماه جنوری سنه ۱۹۲۶ یاد شاهی خود را اعلان کرد.

برطانیه در سنه ۱۹۲۵ قطعه عقبه و معان را اشغال نمود که بدوران جنگ عمومی بحجاز شامل شده بود در ماه مئی سنه ۱۹۲۷ فیما بین برطانیه و ابن سعود معاهده باضا رسیده دولت برطانیه استقلال ابن سعود را تسلیم نمود و مرکز سلطنت ابن سعود ریاض می باشد و حجاز یک ایالت آن است.

حضر موت

علاقه ایست در ساحل جنوبی عرب که یمن در مغرب آن و عمان در مشرق و صحرای جنوبی در شمال آن واقع است، مساحت آن ۱۵۱۵۰۰ مربع کیلومتر و نفوس آن ۱۲۰۰۰۰ نفر می باشد و درعلاقه حضر موت قبور حضرت هود علیه السلام و حضرت صالح علیه السلام موجود است در حضر موت ما سوای آب باران دیگر آب جاری نیست اما چاهها و چشمه ها بسیار زیاد است.

نام حضر موت بسیار قدیمی است و مورخین یونانی نام آنرا بتعریف جزوی ذکر کرده اند از خرابه های وادیهای دووان و عدیم منکشف می شود که حضر موت دراز منه قدیم تهذیب عالی و ترقی زیادی را صاحب بود. اکثر اهالی اخلاف قحطان می باشند عده زیادی از سادات و بعضی مهاجرین که از شمال آمده اند و بعضی مخلوط النسل (کنیزهای حبشی و عربها) نیز می باشند.

سادات، روسای مذهبی شمرده می شوند و قبایل دیگر که يك جزء آنها چادر نشین و جزء دیگر ده نشین می باشد بدو فرقه تقسیم می شود، یکی را (قایقی) و دیگری را (کثیری) می نامند، قایقی ها را از جنوب مغرب عرب سادات خواسته بودند که آنها را از عادات بادیه نشین ها حفاظت نمایند اما حالا حکمران حقیقی مملکت شده اند و پای تخت آنها بندر (مکله) می باشد، برای رؤسای این قبیله از طرف نظام حیدر آباد دکن لقب سیه سالاری داده شده است که بانها موروثی شده است چرا که یکعده عربها در عسکر نظام داخل می باشند و کثیرها بعد از زیادی بطرف جاوا و سماترا هجرت کرده اند و آنها هم سلطانی در حضر موت دارند اما حالا حکومت ها لندی بر توطن گزینی آنها در جزائر مذکور قیود نهاده است زیرا که این عربهای درین جزیره ها رفته خلاف حکومت نصاری هالندی سازش ها می کند.

سلطان قایقی بهاب ابن عواض ابن عمر در سنه ۱۹۲۴ وفات کرد. اگر در حضر موت سیاحت مزید و حفاریات شود معلومات خیلی مفید تاریخی بدست خواهد آمد.

حیدر آباد دکن

حیدرآباد دکن بزرگترین و توانگرترین ریاست هند است مساحت آن ۲۱۴۱۷۹ مربع کیلومتر و نفوس آن ۴۹۳۰۰۰۰ ۱۴۳۹ نفر و عواید سالانه آن (۸۳۷۷۰۰۰۰) سکه عثمانی حیدرآبادی باشد. تاریخ این خطه بیش از قرن ۱۸ جزو تاریخ کشور هند بوده است، بانی و موسس ریاست کنونی حیدرآباد میر قمرالدین خان پسر بزرگ غازی الدین خان فیروز جنگ است، فیروز جنگ از سیه سالارهای افواج اورنگ زیب عالمگیر بوده نسبش به شیخ شهاب الدین سهروردی و از اوبه خلیفه اول رض منتهی می شود، میر قمرالدین خان دارای القاب متعددی از قبیل چین قلیچ خان فتح جنگ نظام الملك، آصف جاه بوده است، نظام الملك نخستین مرتبه در سنه ۱۷۱۲ از طرف شاه عالم اول صوبه داری یعنی والی دکن مقرر گردید و قتیکه نادر شاه افشار بر هند حمله آورد و سلطنت مرکزی مغولیه را تحت فشار گرفت نواب آصف جاه از وقت استفاده کرده حکومت دکن را عملاً مستقل نموده فرمان روائی این خطه را برای اولاد و احفاد خود بارث گذاشت. چون آصف جاه در سنه ۱۷۴۸ ترك حیات گفت در بین پسران او اختلاف و منازعه برخاست و ضمناً تجار انگلیس، فرانس هم بكمك کردن به منازعین دامن زن نائره نزاع در بین آنها گردیدند بالاخره پسر سومین مشارالیه ملقب به صلابت جنگ به پشت گرمی امداد فرانسه بر دیگر برادران غالب آمده جانشین پدر گردید ولی در عهد حکومت او علاقه های وسیع قلمرو او را طائفه مهراته تصرف کردند در سنه ۱۷۶۱ برادر کوچک او نظام علی خان بر علیه صلابت جنگ برخاست

واو را از سلطنت خلع نموده خود وارث تخت و تاج پدر گردیده و بعد آفۀ طائفه مهراته نیز قیام نموده علاقه های از دست رفته خود را از غنیم استرداد نمود در سنه ۱۷۶۸ کمپنی ایست اندیای انگلیس علاقه سرکار شمالی را در عوض (۹۰۰۰۰۰) کلدان سالانه بطور پیشکش و فراهم آوردن عده از عسکر هنگام ضرورت با هم مقابله نموده و درین خصوص فرمانی نیز از نظام علی خان بدست آوردند .

در سنه ۱۷۹۵ هنگام محاربه نظام با طائفه مهراته فوج انگلیس از ایفای خدمت انکار نمودند بنا برین تخلف ، نظام بانقری خود شکست یافته و علاقه دولت آباد که سالیانه سی و پنج لک کلدان عایدات و مالیه او بود از قلمرو نظام جدا شده به تصرف مردم مهراته درآمد بعد ازین واقعه مقابله نامه قبل را با انگلیسها فسخ نموده و فرانسویها را برای تعلیم و تربیه افواج خود استخدام نمود و بعدها در بین انگلیس و فرانسه نایره جنگ مشتعل شده و بالاخره فرانسویها شکست خورده انگلیسها و باره نفوذ و رسوخ خود را درین خطه قائم و مستحکم نمودند در سنه ۱۸۰۳ نظام علی خان ترك زندگی نموده و پسر بزرگ او ، سکندر جانشین پدر گردید و علاقه برار را که قبلاً مردم مهراته تصرف کرده بودند دوباره بدست آورد در سنه ۱۸۲۴ اخراج و مالیه علاقه سرکار شمالی را به انگلیسها گذاشت و در سنه ۱۸۲۹ از دنیا رحلت نموده و ناصرالدوله پسر بزرگ او نظام دکن مقرر گردیده اداره و انتظام علاقه برار و رای چور را به انگلیسها واگذار نمود بشرطیکه از عایدات سالیانه آن تنخواه سپاه و قشون را تادیه کرده و مابقی را واپس به نظام بسپارد در سنه ۱۸۵۷ ناصرالدوله از دنیا انتقال نموده و افضل الدوله پسر بزرگ او بجای پدر نشست در سنه ۱۸۶۰ غیر از علاقه برار تمام علاقه ها و حصص دیگر را دوباره استرداد نموده از سایر عواید و باقیات ملک صرف نظر نمود در سنه ۱۸۶۹ افضل الدین پدرود زندگی نموده محبوب علی خان پسر خورد سال او وارث پدر گردید و به نیابت او حسب وصیت پدرش سالار جنگ و شمس الامرا تعین یافت در سنه ۱۸۸۴ دوره نیابت و وکالت او به اختتام رسیده خود محبوب علی خان مستقیماً فرمان روائی می نمود و در سنه ۱۸۹۴ قانون مشروطه را اعلام نمود در سنه ۱۹۰۰ قانون مذکور تعدیل پذیرفت و در سنه ۱۹۰۲ محبوب علیخان علاقه برار را در عوض سالانه (۲۵۰۰۰۰۰۰) کلدان بطور مستمری برای انگلیسها گذاشت و از عده سپاه خود نیز کاسته به دو ازده هزار فوج شخصی قانع گردید در سنه ۱۹۱۱ طومار حیات را پیچیده و پسر بزرگ او میر عثمان علی خان جانشین و وارث پدر گردید و پسر بزرگ خود حمایت علی خان اعظم جاه را از طرف خود ولی عهد و وارث تخت تعین نمود در سنه ۱۹۳۱ در مقام نیس دختر سلطان عبدالمجید سلطان سابق ترکیه موسوم به (در شهوار) را برای پسر بزرگ خود اعظم جاه عقد و تزویج نمود .

ساراواک

مملکتی است تحت حمایۀ بریطانیای کبیر که در حصۀ شمال شرقی جزیره بورنیو واقع است مساحۀ آن مساوی ۱۰۸۰۰۰ کیلومتر مربع بوده اهالی آن عبارت است از ۶۰۰۰۰۰ نفر که اکثریۀ آن مسلمان میباشند و محاصیل سالیانه آن ۲۴۲۹۰۹ دالر است .

اصلاً مملکت ساراواک بسلطان برونیك تعلق داشته در سنه ۱۸۴۲ م جیمس بروک (انگلیسی) به عوض خدمات جنگی خویش با اداره قسمتی از ملک مذکور تعین یافت در سنه ۱۸۶۱ م جیمس مذکور قسمتی از مملکت سلطان برونی را بحکومت خود الحاق و ضم نمود در سنه ۱۸۶۳ حکومت برطانیاستقلال آنرا شناخت و در سنه ۱۸۶۸ بروک فوت شده بعوض او برادر زاده اش سرچارلس بروک مقام او را اشغال نمود و در سنه ۱۸۸۸ م حکومت برطانیا حسب درخواست (راجاه) ساراواک را تحت حمایۀ خود قرارداد . در سنه ۱۹۰۴ م قسمتی از بورنیوی شمالی را بقرار معاهده به مملکت خود ملحق ساخت در سنه ۱۹۱۷ چارلس جانس نیز فوت شده پسرش به مقام او نائل آمد . را جای کنونی سرچارلس وایز بروک و مرکز حکومت شهر کوچنگ است .

سای بیریا

بدو آذربایجان روسی علاقه تاتار خان قوچوم را که برکنار دریای ایرتش (یک معاون دریای اوب) بود و کاسکها آنرا در سنه ۱۵۸۱ میلادی فتح کرده بودند سی بیر میگفتند، سپس این اصطلاح به تمام علاقه جات آسیای شمالی که روس متصرف شده بود معمول گردید، نفوس سای بیریا ۸۲۳۸۰۰۰ و مساحت آن ۴۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع میباشد.

قدیم ترین باشندگان این دیار (یلنیزی ها) بودند، بعد از آنها (اوگروسمویدها) مجبور به فرار شده در قرن سوم قبل از میلاد کوههای الطائی و سلسله سیان را عبور کرده به سای بیریا داخل شدند.

اوگروسمویدها از استعمال مضرع صنعت و زارعت باخبر بوده در صنعت آلات و زیورات، نقره و طلا مهارت بلندی داشتند نیز رقبه وسیع سای بیریا را زیر کاشت آورده بودند، می توانیم که بگوئیم که تمدن آنها نسبت به مهاجرین بعد تر بسیار بلند بود.

هشت قرن بعد قبیله های ترکی خاکاسها داوئی غورها از اوطان خود رانده شده و باین سرزمین رسیده اوگروسمویدها را مغلوب نمودند، ترکها از استعمال آهن واقف بودند و صنعت آن را هنوز ترقی داده آنرا محض برای تزئین بت استعمال میکردند سلطنت ترکها تا قرن سیزدهم میلادی دوام نمود حتی مغلهای چنگیز خانی را برانداختند.

در اوایل قرن شانزدهم فراریهای تاتاری از ترکستان وارد شده قبایل پراگنده سای بیریا را مغلوب و مفتوح نمودند، زارعین، چرمگرها، سوداگرها و ملاها از ترکستان درین سرزمین وارد شدند، بعد طوائف الملوکی برکنار دریای ایرتش و دریای اوبی برپا شد حتی خان ایدیکار را تحت سلطه خود آورده و با خود متحد نمودند، درین زمان روسی ها در یورال استحکامات و قشله ها را بنا کرده پیشرفت نمودند خان مذکور با آنها نبرد آزما و مغلوب شد و سفرای او در سنه ۱۵۵۵ به ماسکورفته تادیه باج سالیانه را بدر بار ماسکو قبول نمودند یرمق رئیس قبیله کاسک در سنه ۱۵۸۰ با ۱۶۳۶ نفری خود از یورال گذشته به سای بیریا داخل شده در سال ۱۵۸۱ (الیکا) پایتخت خان قوچوم را محاصره کرد.

یرمق در سنه ۱۵۸۴ بدریای ایرتش غرق گردید و کاسکها پس بوطن خود عودت نمودند لیکن بعد ازان شکاریها و مخاطره جوها هر سال داخل سای بیریا شده رفتند و حکومت ماسکو آنها را معاونت و تحریک می نمود، این نفری بطرف جنوب یعنی ترکستان جزئت نکرد و پیشرفت خود را بطرف مشرق ادامه دادند و در همین اثنا حکومت ماسکو قلعه ها را می ساخت و مزدورها را روان میکرد به تاقشله های عسکری آذوقه و غیره بهم رسانند.

در عرصه ۸۰ سال روسی ها بدریای امور و ساحل بحر الکاهل رسیدند، البته این پیشرفت سریع از باغی بوجود آمد که تاتارها و ترکها متحد نبوده قوه مدافعه نداشتند تونگوسها در (۱۰ - ۱۶۰۷) برای حصول استقلال خود محاربات نمودند بالاخره در سنه ۱۶۲۳ مغلوب گردیدند، روسیها در سنه ۱۶۳۷ به کنار دریای لنا رسیده قلعه یاکتسک را در سنه ۱۶۳۷ تعمیر نمودند و دو سال بعد آنها به بحیره اوکاتسک رسیدند - بوریاتها تا ۱۶۴۳ با روسی ها قتل و قتل را شروع کردند بالاخره در سنه ۱۶۵۰ جرنیل روسی خابروف کناره های دریای امور را در تصرف آورد تا سنه ۱۸۵۷ میلادی کاسکهای روسی و دهقانها در اطراف تمام گذرگاه دریا آباد و متوطن شدند - و حکومت چین در سنه ۱۸۵۷ و بوا سطه معاهده سنه ۱۸۶۰ تسلط و استیلای روس را درین دیار تسلیم نمود.



تاریخچه مختصر ممالك آسیا

حکومت تزاری مجرمین خود را در سای پیریا تبعید میکرد.

بعد از انقلاب بالشویکها در سای پیریا تحریکات خلاف بالشویکها پیدا شده و آنها را (فوج سفید) نام نهادند و افواج جاپان، فرانس، برطانیه و امریکه بآنها معاونت نمودند قائد فوج سفید جرنیل کولچک بوده تمام سای پیریا را فتح کرد اما بالاخره شکست خورده در سنه ۱۹۲۰ بدست (فوج سرخ) اسیر گردیده اعدام شد.

حال سای پیریا به چندین جمهوریتهای ساویتی منقسم است یعنی بوریات، مغل، جمهوری شرق اقصاب، قرغزستان و غیره.

سوماترا

جزیره بزرگست بجنوب جزیره نمای ملایا مساحت آن ۴۲۳۰۳۵ کیلومتر مربع و نفوس آن عبارت از ۵۷۰ ۸۲۳۸ نفر است اهالی آن از نژاد ملایائی و با خون هندی و عرب امتزاج یافته و تقریباً تمام آنها مسلمان و بشجاعت و استقلال خواهی ممتاز و معروف اند.

با وجودیکه اهالی حصص جنوبی سوماترا مسلمانند باز هم در زیر نفوذ و تاثیر مراسم و عادات تاریخی ملی خود واقع گشته، پابند نسب مادری اند یعنی نسب خویش را از طرف مادر اهمیت داده وارث، اناث را می شناسند نه ذکور را، به تعبیر دیگر ارث تعلق باناث گرفته اولاد ذکور از ان محروم شناخته میشوند.

در قرن اولی مسیحی اهالی هند به سوماترا رفته و در آنجا توطن گزیده و سلطنت تاسیس نمودند این سلطنت در قرن ۷ بر تمام جزیره حاوی گردید چنانچه در قرن نهم مورخ مشهور عبدالله بن احمد بن خرداذبه ندیم معتمد خلیفه متوفی عباسی (۲۸۰) ه در کتاب المسالك والممالك و دیگر مصنفین عربی از سلطنت عظیم الشان بودائی سوی و جیا که مرکز آن پالم (بانگ) است در کتب خویش ذکر نموده اند.

اگرچه سلطنت مذکور بچند حصه تقسیم شده بود اما ششصد سال بعد از ان نیز با کمال شوکت قائم بود، آثار معابد برهمنی و بودائی آن تا این زمان موجود است. در قرن ۱۳ عربها بر آچین استیلا یافته و اکثر اهالی آن به مذهب اسلام مشرف شدند بعد از ان در مرور چند سال شاهان حصص دیگر نیز بدین اسلام در آمده و قریباً تمام اهالی سوماترا، آئین اسلام را برگزیدند و تا قرن ۱۷ سلطنت های اسلامی آچین، اندرپوره دلی، پادانگ، پالم بانگ، جامبی مینانگ کابای آن کمال شوکت و عظمت را دارا بودند و از ان جمله سلطنت آچین در عهد سلطنت سکندر مودا جزیره نمای ملایا را نیز فتح نموده پرتگالیها را بمراتب شکست و هزیمت داد بعد از ان اروپائیها قدم در آنجا نهادند در سنه ۱۵۰۹ پرتگالی ها تجارتخانه تاسیس نمودند، در اواخر قرن ۱۶ هالندیها، پرتگالی ها را رانده خودشان بجای آنها نشستند، در ابتدای قرن ۱۷ (۱۶۰۲) انگلیسها نیز به سوماترا وارد گردیدند.

بعد از ان تا سه صد سال تاریخ این مملکت را یک سلسله جنگهای مهیب و خونریزی که با هالندیها نموده اند اشغال کرده است.

در سنه ۱۶۶۴ م (اندرپوره) در سنه ۱۶۶۶ (پاوانگ) تحت نفوذ هالندیها قرار گرفت سلاطین (پالم بانگ) در سنه ۱۶۵۴ و سنه ۱۸۱۹ م هالندیهای که در آنجا نفوذ و دست پیدا کرده بودند بکلی از مملکت خویش رانند اما بالاخره در سنه ۱۸۵۱ م هالندیها قوای سلاطین را نابود ساخته بر مملکت متصرف شدند و در دلی و جامبی و مینانگ گاباوا از سبب خانه جنگیها استفاده و پیشرفت نمودند ولی رؤسای محلی ممالك مذکور تا آخر قون ۱۹ از عزم استقلال خواهی خویش نکاسته بر علیه هالندیها قیام می نمودند.

در آچین که شاهان آن از نسل عرب بودند تا سنه ۱۹۰۳ هالندیها نتوانستند به تسخیر کلی آن موفق شوند تا آنکه در سنه ۱۸۷۳ با تمام قوای خود برای استیصال آچین حمله آور گشته بعد از جنگ مسلسل سی سال به صرف بیشتر از پنجاه ملیون یوند و قتل دوصد و پنجاه هزار نفوس باطفای نائرة جدال کامیاب گردیدند و هر چندیکه سواحل آن کاملاً امروز مغلوب گردیده در تصرف هالندیها در آمده باشد باز هم در حصص کوهستانی مرکزی جزیره اهالی آن آزاد و در مجادله دوام داشته برای جلوگیری از پیشرفت هالندیها بواسطه مختلفه تشبث مینمایند .

سوماترا اکنون بحصص ذیل منقسم است :

سوماترای غربی ، تاپانویلی ، سوماترای شرقی بنکویلن ، لام یونگ ، پالام یونگ ، جامبی ، آته جه .

سیام

مملکت مستقل سیام در وسط جزیره نمای هند چینی واقع است ، مساحت آن عبارت از ۵۱۸۱۶۲ مربع کیلومتر و نفوس آن ۱۲۳۵۰۰۰ نفر میباشد . اهالی آن از اقوام شان ولاؤ و سیامی مرکب اند و بطور مجموعی ملت خود را بنام تهائی (احرار) و مملکت را بنام موآننگ تهائی یعنی احرارستان یاد میکنند .

تاریخ قدیم این مملکت از روایات و افسانه هائی مملوست که اکثر آن از درجه اعتبار ساقط است مثلاً ملت خود را از اولاد رفقای بودا میگویند و هزاران خوارق آنها را در کتب خود ذکر نموده اند . اولین تاریخیکه به صحت تعین میتوان کرد تاسیس شهر لام یون در سنه ۵۷۵ م می باشد بعد از آن تا سنه ۱۲۵۰ که قبائل لاؤتائی راقبلائی خان امپراطور چین از ولایات جنوبی چین کاملاً خارج نمود جنگهای داخلی و خارجی جاری بود که در اثر آن تا سنه ۱۲۸۰ تمام هند چینی از دریای میکانگ در شرق تا پیچابوری ، در غرب تا ساحل بحر و انجام جزیره نمای ملایا بطرف جنوب در تصرف اقوام تهائی درآمد و آنها باهم اختلاط و امتزاج کلی یافتند . زبان سیامی و رسم الخط مخصوص آن در همین ادوار تشکیل یافت . چنانچه در مقام سوختائی که در آن زمان پای تخت را ما کام هنگ شاه سیام بود به کتیبه مورخه سنه ۱۲۴۴ در این زمان موجود است و حدود مملکت را نشان میدهد .

چون مملکت وسعت یافت مرکز حکومت از سوختائی به (ناخون سوان) و از آنجا به (کام نیک پیت) و باز به (سوارنا بومی) منتقل شد و بالاخره در سنه ۱۳۵۰ (فواما تبودی) بعد از فتح شهر (سانو) شهر جدیدی بنام (ایودها) در آن مقام بنا نمود و جزوی از ولایت برمای حالیه و کمبودیا را به تصرف خود آورد . حکومت خانواده این شاه تا چهارصد سال دیگر دوام کرد و درین زمان تمام کمبودیا ضمیمه دولت سیام گردید .

در قرنهای یازدهم و شانزدهم مسیحی اهالی برما بر سیام هجوم آوردند و در حدود سنه ۱۵۵۵ پای تخت ایودها را فتح نموده سیام را به حکومت خود الحاق نمودند ولی چند سال بعد فراناریت اهالی برما را از ملک خود خارج و سلطنت خانواده خود را دوباره قائم کرد بلکه اکثر حصص مملکت برما را هم متصرف گردید .

بالاخره در سنه ۱۷۶۷ شهر (ایودها) بعد از محاصره دوساله بدست اهالی برما مفتوح و مسار گردید . بعد از آن جرنیل سیامی (فایا تاخ سین) نام مملکت خود را از فاتحین خارجی نجات داده شهر بنگاک را پای تخت خود قرار داد . چند سال بعد دیوانه شد و دعوی الوهیت نمود و بعوض او (قایا چکری) بانی خاندان شاهانه حالیه در (۱۸۷۲) بر تخت نشست در عهد شاهان این سلاله بنا بر مسائل سرحدی بارها بافرانس

تاریخچه مختصر ممالك آسیا

که حصص شرق هند چینی را تحت حمایت خود گرفته بود جنگ شد و یکمرتبه جہازات جنگی فرانسوی به بنگاک رسیدند.

بالاخره در سنه ۱۸۹۶ معاهدات راجع باستقلال سیام و حدود آن سلطنت دولتن برطانیه و فرانسه بام منعقد نمودند ولی بعد از آن بواسطه التماس کابینتولیسونها چهار ریاست ملایا برای انگلیس و بعضی قطعات غرب به فرانسه واگذار گردید.

(فرا بر جادهی پوک هفتم) پادشاه سلاله (چکری) در سنه ۱۹۲۶ بر تخت نشست و بتاریخ ۲۴ جون ۱۹۳۲ مشروطیت را قبول و اعلان نمود.

این دولت از ابتدا با چین و هند و دول همسایه خود روابط داشت -
 مرادوات خارجه : در ابتدای قرن (۱۶) اهالی پرتگال با شاهات این مملکت روابط سیاسی و اتحادی پیدا کردند و در اواخر همین قرن جاپانیها نیز داخل مرادوات شدند در قرن هفده اهالی هالیند و فرانسه و برطانیه نیز باب مرادوه را مفتوح نمودند.

در سنه ۱۸۲۶ با برطانیه ، در سنه ۱۸۳۳ با امریکه ، در سنه ۱۸۹۸ با جاپان ، در سنه ۱۸۹۹ با روس در سنه ۱۹۲۰ با جماہیر متحدہ امریکه در ۱۹۲۴ با جاپان در سنه ۱۹۲۶ با دنمارک فرانس ، هالیند و پرتگال و هسپانیہ و سویدن و در سنه ۱۹۲۷ با ناروی و ایتالیه و بلجیم و لکسمبورک و در سنه ۱۹۲۸ با جرمنی و در سنه ۱۹۳۱ با سوئزرلیند معاهدات نمود.

سیلون

جزیره بزرگیت که در مفتیهای جنوبی هندوستان واقع بوده و از مستملکه برطانیه میباشد مساحت آن ۶۵۶۰۸ مربع میل و نفوس آن تخمیناً ۸۷۱۰۶۳۰ نفر است اهالی آن کما بیش از هفتاد قوم مخلوط بوده و از انجمله به تعداد ۳۱۰۰۰۰ نفر مسلمان هستند و عده (سین هالی) ها از همه بیشتر است بودائیها به تعداد ۸۰۵۰۰۰ و ۲۷۶۹۰۰ و هندوها ۹۸۲۰۷۳ و نصاری ۴۴۳۰۰۰ نفر میباشد.

بودائیت در قرن سوم قبل از میلاد در سیلون داخل شده بود.

در ادبیات برهمنی ها جزیره سیلون (لنکا) بود و یونانیها و رومیها آنرا (تاپروسی) میخواندند و ملاحین و سوداگران مسلمان آنرا سراندیب گفتند پورتگیزیها آنرا زیلون نامیدند که نام امروز سیلون از همین اسم مشتق است.

بومیان قدیم جزیره سیلون به (وداهیا) موسوم و حال عده و دهیا فقط تخمیناً چهار هزار است.

در کتاب رزمی هندوها موسوم به راماین مذکور است که راون پادشاه لنکا زوجه رام چندر یعنی سیتارا به جبر برده بود، لهذا رام چندر با فوج خود پل آدم را عبور کرده لنکا را مفتوح و راون را به قتل رسانید.

جزیره سیلون تاریخ قدیمی دارد که نام آن مهاوتسه یعنی (شجره نسب بزرگها) میباشد این تاریخ حاکیست که در سنه ۵۰۴ ق م (و جایه) اولین شاه سینهای بهرام تابعین آریائی خود از خلیج بنگال سفر کرده به جزیره فرود آمد و پادشاه کل جزیره شد و بایک خانم بومی ازدواج نمود سینهای ها در شمال



یکی از مناظر سیلوان

تاریخچه مختصر ممالك آسیا

(دمبوله) که يك ساحه وسیع و هموار است آباد شده و بواسطه بهترین وسیله های آبرسانی عالم بشر اراضی آنجا را قابل زراعت و کاشت ساختند - نام قدیمی این خطه پی هیتی و قدیمترین پایتخت شاهان سینهالی (را جارتیه) بود ، بعد (انود پوره) را پایتخت خود قرار داده و تا زمانه طویل سلطنت کردند ، در سنه ۳۰۷ ق م (ماهنده) قشیش بودائی به همراه يك پسر راجه اشوک به جزیره وارد شده به تبلیغ بودائیت پرداخت و سپس بودائیت در تمام جزیره تدریجاً نشر شد .

وقتاً فوقتاً حمله آوران از هند جنوبی به سیلون حمله آورده حصه شمالی و مرکزی آنرا فتح میکردند حتی از قوم تامل شخصی (ایلاله) نام تحت آنورد پوره را تصرف نمود لیکن يك پهلوان سینهالی (دونی گیمونو) نام (۱۹۰ ق م) آنرا کشته حکومت سینهالی را مجدداً زنده ساخت .

در سنه ۲۷۵ میلادی يك مبلغ مسیحی به جزیره رسیده تبلیغ دین مسیح را آغاز نمود بهر حال تاریخ سیلون در عهد شاهان سینهالی يك تاریخ خانه جنگی ها و زمانه امن و آرامی و حملات پادشاهان و عساكر هند جنوبی است - شاهان پی هیتی یعنی (لنکای شمالی) و رؤسای (روهونه) و (مایارته) قطعات جنوب لنکا « مابین خود محاربات داشتند بالاخره (پروگرام باهو) در سنه ۱۱۵۳ میلادی تاج پی هیتی را بر سر نهاده روهونه و غیره را فتح کرده در سنه ۱۱۵۵ میلادی پادشاه کل لنکا شده اقتدار و وقار سینهالیها را زنده ساخت ، این پادشاه به بیگو (در برما) و هند جنوبی حمله برده بود اگرچه عهد او را (زمانه طلایی لنکا) می نامند لیکن لشکر کشی و غایب نمودن محصول کزاف او با اقتصادیات مملکت صدمه بزرگ رسانیده و اهالی را به خوردن سبزی جات مجبور و قتل حیوانات را خیانت بزرگی قرار داده بود .

در سنه ۱۴۰۸ شاه (وجایه باهوی چهارم) سفیر چینی را امانت نموده بود بنا بران عسکر چینی برای انتقام به سیلون حمله آورده پادشاه را اسیر و به چین بردند و تا سی سال جزیره سیلون با جگندار چین بود (بتاریخ چین رجوع شود) .

و قتیکه پرتگالیها تحت سرکردگی (فرانسکو دوالبده) در سنه ۱۵۰۵ به جزیره رسیدند هفت پادشاه مستقلاً سلطنت میکردند و با یکدیگر دشمنی و محاربات داشتند در سنه ۱۵۱۷ پرتگیزی ها در کولمبو با اجازه پادشاه کوته قلعه را تعمیر نمودند و آنها به تبلیغ دین مسیحی سعی بلیغ میکردند و ماهیگیران سینهالی مسیحیت را اختیار کردند چنانچه درین روزها عده مسیحیون لنکا بالغ به (۴۵۰) هزار و منجمه آنها ۹۵ فیصد رومن کاتولیک میباشند ، لیکن وحشت و بربریت پرتگالیها در راه تبلیغ مسیحیت مسلمانها و بودائیها را به دشمنی و نفرت آماده ساخت ، چنانچه و قتیکه (دچها) و انگلیسها باین سرزمین رسیدند آنها را ناجی شمردند .

امیرالبحر هالندی (سیل برک) در سنه ۱۶۰۲ به ساحل مشرق سیلون فرود آمد و پادشاه (کاندی) پذیرائی او را نموده استمداد خواست تا پرتگالیهای منفور را اخراج نمایند دچها بعد از تیاری در سنه ۱۶۳۸ فوج کشی کرده جمله قلعه های مشرق را از پرتگیزیها گرفتند در سنه ۱۶۴۴ نیگومبو را اشغال کرده و در سنه ۱۶۵۶ کولمبو و در سنه ۱۶۵۸ جفته را فتح کردند پس باستانهای علاقه کاندی جمله مقامات ساحلی بدست دچها افتاد و پادشاه کاندی آزاد ماند - پرتگیزیها تا عرصه ۱۴۰ سال و دچها هم همین قدر مدت در سیلون حکمرانی کردند ، پرتگیزیها وحشت و بربریت را بکار برده مملکت را خراب کردند ، دچها اگرچه محصول زیاد بالای رعایا مقرر کرده بودند با وجود آن هم حکومت آنها نسبتاً خوبتر بوده و اهالی در هر شعبه ترقی نمودند .

انگلیسها در سنه ۱۷۶۳ از مدراس بدربار پادشاه کاندی سفیر فرستادند اما نتیجه نه بخشید در سنه ۱۷۹۵ يك قطعه عسکر انگلیس به سیلون حمله برده در مدت کمتر از يك سال جزیره را به تصرف خود در آوردند - بدو اداره آن از مرکز مدراس میشد لیکن مردم ازین طریق حکومت ناراض گشته و

بغاوت کردند بنا برات در سنه ۱۷۹۸ سیلون يك مستملكه تاج برطانوی گردید - قرار معاهده (آمینز) در سنه ۱۸۰۲ میلادی رسماً به برطانیه تعلق گرفت و در سال دوم فوج انگلیس به کاندی حمله برده آنرا اشغال نمود .

حکومت انگلیسی سرکها را در تمام سیلون تمدید نموده جنگلها را صاف و زراعت قهوه را شروع کردند بعد درخت سنکونا (که کونین ازان گرفته می شود) و کشت چای را داخل نمودند کوکو و درخت را بر را نیز رواج دادند ، این زراعت موجب واردات زیادی برای سیلون میباشد .

تعلیم در سیلون بسیار زیاد است ، چنانچه عده تعلیم یافته گان ۵۳۷۵۹۴ را نفر که از آنجمله (۴۰۰) هزار دختر میباشد و تخمیناً ۳۸ هزار دختر انگریزی دان هستند .

شام (سوریه)

شام از سنه ۱۹۲۰ میلادی باینطرف زیر حمایت فرانسه است ، و از مغرب به بحیره روم و از جنوب بفلسطین ، از طرف مشرق بعراق عرب و از طرف شمال به ترکیه محدود است . مساحت آن عبارت از ۱۲۷۰۰۰ مربع کیلومتر و نفوس آن ۱۶۲۰۰۰۰ نفر می باشد .

نام و حدود آن در توریت معلوم نیست اغلباً گمان می رود که نام (سیریا) شام ، تحریف نام بابلی سوری باشد ، پیش از رومیها حدود آن معین و معلوم نبود اما در اواخر سلطنت رومیها آن را (سیریا) نامیدند که مسلمانان آنرا شام می گویند .

آثار غیر منظم قدیم و عتائق تاریخی ظاهری می کنند که در زمان قبل از تاریخ هم در سیریا بشر زیست داشته و در از منة تاریخی اقوام مختلفه با هم نبرد آزما شده در حدود آن آباد شده رفته اند اما عده سامیها در اکثریت بود - بعده آرامیهای سامی هجوم آورده شام را اشغال و نفوس آنرا در خود مدغم نمودند .

سیریا قبل از حمله و اشغال مصریها بایالتهای خورد خورد مستقل منقسم بود و در اواخر قرن شانزدهم قبل المیلاد هتیت های شمال شام و سارگوت ا کد جنوب شام را تصرف نمودند در قرن یازدهم و چهاردهم قبل المیلاد هتیت ها بامداد چادر نشینان صحرا هجومات می آوردند و چندین رؤسای محلی در صدد آن بودند که یوغ مصر را از دوش بیندازند - و بالاخره مصر کل مقبوضات خود را در شام از دست داد و بعد از عهد (اینوفیس) چهارم (۱۳۷۶-۱۳۶۶ ق م) اقتدار مصر تماماً سقوط نمود .

در قرن دوازدهم قبل المیلاد رامیسس دوم فینیقیه را تا بیروت فتح کرد و در عهد رامیسس سوم از طرف آسیای صغیر و یورپ بر آن حملات شروع شده حتی قوم فلسطینیها بر ساحل نزدیک عسقلان قائم شدند - جانشینان رامیسس تسلط خود را در شام از دست دادند و شیشک شاه مصر موسس سلاله بیست و دوم در سنه ۹۲۸ ق - م کوشش نمود که اقتدار قدیم مصر را در شام زنده کند ، اگرچه تا اندازه فتوحات هم نمود مگر اثر آنها دوام نکرد ، بعد ازین زمانه تاثیر مصر کلیة محو شد . سامیها در ابتدا بت پرست بودند و نام بت بزرگ آنها (بعل) و زوجه آن بعله بود .

در سنه ۱۰۵۰ ق - م آشوریها بطرف مغرب پیشرفت فاتحانه نموده قوم (خبته) وهتیت ها را بر انداختند در قرن هشتم ق - م سارگوت سوم بشام حمله برده هتیت ها را کاملاً بر انداختند ، اما آرامی ها شهرهای مهم سیریا را از دست نداده آهسته آهسته کل مملکت را اشغال کردند - قریباً در قرن دهم قبل المیلاد اسرائیلی ها زیر قیادت حضرت داود علیه السلام قسمت بزرگ سیریا را تصرف نمودند و فینیقیهای شام با



يك بازار شهر يروت

اسرائیلیها مراودات دوستانه داشتند در سنه ۷۳۳ قبل المیلاد تگلدت یا ئیلیسر دوم دمشق را فتح کرد و شام فیابین دولت آثوریها و سلطنت مصر مملکت متنازع فیه بود.

در همین قرون فینیقیها که يك قومى از اقوام شام هستند و دران اوان بهترین ملاحین و تجار بودند اولاً بر ساحل شام و بعد از ان در قبرس سسلی ، کورسیکا و افریقه شمالی رفته و در آنجا متوطن گردیدند ، کار تاج (در نواح تیونس امروزی) مهمترین شهر نوآباد و مستعمره بود که بالاخره با سلطنت روم جنگ نموده از تعدی و بی انصافی روم (در سنه ۱۴۶ ق م تها و برباد گردید - هینی بال یکی از بزرگترین قوماندانهای عسکری دنیا از همین قوم بوده - فینیقیهای شام در زرگری ، حساب ، مسگری و صنائع دیگر مهارت فوق العاده داشتند و تحریر را در مغرب آنها رواج داده اند .

بعد از زوال آثوریها مصریها تا چندی شام را اشغال نمودند مگر بخت النصر دوم بابلی سلطنت خود را استحکام داده بار دوم شام را تحت تسلط سلطنت کده در آورد .

بعد از سقوط سلطنت کده از طرف کوروش هخامنشی در سنه ۵۳۸ شام زیر اثر سلطنت ایرانی درآمده ستراپی پنجم را تشکیل داد - فینیقیها در بحریه ایران سهم بزرگی داشتند .

اسکندر مقدونی بعد از جنگ اسوس (۳۳۳ ق م) در شام داخل شده لیکن شهر ساحلی (تائیر) اجازه دخول در شهر را نداد سکندر بمحاصره پرداخته بعد از جنگ هفت ماهه (تائیر) را فتح کرده هشت هزار نفر اهالی آنجا را قتل و می هزار نفر را بطور غلام فروختند .

بعد از فتح اسکندر شام فیابین سیلوکس (شاه شام و ایران) و پتولمی (شاه مصر) متنازع فیه بود حتی بالاخره سیلوکس آنرا گرفت - دودمان سیلوکس بعد از وفات انتیاکس چهارم (۱۶۴ ق م) روبه زوال نهاد چنانچه شهرهای ساحلی شام آزاد گشتند (و در سنه ۸۳ و سنه ۶۹ ق م) پادشاه ارمنیه شام را اشغال نمود .

در (۶۴ ق م) قوماندان عسکر روم یعنی پومپی شام را فتح کرد و شام يك ایالت رومی شناخته شد و بعد از تقسیم سلطنت وسیعه روم در دو شاهنشاهی (شاهنشاهی مغربی و شاهنشاهی مشرقی) شام در سهم شاهنشاهی مشرقی روم داخل شد .

ساسانیها در عهد پرویز (یعنی خسرو دوم) (۵۹۰ - ۶۲۸ میلادی) با سلطنت روم جنگ نموده و تا به قسطنطنیه رسیده و شام را اشغال و در سنه ۶۱۱ میلادی انطاکیه و در سنه ۶۱۳ میلادی دمشق ، در سنه ۶۱۴ فلسطین و در سنه ۶۱۹ مصر را فتح کرد . اما این فتوحات کم دوام بوده و شاهنشاه هرقل در سنه ۶۱۰ میلادی بر تخت نشسته محاربات را خلاف ساسانیهای ایران شروع نموده شامات را پس گرفت - در قرن هفتم میلادی اسلام ظهور نموده و در عهد خلافت حضرت عمر رضی الله تعالی عنه دمشق در سنه ۶۳۵ میلادی بدست مسلمانین فتح شد و در جنگ فیصله کن و بزرگ یرموک (ماه اگست سنه ۶۳۶ میلادی) فوج هرقل شکست فاحش یافته و شام به تصرف مسلمین آمد .

بعد از خلفای راشدین رض دمشق دار الخلافه امیر معاویه رض قرار داده شد گویا شام مرکز خلافت بنی امیه تا سقوط آنها بود - در اثنای خلافت امیر معاویه در سال ۶۷۰ میلادی پیشرفت مشهور عقبه بن نافع و تاسیس شهر قیروان بوقوع پیوست - و کابل ، سجستان ، مکه دان و قندهار در خلافت اسلامیه داخل شد - در زمان خلافت بنی امیه در دمشق غازیان اسلام فتوحات زیاد نمودند بعد از خاتمه و سقوط خلافت بنی امیه در (۷۵۰ میلادی) مرکز خلافت از شام به عراق عرب منتقل و شام یکی از ایالتهای بنی عباسیه بود ، خلافت بنی عباسیه از سنه ۱۷۵۰ الی سنه ۱۲۵۸ میلادی دوام نمود . درین زمان در شامات تبدلات زیاد بظهور

رسید - زنگی شاه موصل قریب سنه ۱۱۴۰ میلادی شام شمالی را فتح کرد و فرزند نجیب و دیندار او نورالدین زنگی، شام و غیره را مفتوح و خلاف نصاری و محاربات صلیبی جهاد نموده مصر را نیز فتح کرد، نورالدین زنگی در سنه ۱۱۷۴ فوت شد و سلطان صلاح الدین کبیر شام و فلسطین و مصر را قبض کرد.

در سنه ۱۲۶۰ عسکر هلاکو خان بعد از فتح و تخریب بغداد سلطنت الناصر را مغلوب نموده شامات را تباہ کرد اما شاهان مملوک بحری مصر مغلها را شکست داده شامات را در تصرف خود آوردند.

تیمور در سنه ۱۴۰۰ رؤسای شامرا نزدیک حاب شکست داده شام را گرفت اما بعد از وفاتش شام بار دیگر در حیطه اقتدار مصریها درآمد.

در سنه ۱۵۱۶ میلادی ترکان عثمانی به نبط شام را از ممالك مصر قبض نمود بلکه خود مصر را هم بگرفتند.

از آن زمان تا سنه ۱۹۱۸ میلادی شام تحت تصرف ترکان بود که جنگ عمومی برپا شده شام زیر اثر اتحادیون فاتح یعنی (فرانسه، و برطانیه و غیره) درآمد بعد از مباحثه و کشاکش زیاد قطعه شام بفرانسه تعلق گرفت یعنی ساحل آن را سا زیر حایه فرانسه و داخل شام به امیر فیصل مرحوم (شاه عراق عرب) زیر حایه فرانسه داده شد، لیکن عربهای وطن پرست این اقدامات را بنظر استحسان ندیده آزادی مکمل خود را خواہش نمودند و در نتیجه فرانس لشکرکشی نموده دمشق را گرفت و امیر فیصل فرار نمود و کل شام را سا تحت کنترل فرانسه درآمد.

فرانسه در شامات ایالتهای خورد خورد ساخته اتحاد و یکرنگی ملت را پراکنده نمود و اهالی آن دیار خلاف این رفتار فرانسه احتجاج و مظاهرات نموده میروند حال سیریا و لبنان (درین ناحیه عده نصاری زیاد است) دو ایالت جدا گانه و مستقل است اما تحت انتداب فرانسه میباشد.

شرق اردن

شرق اردن مملکت کوچکی است که بشمال آن سوریه، بشرق عراق و نجد، بجنوب حجاز و بغرب آن فلسطین است.

مساحت آن عبارت از ۱۶۲۲۰ مربع کیلومتر و نفوس آن ۲۶۰۰۰۰ نفر می باشد که نود فیصد آن مسلم و باقی عرب متنصره و نصف بدوی می باشند.

در قرن اول مسیحی در این مملکت مراکز مهم تمدن یونانی و رومی بودند و آثار بیت خانه های آنها تاحال در عمان و جراث و ام القیس موجود است، بعده جزو دولت بنو غسان گردید در سنه ۶۳۷ قوای اسلامی تحت قیادت ابوعبیده (رض) آنرا فتح نمود از آن تاریخ تا آخر جنگ عمومی تاریخ این دیار جزو تاریخ ولایت شام میباشد در سنه ۱۹۱۸ از دولت عثمانیه مجزا گردیده چند روزه جزو سلطنت شریفیه گردید که تحت اثر فیصل بن حسین در دمشق شناخته می شد.

چون در سنه ۱۹۲۰ قشون فرانسه بر سوریه قابض گردید فیصل را برطرف نمودند بعد از آن این دیار چندی تحت اداره انگلیسها ماند، در اوائل سنه ۱۹۲۱ شریف عبدالله پسر دوم شریف حسین بایک عده قوا بغرض تعرض بر سوریه وارد معات گردید انگلیسها او را امیر مستقل ماورای اردن قرار داده ازین اراده باز داشتند ولی چون قبیله عدوان در سنه ۱۹۲۳ از حکومت امیر عبدالله سرکشی نمود در ابتدای سنه ۱۹۲۴ انگلیسها رسماً امیر مذکور را برقرار داشتند ولی اصلاً بقسم مستعمرات خود شان اداره مینمودند

در سنه ۱۹۲۷ با امیر عبدالله چنان معاهده نمودند که در حقیقت اثری از استقلال داخلی باقی نمانده و یک مجلس ملی تشکیل یافت که قرار اصول اساسی حکومت امیر عبدالله را تحت تنقید گرفته می توانست ولی این اساس بمقابل حکومت برطانوی قطعاً بی اثر بود - اهالی از این معاهده تا حال ناراض می باشند . مرکز حکومت شهر عمان است .

عدن

عدن نام يك بندرگاه و علاقه است که به منتهای جنوب مغربی عرب واقع است ، مساحت آن عبارت از ۱۹۴۰۰۰ مربع کیلومتر و اهالی ۵۵۱۰۰۰ نفوس میباشد از زمانه های قدیم این بندرگاه مابین یورپ و آسیا اهمیت تجارتی داشت، یونانیها آنرا می شناختند و رومیها آنرا قریب سنه ۲۴ قبل از میلاد اشغال نموده بودند . البوکرک پر تگیزی در سنه ۱۵۱۳ بران حمله نموده بود اما هزیمت یافته بطرف هندوستان رفت .

ترکان عثمانی در سنه ۱۵۳۸ آنرا بتصرف خود آوردند در قرن مابعد آن بواسطه ضعف حکومت ترکیه سلطان صنعا بر عدن استیلا یافته تا ۱۷۳۵ حکمرانی کرد حتی شیخ الاحج یوغ اطاعت صنعا را انداخته عدن را مستقل نمود و از نسل او سلطانهای مستقل در آن حکمرانی می کردند .

در سنه ۱۸۳۹ دولت برطانیه آنرا اشغال نموده و تجارت فیما بین یورپ و آسیا باز رونق و فروغ پیدا کرد در سنه ۱۸۵۷ دولت مذکور جزیره پاریم را نیز به عدن الحاق نمود .

در سنوات ۱۹۰۲ ، ۱۹۰۴ ، ۱۹۰۵ ، ۱۹۱۴ فیما بین سلطنت عثمانی و برطانیه بقرار معاهده حد بخشی آن معین کرده شد ، بدوران حرب عمومی عسکر ترکی بر آن حمله آورده (لاحج) (و شیخ عثمان) را اشغال کردند ، لیکن بعد از اختتام جنگ ترکها آنرا واگذار شدند .

بدو آن عدن تحت اداره و نظم حکومت بمبئی بوده و در حدود حکومت برطانیه شمرده میشد ، بدوران جنگ عمومی تحت اداره هائی کمشنر مصر در آمد ، در سنه ۱۹۲۰ راساً تحت انتظام وزارت خارجه برطانیه داخل گردید در سنه ۱۹۲۱ به دفتر مستملکات تعلق گرفت حالا يك مستملکه برطانوی شناخته شده راساً بحکومت برطانیه مربوط میباشد و با هندوستان هیچ رابطه ندارد البته از سنه ۱۹۲۷ حکومت هند مصارف جنگی و سیاسی عدن را کاملاً پرداخته بود و بعد از آن يك ثلث مصارف را پرداخته خواهد رفت .

عراق

مملکت شاهی عراق دارای ۹۷۷ ر ۳۷۰ مربع کیلومتر مساحت و ۳۰۰ ر ۸۴۹ نفر نفوس است .

درازمه قبل از تاریخ در جنوب عراق نزدیک اریفوقومی بوده که بعض حیوانات امروزی را اهلی کرده و زراعت را یاد گرفته بودند و بواسطه داسهای کلی فصلها را درو میکردند .

از حفريات منظم معلوم شده که قدیمترین اهالی مملکت عراق در ازمه تاریخی سومیریهای باشند و منکشف شده که سومیریها در حدود (۴۰۰۰) ق ، م تهذیب خوبی را نایل شده بوند ، اولین شاه سومیری که حکومت خود را تاجحیره روم وسعت داده بود لوگل رکیزی Logel Rekizi نام پادشاه ایرج بود در (۲۷۷۵ - ۲۷۵۰ ق ، م) - سومیریها يك رقم تحریر داشتند که حالا بخواندن آن موفق شده اند

شهر بغداد



سومیرها سرهای خود را می تراشیدند، لباس پشم را در بر می کردند، مزرعه خود را بواسطه جویها آب میدادند، آنها مواشی، گوسفند و بز داشتند اما از اسب واقف نبودند - آنها فیما بین خود محاربات میکردند، تهدیب و تمدن، خط و جهاز را نمی دانستند و غیره را در عرصه چهار هزار سال ترقی و نمو دادند آثار تجارت و توطن گرایی آنها در هند شمال مغربی از حفاریات منکشف شده است احتمال میرود که آنها از راه بحر به هندوستان رسیده باشند.

طرف مغرب این مسکن سومیرها، قبایل چادر نشین سامی بوده تاقرنهای دراز به همراه سومیرها تجارت و محاربات میکردند بالاخره يك فايده بزرگ آنها را متحد ساخته و سومیرها را فتح کرده سلطنت سامی را از خلیج فارس الی بحیره روم توسیع داد (۷۵۰ ق م) این سامی ها را ما بنام اکدیه یاد و سلطنت سارگون اول را سومیری اکدی موسوم میکنیم - اکدیه تا ۲۰۰ سال به سلطنت دوام کردند - از عهد اکدیه الی قرن چهارم و سوم ق م سامی ها خط میخی سوماریها را اختیار و زبان سومیری را زبان علمی خود قرار داده بودند.

بعد عیلامی ها از طرف مشرق و عموریه ها از مغرب به سلطنت اکدی هجوم آورده آنرا زیر فشار آوردند - مرکز عیلامی ها شهر شوش بوده آنها نه آریه و نه سامی نژادی باشند، عموریه ها همقوم حضرت ابراهیم علیه السلام بودند، بالاخره بعد از محاربات صد ساله عیلامی ها بر کل عراق عرب استیلا و غلبه نمودند و شاه بزرگ آنها حورابی (۲۱۰۰ ق م) سلطنت اولی بابل را تاسیس نمود.

بعد از صد سال چادر نشینان تازه دیگر موسوم به کاسی ها Casies از مشرق به بابل حملات برده و پادشاه خود را به بابل نشان داده عراده جنگی و اسب را ترویج دادند.

هنوز سامی های عرب بالای سومیرها غلبه نکرده بودند که بردجله علیا يك قبیله سامی دیگر یعنی آئوریها شهرها را بنا کردند و مهمترین شهرهای آسور و نینوا بوده - آنها با شراکت هتیت ها بطرف مغرب غارت می بردند - سارگون اول آنها را فتح کرده بود اما چندی بعد مستقل شدند - شاه میتانی پای تخت آنرا یعنی نینوا را تا يك عرصه اشغال نموده بود - آنها خلاف بابل به همراه مصریها سازو باز داشته از آنها مبلغ میگرفتند - و درین آوان آهسته آهسته فن حرب را ترقی زیاد داده استعمال عراده جنگی و اسب را یاد گرفته اولاً هتیت را مغلوب نمودند و ثانیاً زیر قیادت تکلث هائی اسیر اول Tiglas Hai بابل را فتح کردند (۱۱۰۰ ق م) چون در عراق جنوبی سنگ نبود و نیست، بابل را شهر خشتی سامی ها و نینوا را که در کوه ها واقع است شهر سنگی شامی ها مینامیم - پس تاقرنهای دراز فیما بین نینوا و بابل حکومت و سلطه بنوبت رد و بدل می شد.

و چون يك قوم دیگر سامی یعنی آرامی ها که شهر مهم آنها دمشق بوده و شامی های امروزی احفاد آنها می باشند - اقتدار و قوت پیدا کرده بودند لهذا آئوری ها تا چهار قرن طرف مصر و غرب پیشرفت نموده نتوانستند - بالاخره در سنه ۷۴۵ ق م تکلث هائی اسیر سوم بابل را فتح کرده سلطنت جدید آئوری را تاسیس نموده فلسطین و شامات را فتح کرد، بعد از وفاتش سارگون دوم از پسر تکلث سلطنت را غصب نموده پادشاه شد و یهودیهای فلسطین را در سنه ۷۲۱ ق م در میدیا اخراج و تبعید نمود، اروپائیها همین یهودیها را « قبیله ده گانه گمشده » می نامند - پسر اوسینا شرب به مصر حمله برد اما عسکر او از و ما کاملاً متعطل گردید و این واقعه در توریت هم مذکور است - بهر حال نواسه او یعنی اسوربانی پال مصر سفلی را فتح کرد.

سلطنت آئوری بعد از سارگون دوم (۱۵۰) سال دوام نمود حتی يك قوم سامی دیگر موسوم به کدائیها با مصادد و قوم آریائی یعنی میدیها و فارسی ها در سال ۶۰۶ ق م نینوا را اشغال و بابل را پای تخت

خود قرارداد داده سلطنت دومین بابل را تاسیس نمود اما نینوا در سلطنت میدیا شامل شد. پادشاه آنها کانی آکساریز بود. این سلطنت کلدیه تا سنه ۵۳۸ ق. م دوام کرد. بخت نصر دوم (کیر) در سنه ۵۸۶ ق. م فلسطین را فتح و خراب نموده عده کثیر یهودیها را به بابل آورد.

کوروش کبیر در سنه ۵۳۹ ق. م بابل را از نابونیداس فتح کرده سلطنت بزرگ هخامنشی را تاسیس نموده بر سامی ها تعرض و استیلا جسته حکومت آریائی را بر پا کرد. در سنه ۵۵۰ ق. م نینوا را فتح کرد، باید دانست که تحریر و طریق حکومت و اسلحه آهنی مرهوت اختراع اهالی عراق عرب می باشد.

سلطنت هخامنشی تا ۳۳۱ ق. م دوام کرد، حتی اسکندر مقدونی در ۳۳۱ ق. م نزدیک نینوا افواج ایرانی ها را شکست داده بعد ها بابل را اشغال نمود بعد بطرف شوسه که پای تخت عیلامی ها و بعد مرکز حکومت هخامنشی ها بود پیشرفت آنجا را نموده فتح کرد.

اسکندر در ۳۲۳ ق. م در شوسه بمرد، بعد از مرگش سلطنت وسیع او فیمابین جرنیلهای او منقسم گردیده عراق به سهم سیلو کس نکاتور رسیده اما سیلو کس شوسه و بابل را گذاشته انطاکیه را پای تخت خود قرار داد و تا ظهور سلطنت روم و سلطنت پارتی ها در تصرف سلاله سیلو کس ماند، محض يك دفعه شاه مصر پتولمی سوم در ۲۴۵ آنرا تا عرصه قبلی اشغال نموده بود.

در عهد مهرداد دوم Mehr dad II پادشاه پارتی ها عراق عرب و فیمابین النهرین يك ایالت معین پارتی ها بود، بعد از آن رومی ها تعرض نموده عراق گاهی ایالت پارتی ها و گاهی ایالت رومی ها شمرده میشد گویا عراق عرب بدوران این دو سلطنت صحنه محاربت بود.

بعد از سقوط پارتی ها در ایران ساسانی ها خروج نموده بر سلطنت پارتی متصرف شده عراق عرب را اشغال نمودند و عراق بدستور سابق فیمابین ساسانی ها و رومی ها مملکت متنازع فیه بود، افواج رومی و ایرانی بکرات ازین مملکت عبور و مرور میکردند حتی ویلاریان شهنشاه روم از دست شاه پور دوم ساسانی هزیمت خورده ساسانی ها فتوحات خود را تا به سیر یا ادامه دادند (۲۶۰ میلادی) بالاخره عربهای تدمور (پامیری در يك نخلستان در بین نینوا و شام شهر قدیم بوده که از يك معبر تجاری ترقی کرده تا به شهر بزرگ رسید) از ضعف رومی ها استفاده نموده شاه پور اول را شکست داده عراق را گرفتند و تا ده سال بر آن حکمرانی کردند. اوریلیان شهنشاه روم تدموریه را برانداخته و عراق عرب را مکرراً تصرف نمود. بهر حال ساسانی ها و رومی ها از ضعف یکدیگر استفاده نموده بنوبت عراق را اشغال میکردند، بالاخره در اثنا تیکه خسرو دوم و هرقل پادشاه روم با هم نبرد آزما بودند (اولاً ایرانیها غالب شده بودند لیکن بعدها هرقل فاتح شده بود) عربها در عهد مقدس اسلام از جزیره عرب خروج نموده سلطنت هرقل و سلطنت یزدجرد ساسانی را برانداختند.

عراق عرب در سنه ۶۳۹ میلادی در عهد خلافت حضرت عمر رضی الله عنه بدست سعد بن ابی وقاص (رض) مفتوح گردید و علاقه سامی که آریه ها غصب نموده بودند بآریه ها تعلق گرفت. و سامی های عراق عرب بسرعت دین مقدس اسلام را قبول کردند و دین مسیحی و زردشتی روبه زوال نهاد.

بصره و کوفه در عهد خلافت حضرت فاروق اعظم فتح رض و بعد دو قشله عسکری بنا نهاده شد بعد خلافت بنی امیه از سنه ۶۶۱ میلادی در آنجا شروع گردید. عبدالله بن زبیر (رض) بعد از وفات حضرت معاویه (رض) در مکه معظمه اعلان خلافت نمود، مختار در اول مرحله به همراه ابن زبیر اتحاد نموده بود اما بعد جدا شده بطرف کوفه رفت بامداد فارسی ها کوفه را اشغال نموده مستقل شد و ابن زیاد حاکم آن دیار مجبور به فرار

شد. ابن زبیر این وضعیت را مشاهده نموده برادر خود مصعب را احاطه بصره نامه میداد و او را بر علیه مختار اعزام نمود در نتیجه مختار در جنگ کشته شد و عراق در حدود خلافت ابن زبیر شامل گشت.

عبدالملك بن مروان در سنه ۶۹۱ میلادی عراق را فتح کرد و مصعب بن زبیر از دست اهل تشیع بقتل رسید عبدالملك حکومت ایالت عراق را به حجاج بن یوسف تفویض نمود، حجاج بغاوت خارجی ها و ابن اشعث را فرو نشاند، در عهد خلافت بنی امیه عراق مرکز سازش طرفداران بنی هاشم بوده و ایرانی ها سعی داشتند که بوسیله ممکنه اقتدار عربها را بر اندازند - بالاخره ابو مسلم خراسانی بطرفداری بنی هاشم خروج نموده نزدیک زاب معاون دریای دجله آخرین خلیفه بنی امیه یعنی مروان دوم را شکست داد (۷۰۰ میلادی) و از بنی هاشم ابوالعباس از اولاد حضرت عباس اولین خلیفه بنی عباسیه در کوفه جلوس نمود.

بعد از خلیفه منصور، ابو مسلم را بحیله به کوفه خواسته بکشت و بغداد را بر کنار دجله پای تخت خود مقرر نمود - بعضی اشخاص اولاً طرفداری بنی هاشم را شعار خود ساخته بنی امیه را بر انداخته بودند بعد آنها طرفداری بنی فاطمه رض را بهانه تراشیده بر علیه بنی عباسیه شور شها پیا کردند - منصور به فرو نشاندن این چنین بغاوت ها موفق شد اما در تمام عهد خلافت بنی عباسیه طرفداران بنی فاطمه سازش ها و شورش ها بر پا نموده رفتند - و فیما بین اهل سنت و الجماعت و اهل تشیع سخت اختلافات بود که بالاخره باعث تباهی خلافت گردید.

از خاندان بنی عباسیه ۳۷ خلیفه یکی بعدی دیگری خلافت کردند، اما اقتدار و قوت حقیقی خلفای عباسیه تا زمان ابواسحاق معتصم بالله پسر هارون الرشید بود - درین زمان یعنی تا ۱۲۵۸ میلادی ترکهاییکه معتصم بالله آنها را در فوج خود ملازم گرفته بود برضای خود خلیفه را منتخب یا خلع میکردند یا بقتل میرسانیدند - من حیث علوم و فنون دوره عباسیه متنورترین دوره اسلام است و عراق عرب مرکز علم و فضل بود، اما در اواخر اقتدار بنی عباسیه فقط در عراق محدود به دجله و فرات ماند.

شهرزاده آل بویه در ۹۴۵ در عهد خلافت المستکفی بالله به بغداد داخل شده و خلیفه او را به لقب پادشاه ملقب ساخت - بعد ازین اقتدار حقیقی سلطنت بدست آل بویه بوده و آنها خلیفه را محض يك هیولا ساخته بودند.

سلاجقه در آسیای وسطی بر سر اقتدار آمده ایران و خراسان را فتح کرده زیر قیادت طغرل در عهد خلیفه قائم بامر الله در سنه ۱۰۵۵ داخل بغداد شده دودمان بویه را محو و اقتدار خلیفه را بر حال کردند - و خلیفه قائم بامر الله طغرل را لقب « سلطان المشرق والمغرب » عطا نمود - سلاجقه سلطنت خلیفه را بسیار وسعت دادند چنانچه آسیای صغیر، شام، یمن، مکه و مدینه را در حدود خلافت در آورده - اما بعد از وفات ملکشاه سلجوقی سلطنت آنها رو بزوال نهاد و از اقتدار خلفا بکاست.

خلیفه متسکفی توانست که وقار خلافت را بقوت بازوی خود در عراق زنده سازد، در عهد خلافت او زنگی شاه موصل اکثر عراق عرب را اشغال نمود و پسرش نورالدین زنگی بر خلاف نصاری در محاربات صلیبی فاتح برآمد - در وقت صلاح الدین کبیر قسمتی از عراق عرب جزو سلطنت مصری ایوبی بود.

در سنه ۱۲۵۸ هلاکوخان بایغا و سازش محمد بن علقمی فارسی، بغداد را فتح کرده و نذر آتش نموده تمام اهالی را قتل عام و کتابخانه های بزرگ و قیمته دار بغداد را تباہ کرد، گویا خلافت عباسیه تا ۵۲۴ سال دوام نموده از دست هلاکوخان محو و نابود شد.

بعد ازین ویرانی و تباهی در عراق تا ۸۰ سال بد نظمی و بد امنی بوده و عراق در حدود سلطنت

ایلخانیها (سلالة هلاکوخان) شامل بود - بعد از سقوط ایلخانیها یکی از و ساي مغلي حسن جلائر بر عراق عرب تصرف نموده بغداد را پایتخت خود قرار داد، تیمور کورگانی در ۱۳۹۳ بغداد را اشغال نمود لیکن جلائر حاکم تیموری را شکست داده اخراج نمود - تیمور دوباره در ۱۴۰۱ باز بغداد را گرفته در آن خرابی وارد نمود - بعد از وفات تیمور ترکمانیهای قره قیوتلی و آق قیوتلی، علی الترتیب بر عراق مسلط شدند مرکز آق قیوتلی در دیاربکر بوده رئیس آنها اوزون حسین عراق و جزیره را فتح کرد لیکن درین ادوار ترکان عثمانی از طرف غرب و صفویهای ایرانی در شرق بطرف عراق عرب متوجه شدند حتی لالا حسین جرنیل شاه اسمعیل صفوی در سنه ۱۵۰۸ بغداد و موصل را اشغال نموده در حدود سلطنت ایرانی شامل نمود.

بعد ازین عراق مثل سابق فیما بین ایران و ترکان مملکتی بود متنازع فیہ حتی سلطان سلیم خلاف صفوی ها اعلان حرب نموده شاه اسمعیل را شکست داده موصل، عمادیه، رقه و ترک اردلان را در سنه ۱۵۱۲ میلادی گرفت - در ۱۵۳۴ سلیمان باشکوه بغداد را اشغال کرد و بصره دوازده سال بعد بتصرف ترکها افتاد - اما ترکها از باعث حملات و تعرضات ایرانیها در عراق تنظیمات و ترتیبات لازمه حکومت نتوانستند - ایرانیها بواسطه سازش بغدادیها در سنه ۱۶۳۲ میلادی بغداد را گرفتند مگر ۱۵ سال بعد مراد چهارم بغداد را مکرراً در حدود سلطنت عثمانیه شامل نمود - و تا ۱۷۲۴ فیما بین ایران و روم صلح بود حتی نادرقلی خروج نموده با ترکان آویخت لیکن طویال عثمان پاشا محاربه شدیدی با او نموده و جنگ بی فیصله ماند - همچنان جنگهای ۱۸۲۰ - ۱۸۲۳ بی فیصله بودند.

قبائل عرب هم از ۱۶۳۸ الی وسط قرن نوزدهم وقتاً فوقتاً خلاف ترکها جنگ میکردند و در وقت ضعف ترکان پاشاهای غلام بطور حکام آزاد حکمرانی میکردند لیکن گاهی یوغ اطاعت خلیفه عثمانی را از دوش خود نیانداختند.

بالاخره از سنه ۱۸۳۱ تسلط ترکان عثمانی محکم تر شده و بغاوتهای گردها را فرو نشاندند و عربها را به خرید زمین ها ترغیب دادند تا آنها به زراعت مصروف بوده دیگر سرکشی و شورش نکنند، مدحت پاشا کارهای اصلاح و تنظیم را شروع کرد (۱۸۶۹-۱۸۷۲) شرکت جهازرانی ترکی در دریا های عراق تاسیس شد، جرمنی ها در سنه ۱۸۹۹ برای تعمیر و تمديد خط آهن در عراق مراعات حاصل کردند و تا به آغاز جنگ عمومی از بغداد الی سامره خط آهن تمديد شده بود.

در اثنای حرب عمومی انگلیسها به علاقه بین النهرین حمله برده بصره را اشغال کرده پیشرفت نمود لیکن در قضاة المارۃ ترکها تحت قیادت نورالدین پاشا فوج انگلیس را محصور و باوجود مساعی و قربانیهای زیاده از طرف انگلیسها برای استخلاص آن، قشون مذکور را اسیر نمودند، گویا انگلیسها برای استخلاص فرقه مذکور ۲۴ هزار عسکر را قربان نموده بودند اما نتوانستند کاری بکنند - لیکن چندی بعد عربها از باعث تحریکات خارجه خلاف ترکها شده و عسکر انگلیس تحت قیادت جرنیل مادکل عراق عرب را تا به موصل اشغال نمود.

چون فرانس و انگلیس متحداً به این اعلان که عربها بعد از خاتمه جنگ مستقل و آزاد خواهند شد آنها را خلاف ترکها آماده کرده بودند لهذا عربها بعد از اتمام جنگ و معاهده صلح استقلال خود را خواستند - انگلیس ها امیر فیصل را پادشاه عراق عرب ساخته این علاقه بین النهرین را تحت انتداب خود گرفت - عربها برای اخراج انگلیس چندین بار شورشها کردند اما مغلوب شدند مگر نتیجه این شد که برطانیه با امیر فیصل شاه عراق عرب معاهده نموده رضامند گردید که فوج انگلیس از بغداد خواهد برآمد و عراق عرب به مجلس بین الملل داخل خواهد شد.

بدوران غلبه برطانیه راجع بحد بندی عراق در نزدیک موصل به همراه ترکیه (بعد از اینکه مصطفی کمال پاشا یونانیها را هزیمت فاحش داده بود) و طرف جنوب مغرب به همراه ابن سعود چیزی مناقشه و منازعه بود اما معاهده ها انعقاد یافته هر سه دولت مابین خود موافقت نموده اند .

امیر فیصل شاه متوفای عراق در دوران حکومت خود برای تنظیم و ترقی کشور و حصول استقلال کامله آن خیلی مساعی بکار میبرد و برای این مملکت يك پادشاه جدی و صادق شمرده میشد اخیراً در سال ۱۳۱۲ شمسی در سوئزرلند وفات گردیده ملت ، امیر غازی پسر شاه موصوف را بسلطنت انتخاب نمودند .

خاندان شاهی عراق مسلمان (سنی) مذهب و امیر غازی شاه موجوده بتاريخ ۲۱ مارس ۱۹۱۲ تولد یافته بتاريخ ۱۶ سبيله ۱۹۳۲ میلادی پس از وفات پدرش امیر فیصل بعمر ۲۱ سالگی بسلطنت رسید بعد از جلوس با دختر عمش ازدواج نمود .

عرب

جزیره تمامی عرب که در قسمت جنوب غربی آسیا وقوع دارد شرقاً به خلیج فارس و بحر عمان جنوباً به بحیره عرب غرباً به بحر قلزم و نهر سوین شمالاً به شام و عراق محاط گردیده است رقبه آن ۱۳ صد هزار مربع میل و از آنجمله بالغ بر پنجصد هزار مربع میل ریگستان غیر مسکون را تشکیل داده است مشهورترین صحرای آن الربع الخالی یا الدنیا است که رقبه آن از دوهصد و پنجاه هزار مربع میل متجاوز و در مرکز عرب قسمت جنوبی آن وقوع دارد در شمال این صحرای بزرگ بکنار خلیج فارس صوبه بحرین افتاده است و در حصه شمال مشرق آن ایالت عمان واقع و مرکز آن شهر مسقط است در جنوب مشرق آن ایالت حضر موت و مهره وقوع دارد به طرف غرب آن صوبه مشهور یمن است که شهر مشهور آن صنعاء است از بنادر مهمه آن عدن و حدیده میباشند در مغرب ربع خالی و بطرف شمال یمن صوبه نجران وقوع دارد .

در آغاز دین مقدس اسلام این ایالات مسکن عرب متنصره ، یهود و اکثریه مشرکین عرب بوده در شمال نجران ایالت عمر است که تا بحر قلزم وسعت دارد در شمال عسیر علاقه مختصری با سم عقامه واقع و حصه جنوبی حجاز را تشکیل میدهد در شمال ربع خالی ایالت نجد وقوع دارد که از طرف مغرب بایالت حجاز و در شرق بصوبه بحرین و در شمال بصحرای شام محاط گردیده گوشه جنوب مشرق نجد را یمامه می نامند شهرهای مشهور حجاز مکه معظمه ، مدینه منوره و بندرگاه جدّه است در شمال مشرق نجد ایالت کوچک با سم خیبر وقوع دارد ، در داخل ربع خالی مابین حضر موت و یمامه الاحقاف علاقه غیر آباد که در سابق مسکن قوم عاد را تشکیل میداده است وقوع دارد . درین ملک وسیع هیچ يك دریائی که قابل ذکر باشد وجود ندارد قریباً بیشتر حصص آنرا اراضی خشك و ریگستان فرا گرفته اراضی متصل بحر تا درجه قابل سکونت است . قلت آب در مرکز آن سکونت انسانرا دشوار بلکه تا حدی ناممکن ساخته است در اکثر حصص آن . کوههای کم ارتفاع که هیچ يك سرسبز نیست وقوع دارد ایالت های یمن و حجاز از حیث زرخیزی درجه اول را احراز کرده است حرارت این دو جای نهایت شدید و باد گرم آن (سموم) برای حیوانات نهایت مضر است ، قسمت مهم کارهای حمل و نقل درین مملکت بواسطه شتر انجام داده می شود ، پیداوار مهم آن خرما است و گذاره بیشتر اهالی بر شیر شتر و خرما می باشد .

این قسمت بوجود دشتهای وسیع و قلت آب در حیات اعراب و حرص و آرزو آوری اثر مهمی داشته است چه از يك طرف حریت پسندی جبلی ملت و از طرف دیگر وضعیت طبیعی آن برای حمله آوری اشکالات مهمی را پیش میکرده و احیاناً اگر عرب در تحت تصرف یکی از حمله آوری می آمد این صورت دیری دوام

نکرده اداره عرب برای آنان اشکالات خاصی را وارد می نمود و همین تنها دلیلی است که عرب مورد تاخت و تاز خارجیها کمتر واقع گشته است.

اقوام قدیم : عربها اولادهٔ سام ابن نوح (ع) میباشند مورخین عرب آنها را در سه دسته تقسیم کرده اند.

۱- عرب بایدیه ۲- عرب عاربة ۳- عرب مستعربه و بعضی دستهٔ دوم و سوم را مخلوط نموده در عرب بایدیه و عرب باقیه تقسیم نموده اند. مراد از عرب بایدیه اقوامی است که از آنها حاضرأ جز نام چیزی باقی نمانده و مراد از عرب باقیه اقوامی است که عرب موجوده را تشکیل داده اند. دستهٔ دیگر از مورخین عربها را در چهار طبقه تقسیم کرده اند :

۱- عرب بایدیه یا عرب عاربة ۲- عرب مستعربه ۳- عرب تابعه ۴- عرب مستعجمه.

عرب بایدیه شامل قبائل مختلفه چون عاد، ثمود، عییل، عمالقه، جدس، الیم، جریم، حضر موت، حضور، عبد ضخم، وغیره بود که تمام آنها اولاد لا ذابن سام ابن حضرت نوح (ع) بودند.

در زمان سابق این اقوام جزیره نمای عرب را در تحت تصرف داشتند - احوال مفصل این اقوام در تاریخ موجود نیست ولی از آثار و تعمیرات شان که تا امروز در نجد و احقاف و حضر موت و یمن موجود است میتوان تا یک حدی بحالات تاریخی شان پی برد. مشهورترین این قبایل قبیلهٔ عاد است که در ارض احقاف سکونت داشتند. عاد ابن عوص ابن ارم ابن سام که این قبیله بنام او شهرت گرفته اولین شاه تاریخی عرب است. این شاه سه پسر داشت ۱- شداد ۲- شدید ۳- ارم و هر یک بعد از دیگری بر سر اقتدار آمده است. شداد در صحرای عدن مدینهٔ ارم را بنا نمود ولی امروز هیچ اثری از آن مشاهده نمیگردد.

حضرت هود (ع) که از قوم عاد بود برای هدایت این قوم مبعوث شد اما این قوم از سبب نشنیدن نصایح و اقوال این پیغمبر اخیرأ تباه و برباد گردید. خدای تعالی برای هدایت قوم ثمود حضرت صالح علیه السلام را مبعوث گردانید.

این طبقه از اولاد قحطان است، لسان شان در ابتدا عربی نبوده اما رفته رفته لسان عربی را از عرب بایدیه آموختند. قبایل قحطانی بدو حصه قسمت می شود : ۱- یمینه ۲- سبائیه در نسب شان علما اختلاف زیاد دارند بزعم بعضی این قوم از نسل قحطان ابن عا بر ابن شالخ ابن ارمخشد ابن سام ابن حضرت نوح (ع) بوده فالغ و یغطن که ذکر شان در تورات آمده برادرهای او بودند بعض دیگر درین فکر اند که معرب یقطن قحطان است. حزب دیگر او را پسر یمن ابن قبیدار ابن حضرت اسماعیل علیه السلام میگویند و قبائل مشهور شان از دی و حمیری است - قبائل از دی شهر سبا را بنا نمودند و ملکه بلقیس که معاصر حضرت سلیمان (ع) بود (اخیرأ خانمش نیز گردید) از همین قبیله بود.

قبایل دیگر این طایفه بهر کنج و کنار عرب منتشر شد (غسان) که بسرحد شام سکونت دارند ازین قبیله است، حکومت قحطانی ها در یمن تا قرن ۷ میلادی دوام نمود در ظهور اسلام این قوم اقتدار زیادی داشته و اکثر حصص عرب را استیلا نموده بودند.

مراد از آن بنو عدنان یا اولادهٔ حضرت اسمعیل (ع) میباشند - این قبائل عرب مستعربه : از خارج آمده بودند و بدین سبب آنها را عرب مستعربه یا عرب مخلوط خطاب می نمودند لسان مادری حضرت ابراهیم (ع) عربی نبوده در وقتیکه حضرت ابراهیم (ع) حضرت اسمعیل (ع) و والد محترمه شان (بی بی هاجر) را در شهر مکه معظمه گذاشتند آنها لسان عربی را از قبیله جرهم که یکی

از قبائل قحطانی بوده آموختند و بعد از آن عربی لسان آل اسمعیل گشت . عمر حضرت اسمعیل علیه السلام محض پانزده سال بود که والده شان فوت گردید ، حضرت اسمعیل (ع) اراده نمودند که بطرف شام مسافرت نمایند اما قبیله جرهم مانع گردیده و دختری از خانواده عمالقه را باو عقد نمودند چندی بعد حضرت ابراهیم (ع) بدانجا تشریف بردند و حسبالفرمایش شان حضرت اسمعیل (ع) حضرت سیده بنت مفاض ابن عمر که از قبیله جرهم بود تزویج نمود بعد ازان بقرار ارشاد الهی حضرت ابراهیم (ع) و حضرت اسمعیل (ع) خانه کعبه را تعمیر نمودند سپس حضرت ابراهیم (ع) بطرف شام رفتند و هر سال برای زیارت خانه کعبه تشریف می آوردند یکی از اولاده حضرت اسمعیل (ع) عدنان نام داشت اولاده این شخص از مشهورترین قبایل مستعربه بشمار میرفت از همین جهت است که این قبیله را بنوعدنان یا اسماعیلیه میگویند .

قبایل عدنانی: مشهورترین این قبایل ایاد ، ربیع و مفر بودند در قبیله کنانه - (شعبه قبیله مفر) شخصی بوده که به قهر ابن مالک یا قریش موسوم است .

از اولاده این شخص چند قبیله دیگر بوجود آمده که از آن جمله بنی سهم ، بنی محزوم ، بنی تیم ، بنی عدی بنی عبدالدار ، بنی زهره و بنی عبدمناف بسیار مشهورند .

عبدمناف چهار پسر داشت ، عبدشمس ، نوفل ، مطلب ، و هاشم حضرت سالار انبیا صلی الله علیه وسلم از اولاده هاشم بودند (حضرت محمد (ص) ابن عبدالله ، ابن عبدالمطلب ابن هاشم ، که پیغمبر اخیر الزمان و پیشوای ما مسلمانان میباشند) پسر عبدشمس امیه بوده که اولاده آن در تاریخ با اسم بنی امیه یاد میشوند .

قبل از رسول اکرم (ص) مملکت عرب از نقطه نظر تاریخی اهمیتی را حائز نبوده در جمله ممالک غیرمتدنه بشمار میرفت در بین اقوام این مملکت وحدت ملی یکقلم نیست و نابود بود و خانه جنگیها گشت و خون دگرکشی ، شراب خوری قمار و غیره افعال ناشایسته همیشه عربها را بوادی عدم و مذلت سوق میداد این وضعیت داخلی عرب موقع را برای همسایگان مساعد ساخته بهر طور و ذریعه که می توانستند يك قبیله را بر علیه دیگر قبیله می جنگانیدند .

در همین موقع خطرناك دوره جدید تاریخ عرب آغاز می شود یعنی حضرت رسول اکرم (ص) شروع به تبلیغ نموده دیری نمیگذرد که عربها بر خلاف آنچه بودند جامعه متدین و متمدن بی را تشکیل دادند معارف عربی زبان زد عام و خاص گردید قوه حربی شان به اندازه رسید که تنها به نجات ملت و مملکت خود اذ دست برد خارجیان اکتفا نکرده امپراطوری شرقی روم و ایران را نیز در حیطه تصرف خود درآوردند ملت مغلوب را در نتیجه این فتوحات دستگیری کرده آنها را از گودال جهالت و بدبختی کشیدند در دوره خلافت راشده که از ۶۳۲ تا ۶۶۱ ع یعنی تقریباً در عرصه ۳۰ سال تمام ایران تا مرحدات افغانستان ، شام ، مصر ، فلسطین و برقد فتح و ضمیمه دولت اسلامی گردید .

در دوره امویان که تقریباً (۹۰) سال طول کشید فتوحات اسلامی در شرق تا مرحدات کاشغر و ملتان و از جانب غرب تا رود لوا یعنی شمال غرب فرانسه وسعت یافت ، بطرف شمال مرحدات اسلامی تا کوههای قفقاز و بحیره اسود امتداد یافته بدینگونه در عرصه تخمیناً یکصد سال عربها يك امپراطوری بزرگی را تاسیس نمودند . و قتیکه خلافت بنی امیه بروی کار آمد عرب مرکزیت را از دست داده دمشق دارالخلافه قرار یافت . در عهد خلافت عباسیه بغداد دارالخلافه بود گویا عرب محض يك ایالت ماند .

دوره عباسیان را که از (۷۵۰ الی ۱۲۵۸ ع) طول کشید میتوان دوره ادبیات و علوم و فنون اسلامی نامید (یونیورسیتی ها) و دارالفنون های بزرگ اسلامی در هر گوشه ملک برپا گردید ولی بعد از صد سال ضعف داخلی در هر جانب آن و در نتیجه از اقتدار خلفه کاست . به عوض عرب ایرانیا اقتدار اداری و ترکها اقتدار نظامی را تحصیل کردند ، حتی مملکت عرب هم اکثر اوقات از اداره خلفای عباسی خارج بوده .

در قرن (۱۶) ترکان عثمانی عربستان را ضمیمه مملکت خویش نمودند چندی بعد یعنی در قرن (۱۷) یعنی ها شورش نموده مستقل گردیدند ولی در (۱۸۷۱) ترکان بار دیگر یمن را تسخیر نمودند.

در آخر قرن (۱۸) نجدی ها اقتدار زیادی در عربستان حاصل نمودند. (اما محمد علی پاشا والی مصر (در ابتدای قرن نوزدهم) بواسطه پسرش اسمعیل قوه آنها را مضحل نمود و تا چندی عربستان در تحت اداره همین شخص بوده اما در (۱۸۴۰) بواسطه واقعات شام محمد علی مجبوراً از عرب دست کشید و بدینگونه تا (۱۹۱۴) عرب در تحت اداره سلطان ترکیه بود.

در جنگ عمومی انگلیس بر علیه ترکان عثمانی عربها را طرفدار خود ساخت. اولاً با ابن سعود قرارداد را امضا نمودند (دسامبر ۱۹۱۵) پین سریرمی کاکس Sir Percy Cox نماینده انگلیس و ابن سعود - در جون (۱۹۱۶) شریف حسین ابن علی، امیر حجاز نیز بر علیه ترکان عثمانی داخل جنگ گردید و خود را شاه عرب اعلان کرد. این اعلان باعث تولید حسد ابن سعود گشت و در نتیجه آن یک جنگ طولانی در بین هردو در گرفت. انگلیس ابتداءً طرفدار شریف حسین بوده اقدامات شدید بر علیه ابن سعود نمود اما در ماه می ۱۹۱۹ قشون شریف حسین در تحت سرکردگی عبدالله شکست خورد و در (۱۹۲۱) سعودی ها خیبر و بعضی مقامات دیگر را بدست آوردند در (۱۹۲۲) سرحدات و تصرفات شان تا عمان یمن و سعت یافت. بالاخره در ماه اکتوبر ۱۹۲۵ شهر مکه بدست شان افتاد و در دسامبر (۱۹۲۵) ابن سعود داخل شهر مقدس گردیده در سال دیگر جده و مدینه را نیز تسخیر نمود و در ۸ جنوری (۱۹۲۶) ابن سعود اعلان شاهی نمود.

دول اروپائی میخواستند که عرب مابین شیخ های خورد خورد عرب تقسیم بوده همیشه پاشان و پراکنده باشند مگر سلطان عبدالعزیز بن عبدالرحمن آل سعود تقریباً کل عرب را فتح و شیخهای متعدد را مغلوب کرده عرب را یک وحدت ملی بخشیده است.

از چندی فیما بین ابن سعود و امام یحیی یمن مناقشه بوده حتی هر دو پادشاه در اثر تحریکات خارجه به جنگ داخل شده بودند لیکن در اوایل ماه جون سنه ۱۹۳۴ فیما بین آنها صلح منعقد شده است.

عربیة سعودیه

مؤسس مملکت که از اقوام عربی مسلمان تشکیل شده، سعود اول است که نواده او سعود دوم ابن عبدالعزیز وفات (۱۷۶۵) مذهب محمد ابن عبدالوهاب را که (در ۱۷۲۹ : ۱۷۸۷ زیست می نمود) قبول کرد و به این قسم ذریعه نامبرده امام حامی مذهب وهابی که در اواسط قرن (۱۸) توسط او تاسیس شده بود گردید.

پسر او موسوم به عبدالعزیز دوم ابن سعود و اخلاف او یک امپراطوری مرکزی عربی را تاسیس نمودند و مکه معظمه را در سنه ۱۸۰۳ و مدینه منوره را در سنه ۱۸۰۶ فتح کردند تا آنکه عبداللہ ابن مسعود بواسطه عسکر محمد علی، والی مصر مغلوب و بتاریخ ۱۷ دسمبر ۱۸۱۸ در استامبول محبوس گردید. حکومت نجد سر از نو بواسطه پسر عبداللہ ابن مسعود موسوم به ترکی ابن مسعود و خلف او فیصل ابن مسعود تاسیس یافت.

به اثر اختلافاتیکه فیما بین پسران فیصل یعنی عبداللہ سوم و سعود روی داد نجد سر از نو استقلال خود را یافته طعمه امیر ابن الرشید جبل الثمر گردید.

عبدالعزیز سوم در سنه (۱۹۰۱) الریاض را فتح کرده، حکومت و هابیون را در نجد دوباره برقرار نمود. ولی پنج مقامات ذیل را نیز فتح کرد: - (العصا) ۱۹۱۳ (عصیر علیا) ۱۹۱۰ (امیری جبل ثمر) ۱۹۲۱ (جبه)

۱۹۲۲ (مکه معظمه و مدینه منوره) ۱۹۲۴ و ۱۹۲۵ ، عصیر ۱۹۲۵ و ۱۹۲۶ - عبدالعزیز سوم بتاریخ ۸ جنوری ۱۹۲۶ شاه حجاز گردید و بعد از ماه جنوری سال ۱۹۲۷ شاه نجد و ملحقات آن شناخته شد. و بالاخره بتاریخ ۱۸ ستمبر ۱۹۳۲ لقب سلطان عربیه سعودیه را نیز حاصل نمود.

خاندان شاهی: شاه حاضر عبدالعزیز سوم در سنه ۱۸۸۲ تولد و در (۱۹۰۰) به سلطنت رسیده.

اولاد:

۱: ولیعهد: سعود ابن عبدالعزیز ابن سعود در سنه ۱۹۰۵ تولد شده حال نائب الحکومه نجد است.

۲: فیصل ابن عبدالعزیز ابن سعود در سنه ۱۹۰۷ به شهر مکه معظمه تولد گردیده است حال نائب الحکومه مکه است.

۳: محمد ابن عبدالعزیز ابن سعود در ۱۹۰۸ تولد شده.

۴: خالد ابن » » در ۱۹۱۱ »

عمان

عمان در اواخر قرن ۱۰ مسیحی از خلافت عباسیه مجزا گردیده است، و تاریخ زمانه های ماقبل آن جزو تاریخ ممالك عرب و در آن مذکور است.

در قرن یازده حکومت عمان به امامان خارجی که از قبیله بنو عضد بودند تعلق داشت یحضر ازین قبیله یکی بعد دیگری به امامت انتخاب گردیده اند، در سنه ۱۱۵۴ بنو نبهان بر بنو عضد غالب آمده طرز حکومت (امامت) را به سلطنت تبدیل نمودند، و ملوک این قبیله مدت دو نیم صد سال حکمرانی نموده، و درین مدت ملوک ایران دو دفعه به عمان تاختند اما شکست خوردند، ولی شاه جزیره هرمز ازین واقعات استفاده کرده یک حصه ساحلی اینسلکت را متصرف گردید. در سنه ۱۴۳۵ در اثر انقلاب، امامت خوارج بنی عضد دوباره برقرار گردید.

در سنه ۱۵۰۸ اهالی پرتگال تحت قیادت الو کرک جزیره هرمز را گرفته و ساحل شرقی عمان را نیز متصرف شدند، در سنه ۱۶۲۴ ناصر ابن مرشد که اصلاً از بنی (یعروب) بود امام انتخاب گردید و مرکز حکومت را از (نزد) به (رستاک) نقل داد، امام مذکور اول طوایف الملوکی داخلی را خاتمه داده بعد از آن به اخراج اهالی پرتگال پرداخت و در سنه ۱۶۵۱ آنها را بکلی از مملکت خود براند، و بواسطه جهازات جنگی راه بحر عمان را بر آنها مسدود ساخت در سنه ۱۶۹۸ جزایر ساحل شرقی افریقه را از تصرف آنها کشید. در سنه ۱۷۵۹ احمد ابن سعید سلطنت سلاله غفاری را تاسیس نمود. در ابتدای قرن نوزده سلطان بنجد بر عمان قابض گردید ولی در سنه ۱۸۱۸ سعید که نواسه احمد بن سعید است مملکت خود را مستقل نموده، در افریقه سقوطه و زنجبار، و در آسیا ساحل ایران از هرمز تا گوادر را ضمیمه سلطنت خود نمود، بعد از وفات او در سال ۱۸۵۶ پسر او مجید بن سعید در افریقه سلطان زنجبار و پسر دیگرش سلطان عمان اعلان شدند. در سال ۱۸۶۶ فرانس و برطانیا اگرچه استقلال کامل عمان را تسلیم نمودند. ولی عملاً عمان تحت اثر برطانیا می باشد.

سلطان سید سعید بن تیمور، بن فیصل که چهاردهمین امام سلاله غفاری است بتاریخ ۱۳ اگست ۱۹۱۰

بر تخت جلوس نمود. مسقط مرکز عمان است. و خارج از عرب در بلوچستان بندر گوادر و حوالی آن به امامت عمان تعلقات دارد.

فلسطین

فلسطین در ساحل مشرق بحر روم و بدروازه های عرب و مصر و به منتهای قطعاتی واقع است که از آسیای صغیر امتداد یافته به جنوب منتهی می شود، بطوریکه اقوام یهودی تاریخ فلسطین را می سازد مستند واقعات تاریخی این مملکت شمرده نمی شود، بلکه یهودیها يك جزء در تاریخ آن شامل میباشند.

از آثاریکه معلوم میشود فلسطین هم ادوار سنگی و فلزی را طی نموده است ولی نمی توانیم صحیحاً تعیین نماییم که سامی ها در کدام زمان فلسطین را تصرف نمودند، علی ای حال در آخر قرون سه هزارم سال قبل از میلاد فلسطین با تمدن مصر، بابل، کریت و غیره شرکت دارد.

و تا زمانهای درازی در فلسطین طوایف الملوکی بوده حتی شاهان مصر در سه ۱۷۰۰ ق م تعرضات خود را در آنجا شروع میکنند و شاهان فلسطین با حمله آوران خارج با سیاست مخصوصی پیش آمده یعنی گاهی به همراه یکی و گاهی با دیگری اتحاد مینمایند، بالاخره سستی اول (۱۳۲۱ ق م) شاه مصر از خاندان نوزدهم به فلسطین حمله آورد، و مملکت مصر را جمع به قبض فلسطین با هیئت ها قتل و قتل می نمود، در آخر رامسس دوم (شاه مصر از ۱۲۰۰ - ۱۱۶۹ ق م) چون در فلسطین انقلاب برپا می شود مشارالیه فلسطین و یکقسمت سیر یا را فتح می کند.

درین زمان یکدشمن قوی از طرف جنوب مشرق برای فلسطین نمودار می شود، و فلسطین مابین حمله آوران متخاصم (مصر) و آشوریها، هیئت ها و منانی ها و غیره، سخت زیر فشار گرفتار شده تا قرنهای مورد ظلم و جور آنها می شود.

بعد ازین ما در زمانه یهود داخل می شویم، در زمانیکه هیچ سلطنت خارجی قوی نبود اسرائیل ها بروز نموده فیما بین همجواران خود تفوق و برتری جستند، باید دانست که ابراهیم علیه السلام جد امجد بنی اسمعیل و بنی اسرائیل قریب سنه ۱۹۲۱ ق م در شهر (عراق عرب) نزدیک بابل تبلیغ توحید را شروع نمودند، یعقوب علیه السلام نواسه ابراهیم خلیل (ع) در فلسطین سکونت پذیرفتند، و اسرائیلی ها اولاد یعقوب علیه السلام (که نام دیگر شان حضرت اسرائیل است) در اوایل قرن دوازدهم قبل المیلاد با حضرت موسی (ع)، و قوم شان در فلسطین رسیدند - قریب (۱۰۰۰) سال قبل از میلاد و حضرت سلیمان علیه السلام با لاخره در آنجا به سلطنت رسیدند، و بعد از آن فلسطین در دو حصه منقسم گشت یعنی جودح و اسرائیل، جودح در جنوب، اسرائیل در شمال و این هر دو قتل و قتل داشته بنوبت بالای یکدیگر غلبه حاصل می کردند.

و قتیکه دول همجوار دوباره قوت حاصل کردند آنها در صحنه فلسطین می درآیند، چنانچه شیشک شاه مصر در سنه ۹۳۰ ق م به فلسطین هجوم آورد، و درین اوان سلطنت آشوری بطرف مغرب تعرضات را شروع کرده رقیب های مصر، آسیای صغیر و فنیقی ها و عمان و غیره گردید.

تحت جیر و بوآم دوم هادرشاه، یهود، قوه اسرائیل ها بعد از تغیر و تبدیل زیاد با قیود و سلطنت اسرائیلی تا به دمشق وسعت پذیرفت. بعد از وفاتش نفاق و شقاق تولید و قوت اسرائیلی مضمحل گردید، اما قسمت دیگر یعنی در جودح يك پاشاهیت قوی بوجود آمد. ولی فلسطین مابین دو سلطنت قوی یعنی مصر و آشور واقع شده همیشه زیر فشار بود، چنانچه سارگون دوم از سارزهای بنی اسرائیل به همراه مصر

به تنگ آمده در سنه ۷۲۱ ق. م یهودیها را به میدیا فرار نمود، و وقتی که سلطنت آشوری خراب و سلطنت بابل برپا گردید بخت نصر دوم از بغاوت یهودها بفرار آمد و فلسطین را خراب و عده زیاد یهود را قتل نمود و عده زیاد را به بابل آورد (۵۸۵ ق. م) زیرا که جودح مصر را بحال سابق صاحب قوت و اقتدار دیده خلاف بابل بغاوت برپا کرده بود.

بعد، سلطنت هخامنشی تاسیس، و موسس آن کوروش کبیر بابل را در سنه ۵۵۹ ق. م مفتوح و یهودیهای بابل را پس به فلسطین فرستاد.

در دوران سلطنت هخامنشی های فارسی فلسطین بغاوتی نموده بود مگر بزودی فرونشاند شد. در سنه ۳۳۲ ق. م سکندر یونانی از فلسطین گذشته مصر را فتح کرد سکندر با یهودیها هیچ غرضی نگرفت و آنها را بحال خود شانت باقی گذاشت، سکندر ۱۳ جون سنه ۳۲۳ ق. م بمصر و سلطنت او قیامین جریلهای او منقسم گردید، یکی از جنرال های هشیار او موسوم به بتولی مصر و فلسطین را گرفت، بتولی با کمک سیلوکس نکاتور جرنیل دیگر سکندر یعنی آنتی گونوسی را در مقام (غازه) (۳۱۲ ق. م) هزیمت داد.

سیلوکس نکاتور پایتخت خود را در انطاکیه قرار داد.

انتیاکس (سوم) کبیر از سلاله سیلوکس فلسطین را از خاندان بتولی در سنه ۱۹۸ ق. م ستانید، و اهالی شهر غازه خلاف حمله آوران مدافعه شدیدی نموده ولی بالاخره مفتوح گردید.

در عهد خاندان سیلوکس چون یکی از شاهات بر علیه یهود فلسطین مداخلت بیجای دینی نموده بود، یهودها تحت لوای جود از بغاوت نموده عسکر سیلوکسیها را شکست دادند حتی پادشاه سیلوکس آنها را آزادی مذهبی داد.

نزدیک (۷۰) ن. م فلسطین تحت نفوذ روم در آمد. اما چون یهودها قرار نمی نشستند، رومیها آنها را سخت سزا دادند و فرارشان نمودند، بعد از آن در همین سر زمین حضرت عیسی علیه السلام پیدایی شوند بغاوت آخری یهود در سنه ۱۳۵ بوقوع پیوست و رومیها یهود را بطوری سزای سخت داد که بار دیگر یهود سر خود را بالا کرده نتوانستند و فلسطین زیر اداره حکومت روم دوام نمود.

سلطنت روم در سنه ۳۹۵ میلادی بدو حصه تقسیم شده، فلسطین شهنشاهی شرق مربوط شد درین اوقات گاه گاهی یهودیها زیر فشار آمده بقتل می رسیدند، باز هم در فلسطین يك امتیاز حکمرما بوده که دفعتاً در سنه ۶۱۱ میلادی خسرو دوم شاه ایران، فلسطین را از شهنشاهی رومی شرق تصرف نموده، فلسطین را خراب کرد.

اما در سنه ۶۲۸ هرقل بار دیگر فلسطین را از شاه ایران بگرفت لیکن اقتدار او دوام نکرد چرا که مسلمانان عرب در صحنه تاریخ فلسطین نمودار شدند. یروشلم در وقت حضرت عمر (رض) مفتوح گردید، و لشکر عمر بن عاص (رض) بطرف مصر از همین مملکت گذشت، در عهد خلفای راشدین ما تحت اسلام بود در سنه ۶۶۱ حضرت معاویه (رض) دارالخلافه را بدمشق نقل داد.

در سنه ۶۸۴ میلادی خلیفه عبدالملک قبه الصخره را در یروشلم تعمیر نمود و این عمارت یکی از مقبول ترین عمارات دنیا می باشد در سنه ۷۵۰ خلافت بنی امیه مخو و بنی عباسیه دارالخلافه را ببغداد نقل دادند، قرامطه غریب سنه ۹۲۹ بفلسطین خساره زیاد رسانیدند. در سنه ۹۳۶ میلادی مصر بغاوت نموده آزاد گشت و قیامین



مسجد قبة الصخرة در بیت المقدس

عباسی ها و فاطمی ها (خلفای مصر) تا سنه ۱۰۷۲ میلادی مخاصمت و قتل و قتال دوام نمود - درین سنه ترکمانهای سلجوق از خراسان خروج نموده بفلسطین حمله آورده یروشلم و دمشق را اشغال نموده بطرف مصر پیشرفت نمودند ، اما مصریها آنها را شکست داده شهرهای شام را گرفتند .

باید دانست که یروشلم پایتخت فلسطین برای مسلمانان . یهود و نصاری مقامی است مقدس و هرساله ملت قبض آنرا حق خود میدانند اما در فلسطین نفوس مسلمان زیاد و آنها در حفاظت آن خون زیاد را ریختانده اند ، چون نصاری هم آنرا مولد حضرت (ع) دانسته مقدس می شمارند لهذا از سنه ۱۰۹۶ میلادی جنگهای صلیبی شروع شد نصاری یورپ از مواعیظ جوش آوریا دریهای خود خیلی متأثر و مهیج شده دفعه اول (۶۰۰.۰۰۰) نفر از یورپ بغرض گرفتن فلسطین روانه شدند لیکن صرف (۴۰۰.۰۰۰) نفر بر یروشلم رسیدند آنرا از جهت قبض نموده تونستند که مسلمانان را نفاق و شقاق و خانه جنگی ها کم زور ساخته بود - این واقعه در ماه جولائی سنه ۱۰۹۹ بروز نمود - و ظلمهای نصاری در فلسطین در دل مسلمانان و یهود آن دیار نفوذ نموده عداوت شدید نصارا را پیدا کرد . این تصرف تا ۸۸ سال دوام نمود .

جنگ دوم صلیبی را شاهان فرانس و جرمنی در سنه ۱۱۴۷ بپا نموده ظلم و وحشت های زیاد را نشان دادند ، اما خلاف نورالدین زنگی سلطان شام شمالی بکامیاب شده نتوانستند ، بعد از وفاتش صلاح الدین کبیر ایوبی بطور محافظ و مربی اسلام در صحنه تاریخ جلوه افروزمی شود - در زمان نورالدین زنگی مصر را صلاح الدین بمعیت شیرکوه قوماندان عسکری سلطان مذکور فتح کرده بود ، صلاح الدین کبیر فوراً باخراج فرنگی ها از فلسطین پرداخته شاه مسیحی یروشلم را شکست داده او را مجبور بصلح کرده لیکن نصاری معاهده صلح را شکستاندند ، صلاح الدین ایوبی فوراً لشکر کشی نموده شاه نصاری را شکست دوباره داده در سنه ۱۱۸۷ یروشلم را گرفت .

جنگ صلیبی سوم در سنه ۱۱۸۹ که (یروشلم را پس قبض کنند) زیر قیادت فریدرک اول شاه جرمنی و شاه انگلستان رچر د بوقوع پیوست .

نصاری قرار معمول و عادت شان درین جنگ هم بربریت خود را نشان داده مسلمانان غیر داخل مصاف را به قتل رسانیدند - عسکه را بعد از محاصره سه سال گرفته باوجودیکه مسلمانان عسکه را پناه داده بودند همه را به قتل رسانیدند ، صلاح الدین غازی چنان مقاتله شدیدی نمود که لشکر مور و ملخ نصارا خائب و خاسر ماندند .

صلاح الدین کبیر در سنه ۱۱۹۳ وفات نمود و جنگ صلیبی چهارم و پنجم سنه ۱۱۹۸ و سنه ۱۲۰۴ واقع شد در سنه ۱۲۱۲ پنجاه هزار دختر و بچه یورپی زیر تاثیر متخیلین مضر بطرف یورشلم روان شدند تا چیزی را بدست بیارند که آبا و اجداد آنها به تحصیل آن موفق نشده بود این گروه هم کامیاب نشد چنانچه اکثریت آنها پس باوطان خود معاودت کرده نتوانستند ، وغالباً در بحیره روم غرق گردیدند .

چهار جنگ صلیبی دیگر که تا به سنه ۱۲۷۲ بظهور رسید اهمیت خصوصی را دارا نبود ، تنها در جنگ ۶ در سنه ۱۲۲۹ از طرف مسلمانان به فریدرک دوم جرمنی اجازه داده شد که در یورشلم تا ده سال حکومت نماید .

درین آوان مغلهای آسیای مرکزی نمودار می شوند و آنها در سنه ۱۲۱۸ ایران را فتح کردند شاه دمشق در سنه ۱۲۲۸ از آنها امداد طلبید مگر آنها در سنه ۱۲۴۰ با سلطان مصر متحد گردیده شام شمالی را تاراج کردند بالاخره از شمال شکست خورده یورشلم را قبض و اهالی را قتل عام و فلسطین را خراب کردند . مصریها همراه آنها شریک شده نصاری و مسلمانان شام را نزدیک غازه شکست دادند بنا بر

مخاصمت مصر بها این مغلها مجبور به عقب نشینی شدند و فلسطین در تسلط سلاطین مملوک مصر درآمد چندی بعد هجوم دیگر مردم وحشی تاتار بوقوع پیوست ، و این مغلهای چنگیزخانی زیر قیادت هلاکو خان بغداد را در سنه ۱۲۵۸ فتح کرده ، آن را کاملاً تباه نمود ، و در سنه ۱۲۶۰ بدمشق حمله آورده و آنرا اشغال نموده ، شام را تاراج و غارت کرد ، باز بطرف مصر تعرض نمودند مگر پیرس جنرال سلطان مملوک مصر آنها را چنان هزیمت فاحش داد که مغلها فلسطین و شامات را گذاشته فرار نمودند بالاخره سلاطین مملوک در سنه ۱۲۹۱ اثر باقیمانده حکومت فرنگی ها را از فلسطین محو و نابود کردند — در سنه ۱۴۰۰ تیمور لنگ به فلسطین حمله برده نصارای فلسطین را مضمحل نمود .

در سنه ۱۵۱۶ فیاین سلطان سلیم و حکمرانان مملوک مصر جنگ شده مملوکها هزیمت خوردند ، و فلسطین در دایره حکمرانی سلاطین عثمانیه ترکی درآمد سلیمان کبیر در سنه ۱۵۳۷ دیوارهای یوروشلیم را مکرراً تعمیر نمود — تا قرن نوزدهم چیزی قابل ملاحظه در آن واقع نشده ، البته شیخ های محلی مزارعین را بسیار ایذا می رساندند — از ۱۵۹۵ الی ۱۶۳۴ یک شهزاده اداری فخرالدین بمخالفت ترکها سلطنت لبنانی را تاسیس نموده فلسطین شمالی را تا عسکه بگرفت — بعد ازین اروپائی ها بطرف فلسطین متوجه شدند ، و چیزی را که بچنگ گرفته نتوانستند بطریقی دیگر پرداختند چنانچه سوداگران فرانسوی در سنه ۱۷۹۱ فابریکه ها و دقترها را قائم کردند — نیولین در سنه ۱۷۹۵ بعد از فتح مصر به فلسطین رسید تا پروگرام حاکمیت شام و شرق قریب را بواسطه تحریر فلسطینی ها خلاف ترکها مکمل نماید — در اول مرحله فوج بی قاعده عرب و ترکها را شکست داده و یازده هزار بندی مسلمانان را بقتل رسانید و قتیکه فوج منظم ترکان به عسکه رسیدند نیولین شکست خورده بطرف مصر عودت نمود — بعد از سنه ۱۸۴۰ ترکان عثمانی استیلای خود را بالای فلسطین قوی تر نمودند — در سنه ۱۸۴۷ در بین نصاری و فلسطین خصومت روی داد کلیسای یویانی و رومی کاتولیک مجادله داشتند که جای پیدایش حضرت عیسی (ع) به ستاره نشان کنند و کدام یکی از مذاهب حق نشان کردن را دارد — چنانچه یکی از علل بزرگ جنگ کریمیا (جنگ مابین ترکیه و روس) همین مسئله بود .

در چهل سال آخری قرن نوزدهم فرانسوی ها ، روسی ها ، جرمنی ها ، امریکائی ها و غیره در فلسطین آمده آباد شده بانکها و هیئت های تبلیغیه بنا کرده رفتند — در سنه ۱۸۹۶ یورپ تجویز نموده که یهودیه را در فلسطین جای بدهند — بالاخره ترکان ازین اقدامات اروپائی خوف نمودند و در سنه ۱۹۰۶ به حد بندی علاقه سیستمی مصر مابین ترکان و برطانیه مناقشه پدید آمد . قبل از حرب عمومی در فلسطین اروپائی ها بنام بانکداران ، خدام بشر ، مبلغین و سوداگران و مدرسین و غیره درآمد بودند ، و یهودیه هم به تعداد زیاد آمده توطن گزیدند — گویا اجانب خیلی زیاد شد ، ترکها و عرب های فلسطین و کل عالم اسلام حس کردند که فلسطین هم مثل مصر تحت تسلط انگلیس و یا کدام دولت اروپائی دیگر خواهد درآمد .

جنگ عمومی در سنه ۱۹۱۴ شروع شد ، و ترکان نیز با جرمنی اتحاد نموده خلاف انگلیس اعلان جنگ دادند ، اما بعد از شکست جرمنی و ترکیه اتحاد یونانی انگلیس و فرانسه و غیره ، شام و فلسطین و عراق عرب را بین خود تقسیم کردند ، و فلسطین در سهم انگلیس درآمد .

فلسطین به ۱۱ دسمبر سنه ۱۹۱۷ به انگلیس ها تعلق گرفت ، از آن روز تا این زمان قرار دعوت برطانیه یهودی ها از هر قطعه مهاجرت نموده به فلسطین میروند .

فیلیپائن

مجمع الجزائر فیلیپائن در جنوب بحیره چین و جنوب مغرب آسیا واقع است و از ۷۰۸۳ جزائر بزرگ و کوچک قطعه تشکیل و بنام فلیپ شاه هسپانیا موسوم گردیده است ، میگیلن اولین ملاحیست که بدور کره ارض مسافرت نموده و درین جزائر رسیده بنام پادشاه خود فلیپ دوم آنها را فیلیپائن نامیده است .

پیش از قرن دهم مسیحی اطلاعات تاریخی را جمع باین جزائر در دست نیست ولی از قرائن چنان معلوم میشود که اهالی هند از راه جاوا به هند چینی و از آنجا وارد این جزائر گردیده اند چنانچه رسم الخط قدیم وعده الفاظ اسان بومی که از زبان سنسکرت ماخوذ است در کتب چینی شاهد این مدعاست و شرحی از مسافرتهاى تجار بحری چین در قرن دهم و مابعد آن بدین جزائر ، ذکر یافته و احتمال می رود که روابط تجار تی چین مدتی پیش از انا نیز وجود داشته است ، دین مبین اسلام نیز بواسطه تجار جاوا و سوماترا و بورنیو و دیگر جزائر ملایا بجنوب این جزائر رواج و تعمیم یافته ، چنانچه تا کنون با وجود مزاحم شدید حکومت هسپانوی اکثر اهالی جزائر جنوبی فیلیپائن مسلمان می باشند .

بتاریخ ۱۶ مارچ ۱۵۲۱ اولین مرتبه فردیناند میگیلن هسپانوی بدین جزائر وارد شد و بعد ازین تاریخ اهالی هسپانیه چهار بار دیگر بدین جزائر هجوم آوردند و بالاخره در سنه ۱۵۶۵ درین جزائر يك شهر را بنا نهاده و در سنه ۱۵۷۲ مانیلا را مرکز حکومت خود قرار دادند .

در سنه ۱۵۷۴ چینی ها تحت قیادت لیمهونگ بر مانیلا هجوم آورده ولی بمراجعت مجبور شدند خلاصه تا سنه ۱۶۰۰ اهالی هسپانیه تمام جزائر فیلیپائن ماسوای (جزائر جنوبی یعنی : منداناؤ و سولا و پاواوات) را در تحت تصرف خود آوردند .

چون اهالی هسپانیه مسلمانان را در وطن خود بنام مور و پاوی نامیدند بنا بران مسلمین فیلیپائن را هم به همین نام موسوم نمودند جنگهای ایشان با مسلمین تا سنه ۱۸۵۰ دوام داشت که در آن سال آخرین قلعه های جولو را تسخیر نمودند ولی آنها بر دیانت خود برقرار ماندند ، حکومت داخلی جزائر جنوبی اسلامی تا حال بروسای محلی تعلق دارد و در دیگر جزائر کیش مسیحی رومن کاتولیک ترویج یافت .

در سنه ۱۷۶۲ جهازات جنگی برطانوی بر مانیلا هجوم آورده اهل هسپانیه را شکست دادند ولی يك سال بعد ازان تحت اثر شرایط صلح نامه پاریس دوباره شهر مذکور را به هسپانوی ها تسلیم نمودند .

از سنه ۱۸۷۲ اهالی فیلیپائن برای استقلال خود کوشان بوده اند در ابتدای سنه ۱۸۹۸ در حالیکه در جزائر مذکور اختلال داخلی جاری بود حکومت هسپانیه يك جهاز امریکائی را در بندر مانیلا آتش زد و جاهیز متخذه امریکه بر علیه هسپانیه اعلان حرب نموده در نتیجه قوای هسپانوی را مغلوب و جزائر فیلیپائن را متصرف شد .

درین اواخر حکومت اتانزونی معاهده را امضا نمود است که بعد از یازده سال برای فیلیپائن آزادی تامه داده خواهد شد .

قلات (بلوچستان)

خانی قلات بجنوب افغانستان واقع و مساحت آن ۳۶۰ ر ۱۴۹ مربع کیلومتر است ، نفوس آن ۲۸۱ ر ۳۲۸ نفر و عموماً مسلمان سنی و از اقوام بلوچ و بروهی میباشند .

قبلاً خانی قلات نیم مستقل و تحت حمایت افغانستان بود . تاریخ ما قبل آن در تاریخ بلوچستان ذکر شده .

در سنه ۱۸۷۹ قرار مقررات معاهده گندمك امیر محمد یعقوبخان آنرا به تحت الحمايگی انگلیس گذاشت .

بعد ازان اراضی اقوام مری و بوگتی از خانی قلات مجزا گشت ، کویت و بولان ، توشکی و نصیر آباد نیز بطور آجاره در عوض ۲۸۱۵۰۰ کلدار سالیانه بانگلیس داده شده و مستقیماً از طرف حکومت هند برطانوی اداره می شود .

بقیه علاقه جات اراضی خانی قلات بر چهار حصه منقسم است : یکحصه تعلق به اهالی بومی داشته که مستقلاً ازان استفاده نموده هیچگونه مالیاتی به خان نمیدادند . حصه دیگری تعلق به خان دارد اهالی مطابق مقررات موضوعه مالیاتی بخان میدادند . حصه سوم نوابی خاران که سرحد ایران واقع و از خانواده نوشیروانی بوده تحت حمایه خان قلات است . حصه چهارم ریاست (لس بیلا) است که سلطان محمود غزنوی آنرا فتح و عمارات عظیم و قشنگی دران بنا نموده بود ، رئیس (لس بیلا) تحت حمایه خان قلات است . و عایدات سالیانه لس بیلا ۳۵۶۰۰۰ کلدار است و تعلق به رئیس لس بیلا دارد ، رئیس مذکور از دودمان عبد مناف و قریشی است . رئیس (جام) لقب ، و میر غلام محمد اسم دارد .

خان قلات میر محمد اکرم خان از قوم بروهی است و ملقب به نواب بیگلربیگی می باشد .

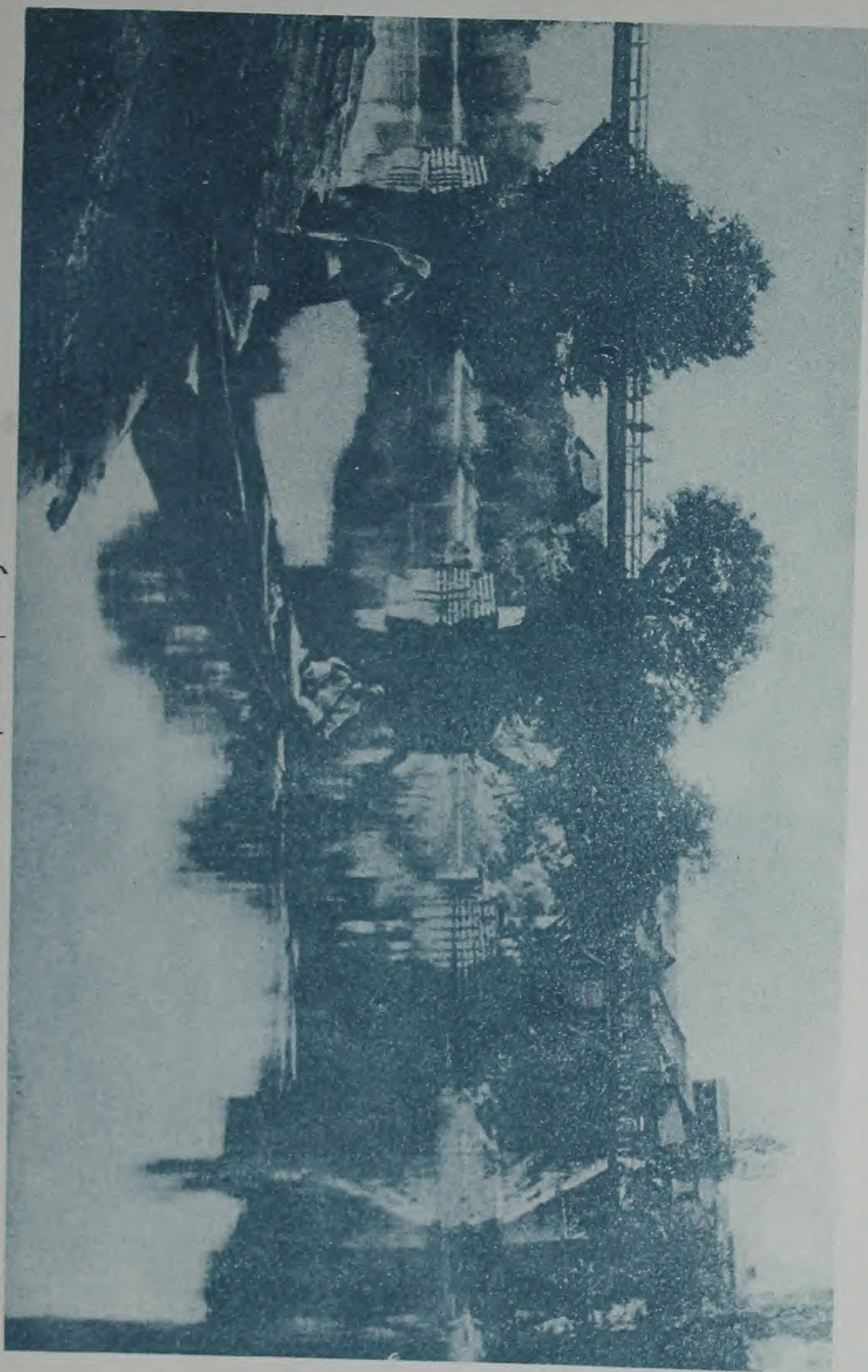
کشمیر

يك ریاست بومی هندوستان و در شمال مغرب هند واقع بوده مساحت آن ۲۱۹ ر ۲۱۸ مربع کیلومتر و نفوس آن تخمیناً ۳۶۶۹۰۶۵ نفر است که منجمه آنها ۹۶ فصید مسلمان میباشد .

در زمانه قدیم آریه های افغانستان از بلخ حرکت کرده و بعلاقه کشمیر رسیده بومیان را مغلوب نموده بودند نام سنسکرتی مملکت کاسمیر بود ، در ماهبهارت دو قوم کشمیر یعنی کسمیره و دراوایی را اثر اد کشتی هند شمال شمار کرده اند در وقت سکندر مقدونی در کشمیر را جای قوی بوده که به سکندر اظها را طاعت نکرده بود بالاخره چیزی تحایف به سکندر فرستاد . بعد از رفتن سکندر در هندوستان چند ریگتای موریاتاسیس خاندن موریانرا نهاده کشمیر را فتح کرد تخمیناً از ۳۱۶ تا ۱۸۴ ق ، م کشمیر تحت حکمرانی خاندان موریان بوده - راجه اشوك نواسه چند ریگتادین بودائیت را درین دیار رواج داد اما بعد از وفاتش بودائیت رو به زوال نهاد و برهمنیت باردیگرتفوق حاصل نمود کوشانشاهان افغانستان (یعنی هوویشکا ، جوشکا و کانشکا) کشمیر را فتح کردند و در عهد کانشکای کبیر بحکم شاه مذکور پنجصد عالم دین بودائیت در کشمیر مجلسی منعقد کرده راجع بذهب بودائی ۳ کتاب در زبان سنسکرت تدوین نمودند که بنام « ارا به بزرگتر قاتون » موسوم شد بعد از سقوط کوشانشاهی برهمنیت باز زنده شده و بدوران قرن پنجم میلادی چندین معابد هندو در کشمیر تعمیر یافت و چندین زائرین چینی در حدود قرنهای ششم و هفتم از کشمیر گذشتند ، هیون تسانگ دو سال در کشمیر (۶۳۱-۶۳۳) اقامت کرد ، درین زمان در کشمیر طوائف الملوکی بوده در قرن هشتم راجگان کشمیر به شهنشاه چین باج می پرداختند .

در حدود سنه ۱۰۰۶ میلادی سنگرام راجه کشمیر بود و تا سنه ۱۲۹۴ راجگان هندو در کشمیر سلطنت می کردند حتی امیر شاه ملقب به شمس الدین تحت را از هندوها غصب نمود در سنه ۱۴۱۲ زین العابدین پادشاه کشمیر بود .

در اواخر قرن چهاردهم سکندر پادشاه کشمیر بوده به تبلیغ دین اسلام مساعی بلیغه نموده بود تیمور کورگانی در دهمین پادشاه به هندوستان حمله آورده سکندر باو اطاعت نموده و باج داد .



پل چوبی بردنای سمرپشگر

از شاهان مغولیه اکبر پادشاه، کشمیر را در سنه ۱۵۸۸ میلادی فتح کرد و علاقه موزون و خوشنمای کشمیر تفرجگاه شاهان مغولیه گردید و آنها عمارات و باغات جیل در کشمیر ساختند.

در عهد عالمگیر ثانی شاه مغلیه هند وستان پادشاه افغانستان یعنی احمد شاه ابدالی حمله سومین به هند آورده کشمیر را اشغال کرد و کشمیر يك ایالت افغانستان گردید، حتی رنجیت سنگه در سنه ۱۶۱۹ آنرا تصرف نمود در وقت جنگ اول سکها و انگلیسها، از طرف سکها شیخ امام الدین حاکم کشمیر بود رنجیت سنگه ایالت جون را به گلاب سنگه را جیوت دو گره تفویض نموده بود و همین گلاب سنگه بعد از شکست سکها در جنگ سبراوئن (۱۸۴۶) میلادی شرائط صلح را فیما بین انگلیسها و سکها منعقد نمود انگلیسها یکنیم ملیون پوند استرلنگ بطور تاوان جنگ خواستند، چون دلپ سنگه راجه پنجاب اینقدر رقم کزاف را ادا کرده نمیتوانست، علاقه کشمیر و هزاره را به انگلیسها تسلیم نمود اما گلاب سنگه رقم مذکور را پرداخت و انگلیسها او را حکمران کشمیر شناختند، گلاب سنگه حصص باقی مانده کشمیر را فتح کرده در حدود سلطنت خود الحاق نمود. بعد از مرگ او (۱۸۵۷) میلادی پسرش زبیر سنگه جانشین او شد. حکمران دیگر مهاراجه پرتاب سنگه بود، مهاراجه امروزی سرهری سنگه در سنه ۱۹۲۵ به تخت کشمیر متمکن گردیده است.

کوریا

کوریا عبارت است از يك جزیره نما و ۲۰۰ جزیره های خورد بطرف مشرق مانچوریا - مساحت کل مملکت ۲۲۰۷۴۱ مربع کیلومتر و نفوس آن ۳۰۵۸۳۰۵ نفر میباشد - اکثریت مردم در پیشه زراعت شغل دارند، مرکز حکومت شیول است.

بصحت هنوز معلوم نشده که کوریائی ها بکدام نژاد تعلق دارند اما از روی سیما غالباً از نژاد مغلی زرد پوست می باشد، از تحریرات چینی ها و کوریائی منکشف می شود که اولین پادشا کوریا (دانگون) در حدود ۲۳۳۳ ق، م سلطنت میکرد، پای تخت او (جی ریونگ) نام داشت و در جزائر کانگ و هه معابد تعمیر نمود خاندان این پادشاه تا ۱۰۴۸ دوام و سلطنت کرد.

روایات چینی، و کوریائی مظهر است که: کی - تزی مصاحب و مشیر آخرین پادشاه سلاله سوم چینی بمعیت چندین هزار مهاجرین چینی در سنه ۱۱۲۲ ق، م بکوریا رسیده و کوریائی ها او را پادشاه خود قبول کردند، این پادشاه مصلح معاشرت کوریائی را اصلاح و سرحد کوریا را با امن و فوج منظم در آن مقرر کرد و قانون درست را رواج داد، و کوریا را بنام چاوهسئین موسوم نمود، اخلاف این پادشاه تا قرن چهار ق، م سلطنت کردند، و بعد از آن خانه جنگی برپا شده ولی هجومات اجانب آنها را بطرف اتحاد و اتفاق متوجه ساخت. با وجود خانه جنگی ها کوریا در علم و عرفان ترقی کرده، و در قرن چهارم میلادی کوریا مرکز تربیه علمی بوده بودائیت و ادبیات و علم اخلاق چینی را به همراه رسم الخط چینی بطرف جاپان نشست و اشاعت داد. در سنه ۹۱۳ میلادی وانگ مؤسس خانه جنگی ها را رفع کوریا را متحد و در یک حکومت منسلک نموده آنرا بنام کوری موسوم کرد و سونگ دو - را پای تخت قرارداد، بودائیت را دین حکومت تجویز کرد.

در قرن یازدهم قوم تنگوسی علاقه مغربی دریای یامورا منقرض نمودند. در وقت استیلای چنگیز خان، و قوبلی خان کوریا هم مورد حملات آنها شده خسارات بزرگی را متحمل شده بود فی تیجو و یالیتان سلاله وانگ را در سنه ۱۳۹۲ برانداخته بر تخت کوریا متمکن گردید. لیتان به اولین شهنشاه مینگ

چین اظهار اطاعت و انقیاد نموده و شهنشاه مذکور به اولقب « شاه » داده جنتری و تاریخ چین را نیز به او فرستاده و ارسال این چیزها در حقیقت علامه ایست که مرسل الیه مطیع و تابع او است ، فی تیجو کوریا را چاو هئین نامیده سیول را پاتخت خود قرار داده ، و دستور العمل اداری را انفاذ داد و آن تا به سنه ۱۸۹۵ با چیزی تعدیلات رواج داشت اصلاحات جدی را اجرا و بودائیت را الغا نمود ، و چنان قرار داد که اشخاص بشرطی مامور حکومت شده می توانند که در ادبیات چین کامیاب شوند ، نیز کانفیو شیست را دین دولت قرار داد قربانیهای آدم و زنده بگور کردن آدم پیر را موقوف نمود .

شهنشاهان متاخر کوریا در اداره و انتظام و امنیت مملکت تساهل ورزید . لهذا قزاقان بحری جاپان رشك برده بر سواحل کوریا تاخت می آوردند ، بعد از آن در سنه ۱۵۹۲ هائیدی یوشی (نائب السلطنه بزرگ جاپان) (۳۰۰) هزار عسکر جاپانی را به فتح کوریا مامور ساخت ، چینی ها عسکر بامداد کوریا فرستادند چنانچه تاشش سال متواتر محاربات بزرگ و خوت ریزی بین آنها دوام داشته ، جاپانیها سیول و شهرهای مهم دیگر را اشغال نمودند ، طبعاً این جنگها باعث خسارات کلی کوریا گردید .

چون هائیدی یوشی فوت کرده بود لهذا عسکر جاپانی پس خواسته شد مگر جاپانیها باج گزاف از کوریا ستانیدند ، و شاه کوریا تا سنه ۱۷۹۰ میلادی مطیع و ماتحت جاپان بود ، بعد از آن کوریا جدا افتاده و دول اروپائی در آن تبلیغات عیسویت را شروع کردند ، لیکن کوریائیهها مبلغین فرانسوی و امریکائی را بقتل رسانیدند چنانچه عسکر اروپائیهها در سنوات ۱۸۶۶ الی ۱۸۷۱ میلادی به بعضی حصص کوریا حمله برده خسارات زیاد جانی بکوریائیهها رسانیدند ، اما چیزی منفعت دیپلماتیکی را بدست آورده نتوانستند . روسیهها در سنه ۱۸۶۰ با اجازه چین تا بدریای تو مین بعضی علاقجات را بتصرف خود آوردند . چون در کوریا قحط شدید واقع شده بود لهذا عده زیادی از کوریائیهها و بعضی مسیحیون کوریا به مملکت روس هجرت نمودند ، حکومت روس با آنها سلوک خوبی را مرعی داشت در سنه ۱۸۷۶ جاپان برضای چین همراه کوریا معاهده نمود که فوسان برای تجارت و توطن نفری جاپانی آزاد باشد ، بهمین منوال ریچیون و ودن سان برای جاپان باز شد ، بعد بنا بر نفاذ « قواعد تجارت و سرحد » از طرف چین ممالک غیر مثل امریکه ، جرمنی ، برطانیه ، رملی ، روس معاهدات تجارتی را منعقد نمودند ، در سنه ۱۸۸۴ سیول برای اقامت اجانب باز شد و اجنبی ها در ایالت های کوریا سفر کرده می توانستند ، اگرچه تا آن زمان فوقیت و امپراطوری چین تسلیم می شد ولی کوریا خواهش استقلال و آزادی را داشت - در میان ۱۸۹۷ و ۱۸۹۹ تحت فشار دیپلماتیکی يك عده بندرگاها برای تجارت و اقامت خارجه باز شد .

تی ودن - کول در حدود سنه ۱۸۸۲ - سنه ۱۸۹۴ سازشی نموده تا به پادشاهی کوریا فایز شود در نتیجه سفارت جاپان مورد حمله شد اما سفیر چینی با مداد عسکر چینی - تی ودن - کول را بطرف تلننت شین تبعید نمود - در سنه ۱۸۹۴ سازش دیگری برپا شده و پادشاه کوریا از چین امداد فوجی خواست چین قرار معاهده به جاپان اطلاعیه روان کرده (۲۰۰۰) نفر سپاهی بکوریا فرستاد جاپان چندی بعد (۱۲۰۰۰) سپاهی بکوریا وارد کرده بعضی اصلاحات را پیشنهاد کرد چین جواب داد که باید کوریا گوائف داخلی را خودش فیصله نماید ، و جاپان باید پیش از مقاوله افواج خود را خارج کند - جاپان این تجویز را رد و حمله کرده ارگ شاهی را اشغال نمود سپس فیما بین جاپان و چین محاربه مشتعل شده کوریا میدان حرب طرفین گردید - بالاخره شاه کوریا امپراطوری چین را رد و اطاعت جاپان را قبول نمود - حکومت جاپان اصلاحات مفیده را در هر شعبه حکومت داخل و دائر نموده تا ۱۸ ماه حکومت بصورت درست دوام می نمود که تی ودن - کول بامداد فوج جاپانی به شیول حمله برده ملکه را کشت و پادشاه کوریا بسفارت روسیه پناه جست بعد از آن نفوذ و رسوخ جاپان رو به تنزل نهاد و جمله اصلاحات لغو شد ، و حکومت روسی ترتیب و اداره مالیه کوریا را خراب ساخت و پادشاه کوریا لقب شهنشاه را اختیار کرده . تمام شعبات حکومت بی ربط و

مترازل و در تمام مملکت بدامنی و بد نظمی بپا گشت. و روسی ها به تزئید آن سعی می نمودند. جاپان این وضعیت را دیده، اندیشه نمود که کوریا را روس، و یاپکی از دول اروپا اشغال میکند پس از راه جنگ در آمده در سنه ۱۹۰۴ روس را شکست داد، و بواسطه معاهده صلح معاملات خارجه کوریا تحت اداره جاپان در آورده شد. در سنه ۱۹۰۷ پادشاه کوریا به ایماي کابینه کوریائی در حق پسر خود خلع نمود.

جاپان در همین سال قرار دادی را به زور عسکر بالای کابینه کوریائی قبولانده. یکی از مواد مذکور این بود که: فوج مقیم کوریا منتشر کرده شود، بنابراین شورشی پیا شده و جاپان آن را بقوه فوجی خود فرو نشانند. شهنشاه و کوریا به ۲۹ اگست ۱۹۱۰ تحت و تاج کوریا را برای جاپان واگذار شد. بعد ازین تاریخ کوریا رسماً تحت اداره و تسلط جاپان درآمد، و تا حال يك مستملکه مهمه جاپان میباشد اما روح آزادی و استقلال کوریائی ها گم نشده، چنانچه در سنه ۱۹۱۹ اهالی کوریا قریباً به تعداد (۲۰۰,۰۰۰) نفر بغاوت غیر مسلح نموده اعلان آزادی خود را کردند ولی حکومت جاپان قوراً سر کرده آنها را محبوس نمود، و این بغاوت فرو نشت.

نا گفته نماند که بودائیت از قرن دهم الی قرن چهار دهم فوقیت داشت اما بعد از ان دین کاتولیومی رواج یافت و حال هم همین دین، دین عمومی کوریائی ها میباشد، آنها پرستش آبا و اجداد را نیز ملحوظ دارند، علاوه تا به شیاطین موهومی نذر و نیاز میدهند تا آنها به قهر و غضب نشوند. نصارای یورپ سعی بلین در تبلیغ دین مسیحی دارند چنانچه درین ایام ۲۵۰ هیئت مبلغین پروتستانی و ۶۰ هیئت از رومن کاتولیک در کوریا شفاخانه ها و یتیم خانه ها و مکاتب ابتدائی و عالی را تاسیس و انجیل را در زبان کوریائی ترجمه نموده مصروف تبلیغ و اشاعت دین مسیحی میباشند.

مانچوریا

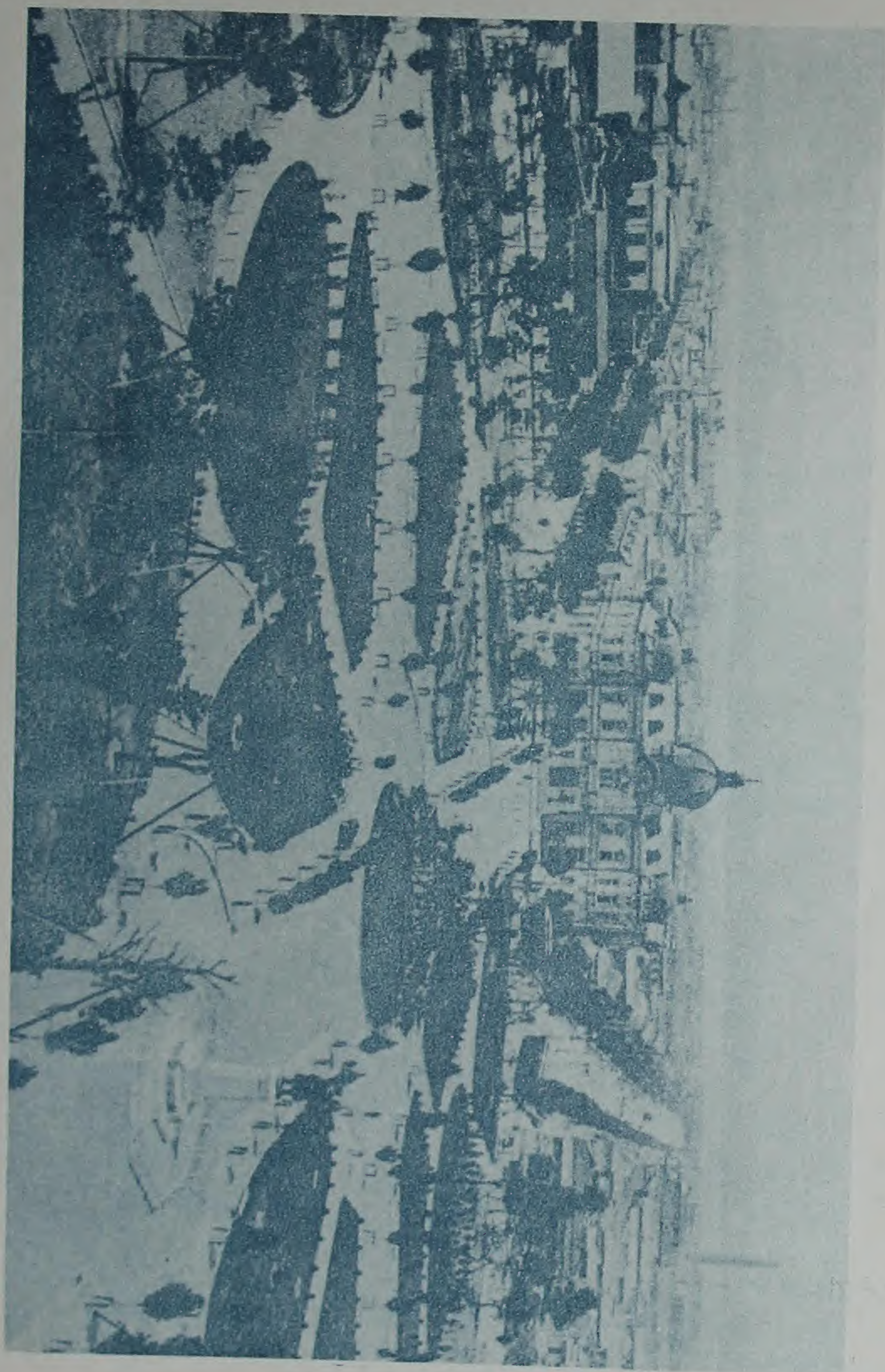
مانچوریا مملکتی است واقع به شمال مشرق چین خاص و دارای ۳۸۲,۰۰۰ مربع کیلومتر مساحت و نفوس آن عبارت از نفر است.

خاک مانچوریا در تاریخ چین از زمانه های بسیار قدیم نمایان و حصه مهمی را دارست در ازمته سابقه ریاستهای متعدد هتولی از خاندان چو، بريك قسمت مانچوریای جنوبی قابض و حکمران بودند و وقتاً فوقتاً خاندانهای قوی تر چینی بر حصص مذکوره دست تعدی دراز میکردند. در قرن دهم میلادی ازین قوم خاندانی موسوم به لیاؤ زمام ریاست را در دست گرفت و آنها نه فقط بر قسمت مانچوریا حکومت میکردند بلکه قطعات منگولیا و چلی را نیز در تصرف خود آورده بودند.

در قرن دوازده قوم نوچن ختیا نها را برانداخته دودمان کین را بر سر حکومت آورده بودند کین ها که شاخی از قوم نوچن بودند چین شمالی را گرفتند از ان به بعد مغولها استیلا نموده نوچن ها را برانداختند. در قرن شانزدهم میلادی مانچو ها (که پادشاه فعلی مملکت از همین خاندان است) تحت قبادت (نور ها چو) اقتدار و برتری حاصل کرده بقدری قوی گردیدند که بالاخره در قرن هفدهم میلادی تمام چین را فتح نمودند.

بعد از کشف امریکه دول مغربی بطرف شرق تمایل نمودند و در اکثر حصص مشرق زمین بسرعت پیش میرفتند ولی تهاجمات آنها را (کیانگ هسی) پادشاه آنوقت مانچوریا در چین معطل کرد.

در قرن نوزدهم (۱۸۵۸) بواسطه سوء اداره داخلی چین روسیه تزاری بر کل علاقه جات شمالی دریای آمور قابض گشت و در سنه ۱۸۶۰ علاقه مشرق آسوری را گرفت و مقارن همین اوقات بعضی دیگر



دول مغربی سواحل چین دست یافته تجارتخانه ها بنا نمودند ولی م امتیازات تجارتی و غیره از حکومت چین حاصل می برداشتند در سنه ۱۸۹۰ جایان جزیره نمای (لیاوتنگ) را قبضه نمود ولی دوباره جزیره مذکور بامداد روسها به چین مسترد شد متعاقباً خود روسها بندر آرتور را بیست و پنج ساله اجاره کردند و یکخط آهن از هاربین الی مکدن تمدید نمودند در سنه ۱۹۰۰ روسها قشونی در مانچوریا گسیل نمود تا بغاوت (یکسرها) را فرو نشاند و بعد ها با وجود اجتماع ها در کشیدن قشون خود مسامحه ورزیده بلکه در حدود مقبوضه خویش به تعمیر استحکامات نیز پرداخت.

آخر این پیشرفت روس در مانچوریا و چین حوصله جایان را برآورد و به دولت روس اعلان جنگ داد و بحاربه مشهور روس و جایان بعمل آمد و روسها در آن بحاربه مغلوب گردیدند و جایان بواسطه معاهده پورتسمت مقبوضات روسیه را متصرف گردیده و درعلاقه مانچوریا نفوذ زیادی پیدا کرد.

در سنه ۱۷۷۶ شاهان مانچو برای اهالی چین اجازه داده بودند که بعلاقه فنکتین ایالت جنوبی مانچوریا هجرت کرده آباد شوند و در آخر قرن نوزدهم مجبوراً اجازه اقامت علاقہ (کی این) را نیز با اهالی چین دادند و عده زیادی از دهاقین چین شمالی در زمین های لامزرع مانچوریا رفته آباد شدند و در اختتام همین قرن قرار احصائیه تعداد نفوس مانچوریا به چهارده میلیون نفر می رسید که فی صد هشتاد آن چینی بودند لهذا از مهاجرین چینی و مانچوریهای قدیم اختلاط مهم نسلی شده صرف نفوس خالص مانچوها در علاقہ ایگون حصه شمالی مانچوریا باقی ماند.

در سال ۱۹۳۳ نظر به تشویق جایانها که به مرور چند سال به تعداد مهاجرین چینی افزوده بود احصائیه نفوس مانچوریا به ۲۷ میلیون میرسید که از آن جمله نود فیصد چینی بودند و بالغ به (۲۵۰۰۰۰۰) نفر نفوس جایانی نیز در آنجا اقامت گرین گردیدند ازین به بعد بواسطه کثرت نفوس خارجی رخنه در استقلال سیاسی مانچوریا پیدا شده وضعیت یک علاقہ سرحدی را بین حکومت چین و جایان پیدا کرد، دول خارجه مخصوصاً روس و جایان با نظر حرص بطرف آن ملاحظه میکردند.

در اواخر همین قرن یعنی قرن ۱۹ دولت چین خیلی کمزور شد و خانه جنگیها در آن سرزمین قائم گردید جایان موقع را غنیمت شمرده بنام حفظ امنیت مانچوریا و خط آهن خود که بقدر هفتصد میل در آنجا دارد یکمقدار قشون زیاد را وارد مانچوریا نمود و به تسلط او خیلی افزوده از معادن و زراعت آنجا کارمبگرفت مخصوصاً بقرار معاهده پورتسمت جایان امتیازات زیادی در مانچوریا حاصل کرد.

ملت چین آخراً بواسطه فشارهای دول اجنبی در سال های ۱۹۰۵ و ۱۹۲۷ بر علیه دول خارجه مثل امریکا، ژاپن، برطانیه اعتصاب ها کردند و در سال ۱۹۳۱ اعتصاب شدیدی بر علیه جایان کرده پادشاه موجوده مانچوریا که در آن وقت شاه چین بود وی را خلع نمودند.

بعد از خلع این پادشاه ملت چین می خواستند امتیازات ممالک خارجه را از ساحت چین لغو مخصوصاً نفوذ جایانرا از مانچوریا قطع کند بالاخره بواسطه خراب شدن یک حصه خط آهن جایان در مانچوریا الزام جایانیها بر علیه چینی ها و اعزام یک هیئت تحقیق جایانی در آنجا و قتل یک نفر صاحب منصب جایانی بدست چینیها ها آتش حرب بین چین و جایان مشتعل گردیده در آخر دوات جایان استقلال مانچوریا را اعلان نموده شاه موجوده که (هان تنگ) نام دارد و در سال ۱۹۰۶ تولد شده و بسن دوسالگی به سلطنت چین رسیده بود و پادختر بکنفر رئیس مانچوریا ازدواج کرده است آنرا دوباره در مانچوریا بسلطنت برقرار نمودند.

گویا مانچوریا عجله دولت مستقل و متحد جایان به شمار می رود.

مکاؤ و تمور

از مقبوضات وسیع سابق پورتگال در شرق اقصی و جزائر شرق الهند مکاؤ و تمور باقی مانده است .
مکاؤ بندریست بساحل چین بیش دهانه دریای کانتن که مساحت آن عبارت از ۱۰ کیلومتر مربع و نفوس آن مساوی ۱۵۷۸۰۵ نفر می باشد .

و تمور پورتگالی که عبارت از نصف شرق جزیره تمور است در جزائر شرق الهند واقع است ، مساحت آن ۱۸۹۸۹ کیلومتر مربع و دارای ۴۵۱۶۰۴ نفر نفوس است .

در ابتدای قرن ۱۶ بحر پیمایان پرتگالی در قطعات بحر مصروف کشف ، تجارت و فتوحات گردیده در سنه ۱۵۰۱ م دد هند بمقات کوچین و کالی کت تجارتخانه ها تاسیس نمودند ، در سنه ۱۵۰۶ پورتگالیها به جزیره سیلون وارد گردیدند ، در سنه ۱۵۱۵ م البوکرک در خلیج فارس جزیره هرمز ، در سنه ۱۵۱۷ مقام گوا در ساحل مالابار ، در سنوات ۱۵۱۲ و ۱۵۱۴ بعضی حصص جزائر مولوکارا در شرق الهند بتصرف خویش درآوردند ، در سنه ۱۵۱۷ به چین و در سنه ۱۵۴۷ به جاپان وارد شدند .

بعد ازین تاریخ دامنه تصرفات ایشان توسعه یافته ، بنادر متعددی را بر سواحل ایران و مالابار و سیلون و هند چینی و جزائر شرق الهند متصرف گردیدند .

قدیمترین مستعمرات اروپاییها در شرق اقصی بندرگاه مکاؤ است که پورتگالیها در سنه ۱۵۵۷ از دولت چین آنرا باجاره گرفته و تا سنه ۱۸۴۹ پول اجاره را به حکومت چین تادیه می نمودند ، از سنه مذکور به بعد مکاؤ را جزو مستعمره پورتگال محسوب نموده و از تادیه پول اجاره دست گرفتند . چین این مسئله را باین شرط قبول نمود که مکاؤ را بدون رضای چین پورتگال بدوات دیگری ندهد و در اخذ گمرک تجارت تریاک با حکومت چین متحد باشد . اما موضوع تحدید سرحد تاکنون فیصله نشده مناقشات باقی است .

مقبوضات پورتگال در جزائر شرق الهند در اثر محاربات با مسلمین و هالندیها و غیره ، یکی بعد دیگری از تصرف پورتگال خارج شد و در سنه ۱۸۵۹ بموجب معاهده نصف جزیره تمور به پورتگال و نصف غربی جزیره بهالندیها تعلق گرفت و مسائل سرحدی در سنه ۱۹۰۸ فیصله شد .

مکاؤ و تمور در سابق از یک مرکز اداره میگردد در سنه ۱۸۹۶ م این دو مقام از هم جدا شده ، مرکز تمور دیلی ، و از مکاؤ خود مکاؤ است .



پاکستان کے دارالحکومت اسلام آباد میں واقع ایک عظیم الشان حکومتی عمارت

ملایا

جزیره نمای ملایا بانجام جنوب مشرق آسیا واقع و بجزیره نمای هند چینی مربوط است مساحت آن مساوی کیلومتر مربع و نفوس آن عبارت از نفر است این مملکت تماماً کوهستانی و دارای جنگلات وسیع کوهی می باشد، بومیان قدیم اینجا سیاهان پست قد بوده و دیگر اهالی عبارت از ملائیهها هندیها، چینیهها و سیامیهها می باشند. از باعث موقعیت جغرافیائی جزیره نمای ملایا مال التجاره بحری بین چین و جزائر شرق الهند با ممالك جنوب و غرب آسیا از ساحل عبور می کند، و نیز مرکز تقسیم (چهار مصالح) که از مال التجاره قدیم دنیا است، میباشد بنابراین سواحل و بنادر آن از ازمنه قدیمه آباد و گمان می رود دارای مدینتی بوده است، اما چون تاریخ قبل الاسلام آن روشن نیست نمیتوان از چگونگی مدینت قدیم آن بحث راند.

از قرائن چنان استنباط میگردد که در زمانهای بسیار قدیم تجارت ملایا بطور انحصار بدست تجار سواحل هند بود، چنانچه میگستیز یوتانی که از طرف سیلوکس بدر بار (چندر کپتا) در قرن ۳ قبل المیلاد سفیر بود در کتاب خود از آن نام می برد به تحقیق پیوسته است که سواحل ملایا در قرن اولیه مسیحی بهند تعلق داشت چنانچه آثار بودائی و کتیبه هادر السنه دکنی از قرن ۴ مسیحی و آثار معابد برآهمنی و کتیبه ها در رسم الخط ناگری که در شمال هند از قرن ۷ تا ۱۰ رایج بود در آنجا یافت شده اثبات مدعا می نماید در قرن ۹ میلادی قراقرات تحریرات جغرافیا دان شهیر اسلامی (ابن خردادبه) این جزیره نما هم بامپراطوری عظیم (پالم بانگ) تعلق داشت و در باب بنادر سنگاپور و کیده هم اشاراتی در کتاب المسالك والممالك علامه مذکور بدانجا شده. در ابتدای قرن ۱۳ م راهب بودائی (چاوجوکوا) در بیان مسافرتهاى خود ذکر می کند که (کیده کیلان تان، پاهانگ، ترنگانو) مطیع سلطنت بودائی سوماترا که مرکز آن در (پالم بانگ) بود، بوده اند.

کتاب تاریخی جاوا نشان میدهد که در قرن ۱۳ و ۱۴ نفوذ امپراطوری برآهمنی ماجاپاهت (جاوا) تا جزیره نمای ملایا وسعت یافته بود و راجگان آن دیار تحت تسلط و باج گذار او بودند.

در همین قرون تجار اسلامی از ساحل مالابار و سواحل عرب جهت تجارت به جزیره نمای ملایا و جزائر شرق الهند آمد و رفت نموده و ضمناً به تبلیغ دین نیز می پرداختند چنانچه در سه ۱۲۹۱ م که مارکوپولو سیاح ایتالوی وارد این دیار گردید مسلمانان و مسلمانی را در آن دیار دید.

در قرن (مابعد) میلادی اهالی چین دین منیف اسلام را قبول کرده امپراطوری سری و جیا (پالم بانگ) را در سوماترا برانداختند و بتصرف مستملکات ملایا و تبلیغ دین اسلام درین دیار پرداخته و در قرن ۱۴ و ۱۵ دیانت خویش را در آنجا تعمیم و استحکام بخشیدند. کتیبه اسلامی از عصر ۱۴ بلسان ملائی و رسم الخط عربی از زمان (سری یا دوگاتوان) شاه اسلامی آنولا که در آن شاه مذکور حکام خود را باستحکام و نشر مذهب اسلام حکم و تاکید می نماید، کشف گردیده است.

ابن بطوطه که در قرن () میلادی وارد سوماترا گردید شرحی در باب این ممالك نگاشته است.

تا قرن ۱۵ میلادی تمام تجارت و سلطنت بدست مسلمانان جزیره بود، بعد از آن در ابتدای قرن ۱۶ پرتگالیها جهازات جنگی خویش را به ملایا فرستادند اما از قشوت سلاطین ملایا شکست فاحش یافتند ولی در سنه ۱۵۱۱ م البوکرک بر بندر ملاکا استیلا جست، سلاطین ملاکا قبل از آمدن پرتگالیها اکثر رؤسای محلی حصص جزایر را تحت سلطه و اقتدار خویش آورد و بادختران ایشان از دواج تموده بودند، و قتیکه پرتگالیها بندر ملاکا را استیلا نمودند سلطان مرکز خود رایه (جوهور) قرار داده و تا سه صد سال نفوذ و اقتدار سلاطین جوهور بر جزیره نمای ملایا و جزائر شرق الهند برقرار بود و در شکستن

قوة پرتگال بسی جد و جهد ورزیدند در نتیجه هالندیها ازین کشمکشها مستفید شدند و بعضی ریاستها که در حصه شمالی جزیره نمای ملایا واقع بودند تحت حمایه شاهان سیام درآمدند.

در سنه ۱۵۲۸ فرانسویها، در ۱۵۹۱ انگلیسها، در ۱۵۹۵ هالندیها به نواحی ملایا در انحصار تجارتی اهالی پرتگال مداخله نمودند در سنه ۱۶۴۱ اهالی آچین (سوماترا) پرتگالیها را از ملاکا راندند و هالندیها که با آچین در راندن پرتگالیها در آن وقت اتحاد داشتند جانشین پرتگالیها گردیدند. پرتگالیها و هالندیها به سبب قوت و مخالفت رؤسای محلی نتوانستند نفوذ پیدا کنند و غیر از بندر ملاکا در آنجا وسعت نیابند تنها به انحصار تجارت اکتفا ورزیدند.

در سنه ۱۶۱۳ انگلیسها تجارتخانه مسلحی در حکومت پینی تاسیس نمودند ولی در سنه ۱۶۳۰ م رئیس آن بمقابله هالندیها مقتول و تجارتخانه مذکور مسدود شد.

در سنه ۱۷۸۶ م انگلیسها بندر (پنیانگ) را از سلطان (کیده) و در سنه ۱۸۱۹ م بندر شنکا پور را از سلطان جوهور خریدند.

در سنه ۱۸۲۴ ملاکا را که قبلاً در ایام جنگهای ناپولیون بتصرف انگلیس آمده بود تبادله از هالندیها گرفتند هر سه این نقاط در اول از طرف حکومت برطانوی هند اداره می شدند در سنه ۱۸۶۷ م بصورت مستعمره جداگانه تشکیل یافت در سنه ۱۸۷۴ م حکومت پراک تحت حمایه برطانیه قرار گرفت و ریاسات باقیمانده بعد از آن یکی بعد دیگری تحت الحایگی برطانیا را پذیرفتند.

در سنه ۱۹۰۹ م چهار ریاست (کیلاتان ماترانگانو، کیده، پراس) که هفت سال قبل از قرار معاهده ۱۹۰۲ م تحت حمایه سیام تسلیم شده بود، سیام حقوق خود به برطانیا واگذار نمود.

کنون ماسوای ریاست (پالاوان، ساتوم، پاتانی و غیره) که تحت الحایه سیام میباشند و مستعمره موسوم به ستریت سلیمان تحت الحایه برطانیایی باشند. ملایا ریاسات ذیل منقسم است:

پیراک سیلانگور، سونگائی او جونگ، جلی بو، جوهور، ریتبا، او او او نو وار، جیم پول، تیراجی، گونونگ یاسیرای ناس، پاهانگ جوهور، کیلاتان، ترنگانو. کیده، پراس.

منگولیا

کشور منگولیا (مغولستان) سطح مرتفع وسیع است که در شمال شرق چین واقع شده و مسافت آن تخمیناً ۳ میلیون کیلومتر مربع و اکثر حصص اراضی آن بی آب و غیر مزروع است.

از آغاز تاریخ این سرزمین، مهد آرامش اقوام سلحشور و خانه بردوشی بوده که در مواقع حوادث خانه بر انداز و شهر آشوب از کشور خود مهاجرت نموده اساس بزرگترین دول متمدنه آسیا و اروپا را از بیخ و بن بر انداخته و مقدرات آینده ملل را بطرح دیگری ریختند.

در تحت قیادت و فرمانفرمائی چنگیز خان و سلاله او (۱۱۶۲ و ۱۲۲۷ میلادی) مغولستان مرکز امپراطوری نصف جهان آنوقت بوده از بحیره بالیک و بحر سیاه تا بحر الکاهل و از بحر منجمد شمالی تا بحر هند تماماً در تحت تصرف و تسخیر آنها بوده است.

در سنه ۱۲۶۰ قبلائی خان نواده چنگیز خان تمام ممالك چین را تحت تصرف و اقتدار خود در آورده و سلاله شاهی یوان را تاسیس و روی کار آورد و تا مدت ۱۰۸ سال مغولستان جز و ممالك شاهنشاهان مغولی چینی شناخته میشد. بعد از انقراض سلاله یوان بدست منگها مغولستان از چین مجزا گردیده و شکل ملوک الطوائفی اختیار نمود و درین فرصت شاهان چین با تمام موجودیت خود سعی میکردند که دوباره ممالك چین را

بتصرف خود بیاورند تا اینکه در سنه ۱۶۸۹ در مجلس دولونور تمام امرای مغلستان اجتماع نموده سلطنت شاهنشاهان مانچوی چین را قبول کردند ، بعد ازینواقعه تاریخ مغلستان جزو تاریخ چین بشمار می رود ، در اواخر قرن ۱۹ شاهنشاهان چین از ترس استملاک جاپان و روس اهالی چین را تشویق نمودند تا اراضی وسیعاً لا مزروع مغلستان را آباد نمایند .

اهالی مغلستان حیات قبیله وی دارند و هر قبیله بنام (چی) که معنی آن توغ است یاد میشود ، علاوه برین هر توغ مالک یک خان بوده و هر خان هم بنام جک نامیده می شود و چند قبیله که از یک صلب و نسل باشند بنام ایماق یاد می شوند .

طرز حکومت :

منگولیا در شش ناحیه منقسم است و هر ناحیه در تصرف یک رئیس قومی است و هر رئیس برای اجرای امور اداری یک معاون چینی دارد که بتصویب حکومت چین معین می شود ، و این شش ناحیه یا بعبارت دیگرشش ایماق بچندین هوشن های دیگر منقسم است و هر هوشن راجک آن بامامور چینی که از طرف حکومت معین شده اداره می نمایند .

حکومت منگولیا خراج سالیانه را بحکومت چین تادیه نمینماید ، ولی برای اجرای امور امنیه ، پوسته ، و حرب تفری ئیکه در آن موقع بکار باشد آماده و مهیا می نماید .

بعد از انقلاب چین حصه که ملحق به روس آسیائی است در اثر تحریک روس جدا شده یک جمهوریت شورائیه تشکیل داده است . و حصه شرقی آن ضمیمه امپراطوری جدید مانچوکو گردیده است .

نجد

نجد در مرکز عرب واقع بوده تخمیناً سه ملیون نفوس دارد - قبایل چادر نشین از ازمئه خیلی قدیم در دشت و نخلستان نجد بهمرای کله ها و رمه های خود گشت و گذار می کنند مهمترین قبیله های بدویها قبایل شمر ، حرب ، عتیه ، مؤتر میباشد در نجد نخلستانهای زیاد وجود دارد لهذا بعضی اهالی پیشه زراعت هم دارند .

در سنه ۸۸۷۱ و قتیکه مدحت پاشا در الحاص قشله خورد عسکری را بنا نهاد نجد رسماً در حدود سلطنت ترکیه درآمد اما در استقلال داخلی این خطه چیزی تأثیر نینداخته بود چنانچه محمد ابن رشید در حائل و عبدالله ابن سعود در ریاض حکمرانی می کردند در سنه ۱۸۹۲ ابن رشید خلاف ابن سعود لشکر کشی نموده به مقام عنیزه فتح حاصل کرده حکمرمای کل نجد گردید - اما جانشین او عبدالعزیز ابن رشید حکمرانی را دوام داده نتوانست و اگرچه ترکها برای او امداد رسانیده بودند لیکن ابن سعود در سنه ۱۹۰۵ او را شکست داده در نجد غلبه حاصل کرد - ابن سعود در سنه ۱۹۱۴ الحصار را از ترکان گرفته حدود سلطنت خود را تا به خلیج فارس توسیع داد اما بدوران حرب عمومی خلاف ترکان برادر آن دینی خود جنگ نکرد و بعد از اختتام جنگ عمومی در سنه ۱۹۲۰ بعضی حصص عشیر را فتح کرد . در سنه ۱۹۲۱ حائل و دیگر علاقه امیر جبل شمر را به تصرف خود آورد و در اواخر ۱۹۲۵ شاه حجاز را برانداخته حجاز را اشغال نمود .

در حدود سلطنت سلطان نجد شیخ های متعدد بر علاقه ها حکمرانی می کنند و قانون حکومت خالصاً شریعت بیضای اسلامی است ، بعضی وقائع مهمه زیر عنوان عرب و حجاز بیان شده .

نیپال

اولین خانواد های تاریخی نیپال گیتا بوده موسس آن فی مونی Ne Muni نامدارد بعد از آن خانواد های متعددی به سر اقتدار آمد که مشهور ترین شان اهر Ahir کر اتی Kirati سوماو انشی Somavanshi سوریا و انشی Suryavanshi تکوری Thakuri ویشه تکوری Vaishya Thakury و کر ناتا کی Karnataki بودند - تا سال ۱۳۲۴ وقائع این مملکت به تحقیق معلوم نیست ولی در سال مذکور راجای سیمرون Simraun که از محمد تغلق شکست خورده بود به نیپال حمله ور گردیده آنرا فتح نموده ازین خانواده چهار نفر پسر بر سر اقتدار آمدند ولی بعد از آن شهزاده راجیوت جیابدر Gayabhadra malla بران سلطه یافت حکمدار هفتم این خانواده جیاس فی تی Gayastithi malla از سنه ۱۳۸۶ تا سنه ۱۴۲۹ بعضی قوانین و مراسم طبقات ملی را در مملکت خود ترویج داد این خانواده در سنه ۱۷۶۸ بواسطه گورکها منقرض گردید ، گورکها از مقابل مسلمانان گریخته اول بر کوه های کوماون Kumaon حمله آوردند سپس در تحت سرکردگی راجا پرتوی نرائن بطرف نیپال پیش قدمی نموده و آنرا متصرف گردیدند در سنه ۱۷۶۵ انگلیس ها برای کمک راجای کتمند و عسکری در تحت کیتن کن لوج Kni loch فرستادند ولی بنا کای مراجعت نمود پرتوی نرائن در سنه ۱۷۷۴ درگذشت پسر بزرگش پرتایا سینا Pratapasinha بعد از سه سال حکومت درگذشت رانا بهادر شاه پسر پرتایا سینا بچه خورد سال بوده ازین جهت امور اداری را عموماً او بدست گرفت در سنه ۱۷۹۰ گورکها برتبت حمله بردند ولی بعد از سه سال جنگ به معاهده نو اکوت Noakote مجبور گردیدند در ۱۷۹۱ ، ۱۷۹۲ معاهدات تجارتی بین انگلیس و گورکها امضا گردید .

در سنه ۱۷۹۵ رانا بهادر اداره حکومت را بدست گرفت و در سنه ۱۸۰۵ بواسطه ظلم خود بقتل رسید در سنه ۱۸۱۴ آتش جنگ در بین انگلیس و نیپال در گرفت در نتیجه نیپالها نمایندگی انگلیس را در کتمندو و بعضی اراضی را در حق انگلیس قبول نمودند در سنه ۱۸۵۰ جنگ بهادر حکمران نیپال به انگلستان سفر نمود و چون بوطن خود بازگشت متوجه اصلاحات بوده و خدمات بزرگی برای نیپال بعمل آورد در سنه ۱۸۵۴ نیپالها بر علیه تبت داخل جنگ گردید و این جنگ کاملاً بفائده شان انجامید در شورش هند جنگ بهادر با وجود مخالفت شدید ملت طرفدار انگلیس بوده کمکی برای شان فرستاد و حتی بالاخره خودش بسرکردگی هشت هزار عسکر و ۲۴ توپ برای معاونت انگلیس داخل هند گردید ، در عوض این خدمات انگلیس او را القاب و اسلحه و عسکرش را انعام داد . جنگ بهادر در سنه ۱۸۷۷ درگذشت و برادرش را نادپ سنگ بهادر بر سر اقتدار آمد ولی در سنه ۱۸۸۵ در نتیجه شورش بزرگ به قتل رسیده و شمشیر جنگ به سلطنت رسید که بعد از ۶ سال حکومت درگذشت و برادرش دیب شمشیر جنگ به سلطنت رسید اما بعد از چند ماه به ترك وطن مجبور گشت و سلطنت را در حق برادرش چندر شمشیر جنگ گذاشت مشارالیه در جنگ تبت و انگلیس بطرفداری موخرالذکر بوده کمک عسکری نمود و در جنگ عمومی نیز بطرفداری انگلیس بوده تمام عسکر خود را برای کمک شان پیش نمود و تقریباً ده هزار نفر شان در ایام جنگ در داخل هند و سرحدات آن برای انگلیسها خدمت نمودند و در جنگ استقلال افغانستان سنه ۱۹۱۹ دو هزار نیپالی به کمک انگلیس آمد .

انگلیس بدوران جنگ عمومی به مهارا جه نیپال وعده داده بود که نیپال استقلال خارجه خواهد داشت چنانچه درین ایام جرنیل بهادر شمشیر سنگه اولین سفیر مهارا جه نیپال است که در لندن مقرر شده .

هند چین فرانسوی

هند چینی فرانسوی بطرف شرق جزیره‌ی نمای هند چینی واقع است، بشمال آن چین و بمشرق و جنوب آن بحر چین و بمغرب آن مملکت سیام واقع است، مساحت آن مساوی ۷۴۱۲۵۰ کیلومتر مربع و نفوس آن عبارت از ۵۸۲۵۹۹۰ نفر است. اداره‌ی مملکت بشش حصه تقسیم یافته: ۱ کوچن چین یا حصه جنوبی مستقیماً بطور مستعمره فرانسه اداره میشود ۲ کوانگ چاو و ۳ وان از مملکت چین بطور اجاره گرفته شده باقی چهار مملکت: انام، کمبودیا، تانکینک، لاؤس تحت الحمايه فرانسه میباشند.

مناطقیکه تاریخ انام در آنها صورت گرفته، از احاطه جغرافیائی امروزه آن مملکت تجاوز میکنند. بقرار معلومات موثوقه اولیه انامی ها مردمانی بودند وحشی و زراعت بیشه که بواسطه آلات سنگی بسیار ابتدائی زمین را شیار می نمودند و به رؤسای محلی ملوک الطوائفی اطاعت داشته در جلگه یست (رود سرخ) یا (میکونگ) زیست داشتند. بعد کم کم از مملکت چین مدینت کسب کردند به این قسم که چینی ها قبل از عهد مسیح به شمال مشرق شبه جزیره هند چین داخل شده، ابتدا آن قسمت را فقط تحت الحمايه خود ساخته برسوم و عادات بومی ها هیچ تعلق نگرفتند اما از قرن قبل از میلاد و مخصوصاً پس از آنکه تونکن بواسطه جنرال چینی موسوم به (مالی وان) در سنه ۴۳ بعد از میلاد فتح شد، حکام مملکت را کاملاً جزو چین ساخته بیک ولایت چینی تبدیل کردند. و مردم زیادی از چین در آنجا وارد شده عادات، اخلاق، و رسوم مدینت، زبان، ادبیات، عقائد و مذهب چین را با خود آوردند. این حاکمیت شدید انقلاباتی را بوجود آورد ولی معیناً در حدود یک قرن دوام کرد. و در عین حال ملوک الطوائفی از بین رفته، مردم انام به اداره و حکومت منظم و با مرکز عادی شده، به این قسم علاوه بر اخذ مدینت، قوت ملی پیدا کردند چنانچه در قرن دوم و قتیکه در اثر انقلابی، یک رئیس ملی جای حاکم چینی را گرفت، دولت انام چنان اتفاق و قوتی را مالک بود که بواسطه آن بعد ها توانست رول درجه اول را در تاریخ تمام شبه جزیره بازی کند.

پس از سه سلسله کم دوام و سلاله (لی ها) از ۱۰۱۰ تا ۱۲۲۲ و (تران ها) تا ۱۴۱۳ حکومت کردند و در خلال این اوقات دولت انام با همسایگان خود یعنی بعضی اوقات با چینی ها در شمال و بیشتر با سلطنت (چامپا) در جنوب می جنگید. معیناً در ۱۴۱۴ تا ۱۴۱۸ خاندان (منگ ها) موفق شد که باریگر حاکمیت چین را در انام برقرار کند. اما یک نفر انامی موسوم به (لی لوا) سرکردگی هموطنانش را بدست گرفته مدت ده سال بمقابل چین جنگید و در ۱۴۲۸ فتح کرده اعلان امپراطوری نمود. خاندان (لی) که بواسطه او تاسیس شد تا ۱۷۸۹ حکومت داشت.

درین دوره طویل سلطنت چامپا فتح شده حکومت انام به آخر شبه جزیره رسید و از قرن ۱۷ بدخل دولت کامبودجیه (کوشنشین حالیه) نفوذ کردند. بعد جنگ های داخلی روی کار آمده، قدرت شاهان (لی) کاسته شد. حکمرانان حقیقی انام در قرن ۱۷ و ۱۸ دو خاندان رقیب است که یکی موسوم به (نگوی بن) در جنوب (کوشنشین حالیه) و دیگر (ترینه) در شمال (سلطنت تونکن) حکومت میکردند. جنگ های خونین مابین هر دو دولت مزبور رخ داده در همین وقت است که اروپائی ها شروع به رفت و آمد کردند چنانچه هیئت های کاتولیک بار اول در ۱۶۱۵ به کوشنشین و در ۱۶۲۶ در تونکن پیاده شدند و تجارت شرکت هالندی هند در ۱۶۳۶ در تونکن جا گرفته، بعد تجارت انگلیسی در ۱۶۷۲ و بالاخره تجارت فرانسوی در ۱۶۸۴ در آنجا اخذ موقعیت نمودند.

اخیر قرن ۱۸ برای انام یک دوره انقلاب داخلی شدیدی بود زیرا بدامنی به منتها درجه رسیده، شرار کوشنشین و بعد تونکن را گرفته رئیس آنها اعلان شاهی نمود (۱۷۸۵) اما یکی از اولاده خان های کوشنشین به تحریک اسقف (اردان) به فرانسه متوسل شده، لوی ۱۶ بواسطه معاهده و رسای (۲۸ نومبر ۱۷۸۷) کمک خود را وعده نمود. با آنکه معاهده اجرا نشد شهزاده مزبور به کمک چند نفر صاحب منصب فرانسوی موفق به دفع انقلاب شده، مملکت را متحد ساخت و سلسله جدید (نگوین) را تشکیل داده بنام

(ژیا لونگ) بسلطنت برآمد (۱۸۰۲ - ۱۸۲۰) .

اخلاف ژیا لونگ سیاست دیگری را تعقیب نمودند . به این معنی که دست فرانسوی ها را از کار کشیده و با آنها رفتار زشت را شروع کردند چنانچه در وقت (تیودیوک) کشتی های جنگی فرانسه به مداخله و بعضی مظاهرات از قبیل بمباردمان توران (۱۸۴۷) و غیره مجبور گردیدند . و بعد ها در اثر فشار های مزیدی که بر فرانسویها وارد آمد ، ناپلیون سوم و ادار به مداخله گردیده در نتیجه عملیاتی که به آهستگی اداره میشد ، ابتدا جزیره (یولو کوندور) و سه ولایت جنوبی (۱۸۶۲) و بعد تمام کوشنشین سفلی به فرانسه تعلق گرفت (۱۸۶۴) .

اما (تیودیوک) با وجود از دست دادن قسمت کلی اراضی خویش هنوز هم خود را در نواحی شمالی محکم کرده و بالاخره در اثر واقعات متعددی که از ۱۸۷۳ تا ۱۸۸۹ دوام کرد و بیشتر آن در حصه تونکن واقع گردید ، تمام انام و تونکن و کوشنشین تحت الحمايه فرانسه شد .

پس از دو سلطان کم دوام یک برادر زاده (تیودیوک) به شاهی انام رسیده ، (۱۸۸۵ - ۱۸۸۹) و از انوقت به بعد چندین نفر دیگر بنام امپراطور تحت الحمايه فرانسه در انام سلطنت نموده اند که آخر آنها (ونه تهوی) است (۱۹۲۵) .

امپراطور موجوده انام (باؤ دائی) و شاه کمودیا (سی سوات مونی وونگ) نام دارند .

هانگ کانگ

هانگ کانگ مجموع جزیره و جزیره نمائی است که بردهانه دریای کانتون بساحل چین واقع است . مساحت آن عبارت از ۰۱۲ کیلومتر مربع و نفوس آن مساوی ۸۴۹۷۵۱ نفر است که ۹۶ فیصد آن چیتی می باشد با وجودیکه اهالی اروپا در قرن ۱۶ به سواحل چین وارد گردیده مشغول تجارت شدند ولی تا ابتدای قرن ۱۹ حکومت امپراطوری چین سفرای آنها را بدرجه مساوات قبول نه نموده بلکه بحقارت بایشان نگرسته مانند نمایندگات رؤسای ما تحت بانها رفتار میکرد . و تجار اروپائی را جز به یک بندرگاه معین هرگز اجازه پائین کردن اموال نداده و بجز تاجر مخصوص بدیگر تجارت نیز نمیداد ، اگر فرضاً یکی از اتباع یکی از ممالك اروپا مصدر جنحه و جنایت میگردد تمام بتعه همان ملت تحت محاکمه قرار میگرفت ، چون تجارت و ورود تریاک در مملکت ممنوع بود و تجار برطانوی بیشتر به تجارت قاچاق تریاک مشغول بودند باین واسطه مابین تجار برطانوی و حاکم کانتون مناقشات تولید گردیده و این مسئله باعث شد تا حکومت برطانوی بغرض پیشرفت تجارت تریاک با چین جنگ نماید و پس از محاربه سه ساله دولت چین برای انگلیسها جزیره هانگ کانگ را واگذار شد .

از سنه ۱۸۴۲ تا ۱۸۴۹ م اساس ثروت هانگ کانگ تجارت تریاک بود ، بعد از آن از هانگ کانگ نفری زیادی بغرض کار کردن در کانهای طلای استرالیا و امریکا رهسپار شده و این مسئله نیز بر ثروت هانگ کانگ افزود .

بعد ها چین در ترقی تجارت تریاک تسهیلاتی بیش نمیکرد دولت برطانیه بار دوم در ۱۸۵۷ با چین داخل محاربه گردیده در سنه ۱۸۶۰ جزیره نمای کولون را تصاحب نمود .



منظره يك بازار هانك كابل (چين)

وقتیکه کانال سوئز در سنه ۱۸۶۹ افتتاح گردید اهمیت هانگ کانگ دوبالا شد، در سنه ۱۸۹۸ برای استحکام مزید آن مضافات آنجا را ۹۹ ساله با جاره از حکومت چین گرفتند، و باین واسطه يك نقطه مستحکم حربی و مرکز قوای بحری و بندرگاه تجارتی در شرق اقصی گردید، ازینجهت این نقطه بیشتر جالب توجه حکومت امریکا و جاپان و بلکه تمام دول دنیا واقع شد.

در اثر کانفرانس واشنگتن که در سنه ۱۹۲۱ و ۱۹۲۲ انعقاد یافت برطانیای متعهد گردید که آنجا را تا بدرجه اول استحکامات بحریه مستحکم نسازد.

هند

هند (قدیم) تاریخ قدیم هندوستان در پرده تاریکی واقع شده است، چرا که هنوز توجه خود را گاهی بطرف تاریخ مبذول نکرده اند، و آنها مهابارت را يك ماخذ بزرگ تاریخ می شمارند علی ای حال حفاریات بعضی حصص هندوستان بر تاریخ آن خطه روشنی انداخته می تواند، چنانچه ماخذ تاریخ ما بالعموم غارها، ضحره ها و ستونهای حفاریات میباشد، خصوصاً حفاریات تکسیلا، موهنجودیر و وهرپا، قابل ملاحظه و کشفیات خوبی را مهیا نموده است. پس می توانیم بگوئیم که پیش از در ا ویدها هم مردم در هندوستان بود و باش داشتند آنها قبل در ا ویدی می نامیم، بعد از آن مردمیکه آنها را عمومأ در ا ویدها میگویند اغلباً از راه بلوچستان به هندوستان داخل شده در اثنای زمانه خیلی دراز تمدن و تهذیب خود را نشوونما داده اند، کشفیات وادی اندس ظاهر میکند که در آن زمان شهرهای بزرگ وجود داشت که در آنها آثار رفاهیت و تمدن نمایان که با سوماریها تشابه بلکه تمدن قدیم تر را نشان میدهد ظاهر می سازد. جهان مارشل خیال می کند که معیار حیات در ا ویدها به نسبت عراق عرب و مصر که معاصر آنها بود بلندتر بود. رنگ این مردم سیاه بود.

در سنه ۲۵۰۰ ق، م آریه ها از بلخ مهاجرت را شروع نموده يك قسمت این آریه های مهاجر از کوه های افغانستان عبور نموده به پنجاب رسیدند.

زمان ورود آنها را در پنجاب سال ۱۴۰۰ ق م تخمین می نمایند قسمتی از بومیان قدیمی هند را این مردم آریه مغلوب نمودند و قسمتی را در خود منحل و قسمتی را فرار کردند، آریه های زمان ویدها با بعضی فلزات آشنا بودند، مثلاً آهنگرها، مسگرها، زرگرها در آنها بودند آنها بواسطه عراده ها جنگ میکردند در اسب سواری مهارت خوبی داشتند البته فیل را تا آن زمان اهلی و در جنگ استعمال نمی کردند، این آریه ها از تمدن هندیان قدیم بهره زیادی گرفته و بعضی عادات و رسومات آنها را اختیار و تمام هند شمالی را اشغال کردند و قسمتی از در ا ویدها بجنوب کوه هندوچل کوچ کرده سلطنت های بزرگ را تشکیل دادند.

باید دانست که تمدن آریه های بلخ نسبت به بومیان قدیم افغانستان هم پست تر بوده، و آریه ها از بومیان قدیم افغانستان سهم بزرگ تمدن را یاد گرفتند، و همچنان آنها به هندوستان رسیدند تمدن بومیان قدیم هندوستان را در خود شامل کردند — البته بعد از آن تمدن و تهذیب بلندی را مالک شدند، کتب دینی آریه ها عبارت

از چهار وید است. و دو کتاب رزمی آنها مهابهارت و راماین می باشد، این آریه ها نسبت به اقوام دراویدی خوش چهره سفید پوست، بلند قامت و قوی الجثه بودند، در پنجاب و کشمیر سکونت پذیرفته آن را برهماورته نامیدند، میدان های حاصل خیز گنگا و جنا را الی بنگال اشغال و حکومت های مستقل و متعدد را تاسیس نمودند پیش از زمان بودا ما از این سلطنت ها واقفیتی کاملاً نداریم اما در ادوار بودائی قطعه زمینی که مابین دریای نرپدا و کوه های همالیه واقع است مشتمل بر (۱۶) ریاست مستقله بود که بعضی شاهیت ها و بعضی جمهوری های ملی بودند مشهورترین آنها چهار سلطنت کوساله، مگده، مساس، و آوانتی نام دارد در شمال مغرب این قطعه سلطنت مشهور گندها را به کنار دریای اندس و در نواح پشاور بود.

واقعه مشهور هند که تاریخ صحیح آن معلوم است تولد و حیات بودا است که نام اصلی اش ساکی منی گوتم و در سنه ۵۹۸ ق، م پیدا شده بود دین بودا امروز در چین، تبت، جاپان، مانچوریا، منگولیا، سیام، سراج است، در سال ۳۲۷ ق، م سکندر مقدونی اول بکنار رود جهم با پورس شاه پنجاب جنگ صعب نموده او را شکست داد اسکندر تابدریای بیاسی رسیده میخواست تعرض فائحه خود را ادامه بدهد اما فوج از عبور دریا انکار قطعی و اولاً چار از آنجا بطرف بابل مراجعت نمود و کمی بعد در شوشی درگذشت، و سلطنت وسیع او قیامین فرماندانی های عسکری یتولی، سیلوکس نکاتور و آنتی گونوس منقسم گشت سیلوکس نکاتور برعلاقه های مشرق از شام الی باختر تصرف نمود.

بعد از مردن سکندر افغانستان و هندوستان کاملاً استقلال خود را حاصل کردند، درین ادوار چندرگیتا یکی از وزرای خانواده نندا در مگده یعنی بهار سلطنت قایم کرده کل هندوستان شمالی را در حیطه سلطنت خود در آورده بنیاد سلاله موری را نهاد - یونانیها او را سندرا کوتس می نامند - چندرگیتا از ۳۲۲ الی ۲۹۸ ق، م سلطنت کرد.

سیلوکس نکاتور بعد از استحکام سلطنت خود در شامات و عراق عرب و ایران بطرف هندوستان متوجه گشت که آنرا مثل سکندر مکرراً مفتوح نماید - لیکن دید که حریف مقابل او (۶۰۰۰۰۰) پیاده (۳۰۰۰۰) سوار و (۳۶۰۰۰) نفر به همراه فیل های جنگی و (۲۴۰۰۰) نفر به همراه عراده جنگی دارد با آنها سیلوکس با چندرگیتا بجنگ داخل شده شکست فاحشی یافته و مجبور به صلح شده دختر خود را به چندرگیتا به نکاح داد و کل علاقه پنجاب و وادی کابل را واگذار کرده از چندرگیتا (۵۰۰) فیل عطیه یافت، باز بدربار چندرگیتا سفیر خود میگاستینز را در (۳۰۲ ق، م) مقرر نمود، چندرگیتا یکی از بزرگترین شاهان هندوستان است که قسمت اعظم هندوستان را بسلطنت واحد در آورد.

در سنه ۲۷۲ ق، م راجه آشوک نواسه چندرگیتا جانشین گشته حامی و مربی بزرگ مذهب بوده، دین بودائی را رسمی قرار داده برای آن خدمات زیادی کرده و مبلغین این دین را به تبت، چین، برما و سیام، جاوا، سیلون فرستاد، بعد از مرگ او در سنه ۲۲۶ ق، م اقتدار خانواده موری رو به تنزل گذاشت و در مدت ۳۱ سال هفت شهزاده یکی بعد دیگری سلطنت کردند، بالاخره شاه آخرین برپهد را تنها نام را در سنه ۱۸۴ ق، م سپه سالار پوش یا متراسنگا کشته سلاله سنکا را تاسیس نمود.

در حدود سلطنت وسیع آشوک قسمت بزرگ تر افغانستان، حصه بزرگ بلوچستان، سندھ، کشمیر، نیپال

بنگال الی مدراس شامل بود

بعد از موریاسه سلاله مشهور در هندوستان سلطنت کردند ۱ - سنکا ۲ - کانوه ۳ - اندهرا - بانی دودمان سنگا پیروان بودا را بیدریغ قتل نموده برهمنیت را مکرراً در هندوستان زنده ساخت - خاندان های مذکور قریب سال ۴۶۰ میلادی خاتمه می یابند.

در اثنای قرن دوم قبل المیلاد شاهان یونانی افغانستان بهند حملات بردند، مشهورترین آنها دیمتریوس، یوکرآتیدس و منیاندیر می باشند خصوصاً میناندیر تا بنکال فتوحات خود را وسعت داد حتی پوشیا مترا او را از وادی گنگا اخراج نمود.

قریب سنه ۱۰۰ میلادی شاهان (سکائی های چادر نشین آسیای مرکزی) و پهلواها از راه بلوچستان حمله آورده کجرات و کاهیاوار را اشغال نمودند و به مرور زمان یوئچی های بلخ افغانستان متحد و منتظم شده به توسیع سلطنت خود پرداختند بانی آنها کداسس اول (۷۸-۴۰ میلادی) بنای سلاله کوشانی را نهاد. و وادی کابل را فتح کرده اثرات باقیانده استیلای یونانیان را بر انداخت. جانشینان او هند شمال جنوبی را فتح نموده فتوحات خود را تا بنارس توسیع دادند. اما مشهورترین کوشانهای افغانستان کانشکامی باشد، که پایتخت خود را پروش پوره (پشاور امروزی) قرار داده بود. کشمیر و بهار را فتح و خلاف پارتها تعرضات فاتحانه نمود و بالای خاقان چین ظفر و کامیابی حاصل نموده کاشغر، یارکند، و خطن را در حدود سلطنت مقتدر و وسیع خود در آورد. سلطنت کوشانی در هندوستان قریب ۲۳۶ میلادی خاتمه یافت.

بعد ازین، تاریخ هندوستان تاریک است، حتی چندرگپتای اول در سنه ۳۲۰ میلادی سلاله و سلطنت گپتارا تاسیس می نماید، این خاندان از ۳۲۰ الی ۴۸۰ میلادی دوام نموده و این زمان را اکثر آزمان طلایی هندوستان مینامند، چرادرین عهد امنیت تامه حکمفرما بوده و مملکت خیلی زیاد ترقی و تمول را مالک شد، حکومت نهایت متنور و وسیع گردید و صنعت هندی بکمال علوم و فنون، موسیقی، سنگ تراشی، مصوری بدرجه بلندی رسید، پنج شاه بزرگ از خاندان گپتا سلطنت کردند، حتی ایقتالیت های ایهونهای سفید شاه آخرین دودمان مذکور یعنی سکندا گپتا نام را برانداخته سلاله مذکور را مستاصل نمودند.

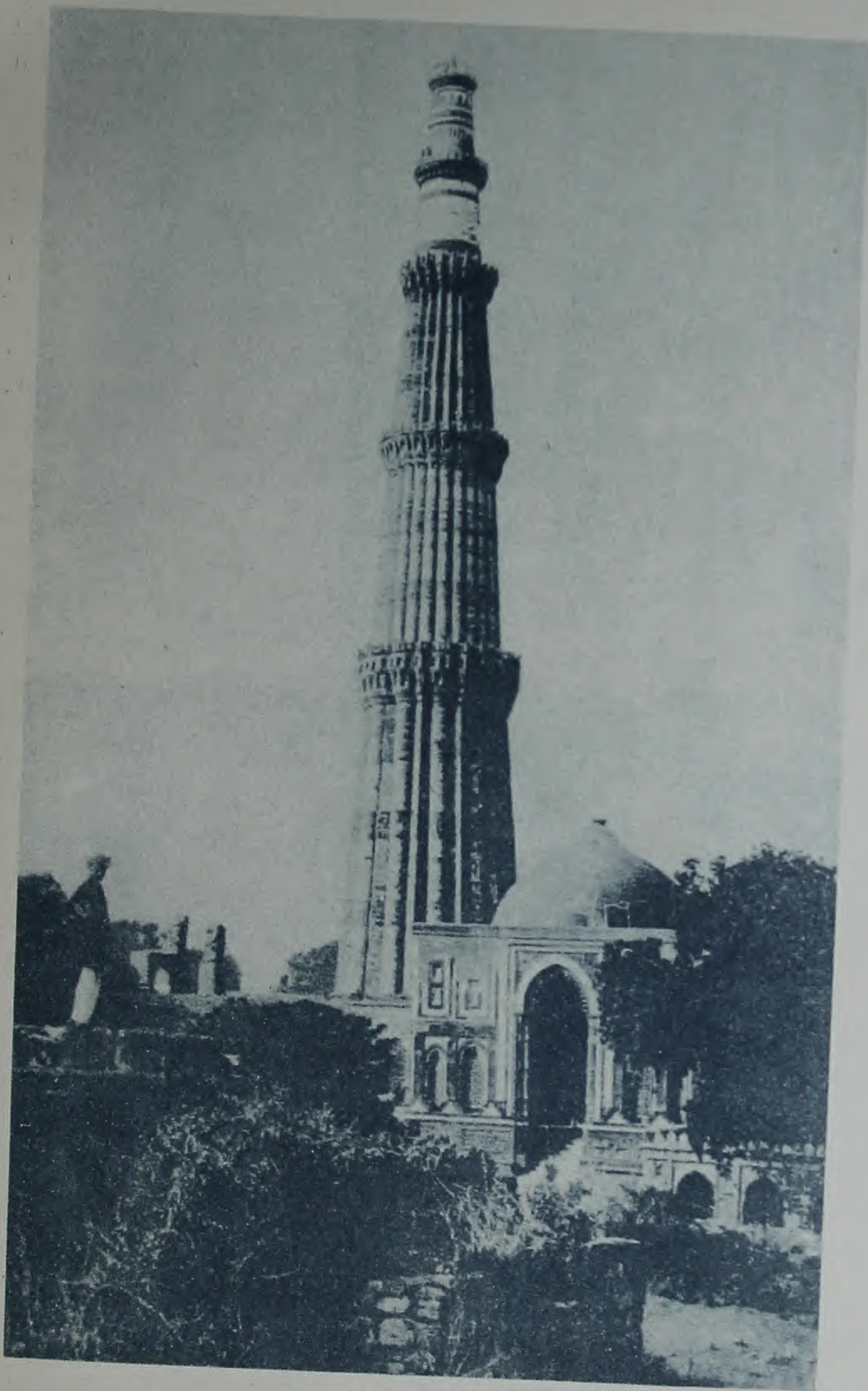
هونهای سفید در سنه ۴۷۰ میلادی شاهان ایران و افغانستان را یامال کرده به تعداد خیلی زیاد به هندوستان هجوم بردند، ظالم ترین و قوی ترین شاه ایقتالیت ها بنام مهیراگله مشهور بود، بالاخره هندیها از ظلم و تشدد فوق العاده او بتنگ آمده اتحاد نموده مهیراگله را شکست دادند، و در آسیای وسطی نیز ترکها بشراکت ایرانی ها قوت ایقتالیت ها را بر نداشتند، هونهای سفیدیکه به هندوستان داخل شده بودند بسرعت هند و شده و در نفوس آنجا مدغم و منحل شدند.

آخرین شاه مشهور مقتدر در هند شمالی تاحله مسلمانها (هرشه) نام بود که از سنه ۶۰۶ الی ۶۴۸ میلادی سلطنت کرد، حکومت او بسیار خوب و وسیع بود.

بعد ازین زمان تاریخ هندوستان واضح بوده و اسلام ظهور می نماید
قرار روایات قدیمه در هند جنوبی سه خاندان مشهور حکمران گذشته اند ۱ - پاندیا ۲ - چولا ۳ - چیرا
خاندان چولای، هند جنوبی را بالاخره ملک کافور جرنیل سلطان علاء الدین خلجی در سنه ۱۱۲۰ میلادی خاتمه میدهد.

اولین حمله و ورود سوار مسلمانان در هندوستان به عهد خلیفه اموی ولید اول بن عبدالمملک دوره اسلام : (عهد خلافت ولید اول من حیث فتوحات مسلمانها مهمترین زمانه میباشد از اندلس تا وادی طارم فتوحات مسلمانها وسعت پذیرفته بود) تحت قیادت محمد بن قاسم از راه بلوچستان در سنده بوقوع پیوست، و محمد بن قاسم راجه داهر والی سنده را شکست داده تا ملتان پیشرفت فائزانه نمود.

بعد از وفات حجاج بن یوسف و سقوط خلافت بنی امیه این ناحیه هندوستان مکرراً آزاد گردید، و در هند شمالی را جگان هندوستان انتظام و عسکر درست داشتند، راجه جیپال که پای تخت او پتهندا بود تالعات و نواح آن



قطب مینار دہلی (یادگار سلاطین افغان درہند)

سلطنت میکرد و از قوه روز افزون امیر سبکتگین اندیشه نموده محدود مملکت او تجاوز نمود سبکتگین فوراً عسکر خود را ترتیب داده به کمک ملک حمید لودی فوج متحده هند وها را شکست داده لغمان و جلال آباد، کرم، پشاور را گرفت (۹۹۱ میلادی) پسرش سلطان محمود غزنوی که برای اشاعت دین اسلام شغف بکمال داشت به هندوستان تخمیناً هفده حمله نمود. هندوهای هندوستان قریباً در موقع هر حمله متحد و متفق شده بکمال شجاعت و تهور جنگ می نمودند اما محمود به مهارت فوق العاده حربی خود در هر محاربه هندوها را هزیمت می داد. محمود غازی تا وادی دریای گنگا و کجرات کاهیا حملات خود را برده به راجگان شکست خورده تاج و تخت می بخشید - وزیر و جواهرات بی حساب که در دیرها و مندرها بیکار جمع شده کل عالم آن زمان را در بحران اقتصادی مبتلا ساخته بود حاصل کرده در نشر علوم و فنون و توسعه تجارت بمصرف رساند - در عهد غزنویان پنجاب تحت تسلط مسلمانهای ما تحت محمود بود، محمود یکی از بزرگترین شاهان و قوماندان های عسکری و فاتحین عالم بشمار می رود.

بعد از سقوط غزنویان فاتح بزرگ دیگر شهاب الدین محمد غوری است که به هندوستان حملات برده ملتان، اچ، لاهور را فتح کرد ولی در بار اول پیشرفت خوبی نکرد - مگر بعد از دو سال مجدداً حمله برده لشکر زیاد و منظم هندوها را در میدان تراهن بر هم زده به دهلی جرینل عزیز خود یعنی قطب الدین ایبک را حاکم مقرر نمود محمد غوری سند و بنارس را نیز فتح کرده بود بعد از وفات سلطان غزنوی قطب الدین ایبک اولین شهنشاه مسلمان در هندوستان گردید و محمد بن بختیار خلجی بنگال را در سنه ۱۱۹۹ فتح کرد - قطب الدین تعمیر قطب مینار دهلی را شروع، اما التمش آن را تکمیل نمود.

خاندان غلامان در سنه ۱۲۹۰ خاتمه یافت و در عهد این سلاطین مغلهای چنگیزخانی حملات را شروع کردند، اما سلطان علاء الدین خلجی افغان مغلهای چنگیزخانی را نزدیک دهلی شکست فاحش داد از شاهان مسلمان افغان، علاء الدین اولین کسی است که قریباً کل هندوستان را تحت لوای یک سلطنت واحد در آورد - بعد از سقوط خاندان غلجی دودمان تغلقی سلاطین هندوستان شدند لیکن درین ادوار سلطنت واحد هندوستان پراکنده شده در تمام هندوستان روسائی قوی مسلمانها حکومتهای جداگانه را تشکیل دادند، و نیز در بعضی قطعات هندوها مستقل و آزاد شده سلطنت ها را تشکیل نمودند - در بنگال، مالوه، گجرات و کشمیر پادشاهان مسلمان بودند - و در دکن (هند جنوبی) علاء الدین اول بنای سلطنت بهمنی را نهاد.

در سنه ۱۳۹۸ تیمور گورگانی به هندوستان حمله آورده دهلی را خراب نمود، بعد از مراجعتش محمد تغلق به پای تخت خود رسید، بعد از تغلق ها خاندان سادات در دهلی پادشاه شدند بالاخره بهلول افغان از قبیله لودی در دهلی خاندان لودی را تاسیس نمود.

بابر در سنه ۱۵۲۶ از کابل برآمده در میدان پانی پت ابراهیم لودی را شکست داده سلاله مغلی را تاسیس نمود، شاهان مغلیه، هندوستان تا سنه ۱۸۵۷ میلادی دوام نمودند.

در دکن هند جنوبی سلطنت بزرگ هندو یعنی و جایانگر از قرن ۱۴ الی ۱۶ میلادی اقتدار داشت، بعد از سقوط سلطنت اسلامی بهمنی پنج خاندان اسلامی در دکن مستقلاً حکمران شدند، در سنه ۱۵۶۵ آنها با هم متحد شده سلطنت هندوئی و جایانگر را برانداختند سلطنت بابر از دریای اکسس الی حدود بنگال و از همالیه تا گوالیار وسعت داشت، در زمان او بنگال تحت حکومت افغانها بوده، چنانچه شیر شاه سوری افغان از حکومت بنگال خروج نموده همایون پسر بابر را از هندوستان کشیده تا پنج سال به تدبیر و دانشمندی حکومت نمود این شهر یار خلی متمدن و شجاع بود همایون بعد از ۱۶ سال دهلی را مکرراً اشغال نمود. مگر سلطنت مغلیه درین عهد بسیار محدود بوده در هر قطعه حکمرانان مستقل حکمرانی میکردند.

پسرش اکبر پادشاه در سن ۱۴ سالگی بر تخت دهلی نشسته بامداد پیرم خان بلخی (قوماندان عسکر مغلی) در هندوستان فتوحات زیاد نموده سلطنت مغلی را نهایت محکم نمود ، سلطنت اکبر از کابل و قندهار الی بنگال و از همالیه تا برار وسعت داشت می توانیم شهنشاه اکبر را مؤسس حقیقی خاندان مغل بنامیم .

شاه جهان نورسۀ اکبر عمارات زیاد خصوصاً عمارت بی نظیر تاج محل را تعمیر نمود و تحت طاؤس محکم او ساخته شد ، در عهد اورنگ زیب شاهان علاقه های مسلمان دکن مفتوح و سلطنت مغلی به بزرگترین وسعت فایل شد ، پس اورنگ زیب عالمگیر بعد از چندر کپتای موری و راجه اشوک ، و سلطان علاء الدین افغان و شهنشاه اکبر چنان سلطانی در هند بود که قریباً کل هندوستان را تحت حکمرانی یک سلطنت واحد در آورد .

بعد از وفات اورنگ زیب مرهته ها در دکن و سکها در پنجاب قوت پیدا کردند و سلطنت مغلی سرعت رو بزوال نهاد و تاخت و حمله نادر شاه افشار در سنه ۱۷۳۹ و قتل عام و تخریب و تاراج دهلی از دست او قوه باقیانده مغلی را صدمه رسانید . که بعد قوت پیدا کرده نتوانست چین قوایج خان ترك یا اصف جاه که سنی المذهب بود در دکن و سعادت علیخان ایرانی که از اهل تشیع بود در او دهه برای نام اطاعت شهنشاه مغل را تسلیم میکردند ولی در حقیقت آزاد بودند . اما بنگال قاعدتاً مالیه بدلهی می پرداخت .

مرهته های دکن تدریجاً قوتی پیدا کرده در گرد و نواح دهلی رسیدند حتی اعلیحضرت احمد شاه ابدالی شهنشاه افغان از پای تخت خود حرکت نموده اولاً سند و پنجاب را فتح کرده و بعد به میدان پانی پت در ۱۷۶۱ مرهته ها را هزیمت کمر شکن داد . شاهان مغلیه قوت خود را باخته دست نگر دیگران بودند حتی انگلیس ها در ۱۸۵۷ بهادر شاه آخرین شهنشاه بی اقتدار مغل را به برما تبعید نمودند .

تأثیرات اسلام در هندوستان ، پیش از اسلام جمیع حمله آوران که از خارج داخل هندوستان شدند سرعت در هندوها منحل شده کاملاً هندو گشتند لیکن مسلمانان دین مقدس اسلامی را داخل نموده خداپرستی و عدل و مساوات را رواج دادند ، رسومات قبیحه مثل (ستی سوختن زن زنده در آتش همراه نعش شوهر او) قریباً کم کردند ، امتیازات قومی هندوها را کاستند .

عمارات بررگه ، پایدار و نهایت جمیل را در سرزمین هندوستان تعمیر نمودند ، زبان اردو از اختلاط مسلمانها با هندوها بوجود آمد .

مفکوره وحدانیت خدای تعالی در ذهن هندوها از آن موقع پیدا شده معارف را ترقی و وسعت زیاد دادند و رود اروپائی ها : پرتگیزیها اولین قوم اروپائی بوده که در هندوستان ۱۴۹۸ میلادی آمده ، راه تجارت را باز کردند ، بعد دچها یعنی هالندیها تفوق جستند ، باز انگلیسها و فرانسویها داخل سرزمین هند شده با هم مقاتله کردند حتی انگلیس بر همه اروپائیها تفوق حاصل نمود .

ملکه الیزابت اولاً در سنه ۱۶۰۰ ایست اندیا کمپنی را تاسیس نمود . کپتان هاکنز در دوره انگلیسها : ۱۶۰۸ از شهنشاه جهانگیر برای تعمیر یک تجارت خانه در بندر سوت اجازه گرفت ، انگلیس در بحر قوت پرتگالیها و دچها را شکست داده آهسته آهسته تا ۱۶۷۹ تجارتخانههای خود را در سورت ، بمبئی مدارس ، کلکته ، بنگال ، فیم کردند اما شهنشاه اورنگزیب از قوت ، روز افزون و تجاوزات آنها ملتفت شده از حدود سلطنت خود همه تجارتخانههای انگلیسی را اخراج نمود .

بعد از وفات شاه عالم اول پسر اورنگزیب سلطنت مغلی رو بزوال نهاد ، و انگلیسها مواضع تجارت خود را مکرراً اشغال نمودند .

در سنه ۱۷۵۷ سراج الدوله صوبه دار بنگاله به کلکته هجوم آورده قلعه انگلیسی آنجا را مفتوح نموده انگلیسها را محبوس و مقتول نمود و مستر کلدیو با یککده عسکر و جهازات جنگی به غرض انتقام از مدراس آمد، میر جعفر سیه سالار سراج الدوله ازین موقع استفاده نموده با انگلیسها خفیه متحد گردیده سراج الدوله در جنگ اوگی شکست خورده مقتول شد، و میر جعفر سیه سالار جای او را اشغال نمود.

شهراده علی گوهر مغلی که بعد از ان بلقب شاه عالم ثانی معروف گردید بعزم سرکوبی میر قاسم والی جدید بنگال از دهلی روانه و عازم مقابله شد، ولی در عین زمان از فوت پدر خود شنیده بدو تن مقابله بد دهلی برگشته سریر آرای سلطنت شد و با مستر کلدیو هنگام عزیمت از در موافقت یدش آمده به ایست اندیا کمپنی در عوض ادای تادیه سالیانه (۲۴) هزار کلدار سرپرستی مالیه و دیوان بنگاله را تفویض کرد، درین آوان دردکن ۳ حکومت قومی بومی اقتدار داشت:

۱ - حیدر علی میسور - ۲ - نظام حیدر آباد - ۳ - مرهته ها.

را گهواته یکی از راجگان مرهته برای حصول تخت پونا از انگلیسها امداد خواست چنانچه انگلیسها مداخلت نموده و حزب مخالف را شکست دادند.

تجاوزات حکومت انگلیسی مدراس، حیدر علی سلطان میسور، و نظام حیدر آباد را به خصوصت و قتال تحریک داد، هر دو شاه مذکور امداد و اتحاد مرهته ها را خلاف دشمن اجنبی مشترک خواستند لیکن بواسطه سیاست و ران هستنگز نظام حیدر آباد و مرهته غیر جانبدار شدند، با اینهمه حیدر علی سلطان میسور بر فوج انگلیسی فتح حاصل کرد. مدراس را محصور نمود حیدر علی در سنه ۱۷۸۲ وفات کرد و انگلیسها با سرش تیپو سلطان در سنه ۱۷۸۴ معاهده نمودند.

انگلیسها، نظام حیدر آباد، و مرهته قوت روز افزون سلطان (تیپو) را دیده با هم متحد شده و بوی اعلان جنگ دادند، سلطان تیپو شکست خورد و نصف مملکت خود را با ۳ ملیون سترلنگ به اتحاد یون تسلیم نمود.

در سنه ۱۷۹۸ لارد ولزلی به هندوستان وارد شده این پالیسی را اختیار کرد که در تمام هند جنوبی باید برطانیه فایق و رؤسای بومی هندوستان زیر حمایت او باشند، در نتیجه انگلیسها بالای اولشکر کشی کردند، و سلطان تیپو بکمال شجاعت مقاتله نموده شهید گشت، لهذا در تعقیب این نظریه به بعضی راجنگال و نواب های آنجا متحد شده طرف مقابل را مغلوب و مجدداً با دیگری موافق شده یکی ازین متحدین سابقه را برمی انداخت تا آخر به تمام حصص هند جنوبی کامیاب گردید، و پس ازین تاریخ دیگر جنرال گورنرها که بروی کار آمدند همین سیاست و طرز عمل را در هند شمالی نیز تعقیب کرد و بلافاصله بتصرف آن کامیاب گردیدند، مخصوصاً دل هوزی که جنرال گورنر تعین شد این رویه را بانهایت دلچسبی و بیحدیت هرچه تمام تر اجرا می نمود. و یکی از خصوصی ترین طرز تصرف این دل هوزی این بود که هرگاه از حکمرانان هند شمالی مستقیماً وارث حقیقی نمایاند علاقه او را متصرف می شد کذا با اثر سوء اداره و عدم کفایت حکمران محلی نیز حکمران مذکور را خلع کرده منطقه او را بتصرف می آورد.

در سنه ۱۸۴۳ چون امیرهای سند تحت الحمایه گی را قبول نمی کردند لهذا علاقه سنده هم در عهد لارد آلن بورد فتح گردیده به سلطنت برطانیه ضم شد.

پنجاب درین آوان تحت تسلط سکها بود، در سنه ۱۸۴۵ سکها دریای ستلج را عبور کرده به علاقه برطانوی حمله بردند، چهار محاربه خونریز بکنار دریای ستلج واقع شده، انگلیسها تلفات زیاد داده بالاخره فتح کردند در سنه ۱۸۴۹ محاربه دومین سکها بوقوع پیوسته و بالاخره سکها شکست خوردند، و پنجاب در سلطنت برطانیه الحاق گردید.

در سنه ۱۸۳۹ انگلیسها از راه سند وارد افغانستان شده قندهار و کابل و جلال آباد را اشغال نمودند ولی اقوام این سرزمین با تفاق سرداران خود خیلی بسختی دفاع کرده تمام قشون بر طانی مقیم کابل را قتل و مملکت را از سلطه شان نجات دادند . در سنه ۱۸۵۷ در هند قیام بزرگی مشهور بغزا بر ضد حکومت بر طانی قیام و خسارات هنگفتی بآن حکومت تولید گردید ، و در همین سنه ۱۸۵۷ سیاه هندی انگلیسها بهادر شاه آخرین شاه سلاله تیموری را شاهنشاه هند اعلان کرده برای استقلال خود ها خلاف انگلیس اقدام نمودند ، ولی بعد از جنگ یکیم ساله مغلوب گردیده و شهرزادگان مغلیه مقتول و خود بهادر شاه به برما محبوس گردید .

حکومت هندوستان از ایست اندیا کمپنی سلب شده راساً بحکومت برطانیه تعلق گرفت ، و ملکه برطانیه قیصره هند اعلان شد . بعد از وفات ملکه وکتوریا ایدرد هفتم شهنشاه هندوستان گردید ، درین روزها شاه جارج پنجم شهنشاه هندوستان می باشد .

هند پرتگالی

هند پرتگالی از جزیره و علاقه گوا و جزیره دیو و دمن که بساحل شرق هند واقع است تشکیل یافته است و مساحت مجموعی آن ۳۸۰۷ کیلومتر مربع و نفوس ۵۷۹۹۶۹ میباشد .

چنانکه در بیات تاریخ مکاؤ و تمور ذکر یافته است در آخر قرن پانزده پرتگالیها بار اول بساحل هند رسیدند و در ابتدای قرن شانزدهم با جازت بهادر شاه گجرات و ر و س ای محلی بر ساحل گجرات کاتیاوار در جزیره دیو و دمن در بمبئی تجارتخانه ها متحصن تاسیس نمودند از آن جمله بمبئی بطور جهیز ملکه کتھر این به برطانیه رسید - باقی نا حال در تصرف پورتگال ها میباشد .

نوا گوا مرکز حکومت در علاقه گوا بر ساحل مالابار واقع و از از منة قدیم در تاریخ مشهور است چنانچه در یورال که کتب مذهبی هندو ات میباشد بنام گو وایوری مذکور است - اعراب آنرا بنام سندابور در کتب خود یاد کردند از ابتدای قرن دوم مسیحی تا مدت دوازده صد سال روساء خانواده که مبادرین سرزمین حکمرانی نمودند - و در سنه ۱۳۱۲ به تصرف مسلمانان آمد که تاشصت سال دران حکومت نمودند بعد از آن جزو امپراطوری هندو جهانگیر گردید که احوال تجمل و شوکت آنرا عبدالرزاق سمر قندی در کتاب مطلع السعدین درج نموده است بعد از آن ضمیمه سلطنت اسلامی دکن معروف به بهمنی گردید و چون در سنه ۱۴۸۲ تجزیه شد گوادر تصرف یوسف عادل شاه بیجاپور در آمد در سنه ۱۵۱۰ در عهد همین پاد شاه پرتگالی ها بر این بندر معمور رسیدند که مرکز تجارت هند جنوبی و ایران و عربستان و چین بود و جهازات حجاج از همین بندر گاه به حجاز روانه می شدند تجارت پرتگالی بدون مقابله داخل شهر شدند لیکن آنرا مملکت مفتوحه قرار دادند - یوسف عادل شاه آنها را شکست داد و از شهر بدر کرد ولی چند ماه بعد واپس آمدند و تمام اهالی مسلم انجا را از زن و مرد و صغیر و کبیر ته تیغ نمودند در اواخر قرن ۱۶ و ابتدای قرن ۱۷ این شهر بکمال شوکت و ثروت و عظمت رسید تبلیغ مسیحیت در شرق آغاز گردید اما چون هالندی ها درین کار وارد گردیدند تجارت کم شد (بعد ازین دفعه ها لندی ها از طرف بحر و مهراته ها از طرف خشکه بران حمله آور گردیدند لیکن موضع مذکور را گرفته نتوانستند بالاخره در سنه ۱۷۳۹ با مهراته ها عقد صلح بستند - و بعد از آن عروج انگلیسها که حلیف پرتگال اند این خطر را بر طرف نموده و تا کنون از طرف حکومت پرتگال بتوسط یک گورنر جنرال اداره می شود .

هند فرانسوی

هند فرانسوی عبارت از چند بنادر متفرقه ایست که در حصص مختلفه هند واقع است. مساحت مجموع آن مساوی ۵۰۸ کیلومتر مربع و نفوس آن عبارت از ۲۸۴۶۱۰ نفر بوده و به پنج ناحیه تقسیم یافته است

- ۱ - ماهی بساحل مالابار ۲ - کاریکل ۳ - پانندیچری بساحل کارومندل ۴ - یاناؤن (یانام) بساحل گولکنده
- ۵ - چندرنگر در مملکت بنگال بشمال کلکته در کنار دریای اوگلی واقع و مرکز آنها پانندیچری است.

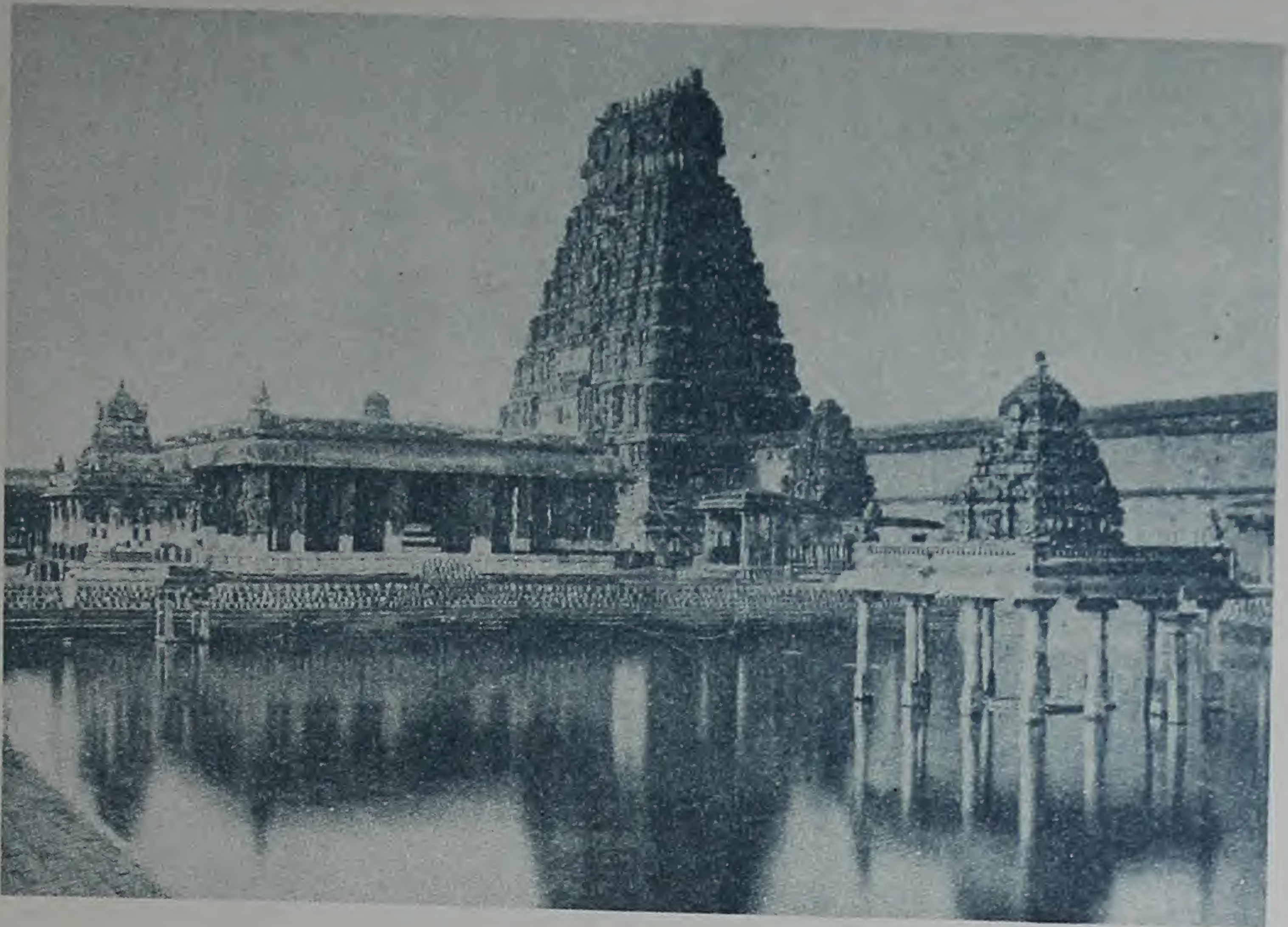
از مقبوضات وسیعه فرانس در هند که (دوپلی) آنرا بتصرف خویش درآورده بود تنها همین بنادریکه ذکر شد باقیانده و باقی بتصرف انگلیس درآمده است.

در سنه ۱۶۶۴ میلادی فرانسویها شرکتی برای تجارت شرق تشکیل نمودند، شرکت مذکور در سنه ۱۶۷۳ م قریه پانندیچری را خرید اما هالندی ها بروز آنرا تصرف نموده، و در سنه ۱۶۹۹ واپس آنرا بفرانسه مسترد کردند و در سنه ۱۶۸۸ در چندرنگر تجارتخانه تاسیس نمودند، در سنه ۱۷۱۹ م دیگر شرکتهای تجارت خارجی فرانسه باین شرکت ملحق شده بنام شرکت فرانسوی در هند موسوم و علاوه از امور تجارت مسایل استعمار نیز باین شرکت محول گردید.

در اثر سیاست متخذه، مامورین فرانسوی در هند با رؤسای محلی راجگان و نوابان متفق شده در حالیکه ریاسات یکی با دیگری در نزاع و کشمکش بودند مصالح سیاسیه خود را سنجیده گاهی طرفداری از یکی و گاهی از دیگری طرفداری می نمودند. و چون انگلیس و فرانسه با هم رقابت تجارتی داشتند بهر کدام ازین رؤسا که انگلیس طرفداری می نمود، طرفداری جانب مقابل را فرانسه می گرفت، و در بدل طرفداری خود پول یا زمین از آنها حاصل می کرد. زمانیکه انگلیس و فرانسه در اروپا مشغول جنگ می شدند، شرکتهای طرفین نیز در هندی با دیگری می آویختند و طرفداران محلی شان نیز بایشان معاونت می نمود، و رؤسا در محاربات داخلی خود از فوج شرکتهای کار گرفته و در بدل پول ها زمین می دادند، چنانچه در اثر اینطور محاربات در سنه ۱۷۲۶ م ماهی بتصرف فرانسه درآمد و در سنه ۱۷۳۹ رئیس (تنجور) بندر کاریکل و مضافات آنرا بفرانسه ها بخشید.

زمان اوج فرانسه در هند عهد (دوپلی) است که در سنه ۱۷۴۲ گورنر جنرال مقبوضات شرکت فرانسوی مقرر گردید و از مناقشات ورثه راجه تنجور نواب کراناک و نظام الملک اول و جنگلهای دول میسور حیدرآباد و مهرته استفاده کرده و یکی از پسران نظام الملک را که فرانسه از و حمایت می نمود به تخت حیدرآباد دکن بنشانند و علاقه های وسیعه موسوم به (سرکار) و (کرناک) را در بدل خدمات برای شرکت گرفت، در سنه ۱۷۴۶ بر انگلیس غالب آمده مدراس را تصرف نمود و در سنه ۱۷۵۰ شهر یاناؤن را تاسیس کرد، و باین ذریعه در تمام جنوب هند نفوذ فرانسه حاوی گردید.

(لبوردونی) از باعث رقابتیکه با دوپلی داشت او را تنها گذاشته جهازات جنگی را با خود ببرد. و سهامداران شرکت نیز بواسطه مصارف زیادی که دوپلی مینمود، ناراض گردیده و به خدمات قیمتدار او اهمیت نداده مشارالیه را محبوساً در فرانسه احضار نمودند، این قدر ناشناسی و تنگ نظری فرانسویها نتیجه وخیمی برای حکومت و ملت فرانسه بخشیده منافع مادی و معنوی ئیکه در هند در اثر تدابیر عاقلانه دوپلی بدست آمده بود ضایع کردند و مقامات جزئی که اکنون بتصرف فرانسه است آنهم بارها از دست فرانس برآمده و باز باو سیرده شده است. چنانچه پانندیچری را از سنه ۱۷۶۳ و باز از سنه ۱۷۷۸ تا ۱۷۸۲ و



نمونه معماری هند جنوبی « يك عمارت بزرگ در بنارس »



مدرسه فرانسوی در پانديچري « هند فرانسوی »

بار سوم از سنه ۱۷۹۳ تا ۱۸۱۷ ، و کاریکل را در سنه ۱۸۰۳ و بار دوم در سنه ۱۸۱۴ و ماهی را در سنه ۱۷۶۱ و بار دوم در سنه ۱۷۷۹ و بار سوم در سنه ۱۷۹۳ م انگلیسها متصرف شده و بالاخره بموجب معاهده سنه ۱۸۱۶ بعد از انهدام تمام استحکامات و بشرط اینکه در آینده استحکامات در آنجاها بنا کرده نشود بفرانسه گذاشته شده .

یمن

قدیم ترین معلوماتیکه مورخین وجغرافیون یونانی راجع به یمن پیدا کرده اند از قرن سوم قبل از میلاد تجاوز نمیکند ، فقط از روی انجیل همینقدر معلوم میشود که اهالی یمن در قدیم الایام ینام (سبا) یا (سبها) یاد میشوند . رومیها نیست های متعددی را بسواحل این مملکت اعزام کردند ، مردمان حبشه کوشش زیاد نمودند و این خاک را به تصرف خود در آوردند اما در ابتدا موفق نشده فقط در حدود سنه ۵۲۹ میلادی توانستند که آن مملکت را اشغال نمایند . در سنه ۶۰۱ یتنیها خلاف نشدد و مظالم ابی سینانیا از ایران امداد خواستند چنانچه فارسیها یمن را بتصرف خود در آوردند ، به ها کمیت حبشه که عیسویت را در آنجا وارد کرده بودند خاتمه دادند .

در سال دهم هجری حضرت محمد صلعم اولاً حضرت ذلی کرم الله وجهه و ثانیاً معاذ بن جبل را (رض) برای تبلیغ اسلام با اهالی یمن اعزام فرمودند ، پس باین قسم یمنی ها اسلام را قبول کرده بزرگ اداره خلفای اموی و عباسی درآمده تا آنکه در عهد سلسله زبیدی که مدت دو قرن از ۲۰۴ تا ۴۰۹ هجری (۸۱۹-۱۰۱۸) عیسوی حکمرانی داشتند استقلال یافته اما وجود این مملکت به قطعات زیاد تقسیم گردیده اداره هر کدام بدست یک رئیس محلی افتاد ، صنعا مرکز سلطنت شعبه (صلاحیه) قرار گرفت و سلطنت مزبور بواسطه سلاله (همدانیه) از بین رفته شاهان موخرالد کر از ۱۰۹۸ تا ۱۱۷۳ دوام کردند و دران تاریخ تمام مملکت یمن به سلسله ایوبیه مصر منتقل گردید این سلسله بواسطه خاندان رسدلیه که اولاده یکی از امرای خلیفه عباسی بود منقرض شد .

در سنه ۱۵۱۷ اترک عثمانی که مصر را فتح کرده بودند به تصرف یمن پرداختند ، قبضه این مملکت که بواسطه سلیم اول شروع شده بود بیش از یک قرن دوام نکرد در سنه ۱۶۳۳ امام های ملی بر سر اقتدار آمد و ترکها مجبور به دست کشیدن گردیدند ، بقسمیکه فقط یک رابطه اسمی تا وقت جنگ عمومی یمن را بترکیه الحاق میداد و پس از انقراض سلطنت عثمانی آزاد شد .

شاه حاضره جاجه حمیدالدین المتوکل امام یحیی نام دارد که در سنه تولد شده و پسر خاندان شاهی : اما محمد است (مسلمان سعیدی)

اولاد :

- | | |
|--|------------------|
| ۱ : الهادی محمد سیف الاسلام ولیعهد سلطنت است . | ۲ : شهزاده حسن . |
| ۳ : شهزاده حسین . | ۴ : علی . |
| ۵ : کاظم . | ۶ : مطهر . |
| ۷ : عبداللہ . | ۸ : ابراهیم . |
| ۹ : اسمعیل . | ۱۰ : جاجه . |



جناب فاضل جمال الدین احمدخان
عضو فخری انجمن ادبی که در
سالنامه کابل کک شایانی نموده اند

نظری به آسیا

آسیا بزرگترین قطعه عالم بوده و بواسطه آنکه در شرق شمالی دنیای
قدیم وقوع یافته بنام شرق نیز معروف است .

این براعظم شمالاً و جنوباً از ۷۵ درجه عرض بلد شمالی الی ۱۰ درجه
عرض بلد جنوبی واقع گشته ، غرباً ، شرقاً از ۲۶ الی ۱۹۰ درجه طول بلد
مشرق امتداد یافته است . مساحت آن مساوی (۴۱۶۰۰۰۰۰) کیلومتر
مربع (که تقریباً ثلثی از عالم مسکون را تشکیل می نماید) بوده ، دارای
(۱۰۶۷۰۰۰۰۰۰) نفوس است که بیشتر از نصف نفوس روی عالم باشد .

براعظم ایشیا خیلی وسیع و از آن رو آب و هوای آن اختلافاتی بهم رسانیده ، باعث تکون و پیدایش
نباتات و حیوانات متنوعه گردیده است . آسیا از حیث جبال و قله شامخه ، سطوح مرتفع ، میدان های
وسیع حاصلخیز و دشت های غیر مزروع ، بیابان وریگزار های سوزان ، جزائر سرسبز و شاداب ، بحیره های
وسیع و پهنایر و بالاخره بواسطه تنوع و برافتنان های شمالی خود در عالم بی نظیر بوده و بر سائر براعظم های
دنیای قدیم و جدید برتری و محاسنی را حائز و دارا است .

چنانکه همایه درین جبال ، قله ایورست در بین قله شامخه ، سطح مرتفع تبت در وسط سطوح مرتفعه ،
بحیره خزر در ردیف انبار داخلی ، میدان سایبیریا از حیث وسعت ، بحیره مردار و نواحی آن از رهگذر
شوری آب و پستی زمین ، میدان گنگا و هوآنک هوا از باعث زرخیزی ، جزیره نمای عرب در قطار جزیره نماها
از سبب بزرگی ، یاکنسک از حیث سردی در صنف نقاط مسکونه ، نواحی شرق اردن بواسطه گرمی
خود و چرا بوجی از کثرت باران هریک تشخص و امتیازی دارند که بهیچ صورت از آن نمی توان انکار کرد .

بر علاوه آنکه ، مبط ابوالبشر سیدنا آدم علیه السلام بوده ، و سفینه آدم ثانی نوح علیه السلام نیز در خاک
آسیا بر روی زمین قرار یافت و نخستین منبع و سرچشمه تهذیب و تمدن شمرده میشود که بعد ها سائر قسمت های
دیا از آن سرمشق های عبرت گرفته ، مستفیض و منور گردید .

خصیصه و اعداد مروجه کنونی عالم و البته مهمه نیز ازین سرزمین آغاز ظهور نموده ، مهد و پرورشگاه
انبیای جلیل القدر و رهنمایان معروف بشریت تسلیم گشته است .

بزرگترین نژاد های عالم ، سفید پوستها و زرد پوستها ازینجا ظهور نموده ، قدیمترین و بزرگترین کتب
سماوی و آیدات تاریخی در همین خاک نزول و تاسیس یافته اند ، حیوانات اهلی بدون استثنا کاملاً
درین قطعه انس گرفته و پرورش یافته و بعدها بسائر نقاط عالم پراکنده و مروج گشت . همچنین مزرع اصلی نباتات ،
انبار و حیوانات ما کوله متداول در عالم نیز آسیا بوده ، کشت و کار و طرز استعمال هریک را سائرین از اهالی این
سرزمین بیاموختند ، و چنانکه گفتیم آسیا نه تنها درازمنه قبل از تاریخ بلکه در ادوار بعد از تاریخ نیز همیشه
و متمادی مبداء دیانت ، اخلاق ، زراعت ، فلاحه ، صنعت ، حرفت ، تجارت و بحر پیمائی و فنون حرب و کشور کشائی
علم و هنر ، تهذیب و بالاخره سرچشمه تمدن بوده و بر سائر نقاط عالم سمت استادی و پیشوائی را احراز نموده است .
وطن عزیز ما افغانستان در قلب این قطعه بزرگ واقع گشته از حیث تاریخ سابقه درخشان ،
ندکار و خاطرات مشتمع و قیمت داری را حائز است . چنانکه از شش هزار سال پیش بلکه افزون تر

ازان اهالی این دیار که عبارت از اسلاف بزرگوار افغان باشد، مهاجرت اختیار کرده، تمدن سومیرها را در عراق و تمدن (موهین جودیرو) را در وادی سند تاسیس نمودند که تقریباً از لحاظ طرز و اسلوب تمدن واحدی بوده، و میتوان گفت که در عصر واحدی هم تشکیل یافته است.

آریه ها ازین سرزمین برخاسته ایران، هندوستان و اورپا را معمور و آبادان ساختند. فاتحین و کشورکشایان بزرگ عالم اکثر ازین مملکت بوده، و یا بطور مسافرت و تاخت و تاز ازین سرزمین عبور کرده اند.

خلاصه اگر بگوئیم که تاریخ آسیا عبارت از تاریخ مجمل عالم بوده و تاریخ افغانستان مجمل از تاریخ آسیا است بجا گفته خواهیم بود.

مدنیت آسیا بسی قدیم بوده، علایم و شواهد بسیاری ازین مدنیت پرشکوه موجود است آثار نفیسه که مدنیت قدیمترین و صنایع (۶ هزار سال قبل) آسیا را نشان میدهد در اثر کاوشها و حفاریات از بلاد قدیمه سند و دجله بدست آمده است، اگرچه در بین بلاد سند و دجله بعد و مسافت زیادی است. اما آثار عتیقه ئیکه ازین ممالک کشف گردیده باهم شباهت تامی دارند، اگرچه بناهای این دو مملکت در حصص مبدائی تعمیر گردیده و در اطراف آن تا چندین کیلومتر بجز میدانهای وسیعه خاکی دیگر چیزی بنظر نمیآید مگر چون در تزیینات سنگ لاچورد بکار برده اند. چنان مینماید که اهالی آنجاها اصلاً از مملکت کوهستانی مشجری باین دیار رخت اقامت کشیده باشند و نیز از ابنیه و معابد و قبور آنها این مطلب بخوبی واضع میشود اهالی این ممالک فلز طلا و مس را گداز میکردند. خشت پزی، حجاری، کلالی، زرگری مسگری داشتند از همه گذشته دارای فنون حربی هم بودند.

یگانه مملکت کوهستانی ئیکه بین این دو مملکت واقع و دارای معدن مهم لاچورد است مملکت افغانستان بوده و عقیده اکثر علمایینست که اهالی کوهستانی افغانستان باند یار رفته و تاسیس مدنیتی نموده اند. و این آثار مدنیت شش هزار سال قبل ظاهر میسازد که افغانستان قبل از آن دارای تمدن و شوکت بوده و اهالی آن در دیار مجاور نیز مدنیت خویش را نقل داده و رمغان برده اند.

سامی ها از سومیرها ئیکه از مملکت کوهستانی رفته و در غرب آسیا دارای مدنیت بودند کسب تمدن نموده اند سومیرها هزار سال با کمال مدنیت و شوکت حیات بسر برده بعد از آن رو با انحطاط گذاشته، و سامی ها که از سومیرها اخذ مدنیت نموده بودند چهار هزار و پنجصد سال قبل ازین جای ایشان را گرفته و بابل را مرکز قرار دادند.

پنجصد سال بعد از آن اهل عیلام بابل را فتح کرده مدنیت و زبان ملت مفتوحه را اخذ نمودند، سپس از آن سه هزار سال قبل ازین دوره آشورها شروع شد و ۶۰۶ ق م در فارس سلطنتی عظیم بنیافته شوکت بابل و فی نوارادر هم شکست.

از وسط آسیا چهار هزار سال قبل اصناف آریین ها از مملکت باختر (بلخ) و سفد که از وادیهای سرسبز و خرم و آباد دنیا بود بطرف جنوب مشرق بهند و بطرف مغرب با ایران و بطرف شمال مغرب باوروپا مهاجرت نموده اند و این مهاجرت صد ها سال دوام ورزیده است.

آبا و اجداد چینی های امروزه از وسط آسیا تقریباً پنج هزار سال قبل ازین در چین (شرق آسیا) رفته و در (هاوانکو) رحل اقامت افکنده و بتاسیس قدیمترین دولتی که (چین) تا حال وجود دارد پرداختند و مدنیت ایشان تا کوریا و جاپان رسید.

در جنوب آسیا در هند قدیمترین تمدنیکه بما معلوم شده در سند بوده، و آثاری از آنجا کشف گردیده که تمدن آنرا بما نشان داده است چنانچه قبلاً به ذکر آن پرداختیم. در زمانیکه سند دارای تمدن بود در حصص وسطی هند اقوام وحشی (منده) زندگانی داشتند که نسل آنان تا حال بنام بهیل و سنتال و غیره موجود است.

(دراودیهها) غالباً از طرف شمال غرب وارد هند گردیده و در تمام مملکت پراکنده شده سکونت ورزیده اند سه و نیم هزار سال قبل آریانهها دراویدیهها را از صفحات شمالی هندوستان به حصص مرکزی و جنوبی راندند.

در زیر اثر آریانهها آئین برهمنی در هند نشو و نما یافته و کسب اهمیت نمود، مذهب بودائی دو نیم هزار سال قبل ازین در وادی گنگا تولد یافته آهسته آهسته بر تمام قطعات مرکزی و حصص شرق و جنوبی آسیا از ساحل مالابار تا جزایر جاپان هم قبول و پذیرائی شد، اگرچه آئین بودا، امروزه روز درمهد نشو و نمای خود ابداً پیروی ندارد. اما کثراهای سیلون، برما، تبت، چین، جاپان، منگولیا هند چینی و غیره از پیروان این مذهب میباشند.

از دو نیم هزار سال تا قرن ۱۷ مدینت های: ۱- چینی ۲- هندی ۳- اسلامی ۴- باختری (آسیای مرکزی) در آسیا حکفرما بوده است، سه مدینت اول الذکر از یکدیگر اختلاف داشته، ولی مدینت چهارم که درازمنه سابق خودش منبع مدینت های دیگر بود درین زمان از اتحاد و ارتباط مدینت های دیگر متشکل بود. ولی در تقسیم ملل و تاسیس دول و آبادی و خرابی ممالک و مبادلات تجارتی حصه مهمی داشته است.

مدینت چینی در صفحات شرقی آسیا حکفرما بود. کوریا، مانچوریا، جاپان، انام ازو مدینت آموختند و تاثیر این مدینت ب مملکت منگولیا، تبت، سیام کمبودیا، برما، کاشغر کشمیر نیز رسید، و مدینت هندی نیز درین ممالک اجرای نفوذ نموده بلکه در بعضی جا بر مدینت چین تفوق یافت. در کاشغر و کشمیر مدینت اسلامی و باختری هم داخل گردید. بهر جائیکه نفوذ مدینت چین بیشتر بود دیانت کنفوسیوس و رسم الخط چینی (که از بالا بطرف پائین بسط رهای عمودی بقلم موئی تحریر میگردد) و هم سبک مخصوص چین در صنایع رواج یافت.

تاثیر مهمه مدینت هند عبارت بود از مذهب بودائی که درازمنه قدیمه در وسط آسیا و تبت و مغلستان، جاوا، کمبودیا، سیام، و جزایر شرق الهند رسید، و با کثرت ممالک رسم الخط هندی و سبک هندی در صنایع و ادبیات داخل گردید، چنانچه رسم الخط جاوا، تبت کمبودیا و آثار تاریخی و مذهبی و رسوم و عادات اهالی هند چینی و جزایر شرق الهند برین گواه است.

از یکطرف بواسطه باختر دیانت بودائی بچین و جاپان و از طرف دیگر بواسطه باختر و اسلام علوم و فنون تا اروپا رسید.

تا نزدیکها میگفتند که معلم علم و فن تمام دنیا یونان بوده. اما حال شواهد و دلایلی بدست آمده که یونان از باختر علوم و فنون شرق را اخذ کرده است.

اسلام که دین حقانی مقدس و پاک و بزرگترین ادیان است از همه قوائیکه تاریخ نوع بشر از ان حکایت می نماید مؤثر واقع گشته است. چنانچه از گوشه غرب آسیا برخاسته و چنان عالمگیر شد که در اندک مدت نه تنها از ساحل بحراتلاتیک تا جزایر بعیده شرق الهند رسید، بلکه هر شعبه حیات بشر از اسلام مستفید گردید، زیرا تاثیر مدینت چین بیشتر بامور مادی، و تاثیر مدینت هند بیشتر بامور معنوی، رسم الخط، صنایع دیانت و بعضی رشته های علوم، و تاثیر باختر چنانچه ذکر شد بیشتر به امور سیاسی بوده.

اما هیچ شعبه حیات بشر (دینی و دنیائی، مادی و معنوی، سیاسی و حربی، تجارتی و اقتصادی، اجتماعی و انفرادی) نیست که اسلام در آن تاثیر نکرده باشد، حتی مللیکه از قبول این دین منیف محروم مانده اند باز هم از تاثیر آن بی بهره نمانده اند، از جمله ظهور پروتستان را در دین مسیحی از جمله تاثیرات اسلام و اصلاح آن میتوان گفت.

فکر اخوت بشر مساوات و حریت که در دنیا تولید یافته از برکت همین دین برگزیده و حقانی است. دین اسلام یگانه دینی است که امور دین و دنیا را چنان بهم ارتباط بخشید که انفکاک یک از دیگر امکان ندارد.

دین اسلام به هر مملکت و هر قطعه دنیا که رسیده است، رسم الخط، زبان عرب و سبک مخصوص را در صنایع با خود برده است.

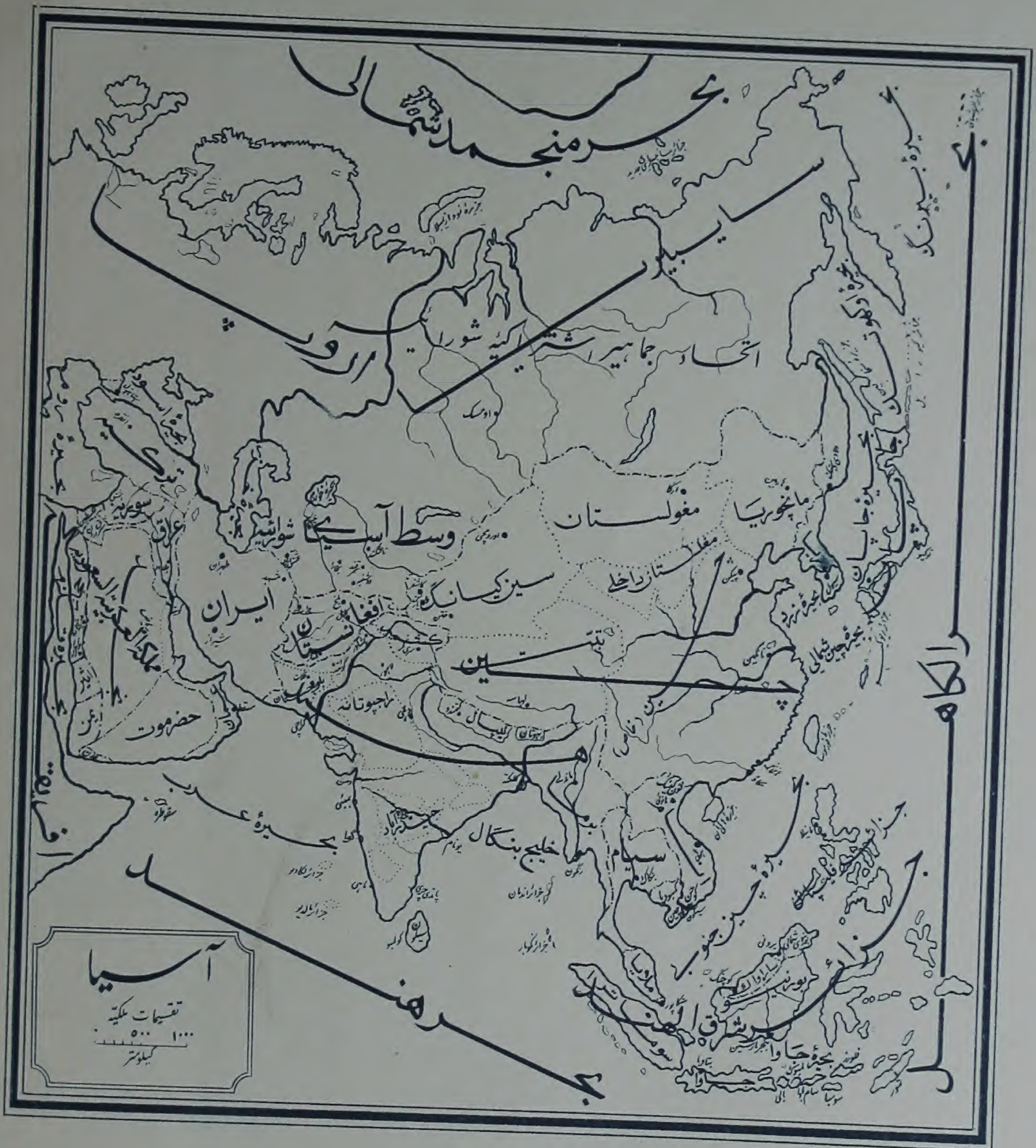
حصة را که ملل باختری در تاریخ آسیای وسطی گرفته اند بیشتر آن به امور حربی و مهاجرت تعلق دارد زیرا در ملل باختر عادی بود که در هر حصه آن که اثری از جنگ و جدال پیدا می شد، اقوام دور و نزدیک با آنجا اجتماع نموده متفقاً بحمله و حرب می پرداختند، مثلاً در ظرف این دو هزار سال چندین دفعه اقوام باختری و آسیای وسطی بر ممالك بعیده تاخت و تاز آورده و بواسطه شجاعت خود بر ممالك متصرف و دوات وسیع تشکیل میدادند، اما از باعث قتل افراد نمیتوانستند آنرا مدتی حفظ نمایند. اگر بعد از زمانی باز اقوام خودشان در ممالك مفتوحه هجوم می آوردند از مدافعه آنها عاجز می آمدند.

اگر چه سلطنت ملل باختر دوام دار نمی بود ولی چون سلطنت وسیع تشکیل می یافت، علما، تجار، صنعت گر سیاح بسهولت از یک سر مملکت تا دیگر سر آن رفت و آمد پیدا می کرده و باین واسطه زمینه مساعدی برای تبادل افکار و نقل تمدن تهیه می گردید.

در ازمنه قبل تاریخ اهالی آسیا در آفریقا و اروپا حتی در آمریکا بارها نفوذ یافته اند، اروپا و آفریقا اگر چه در آسیا نفوذ یافته اند، ولی نفوذ آنها موقتی بوده، چنانچه هکسوس و آشوری ها، عربها و عثمانیها، بر مصر، فنیقی ها، بر کارتاج و آریانیها و اوارها و مجارها و هونها و بلغارها و عربها و مغلها و اتراک و غیره به اروپا هجوم برده و ممالك آفریقا و اروپا را تصاحب و در آنجا سکونت اختیار نموده اند چنانچه تاحال نسل ایشان در آنجاها باقیست. بامقابل مصریها سوریه، و اهل حبشه، بر یمن، یونانی ها و سکندر کبیر و رومی ها به آسیای کوچک و در ایام جنگهای صلیبی قوای تمام دول مسیحی اروپائی بر فلسطین هجوم آوردند، تاهنگامیکه طریق ایاب و ذهاب خشکه بود آسیا بر قطعات دیگر غالب، اگر قطعات دیگر به آسیا قدم می نهادند فتوحات شان موقتی می بود.

در سنه ۱۴۹۸ م واسکو دیگاما دریا نورد پرتگالی از راه بحر ساحل هند قدم نهاد و بعد از آن اتباع سایر دول بحری اروپا از قبیل پرتگال، هسپانیا، هالند، فرانس، برطانیا از پی یکدیگر بلباس تجارت وارد ممالك آسیای جنوبی و مشرق گردیدند و در امور تجارت از آسیا ثبات طلب مراعات شدند سپس از منازعات و مناقشات داخلی استفاده برده نفوذ خود را توسعه دادند و ممالك را در تحت سلطه و تصرف خویش در آوردند. بعد از آن بین ممالك اروپائی رقابتی در مسایل آسیا پیدا شده پرتگال اکثری مقبوضات خود را از دست داد مقبوضات هسپانیا در قرن ۲۰ بتصرف جمهیر متحده امریکا درآمد هالندیها مقبوضات هندی و سیلون و هند چینی خود را به انگلیسها باختند ولی در جزایر شرق الهند توسیع یافتند. فرانسویها از هند منصرف گردیده هند چینی را قبضه نمودند. و بعد از جنگ عمومی جزو اعظم سلطنت عثمانی از و مجزا شده تحت انتداب فرانس و انگلیس قرار گرفت. بطرف شمال روس از راه خشکه سای پیریا و حصص شمالی آسیای وسطی را آهسته آهسته متصرف شده، و از باعث قتل اهالی و ضعف آنها بدون مشکلات بر آنجاها مالک گردید، ولی چون در شرق اقصی بلادوت جایان مقابل شد، شکست فاحش یافت.

در قرن ۱۹ دول مهمه اروپا آسیا را لقمه چرب و شیرین ولایتی باع پیدا شده خیالاتی در باب فرو بردن آن در سر داشته و آنرا بین خود تقسیم می نمودند، اما درین وقت آثار نهضت در آسیا پیدا شد خلاصه در اواخر قرن ۱۹ جایان رو بترقی بحیر العقول نهاده در مدت قلیلی هم سر و همقطار دول بزرگ و مقتدر عالم گردید. و چنانکه گفتیم در سائر ممالك آسیا حس نهضت علم بر افراخته و پیش از همه در سال ۱۹۱۹ افغانستان استقلال کامل خویش را حاصل نمود بعد از آن ایران و سیام از حلقه های اثر خارج و امتیازات و مداخلات رویانیها یک یک خود را نجات و رهائی بخشیدند و درین اواخر عراق نیز مستقل شناخته شد، در سال حاضر سفیر نیال بدر بار لندن پندرا شد و رویهم رفته هند، جاوا جزایر شرق الهند، سوریه، فلسطین نیز خواهان آزادی گشته و از اجاب برخی از حقوق خود را گرفته و در عقب اخنباقی افتاده اند. حتی ولایات امپراطوری سابق چین نیز برای استقلال خویش مجاهدت ورزیده حکومت علیحدہ تشکیل داده اند.



تقسیمات وقت

در دنیای کنونی معیاریکه برای تقسیمات وقت مقبول افتاده، عبارت است از مدت گردش ظاهری ثوابت که علما آنرا یوم نجومی مینامند، و هکذا گردش ظاهری آفتاب از دایره نصف النهار تا وصول به نصف النهار مذکور (مطابق نظریه عامه روز شمسی) یکروز و شب (تعبیر کرده میشود).

ولی ناگفته نماند، که بقرار نظریه علمای این فن بهر يك از ایام مزبور (خواه شمسی باشد خواه نجومی) نمی توان عدم تفاوت را قائل شد.

به عبارت دیگر هر يك از ایام شمسی و نجومی مذکور به نسبت ایام دیگر (از هم قسمان خود) یکفرق و تفاوت خفیفی را دارا بوده، یکی به نسبت دیگری کوتاه و دراز میشود. و از آن باعث است که اوسط ایام مذکور را در نظر گرفته و آن را بغرض حساب و تعیین وقت یکروز قرار داده اند. و فرق و تفاوتی که زوال حقیقی (یعنی هنگام وصول آفتاب به نصف النهار) و زوالی که از روی ساعت ظاهر میشود در حالت انتهائی عبارت است تقریباً از ۱۶ دقیقه که تفاوت مذکور را (معادل وقت) می نامند.

از آنجائیکه روز بدو قسم (روز نجومی و روز شمسی) تقسیم یافته لذا براساس آن سال نیز بدو قسم می باشد سال نجومی و سال شمسی.

روز شمسی را که عبارت از واحد قیاسی سال شمسی است به (۲۴) قسمت تقسیم نموده، هر واحد آن را ساعت نامیده اند.

و هر ساعت را به (۶۰) قسمت منقسم کرده برای هر يك آن دقیقه و هکذا دقیقه را به (۶۰) تقسیم نموده برای هر واحد آن ثانیه گفته میشود، و روی هر هفته یکسال شمسی متساوی و مرکب از (۳۶۵) روز ۶ ساعت و ۹ دقیقه ۹ ثانیه است.

وقت معیاری

چون زمان عبور آفتاب از نصف النهارهای مختلف باوقات مختلفه صورت میگیرد. همان است که وقت مقامی هر نقطه نیز به نسبت نقاط دیگر اختلاف داشته، در هر درجه از خطوط طول بلد (۴) دقیقه تفاوت و فرق مینماید. بواسطه مشکلاتی که در امور مخبرات ازین سبب رومیداد، مجبوراً برای تسهیلات و رفع تکالیف مذکوره از وقت مقامی صرف نظر و در هر مملکتی از ممالك یکی از نصف النهارهای آنرا اختیار کرده، از روی آن وقت معیاری را معین نمودند.

قبل برین برای تعیین اوقات معیاری به خطوط نصف النهار مراکز (پای تخت ها) ممالك مختلفه اعتبار داده میشد، ولی امروز بنابر تعمیم مخبرات بی سیم و پروازهای طیارات که اوقات معیاری سابقه درین باب نیز مشکلاتی تحمیل می نمود. همان است که برای رفع آن از فرق و تفاوتهای جزئی نصف النهارهای مراکز مختلفه ممالك همچوار (که کمتر از یکساعت باشد) نیز صرف نظر شده، از برای همه آن چند مملکت وقت معیاری واحدی تعیین کرده شد. مثلاً در زمان سابق نصف النهار لندن عایجده و از یاریس و بروکسل، میدرید و لوزن هر يك جداگانه بوده، و تفاوتهای جزئی از قبیل ۵ دقیقه و ۱۰ دقیقه در اوقات معیاری آنها مشهود بود. ولی امروز از تفاوت همه آنها چشم پوشیده، وقت معیاری نصف النهار رصدخانه گرینویچ از برای جمیع آنها وقت معیاری واحدی قرار داده شد.

جدول اوقات معیاری بلاد مشهوره عالم

هنگامیکه در کابل ساعت ۱۲ زوال می باشد ساعت های ممالک مختلفه اوقات ذیل را نشان میدهند :

شهر	مملکت	دقیقه	ساعت
آتنه	یونان	۳۰	۹
استانبول	ترکیه	۳۰	۹
اسکندریه	مصر	۳۰	۹
آکلند	نیوزیلند	۰	۱۹
الجزیره	الجزائر	۳۰	۷
امرتسر	هند	۰	۱۱
امستردم	هالند	۵۰	۷
اتراره	ترکیه	۳۰	۹
اوسلو	ناروی	۳۰	۸
برلین	جرمنی	۳۰	۸
بغداد	عراق	۳۰	۱۰
بلغامت	آئرلیند شمالی	۳۰	۷
بنجی	هند	۰	۱۳
بنکاک	سیام	۳۰	۱۴
بوداپست	هنگری	۳۰	۸
بوینز آیرس	برازیل (امریکه جنوبی)	۳۰	۳
برسلز	بلجیم	۳۰	۷
پاریس	فرانسه	۳۰	۷
یشاور	هند	۰	۱۱
تمبکتو	افریقه غربی فرانسوی	۴۰	۷
جنوا	سوت زرلیند	۳۰	۸
دانسیخ	دانزیك	۳۰	۸
دبلن	آئرلیند	۳۰	۷
دمشق	سوریه	۳۰	۹
دهلی	هند	۰	۱۳
دینور	متحده امریکای شمالی	۳۰	۰
روما	ایتالیه	۳۰	۸
سان فرانسیسکو	جماهير متحده امریکای شمالی	۳۰	۲۳
ستاکهالم	سویدن	۳۰	۸
سدنی	استرلیا	۳۰	۱۷
سنگاپور	ملایا	۳۰	۱۴

اوقات ممالک عالم

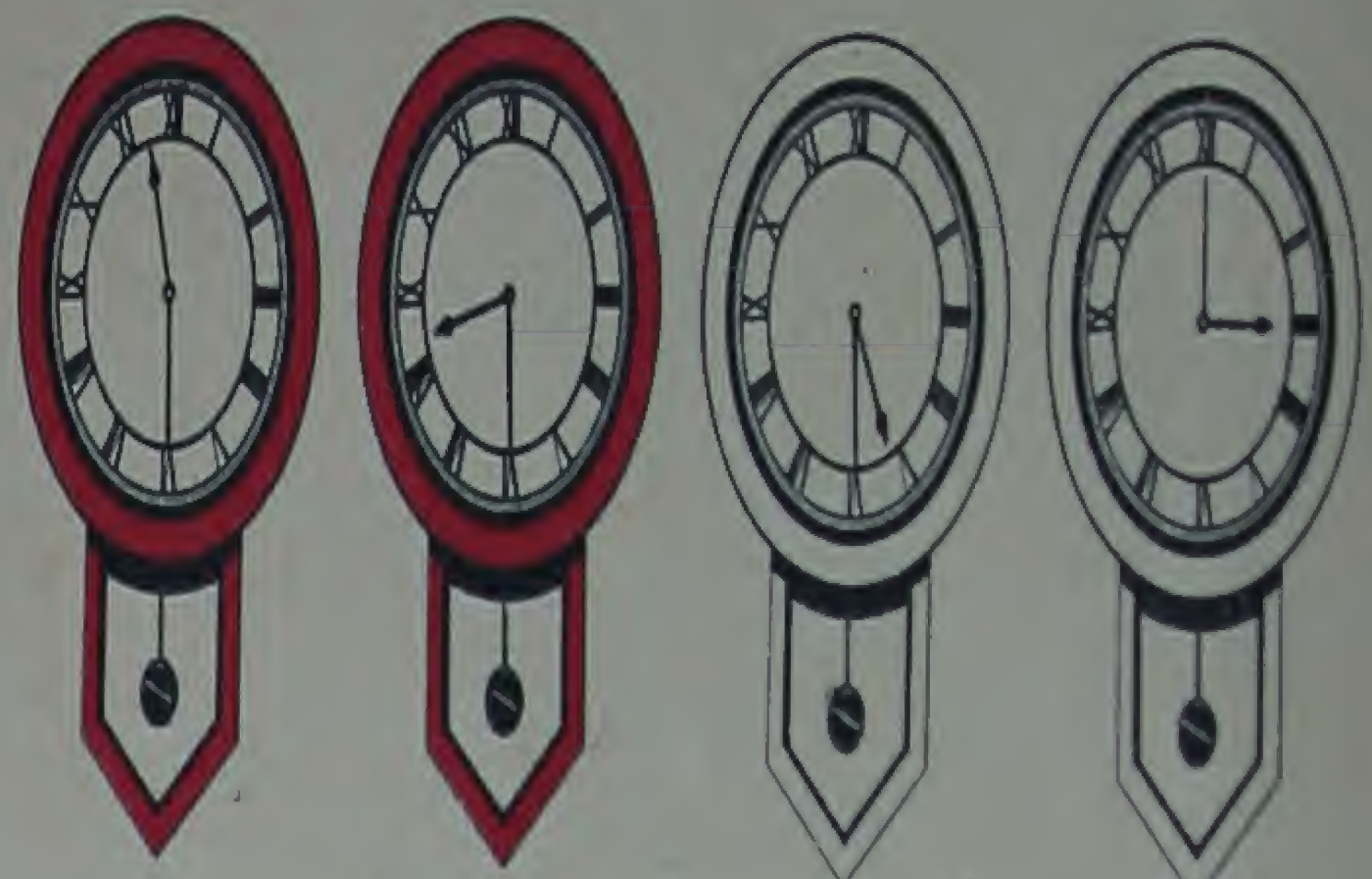
مطابق نصف النهار کابل



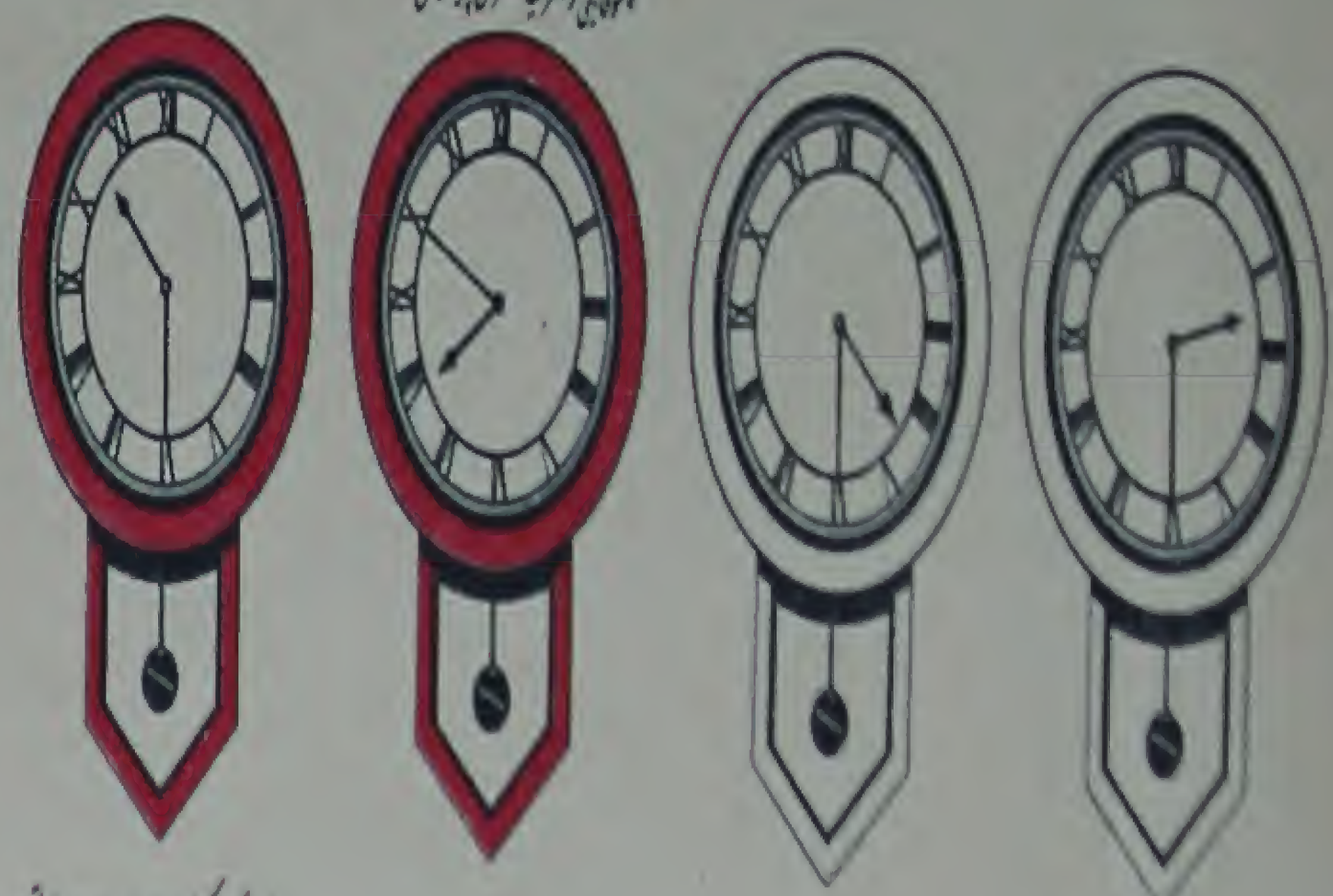
افغانستان

۱۲

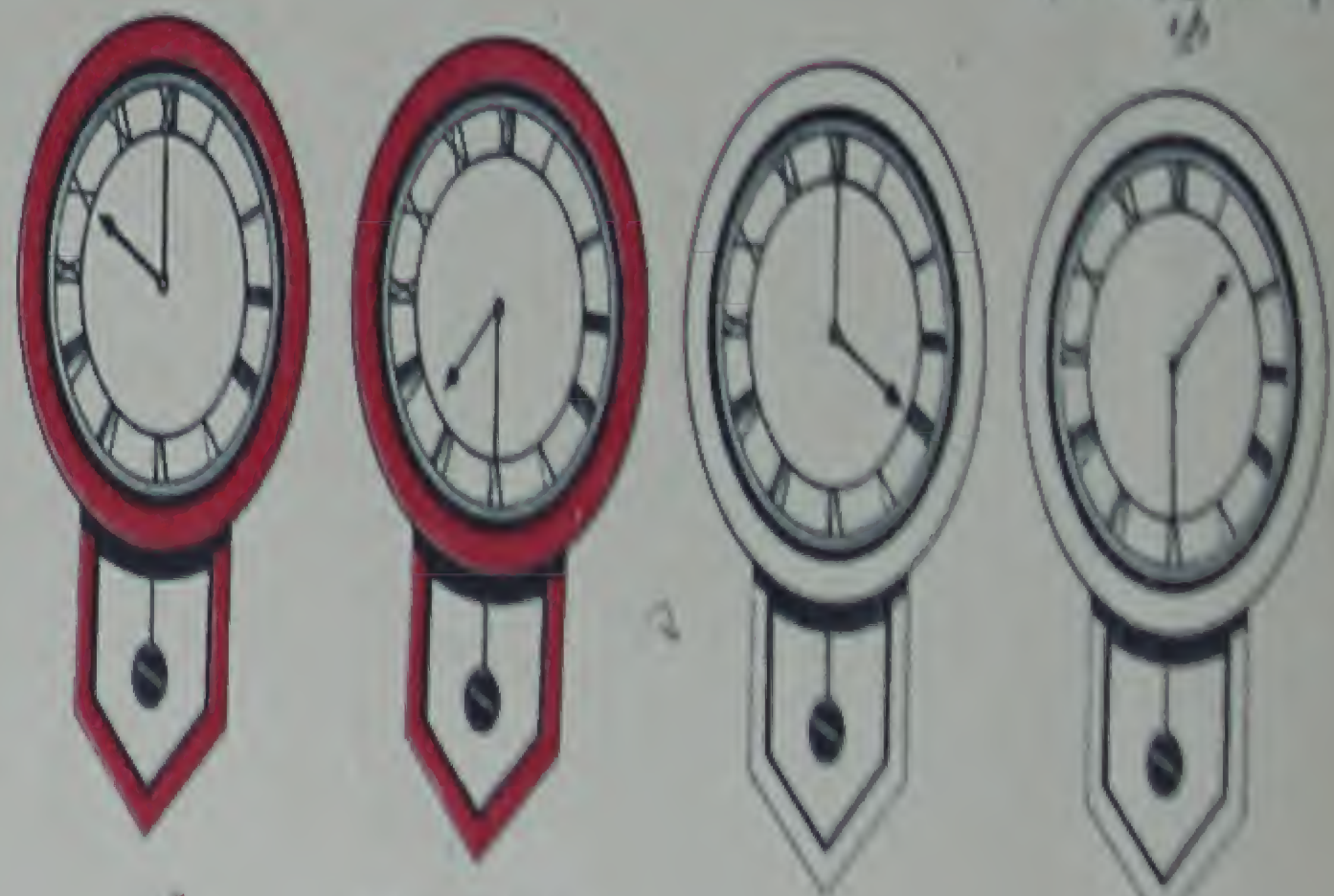
نصف النهار



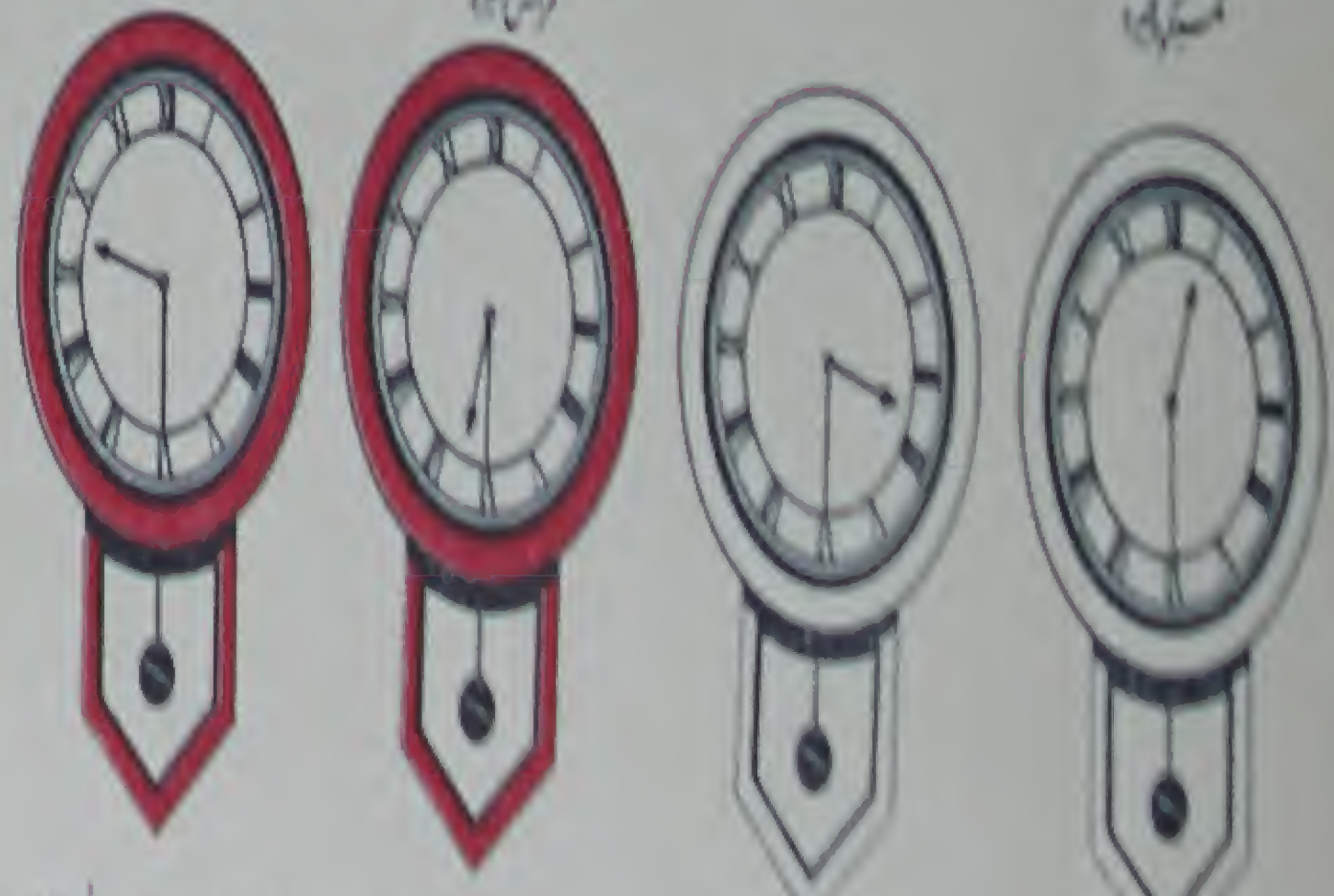
بریتانیا، روس، چین، هندوستان، ایران، عراق، مصر، ترکیه، یونان، ایتالیا، اسپانیا، فرانسه، بلژیک، آلمان، سوئیس، اتریش، مجارستان، لهستان، پولند، رومانی، بلغاریه، یوگوسلاوی، صربیه، کوسووا، مقدونیه، بوسنیا و هرزیگووینا، کرواسیه، صربیه، کوسووا، مقدونیه، بوسنیا و هرزیگووینا، کرواسیه



ایران، عراق، مصر، ترکیه، یونان، ایتالیا، اسپانیا، فرانسه، بلژیک، آلمان، سوئیس، اتریش، مجارستان، لهستان، پولند، رومانی، بلغاریه، یوگوسلاوی، صربیه، کوسووا، مقدونیه، بوسنیا و هرزیگووینا، کرواسیه



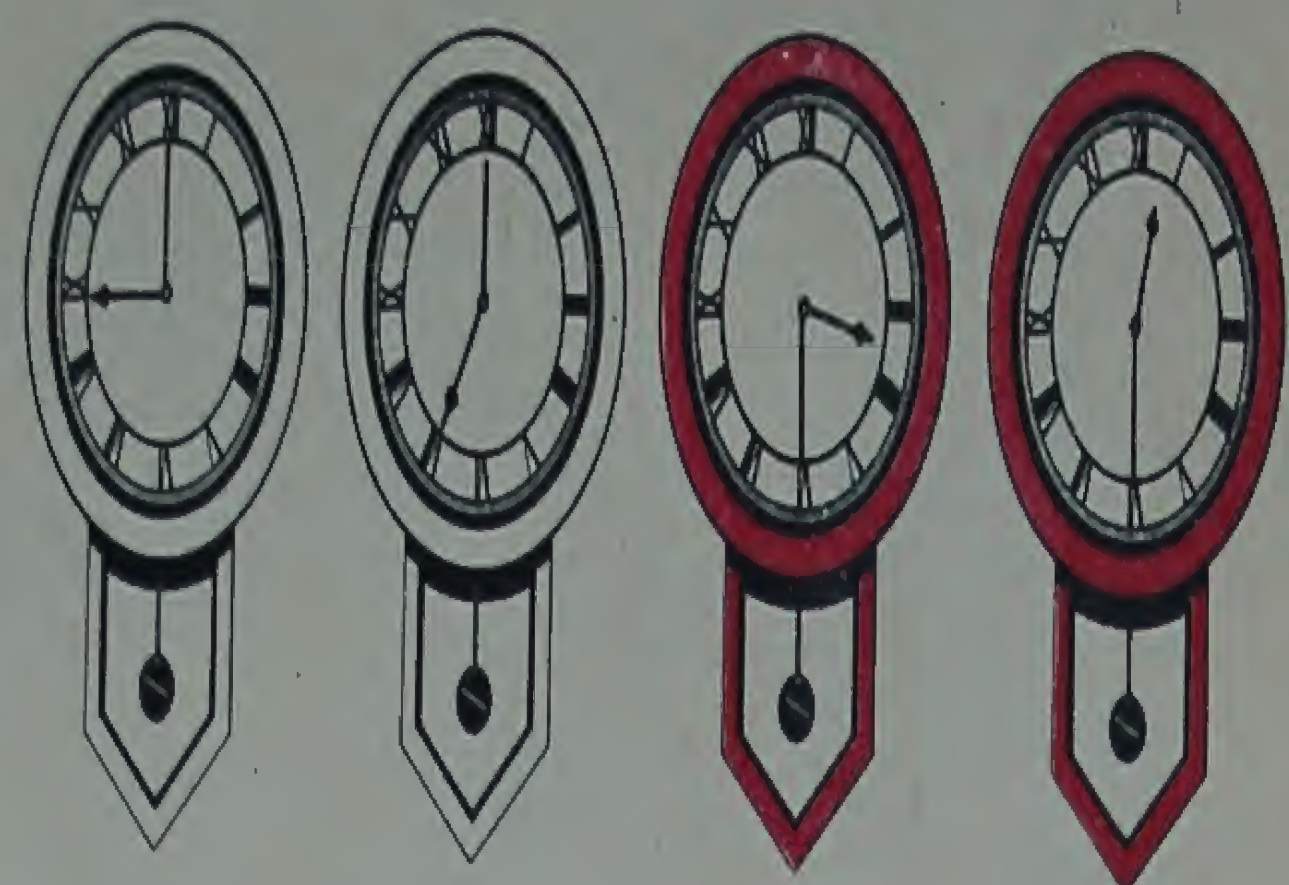
ایران، عراق، مصر، ترکیه، یونان، ایتالیا، اسپانیا، فرانسه، بلژیک، آلمان، سوئیس، اتریش، مجارستان، لهستان، پولند، رومانی، بلغاریه، یوگوسلاوی، صربیه، کوسووا، مقدونیه، بوسنیا و هرزیگووینا، کرواسیه



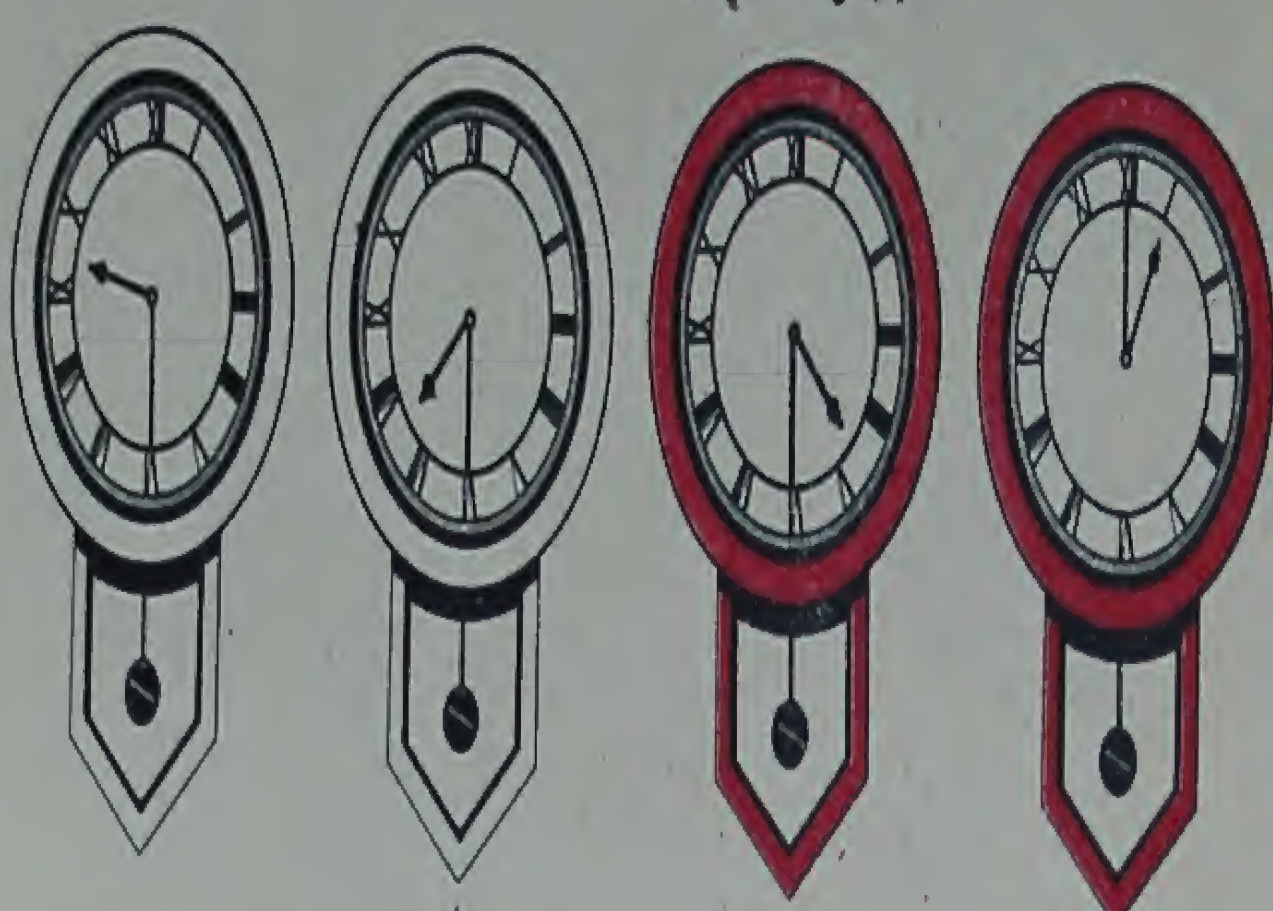
ایران، عراق، مصر، ترکیه، یونان، ایتالیا، اسپانیا، فرانسه، بلژیک، آلمان، سوئیس، اتریش، مجارستان، لهستان، پولند، رومانی، بلغاریه، یوگوسلاوی، صربیه، کوسووا، مقدونیه، بوسنیا و هرزیگووینا، کرواسیه

قبل از زوال

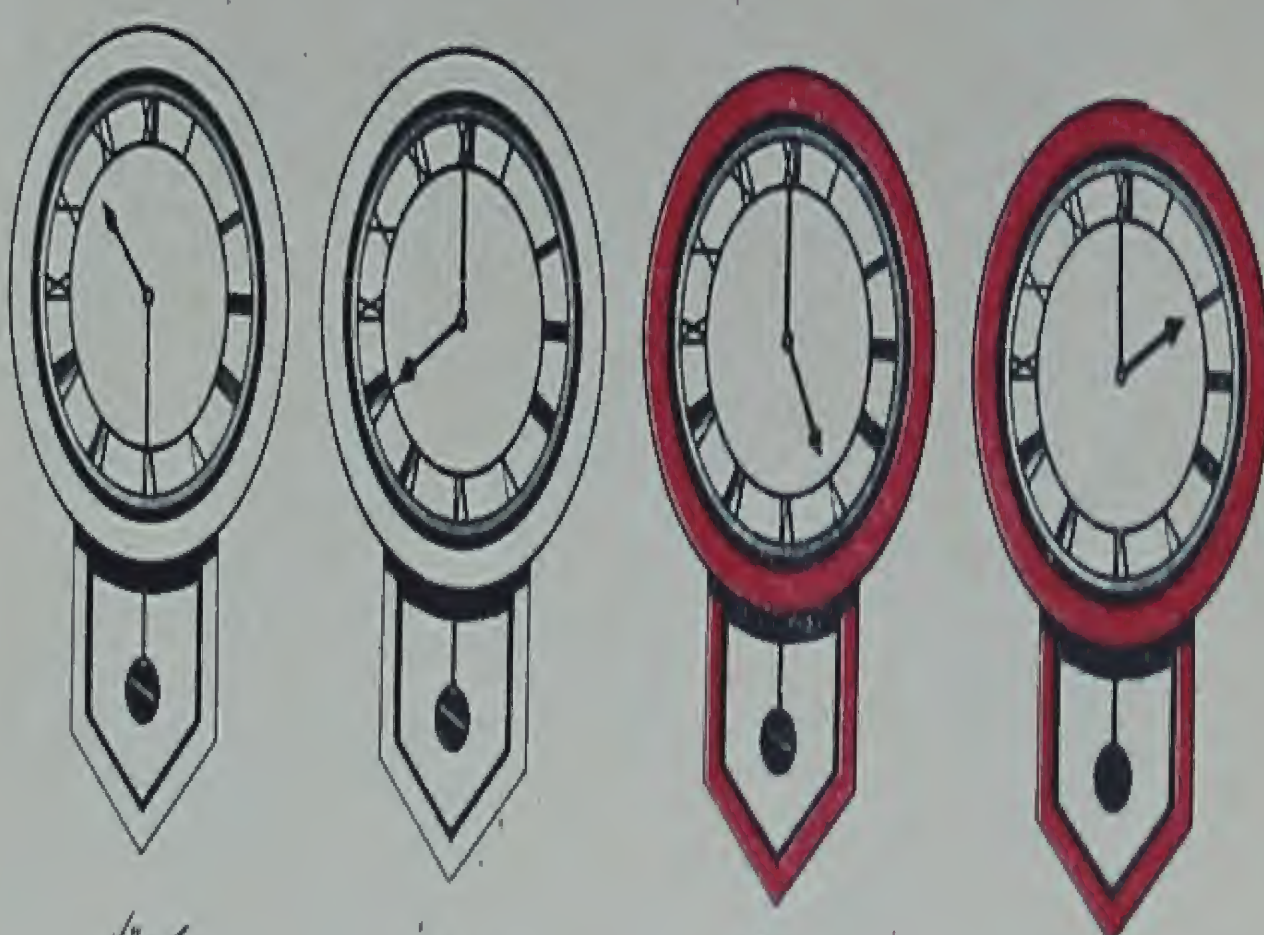
شب



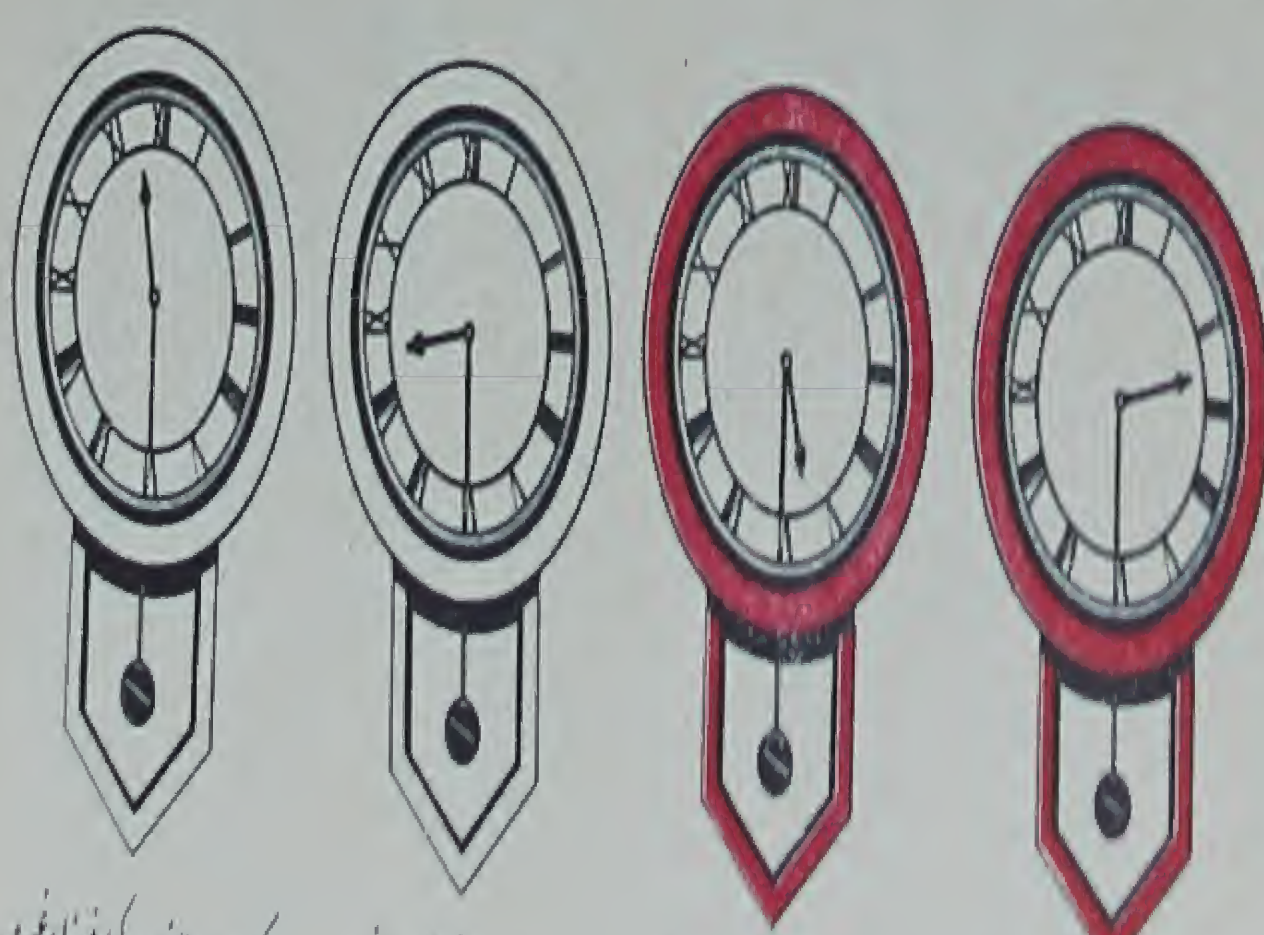
بریتانیا، روس، چین، هندوستان، ایران، عراق، مصر، ترکیه، یونان، ایتالیا، اسپانیا، فرانسه، بلژیک، آلمان، سوئیس، اتریش، مجارستان، لهستان، پولند، رومانی، بلغاریه، یوگوسلاوی، صربیه، کوسووا، مقدونیه، بوسنیا و هرزیگووینا، کرواسیه



ایران، عراق، مصر، ترکیه، یونان، ایتالیا، اسپانیا، فرانسه، بلژیک، آلمان، سوئیس، اتریش، مجارستان، لهستان، پولند، رومانی، بلغاریه، یوگوسلاوی، صربیه، کوسووا، مقدونیه، بوسنیا و هرزیگووینا، کرواسیه



ایران، عراق، مصر، ترکیه، یونان، ایتالیا، اسپانیا، فرانسه، بلژیک، آلمان، سوئیس، اتریش، مجارستان، لهستان، پولند، رومانی، بلغاریه، یوگوسلاوی، صربیه، کوسووا، مقدونیه، بوسنیا و هرزیگووینا، کرواسیه



ایران، عراق، مصر، ترکیه، یونان، ایتالیا، اسپانیا، فرانسه، بلژیک، آلمان، سوئیس، اتریش، مجارستان، لهستان، پولند، رومانی، بلغاریه، یوگوسلاوی، صربیه، کوسووا، مقدونیه، بوسنیا و هرزیگووینا، کرواسیه

بعد از زوال

شب

تقسیمات وقت

۱۵	۳۰	چین	شانگهای
۱	۳۰	جماہیر متحدہ امریکای شمالی	شیکاگو
۹	۳۰	مصر	قاہرہ
۱۶	۰	ہند	کراچی
۱۳	۲۳	بنگال ہند	کلکتہ
۸	۳۰	دنمارک	کوپن ہیگن
۹	۳۰	افریقہ جنوبی	کیپ ٹاؤن
۱۱	۰	ہند	لاہور
۷	۳۰	انگلیند	لندن
۷	۳۰	برتگال	لیزبن
۹	۳۰	روسہ	ماسکو
۱۵	۳۰	قلیپائن	مانیلا
۱	۳۰	۰	مکسیکو
۹	۳۰	حجاز	مکہ معظمہ
۷	۳۰	ہسپانیا	میدرد
۲	۳۰	متحدہ امریکای شمالی	نیویارک
۸	۳۰	پولیند	وارسا
۲	۳۰	متحدہ امریکای شمالی	واشنگٹن
۲۳	۳۰	کنیدا	ونکوور
۸	۳۰	استریا	ویانا
۱	۳۰	کنیدا	وینی بیگ
۱۴	۳۰	چین	ہانگ کانگ
۲	۳۰	کیوبا	ہاوانا
۲۱	۰	جزائر ہوائی	ہونولولو
۹	۳۰	فلسطین	(یوروشلیم) بیت المقدس
۱۶	۳۰	جاپان	یوکوہاما

ساعات ۱۳ یا ۱۴ و ۳۰ دقیقہ یا ۱۵ و ۳۰ دقیقہ کہ در جدول نشان داده شدہ ساعات یک و دو نیم
 فوت:- و سہ و نیم بعد از ظہر است . و ساعات ۲۱ و ۲۳ و ۳۰ دقیقہ ساعات ۹ و یازدہ و نیم
 شب است .

مسکوکات خارجه

در سال گذشته اسم و اصناف مسکوکات دول دنیا درج شده بود. چون تجار ما با اکثر ممالك عالم روابط تجارتي داشته و مبادله پول و غيره مي نمايند لهذا براي سهولت مسکوکات دول به مسکوکات افغاني تطبيق داده شده. براي اينکه قيمت ها هميشه تغير مي يابد درين جدول نرخ ماه ميزان (۱ اول اکتوبر) را اعتبار داده شد.

اسم مملکت	اسم سکه	ميعار	قيمت بافغاني پول افغاني	ملاحظات
آستريا	شلنگ	طلا ۴۱	۱	
اتحاد جماهير شورايۀ اشتراکيه چروانس	»	» ۴۶	۵۱	
ارجنتائن	پيسو	» ۶۵	۹	عموماً پول کاغذی رواج دارد پيسوی کاغذی مساوی است به ۲۹۲ - افغاني.
استونيه	کرون	» ۶۸	۲	
ايران	ريال	» ۴۹		
ايطاليا	لير	» ۵۳		
ايکوادور	سوکر	» ۰	۲	
بلجيم	بلگا	» ۳۹	۱	فرانک کاغذی مسافری است به ۲۸ پول.
بولیویا	بولیویانو	» ۶۵	۳	
برازيل	ملرائس	» ۴۶	۵	پول کاغذی رواج دارد ملرائس کاغذی مساوی است به ۱۲۰ افغاني.
برطانيه	پوند	» ۴۶		پوند کاغذی رواج دارد پوند طلا (۷۶۵۰ افغاني) مساوی است.
بلغاریه	ليو	» ۷		
پاناما	بالبا	» ۱۰		
پاراگوئی	پيسو	» ۶۵	۹	
پيرو	سول	» ۸۰	۲	
پولیند	زلوتي	» ۲	۱	
پرتگال	اسکودو	» ۴۴		
ترکيه	ليره (طلائی)	» ۴۴		ليره کاغذی مروج است که قيمت نازل دارد.
جرمني	رايشمارک	» ۵۸	۳	
جاپان	ين	» ۹۸	۴	
چلي	پيسو	» ۲۲	۱	
چين	دالر	نقره ۸۲		
چکوسلواکيه	کرون	طلا ۲۹		
دنمارک	»	» ۶۸	۲	
دومينيکا	دالر	» ۱۰		
رومانيا	ايو	» ۶	۰	

مسکوکات خارجه

اسم مملکت	اسم سکه	میعار	قیمت بافغانی		ملاحظات
			پول	افغانی	
سالوادور	کولون	»	۵	۰	
سیام	باهت	»	۴	۴۲	
سگاپور	دالر	»	۵	۶۸	
سویدن	کرون	»	۲	۶۸	
سوتزرلیند	فرانک	»	۱	۹۳	
فنلاند	مارکا	»	۰	۲۵	
فراېسه	فرانک	»	۵۸	۰	
فلپائن	پيسو	»	۱۵	۰	
کانادا	دالر	»	۱۰	۰	
کولمبيا	پيسو	»	۹	۷۳	
کوستاریکا	کولون	»	۴	۶۵	پول کاغذی رواج دارد کولون کاغذی مساوی است به ۲۵۰۰ افغانی
کیوبا	پيسو	»	۱۰	۰	
گواتمالا	کوئزل	»	۱۰	۰	
لاتویه	لات	»	۱	۹۳	
لایبیریا					
لیتوانیه	لیتاس	»	۱	۰	سکه برطانوی مروج است .
مصر	جني	»	۷۰	۰	
مکسیکو	پيسو	»	۴	۹۹	
نیدرلاندز	کلدار (فلورین)	»	۴	۲	
نیکاراگوا	کاردوبا	»	۱۰	۰	
ناروی	کرون	»	۲	۶۸	
وینزویلا	بولیوار	»	۱	۹۳	
هائیتی	گورد	»	۲	۰	
هندوآرس	لمبرا	»	۵	۰	
هانگری	پنگو	»	۱	۷۵	
هند	روپیه کلدار	»	۳	۶۰	
هند چینی	پیاستر	»	۳	۹۲	
هسپانیه	پسیتا	»	۱	۹۳	
پوروگوی	پيسو (طلائی)	»	۱۰	۳۴	پيسوی کاغذی مروج است که قیمت نازل دارد .
یوگوسلاویا	دینار	»		۱۷۰۵	
یونان	دراکمه	»		۱۳	

و مقیاسات ، اوزان ، مقادیر و مسکوکات جاپان

مقیاسات اوزان و مقادیر و مسکوکات جاپان و تطبیق آن با مقیاسات و اوزان و مقادیر و مسکوکات
افغانی :

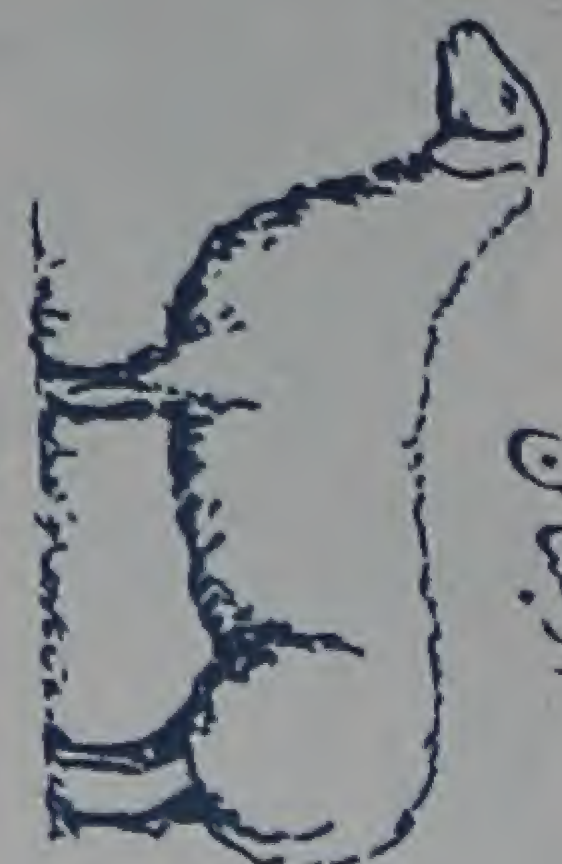
نوع مقیاس	اسم جاپانی	تطبیق آن به مقیاسات افغانی
طول	ری	۳،۹۲۷۲۷ کیلومتر
	ری (بحری)	۱،۸۵۳۱۸ »
	ری (مربع)	۱۵۰،۴۲۳۴۷ مربع کیلومتر
مساحت	سوبو	۳،۳۰۵۷۹ مربع متر
	تان (مساوی ۳۰۰ سوبو)	۹،۹۱۷۶۳ آر
	چو (مساوی ۱۰ تان)	۰،۹۹۱۷۳۵ هکتار
حجم	شو	۱،۸۰۳۹۱ لیتر
	تو (مساوی ۱۰ شو)	۱۸،۰۰۲۹۱ »
	کوکو (مساوی ۱۰ تو)	۱۸،۰۰۲۹۱ هکتو لیتر
وزن	مومه	۳،۷۵ گرام
	کین (مساوی ۱۶۰ مومه)	۶۰۰ »
	کوان (مساوی ۱۰۰۰ مومه)	۳،۷۵ کیلوگرام
حجم جہازات	کوکو	۰،۱ تن
مسکوکات	سن	۸ پول
	ین (۱۰۰ سن)	۴،۹۸۲ افغانی

علاوه برین مقیاسات متری در جاپان رواج دارد که در تجارت خارجه عموماً استعمال می شود .



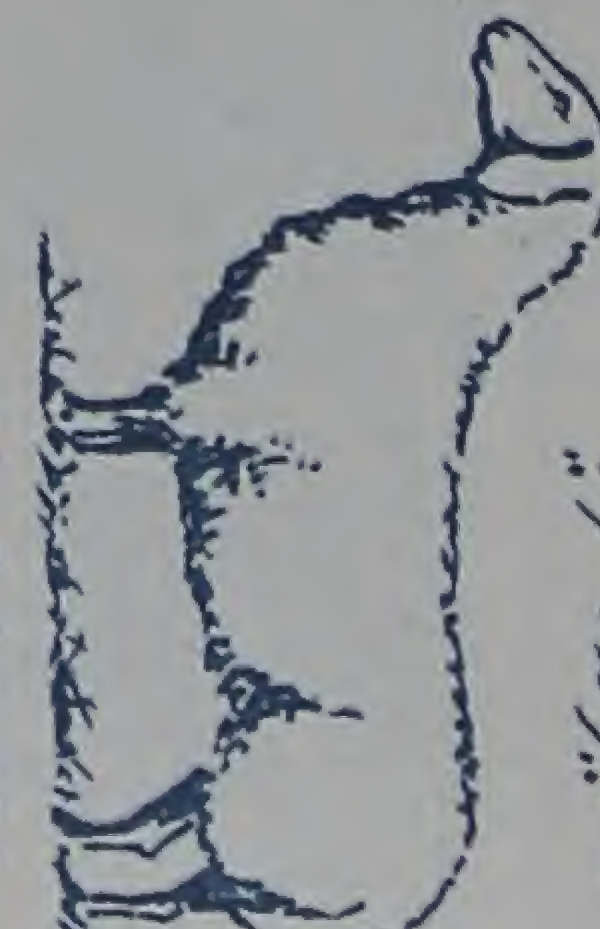
احصائیه کوسفندمالک و عالم

ارمنستان



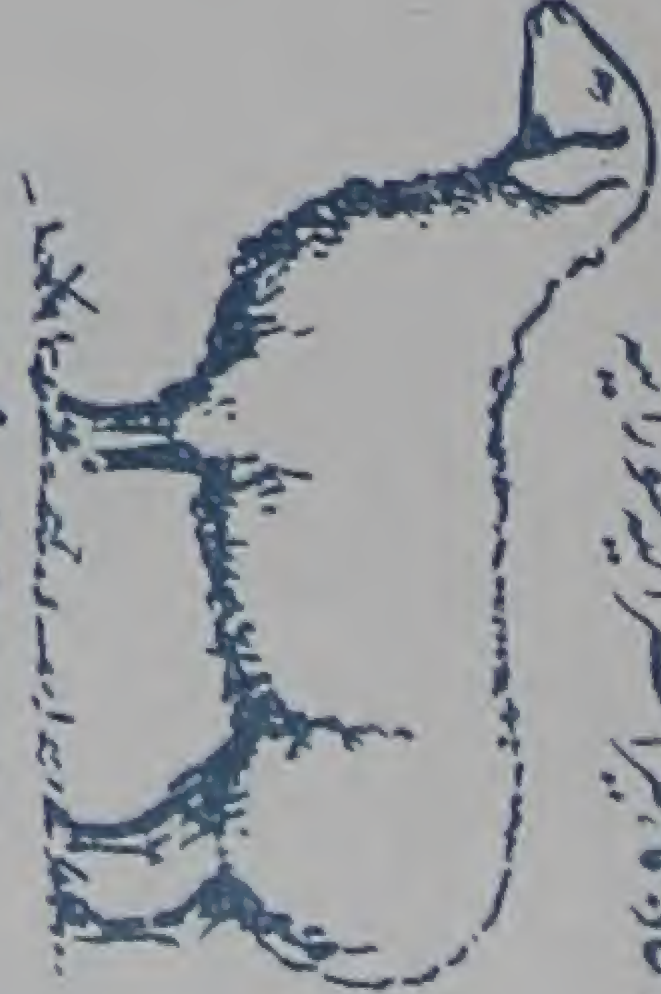
۴۴,۴۱۰,۰۰۰

جمهوری اتحادیه امریکا



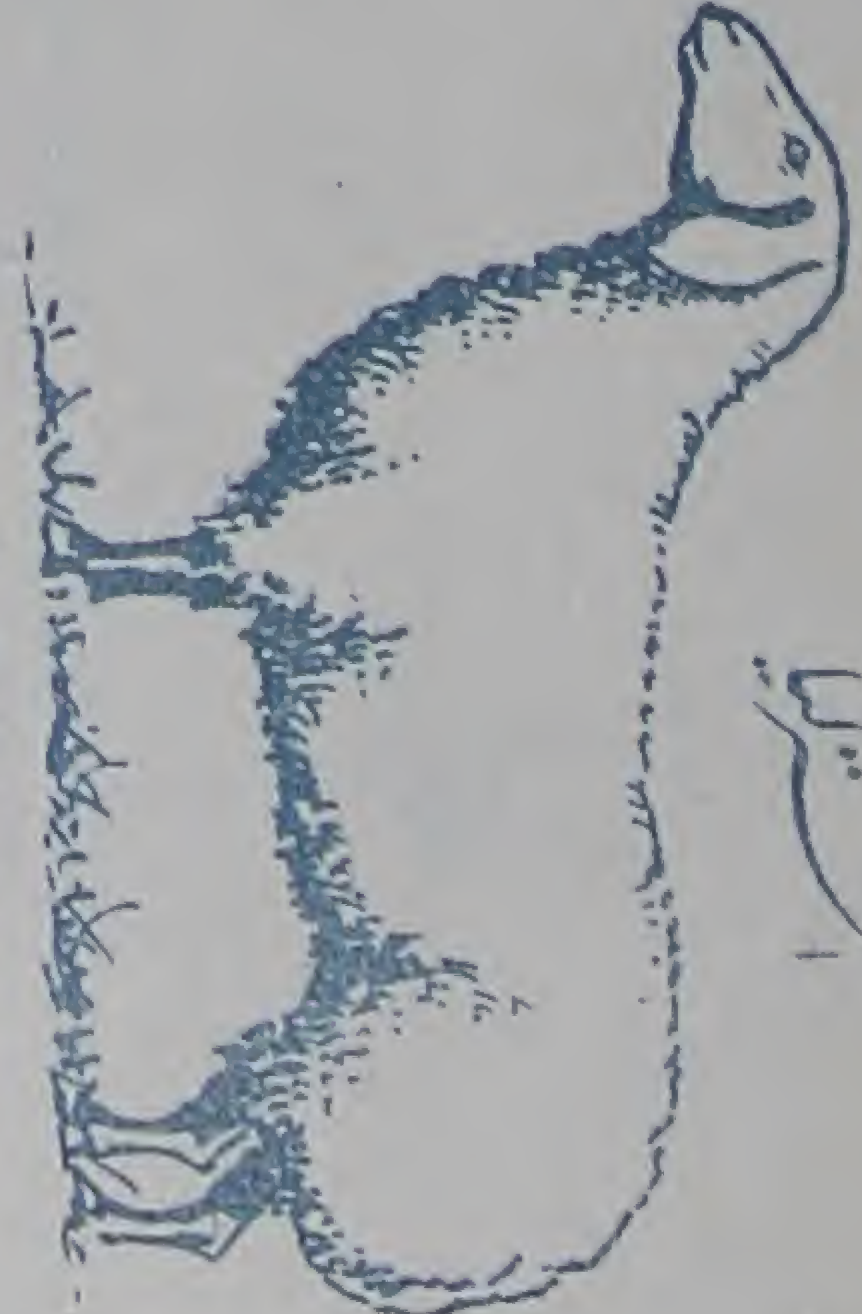
۵۱,۹۱۰,۰۰۰

امپراتوری عثمانیه



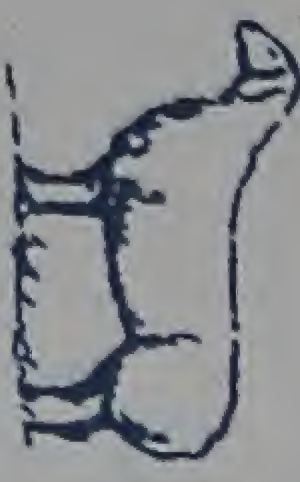
۸۹,۸۶۰,۰۰۰

آسترلیا



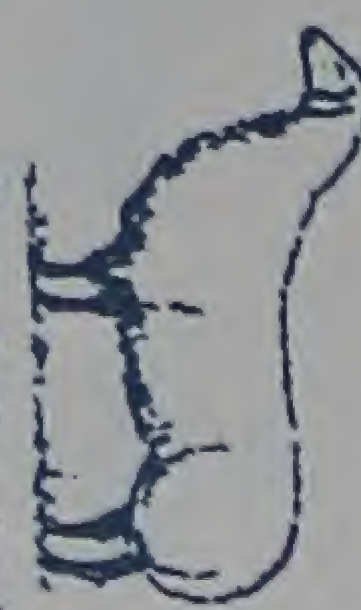
۱۰۶,۳۸۰,۰۰۰

رومانیا



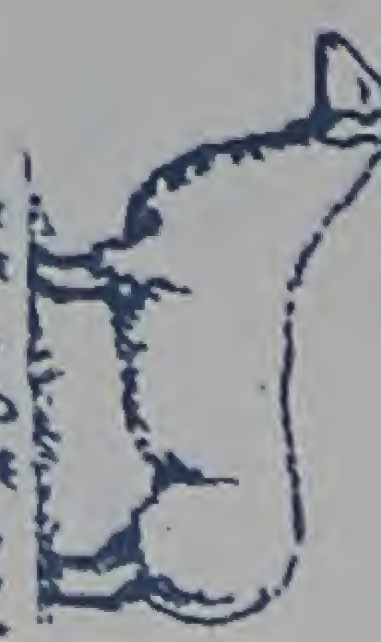
۱۱,۹۲۰,۰۰۰

بلورکوی



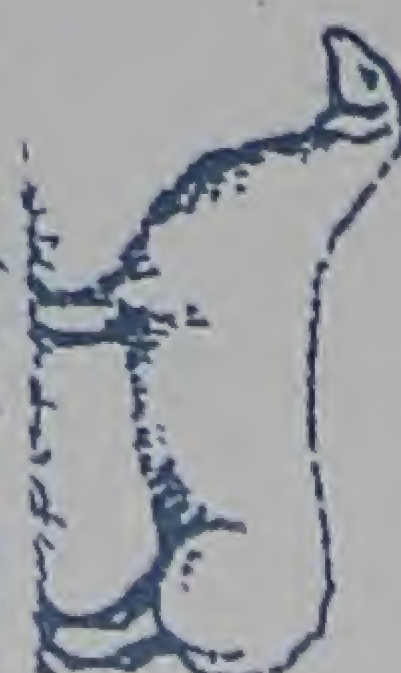
۲۰,۵۶۰,۰۰۰

هند



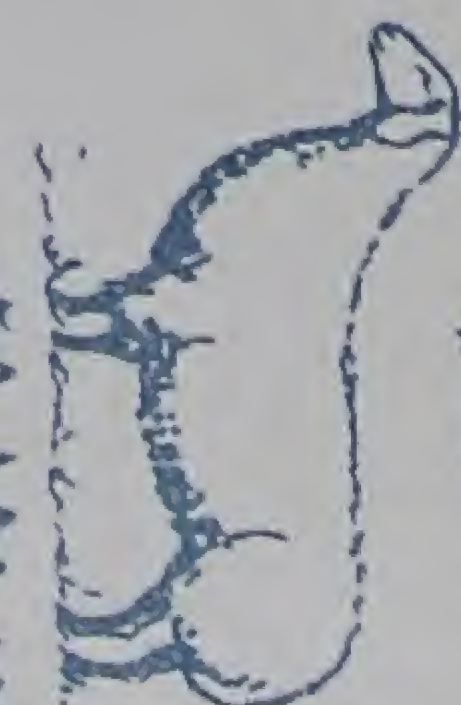
۲۲,۰۹۲,۰۰۰

نیوزیلاند



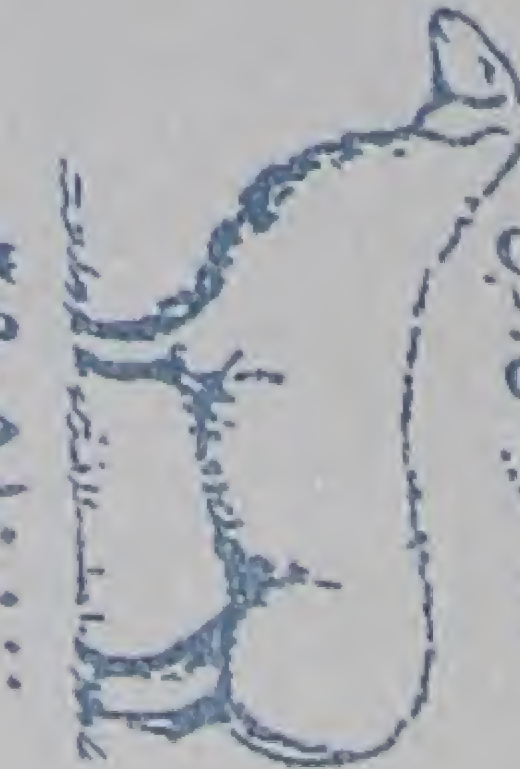
۲۴,۱۸۰,۰۰۰

جزائر برطانیا



۲۸,۱۸۰,۰۰۰

آنگادفریقایی جنوبی



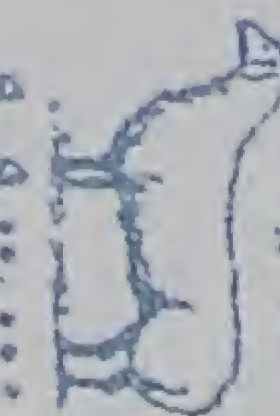
۳۵,۸۱۰,۰۰۰

افغانستان



۴,۹۸۰,۰۰۰

ایتالیا



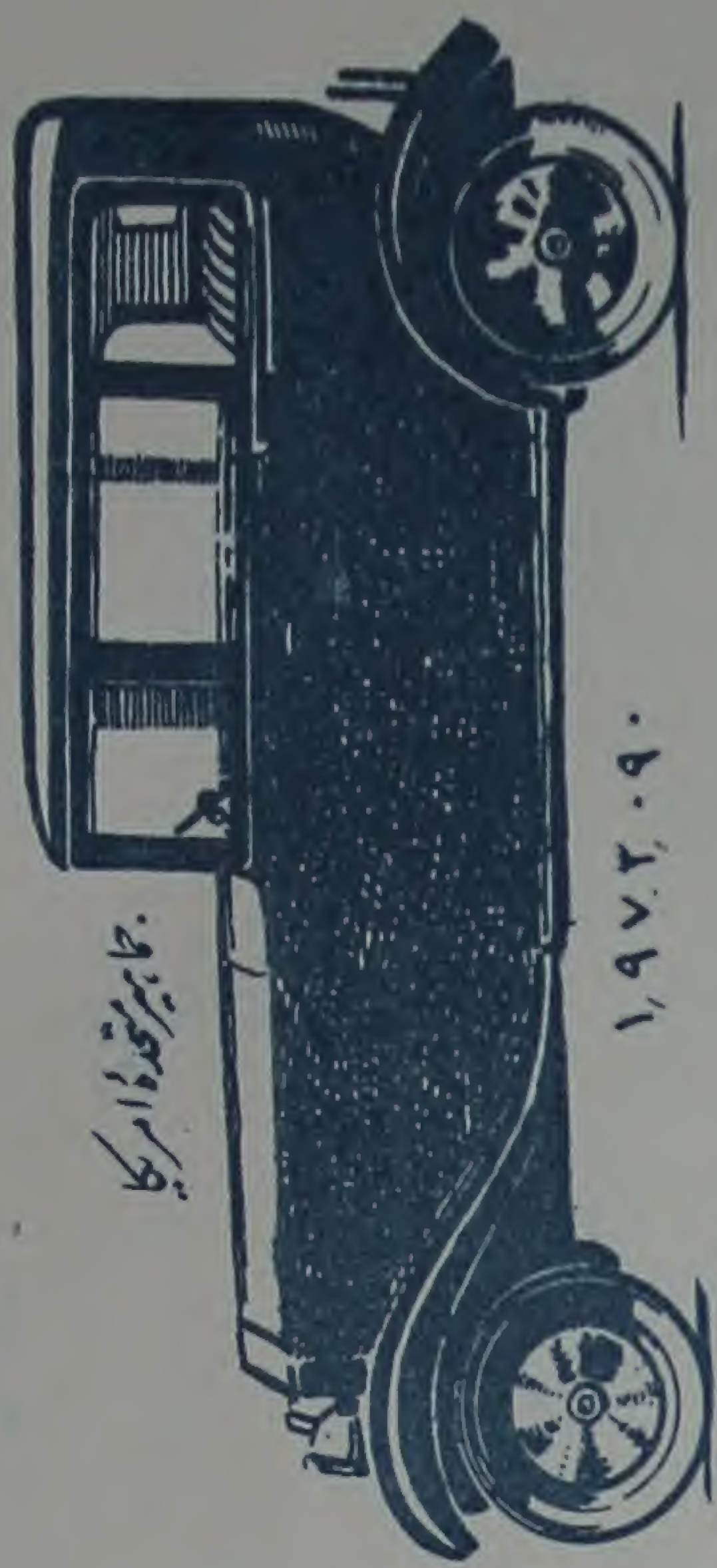
۹,۹۰۰,۰۰۰

باقی ممالک



۱۶۰,۷۶۰,۰۰۰

احصائیه اتوموبیل سازی سالانه ممالک عالم

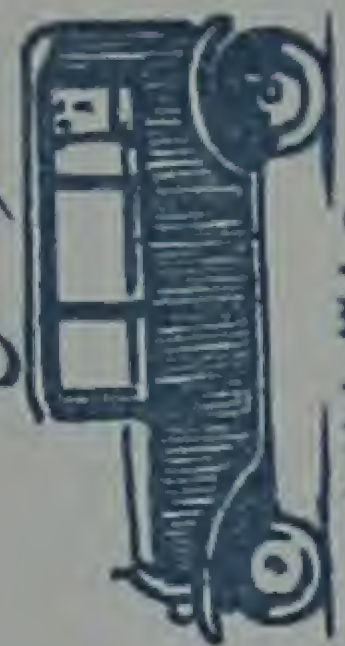


جامہ متحدہ امریکا

۱,۹۷۷,۳۰۹۰

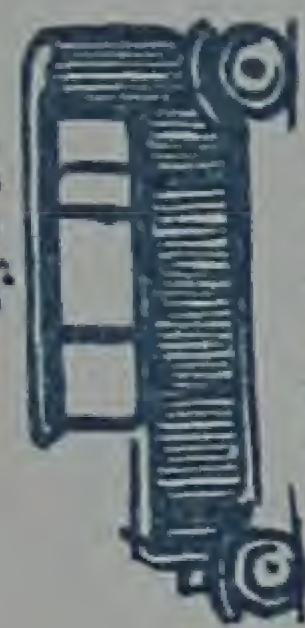
اتوموبیل تریس رفتار

فرانس



۱۶۱,۳۱۵

برطانیہ



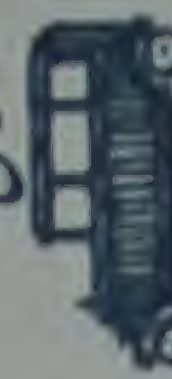
۱۶۰,۱۷۸

کانادا



۶۵,۰۹۳

جرمنی



۵۳,۶۴۳

ایطالیا



۲۴,۹۵۰

چکوسلوواکیا



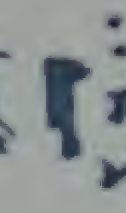
۱۴,۸۵۰

ہنگری



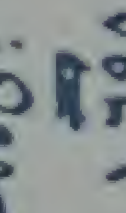
۲,۹۰۰

ہسپانیہ



۲,۶۰۰

بقی ممالک



۱,۶۹۸

اتوموبیل باربر داری



جامہ متحدہ امریکا

۱۶۶,۶۴۸

برطانیہ



۶۳,۰۴۱

فرانس



۳۵,۵۴۵

آئیکا جمہوریہ آئیکا



۲۳,۴۰۰

کانادا



۱۷,۵۲۸

جرمنی



۱۱,۸۱۲

ایطالیا



۶,۵۳۰

چکوسلوواکیا



۴,۱۳۰

سوئڈن



۱,۷۵۱

ہسپانیہ



۱,۶۰۰

بقی ممالک



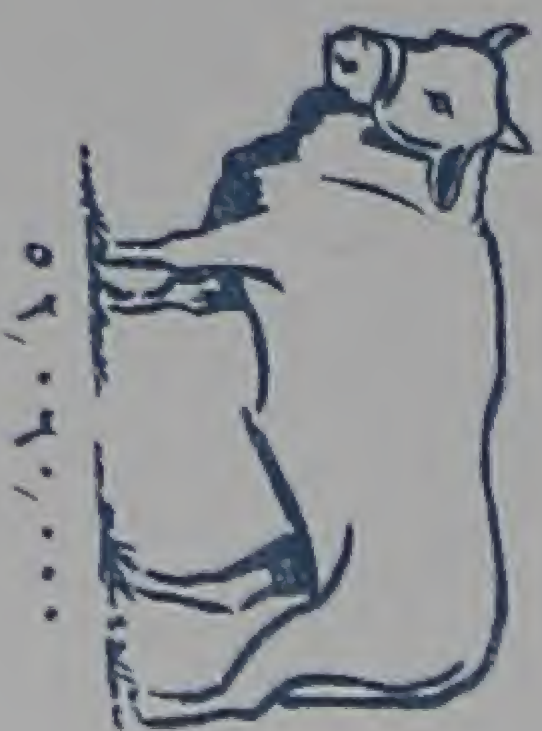
۲,۱۸۷

احصایه گاو و ماله گاو در عالم



برازیل

۲۴,۳۰۰,۰۰۰



اتحاد جماهیر اشتراکیت شوروی

۵۶,۲۰۰,۰۰۰



جماهیر متحدہ امریکا

۵۹,۰۰۰,۰۰۰



چین

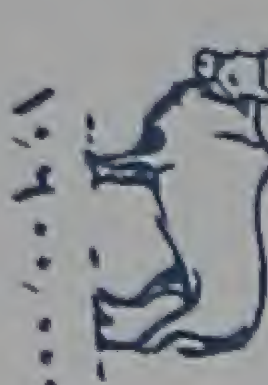
۱۴۹,۴۰۰,۰۰۰

افغانستان



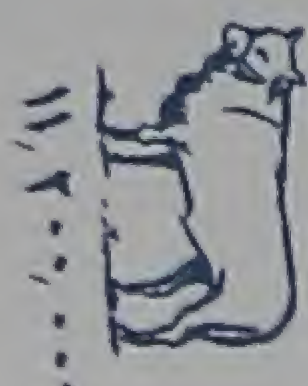
۹۰۰,۰۰۰

کانادا



۸,۰۰۹,۰۰۰

اتحاد افریقایی جنوبی



۱۶,۲۰۰,۰۰۰

آسترلیا



۱۱,۸۰۰,۰۰۰

برطانیا



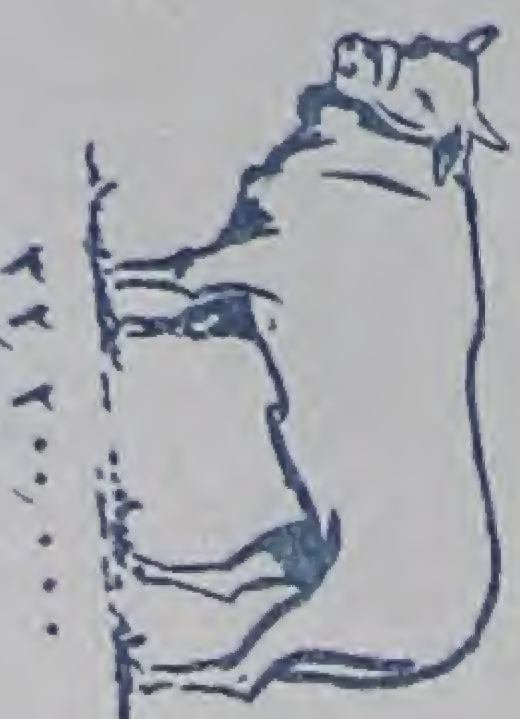
۱۵,۰۰۰,۰۰۰

فرانس



۱۸,۰۰۴,۰۰۰

جرمنی



۲۶,۲۰۰,۰۰۰



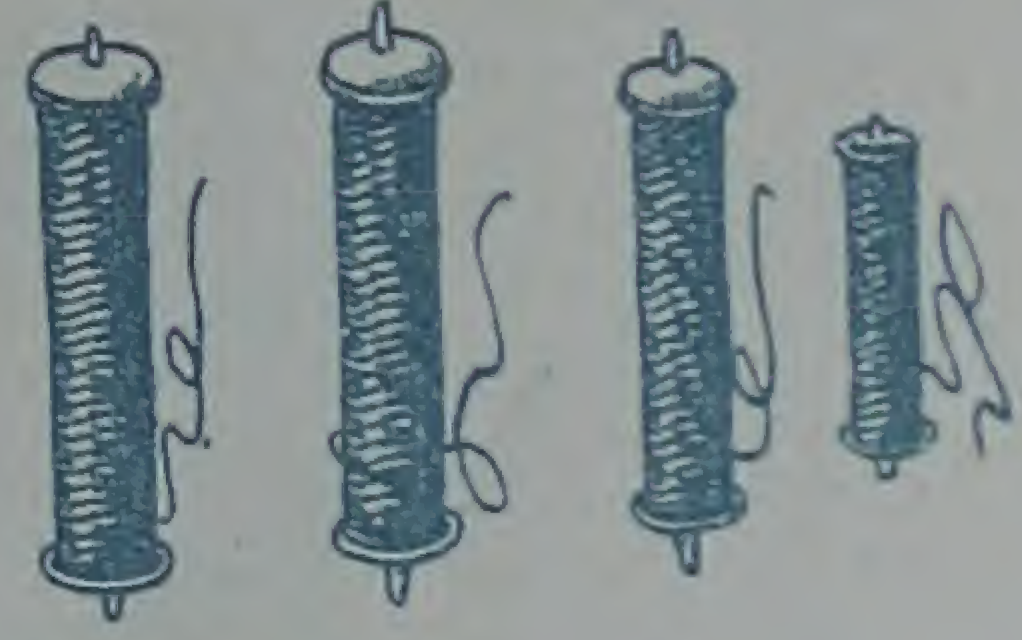
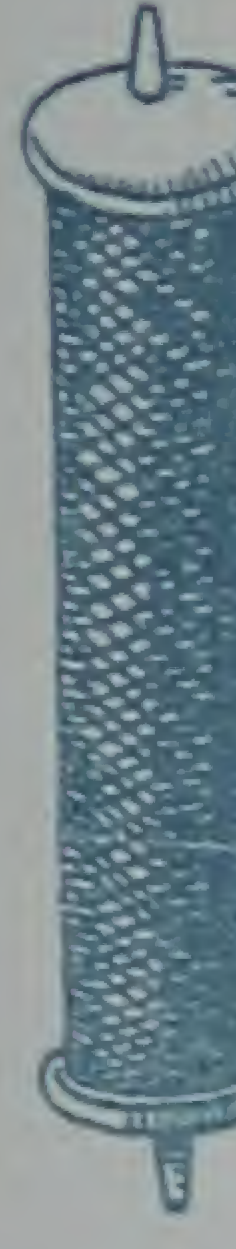
ارژانتائن



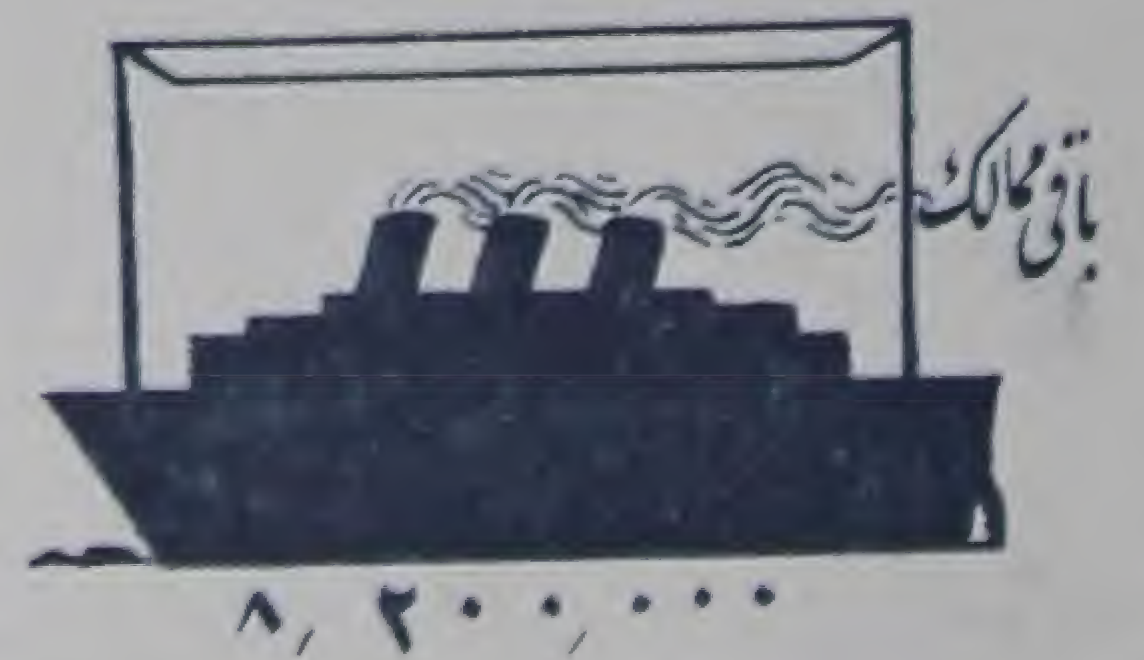
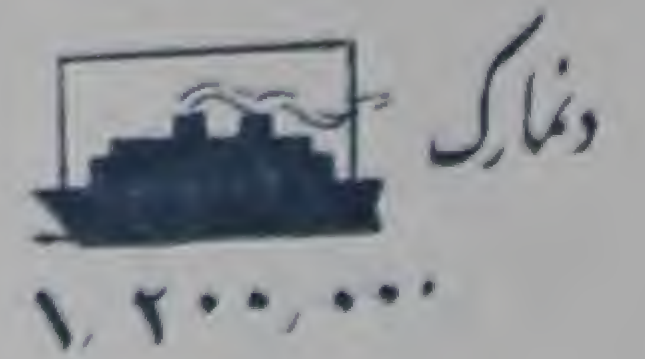
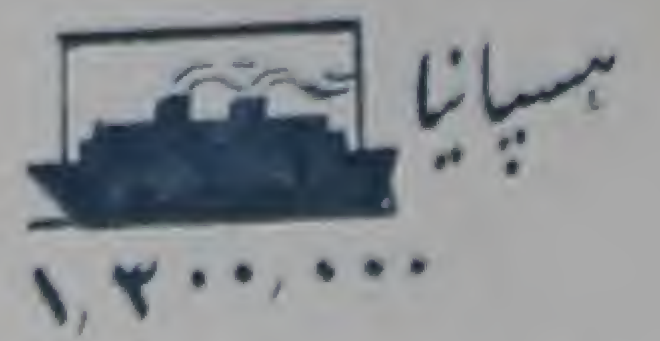
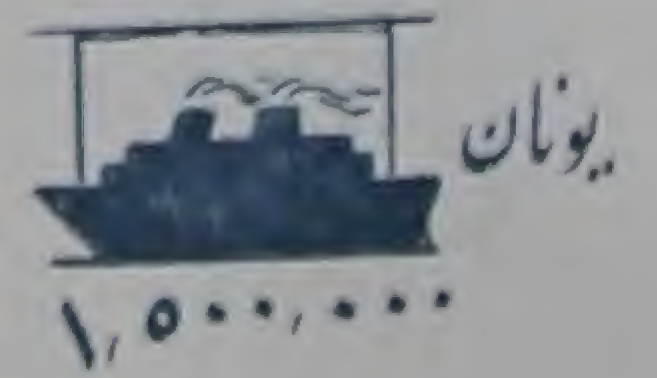
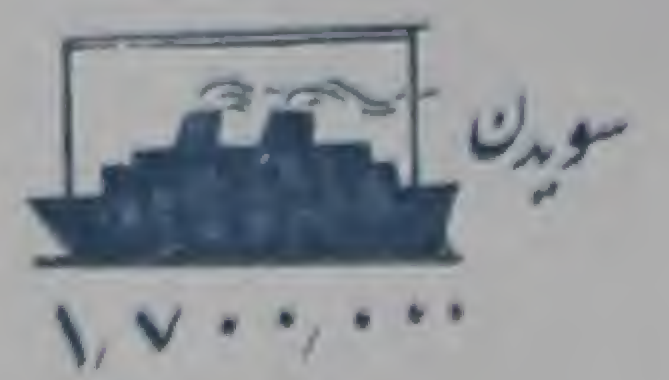
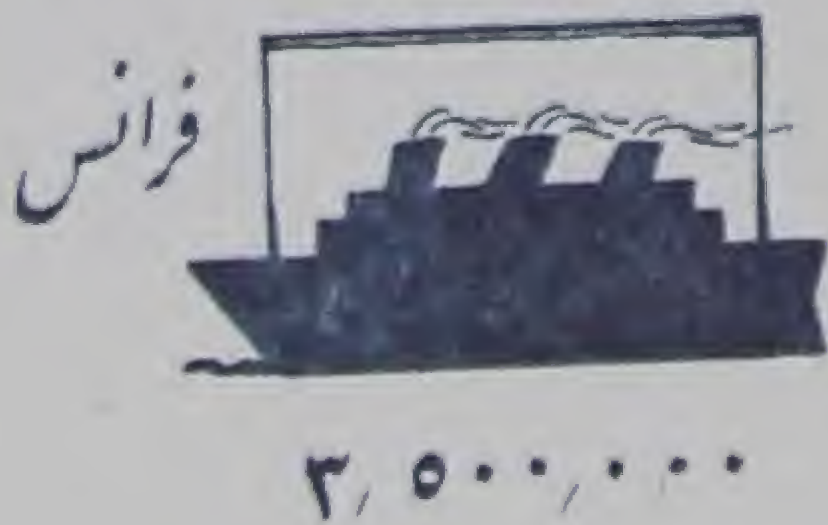
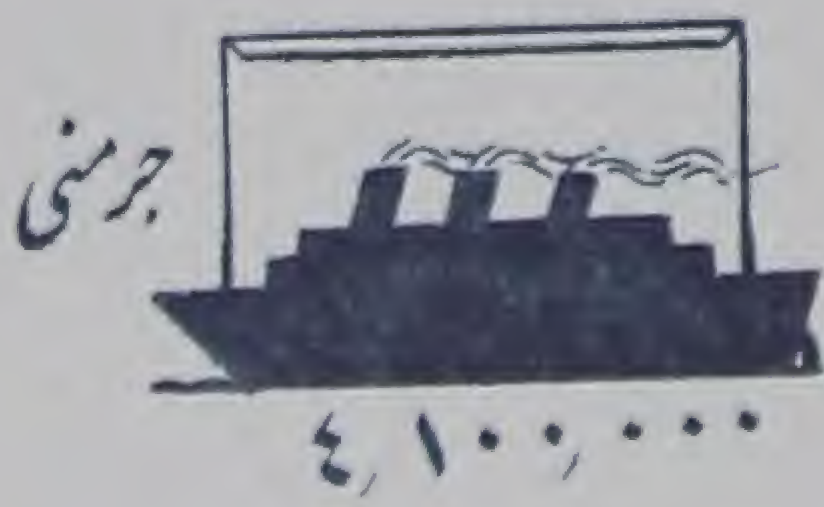
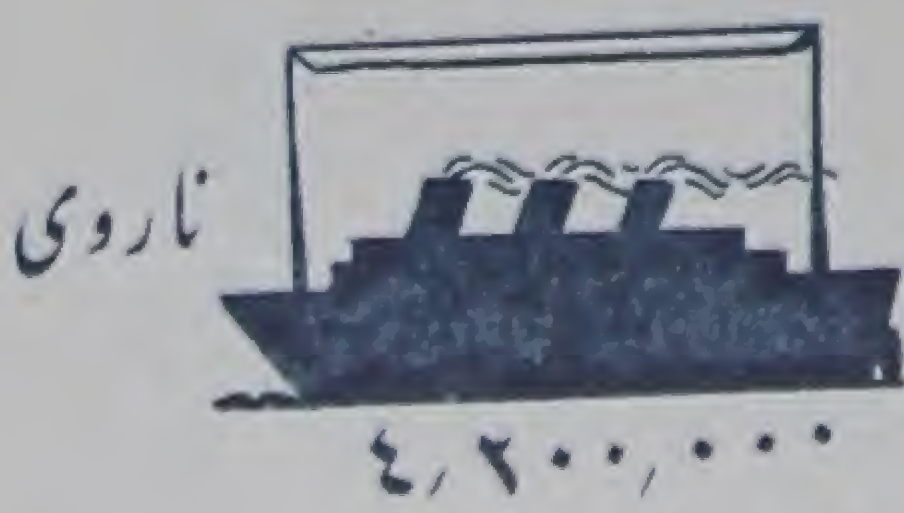
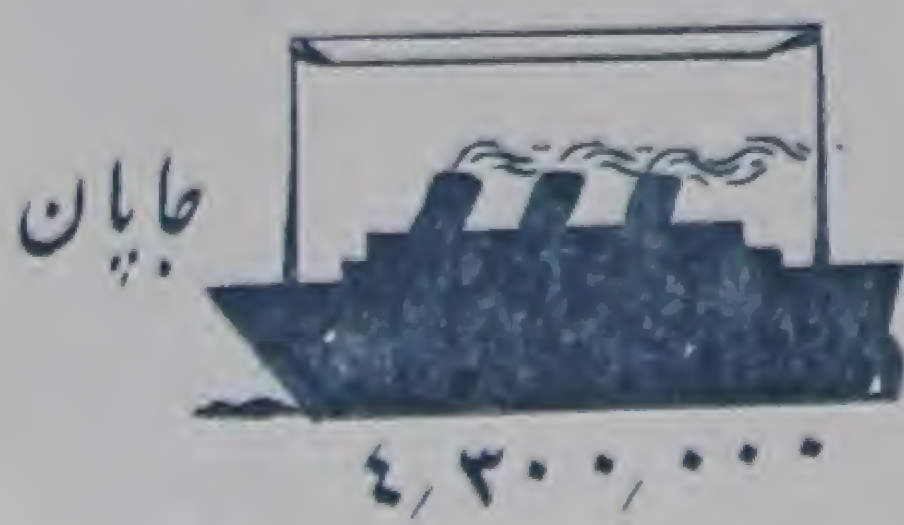
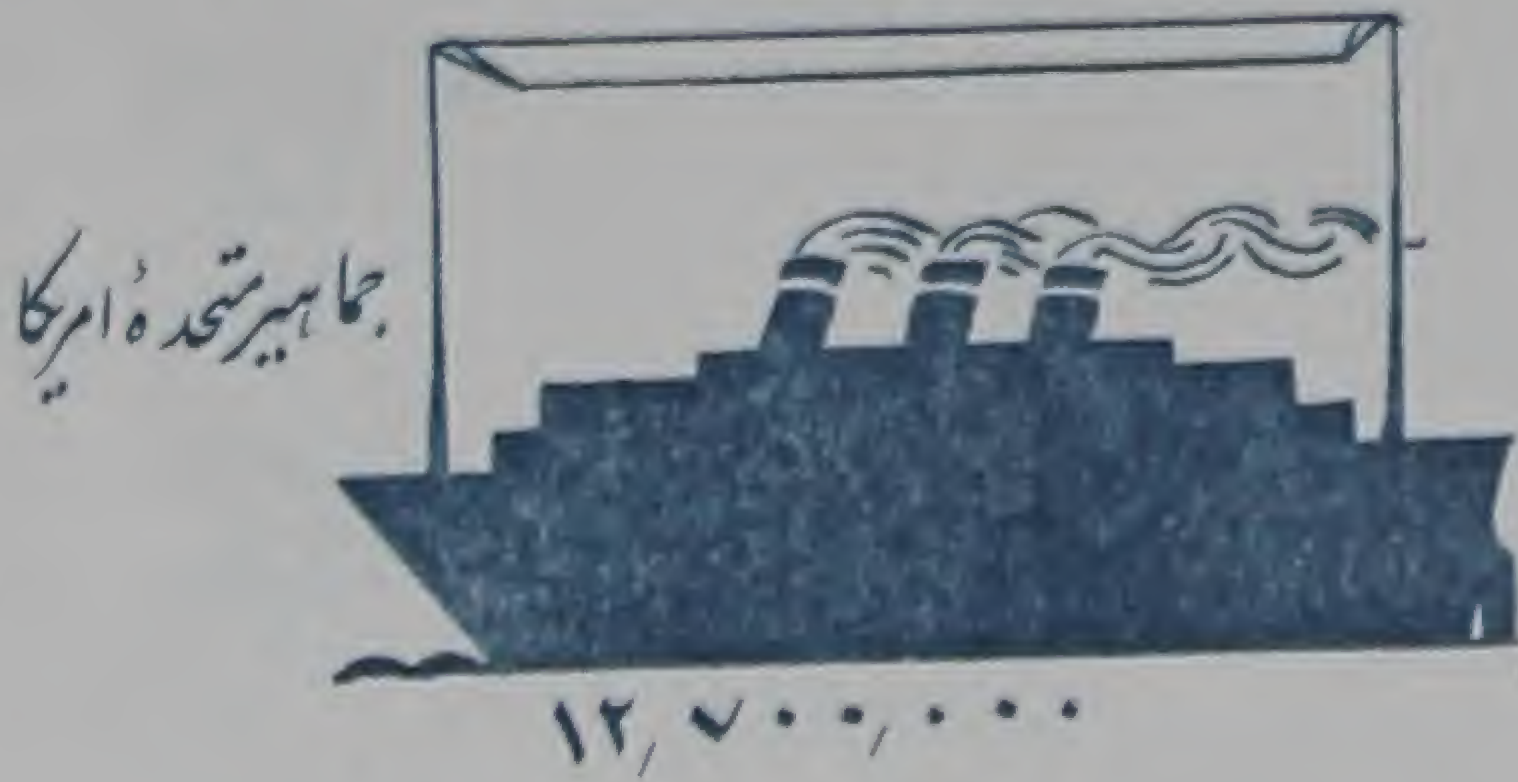
باقی ماله گاو عالم

۱۳۸,۰۰۰,۰۰۰

فابریک های نخ‌بافی ممالک عالم بحساب شده

	برطانیا	۵۱,۹۰۸,۰۰۰	مشده
	جمہوریہ متحدہ امریکا	۳۱,۷۰۹,۰۰۰	"
	جرمنی	۱۰,۲۳۳,۰۰۰	"
	فرانس	۱۰,۱۴۴,۰۰۰	"
	جاپان	۷,۷۹۸,۰۰۰	"
	ہند	۳,۳۱۲,۰۰۰	"
	افغانستان و شرف تاسیس است		
	باقی ممالک عالم	۳۹,۹۱۲,۰۰۰	"
			

جہازات تجارتی ممالک عالم بحساب تن



دستگاه تلفون ممالک عالم بحساب فی صد نفر



زهریات و جلوگیری از تأثیر آنها

برای جلوگیری از تأثیرات جانسوز سمیات و عواقب و خیمه آن، از همه بهتر اول آنست که مراجعت به داکتر کرده شود، در صورت عدم دسترس بداکتر لازم است که مطابق هدایات ذیل در پرستاری مسموم کوشش بعمل بیاید.

عموماً اوضاع مسمومین از دو حال خالی نبوده دیده شود که آیا بشخص اطلاعات راجع به مسمومین: مسموم اغما و بیهوشی طاری شده، یا اینکه بحالت اصلی خود کماکان بیهوش است. در صورت دومی مراعات و تعمیل هدایات ذیل ضروری است:

- ۱- از همه پیشتر برای مسموم اشیائی خورانده شود که زهر بواسطه تحلیل بر آن باقلیت مانده در تأثیرات آن تخفیفی بعمل آید.

- ۲- مسموم را باستفراق و بهی آوردن.

- ۳- در صورت ممکن اشیائی به مسموم خورانده شود که در معده از تحلیل سم در آن چنان کمیابوی یک ترکیبی بوجود آید، که از قطعی حل شدن سم در معده جلوگیری نماید.

ولی خوشبختانه بیکصورت هر دو مقصد اول را چنین حاصل میتوان کرد که اول مسموم را بمقدار زیادی آب شیر گرم اگر ممکن باشد با صابون یا نمک آمیخته خورانده شود، و در صورت عدم دسترس باشیاء مذکور تنها آب شیر گرم نیز کافی است، چه از اثر در کامیابی بطور کافی خوردن آب شیر گرم بوده، و طریق استعمال آن چنین است: اولاً باید ۳ و ۴ گیلان (متوسط) از آب شیر گرم بمسموم خورانده، به انتظار استفراق آن بود تا قی نماید. و اگر در ۳، ۴ گیلان استفراق وقی نیاید، ضرور است که تا قی نمودن مسموم به خوراندن آب شیر گرم دوام داد چه آب شیر گرم خود نیز مقی بوده، هر قدریکه خورانده شود بهمان اندازه در قی کردن تسهیلات پیش می کند. و بعلاوه بواسطه فرو بردن (پر) در گلو نیز میتوان تولید استفراق (قی) نمود.

معلومات خصوصی راجع بسمیات معروف

۱: آرسنیک :

(سن کیا یا سم الفار) بطور خالص و بدون ترکیب چیزی می باشد، یا اینکه بصورت غیر مستقیم در زهر موش (عبارت از ادویه ای است که برای کشتن موش بکار می برند) در زهر ملخ (ادویه که برای کشتن ملخ استعمال می شود) و در رنگ های سبز وجود دارد.

علاماتی که از خوردن آرسنیک در مسموم ظاهر میشود عبارت است از درد معده به طور شدید، استفراق، اسهال، شکم دردی، تشنج در پاها، خشکی گلو، عرق سرد و بالاخره اضطراب فوق العاده.

علامات :

نخستین معالجه آن بکثرت و بمقدار زیاد قی دادن است، تا معده کامل شسته و پاک شود، و بعد از آن کسترایل (روغن بیدانجیر) بمقدار کافی برای مسموم داده شود تا بواسطه آن مقداریکه از سم مذکور در معده تحلیل یافته است دفع شود.

و بعلاوه عندالزوم مسموم را گرم نگاهداشته برایش قهوه بدهند.

۲: کار بالک ایسد:

علامات عبارت از زهر سوزنده ایست که اکثریه دراب، روی، دهن، گلو که بواسطه آن مسموم شده باشد (آبله ها ظاهر شده) استفراق مینماید. ولی اگر مسموم قسمت زیادی از آن را خورده باشد بدیهی است که بیهوش و در حالت اغما نیز می افتد.

معالجه : فوراً باید معده مسموم را شسته و ياك نموده برای آن مایعات مسکن از قبیل شیر و تخم خام باشیر بتکرار داده شود، وبعلاوه خوراندن اشیای دافع ضعف نیز برای مسموم و بصورت فوری ضروری است .

۳ - بخار ذغال :

(هوای شدن از غبار و عفونت ذغال) که اکثریه از گازموثر و وجود منقل، و بخاری ناقص برای اشخاص پیدا می شود. علامات آن بصورت مختلف بوده، متعلق بشدت تاثیر آن است که نمی توان آن را محدود کرد. و فقط در آخرین مرحله حیات، رنگ گوش، ناخن، لب سرخ گردیده، نفس منقطع میشود .

اول : باید مسموم را از اطاقیکه در آنجا مسموم شده است خارج کرده در موضعیکه صورت معالجه : دارای هوای ياك و صاف است برده شود .

دوم : در صورت انقطاع و بند شدن نفس دادن تنفس مصنوعی از واجبات است . سوم : باید مسموم را به وضعیت افقی (بمثل مرده) روی تخت خواب یا زمین هموار خواب داده (گرم) و بحالت سکون با استراحت نگهداشته حتی الوسع از حرکت آن جلوگیری نمایند. و از شور و قال مقال کردن در اطاق مریض نیز اجتناب کرده و بعد از بهوش آمدن مریض را چندروز استراحت داده شود .

۴ - ایودین :

(یود) از آنجائیکه درین ایام استعمال تنکچرا یودین بکثرت تداول دارد از اتفاقات گاهگاهی چنین نیز میشود که بعضی اشخاص آن را سهواً خورده مسموم میشوند .

اولاً باید مسموم را به استفراف آورده، بعد از قی باید که قدری نشایسته، معالجه : یا آرد ترمیده و یا آرد خالص را با آب آمیخته به او بخوراند .

سرب :

سفیده قاشقاری، و روغن هایکه از سفیده قاشقاری ترکیب یافته باشد و محلول سرب در سکه همه زهر هستند . خشکی گلو، تشنه گی زیاد و تولید ذائقه فلزی در دهان، قولنج، تشنج دریا، آوردن علامات : سرق سرد و گاهگاهی فالج یا مسموم آن عارض می شود .

اولاً معده را خالی کرده بقدر ۲ مثقال سودیم سلفید (ملح ایسم) در آب حل کرده داده معالجه : شود. و اگر ضرورت افتد اشیای مقوی خورانیده شود .

سیاه :

رسکه پور (نسکه پور) دارچکنه، کلومل، وغیره مرکبات سیاه همه زهر اند .

دهان و لب و زبان سفید می گردد، ذائقه فلزی در دهان پیدا می شود، گاهی دهان متورم میگردد، درد شدید در شکم، قی خون بلغم آلود، و پیچ خونی مستولی می شود، ضعف شدید و تشنج در تمام جسم رخ میدهد و علاوه تاً جسم چسپوک و سرد می شود .

اولاً ۳، ۴، ۵ مرتبه قی آورده شود، و بعد از آن سفیدی تخم خام و یا تخم خام و یا معالجه : مخلوط تخم و شیر خام، برایش خورانده شود .

سلورنای توت (نقره) :

درد دهان و معده مستولی و لب و دهان اولاً سفید و بعد ها سیاه میگردد، همچنان قی سفید علامات : می آید، لاکن باندک زمان رنگش سیاه میشود. بهترین علاجش قی آوردن بواسطه آب نمک است، بعد از آن شیر و یا مخلوط شیر و تخم باید خورانده شود و اگر ضرورت حس شود اشیای مقوی نیز داده شود .

ترياك افیون :

غیر از خود ترياك لادنه ماریفه کودائن ، هی روئین ، یاری گورك و بعضی ادویه سرفه وامساک ، از محصولات و مرکبات همین زهر (ترياك) میباشد .

غنودگی که بالاخره به بی هوشی مبدل می شود اول پرش نبض قوی بوده و بعد از آن علامات : آهسته آهسته خفیف میشود تنفس در ابتدا قوی ولی دیرتر میباشد لحظه به لحظه سست شده میرود . مردمک چشم خورده میشود ، چهره اولاً سرخ و بعد ها ارغوانی و بالاخره برنگ جگری مبدل می شود .

چونکه اشیای قی آور به مشکل تاثیر میکنند بنا بران مقدار زیاد نمک آب شیرگرم متواتر خورانده شود تا که قی بیاید بهترین علاج خوراندن قهوه شیرگرم تیره و نمکین میباشد .

اگر قهوه محیا نشود چای معمولی تیره و نمکی داده شود و علاوتاً شخص خورنده را باواز بلند صدا زده و نگذارند که بخواب رود ولی اگر بخوابد که او را بیدار نموده و بذریعه راه رفتن و گردش و غیره از خواب برهانند مفید نبوده و بلکه مرضش بدتر شده می رود .

فاسفورس :

يك جزوی گولیهای موش کش و ادویه دفع كيك مصالح كوگرداست .

علامات : درد شدید در معده ، خون بینی ، بیج خونی ، تشنج تمام اعضا

معالجه : بعد از قی دادن ۳ مثقال سودیم سلفید (ملح ايسم) و یا نمک نیشن ادویه مقوی و شیر خورانده شود ، ولی از روغن و اشیای چرب پرهیز داده شود .

غذاهاییکه از باعث دیر ماندن مسموم شده باشد :

اکثر اغذیه خصوصاً ماهی و گوشت مرغ و کچالو بعد از مرور زمان غیر قابل خوردن و مسموم میگردد .

قی ، شکم روی اسهال آب مانند که گاهی به خون هم اغشته میباشد ، نبض اولاً قوی بوده و بعد از آن کاملاً ضعیف میشود ، لعاب دهن و عرق بدن خود بخود جاری میشود .

معالجه : بعد از دادن قی کسترائل و یا (ملح ايسم) بطور جلاب داده شود اگر ضعف مستولی شود قهوه گرم بغرض تقویت خورانده شود .

سمارق :

بعضی انواع سمارق سمیت دارد ، علامات و معالجه آن عیناً مثل سمیت ما کولاً تیکه خراب شده است میباشد .

کچله و جوهر آن :

کچله و مرکبات و جوهر آن . (سترك نين) برای معالجه ضعف اعصاب بطور ادویه استعمال میشود . و نیز برای کشتن سگها و حیوانات مضره بکار برده میشود گاه گاه اطفال خوردن آن را به غلط میخورند .

اولاً درد دست و پا رعشه و بعد از آن تشنج واقع میشود و بالاخره به تمام عضلات
علامات : جسم تاثیر مینماید، کمر خم میشود، دهن بسته میگردد، و تنفس به سختی میشود،
و چهره جگری بلکه سیاه میشود.

معالجه : اولاً قی زیاد مکرر آورده شود، ذغال سفوف و میده برایش خورانده شود
و از اشیای مقوی پرهیز داده شود.

وی رونال لومی نال و غیره :

این ادویه برای زیادت خواب استعمال میشود، و اگر از اندازه بیشتر خورده شود خواب نهایت سنگین
گردیده بلکه شخص را می کشد.

معالجه : آن مثل معالجه تریاک خورنده است.

تیزاب ها :

جوهر سرکه، تیزاب شوره، تیزاب نمک، تیزاب گوگرد، تیزاب الک زلک و غیره تیزاب هازهر هستند.
درد سوزنده، درد و سوزش شدید در دهن و گلو و معده. تیزاب در جاهائیکه برسد آن را
علامات : می سوزاند، حلق متورم شده باعث ضیق نفس میگردد، قی و اسهال نیز واقع و ضعف نیز بدرجه
شدید عارض میشود. در چنین حال محلول صابون برای قی آوردن بهتر است، اگر صابون
میسر نشود محلول پلی و اگر آنهم دستگیری نکند آب صاف کفایت میکند. بعد از قی کردن شیر، تخم، روغن زرد،
روغن بادام، و یا مخلوط اینهارا به غرض تسکین باید خورانید.

برای تقویت قلب (ارومبتک آمونیا) چند قطره که در یک پیاله انداخته و نوشانده شود مفید است.

اشیای سوزش آور :

از قبیل آب آمونیا (جوهر نوشادر) چونه، سودا کاستک، کاستک پتاس.

علامات : علامات مزبور مثل علامات تیزاب ها میباشند.

علاج : قی ولی برای محلول، پلی استعمال نباید کرد، بعد از اینکه معده پاک شود شیر، سفیدی تخم،
و شیر مخلوط باروغن زرد، و یا روغن بادام بغرض تسکین درد و تقویت گرم گرم خورانده شود.

بهترین معلومات صحی

ملاریا یا تب لرزه :

از مهمترین امراضی که قریباً در صدی هشتاد در افراد این مملکت شیوع دارد ملاریا یا تب لرزه میباشد و هر
چندی این مرض آنقدر مهلك و کشنده نیست ولی خون انسان را، که عموماً از هر مرضی مدافعه میکند بقدری ضعیف
میسازد که جسم را برای قبول و ابتلای امراض مهلكی مثل سینه و بغل، محرقه، وبا، پیچش، سل و غیره مستعد و
آماده ساخته و در نتیجه بهلاك و مرگ میرساند، و می توانیم بگوئیم که اکثر اشخاصیکه با امراض فوق می میرند علت
اصلی و شروع آن از مرض ملاریا بوده است، چه وقتیکه میکروب ملاریا بخون داخل شد قوای مدافعه که در
خون بمقابل بروز امراض موجود است ضعیف و کمزور شده و جسم از مقابله و مدافعه این امراض عاجز میآید.

ملاریا از چه پیدای شود : چون در گذشته علت بروز این امراض را هوای خراب دانسته و گمان میکردند خرابی هوا موجب این مرض می شود ازین رو مرض را

نیز بهمین نام ملیریا موسوم ساختند (ملی بمعنی خراب و ریاهوای خراب) ولی در آخرهایس از کشف و تدقیق اطباء معلوم شد که علت بروز این مرض نیز مانند اغلب امراض دیگر، جراثیم مخصوصی است که سرایت آن از یک مریض بمریض دیگر بواسطه پشه ها حاصل شده و رأساً از یک شخص بدیگری نقل نمی شود. یعنی وقتیکه پشه مریض ملاریائی را گزیده و خون مریض را مکید، جراثیم ملاریا که در خون مریض امتزاج داشته می باشد همراه خون در جسم پشه داخل می شود و هنگامی که پشه آدم تندرست دیگری را گزید جراثیم مرض بواسطه نیش پشه داخل جسم و خون آن شخص شده و ملیریا پیدای می کند، و بهمین ترتیب مرض بواسطه پشه از یکی بدیگری سرایت کرده و انتشار حاصل می کند و از همین باعث است که در موقع چهار که پشه ها زیاد می باشند مرض ملیریا شدت و کثرت پیدا کرده و در موسم زمستان که پشه موجود نیست مرض مذکور بندرت مشاهده می شود. میکروب ملاریا وقتیکه داخل جسم انسان شد، در ذرات سرخ خون که بواسطه آن جسم نشو و نما و قوت حاصل می کند امتزاج حاصل کرده و بمجرد دخول از میکروب در کرات سرخ خونت لرزه و تب پیدای می شود و از همین باعث عوام این مرض را تب لرزه مینامند، میکروب های ملاریا وقتیکه داخل خون شده همت ذرات سرخ خونت را که با سطلای طی (گلبول) مینامند خورده و بدادن چوچه شروع کرده و باین وسیله میکروبها، خیلی کثرت پیدا میکنند کرات سرخ خون وقتیکه خورده شدند جراثیم ملاریا هر کدام جدا جدا تجزیه شده بکرات دیگر خون حمله برده و بخوردن آن شروع میکنند و در موقع داخل شدن این جراثیم در ذرات سرخ خون دوباره لرزه و تب پیداشده و بهمین ترتیب مرض دور کرده می رود و در هر دوری ذرات سرخ خون خورده شده و میکروبهای ملاریا بواسطه چوچه دادن زیاد شده میروند، میکروبهای ملاریا بسه قسم تقسیم می شوند، یک قسمی در (۲۴) ساعت چوچه پیدا کرده و دور لرزه و تب هم هر روز حاصل میشود، قسم دوم در چهل و هشت ساعت چوچه پیدا کرده و در این قسمت لرزه و تب یک روز در میان حاصل میشود قسم سوم در هفتاد و دو ساعت چوچه پیدا کرده و دوره تب در این قسمت دوروز بعد بروز میکند که هر سه رقم تب را هر شخصی مشاهده کرده خواهد بود.

بواسطه خورده شدن ذرات سرخ خون، مریض رنگ زرد و ضعیف شده و چون وظیفه ذرات سرخ خون رساندن غذا بتمام حصه جسم است، قلت این ذرات در هر حصه بدن کمزوری و ضعف تولید نموده و قوه مقابله جسم در مقابل هر مرضی کم می شود، وقتیکه در حصص مختلف جسم ضعف و کمزوری حاصل شد البته استعداد قبول امراض در آن خیلی زیاد شده و فرض کنیم نشو و نماي شش کم باشد و درین موقع میکروب سل بان برسد معلوم است که مرض سل باسانی تولید می شود، همچنان اگر معده و روده بکندی نشو و نماید، در صورت رسیدن میکروبهای پیچش و محرقة، وبا، باسانی جسم در معرض حمله این امراض واقع می شود و عکس آن هرگاه نشو و نماي این اعضا بواسطه ذرات سرخ خون بصورت صحیح و منظم باشد، امراض مذکوره در مقابل مدافعه این اعضا مغلوب شده و ابد امراض پیدا نمیشود و اگر مرض تولید هم شد باسانی رفع آن ممکن است پس معلوم شد که کم شدن ذرات سرخ خون جسم را برای قبول هر مرض مستعد ساخته و در نتیجه بواسطه این امراض دچار هلاکت میشود. حالاً میتوانیم اهمیت و خطرناکی این مرض را از روی تشریحاتیکه دادیم بفهمیم که اجتناب ازین مرض چقدر لازم و ضروریست برای نجات و مبتلا نشدن افراد یک مملکت از مرض خطرناک ملاریا حفظ ما تقدم مرض ملاریا : اجتناب از چهار چیز لازم است :

۱ - پیدایش پشه را کم کردن : تا اینها میکروبهای ملیریایا باشخاص تندرست رسانیده نتوانسته و ملیریایا انتشار پیدا نکند :

۲ - خود را از گزیدن پشه محافظت نمودن، تا هیچ احتمال داخل شدن میکروبهای ملاریا در خون پیدا نشود
۳ - هرگاه از گزیدن پشه ها ناگزیر باشد در بهار استعمال کردن کنین تا اگر جراثیم ملاریا بواسطه پشه در خون داخل هم شوند بذریعه کنین بسوالت هلاک و نابود گردند.

۴ - درست معالجه کردن مریضهای ملاریائی بواسطه کنین پلازموکین، آرسنیک، فولاد و غیره، تا اولاً این مریضها صحتمند شده از امراض مختلفه که در نتیجه کمزوری جسم و ملاریا پیدای میشوند نجات یافته و ثانیاً میکروب ملاریا در خون باقی نمانده از یک موسم بدیگری بواسطه پیدا شدن پشه موجب انتشار مرض ملیریا نگردند. برای اینکه چار اصل فوق را خوب تر ذهن نشین قارئین نمائیم هر ماده را ذیلاً مشروح تر بیان میدهم.

۱ - پیدایش پشه را کم کردن چونت ظهور و پیدایش پشه در آب های دند و مردابه ها می شود لازم است که بلدی که هر قدر خندقها و چقوریهایی که در گرد و نواح شهر باشد پرومسد و نماید: تا آب باران یا برف در خندقهای مذکور جمع نشده و موجب تولید پشه نگردد و هم در کوچه سرشته آب روها بدرستی کرده شود تا آنیکه بعد از استعمال از هر خانه بیرون می شود داخل آب رو گردیده و بخارج شهر برود و هرگاه داخل آبادیهها و گرد و نواح شهر کدام آب ایستاده یا خندق باشد و چاره بیرون کردن آب یا پر کردن خندق ممکن نباشد، باید بلدی که در موسم بهار هر هفته تیل خاک یا کرود آیل (تیل سیاه) که از ذغال ساخته می شود بالای این طور آبهای دند بیندازد، تا چوچه های پشه که درینگونه آبها پرورش میابند بواسطه رسیدن هوای تازه هلاک شوند. و همچنانکه بلدی و وظیفه مراقبت و رسیدگی بتام اوضاع بلدی دارد همچنان کم کردن و نابود ساختن پشه و دیگر چیزهایی که عامل بروز امراض ساریه میگردد از وظایف مهم بلدی است و برای این کارها فقط یک دکتور متخصص بلدی لازم است که نقائص صحی را در شهر فهمیده و از روی اصول و فن داکتری برفع و دفع آن به پردازد.

۲ - در صورت وجود پشه که انسان به هیچ وسیله دفع آنرا نتواند اجتناب و محافظت از شرگزندگان لازم و ضروریست و چون غالباً پشه های ملاریا در موقع شب انسانرا می گزد بدو لازم است که در خانه ها مائع (فلت) پاش داده شود تا باین وسیله پشه ها بمیرند و هر کس در زیر پشه خانه بخوابد (در پشه خانه باید پشه ها قطعاً داخل شده نتوانند) یک صورت دیگر هم ممکن است که خود را از شرگزندگان پشه محافظت نموده و آن اینست که در موقع خوابیدن روی و دست ها و پایها بروغن یوکلپتوس یا روغن نعناع چرب کرده شود و درین حالت پشه گزیده نمیتواند.

ولی در زیر پشه خانه خوابیدن در موسم بهار برای محافظت از شر پشه بهترین چاره میباشد.

۳ - اگر از گردیدن پشه قطعاً اجتناب نمودن ممکن نباشد باید در بهار هر شخص استعمال کنین را که بهترین کشنده میکروب های ملاریا است عادت داشته باشد و برای حفظ ما تقدم از ملاریا بواسطه کنین، خوردن یا نزده یا نزده، گرین کنین دو روز در هر هفته کفایت میکند (برای اطفال بتقاضای سن شان داده می شود) یعنی اگر بواسطه پشه جراثیم ملاریا در خون هم داخل شوند این مقدار کنین برای کشتن آن و محافظت جسم از ملاریا کفایت میکند.

۴ - درست معالجه کردن مریضهای ملاریائی بذریعه کنین، آرسنیک و فولاد نهایت ضروریست. چه درین معالجه دو فایده مهم مضمراست. اولاً تا موقعیکه مریضهای ملاریا صحت کامل نشوند خون شان کمزور شده و شکار هر گونه امراض مهلکه میگرددند. و هم کار خود را بدرستی ایفا کرده نتوانسته و نسل نیز کمزور می شود. دوم اینکه پشه از خود جراثیم ملاریا ندارد، فقط همین مریضهای ملاریائی است که جراثیم ملاریا در خون شان جاداشته و بدرستی معالجه شده نمی باشند بعد از هر زمستان و قتیکه پشه پیدا شد اینها را گزیده و صاحب میکروبهای ملاریائی میگردند و آنگاه پشه های مذکور اشخاص تندرست دیگر را گزیده باین وسیله مرض ملاریا سرایت و شدت و انتشار پیدا می کند. بنا بران مرضیایکه به تب ملاریا مبتلا می باشد باید بدکتور مراجعه کرده و کم از کم تا سه ماه معالجه را دوام بدهند که میکروبهای ملاریا بکلی از خون او شان زائل شوند. خوردن کنین تا سه روز یا یک هفته ممکن است که برای قطع کردن تب ملاریا کفایت کند. ولی

برای بکلی صحت یافتن يك مريض ملاریائی اقلأ سه ماه معالجه لازم است و اكثرأ دیده شده است که مريضهای ملاریائی بمعالجۀ يك هفته، وقتی که تب را قطع دیده اند از معالجه دست کشیده اند در حالیکه میکروبهای ملاریا در خون شان موجود بوده مرتبأ خون شانرا کمزور ساخته می رود تا اینکه بواسطۀ کمزوری بمرض مهلك ديگری مبتلا شده دواسيه بطرف فنا می شتابند در خاتمه البته خوانندگان ازین شرح مبسوط اهميت و خطرناکی این مرض را دانسته و آنرا سهل نخواهند شمرد.

ريزش

علل و وسائل محافظه از آن

شاید مريضکه نسبتأ شیوع بسیار داشته و انسان بسیار تر بآن دچار میگردد ريزش و خنك زده گی باشد که متعاقب آن زكام و سردردی و سرفه پیش میشود شما به هر که دچار شوید ازین مرض شکایت دارد، اما هیچکدام برای مقابله و مدافعة آن مصدر عملی نمی شوند، و شاید اینهم بسببی باشد که خطر آنرا خوب سنجش نتوانسته و آنرا يك چیز بسیطی تصور مینماید، حال آنکه مرض بد عاقبت و شدیدی است.

اطباء و علما نسبت بمردم درین مورد بیشتر اهتمام بخرج داده بحث و کنج و کاوی زیادی در علل و انتشار و عواقب و وسائل علاج و محافظه از آن نموده و در راه همین بحث و تجربیات خویش جراثیم بسیار امراضی را که از عوامل ريزش گمان می کردند تفحص نمودند که از آن جمله جراثیم آقا الذکر می باشد :-

میکروب نزله شعبی و باسیلوس انفلوانزا و باسیلوس (فریدلاندر) و جرثومه دیفتری و غیره. ولی بصورت قاطع یکی ازین میکروبهائیکه زیر بحث قرار داده بودند عاملی در اصابت به ريزش ثابت نشد. علیهذا يك برهان علمی قناعت بخش در طریقه انتشار این مرض که سرایت آن چطور واقع می شود تا هنوز اقامه کرده نتوانستند، چنانچه در نتیجه فحوص تحلیل خانه های کیمیوی هنوز هم واضح نشده است که انتشار آن بواسطۀ اشخاص، یا اینکه در حال معروض شدن به رطوبت و خنکی حاصل و یا خطر آن در پایان خستگی و اعمال مشقت آور زیاد می شود. چنانچه اطباء تجارپی درین باب اجرا و ماده را از شخص مبتلا بر ريزش در جهاز استنشاق شخص سالم نقل کرده و این تجربه را چندین دفعه اعاده نموده اند با آن به نتیجه مثبتی واصل نشده و در اکثر احوال سرایت حاصل نگردیده و شخص سالم مبتلا به ريزش نشده است. هم چنان احوال طلبۀ یکی از مدارس را تحت تدقیق و تفحص قرار داده و فرق قابل ذکر در تکوین جسمانی و عادت طلبۀ که طبیعتاً معروض به ريزش بوده با طلبۀیکه ازین مرض مبرا بوده اند نیافته اند. جز اینکه اولی ها در عمر گذشته شان به ضیق تنفس و انواع تب ها معروض بوده و شاید همین علل باشد که اصابت ريزش را بایشان سهل ساخته است.

یکی از شرکت های بزرگ بیمۀ امریکا در يك سال کامل حالت ريزش را بین مستخدمین خویش بحث و تدقیق کرده و در نتیجه برایش ظاهر شده است که این مستخدمین که بالغ بر (۶۷۰۰) نفر می شدند از مجموع شان (۶۲۳۳) روز از روزهای کار ضائع شده است که این روزها ماسوای روزهای است که بیاعت مضاعفات این مرض و امراض دیگری که از اثر آن تولید شده است ضائع شده می باشند.

همچنان ظاهر شد که حد وسطی عدۀ اشخاصیکه از مستخدمین شان در هزار ۴۲۷ بوده و حد وسطی مدت اشخاصیکه باین مرض گرفتار گردیده بودند ۲۲ روز و حد وسطی زمان ضائع شده گی بالنسبۀ مجموع مستخدمین ۹ فیصد روز از هر فردی بوده است. دربانیه که این شرکت راجع بمرض مذکور نشر کرده است ذکر یافته که :

« اصابت ریزش بین اشخاصیکه داخل خانه ها کار میکنند نسبت به شوفر های موتر های کرائی ۹ فیصد برابر و بین افراد امریکائی ۴ برابر بیشتر می باشد. » اما از نقطه نظر مالی ظاهر شده که ابتلاآت ریزش طبقه کارگران امریکا را در سال اقلأ به مصرف نیم ملیون دولا ر مجبور و خساره مند ساخته است. از روی این رقم ، دهشت خساره مادی که در نتیجه این مرض ، گریبان گیر اشخاص می شود ظاهر میگردد ، گذشته از اینکه چه خطر های حیاتی دیگری از آن تولید می شود.

به هر حال علما با اینکه در جرثومه که سبب خود زنده گی میشود اختلاف دارند اما به حقایق عدیده درین باره اتفاق دارند که اول آن انتشار عمومی آنست و شکی در آن نمی باشد. یعنی درممر های بینی ظهور مینماید و شخصی که يك مرأته بآن دچار شد استعداد مقابله آنرا برای يك مدت کمی که بین ۴ و ۸ هفته میباشد در خود پیدا میکند.

بهمه حال اگر چه علت مبتلا شدن به ریزش تا هنوز صحیح ، معلوم و کشف نشده است اما درین شکی نیست که جسم را برای مقاومت بسیاری از امراض مختلفه ضعیف میگرداند. و این هم ثابت گردیده است که قریبأ در صدی پنجاه ، این مرض ، مبادی امراض خطرناکیست که انسانرا عاجز و درمانده میسازد. و همچنان در صدی بیشتر از هفتاد التهابات رئوی و بسیاری امراض نژله های شعبی و مرض (آسما) ازین مرض تواید مییابد. تب روماتیزم (وجع مفاصل) و التهاب اغشیه مفاصل و قلب و دماغ و غیره نیز از باعث همین مرض بانسان دچار میشود که شاید عواطف این امراض تلف کرده ها یا مرض قلب باشد.

از عوامل مهم این مرض وراثت و هوا و وسائل تهویه است چنانچه ملاحظه شده افطار شمالی که خنک ریاد دارد اهالی آن عادتأ باین مرض مبتلا نمیشوند اما اگر با اهالی شهرهای جنوبی آمیزش پیدا کنند خیلی قابل قبول این مرض میباشد.

علاج این مرض طوریکه اطباء تجربه کرده اند انواع مختلفه داشته و موفقیت های متفاوتی از آنها حاصل شده است ، اما دواي شافی که نفع آن تماماً تجزیه شده باشد تا بحال بدست نیامده.

ادویه که تا امروز برای معالجه ریزش به کار برده می شود (ارجیول ، ایودین ، مرکرم ، و کروم ، اورنالین ، افورین ، و اتروپین و کافور) و غیره است که این دواها در قوت و تاثیر خود ها بالای مریض اختلافات و تاثیرات متباینی داشته و هیچکس نمیتواند آن ها را بدون فرموده دکتور استعمال نماید. هم چنان استنشاق غاز کلورین نیز تجربه شده و فقط برای وقایه ازین مرض قریب پنجاه در صد نفع آن فایده می بخشد.

یکی از اطباء امریکا در مجله طبیه آنجا نوشته و میگوید که یاش دادن محلول (بیکلورید زئبق) در بینی و حلق تجربه کرده شود در صورتی که این علاج فایده این محلول را باید در لایه های استخوان روی ترزیق نمود. دکتور مذکور موفقیت این عقیده را اطمینان داده و تاکید کرده میگوید که ممکن است این طریقه را بالای خورد ها و کلانها تجربه کرد.

چیز هایی که انسانرا به تعویض ریزش بیشتر معروض مینماید ، اضطرابات محلی که در بینی و حلق پیدا میشود و همچنان التهاب لوزتین و غدود و زیادت نموی انساج است بیش در جمیع احوال باید از طبیب استشاره نمود چرا که اگر التهاب لوزتین زائل هم شود با آن هم انسان معروض به ریزش میباشد زیرا این مرضی است که در تمام مساکن و کار خانجات و دفاتر عمومیت داشته و میگردوب آن به نسبت همه چیز بانسان نزدیک تر است.

يك شخصی اگر مبتلای ریزش و خنک زده گی شد ضرور است که خود را از مردمان كناره کرده خود و دیگرانرا از سرایت آن باین وسیله محفوظ بدارد و الا در غیر اینصورت یعنی مثلیکه در عصر حاضر است و بای عام خواهد شد.

بهترین وسیلهٔ محافظه از خنك زده گی اینست که انسان دارای جسم قوی و توانا باشد ، چنانچه درین باره از روی بحث و تجربه معلوم شده است که صاحب يك جسم قوی بقدریکه يك جسم ضعیف معروض سرما خوردگی میباشد نیست . اما چیزیکه در اینجا موجب تأسف میشود اینست ، معیشتی که امروزه مردمان دارند به منع این تعرض کهمک نمی نماید .

زیرا افراط در گرم کردن اطاق های ارباب جاه و غنا ، کثرت اغذیه چربی دار ، سعی و مجاهدت زیاد اعصاب و جسم در کار ، و باتمام این ها قلت خواب ، عموماً از قوت مقاومت جسم در مقابل امراض و مخصوصاً مرض ریزش که جراثیم آن در هر جائی انتشار دارد می کاهد .

وقتیکه انسان به مقوله « وقایه بهتر از علاج است » قایل شد البته بوسایل وقایه از سرما خوردگی که ذیلاً بیان میگردد متشبهت خواهد گردید : نظافت ، اغذیه صحی ، آب نظیف و ستره هوای آزاد ،

این چیز ها خیلی بهتر است از استعمال ادویه جات و انواع تداوی ها که بعد از مبتلا شدن خنك زده گی به عمل می آید .

انسان در موقعیکه ظواهر ریزش در وی بروز نمود باید فوراً احتیاجات لازمه را گرفته و بدو آبه بینی که مبدأ مرض شمرده می شود اعتنا و آنرا همیشه نظیف و پاک نگهدارد مخصوصاً ممرهای بینی که تاثیر بزرگی در صحت اشخاص دارد ، و معروف است که این ممر ها برای تنظیم حرارت جسم جلد ، حرارت افراز میکند . و همچنان بینی نیز رطوبت را برای دور کردن مخلفات و اینکه سطح جسم از شدت خشکی محفوظ باشد فراز نمی نماید .

اما کمتر اشخاص باین علم دارند که در صدی بیست ، این حرارت ، و قسمت اعظم این رطوبتی که از جسم خارج می شود ، (قبل از این که این هوارا ریه های رقیق و لطیف استنشاق نمایند) از راه اغشیه بینی برای گرم ساختن و رطوبت دادن هوای که تنفس می نمائیم خارج میشود . در اینجا است که دیده می شود وظیفه اساسی بینی طوریکه عادتاً مردم گمان دارند تنها استشام نیست بلکه بینی و دهان و هنجره پرده های خوبی است که بین جسم و امراض کشیره حایل واقع میشوند .

علی العموم کثرت نوشیدن آب در هر وقتیکه ضرورتی بدان حس کند ، مفید است .

اما برای کثرت صرف غذا توصیه نمی شود زیرا مردمان عادتاً بیشتر از اندازه که احتیاج دارند غذا می خورند . مگر اهمیت در اینجاست که انسان چنان غذای صحی را استعمال نماید تا او را بالای امراض مخصوصاً مرض ریزش غالب و قوی بسازد . علیهذا برای جسم اسپورت و ورزش که نشاط عضلات جسم را بیشتر کرده و به قوت آن میافزاید ضروری میباشد ، و بهتر است که این تمرینات بدنی در هوای آزاد اجرا شود .

مهمتر از تمام اینها اینست که جسم بهمان اندازه راحتی که احتیاج دارد برخوردار گردد . و بایست هر شخصی ثلث روز خویش را در مقابل ثلث دیگری که مصروف سعی و عمل می شود بخوابد ، اما ثلث سوم لازم است که براحت گذشاندن شود در حالیکه غذا و ریاضت بدنی هم شامل آن میباشد .

هرگاه تمام این قواعدیکه فوقاً ذکر یافت متابعت شده و ضمناً انسان از رطوبت پایها حذر نماید و در مقابل جریان هوا نیز ایستاده نشده از سرایت مرض خود را کناره نگذارد هیچ جای شك نیست که از مرض ریزش و سرما خوردگی در امان باقی می ماند و باین وسیله روزی برسد که ابداً و بآه این مرض وخیم که صحت مردم را افساد کرده از کار و بارشان باز می دارد باقی نماند .

تعجب در اینجا است که باتمام چیز های که ذکر شد مردم خطر ریزش را اندازه و تخمین نتوانسته و بآن اهمیت لازم را نمی گذارند در حالیکه لازم است در راه مجادله با این مرض يك عادت وسیع و دامنه دار مثلیکه برضد سل نشر شده و فائده هم بخشید باید نشر شود .

سوء هضم و علاج آن

مرض بدهضمی در اکثر اشخاص دیده می شود مختصراً علل آن قرار ذیل است :

۱ : - جویدن بی قاعده : اکثریه غذا را بی اینکه خوب در داخل دهان جویده و میده نمایند می بلعند ، گوئی مزه را در قرت کردن غذا می یابند نه در جویدن ، در حالیکه معلوم است ، غذا اولاً در دهان تحلیل شده و با لعاب دهان مخلوط می شود و باین وسیله غذا ملایم می شود . هکذا لعاب دهان (کاربوهائیدرت) که در غذا موجود است مثل آرد و گندم و غیره هضم مینماید پس اگر غذا خوب جویده نشود ، رطوبت دهان داخل لقمه اثر نمیکند و درینصورت به معده که رسید باعث بدهضمی می شود و از روی اینها معلوم شد که بدهضمی اصلاً مرض نمیشد ، بلکه (مثل تب) علت آن در خود ما موجود است . زیرا اگر دقت نمائیم خداوند بما (۳۲) دندان عطا فرموده است و باید اقلأ ۳۲ دفعه هر لقمه را بجویم تا لقمه خوب میده شده و لعاب دهان بهر ذره اش داخل گردد و غذا به هضم برسد ، این بی پروائی در جویدن غذا غالباً در اشخاصیکه بخوابی دندان مبتلا می باشند و به نقص خود واقف بوده و با هسته گی غذا میخورند و خوب می جویند ، اشخاصیکه باین نوع بدهضمی دچار باشند از زبان شان فهمیده می شود زیرا زبان آنها خیلی بار داشته می باشد و بین پرده سفیدی که در روی زبان است دانه های سرخ Papilla بنظر میرسد . اینگونه مریضها نزد خیلی داکترها علاج کرده و ادویه بسیار استعمال کرده اند . اما مورث نتیجه نشده . زیرا علاج اساسی آن جویدن مطابق قانون قدرت است .

۲ : - خرابی دندان مثل کرم خوردن دندان چه در سوراخهای کرم خوردگی هزاران قسم جراثیم جمع شده و همراه لقمه یکجا داخل معده میگردد و موجب بدهضمی میشود . زیرا رطوبتی که در معده موجود است سم این جراثیم بر هم و مغشوش می سازد ، درین گونه بدهضمی جویدن خراب دخالت نداشته و بلکه جراثیم که داخل دندانها می باشند در آن موثر است و علاج آن رفتن نزد دندان ساز می باشد ، چه وقتی که دندانها اصلاح شد در ظرف چند روز دیده می شود که اشتها زیاد شده و وزن بدن هم بیش میگردد .

۳ : - پر خوردن : - پر خوردن باعث ورم جگر ، بدهضمی تفرص میگردد و اکثراً دیده میشود که شخصی زیاد غذا میخورد اما فرجه نشده و رنگش همیشه زرد میباشد . هر چند این اشخاص بظاهر خود را مریض نمی نگرند ولی در حقیقت همیشه مریض می باشند و در نتیجه بدهضمی دچار امراض شدید دیگری شده و طاقت روحانی شان کم و بالاخره در عمر شان نیز نقصان واقع می گردد .

۴ : - غذای بی وقت خوردن ، یعنی روز چار یا پنج یا شش بار خوردن یا اینکه در ۲۴ ساعت تنها یک مراتبه غذا صرف کردن از علل بدهضمی است . زیرا شخصی که چند مراتبه در یکروز غذا میخورد ، یک غذا هنوز در معده اش به تحلیل رسیده نمی باشد که غذای دیگری رسیده و عمل هضم را فاسد میسازد و مثلیکه بالای غذای پخته که آب انداخته شود مزه اش بکلی از بین میرود همانطور عمل هضم نیز که تمام نشده و غذای دیگری بمعده برسد موجب سوء هضم میگردد همچنان در ۲۴ ساعت یکمرتبه غذا خوردن نیز مضر صحت است ، زیرا قدرت طبیعی که در معده می باشد معطل مانده و رطوبت معده کم خارج می شود و چون معده خیلی به کندی کار می نماید یک غذای معمولی نیز موجب سوء هضم می گردد .

۵ - کمی بعض اجزای غذا ، مثل ویتامین که موجب سوء هضم می گردد .

۶ - نوع غذا مثل سبزی بوسیده ، گوشت های نیم گندیده ، میوه های خام و غیره ، و قتیکه داخل معده تندرست شد هضم را خراب میسازد .

۷ - غذا یا آب بسیار گرم یا بسیار سرد خوردن باعث خراش یابی حسی غلاف معده شده و باین ذریعه رطوبتی که در معده موجود است خارج نمیشود و موجب بدهضمی میگردد .

- ۸ - استعمال آب بسیار، شاید بعضی ها بگویند که آب معمولی چگونه تولید سوء هضم مینماید در صورتیکه آب در عمل سوء هضم دخالت تامه داشته آب بسیار در حرارت معده نقصان وارد مینماید.
 - و سپس همراه لعاب معده مخلوط شده اثراتش را زائل میسازد و معده را کلات میکند، و بالاخره موجب بد هضمی میشود اما قبل از صرف غذا هرگاه شوربا Protines خورده شود رطوبت معده خیلی زیاد خارج شده غذا را به هضم میرساند.
 - ۹ - بعضی امراض مثل مالاریا، فقر الدم (انیمیا) مرض دق، سل، امراض کرده، رماتیسم، امراض جگر و دل باعث بد هضمی میشود.
 - ۱۰ - بد هضمی زنهای حامله، که در نتیجه يك عقبه که بمنز شان پیدا میشود از غذای خوب نفرت پیدا کرده و در عوض گل سرشوی، نان بامی و غیره را میخورند.
 - ۱۱ - بعضی اغذیه ثقیل مثل نخود، باقلا، تخم مرغ، که خیلی زیاد جوش داده شده باشد، کرم، پیاز، کچالو، هرگاه بسیار خورده شود بد هضمی تولید میکند.
 - ۱۲ - اشخاص معتاد به عملهای بد، مثل تمباکو، چرس، بنگ، تریاک شراب به بد هضمی دچار میشوند.
- خوانندگان محترم البته از روی تشریحات فوق علل پیش شدن سوء هضم را دریافته و از دچار شدن بان اجتناب خواهند ورزید و هر چند علل پیش شدن سوء هضم بسیار است ولی فقط مهم ترین آنها که در بین عموم دیده میشود درین مقاله ذکر شده است.

خواب پس از غذا

معمولاً پس از غذا احساس سستی و خستگی در خود می کنیم و بنظر مان می رسد که بخواب احتیاج داریم ولی باید بدانیم که این احساس حقیقی ندارد و ما خسته نیستیم بلکه فقط علامت اینست که جهاز هضم بکار افتاده و عمل خود را شروع کرده است و خستگی ما مولود خون زیادی است که از تمام اطراف بدن متوجه جهاز هضم شده است اگر درین وقت خود را تسلیم خواب کردیم جهاز هضم نیز در کار خود کند خواهد شد و نمی تواند بخوبی عمل خود را انجام دهد زیرا که در موقع بیداری عمل هضم بهتر از موقع خواب انجام می گیرد و ازین جهت است که در موقع بیداری احساس می کنیم که غذای ما بخوبی هضم نشده است اگر غذا خیلی سنگین باشد در موقع خواب اعضای داخلی را صدمه زده و مارا دچار کابوس می کند و خوابهای وحشتناک می بینیم بنا بر این بایستی پس از صرف غذا بقدر دو ساعت بیدار ماند و ورزش های مختصر از قبیل راه رفتن و حرکات ساده دیگر را انجام داد و پس از آن خوابیدن مانعی ندارد - این را نیز باید در نظر داشت که ورزشهای سخت و حرکات زیاد بعد از غذا ممکن است انسانرا دچار مخاطره سازد.

کاروتین

کاروتین - رنگ زرد زردک و مسکه و شیر و بعضی میوها و بقولات زرد و نارنجی بهترین موانع امراض جهاز تنفس میباشد و نیز در مرض پرده چشم که در پیری عارض میشود مفید است و تولید خون صالح یکی از خواص آنها و باعث زود التیام یافتن زخم ها و دانه های باشند.

غسل و تاثیر آن در بدن و قلب

اگرچه انسان در جولا نگاه زندگانی به بسا چیزها محتاج است ولی بیشتر از همه سلامت مزاج و برقراری صحت خویش اشد احتیاج دارد زیرا يك انسان تا دارای صحت کامل نباشد از عهده هیچکاری بدر آمده

توانسته و هیچیک از احتیاجات لازمه حیاتیه را نمیتواند تکمیل نماید. پس برای هر انسان صحت فرض و برای وقایه صحت عملی داشتن آن قوانین، یعنی همان چاره های بر اصلی که ارباب علوم و فنون با کاوش و زحمت زیاد و تجربه بدست آورده اند نهایت الزم است.

اولین شرط صحت مندی و تندرستی و جلوگیری از امراض، نظافت و طهارت است که علمای صحی نیز در اولین صحائف مولفات خود آنرا جا داده و مطالعین را بآن توصیه می نمایند. دین متین اسلام هم پیروان شریعت مطهره نبویه صلی الله علیه و آله وسلم را باین امر تاکید می فرماید.

چنانچه شستن دست و پا و روی، و تمیز نمودن دندانها و دهن و بینی و گوشها و دیگر منافذ وجود را که در وضوهای نمازهای پنجگانه امر و لازم دانسته است عین همین نظافت و طهارت و جلوگیری از امراض است.

علمای حفظ الصحه هم بالعموم همین قواعد طهارت اسلامی را بحسن صورت تلقی کرده و بتامی آن تمام کتله بشریت را دعوت و توصیه می نمایند ولی در وصایای خود نظریه تجارب و اکتشافاتی که حاصل نموده اند پاره احتیاط های لازمه را علاوه می نمایند که فی الواقع اگر آن احتیاطها بمرض عمل نماید، بی شبهه مضار زیادی را در خود دارد.

اینک پاره ازان وصایا را اگرچه از روی يك قسمت معلومات خیلی جزئی و محدود است ولی بی لزوم و هدر نمی باشد تحریر نموده و در معرض افاده مطالعین گذاشته می شود.

تعریف ساده نظافت تمیز نمودن تمام اقسام وجود است بذریعه غسل،
۱ - نظافت و طهارت : استحمام، دلك (۱) و مراد از غسل و استحمام و دلك اولاً پاکی و صفائی بدن است تا چرك و لوثیكه در اثر عرق از گرد و خاك هوا و ملبوسات بروی جلد پیدا می شود از وجود زائل بشود. دوم كشودن مسامات روی جلد كه هوای صاف از آن منافذ كوچك از اذانه داخل وجود شده بتواند.

اولین شرط در استحمام و یا غسل اینست كه آب غسل بتام معانی پاك
۲ - دقت در آب غسل : یعنی عاری از گرد و خاك و جراثیم باشد. اگرچه نظریه تجارب (یاستور) آنها بالعموم دارای مكروب می باشند و در موقع غسل آن آب حتماً در دهان و بینی و گوش و دیگر روایای بدن داخل می شود لذا ضرورت است كه آب تعقیم یعنی به واسطه جوش دادن جراثیم آن كشته و بعدها باندازه لازمه سرد ساخته و بآن غسل شود، مگر به علتیكه این امر خالی از اشكال نیست، یعنی بهمه كس بیسر شده نمیتواند، بناءً چاره آسانترین را باید سراغ كرد. طوریکه كتب صحیه اطلاعات میدهد: آب چاهها و چشمه سارها به نسبتیكه از زمین بر می آیند و عبور از طبقات مختلفه زمین آنرا فلتتر کرده می باشد، نسبتاً احتمال كثافت و آلاش در آن كمتر است.

ازین هم سهل تر آبهای كه صابون بآن زود كف می كند و سبزیجات ذریعه آن در اندك جوش ملانم می شود چنانكه برای اطعمه و دیگر استعمالات یتبه صالح می باشد هكذا برای غسل نیز عاری از شوائب است.

غسل نظریه بموضوعیكه ما در آن بحث داریم مطالع را به مفاد و مضار آن آگاهی داده متوجه سازیم دو صورت دارد: غسل آب سرد و غسل آب گرم :

غسل آب سرد يك غسل بسیار ساده و سهل است اما بشرطیكه آب نباید آنقدر سرد باشد كه انسان در اثنای غسل سردی زیاد حس كند و وجود را بجزاند زیرا مقصد از غسل زدودن تلوّثات بدنیّه و باز نمودن مسامات جلدیه است این مطلب البته ذریعه ایكه بسیار سرد باشد عملی شده نمی تواند، چه آب بسیار سرد از يك طرف

«۱» دلك یعنی زدودن چرك بواسطه کیسه یا دستمال درشت نمناك از بدن.

چرك را در مسامات قائم و مومك میسازد و از طرف دیگر تعادل حرارت بدن را بر هم زده خون را بسیار تحريك و مخصوصاً طرف غشای مخاطی بینی سوق نموده و غشای مخاطی را متورم و رو به مرده باعث تولید مرفه و سینه درد و سردی و كوفتگی اعضا یعنی موجب مرض انفلو آنزا میشود. و هم نظر به تجارب دكتور (رود و اف) و دكتور (بهك) این غسل در دل نیز اجرای تاثیر منباید. دكتوران مذکور مینویسند كه غسل آب سرد حجم دل را خیلی بزرگ و حرکت نبض را خیلی بطی و رنگ جلد را نیز تغییر داده چهره را نهایت زرد و زار میسازد.

مع الاسف بسیاری از اهالی را می بینیم كه در مواسم تیر ماه و زمستان خواه از مجبوری یا از عدم اطلاع و معلوم حفظ الصحه در كنار دریا و جوی و كاريز و غیره بآب نهایت سرد و آنهم در هوای آزاد و خنك غسل میکنند، حتی بسیار دیده شده كه در وسط زمستان یخ را شكستاده و بین آن غسل کرده اند، حال آنكه این عمل طوریکه در فوق تذكار گردید چقدر مضرات را عامل میشود. به خصوص برای کسانیكه مرض عصبی و روماتیسم دارند، قوانین صحنه دستور میدهد كه آب غسل میبایستی دارای ۱۵ الی ۳۰ درجه حرارت باشد و مدت غسل نیز از ده دقیقه بیشتر طول نکشد، چه جی آنكه دارای چندین درجه برودت بوده و بان در يك مدت دراز غسل شود، اما اگر بغیر مول كه حفظ الصحه میفرماید عمل بشود گذشته از آنكه تمام آن مضار سلف الذکر را جلوگیری مینماید يك قسمت منافع را نیز بوجود عائد میکند، مثلاً دوران خون را شدت و افعال عصبیه را انتظام و اوعیه جلد را تقص و خون را در اعضای داخلی دفع و سوق نموده بوجود یکنوع حرارت بیش مینماید، چنانچه درین اثنا چون يك مقدار زیاد خون به اوعیه جلد رجوع میکند ضربان دل و حرکات تنفس را هم کمی سرعت میدهد. و این غسل برای اشخاص كم قوه و هم کسانیكه اسهولت می نمایند نهایت مفید می باشد.

غسل آب گرم بهترین غسلها و یگانه واسطه یاکی و صفائی بدن است، اما مشروط غسل آب گرم: برای آنكه از اندازه زیاده دارای حرارت نباشد یعنی طوریکه كتب حفظ الصحه تعیین نموده، از ۳۵ تا ۴۰ درجه بیشتر حرارت نداشته باشد، زیرا اگر حرارت آن از ۴۰ درجه اضافه باشد احتقان دماغ (خون بینی) برای انسان پیش میشود و از طرف دیگر برعكس غسل آب سرد كه گفتیم حجم دل را بزرگ و سرعت تنفس را بطی می سازد درین جا غسل آب گرم حجم دل را خورد و حرکت تنفس را تسریع و خون را به نهایت شدت بطرف دل به هجوم می آورد.

بنابران توصیه میشود كه بآب بسیار گرم غسل نشود و درجات آن كه در فوق تعیین گردیده حتماً مرعی و مدت استحمام هم از (۱۵) دقیقه اضافه تر طول نکشد.

ظاهر است كه معلوم نمودن درجه حرارت و برودت آب: بمقیاس الحراره بكار دارد و این آله در دست عامه نمی باشد بجز اشخاص معدودیكه فی الجمله مستعد و متمول اند و البته برای متمولین لزوم گفتن این چیزها آنقدر مهم نیست زیرا خود شان این قدر میدانند و فهمیده میتوانند مراد ما درین جا آگاهی طبقه پایا تر است و میتوانیم بایشان بگوئیم كه اگر مقیاس الحراره میسر نمی شد افلاً اینقدر هوش نمائیید كه آب غسل آنقدرها سرد نباشد كه وجود را بجزراند و هم نه بآن اندازه جوشان باشد كه بسوزاند یعنی آب را گرم و سرد کرده و بكمال اعتدال بآن غسل نماید.

یقین است کسانیكه صحت وجود خود را دوست میدارند از مطالعه این سطور مستفید گردیده اوقات و درجاتی را كه علم حفظ الصحه راجع بآب غسل تعیین و ما آنرا در فوق تا يك اندازه متذكر شدیم به هر صورت مرعی و عملی خواهند داشت.

شیر نا جوش داده

بسیاری مردم معتقدند كه شیر جوشانده خواص و غذائیت خود را از دست میدهد، یکی از مجامع علمی امریکا در این موضوع تحقیقات طولانی و عمیقی کرده و چنین نتیجه گرفته است:

- ۱ - وزن اطفالی که شیر جوشانیده تغذیه کرده اند سنگین تر از وزن اطفالی ست که شیر ناجوشیده خورده اند.
 - ۲ - طول قامت دسته اول بیش از دسته دوم است.
 - ۳ - اطفالیکه پدر را نشان بخوردن شیر ناجوش داده معتاد بوده اند زود تر به امراض دیفتری و مرض معده مبتلا میشوند، تا آنها که پدر را نشان شیر جوشانده میخورده اند.
- بنابرین لازم است مادران شیر را جوشانده با طفل بدهند و از پیروی عقیده غلط زنانه و عامه پرهیز نمایند.

آب میوه برای اطفال شیر خوار

مطابق آخرین تجربیاتی که در باب ویتامین بعمل آمده ملاحظه شده است که رشد و نمو اطفال بواسطه این ماده فوق العاده خوب می شود و ویتامین مخصوصاً در میوه جات تازه زیاد یافت می شود باین لحاظ اگر در آخر ماه اول عمر اطفال بآنها آب انگور، آب پرتقال، آب سیب، آب سنتره و غیره بخورانند بر رشد و نمو آنها کمک کرده اند و ارجح اینست که آب میوه را بادویاسه برابر حجم آن با آب جوشیده مخلوط نموده و در بین دو شیر خوردن یک قاشق غذا خوری بخورانند.

جلوگیری از اسهال اطفال شیر خوار

دکتریکه درینمورد تجربیات زیادی کرده است اظهار عقیده نموده میگوید: اسهال شدید اطفال شیر خوار از کم وزن گردیدن جسم شان معلوم می شود چه در زمان اسهال از بدن اطفال آب زیاد ضایع شده و کم وزن گردیدن اطفال نیز مربوط به ضیاع آب از وجود شان است، اگر خواسته شود که ضایع شدن آب نقصان یافته و یا بکلی قطع شود لازم می شود برای اطفال موادیکه کرات سفید بیشتر داشته باشد داده شود و برای اینمقصود اولتر از همه قند در خوراک شان افزودن فایده مند است، چه هر قدر قند زیاد داده شود از ضیاع گلی کوژین Glycogen (ماده آبی که حال نشایسته را دارد) جلوگیری بعمل می آید، و خلاصه اینکه مواد قندی برای اعضای طفل خیلی با اهمیت بوده و تاثیر زیاد می بخشد.

در موقع قند زیاد دادن به طفل باید از خوراک معتاد او تنها چای کم کرده شود (در زمان اسهال بعضاً چای تیره سیاه میدهند) (فورمول) استعمال این طریقه در علاج يك اهميت فوق العاده دارد و علاوه تا دکتور تجربیه کننده محلول ذیل را نیز استعمال کرده است:

سول رنجریك ثلث، شیرۀ برنج، فی صد شش الی هشت قند انگور.

دکتریکه در طی شش سال تجربیات در زمان اسهال اطفال قند در خوراک شان ضم کرده است بهیچ وجه ناراض نبوده و بلکه برعکس آن ازین تجربه خویش اظهار مسرت مینماید و سایر اشخاص هم در نتیجه استعمال این فورمول (طرز) نتیجه درستی حاصل کرده اند.

دکتر فوق میگوید در زمان وقوع مرض اسهال اطفال باید از خوراک شیر احتیاط لازمه کرده شود و هر قدر که وضعیت اسهال مخوف باشد بهمان اندازه از خوراک شیر باید اجتناب ورزیده شود، و عوض خوراکهای با شیر آمیخته، نان دبل بریان شده و آرد کچالوداده شود، بعد از گذشتن يك مدت نسبتاً زیادی میتوان با احتیاط تمام شیر را در خوراک علاوه کرد.

علاوه بر خوراک قند در موقع اسهال اطفال (آدری نالین) استعمال کرده و اگر استفراغ شدید تولید نمود (سول رنجر) به داخل جسم طفل رزق کرده شود.

این تداوی بعضاً برای مریضان يك حیات تازه بخشیده و در نتیجه وزن در کمترین مدتی زیاد می گردد و بالاخره تا بحال ازین علاج يك نتیجه بدی مشاهده نرسیده است.

سرما خوردگی اطفال

بسیاری از مادران بخیال پرورش و عادات دادن اطفال خود بزندگانی طبیعی و متأثر نشدن از سرما و گرما، آنها را در سرما و هوای آزاد سرد در جریان باد های خنک می گذارند، این فکر خطا و اساساً غلط است، اکثر اوقات این عمل غلط که مخالف با اصول صحی است موجب ابتلاء بامراض سخت و مهلك می شود مخصوصاً امراض ریه و سینه،

همان طور عادت دادن طفل به لباس های زیاد و پیچیدن او در قنداق و نظایر آن غلط و برای آتیۀ طفل بسیار مضر است.

حمایۀ اطفال از سل

اطفالیکه از مادرهای مسلول متولد میشوند بهترین طریق محافظه و حمایۀ ایشان آن است که از والدۀ های شان جدا کرده آنها را در صحرا و در قصبات و دهات پرورش نمایند.

از چهل سال باینطرف در فرانسه مؤسسۀ از طرف پروفیسور دکتور گرانشیر تاسیس یافته: اطفالی را که از مادرهای مسلول بوجود می آیند از والدۀ های شان جدا کرده و آنها را در یک دهی که جامع شرایط صحی است داخل آن مؤسسۀ مینمایند. این مؤسسۀ در ظرف این چهل سال خیلی خدمات بزرگی ازین جهت برای جامعه نموده است و اطفال مذکور خیلی کم بمرض سل دچار شده اند مگر مسئلۀ جدا کردن اطفال تاکنون از والدۀ های شان حسب اختیار والدۀ ها بوده است. باین هم خیلی از والدۀ ها بفارقت اولاد های خود راضی نمیشوند.

چون تاکنون قابل ترشح بودن سل به جنین و سرایت آن ثابت و قطعی کشف نشده است، از آن جهت بعضی پروفیسورهای مخالف و محتاط بنام محافظه و حمایه قطعی حیات اولاد جدا کردن طفل را از والدۀ مسلول آن مجبوری گرفته و برزی آن قانونی وضع کرده اند. دکتور روکسن که رئیس مؤسسۀ گرانشیر است شدیداً باین اقدام اعتراض کرده و دعوی نموده است که اثر کیسون BCG درین خصوص قیمت خود را بدرجۀ کافی اثبات کرده و اگر بعد از ولادت در هفته اول به نوزاد این دوا از راه دهن داده شود، طفل بخواهش ابوبین مسلول خویش بلامهلکه نزد ایشان مانده می تواند. دکتور مذکور این قانون مجبوری جدا کردن اولاد را از ابوبین اصلاً طرفدار نیست.

خال چیچک

قریباً یکنیم صد سال پیشتر یکی از دوستداران عالم انسانیت با وجود مخالفت های هم عصرانش خال چیچک را ایجاد کرده بر مخلوق خدا یک احسان عظیمی نمود، چه مرض چیچک از ان امراض موزیه ایست که در موقع بروز بای آن تخمیناً در صدی پنجاه نفر از مرضای چیچک را بمرطۀ هلاک میراند، اما در حالت عکس آن یعنی اشخاصیکه خال چیچک زده و برای مدافعۀ چیچک وجود را مستعد ساخته باشند در صد دویا شش نفر ضائع می شوند و از روی این تناسب فایده خال چیچک را می توان فهمید که تا چه اندازه موجب آت بعالم بشریت خدمت کرده است.

در ممالك راقیه برای زدن خال چیچک محتاج به تشویق و تبلیغ ملت نبوده و چون خود مردم بفوائد آن باخبر می باشند برای خال زدن چیچک اولاد های خود بشفاخانه رجوع کرده حکومت هم از روی احصائیۀ نومولودها والدین را بخال زدن اولاد شان مجبور ساخته و باین وسیله غالبیت از مرض چیچک محفوظ میمانند.

اما در افغانستان تا حال اکثریه اشخاص بفوائد خال چیچک معتقد نبوده و آنرا چیزی بی فائده تصور میکنند، ازین رو اولادهای خود را خال چیچک نزده و روی اطفال معصوم را بدنمای و چیچکی ساخته و بر علاوه بامراض دیگری که در دیگر اعضای جسم در نتیجه چیچک پیدای شود اطفال را مبتلا ساخته و اگر تلفت شده باشند آغوش اغلبه مادرها را این مرض شوم بواسطه فنای اولادشان خالی ساخته و شدت مرض شوم مذکور اطفال معصوم را بهلاکت و مرگ می کشند. در اوائل خال چیچک را از آبله های خود مریض چیچک یا (ارچک) های خشک شده مریض مذکور بدست آورده و پس از آنکه آنرا خوب سائیدند به شخص سالم خال میزدند، اما پس از تجربهای زیاد این اصول غیر مفید ثابت شده و امروز دواي خال چیچک را از گوساله میگیرند.

درد دوره حیات انسان به مرتبه خال چیچکزدن احتیاج دارد که اول آن درد دوره طفولیت و دوم بسن ده الی دوازده سالگی و سوم در موقع جوانی میباشد. و اشخاصیکه خال چیچک نزده باشند از مرض چیچک قطعاً محفوظ شمرده نشده و حتی در بعضی اوقات اشخاص معموری که پنجاه سال داشته بمرض چیچک مبتلا شده اند. بهترین سنی برای زدن خال چیچک در دو یا سه ماهگی اطفال می باشد (شرطیکه طفل تندرست و توانا باشد) اما اگر و بی چیچک موجود باشد لحاظ عمر را نکرده باید بلا معطل بخال زدن مبادرت نماید. ولی طفل اگر به امراض تب، اسهال، پیچش، امراض جلدیه یا مرضهای ولادتی مبتلا باشد درین حالت تا شفا یافتن طفل عمل خال زدن باید معطل گرده شود. بعد از زدن خال چیچک زیر هدایت آبله کوب چند دقیقه مراقبت لازم است که دواي آب چیچک در جای خال خوب خشک شده و طفل آنرا پاک نکند. و تا ده روز بعد از زدن خال در جائیکه خال زده شده می باشد بعضی میکروبهای دیگر جمع شده و در آنجا دانه های کوچکی نمودار شده که اغلب گمان می کنند خال چیچک تاثیر خود را اجرا نموده است. در حالیکه این آبله های خال چیچک نمی باشد و درین احوال دقت و تعمق زیاد لزوم داشته و باندک تردید باید به طبیب مراجعه شود چهار پنجروز که از عمل آبله کوبی گذشت در جائیکه خال زده می باشد دانه های خورد خورده نمودار شده و آبله ها ظهور می کنند. درین آبله ها رطوبت و چرک پیدا شده و بعد از مرور (۱۲) تا (۱۵) روز آبله های مذکور خشک شده و بجای آن ارچک تولید می کند و قتیکه ارچکهای مذکور ریخت نشانه خال چیچک برای تمام عمر باقی می ماند. فعلاً در شفاخانه ملکی و شفاخانه مستورات خال چیچکک برای عموم بصورت مجانی زده شده و مردم باید عاقبت این مرض وخیم را دانسته برای زدن خال چیچک اطفال خود را در شفاخانه ها بفرستند.

بهترین معلومات زراعتی

سبزی کاری در ماه های بهار

شهور اوائل بهار (حمل و ثور) نسبت به تمامی ماه های سال برای سبزی کاری زحمت دارتر است زیرا این موسم، مناسب و مخصوص است برای زرع انواع مختلفه نباتات و امور متعلقه آن از قبیل: قلمه، بارودادن، آب داد نهای ابتدائی و غیره، پس باید باغبان درین ماه يك روز را هم عبث نگذرانند و مخصوصاً از روزهاییکه هوا صاف بوده و آفتاب میتابد بخوبی استفاده نموده و هر نوع تخمرا در موقع مناسب در زمین بيفشانند. اینك درینجا طریق زرع انواع مختلفه سبزیجات شرح داده می شود:

در سبزیجاتیکه یکجا زرع می شوند بهتر است در اول اول سبزیجاتیکه یکجا کاشته میشوند: بکاشتن پیاز سفید و پیازهای متنوعه دیگر اقدام شود (اگر قبلا تیر ماهی زرع نشده باشد) اما باید دانست که پیاز در زمین سالم و اندکی سخت که فقط سال گذشته بآن باروداده شده باشد زرع میشود، در يك آر

(۲۵۰ زرع مربع) تقریباً ۲۵۰ گرام (مساوی نیم یارو) تخم پاش داده شود و اگر میل باشد قدری تخم اسفناج (پالك) و کاهوی بهاری هم بآن علاوه شود این دو سبزی قبل از بزرگ شدن پیاز حاصل میدهند . یعنی از بیخ کنده می شوند و نیز اگر در چهار اطراف کرد تخم باقلای کلان (لوبیا و غیره) که يك سبزی گوارا و زود رس است هم پاش داده شود این نبات در ظرف چند روز بسر حاصل آمده و دانه های کلان باقلا پیدا میشود و در همان وقت حاصل آن بدست می آید و دانه های باقلای مذکوره را جوش داده تازه میخورند و نیز مقداری از آنرا برای زمستان خشك میکنند . در روی خیابانها (یلوانها) لبلبوی سفید و کلم گلداری و کلم دوبه میکارند و فاصله های بین آنها را همراهی تخم ترا تیرك زمینی و گشنیز و غیره نباتات زود رس که همراه طعامهای بهاری صرف میشود پر میکنند ، نباتات اخیر باستانی کلم و لبلبو که وقت رسیدن آن تیرما است در ظرف يك ماه بزرگ شده و بمصرف میرسند .

اگر تمام این سبزیجات تازه خوری به اصول باغبانی در يك مربع زمین متوسط (دارای ده متر عرض و ده متر طول) کاشته شود ، ضروریات و احتیاجات يك خانواده متوسط را که دارای ۱۰ نفر باشند بخوبی تکافو خواهد نمود . ولی همه این نباتات باستانی بعضی از اقسام آن برای صرفیات بهاری است ، لهذا يك باغچه سبزی کاری خانوادگی باید دارای سبزی یجات دیگری هم باشد :

يك مربع زمین دیگری باید برای زردك بهاری زود رس و زردك تیرماهی (که برای ۲ - زردك : زمستان حفظ می شود) تخصیص داده شود ولی زمین آن باید نرم و پس از زرع تخمها کود (یارو) حیوانی به مقدار کافی داده شود ، تخمها بهتر است بعوض اینکه متفرقا پاش داده شود در يك خط مستقیم کاشته شود اینطور که ابتدای کرد به خطوط ۲۵ سانتیمتری (هر ۲۵ سانتیمتر تقریباً ربع يك گز است) تقسیم شود و بعد در هر خط مذکور زمین با اندازه سه سانتیمتر حفر نموده شود و آنگاه تخم در جویه كوچك مذکور پاش داده شود ، يك گرام (پنج يك يك مثقال) برای يك متر مربع زمین کفایت میکند ، به این طریق علاوه بر نمایش عمومی نباتات ، غیشاوه و مراقبتهای باغبانی دیگر آسان میشود چون زردكها سبز شوند در نوبت اول برگهای آنرا سزمینند و سبزی مذکور را به حیوانات میدهند و هم از آن يك قسم غذا درست میکنند ، و پس ازین سرزدن قوت نبات زیاد شده و بیخ آن (اصل زردك) بزرگ میشود ، علاوه برین وقتی که نبات رو به نمو گذاشت یکی دوبار زمین آنرا غیشاوه (وجین) و نرم می کنند . زردك بهاری که رنگ زرد دارد در ظرف ۶۰ روز حاصل می دهد ولی بسیار كوچك كوچك می باشد . اما زردكهای تیرمائی دارای رنگ سرخ و بزرگ می باشد و در ماههای اول خزان چیده شده و در چاهای خاکی برای مصارف زمستانی حفظ می شود .

برای زراعت ترب زمین بسیار نرم و پر قوت بکار نیست و مراقبتهای زیادی هم لازم ندارد . ۳- ترب : و اگر در يك مربع كوچك (۴ متر مربع) تخم آن افشاندن شود برای مصارف بهاری و زمستانی يك عائله ده نفری کفایت خواهد کرد زیرا حاصل زیاد میدهد و کمتر فاسد میشود و هر تخم آن بطور قطع حاصل می دهد لهذا در يك مربع كوچك باید از دورقم تخم ترب که یکی دارای شكل مدور و رنگ سرخ است و در ظرف سه هفته سبز می کند و در یکماه حاصل می دهد ، و دیگری سفید و دراز شكل بوده در ظرف دو ماه بزرگ شده هم در شروع تابستان و هم برای زمستان حفظ و صرف شده می تواند کاشته شود ، غیشاوه و نرم کردن زمین برای قسم اول لازم نیست ولی ترب زمستانی را باید چند مرتبه تحت مراقبت گرفت و در ماههای خزان آنها را چیده در چاه حفظ نمود .

شلغم از اول الی ۱۵ ثور کاشته می شود و در او اخر بهار و شروع تابستان حاصل می دهد ۴- شلغم : تخم شلغم برای هر متر مربع نیم گرام (ده مثقال) کفایت می کند و بهتر است که ابتدا بدون ترتیب در زمین نرم و زیر و رو شده پاشیده شود و بعد تخمها بواسطه شاخی یا خاکروب لب چیه زیر خاک گردد آب باران روئیدن نباتات را سرعت خواهد بخشید ، چون سبز شد آنها را یکبار باید کرد

و در فاصله ده سانتیمتر (دوم حصه گز) بجز يك بته نباید گذاشت شلغم بهاری رنگ سفید و شکل دراز دارد و در تابستان حاصل می دهد، شلغم تیرمائی مدور و سرخ رنگ و بزرگ است و برای زمستان در چاهای خاکی حفظ می شود.

صفات میزه شیر و مستخرجات آن

غالباً اشخاصیکه شیر استعمال میکنند خوبی و خرابی آنرا از روی رنگ آن حدس میزنند مثلاً شیری را که برنگ قیماق باشد (یعنی رنگ زرد مائل بسفیدی) و یا دارای يك ورقه ضخیم قیماق باشد آنرا می پسندند و برعکس شیری را که رنگ آن مائل به نیلی و دارای ورقه نازک قیماق باشد خوش نکرده آنرا مفید نمیدانند. اگرچه علایم مذکوره تا يك اندازه صحیح شمرده می شود ولی علی العموم رنگ و ضخامت ورقه قیماق علامه خوبی شیر نبوده و مقدار روغن که در شیر وجود دارد از آن معلوم نمیگردد.

اگر ذرات چربی در شیر، بزرگ و برنگ قیماق باشند ورقه قیماق آن ضخیم و برعکس در صورت وجود ذرات کوچک و قلت ماده رنگی در شیر با آنکه بالنسبه شیری که ورقه قیماق آن ضخیم و رنگ خوبی دارد حاوی روغن زیادی هم باشد، قیماق آن نازک و کمرنگ می باشد.

از تجارب عدیده که درین باره در ظرف سالها گذشته حاصل گردیده چنین مفهوم میگردد که زردی رنگ مسکه و قیماق بواسطه ماده رنگی که موسوم به کیروتین Carotin است می باشد. وجه تسمیه این ماده به اسم کیروتین از جهت آنست که زردی رنگ کاروت Carrot (زردك) بواسطه ماده مذکوره است و اگر احياناً این ماده در زردك وجود نمی داشت رنگ آن زرد نمی بود. اگرچه کیروتین عموماً در نباتات سبز هم دیده میشود اما سبب سبزی نباتات ماده دیگری مسمی به کلوروفائل Chlorophyll است که ماده مذکوره نباتات را به نظرها سبز جلوه میدهد.

وقتیکه گاوها، نباتاتی را که دارای کیروتین می باشند تغذیه مینمایند ماده رنگی نباتاتیکه کیروتین دارند کیروتین به خون آنها داخل شده و ذرات روغن شیر آنرا بخود جذب مینماید و شیریکه دارای مقدار زیاد ذرات چربی باشد رنگ زرد تیره را از خود ظاهر میکند.

در نباتات سبز از قبیل: گیاهای تازه چرا گاوها فاریج کراپز Forage Crbos زردکها - کیل Kale (يك نوع کلم است) کلمها و سالیچ Silage کیروتین به مقدار زیادی وجود دارد. اما درگاه سبز و ریشه های زرد نباتات، ماده مذکوره باندازه بسیار قلیلی بنظر می رسد پس اگر در علوفه گاوها مقدار زیاد کیروتین وجود داشته باشد رنگ شیر و مستخرجات آن (از قبیل: قیماق، ماست و غیره) باندازه ذرات چربی آن دارای رنگ زرد می باشند یعنی اگر ذرات چربی در شهر کمتر وجود داشته باشد زردی رنگ شیر کمتر و اگر بیشتر باشد یقیناً زردی رنگ آن بیشتر خواهد بود و همچنین قیماق شیری که مقدار کیروتین آن بیش است رنگ آن زرد تیره (بالنسبه شیرش) بوده و مسکه آن هم دارای رنگ تیزتری می باشد. علاوه بران یک مقدار کیروتینی که در شیر جذب میشود در نتیجه تزریق علوفه کیروتین دار مقدار دیگری از آن در جسم حیوان نیز جمع شده بصورت ذخیره می باشد.

ولی گاوها عموماً به يك اندازه کیروتین را به شیر با جسم خود تحویل داده نمی توانند و بهترین آنها که قوه تحویل کیروتین را دارند آنرا به شیر با جسم خود جذب مینمایند نسل جرسی Jersey و گورنسی Guernsey است، ازین جهت است که جسم ویوست بعضی اقسام گاوها بیشتر و از بعضی کمتر زرد بنظر میرسند. از طرف دیگر اگر تغذیه گاوها دارای کیروتین نباشد یا مقدار کمی در آن وجود داشته باشد کیروتینی که در جسم گاو ذخیره شده آهسته آهسته بشیر آن جذب میشود و متدرجاً رنگ شیر هم مائل بسفیدی گشته قیماق آن نازک و نامرئی میگردد هرگاه گاو مذکور تامت مدیدی علفهای کیروتین دار تغذیه نکند البته بعد از چندی شیر آن کاملاً سفید گشته و قیماق و مسکه که از آن بدست آورده شود نیز برنگ سفید خواهند بود.

بازیهای اولیا

اولیا یک وادی است در یونان که در آنجا عبادت که معروف مشتری که رسالارباب اعمالی یونان قدیم بود واقع و از ابتدای سده ۲۷۶ قبل از مسیح تا ۳۹۱ بعد از میلاد پس تا مدت ۱۹۶۰ سال بحال خود باقیانده و بعد از مرور هر چهار سال جشن بزرگی در آنجا انعقاد می یافت و بازیهایی از قبیل مسابقه های دویدن، جیدن، خیز زدن، مشت زدن، کشتی گرفتن، پر زدن، حلقه انداختن، عرابه جنگی دو انداختن و تجربه معمول بوده و اعمالی یونان قدیم درین مسابقه ها شرکت داشتند و علاوه بر آن از طرف حکومت های بلاد یونانی نمایندگانی در آن میدان های مسابقه اشتراک می ورزیدند و برای کنایکه قانع این میدانها می بودند تا حتی از برگه بطور جائزه اعطای می گردید. با وجودیکه از حیث قیمت و ارزش چیزی نبود ولی در آنوقت از گرانها ترین و معظم ترین جوایز عالم بشمار می آمد.

در آغاز سده ۱۸۹۱ بارون پیر دو کیرتن Baron Pierre de ... فرانسوی بحرك و باعث گردید که بازیهای اولی که منووک و منووف گردیده بود بعد از شانزده قرن دوباره در معرض اجرا گذاشته شود. این بود که از سده ۱۸۹۶ دوباره بازیهای اولیک رواج یافته و از هر مملکت بهترین افراد آن بخرس مسابقه در آن بازیه اشتراک می ورزید. بازیهای کنول اولیا قرار ذیل است:

دویدن، جیدن، خیز زدن، سنگه (پکیم)، او، چکش (پکیم)، انداختن، پر زدن، انداختن، حلقه انداختن، مشت زدن، شنا کردن، شمشیر بازی، کشتی بازی، باسکل دوایی، نشان زدن، با تنسک و تنسکجه (پست ایلان) ورزش پنجگانه (پس اشتراک یک نفر در پنج بازی از بازی های مذکور)، (د یک ایلان) ورزش ده گانه، پس اشتراک یک نفر در ده بازی مذکور و نسبت جوگان، بازی تنیس، فتن بال، هاکی، مکر اس، جناسیک، بازیهای زمستانی از قبیل مسابقه یخبالک (اندازه ۱۰۰۰ متر ۵۰۰ متر ۱۰۰۰ متر در روی یخ مسطح و بدرجه سکای (آه که بواسطه آن روی برف راه می روند) روی برف مسابقه های ۱۸، ۵۰، ۱۰۰، ۵۰۰، ۱۰۰۰ متر و اسیودن، و خیز زدن بواسطه سکای، و سورجه خوردن.

ایست که بعد از آن سال بازیهای اولیک با تاریخ های ذیل مقامات مختلفه اجرا یافته است.

شهر	مملکت	سده
آتن	یونان	۱۸۹۶ میلادی
پاریس	فرانسه	۱۹۰۰
سنت لوک	جامهیر متعده امریکه	۱۹۰۴
لندن	برطانیه	۱۹۰۸
ساکلیم	سویدن	۱۹۱۲
در سده ۱۶ بواسطه حرب عمومی اجرا یافت		
انتورپ	بلجیه	۱۹۲۰
پاریس	فرانسه	۱۹۲۴
امستردام	هالند	۱۹۲۸
لاس انجلس	جامهیر متعده امریکه	۱۹۳۲
برلین	جرمنی	۱۹۳۶

در آخرین مسابقه اولیک که در سده ۱۹۳۲ بخرس اجرا گذاشته شده ایتالیا بدرجه اول جامهیر متعده امریکه بدرجه دوم، فنلند سوم، مجارستان چهارم، چیان پنجم بوده اند و در سایر بازیه اشخاصیکه حاضر نموده اول در آن سال بوده اند. اساسی شان قرار ذیل است.

نتایج دهمین مسابقه بین المللی اولمپیا

دویدن

مسافه	اسم شخص نمره اول	تابعیت	ثانیه	دقیقه	ملاحظات	ریکارد
۱۰۰ متر	ای تولان	جماهير متحده امريکه	۱۰،۳		ریکارد عالم بشمار ميرود .	
۲۰۰ »	» »	» »	۲۱،۳		» »	
۴۰۰ »	د بلیو کار	» »	۴۶،۲		» »	
۸۰۰ »	تی - همپس	» »	۱ ۴۹،۸		» »	
۱۵۰۰ »	ایل - بیچالی	ایطاليا	۳ ۵۱،۲		ریکارد عالم ۱۵ ثانیه - دقیقه میباشد	
۵۰۰۰ »	ایل - لهتینن	فنلیند	۱۴ ۳۰		» ۱۴ - ۲۸،۲ »	
۱۰۰۰۰ »	جی - کوسو کنسکی	پولیند	۳۰ ۱۱،۴		» ۳۰ - ۶،۲ »	
۳۰۰۰ »	(برزمین ناهموار) وی - ایسو هولو	فنلیند	۱۰ ۳۳		» بشمار ميرود	
۱۱۰ »	(باموانع) هی - سالنگ	جماهير متحده امريکه	۱۴،۶		» ۱۴،۴ ثانیه »	
۴۰۰ »	(» ») آر - نسل	آیرلیند	۵۱،۸		ریکارد عالم است .	
۴۰۰ »	(چاپار چارنفری)	جماهير متحده امريکه	۴۰		» بشمار ميرود .	
۱۶۰۰ »	(» »)	» »	۳ ۸،۲		» » »	

پیاده رفتن

مسافه	اسم شخص نمره اول	تابعیت	ثانیه	دقیقه	ساعت	ملاحظات	ریکارد
۵۰۰۰۰ »	تی گرین	برطانیه	۱۰	۵۰	۴		
۲۶۳ متر - ۴۲ کیلومتر	ماراتون جی زابالا	ارجنتائن	۳۵	۳۱	۲		

خیز زدن

اقسام	اسم شخص نمره اول	تابعیت	مسافه	ملاحظات
بلند	وی مگناتن	کانادا	۱۰۹۷ متر	۲ سوت ۸۰ انج ریکارد عالم -
دراز	ای - ایل - گوردون	جماهير متحده امريکه	۷،۶۴ »	۱ سوت ۲۶ فت » »
سه رقم (هاب سنیب جیب)	سی نمبو	جاپان	۱۵،۷۲ »	ریکارد عالم بشمار ميرود .
به معاونت نیزه	د بلیو ملر	جماهير متحده امريکه	۴،۳۱۵ »	» » »

انداختن (پرتاب کردن)

اقسام	اسم شخص نمره اول	تابعیت	مسافه	ملاحظات
قرص	جی اندراس	جماهير متحده امريکا	۴۹،۴۹ متر	۶ سوت ۸ - انج ۱۶۳ فت ریکارد عالم
جرید	ایم - جاروی ن	فنلیند	۷۲،۷۱ »	۵ سوت ۱۱ - انج ۲۳۲ فت » »
گلوله	ایل - شکستن	جماهير متحده امريکا	۱۶،۰۰۶ »	۴ سوت ۷ - انج ۵۲ فت » »
چکش	پی - رو کالاکان	آیرلیند	۵۲،۲۷ »	۲ سوت ۸ - انج ۱۷۹ فت » »

متفرقه

اسم شخص نمره اول	تابعیت	نمره
«دیل» تولان (یکنفرده بازی) جی باش	جماهير متحده امريکه	۸۴۶۲،۲۳
تیفانالان (یکنفر پنج بازی) جی آکسن ستیرنا	سویدن	۳۲

سالخوردگان

بعضی اوقات در جراید از اشخاص سالخورده بحثی و خبری انتشار مییابد مردم در اطراف این چنین اشخاص سالخورده به تردد دچار گردیده و حیرت میکنند، مثلاً وقتی جراید خبر فوت یک نفر چینی را (لی چنگ یون) که بعمر ۲۵۶ سالگی در ۱۹۳۳ فوت شده نشر کرد کمتر کسی باور نمود.

وجود چنین اشخاص سالخورده موجب حیرت نیست، تورات بسیار یغمبران را یاد میدهد که از صد سال بیشتر زندگانی کرده اند. یکی از سالخورده گان بعد از طوفا حضرت ابراهیم است صلوة الله علی نبینا وعلیه السلام. و حضرت اسحق و یعقوب و موسی علیهم السلام. حضرت ابراهیم ۲۷۵ سال و حضرت اسحق ۱۸۰ سال و حضرت یعقوب ۱۴۷ سال و حضرت موسی ۱۲۰ سال عمر نموده اند.

در وقت حاضر نیز بسی اشخاص موجودند که عمر زیادی دارند، زارو آغای ترك ۱۶۰ سال عمر دارد و تاحال ۹ زن گرفته و در صد و دو زوجة دهمین است، از خودش ۷۵ سال خورد تراست افتاده شاید این زن را نیز کهنه نماید. هکذا در افغانستان اشخاص موجودند که در حدود ۲۰۰ و ۱۸۰ سال عمر نموده و اکنون در قید حیات میباشند. و اشخاص دیگری که از ۱۸۰ سال کمتر و منجا و زاز یکصد سال عمر دارند در نقاط افغانستان بکثرت وجود دارند که در ذیل اسامی چندی از ایشان ذکر میشود:

۲۰۰ ساله؟

مره گی قوم کاکری ساکن ملاجانا تا اکنون نکاح نکرده است سنش در حدود ۲۰۰ سال و از وقت اعلیحضرت احمد شاه و تیمور شاه و غیره حکایه می کند. هر شخص ریش سفید که عمرش صد ساله شده باشد نامبرده را بریش سیاه ندیده است - دندانهای او بعضی که افتیده بود نو پیدا شده.

۱۸۰ ساله

در سمت جنوبی در علاقه ارگون موضع میدانک حاجی گل ولد احمد شاه ولد سکندر قوم دولت زائی بعمر ۱۸۰ سالگی در قید حیات است، این شخص هنوز بکی از کار نمانده، حرکت کرده میتواند دید چشمش ضعیف گردیده، در عمر خود یک زن گرفته و از آن ۹ اولاد تولد شده که ۴ نفر آن حیات دارند و صاحب نواسه میباشد. از قراریکه بیان میکند در بطن مادر از موعد معینه قدری بیشتر مانده و هنگامیکه تولد یافته است موهای سرش آنقدر طویل بوده است که تا پاهایش میرسید. این شخص حیات متروپانه و کناره گیری را دوست دارد.

۱۷۰ ساله

بهادر نام، در نازیات شنواری سمت مشرق که سنش بالغ بر یکصد و هفتاد سال گردیده حیات دارد. این شخص واقعات گذشته را بوضاحت حکایت می کند.

❦❦❦

رمضان نام ساکن کتوت هزاره که سنین عمرش به یکصد و هفتاد سال رسیده، ولی اکنون نسبت به ضعف بدن از جا حرکت کرده نمی تواند.

۱۶۰ ساله

در قریه ده نابی که فاصله ۳ میلی کوهات است باز کلخان نام که رئیس آن قریه میباشد بعمر ۱۶۰ سالگی رسیده است، این شخص اققات و از قوم خنک است شغل او زمینداری است دویسر یکی بعمر ۹۹

و دیگری بصر صد ساله دارد .

قوای باز گل خان و دید چشم او هنوز خوب است .

۱۵۰ ساله

در سمت مشرق افغانستان در (کتر خاص) شخصیکه سنین عمرش به ۱۵۰ سال رسیده است در قید حیات میباشد . اسم این شخص یار محمد خان است . مشاهدات خود را خوب یاد دارد .

⑤⑤⑤

ملا مجید خان در شنواری سمت شرق که یکی از علمای جید و در علوم حدیث و تفسیر عالم است بسن ۱۵۰ سال رسیده است .

۱۴۵ ساله

میر جان نام بصر فیروز قوم سنکو خیل ساکن نازیان شنواری علاقه سمت مشرق که گنگ ولال است بسن ۱۴۵ سال رسیده است و اشخاص سن نیز کبر سن او را تصدیق نموده اند .

۱۲۰ ساله

در موضع بشد سمت مشرق امر سنک هندو که عمرش به ۱۲۰ سال بالغ گردیده است وجود دارد ، دندانهای محکم و ریشش هنوز بکلی سفید نشده ، و قوامش زایل نگردیده از یک قریه بدیگر قریه تردد می نماید .

⑤⑤⑤

محمد عباس نام اقنان ساکن سرده اشتر شهر غور بند سنین عمرش به ۱۲۰ سال بالغ گردیده است . محمد عباس درین مدت عمر خود چهار بار تاهل نموده که سه ازان فوت گردیده و عیال آخرین او حیات دارد . این اقنان سن صاحب ۳۰ اولاد بوده ده نفر آن فوت شده و ۲۰ نفر حیات دارد که ۱۴ نفر ذکور و ۶ نفر اناث اند . اولاد مذکور نیز صاحب اولاد میباشد که فعلاً تعداد شان خیلی زیاد است . محمد عباس تا پنج کیلو متر مسافه را حاضر آ نیز یاده طی نموده میتواند ، بیشه اش دهقانی بوده است .

⑤ ⑤ ⑤

حاجی شاه ولی مقارن به اوائل ماه ذی حجه الحرام سنه ۱۳۵۲ هجری قمری ، مرحله سال یکصد و بیستین حیات را طی می کند ، حواسش مانند اشخاص جوان سالم ، و هیچگونه آثار ضعف قلبی و دماغی در وجودش سراغ نمیشود کلمات را بترتیب مناسب ادا کرده سوالات را به بهترین صورت ادراک و بطور معقول جواب می دهد . مشارالیه تا سن پانزده سالگی عمر خود را تحت تربیه والدین خود گذرانده و بعد ازان الی زمانیکه سنین عمرش به سی می رسد پانزده سال بیک استقامت مصروف شبانی بوده و در طی زحمات بدنی یک مرمایه اندوخته در سال سیم حیات ازدواج کرده و بهمین ترتیب با پنج نفر عیال شرعی وصلت کرده است . از آنجمله چهار نفر عیالش فوت شده و یک زوجه اش تا کنون حیات و هر دو بکمال مسرت عمر بسر می برند .

این شخص والد (۲۹) نفر اولاد است که از آنجمله بیست و دو نفر ذکور و هفت نفر اناث می باشند تعداد نواسه و بنیره اش به پنجاه و چهار نفر می رسد که سی و هشت نفر آن ها متعلق به اولادهای ذکور و ۱۶ نفر مربوط دختران او هستند ، دو سال قبل یعنی در ۱۳۱۰ هجری شمسی یک نفر پسر و یک نفر دختر او بسن طفولیت بمرض چیچک وفات کرده اند . مع ذلک فعلاً خانمش حامله و عنقریب وضع حمل می نماید .

از همه بیشتر چیزیکه انسانرا بدانستن سوانح این شخص معمر مائل می سازد این است که این شخص در طول مدت یکصد و بیست سال حیات خود یک ساعت هم مریض نشده و با کمال مسعودیت در سایه صحت جسم و ثروت و استعدادیکه دارد امرار حیات می نماید قوای جسمی را به اندازه خوب مالک است ، مانند اشخاص جوان و خوش هاضمه هر قسم غذا تناول کرده و بقدر کافی از لذایذ خواب تمتع جسته هر روز بدون اضعاء یکپزار قدم

بعضی از معمرین افغانستان

Quelques Cas Rares de Longevité en Afghanistan.



حاجی شاه ولی پنجشیری ۱۲۰ ساله
120 ans



حاجی گل قوم دولت زائی ۱۸۰ ساله
180 ans



مره کی قوم کا کری در حدود ۲۰۰ ساله
Environ 200 ans



محمد غلام خان پنجشیری ۱۱۱ ساله
111 ans



محمد علم خان پنجشیری ۱۱۹ ساله
119 ans

راه می رود در فصول زراعت بآبیاری اراضی خود رغبتاً پرداخته هکذا بسواری اسب از علی آباد الی خان آباد آمده و این فاصله را که تقریباً ده گروه میشود پیموده باز واپس بخانه خود میرود، خلاصه این شخص بکمال تندرستی و قوای ذهنی و بدنی در قریه علی آباد مسکون و بمعیت فامیل و منسوبین خود که یک قریه مختصری از وجود شان تشکیل شده بکمال بی غمی اوقات خود را میگذرانند.



مراد بای ولد سنگی ساکن بازار خوست اندراب مربوط ولایت قطغن عمرش (۱۲۰) سال است قوی اوسالم و به خوشی امرار حیات مینماید.

۱۱۵ ساله

بابه نام ساکن (خانقاه) چال مربوط حکومت اشکمش قطغن، سنین عمرش در حدود ۱۱۵ اولاد ذکور و اناث او بالغ بر ۱۲ نفر و نواسه و نبیره اش تا ۶۰ نفر میباشد، و فعلاً هم تندرست است.



مسلمات ریزه ماه بنت قربان بیگ قوم هزاره قاضی خیل ساکن چهارباغ خوست مربوط حکومت اندراب عمرش به ۱۱۵ سال می رسد این زن سال خورده از ۱۲ پسر و یک دختر خود که زنده اند (۵) نفر ذکور و اناث و نواسه و نبیره حیات دارد و ۳۰ نفر مزید بران مرده اند که مشارالیه والده ۹۳ نفر انسانها شده و فعلاً حیات می باشد.



بای مراد ولد خال مراد قومش هزاره قاضی خیل سکونتش در چهارباغ خوست سنش در حدود (۱۱۵) و فعلاً دارای ۷ نفر اولاد ذکور و اناث و ۴۰ نفر نواسه ذکور و اناث میباشد.

۱۱۳ ساله

ارباب حسن ولد حیات خان قومش هزاره فاطول مربوط ولایت قطغن سنش در حدود ۱۱۳ میباشد اولاده مذکور و اناث این شخص معمر بالغ بر ۳۱ نفر می شود که فعلاً همه شان در قید حیات زیست مینمایند.

۱۱۲ ساله

ملاخدا بخش پنجشیری سکونت گزین خوست اندراب عمرش ۱۱۲ ساله مشارالیه ۳ نفر دختر و ۴ نفر پسر ۱۵ نفر نواسه و نبیره دارد. که عموماً در عرصه حیات وجود داشته وقت بسر می برند.

۱۱۱ ساله

احمد خان بای ولد محمد رضا قوم تاجک سکونت پذیر علاقه داری خوست قطغن سنش بالغ (۱۱۱) ۶ نفر پسر و ۵ نفر دختر و ۲۲ نفر نواسه ذکور و اناث دارد.



محمد غلام ولد محمد جعفر ساکن قریه کورابه پنجشیر که سنین عمرش به یکصد و یازده سال رسیده است، و قوای جسمی او نهایت درست و کارزراعتی خود را بخوبی اجرا میتواند، در فکر او چیزی نقص عاید نشده، و در هنگام تابستان بوقت وفور آب از دریای پنجشیر بآسانی عبور می نماید. صحتش خیلی خوب است.

۱۱۰ ساله

سید غلام نبی ساکن چهار دره غوربند که حاضرأ یکصد و ده سال عمر دارد. صاحب ۲۱ اولاد بوده و از انجمله پسر آخرین او در سال ۱۳۱۲ تولد یافته است. چهارده نفر از جمله اولادش مرحوم شده باقی در قید حیات اند.

سالخوردگان

ریش سید غلام هنوز بکلی سفید نشده. تا ۷ کیلومتر راه را پیاده پیموده میتواند چشمهایش قدری کمین شده اما بواسطه عینک میتواند کتب را مطالعه نماید. شغلش دهقانی بود.



زبیده ماه بنت نفس محمد قوم هزاره شادی خال سکونتش در بهارک خوست سنین عمرش در حدود ۱۱۰ سال از ۶ پسر و ۲ دختر نواسه و نبیره پسری و دختری ذکور و اناث (۴۰) نفر نواسه و ۳۰ نفر نبیره زنده دارد.

۱۰۷ ساله

محمد صاحبزاده ولد جناب مراد علی صاحبزاده مرحوم که سنین عمرش به (۱۰۷) سال رسیده پنج پسر دارد که پسر بزرگ او ریش ماش و برنج گردیده.

صاحبزاده مذکور شخص عالم و فاضل بوده چندین کتاب در علم تصوف تالیف کرده و حالا هم کتاب و حاشیه های باریک کتاب ها را بدون عینک مطالعه و مکاتبه کرده میتواند، و از زمان سلطنت امیر دوست محمدخان مرحوم و وزیر محمد اکبر خان حکایات مینماید.

۱۰۵ ساله

حاجی میرجان قوم صافی ساکن الاصل لغمان حال باشنده خان آباد سکونت گزین قریه کشم قندوز که سن آن در حدود (۱۰۵) سال است فی الحال وجودش سالم و قوه روحی و بدنی آن خوب است اولاد این شخص تا ۱۲۰ نفر تخمین شده که فی الحال اکثری از اولادهای او شامل خدمات رسمی بوده اما خود حاجی موصوف به شناختن اکثر اولادهای ذکور و اناث خود موفق نمی شود. و علاوه بر همین روزها بخانه اش یک دختر تولد شده.



قربان علی ولد محمد رضا قوم تاجک ساکن ایچانی خوست مربوط اندراب سنین عمرش در حدود (۱۰۵) دارای ۵ نفر پسر و ۶ نفر دختر و از پسران و دختران مذکور خود ۳۰ نفر نواسه و نبیره ذکور و اناث زنده و حیات دارد.

۱۰۳ ساله

تاش محمد ولد دولت ساکن اندراب عمرش در مرحله ۱۰۳ و از ۸ نفر پسر و دختر تا ۶۱ نفر نواسه و نبیره دارد.

۱۰۰ ساله

سید قدم بای ولد نیاز محمد قوم تاجک سکونتش در قریه خوست اندراب عمرش ۱۰۰ سال و از ۱۰ نفر پسر و ۶ دختر (۵۸) نفر نواسه ذکور و اناث و ۵ نفر نبیره دارد که جمع اولاد او (۷۹) نفر می شود فعلاً تمام آنها حیاتند. شخصاً توانا و هنوز ۳ نفر عیال زنده و حیات تحت نکاح دارد.



جلال الدین ولد هاروت ساکن کلی خیل وردک که سنین عمرش بصد سال رسیده، و هنوز بقوت بوده بایک جوان متوسط مقابله و زور آزمائی کرده می تواند، کاملاً صحت و تندرست می باشد.



عبد القدوس ساکن بره کی راجات لوگر که سن مذکور بصد سال رسیده، فعلاً صحتش کاملاً خوب و حیات دارد.



پښتو

ع، امين الله خان نمرلای، "عضو القوملای"

پښتونوم د ژبې : له تکی تخه د نظر دهغه ملت چپدے ژبه ویونکی دی
پښتو ژبه د پښتنوده اودا ملت خان پښتون یا پصورت د جمع پښتانه او
خپله ژبه پښتو یا په لجه د مشرق او شمال مشرق د خلقو پختو بولی او په لجه د
اهالی د مشرق او شمال مشرق پښتانه چه نوم د دے قوم دی پختانه تلفظ کیزی اودا کلمه
د پختانه هغه ملت بنی چه دوه نیم زره کاله پخواه هرود و تس په نامه د پاکتویس
یاد کری دی او په مرکویدا "کنن په نامه د پکته راغلی دی، یعنی پښتانه یا پختانه
اوپښتو یا پختو په هغه پخوانی زمانه کن مرادف له نامه تخه د پاکتیا او پکته دی،
بیلواو بار تولداو نور محققین عینا په دا عقیده تصدیق او ملگرتیا کوی .

نوپدے مفهوم سره دا غیور قوم له پخوانی زمانے نه د آریان، اوسیدونکی د دے مخکی
دی نه په اسرائیلی مهاجرینو او نه نور مختلفو تکرانواړه او ارتباط لری اودا ژبه ئی خپله اصلی او پخوانی
ژبه ده .

مبلا د ژبې : له دیرے مدے تخه پدے اعتراف سوی دی چه د امدکورسوی ژبه
آریان د ژبو تخه یوه ژبه ده اما خمدمة کیبری چه پدے باب کنن چه آیا د ژبه د "ایرانی آریه"
توک ده یاد "هندی آریه" بناخ ده بحث او جگره ده نو نظریات د جینو محققینو پدے باب

محترمين: كه درسال سوم مجله كابل كلك قلمى فرموده اند



جناب صفرعلى خان (امير)



جناب مير محمد صديق خان متعلم مكتب
هالي استقلال



جناب نجيب الله خان متعلم مكتب عالي
استقلال



جناب جلال الدين خان طرزي



جناب عبد الغفور خان عضو مطبعه عمومى



غ، خير محمد خان تولى مشر پيلوت



جناب عبدالعظيم خان « عظيمى »

Les Collaborateurs de la « Revue de Kaboul » (3ème année de Publication).



محل ادارة مجله و سالنامه كابل
Siège du Bureau de la "Revue de Kaboul" et de l'"Almanach de la Revue
de Kaboul"

کښ په لاندې صورت سرلیکل کېږي: محققین او علما، ایرانی یا آیریانی ژبې په وولو پوږ خویشلی او توضیح کوی ئی: غربی او شرقی لوئی او عده نمونه دمغربی ژبو، نو په پارسی بولی چې بالواسطه دزې په پارسی شخه د هڅا منشیانو اختله سوډه، زېر نمونه دمشقی ټوک، هغه معروف ژبه د ژند^(۱) گڼی او وائی چلده ټوک شخه له بین دنور ژبو، دغلجې ژبې چاوس په پامیرات کښ خبرې باندی کېږی پیداسوی دی او دبلو خوربه هم پدې دسته اړه لری او پښتو هم له هغه ټوک شخه راوتلی ده.

نظریات د محققینو: پروفیسر مولر^(۲) په خپل اثر کښ (راجع و ژبې ته د پښتو) اول واخپله نظریه ظاهره کړی چې پښتو په دسته دمشقی اړه لری ۱۸۶۲ع، داکتر "ترومپ" په خپل پښتو کرام کښ چې په ۱۸۷۳ع کې لیکلی سوی دی په قوی لیلوسه ئی د اخیله علی نظریه ښکاره کړی ده چې د پښتو ژبه هیڅکله له رویه د صحت په ایرانی اړه لری بلکه د هندو آیین د کورنی یو ټوک ده او زیات نېر دیوالی د سندی ژبې سر لری او مذکور داکتر علاوه پر پورته بیان وائی چې د ژبه د هندو آیین د کورنی یو صحیح ټوک نه بلکه یوه قدیمی و مستقلة ژبه ده چې اولین ذریعه د نقل و انتقال ئی د هندو آیین د کورنی نه د ایرانین و کورنی ته تشکیل کړی، اولدې هغه خصائص او نشانی د دواړو ژبو لری او غوره میزات د پراگرت^(۳) یعنی هندي د کورنی نشانې زیاتی پکښ کدی، دا علی نظریه د پروفیسر فون سپیکل له خواه شخه په اثر کښ ئی موسو په (مدیت د ایران) هم قبوله سو او داکتر "هارنل" له خواه هم پراگرت ئی موسو په (گودین لینکوچ)^(۴) دا نظریه منلی سوی ده او هرڅو (مسعود مرستتر) هم په خپل اثر کښ موسو په (راپورت د هلئت فیلو لوی پي هندوستان کښ) چې په ۱۸۱۷ع کښ چاپ سوی دی دا نظریه ئی منلی ده اما پس له درو کلونو په خپل بل اثر کښ چې موسو په (راجع و ملی نشید و ته د افغان)^(۵) دی له خپله اولی نظریې نه گزیدلی او په دانوی کتاب کښ ئی دا نظریه ظاهره کړی چې پښتو حتماً په دسته دمشقی، د ایرانین په کورنی اړه لری وله "ژند" شخه یوه محلی ژبه شخه چې ژند ته نېر دی یا متحد وی مشتق سوی ده په واقع کښ دا ژبه یعنی پښتو د ژند د ژبې سر داسه نسبت لری

(۱) (Zend) (۲) Über die Sprache der Afghanen (۳) Erânische Alterthumskunde (۴) Gandian Languages (۵) Rapport sur une Mission philologique dans L'Hindoustan.

(۶) Chants populaires des Afghans.

لکه چه نوی فاسی قدیم د فاسی سر (چه په کینو کس په مینې خطود هماغه منشا فوضط سو) اړه لري. پس د مذکور سوه
ژبه په واضح صورت سر د هند شمال مغرب څخه راوتلی او نشأت یی کړی دی هر څو چه پخپل ذات کین یوه ژبه د ایرانین ده .

د اوه لنډ نظریات د بعضو محققینو چه په باب اشتقاق د پښتو د ژبې ولیکل سول مکر نه لیکونکی د دی مقالې
تر هغه اندازې چه په لغات او ادبیات پښتو کس می تحقیق کړی او هم دا ژبه څما مورنی ژبه ده په هغه آخر نظریه د داکتر
« ترومپ » چه وائی (دا ژبه د هندو آیرین د کورنی یو صحیحه ټوک ند بلکه یوه قدیمی او مستقله ژبه ده چه اولنیزه
د نقل و انتقال یی د هندو آیرین د کورنی نه د ایرانین و کورنی ته تشکیل کړی) ملګرتیا او تصدیق کوم او څا پر مدعا
قدا مت د دے خاورے او هغه هجر ټون چه د د خاورے څخه سوی دی شاهد و گواه دی، سر لدے چه تر هوسه پدک و لا
کښ چه مهند آسایش او مدنیت د آیرادی و نه حفیرات ند سوی چه د خرابون د هغه آثار او شواهد چه قدا مت د دے
خاورے پور وښی را ووزی مګر بیا هم تر هغه خایه د حفیرات علما و مخصوصا علی هیئتونه د فرانسه په هغه انداز چه
د « بلخ » پد خرابو کښ (چه زانګود آیران باید ورته وویل سی) تدقیقات کړی او خپله نظریه یی ظاهره کړی ده معلوم
چه د انجکله د پیر قدیم وخته مهند شړوندون د انسانانو وه چه کله او د آثور تمدن پزانګود علم کی لایده وه
او یقین دی که اصولی حفیرات په د خاورو کښ اجرا سی د پرمهله آثار او شواهد به نور هم لاسته را سی چه تمدن د
آیرانی قوم اصلی اوسیدونکی د دے خاورے په نسبت د کله او آثور د پرمخو اوه ثابت کی .

نوپه پیروی سر د تاریخ د علما و ویلی سو چه مرکز د شړوندون او اول مهند پوړی د آیرانی قوم څمور د غیر مملکت
شمالی خواه وه او په مختلفو زمانو کښ لوی لوی ټکران لدے خاورے څخه په نسبت د زیات الی د نفوس او یا نور حوادث چه
مروړ سر د انسان په شړوندون کښ طبعاً حادث کیږی و هجرت ته مجبور سول او په پراخو جګو او دښتو د هند او فارس
او غربي مالک کښ یی جای و نیوه او یو قسمت هم پدے خپلو خاورو او تاریخي مځکه کښ استوګنه اختیار کړی .

نوپدے صورت چه اصلی جای د غه مځکه او مهاجرت هم لدے خایه و هند ته سوی وی او هم دوه نیم زره
کاله پخواه د دے ژبه ذکر سوی وی څه زنگه کیږی چه پښتوله بڼا څه د غربي (فارسی) یا له بڼا څه د شرقی (شړند)

مشتق اوختلی سوی وی؟ بلکه دیرینا خونه دے ژبه شخه باید وتلی و بولو.

افغان :- په وجه تسمیې کین د افغان د کله رانر رز ریاات موجود دی، بعضه سم له ضرب المثلو او متلاوله رایتوسه د اکلمه «افغانا» شخه مشتق بولی لکه چروائی افغانا نمسی (طالوت) پادشاه د الییری او افغانان هم نسل دهغه پادشاه دی او بعضه وائی چه معنی د کله شور و غوغا دهغه وخت چه د ویدین اسلام^{مشتق} سول شیطانان په ژرا او چیغون سکوسول، او بعضه بل تعبیر و ته تراشی چه هغه اضطراب او اغتشاش چه دائمی او لاینقطع په مینج ددوی کین په علت د جنکو او بدیو موجود دی او مخکته ئی په شور او غوغا یولی ده ددوی نوم «افغان» سه. اوقس علمه د لده رنکه ریاات او علل زیات له پاره دوجه د تسمیې ددی کلمه موجود دی او خلق و ورته جوهر کړی دی مع هذا یو صحیح هیئت او مصدر وودی کلمی ته نسی پیدا کیدی، اگر چه اسم د افغان دیر پخواه استعمال سوی دی مگر کمان چه یقین ته نیر ددی ادی چه د نوم په تولو پښتون دی اطلاق سوی، نو د افغان لکه سوری، غوری، لکی خلی او نور په اول کین یوازې قبیله وی نوموه، پس ته ادبی نوم وگرزید لکه چه آغا د فتوحات د عرب کین په جمله دنور و نومود افغانستان د طوائفو، په غور کین لکه سوری او غوری کا هی هم د بعضو قبیلو نوم په بنی افغان یا د سوی او د اسلام په تاریخو کین ئی ذکر سوی او «راها میهیل» هندی منجم هم په شپږم قرن د میلادی کین ئی په نامه د اوکانیا او آکانه نوم وری دی او په شپږم قرن د هجری نوم د افغان په هغو طوائفو د پستانه اطلاق سوی چه د سلیمان په غر و کین ئی استوگنه لروده او البرونی اول و د بعضو قبیلو چه د سند وادی ته نیورده وه په نامه د افغان یاد کړی او د بریتانیا اسلامی انسکلوپدیا لیکي چه ریور تی ساکین د جنوب «کری» او شرق د غرنی په نامه د افغان یاد کړی، او فردوسی په (۱۱) قرن کین د افغان د طائفه نوم وری او ابن بطوطه هم په (۱۲) قرن کین د افغان د نامه ذکر کړی.

د پنجم قرن شخه د هجری و دی خواه ته ورو ورو نوم د افغان د پستانه د لویو طوائفو په ردیف کین داخل او پس له خه مدی په خارج کین نوم د افغان، نه دا چه ادبی نوم وگرزید بلکه نوی راتلونکی او مهاجرین

د پښتانه د طوائفو هم له هر قبیلې او عشیرې چر وده بلا استثنا په نامه د افغان یا د سول اولوئی طائفې د پښتانه
چې پخواه د کورنی (فامیلی)، او د قبیلې په نامه مشهوره او په هندوستان او نور وچایو کې نئی استوګنه کوله لدې
نومې نامه شخه خلاص سول، نو اکثر موخین اولرې خلقتو په معرفت او پیاوړتیا والی د لویو طائفو شمېره
په پښه سوه او د دې نومې نامه افغان تر عنوان لاندې نئی قول پښتانه قول نکړل، لکه چې سلاطین د
غلامانو (خامې کښیستونکی د قطب الدین)، التمشیه، بلبنیه، خضرخانیه، خلجیه (غلی)، او تغلقشاهیه
په هندوستان کې د پښتنو شخه بیل او سوابولی، یوازې لږ او محدود له موخین او محققینو د اروپا او آسیا
پدې حقیقت رسیدلی لکه مستر ملسن، مستر براون، مستر ولیم بیل، مستر سارمن، خاوندان د
المتاخرین او حیات افغانی او خوشید جهان او نور لکه چې برون مورخ د تاریخ د ایران د سلسلې، سلاطین
د غور، د فیروزه کوه له پښتنو شخه بولی او ملسن قطب الدین اول فاتح د دهلوی یو نامدار پښتون ګڼی او مستر
مارس دن په خپل کلاسیکی تاریخ کې سلسله د غلامانو، التمشیه، بلبنیه، خضرخانیه، خلجیه (غلی)،
تغلقشاهیه په هندوستان کې واضحاً له سلسلې شخه د پښتون نئی شماری، او تاس ولیم بیل (صاحب
د مفتاح)، د تغلقشاهیه د پادشاهانو نسب هم د غور د پښتنو شخه بولی.

علی ای حال پس له (۱۶) قرن شخه د مسیحی نوم افغان عمومیت پیدا کی او پس له هغوچه (د رانیو کو
او جیم سلطنت افغانستان تشکیل کی، کله د افغان د قول اها لی د افغانستان ملی نوم سره او نوم
د مملکت هم افغانستان کښیښود سره.

وجه د تسمیې د افغان او ماهیت د دې کلې په نزد د محققینو لا تر هوسه مجهول او نا معلوم دی او
داچه له روایا تو شخه هغه په "افغانا" او بنی اسرائیل نسبت کوی او یا د املت له فریر یو شخه د "بخت نصر"
وغیره شماری محض غلط او غلط محض دی ځکه چې دا ثوری او کلدانی سامی سلطنتو حدود چې په
(۵۳۸ ق م کې د کوروش له لاسه خاتمه پیدا کړه)، په عین د ترقی او کمال کې د زاکروس و غرقه

رسیدلی وه، له جته ددے چر په مشرق کښ قوی کوچی (چادر نشین) د آریائی واقع وه او آثوری اوکلانی په مغرب کښ مدام مصر سره چر یو لوی قوی دولت وه جنکیدل دمشق وخواه ته متوجه کیدای نسوی او نفی دیهود یا نوچه په عهد کښ د دوم سارگون ۱۲۱۰ ق م وه او په عصر د بخت نصر کبیر یا د شاه د کلان کښ ۵۱۲ ق م واقع سو ه علی الترتیب په علاقه د میدیا او د بابل په شهر کښ وه د میدیا دیهود یا نو فرایان په نبرد د اوهمسایه ملتو کښ ټول منحل سول او د بابل یهودیان پس له دوو نسلو په زمانه کښ د کوروش کبیر موسس د هخامنشی سلطنت، بیرته خپل وطن ته (فلسطین) ولاړل او خپل خراب سوی مسکن او معابد ئی جوړ کړل او بعضه له قبائلو شخه دیهود یا نو په مصر او مدینه منوره کښ جای د استوگنی اختیار کړی.

پښان یا پښان یا پښان :-

د پښان وجه تسمیه هم نامعلوم ده او د پیر بی اساسه روایات او موضوعی قصه پدک باب کښ کیری بعضه ضعیف اشتقاق او موهومی اخرج ددک کلمه پدک موضوعی قصه باند برابر وی چر حضرت سرور کائنات صلی الله علیه وآله وسلم قیس نامی په نامه د پښان یاد کړی او نوم ئی عبدالرشید ابنی دی او معنی د پښان په بادبان د کښتۍ کوی او بعضه ئی لاندنی برخه د جهانروائی او بعضه د اروایت کوی چر پښتون په اول وار کښ چر د اخلد هندوستان سه په پتنه کښ ئی جای وینوی پدک سبب په نامه د پښان مسمی سه و علم هذا .
اول الذکر روایت تماماً جعلی او بی اساس لیده کیږی "خکه چر هغه زمانه د عربی وه او په عربی کښ (پ) نسته او که هغه (ب) فرض کوهم یقین دی چر د ا معنی مفهوم ددے کلمه کیدای نشی بلکه پښان یا پښان به د عرب په لغاتو کښ موجود نوی، او هم دا خبره نه په حدیث شریف اونه په نور دینی او مبدی روایاتو کښ چاته په نظر ورغلی .

(۱) پدک بحث ندی چر قیس په حضور د حضرت رسول الله مبارک تلی یا تلی ندی بلکه یقین کیږی چر تلی دی، خکه چر په مور پښتو دین اسلام خور گران دی او د اسلام د خړگندولو پیشو هم دغه پښتو وه مقصد د شبهی په نامه د پښان کښ دی

دوم روایت کہ خدہم تریوے اندازے داد و رکونکی دی مکر تحقیقات و تدقیقات چہ پکس
سوی دی دانوم محرف د پختانہ یا پستانہ شخہ دی جکہ چہ ہندیا نو د پستانہ یا د پختانہ کلمہ محرف
کری او پخیل تلفظ اولہجہ فی موزون او برابرہ کہے دہ او پخیل ملکت کبس نے رواج و رکری دی
اودانوم د پٹان یا پٹان ہم لہ (۱۶) قرن شخہ پدے خواہ د ہند محریف و او موخرینو استعمال
کری دی چہ ترہوسہ پستون تہ پٹان وائی .

تلفظ اولہجہ :-

ہغہ قول ملت چہ د پستویہ شربہ خبرے کوی من حیث العموم ہغہ یوہ د پستو شربہ دہ،
مکر پلہجہ و تلفظ کبس د بعضو دیر لہر اختلاف دی چہ موہ ہغہ پد و بر خو ویشو او پستو
نربان او پختون زبان تعبیر و مرتہ کوو، مغرب او شمال مغرب پختون زبان او مشرق او شمال مشرق
پختون زبان ویل کیروی، پختون زبان پہ تلفظ کبس حرف د "ش" ش او حرف د "ن" ن وائی او
پختون زبان حرف د "ش" پہ خ او حرف د "ن" پہ ک تلفظ کوی، او جای د استوگنی
د تلو پستو فرشتہ پہ (رہ) یادوی او ہغہ دروہ علاقہ عبارت دہ چہ شمالاً جنوباً
لہ صوات او باجوہ شخہ ترسوی او بکرا و شرقاً او غرباً لہ حسن ابدال شخہ ترکا بل چہ
قندہا رہم پکس کی دی شامل دی .

لیکونکی امین اللہ "نہر لای"

نرہ د جناب فاضل مولوی جمال الدین خان اود جناب عبدالباقی خان سرکاتب د انجمن شخہ دیر تشکر کوہ
چہ جناب مولوی صاحب بعضی مآخذ راہنود لیدی او سرکاتب صاحب پہ ترجمہ د بعضی مآخذ و کمک راہرہ کری دی .

سالنمای ۱۳۱۳ هجری شمسی

تعداد ایام برج		اسمای برج	ایام هفتگی که از روز اول هر برج شروع شده						
۳۱ روزه	حمل	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	
۳۱ روزه	ثور	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	
۳۱ روزه	جوزا	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	
۳۲ روزه	سرطان	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	
۳۱ روزه	اسد	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	
۳۱ روزه	سنبله	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	
۳۱ روزه	میزان	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	
۳۰ روزه	عقرب	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	
۲۹ روزه	قوس	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	
۲۹ روزه	جدی	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	
۳۰ روزه	دلو	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	
۳۰ روزه	حوت	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	
		۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲							
		بسبب عید اضحی رخصتی چهار روز بسبب دهم محرم الحرام رخصتی یک روز بسبب مولود سعادت امیر ۱۲ بیج الاول رخصتی یک روز بسبب جشن استقلال رخصتی شش روز در برج اسد بسبب افتتاح شورای ملی در سنبله رخصتی یک روز ولادت با سعادت علی حضرت محمد ظاهر شاه ۱۲ میزان ۱۲۹۳ بسبب جشن نجات ۲۳ میزان رخصتی یک روز ۱۳۱۲ جلوس نینت مانوس علی حضرت محمد ظاهر شاه ۱۶ عقرب بسبب اول رمضان المبارک رخصتی یک روز بسبب عید فطر رخصتی سه روز بسبب عید اضحی رخصتی چهار روز							
		محمد داود کهنی							

هیئت انجمن ادبی کابل

Le Directeur et les Membres Actifs du Cercle Littéraire de Kaboul



عاليقدر حفيظ الله خان «مهمه سالنه»

عاليقدر صداقتآب شهزاده احمد علي خان دراني
« مدير انجمن ادبي »



عاليقدر غلام جيلاني خان اعظمي
« معاون انجمن ادبي »



عاليقدر سرور خان گویا « عضو انجمن ادبي »



عاليقدر امين الله خان زمر لای
«عضو انجمن ادبی»



عاليقدر محمد کریم خان نژیی
«عضو انجمن ادبی»



عاليقدر فاضل قاری عبدالله خان، شاعر شهیر
«عضو انجمن ادبی»



عاليقدر محمد سرور خان صبا
«عضو انجمن ادبی»



عاليقدر غلام جیلانی خان جلی
«عضو انجمن ادبی»



عاليقدر سید قاسم خان رشتیا
«عضو انجمن ادبی»

هیئت تحریر دفتر انجمن ادبی کابل

Le Bureau du Cercle Littéraire de Kaboul.

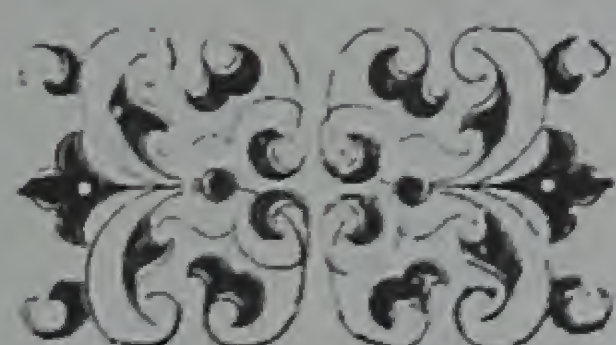


فهرست مضامین سالنامه کابل

سال ۱۳۱۲

مضمون	صفحه	مضمون	صفحه
مقدمه		تشکیلات ولایات و حکومتی های اعلی و حکومتی های کلان ۱۱۶	
مختصر سوانح ذات همایونی		ولایت کابل	۱
تعهد نامه اعلیحضرت محمد ظاهر شاه		قندهار	۱۱۷
مجلس شورای ملی		هرات	۱۱۸
بیعتنامه و کلای دارالشورای ملی بحضور		مزار شریف	۱۱۹
اعلیحضرت همایونی		قطغن و بدخشان	۱۲۰
فرمان یادشاهی راجع به برقراری		حکومتی اعلای مشرق	۱۲۱
ج، ع، ج والا حضرت صدراعظم صاحب	۶	جنوبی	۱۲۲
معرفی کابینه دولت بحضور اعلیحضرت همایونی	۷	میمنه	۱۲۳
خط مشی حکومت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه	۸	فراه و چخانسور	۱۲۴
تعزیت و تهنیت کوردیلو ماتیک بحضور اعلیحضرت		حکومت کلان شمالی	۱۲۵
همایونی و نطق جوابیه اعلیحضرت	۱۱	غزنی	۱۲۶
واقعه شهادت اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی	۱۲	دایزنگی	۱۲۶
تراد افغانیان	۱۷	لوگر	۱۲۶
جغرافیای طبیعی افغانستان	۳۱	گرشک	۱۲۶
معادن افغانستان	۶۱	نلات	۱۲۶
مختصر حالات جغرافیائی و طبقات الارضی حدود		ارزگان	۱۲۶
سلسله هندوکش	۷۶	شبرغان	۱۲۶
تشکیلات مملکتی	۸۴	بدخشان	۱۲۶
صدارت عظمی		استمار و کنرها	۱۲۶
وزارت حریبه	۸۶	تشکیلات دوایر ملی	۱۲۸
وزارت خارجه	۹۵	ریاست شورای ملی	۱۳۰
وزارت داخلیه	۱۰۳	ریاست اعیان	۱۳۵
وزارت عدلیه	۱۰۴	ریاست بلدیہ کابل	۱۳۸
وزارت مالیه	۱۰۵	تشکیلات دوایر حضور	۱۴۰
وزارت معارف	۱۰۷	وزارت دربار	۱۰۹
وزارت تجارت	۱۰۹	دارالتحریر شاهی	۱۴۱
وزارت فواید عامه	۱۱۰	سریاوریت حربی حضور همایونی	۱۴۲
ریاست صحیه	۱۱۳	دایره قلعه بیگیت ارک شاهی	۱۴۳
پست ، تلگراف ، تلفون	۱۱۵		

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۱۹۷	غور	۱۴۴	اجرا آت دواير مملکتی
۱۹۸	نظريات علمای روسیه شوروی نسبت بصنایع تاریخی افغانستان	»	امور حربیه
۲۰۶	کور دیپلوماتیک مقیم دربار کابل	۱۴۹	امور خارجیہ
۲۰۸	وقایع مهمه جهان در سال ۱۳۱۲	۱۵۰	امور داخلیه
۲۵۵	ملاقات دیپلمات ها	۱۵۶	عدلیه
۲۵۶	نقشه ملاقات	۱۵۷	مالیه
۲۵۷	سیاحینیکه در سال ۱۳۱۲ بافغانستان آمده اند	۱۵۸	معارف
۲۶۱	سرمایه های بزرگ در برابر بحران عالمگیر	۱۵۹	تجارت و زراعت
۲۷۵	تاریخ های دانستی	۱۶۳	فواید عامه
۲۹۰	مبدأ ظهور کاغذ	۱۶۵	طبیہ
۲۹۵	اختراعات	۱۶۶	پست ، تلفون ، تلگراف
۳۰۹	جایزه نوبل	۱۶۷	پسته خانه های داخلی افغانستان
۳۱۷	رادیو تبلی میخانیک	۱۶۸	مجلس محترم شورای ملی
۳۲۲	ممالک عالم	۱۶۹	اعیان
۳۴۵	نفوس شهرهای بزرگ عالم	۱۷۰	ریاست بلدیہ کابل
۳۴۶	بندرگاه های بزرگ عالم	۱۷۱	امور بلدی و لایات و اطراف
۳۴۷	کتابخانه های بزرگ عالم	۱۷۲	مطبوعات و طن
۳۵۳	احصائیه قوه برق آبشارهای دنیا	۱۷۳	امور مطابع
۳۵۸	تاریخچه مختصر آسیا	۱۷۵	شرکت اسهامی ملی افغان
۴۵۴	نظری به آسیا	۱۷۸	شرکت تنویرات
۴۵۹	تقسیمات وقت	۱۷۹	دایره زراعت و نسلگیری و تربیه حیوانات
۴۶۲	مسکوکات خارجه	۱۸۰	اصولنامه ها و لوایح که در سال ۱۳۱۲ تصویب شده
۴۶۴	مقیاسات ، اوزان ، مقادیر و مسکوکات جاپان	۱۸۱	اعطای نشان
۴۶۵	احصائیه ها	۱۸۲	افتتاح رفقی سناتوریم
۴۷۱	قسمت حفظ الصحه (معلومات صحی)	۱۸۵	جاده دره شکاری
۴۸۶	معلومات زراعت و فلاحت	۱۹۰	نهر سراج مشرق
۴۸۹	بازیه های اولمپیا	۱۹۱	انجمن کشافان
۴۹۱	سالخور دگان	۱۹۲	تمدید سرکهای جدید
۴۹۶	پشتو	۱۹۵	تعمیر پل ها



فهرست تصاویر سالنامه کابل

سال ۱۳۱۲

صفحه	تصویر	صفحه	تصویر
۸۴	ع، ص ذو الفقار خان مشاور اول صدارت عظمی		یکورق قرآن شریف بخط مبارک حضرت
	ع، ص محمد شاه خان رئیس ضبط احوالات		علی کرم الله وجهه و نامه مبارک حضرت
۸۴	صدارت عظمی		رسول صلی الله علیه وسلم
	ع، ص سید احمد خان مشاور دوم صدارت عظمی	۱	ذات همایون اعلیحضرت محمد ظاهر شاه افغان
۸۴ - ۸۵	آمران دوایر صدارت عظمی (۵ قطعه)	۱۲ - ۱۳	شهریار فقید افغانستان اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید
۸۴ - ۴۵	قصر صدارت عظمی	۱۶ - ۱۷	جامع شریف هرات
۸۵	والا حضرت وزیر صاحب حریه		شرافتمآبان جناب حضرت صاحب و جناب
۸۶	ع، ش محمد عمر خان رئیس ارکان حریه	۱۶ - ۱۷	نقیب صاحب
۸۷	» » احمد علیخان » اردو	۱۸ - ۱۹	وزیر اکبر خان غازی
۸۸	» » سید حسن خان » حریه	۱۸ - ۱۹	سید جمال الدین افغان
۸۸	ع، ش شیر احمد خان » لوازمات		مجسمه های که از تپه خزانه عقب چنداول
	ع، ش محمد عمر خان » انجمن اصلاح	۲۰ - ۲۱	کشف شده (۵ قطعه)
۸۹	و ترقی حریه		مجسمه های مرمر که از کوتل خیر خانه
۸۹	ح، محمد احسانخان قوماندان طیاره	۲۰ - ۲۱	کشف شده (۵ قطعه)
۹۰	ع، ش سردار علی شاه خان فرقه مشراول		مجسمه های که از تپه مرنجان کشف شده
۹۱	ع، ع، ش سید عبدالله خان رئیس فابریکات حربی	۲۴ - ۲۵	(۵ قطعه)
	ع، ش سردار اسدالله خان قوماندان		منظره استویه های که از تپه مرنجان کشف شده
۹۲	فرقه شاهی	۲۴ - ۲۵	(۲ قطعه)
	ع، ع، س، س، ا محمد غوث خان نائب سالار		رسم بودای رنگه کاریکی از طلاب مدرسه
۹۲	قول اردوی مرکز	۳۰ - ۳۱	صنایع نفیسه کابل
	ع، ش عبد القیوم خان قوماندان		منظره یک استویه عصر گریکو بودیک که
۹۲	فرقه توپچی	۳۰ - ۳۱	درنجراب کشف شده
	ع، ش غلام محمد خان قوماندان فرقه		عتایق عصر گریکو بودیک که درتکاب و نجراب
۹۴	اول مرکز	۳۰ - ۳۱	کشف شده (۳ قطعه)
	ع، ش عبد الغنی خان	۳۱	آقای غلام جیلانی خان جلالی
۹۴	دوم مرکز	۶۰ - ۶۱	رسم رنگه نمونه قشون ملی افغان در قرن ۱۹
	ع، ش نور محمد خان	۶۱	آقای محمد احسان خان معدن شناس
۹۴	سوم مرکز	۶۶ - ۶۷	نقشه معادن افغانستان
	ع، ش خان زمانخان		رسم رنگه نمونه لباس و طرز معیشت فامیلی
۹۴	عسکری غزنی	۷۴	افغانستان در قرن (۱۹)
	ع، ش عبد الاحد خان » عسکری	۷۶	آقای سید عبد الاحد خان
۹۴	قندهار		ج، ع، ج والا حضرت سردار محمد هاشمخان
۹۴	ع، ش محمد شعیب خان قوماندان عسکری هرات	۸۳	صدر اعظم

سألة « كابل »

صفحة	تصویر	صفحة	تصویر
۱۰۵	ع. ص. غلام مجتبی خان معین دوم مالیه	۹۵ - ۹۴	قوماندان های عسکری (۱ قطعه)
	آمران دوائر وزارت مالیه بارئیس ومعاون		والا حضرت وزیر صاحب حریه ومنصبدار
۱۰۷-۱۰۶	ومدیر ضرابخانه (۱۲ قطعه)	۹۵ - ۹۴	های مرکز تادریه عند مشر اول
۱۰۷	ع. ج. سردار احمد علیخان وزیر معارف	»	آمران دوائر وزارت حریه (۳۶ قطعه)
۱۰۷	ع. ص. عبدالجبار خان معین معارف	۹۵	ع. ج. قیص محمد خان وزیر خارجه
۱۰۹-۱۰۸	آمران دوائر وزارت معارف (۱۶ قطعه)	»	ع. ص. غلام یحیی خان معین اول وزارت خارجه
۱۰۹-۱۰۸	عمارت جدید تربیه حیوانات واقع ده بوری	۹۶	» محمد عثمان خان دوم »
۱۰۹-۱۰۸	آمران دوائر وزارت تجارت (۹ قطعه)	۹۷ - ۹۶	آمران دوائر وزارت خارجه (۳۱ قطعه)
۱۰۹	ع. ج. میرزا محمد خان وزیر تجارت	۹۷	والا حضرت سردار شاه ولیخان وزیر مختار پاریس
۱۰۹	ع. ص. محمد حسین خان معین اول وزارت تجارت	۹۸	ع. ج. سلطان احمدخان سفیر کبراقائی در انقره
۱۰۹	» غلام غوث خان دوم »	۹۸	» شیر احمد خان »
۱۱۰	ع. ج. الله نواز خان وزیر فوائد عامه	۹۸	» عبدالحسین خان »
۱۱۰	ع. ص. نصر الله خان معین	۹۹	» علی محمد خان وزیر مختار »
۱۱۳-۱۱۲	آمران دوائر وزارت فوائد عامه (۱۶ قطعه)	۹۹	» محمد قاسم خان »
۱۱۳	ع. ج. محمد اکبر خان رئیس صحیه	۱۰۰	» حبیب الله خان »
۱۱۵-۱۱۴	آمران دوائر ریاست (۶ قطعه)	۱۰۰	» محمد صادق خان »
۱۱۵-۱۱۴	شفاخانه ملکی هرات	»	ع. ص. صلاح الدین خان جنرال قونسل
۱۱۵-۱۱۴	داکترهای شفاخانه های ملکی مرکز (۹ قطعه)	۱۰۲	اقتائی در دهلی
۱۱۵-۱۱۴	عمارت جدید وزارت معارف	۱۰۲	ع. ص. بزمحمد خان جنرال قونسل اقتائی
۱۱۵-۱۱۴	آمران دوائر ریاست پسته وتلگراف (۱۱ قطعه)	»	در تاشکند
۱۱۵	ع. ج. رحیم الله خان رئیس ریاست پسته وتلگراف	۱۰۲	ع. ص. محمد صدیق خان جنرال قونسل اقتائی
۱۱۶	و. ج. محمد عمر خان والی کابل	»	در مشهد
۱۱۶	ع. ص. سید حبیب خان مستوفی ولایت کابل	۱۰۲	ع. ص. عبدالودود خان قونسل اقتائی در مرو
»	ع. ج. طره باز خان قوماندان کوتوالی	۱۰۲	ع. ص. عبدالر سول خان وکیل التجار یشاور
۱۱۷-۱۱۶	آمران دوائر ولایت کابل (۶ قطعه)	»	محصلین اقتائی که در سنه ۱۳۱۲ از
»	» قندهار (۸ قطعه) »	»	مدرس خارجه با شهادت نامه وارد
»	و. ج. غلام فاروق خان وکیل نائب الحکومه	۱۰۳-۱۰۲	وطن شده اند (۶ قطعه)
۱۱۷	قندهار	۱۰۳-۱۰۲	آمران دوائر وزارت داخله (۶ قطعه)
۱۱۸	» عبدالرحیم هرات »	۱۰۳-۱۰۲	مدیران دوائر ریاست تنظیمیه ولایات شمالی
۱۱۹-۱۱۸	آمران دوائر مرکزی ولایت هرات (۸ قطعه)	»	(۴ قطعه)
»	» مزار شریف (۸ قطعه) »	۱۰۳	ع. ج. ۱۰۱ محمد گل خان وزیر داخله
۱۱۹	و. ج. عبدالجلیل خان وکیل نائب الحکومه	۱۰۳	ع. ص. عبدالرشید خان معین اول وزارت داخله
مزار شریف	»	»	ع. ص. نیک محمد خان معین سوم وزارت داخله »
»	» شیر محمد خان وکیل نائب -	۱۰۴	ع. ج. فضل احمد خان وزیر عدلیه
۱۲۰	الحکومه قطغن وبدخشان	۱۰۵-۱۰۴	آمران دوائر وزارت عدلیه (۵ قطعه)
»	آمران دوائر مرکزی ولایت قطغن	»	رئیس ومامورین مطبعه عمومی (۸ قطعه)
۱۲۱-۱۲۰	وبدخشان (۶ قطعه)	۱۰۵	ع. ص. محمد حسین خان معین اول مالیه

فهرست تصاویر

صفحه	تصویر	صفحه	تصویر
۱۴۰	ع، ج سردار احمد شاه خان وزیر دربار	۱۲۰ - ۱۲۱	آمران دوائر حکومت اعلاى مشرق (۹ قطعه)
»	ع، ص محمد حیدر خان معین دربار	۱۲۱	ع، ش سردار محمد داؤد خان حاکم اعلاى مشرق
۱۴۱ - ۱۴۰	آمرین دوائر وزارت دربار (۶ قطعه)	۱۲۲	ع، ص محمد افضل خان حاکم اعلاى جنوبی
» » »	مأمورین دارالتحریر شاهی (۹ قطعه)	۱۲۲ - ۱۲۳	آمران دوائر حکومت اعلاى جنوبی (۹ قطعه)
۱۴۱	ع، ج محمد نوروز خان سرمنشی حضور	»	تعمیر جدید بالا حصار گردیز
۱۴۲	ع، ش سید شریف خان سریاور حربی حضور	»	ع، ع، ص عبدالرزاق خان وکیل حاکم
۱۴۲ - ۱۴۳	یاورهای حربی حضور (۷ قطعه)	۱۲۳	اعلاى مینه
» » »	مصاحبین حضور (۴ قطعه)	»	ع، ع، ش محمد انور خان وکیل حاکم
» » »	یک منظره از قصر دلکشا	۱۲۴	اعلاى فراه
» » »	» » » برج شمالی	۱۲۶ - ۱۲۷	حکام کلان
۱۴۳	ع، ش عبدالغنی خان قلعه بیگی ارک	»	منتظمین تلگراف خانه های قندهار، هرات
۱۴۴ - ۱۴۵	یک منظره از نمایش کشاوران	»	مزار، مدیر مخبرات و مأمور معابر مشرق (۵ قطعه)
» » »	» » »	»	ع، ج عبدالاحد خان رئیس شورای ملی ۱۳۰
»	معاینه انداخت تعلیمگاه خورد ضابطان	۱۳۲ - ۱۳۳	وکلای ولایت کابل
۱۴۸ - ۱۴۹	قول اردوی مرکزی .	»	» قندهار
» » »	یک قطعه پیاده فرقه شاهی	»	» هرات
» » »	یک قسمت طلاب مکتب حریه	»	» مزار شریف
» » »	ع، ش قوماندان و معلمین و یک قسمت	»	وکلای ولایت قطن و بدخشان
» » »	از طلاب مکتب حریه .	»	» حکومت اعلاى مشرق
» » »	گروپ هوا بازان .	۱۳۲ و ۱۳۳	» جنوبی
» » »	تیم والی بال وزارت حریه	»	» مینه و فراه
» » »	ع، ع، ش سردار محمد داؤد خان با	»	ع، ج میر عطا محمد خان رئیس مجلس اعیان ۱۳۵
» » »	منصب داران مشرق .	»	ع، ص محمد اکبر خان معاون اول ۱۳۵
» » »	یک حصه از بیت الخدام های جدید تعمیر	»	» عبدالرحیم خان دوم ۱۳۶
» » »	واقع ما ما خیل مشرق .	۱۳۶ - ۱۳۷	اعضای جدید مجلس اعیان
» » »	یک دسته از عساکر مشرق	»	ع، ص محمد یوسف خان رئیس دائره تربیه حیوانات
» » »	سرك جدید سمت مشرق در حد درونته	»	و ص عبداللطیف خان منشی شورا و ص سید
» » »	دائره فرقه مشر عسکری مشرق در	»	محمد خان منشی اعیان و ع، عبدالغفار خان
» » »	علاقه وزیری .	۱۳۶ - ۱۳۷	سرحد دار دکه، و ص محمد موسی خان مدیر محاسبه
» » »	سرك مشرق در حد درونته	»	تربیه حیوانات، و ص میر علی احمد خان مدیر هو تل
» » »	یک قطعه از عساکر گردیز	»	کابل و غ عبدالغفور خان وکیل سر مامور پلیس
» » »	بالا حصار گردیز	»	کابل و ش سید کمال خان مدیر محبس دهمزنگ
» » »	تهانه جدید محافظین راه جلال آباد	۱۳۶ - ۱۳۷	ص، غلام رضا خان مدیر محاسبه قوماندان
» » »	» » »	»	کو توالی کابل
» » »	میدان ارک قندهار و صاحب منصبان	۱۳۸	و، ج گل احمد خان رئیس بلدیة کابل
» » »	فرقه فراه .	۱۳۸ - ۱۳۹	آمرین دوائر ریاست بلدیة کابل
» » »	مداومین تعلیمگاه عسکری فراه	» » »	رؤسای بلدیة

سالنامه « کابل »

صفحه	تصویر	صفحه	تصویر
۱۶۷-۱۶۶	جدول محصولات پسته هوایی (۲ صفحه)	۱۴۹-۱۴۸	يك قطعه از عسکر یاده هرات
» » »	نقشه خطوط تلفون افغانستان	» » »	دوره اول تعلیمگاه خورد ضابطان
۱۷۱-۱۷۰	بازار جدید اندرابی	» » »	قول اردوی مرکز
» » »	قسمت الحاقیه عمارت وزارت خارجه	» » »	گروپ منصبداران سمت جنوب
» » »	جاده بازار شاهی	» » »	دوره دوم تعلیمگاه خورد ضابطان
» » »	حمام جدید بلدیہ در کابل	» » »	قول اردوی مرکز
۱۷۳-۱۷۲	ارباب جراند (ده قطعه)	» » »	يك قطعه از عساکر ارگون
۱۷۵-۱۷۴	دكانهای جدید چمن حضوری کابل	۱۵۵-۱۵۴	پل کلباغ
» » »	هیئت مدیره شرکت اسهامی	» » »	پل ملا قربان
۱۷۷-۱۷۶	گروپ عمومی مأمورین شرکت اسهامی	» » »	یسته خانه جدید کابل و محبس دهمزنک
» » »	عمارت شرکت اسهامی و منظره پل هارتن	» » »	عمارت ریاست نسل گیری علی آباد
» » »	وهوتل گذر گاه کابل	» » »	پل شبه نایق جلال آباد
۱۸۳-۱۸۲	افتتاح رفقی سناتوریم	» » »	بند نهر سراج جلال آباد
» » »	منار جدید ساعت وزارت حریبه	» » »	پل سراج علیخان در جلال آباد
۱۸۵-۱۸۴	نمونه خطاطی قدیم افغانستان	» » »	عمارت باغ سرده قندهار
» » »	خط خانم سردار عبدالقدوس خان	» » »	پل ارغنداب قندهار
» » »	اعتمادالدوله مرحوم	» » »	عمارت جدید مطبعه عمومی کابل و
۱۹۵-۱۹۴	نقشه سرکهای افغانستان	» » »	هوتل جدید قندهار
۱۹۷-۱۹۶	پل چوره کلی و پل نذرآباد (درست مشرقی)	» » »	کونی گمرک پل ارغسان قندهار و
» » »	مسجد و جایگاه مبارک خرقة شریف در قندهار	» » »	تهانه جدید پلیس قندهار
» » »	منار یاد کار شهدای میوند در قندهار	» » »	پل کلان و پل خورد ارغسان قندهار
۲۰۷-۲۰۶	سفر ائیکه در سال ۱۳۱۲ بدر بار کابل وارد شدند	» » »	پل جشت
۲۰۸	آقای احمد علیخان	» » »	
۲۱۲-۲۱۱	کنفرانس خلع سلام (دو صفحه)	» » »	دایره مهندسی ریاست تنظیمیه ولایات شمالی
۲۱۴	رئیس جمهور ترکستان چین	» » »	هوتل جدید منار شریف
۲۱۵	لیدر های مسلمان ترکستان چین	» » »	نمونه رسم یکی از طلبه مدرسه صنائع نفیسه کابل
۲۱۶	دلائلی لامه روحانی تبت	۱۵۹-۱۵۸	نقشه حفریات تیه مرغجان
۲۱۹-۲۱۸	عمارت جدید مجمع ملل	» » »	مسجد بابر شاه در کابل
» » »	یکی از جلسات مجمع ملل	۱۶۳-۱۶۲	عمارت جدید دو اخانه کابل
۲۱۹	اعلی حضرت شاه ایران و کابینه جدید ایران	» » »	جاده بازار شاهی
۲۲۱	کنفرانس اقتصادی لندن	» » »	فابریکه تجاری کابل
۲۲۲	کنفرانس ملل طلا	» » »	عمارت جدید مکتب صنائع نفیسه کابل
۲۲۳	امضای قرارداد چار گانه (دو قطعه)	» » »	گمرک جدید کابل
۲۲۴	» » » (دو قطعه)	» » »	عمارت جدید وزارت فوائد عامه
۲۲۶	دی ولیرا قائد ملی آیرلند	۱۶۵-۱۶۴	» » » (از پهلوی)
۲۲۷	جنرال اودو فی لیدر نیلی پوشان آیرلند	» » »	جلالآب رئیس صحیه و داکترها
۲۲۷	مراجعت قشون عراق پس از سرکوبی آتوریهها	» » »	وبعضی از طلاب مدرسه طی
۲۲۹	ارکان ریاست فوق العاده قوه اجرائیه کیوبا	» » »	بعضی از داکترهای کابل
۲۳۰	يك دسته از توپخانه پاراکی	» » »	

صفحه	تصویر	صفحه	تصویر
۲۶۸	اوتو ولف و نهیسن متمولین المانی	۲۳۱	اعلیحضرت امیرفصل و اعلیحضرت امیرغازی
۲۶۹	لاردا آیویک متمول انگلیسی و دریغوز کندم فروش فرانسوی	۲۳۳	مستر روزوات رئیس جمهور امریکا
۲۷۰	نظام حیدرآباد و آغاخان نوایان هندی	۲۳۴	لیتوینوف کمیسر امور خارجه شوروی
۲۷۱	سالی جوتل متمول افریقائی، سرباز یلداهاروف ملبو نریونائی و دیوک آف ویست مینستر سرمایه دار	۲۳۵	امضای قرارداد بالقان
۲۷۲	انگلستان لاردراتر میری متمول معروف انگلستان	۲۳۶	رئیدی ایتالیا و مجارستان
۲۹۹	تاریپدوی زنده	۲۳۷	هندبو رگ و هتلر در یک مجلس حزب نازی
۳۰۲	موتریک جرخه	۲۳۸	زدو خورد اعراب و یهود در فلسطین
۳۰۶	آله حفاظت جهازهای تحت البحری		اعلیحضرت ابن سعود، اعلیحضرت امام یحیی و
۳۰۷	براشوت بزرگ	۲۴۰	سیر لشکر افواج سعودی و سیر لشکر افواج یمن
۳۰۸	آدم مصنوعی و کشتی طیاره بردار بزرگ	۲۴۲	ستالین دیکتاتور روسیه
۳۱۷	آقای محمد صدیق خان رادیو میخانیک	۲۴۳	ملاقات موسولینی و لیتوینوف
۳۱۹	او این طیاره که بواسطه رادیو اداره شده نقشه اولین پرواز ذریعه طیاره بی پیلوت و اولین	۲۴۴	وایسرای هند، مستر یقیل فقید و شاه نیپال
۳۲۰	موتریکه بواسطه رادیو اداره شد	۲۴۵	سومین کنفرانس میز مدور در لندن
۳۲۱	ترکاندن کیسه های گیس افشان ذریعه آله تبلیغ میخانیک	۲۴۶	یک منظره از خرابی های زلزله ولایت بهار (هند)
۳۶۷	یکی از آبشارهای بزرگ مملکت آستونیا	۲۴۷	کمیسر اعلائی انگلیس در فلسطین و کمیسر اعلائی فرانسه در سوریا
۳۶۳	منار جامع امیردربخارا	۲۴۸	رئیس الوزرای جاپان، وزیر حرب سابق
۳۶۶	طهران - قصر بهارستان		جاپان و وزیر حرب حالیه جاپان
۳۶۲	یک منظره از شهر ماندلی برما	۲۴۹	امپراطور مانچوکو، جنرال چانگ کای شک صاحب منصب چین
۳۷۱	یکی از مناظر سراسراوک (بورنیو)	۲۵۰	یک منظره از جشن سال دم جمهوریت ترکیه
۳۷۵	یک منظره از شهر لاسا	۲۵۱	اتاقی ایدن سیاستمداران انگلستان و پرواز طیاره انگلیسی بر فراز قله ایورست همالیه
۳۷۸	شهر جدید انقره	۲۵۲	گاستون دورک و رئیس الوزرا - فرانسه
۳۸۴	یک منظره از شهر کیوتو	۲۵۳	البرت اول شاه فقید بلجیم و لئوبولد سوم شاه جدید بلجیم
۳۹۰	دیوار چین	۲۵۴	دولفوس صدر اعظم استریا و دیوکا صدر اعظم مقتول رومانیه
۳۹۴	یک منظره شهر مکه معظمه		نقشه مسافرت های یکساله سیاسی در اروپا
۴۰۰	شهر اومسک	۲۵۶	مستخدمین خارجی در افغانستان (۳۰ قطعه)
۴۰۴	یکی از مناظر ساحلی سیلون	۲۶۱-۲۶۰	آقای سید قاسم خان رشتیا، جیمس وایت و کدیرس هارنی متمولین انگلیس
۴۰۷	یک بازار شهر بیروت	۲۶۲	اوتو کاهن متمول امریکائی
۴۱۱	شهر بغداد	۲۶۳	پیرین مارکن ورا کفیلر متمولین امریکائی
۴۲۳	مسجد قبة الصخره در بیت المقدس	۲۶۴	ایوار کروگر سویدنی شاه کوکورد و ساموئل اسول متمول امریکا
۴۲۸	یل جوبن بردریای سربینگر	۲۶۵	هنسی متمول فرانسوی
۴۳۲	شهر موکدن	۲۶۶	خورد و میلن سرمایه داران بزرگ امریکا
۴۳۵	یک منظره کوهستان مکاؤ		
۴۴۲	منظره یک بازار هانگ کانگ		
۴۴۶	قطب منار دهلی		
	نمونه معماری هندجوتونی (بنارس) و مدرسه		
۴۵۲	فرانسوی یا اندیجری		

صفحه	تصویر	صفحه	تصویر
۴۹۳	معمربین افغانستان (۵ قطعه)	۴۵۴	جناب فاضل مولوی جمال الدین خان
	مختصر مینیکه در سال سوم مجله کابل کمک قلمی	۴۵۸	نقشه آسیا
۴۹۵-۴۹۴	نموده اند (۷ قطعه)	۴۶۱-۴۶۰	نقشه ساعت های عالم
» » »	محل اداره مجله و سالنامه کابل	۴۶۵	احصایه کوسفند (منقوش)
۴۹۶	ع . امین الله خان زمرلای	۴۶۶	احصایه موثر
۴۹۷-۴۹۶	تقویم	۴۶۷	کاو
	مدیر و اعضا و گروه دفتر انجمن (۱۱ قطعه)	۴۶۷	نخ
۵۰۲	مقابل	۴۶۹	جهازات
		۴۷۰	تلفون

غلطنامه

از قارئین محترم خواهش میروود که نخست اغلاط ذیل را تصحیح نموده سپس بمطالعه آغاز بفرمایند:

صفحه	سطر غلط	صحیح	صفحه	سطر غلط	صحیح
۱	۲ دارالسلطنه	دارالسلطنه	۵۹	۱۱ شور تیه	پشه تیه
۱۸	۳ دو کاوش ها	و کاوش ها	۶۷	۲۳ که درخشنده گی	که بدرخشنده گی
۲۰	۱۹ صفحمانشی های	مخامنشی ها	۶۷	۲۳ معلوم باشد	معلوم شد
	یا ورق		۶۸	۱۸ بطرول داراست	بطرول راداراست
۲۲	۸ هندی - ایک	انگلیسی - ایک	۷۱	۱۱ فستقی	پسته ثنی
۲۵	۱۵ یکویم	یکویم	۷۹	۱۹ سمت مشرق مغربی	از طرف غرب بشرق
۲۵	۱۸ ۸۰۰۰	۸۰۰	۸۰	۲۵ مشرقاً غرباً	غرباً بافغانستان
۳۲	۱۳ ۴۶۰ متر	۹۴۰ متر			امتداد یافته
۳۳	۳۳ رد متر	دو متر	۹۵	۵ مدیت	مدیریت
۴۴	۱۷ باجود	باجود	۹۷	۹ لسی	بسی
۳۵	۵ متفاوت الاضلاع	متفاوت الاضلاع	۱۲۲	۱۲ رگمرک	گمرک
۳۶	۲۴ اورا الویری شن	ارا الویری شن	۱۲۸	۷ ۲۸	۱۲۸
۳۶	۲۶		۱۲۸	۷ جمعیت العبا	جمعیت العلما
۳۷	۳۱ دره کلیم	دره کلیم	۱۷۲	۲۲ خش گواری	خوش گواری
۳۸	۳ خاواک بسندان	خاواک بسندان	۱۳۲	۱۰ ارغستان	ارغسان (اراکوسیا)
	۳۴ وتل خاواک	کوتل خاواک	۱۳۳	۲۴ میرفضلی احمد خان	میر فضل احمد خان
۳۹	۳۱ کوتل یارون	کوتل یارون	۱۳۴	۲۱ مرکز و علاقه داریها	مرکز و علاقه داری
	۴ هزار متر	۴۶۰۰ متر			های بیرون سوند
۴۰	۷ خاریت	خاصیت	۱۴۵	۲ افراد و خورد ضابطان	افراد و خورد ضابطان
۴۸	۹ نبدر ۵۲ ونیم	بقدر ۵۲ ونیم			و ضابطان
۴۸	۳۱ سوشه	شوشه	۱۴۶	۲۶ تبدیل فورم البسه	فورم البسه
۵۶	۲۲ اشجار این حصص	در اشجار این حصص	۱۴۶	۲۶ ساخته شده	تبدیل شده
۵۸	۳۶ طبورنکه	طبوریکه	۱۴۸	۱ تعلیم	تعلیم
۵۹	۹ تعمیر خان آباد	تعمیر خان آباد	۱۵۲	۲۶ علی نگار	النکار
			۱۵۴	۷ اسکان	سکونت

غلط نامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۵۶	۴	دین داد	دین دار	۲۰۹	۳۳	تسلیمات	تسلیمات
۱۵۶	۸	صادره را	صادره	۲۱۳	۱۷	بیشهاد	بیشهاد
۱۶۰	۲۳	زیاد	زیاد	۲۱۵	۲	موجباب	موجباب
۱۶۳	۴	فوائد عامه	امور فوائد عامه	۲۱۶	۲۸	والائی لامه یشوای د الائی لامه یشوای	
۱۶۴	۵	فایکه	فابریکه	۲۱۷	۱۰	مدحس	مدحش
۱۶۴	۱۸	گامسکوت	دامسکوت	۲۱۸	۱۱	واضع	واضح
۱۶۵	۲	اشغال	استخدام	۲۱۸	۱۵	تحدید	تهدید
۱۶۶	۳	باز	تاسیس	۲۱۹	۱	وارسی	دارسی
۱۶۶	۵	سلسه	سلسله	۲۱۹	۸	بائر	راجع به
۱۷۵	۸	ار	را	۲۱۹		ماقبل آخر تحت	سمت
۱۸۳	۳	زروها	ذروه های	۲۲۳	۱۱	برونیک	برونیک
۱۸۵	۸	وند	بودند	۲۲۵	۱۳	دوین	دومین
۱۸۶	۱۰	تسطیح	تسطیح	۲۲۵	۱۹	ها	را
۱۹۸	۶	ذیعذخلی	ذیعذخل	۲۲۵	۲۰	Suine Feines	Suin-Feiner
۱۹۸	۱۰	مبتواتیم	میتوانیم	۲۳۱	۳۴	۱۹۸۱	۱۸۹۱
۱۹۸	۱۲	آوال	اوائل	۲۳۲	۲۸	رسیج	رسیج
۱۹۸	۱۴	کردنه	کردند	۲۳۴	۱۹	(و جیهول)	جیهول
۱۹۸	۱۵	عکسهای	عکسها	۲۳۵	۶	مزا کرات	مذاکرات
۱۹۹	۲۳	یوگریته یا	یوگراتیدیا	۲۳۵	۶	دولت	ملت
۲۰۰	۲	روزآستر	زوراسترا	۲۳۵	۱۹	سبیه	شبه
۲۰۰	۵	قاق	طاق	۲۳۶	۲۳	سنایا	سینایا
۲۰۰	۸	شاختمان	ساختمان	۲۴۲	۲۶	مبادله	مبادله
۲۰۲	۲	چهاز	چهار	۲۴۲		آخر رسید	ترسید
۲۰۲	۹	می بردند	می بردند	۲۴۴	۲۳	صحیحی	صحی
۲۰۲	۱۲	اینه	اینه	۲۴۴	۳۲	فیدرل ریزرو بانک	فیدرل ریزرو بانک
۲۰۲	۲۲	اثقشنا	استثنا	۲۴۵	۲	قوص	قوس
۲۰۳	۲۴	بایقاره	بایقرا	۲۴۹	۱۱	فولکین	فولکین
۲۰۵	۱	خانه	خامه	۲۵۲	۱۲	حربی	حربی
۲۰۵	۴	ناواوآخر	تااواخر	۲۵۲	۱۶	مشارالیه موسیو	مشارالیه رئیس
۲۰۵	۱۰	رسمها	رسمهای			جهور موسیو	
۲۰۸	۱۲	امریکا ناکام	امریکا و یاره مسائل	۲۵۷		عنوان بافغانستان آمده اند	پکابل آمده اند
		دیگر ناکام		۲۶۲	۲	امین آف	امین اوف
۲۰۸	۲۳	میشان	میشاق	۲۶۳	۸	شواند	شده اند
۲۰۹	۱۴	کومیه	کومینه	۲۶۴	۹	به تعداد	تعداد
۲۰۹	۲۴	اوباساس	وباساس	۲۶۵	۳	گذشت	گذاشت

سالنامه « کابل »

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۶۹	۱۱	شهرلی	شهرتی	۳۰۷	۶	نشیمن کای	نشیمن گاه
۲۷۳	۳	زردی	زودی	۳۰۹	۶	بر	برای
۲۷۷	۱۵	ارسطامالیس	تالیس	۳۱۰	۵	افراد مجالس	افراد، مجالس
۲۷۷	۱۶	ختکاک	احتکاک	۳۱۱	۲۵	ولستارتر	ولستار
۲۷۷	۲۳	سلسط	تسلط	۳۱۲	۱۸	برجیس	برجیس
۲۷۸	۵	هواخلوو	هوا و خلا	۳۱۳	۱۲	میرهوف	مایرهوف
»	۱۴	ارسطالیس	ارسطا تالیس	۳۱۳	۱۳	منتک	بنتنگ
»	۱۹	ازینجهنته	ازینجهت	۳۱۴	۱۲	یون توپیدان	یون توپیدان
۲۷۹	۱۲	قیصر	قیصر	۳۱۵	۴	کالزوردی	کالزوردی
»	۱۷	اماجل	اناجیل	»	۱۲	ایلی هورت	ایلی هوروت
۲۸۰	۱۱	قلم	قلم	»	۲۳	لارنگ	لانگ
»	۱۲	قیم ما	قیام	»	۱۱	Butter	Butler
»	۱۴	شکر بوره	شکر و بوره	۳۱۶	۴	دریور	درائیور
»	۱۵	جرمنی ها فاتح	جرمنی های فاتح	۳۱۷	۱۱	و دیگر ماشین ها را	امواج الکتریکی اذیت
۲۸۳	۴	پاشاه	پادشاه	۳۱۷	»	کننده را	
»	۲۲	مهاجرب	مهاجرت	۳۱۸	۲	علی الخصوص	علی الخصوص
۲۸۴	»	این اوقات	درین اوقات	۳۲۰	۲	کوششهای یادی	کوششهای زیادی
»	۲۶	انبوبه	انبوبه	۳۲۱	۵	یک عدد متخصصین	یک عدد متخصصین
۲۸۵	۱۲	کرد نیال	کرد نیال	۳۲۳	۳	افغانستان	۷۹۶ر۵۲۸
۲۸۷	۳	و برخی گویتد	و برخی اختراعش را	»	۹	استرلیا	۷۰۳ر۸۵۰
»	۱	اختراعش را	در (هجده صد) گویند	»	۱۱	استرالیای	ایدیلید
۲۸۹	۱	اختراع گوید	اختراع گردید	»	۱۲	استرالیای	ایدیلید
۲۹۳	۲	اسبابهای دیگری	آسیابهای دیگری	»	۱۷	آن هالت	اشتراکیه
»	۹	پادشاه سمیل	پادشاه سبیل	»	۳۰	اتحاد جاهیر	ا رویا
۲۹۳	۱۴	سدا ائد	شدا ائد	»	»	اشتراکیه	
۲۹۳	۱۹	با صمغ	با صمغ	»	»	شورایه روسیه	
۲۹۸	۶	کار	کارگر	»	۳۵	اوکراین	ا رویا
۳۰۰	۴	تعقیت	تعقیب	»	»	»	
»	۱۳	انظار	انظار	»	»	»	
»	۱۸	حیزکه	چیزیکه	»	»	»	
۳۰۲	۲۰	شبیپه	شبیپه	»	»	»	
۳۰۲	ماقبل جم غضیر	جم غفیر	جم غفیر	»	»	»	
»	آخر	»	»	»	»	»	
۳۰۵	۱۹	اعداد	اعداد	»	»	»	
۳۰۵	۳۲	انتقال	انتقال	»	»	»	
۳۰۶	۶	مواد استفاده	مورد استفاده	»	»	»	

صفحه	سطر	مملکت	غلط	صحیح	صفحه	سطر	مملکت	غلط	صحیح
۳۲۴	۵	ایتهی اوپیا	ایتهی دوپیا	ایتهی اوپیا	۳۳۴	۲۷	مالدیو	مالی کنک	مالی
		شمالی برطانیه				۲۸	مانچو کو	هسین	هسین لنگ
۳۲۵	۲۴	برطانیه	برطانیه	برطانیه با مستملکات	۳۳۵	۸	مکلنبرگ	مکلنبرگ سیرایر	مکلنبرگ سیرایر
۳۲۶	۱۱	بورنیوی هالندی	بنجر ماسین	بنجر ماسین	۳۳۵	۹	مکلنبرگ	مکلنبرگ نویرن	مکلنبرگ شویرن
	۱۲	بوسنیاد	ساراجی و مرزک	ساراجیو					
	۳۳	برسی	ساوی تومی	ساو توم	۳۳۵			نویرن	شویرن
۳۲۷	۶	تانکانیکا	امیراوری	تحت انتداب		۲۶	ناروی	۲۲۲ ر ۶۷۱	۳۲۲ ر ۶۷۱
		برطانیه	برطانیه			۳۷	نوواسکوشیا	نوواسکوتیا	نوواسکوشیا
	۱۶	۳۳۶	نیوهریدی جزائر	جزائر اوقیانوسیا		۱۶	۳۳۶	والفش	مرکز (۰)
	۱۷	۳۳۶	یورتواسین	یورتواسین		۱۸	۳۳۶	ورتم برك	سنوگرت
			و توباگو			۱۹		هالند	۲۰ ر ۶۴۰
۳۲۷	آخر	جوهور	جوهور	جوهور		۳۴		بامستملکات	
۳۲۸	۲۱	داغستان	داغستان	داغستان					
۳۲۹	۳	راس تریتوری	در منطقه منجمد قطب	در منطقه منجمد قطب		۳۴۱		قطعه بر	قطعه بر و بحر
			جنوبی واقع			۵		ملاکا	مولا کا
			و غیر مکسوف است			۷		مین مان	مین (مان)
۳۳۱	۱۰	شیخ سعید	ساحل عرب	شیخ سعید مرکز		۸			آسیا
			و بر ساحل عرب			۹			ناؤرو
			واقع است			۱۰			در منطقه منجمد شمالی
۳۳۱	۲۵	عرب سعودیه	مکه معظمه	مکه معظمه ریاض		۱۱		نور فورک	نور فوک
		آخر فنلند	هلنسکی	هلنسکی					امریکه
			(هلنسکفورس)	(هلنسکفورس)					مستملکه برطانیه
									از جزائر غرب الهند
۳۳۲	۲	فارموسا	جزیره	جزیره		۱۳		پورت بلیر	پورت بلیر
	۲۷	کورا کاؤ	کورا کاؤ	کورا کاؤ		۱۶		۲۸۱ ر ۲۶۴	۲۸۱ ر ۲۶۴
۳۳۳	۶	کونیا		کوکیا				سند جان	سنت جان
	۱۱	کیرون	تحت حمایت	تحت انتداب		۱۷		نبولکیندوینا	نبولکیندوینا
		برطانیوی				۱۹		نیوهریدی	نیوهریدی
	۲۰	کیوبک	یکی از ولایات	یکی از ولایات	۳۴۲	۵		آیودا	آیووا
			کیانه	کانادا		۸		۱۶۱۸ ر ۷۱۴	۱۵۱۸ ر ۷۱۴
	۲۲	گابون	لیبروین	لیبرویل		۱۲		ادری کون	اوری کون
۳۳۴	۱۲	لاوسن	اوئینت شان	اوئین شان		۲۸		تالاهاسی	تالاهاسی
	۱۳	لای پیر	موتروویه	مون رود	۳۴۴	۲۳		۲۱۱ ر ۱۱۰	۱۷۸ ر ۲۱۱

سالنامه « کابل »

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۵۴	۱۸	گنی یرتگال	گنی یرتگالی	۳۸۸	۱۱	بمولا کار	بمولا کا
۳۵۵	۲۱	نیو فاوند ایند	نیو فاوند لیند	۳۸۹	۶	بنادر	بنادر
۳۵۶	۴	توزیلند	نیوزیلند	»	۹	محل	محل
»	۲۷	لاتویا ولتونی	لاتویا ولتوانیا	»	۱۱	مفتوح شدن بدست او	مفتوح شدن ها لیند
۳۵۸	۱۳	درکستان	در ترکستان	»	»	بدست او	»
۳۵۹	۱۲	حتی ترکها	تا که ترکها	»	۱۲	اغرام	اغرام
»	۲۸	شعار خود گرفتند	شعار خود ساختند	»	۱۷	با چین	با آچین
۳۶۰	۸	تاشی بود	مشهور بود	»	»	تصرف	متصرف
۳۶۴	۱۹	عمزاد	عمو زاده	۳۹۱	۵	مهن	هن
۳۶۵	۱	مساحه ان (۰۰۰۰)	مساحه ان (۰۰۰۰)	»	۶	»	»
»	۱۴	در زمان داریوش	در زمان دارای سوم	»	۱۷	ودایات	وادیات
»	»	منقلب ساخت	منقلب ساخت	»	۱۹	آسخیرا هند	آسخیر هند
»	۲۵	سلطنت صفوی ها را	انقلابات داخلی ایران	»	»	مخص	محض
»	»	خاتمه داده	را خاتمه داده	۳۹۲	۴	کون فی سش	کنفو سیوس
۳۶۹	۲۶	در سنه ۶۶۴	در سنه ۶۶۴ میلادی	»	»	مذهب بدها	بودائی ها
»	۳۰	صنف داخلی	ضعف داخلی	»	۱۶	کرد نمود	کرد
»	۳۳	متفرقات	متصرفات	»	۱۷	با سنگ	با سونگ
۳۷۰	۲	مکدان	مکران	۳۹۷	۴	صانج	صالح
»	۱۸	ناصرخان پسرش را	ناصر خان را	۳۹۸	۲۹	برونیک	برونی
»	۲۱	فوتید	فوت کرد	»	۳۳	راجاه	راجا
۳۷۲	۱۰	سلاسله	سلاله	»	۳۶	کوجنگ	کوچنگ
۳۷۴	۲	ارشاش	ارثا	۳۹۹	۹	اوگرو سمویدها	اوغرو سموی ها
۳۸۰	۲۸	شمول ادر	شمول او را	»	»	از استعمال مضرع	»
۳۸۲	۲۵	Townshend Touns hend	Townshend Touns hend	»	۱۳	اوگرو سمویدها	اوغرو سموی ها
۳۸۳	۲۸	Richardson Richard Son	Richardson Richard Son	»	۲۶	به تا	تا به
»	۳۴	بشهر بودو	بشهر یدو	»	۳۱	لنا	لینا
۳۸۶	۱	رفت و آمد تبلیغ داشته	رفت و آمد داشته و	»	۳۳	خا بروف	خایروف
»	»	تبلیغ و اشاعه	تبلیغ و اشاعه	»	»	کاسکهای	قزاقهای
»	۳	ماجا یاهه	ماجا پاهت	۴۰۵	۱۵	کزاف	گزاف
»	۴	ماجا یاهد را	ماجا پاهت را	»	۳۵	سلیون	سیلون
»	۱۰	دولت مانتارام	دولت مانتارام	۴۱۰	۴	عمان است	امان است
»	۲۸	وزیر حاکمی بامر الله	وزیر حاکم بامر الله	»	۱۶	لاحج	لاهیج
»	»	این سلاله بود	این سلاله در مصر بود	»	۲۱	مربوط میباشد و با	مربوط میباشد ولی از
۳۸۷	۱۷	العطرش را	الاطرش را	»	»	هندوستان هیچ رابطه	طرف حکومت مرکزی هند
»	۲۶	هزار	هزاران	»	»	ندارد البته از سنه	اداره میشود البته از سنه
۳۸۸	۵	رسم الخط آنها	رسم الخط آن	»	»	۱۹۲۷	۱۹۲۷
»	۱۰	میگلن	میگلن یرتگالی	۴۱۳	۸	شوسه	سوسها

غلطنامه

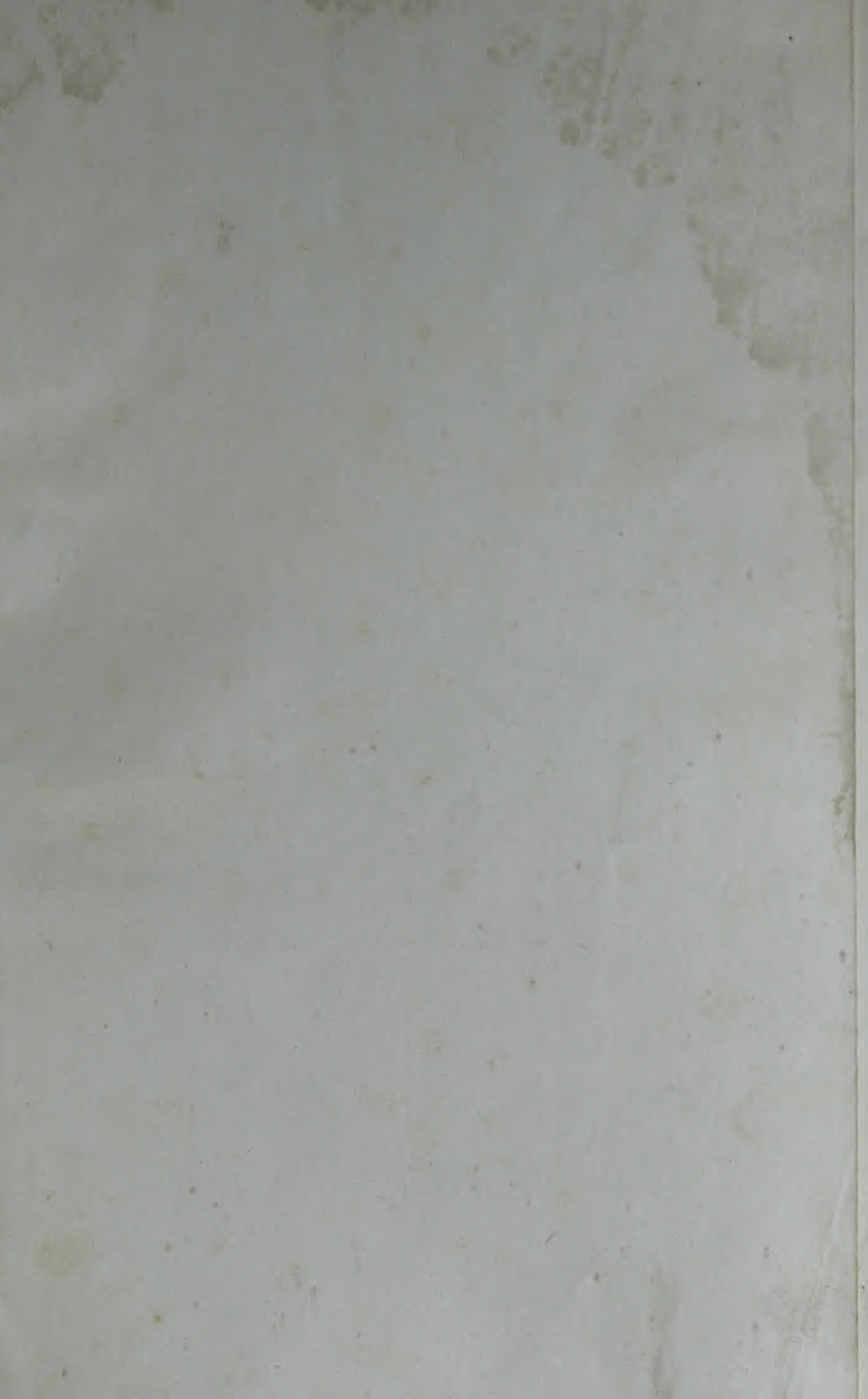
صفحه	سطر غلط	صحیح	صفحه	سطر غلط	صحیح
۴۱۳	۸ شوسه	سوسها	۴۲۶	۱۸ مورویاوی نامیدند	مورویا نامیدند
»	۱۰	»	۴۲۷	۲ بوگتی	بوگتی
»	۱۳ بتولی سوم	بطلیموس	»	» توشکی	توشکی
»	۲۴ اوریلان	وریلان	»	۱۱ قریشی است. رئیس قریشی است و (جام)	قریشی است. رئیس قریشی است و (جام)
۴۱۵	۴ قیوتلی	قیونلی	»	» (جام)	(جام)
»	»	»	»	» تحایف	تحایف
»	»	»	»	»	»
»	۱۲ نتونستند	نتوانستند	۴۲۹	۸ رقم	رقم
»	۲۱ فجتان	فحطان	۴۲۹	۹ کراف	کراف
۴۱۷	»	»	»	» رقم	رقم
»	۲۵	»	»	۱۱ زبیر	زبیر
»	۲۶ قبائل ازدی	قبائل حمیری	»	۱۲ دیگر	دیگر
»	۲۸ غسان	بنو غسان	»	۱۷ شیول	شیول
»	۲۹ فجتانی	فحطانی	۴۳۱	۷ شهنشاه	شهنشاه
۴۱۸	۱	»	»	» و کوریا	و کوریا
»	۹ مفر	مضر	»	۱۲ کا تقلیوسی	کا تقلیوسی
»	»	»	»	۲۰	»
»	۱۰ قهر	قهر	»	۲۱ قدیم نمایان	قدیم مقام نمایان
»	۱۱ محزوم	محزوم	۴۳۳	۵ (بکسر ها)	(بو کسر ها)
»	۱۷ بشا میرفت	بشار میرفت	۴۳۴	۱۷ تجارت تریاک	و منع تجارت تریاک
»	۲۴ اکتفا نکرده	اکتفا نکرده قسمت	۴۳۶	۳ کیلومتر ۷۵۷ ر ۱۳۳ کیلومتر
»	امیراطوری	بزرگ امیراطوری	»	» نفر است ۱۸۲ ر ۸۸۸ ر ۳
۴۱۹	۳۳ مقامات ذیل	مقام ذیل	»	»	نفر است
۴۲۰	۱۵ یکی بعد	یکی بعد از	»	۲۸ در قرن ()	در قرن (۱۴)
۴۲۱	۱۹ اسرائیلی ها	اسرائیلی ها	»	۲۹ مسلمانان جزیره بود	مسلمانان این جزیره نما بود
۴۲۲	۱۱ بتولی	بطلیموس	۴۳۷	۱۰ (ینیا نک)	(ینیا نک)
»	۱۴	»	»	» سنگاپور	سنگاپور
۴۲۴	۲۲ عسکه	عکه	»	۱۴ پراک	پراک
»	۲۶ متخلین مضر	مبلغین نصرانی	»	۱۰ پراک سیلانگور	پراک، سیلانگور
»	۳۲ مغلها ی آسیا	مغلها ی چنگیزی در آسیا	»	۲۱ کنده	کنده
۴۲۵	۱ مملوک	ممالیک	»	۲۳ مسافه آن	مساحه آن
۴۲۶	۷ که از بان	که از زبان	۴۳۸	۱۹ کله ها	کله ها
»	»	»	»	۲۳ در حائل	در حیل
»	»	»	»	۲۹ عشیر را	عسیر را
»	»	»	»	» حائل و دیگر	حیل و دیگر
»	»	»	۴۳۹	۱۳ Kni loch	Kinloch
»	۱۲ میگن هسیانوی بدین میگن یرتگالی الاصل	»	۴۴۰	۱ هند چین	هند چین
»	جزائر	باقوه بحری بدین جزائر	»	۲۵ کامبود جیه	کامبود یا

سالنامه « کابل »

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۴۴۱	۱۰	یس از دو سلطان	یس از دو حکمران	»	۱۵	در جزیره دیو	در سه جزیره دیو
»	۱۶	چیتی	چینی	»	»	ودمن در بمبئی	ودمن و بمبئی
»	۱۹	تاجر مخصوص	تاجر ان مخصوص	»	۱۸	در پوران	در پوران ها
»	۲۰	تمام بتعه	تمام تبعه	»	»	بنام گواپوری	بنام گواپوری
»	۲۶	صلای استرلیا	طلای استرآلیا	»	۲۱	هندو جهانگیر گردید	هندو جیا نگر گردید
۴۴۳	۹	هبارت را	بهارت را	»	۲۶	تبلیغ مسیحیت در	و مرکز تبلیغ مسیحیت
»	۱۳	در اویدی مینامیم بعد از آن مردمیکه آنها را عموماً در اویدی مینامیم	در اویدی مینامیم بعد از آن مردمیکه آنها را عموماً در اویدی مینامیم	»	۲۷	درین کار	درین بندرگاه
»	۱۷	بلند تر بود رنگ وین بلند تر بود بعد از آن	بلند تر بود رنگ وین بلند تر بود بعد از آن	»	»	(بعد ازین دفعه و چندین دفعه	او گلی
»	۱۹	در سنه ۲۵۰۰ ق م در حدود سنه ۲۵۰۰ ق م	در سنه ۲۵۰۰ ق م در حدود سنه ۲۵۰۰ ق م	»	»	پول ها زمین میدادند	پول ها و زمین میدادند
»	۵	بعضی شاهیت ها	بعضی شاهی	»	۲۳	کرا ناتک	کر ناتک
۴۴۴	۱۱	تابد ریای بیاسی	تابد ریای بیاس	»	»	و جنگلهای دول	و جنگلهای دول
»	۱۲	در شوشی	در سوسا	»	۲۴	میسور حیدر آباد	میسور و حیدر آباد
»	۳۰	سیه سالار یوش یا متراسنگا	سیه سالار پشیا متراسنگا	»	۳۳	از سنه ۱۷۶۳	در سنه ۱۷۶۳
»	۳۵	خاتمه می یابند	خاتمه می یابد	»	۷	ینام	ینام
»	۲	یوشیا متر	یشیا متر	»	۸	نیست های	هیئت های
۴۴۵	۵	وکاهیا وار را	وکاتها وار را	»	۱۱	به ها کمیت	به حاکمیت
»	۳۵	بتهندا	بتهندا	»	۱۶	شعیه	شیعه
»	۶	کاهیا	کاتها وار	»	۳۰	و در (هاوانکو)	و در طاس (هاوانگ هو)
۴۴۷	۳۱	اکسس الی	اکسس (آمو) الی	»	۱	از طرف شمال غرب	از طرف شمال شرق
»	۴	نورسه اکبر	نواسه اکبر	»	۹	ولی مدنیت	اما مدنیت
»	۱۰	قولیج خان	قلیج خان	»	۲۱	بودائی به چین	بودائی هند به چین
»	۱۳	احمد شا	احمد شاه	»	۲۲	و فنون تاروپا	و فنون هندی تاروپا
»	۲۰	کم کردن	گم کردن	»	۴	در هر حصه آن	در هر حصه نواحی آن
»	۲۸	در بندر سورت	در بندر سورت	»	۱۰	میکرده	میکرد
»	۴	در جنگ روگلی	در جنگ هوگلی	»	۱۱	تبادل	تبادله
۴۴۹	۸	ادای تادیه سالیانه	ادای مالیه ۲۰۰۰۰ ر ۴۰۰ ر	»	۳۳	اثر خارج	اثر خارجی
»	»	سرپرستی مالیه دیوان	که پرستی مالیه (یعنی منصب	»	»	مداخلات روپائیها	مداخلات اروپائیها
»	»	بنگاله را تقویض	دیوان بنگاله را تقویض	»	۲۷	(که کمتر از یک	که کمتر از نیم ساعت
»	۱۵	بواسطه سیاست واران	بواسطه سیاست واران	»	»	ساعت باشد)	ساعت باشد
»	»	مرهته	مهراته	»	۲۸	وقت معاری	وقت معیاری
»	۲۳	را جنگال	را جگان	»	۹	ساعت ۱۱	ساعت ۱۳
»	۲	قشون برطانی	قشون برطانوی	»	۲۲	ساعت ۱۱	ساعت ۱۳
۴۵۰	۳	قیام بزرگی مشهور بغزا بر ضد	قیام بزرگی بر ضد	»	۲۹	متجده امریکای	جاهیر متجده
»	»	»	»	»	»	شمالی	امریکای شمالی
»	»	»	»	»	۴	ساعت ۱۱	ساعت ۱۳

غلط نامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۴۶۱	۸	ساعت ۱۱	ساعت ۱۳	۴۷۲	۲۲	سلفید	سلفات
»	۱۰	یرتگال	یرتگال	۴۷۳	۱	تریك افیون	تریك - افیون
»	۱۳	۰	مملکت	»	۱۴	مصالح	و مصالح
»	۱۶	متحدہ امریکای شمالی	مکسیکو	»	۱۶	سلفید	سلفات
»	۱۸	»	»	»	»	مک نیشن ادویه	مک نیشیا داده شود و
»	۱۹	ونکود	ونکوور	»	»	مقوی	بالاخره ادویه مقوی
»	۲۱	وینی ییک	وینی ییک	»	»	سفوف	مسفوف
۴۶۳	۱۳	ایر	لیره	»	»	ویرونال لومی نال	ویرونال لومی نال
»	۱۶	بولیو یا	بولیو یا	»	»	الک زلک	اگر الک
»	»	بولینو یا نو	بولیو یا نو	»	»	قی ولی برای	برای قی آوردن
»	۳۴	لیو	لیو	»	»	بهترین معلومات صحی	بهترین معلومات صحی
۴۶۳	۴	سگاپور	سنگاپور	»	»	بالای خط	۴۷۵
»	۱۵	گواتمالا	گواتمالا	»	»	نکردند	نکردند
»	۲۱	کلدار (فلورین)	گلد ر (فلورین)	»	»	نموده	نمود
»	۲۷	هاندو ارس	هاندو ر اس	»	»	مرضایکه	مرضایکه
»	۳۲	پورو گوی	پورو گوی	»	»	بالای خط	۴۷۷
۴۶۴	۱	و مقیاسات	مقیاسات	»	»	خود زنده گی	خنک زدگی
»	۷	سوبو	تسوبو	»	»	یک مراتبه	یک مرتبه
۴۷۱	»	بالای خط زهریات و جلوگیری	معلومات صحی	»	»	ریوی	ریوی
»	۱	از تاثیر آنها	»	»	»	پیش در جمیع	پیش در جمیع
»	۱۱	در معده از تحلیل	در معده با سم یک مرکب	»	»	بهترین معلومات صحی	معلومات صحی
»	۱۵	تنها آب شیر گرم نیز	تنها آب شیر گرم نیز	»	»	Papillae	Papilla
»	»	کافی است چه از اثر	کافیست و طریق	»	»	معلومات	معلوم
»	»	در کامیابی بطور	استعمال آن چنین	»	»	تنفس	تنفس
»	»	کافی خوردن آب	است	»	»	از والد	از والد
»	»	شیر گرم بوده و	»	»	»	از وض چیچک	از مرض چیچک
»	»	طریق استعمال آن	»	»	»	بهترین معلومات زراعتی	زراعت و فلاح
»	»	چنین است	»	»	»	تاجی از برگ ...	تاجی از برگ
»	»	»	»	»	»	بطور جائز	بطور جائز
»	»	»	»	»	»	Baron Pierre	Baron Pierre
»	»	»	»	»	»	de Coubertin	dn
»	»	»	»	»	»	اولمیا	اولمپی
»	»	»	»	»	»	وفود	افو اد
»	»	»	»	»	»	لیکراس	مکراس
»	»	»	»	»	»	اولاد ذکور	اولاد ذکو
»	»	»	»	»	»	(۵۰)	(۵)
»	»	»	»	»	»	اولاد ذکور	اولاد مذکور
»	»	»	»	»	»	»	»



اعلان

شائقينکه خواهش اشتراك مجله و خريداري سالنامه موجوده و سالنامه

سال گذشته کابل را داشته باشند با آدرس ذيل مراجعه بفرمايند :

آدرس : انجمن ادبي کابل ، جاده ارگ .

مخابرات تلگرافي : کابل ، انجمن .

مخابرات با «شهرزاده احمد علي خان دراني» مدير انجمن ادبي کابل است .

Avis

Les personnes désireuses de s'abonner à la REVUE DE KABOUL ou d'acheter le présent ou le dernier exemplaire de l'Annuaire de la REVUE DE KABOUL sont priées de s'adresser à: CHAHZADAH AHMED ALI KHAN DOURANI Directeur du CERCLE LITTÉRAIRE DE KABOUL, DJADA-I-ARG (Kaboul).

Adresse Télégraphique: KABOUL, ANDJOUHAN.



مکتبہ جامعہ اسلامیہ
لاہور

۲۳۸



